



به نام خداوند جان و خرد



شصت سال صبوری و شکوری

(خاطرات دکتر ابراهیم یزدی)

جلد هفتم - دفتر دوم

ان‌شغال سفارت آمریکا، گروگان‌گیری،

مأموریت مجلس و بیانیه‌های الجزایر

۱۳۵۹/۱۰/۳۰ - ۱۳۵۸/۸/۱۳

فهرست

مقدمه	۱۷
فصل اول: اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری کارداران و کارمندان	۲۳
کاردار سفارت آمریکا در وزارت خارجه	۲۳
نگهداری کاردار و همراهانش در وزارت خارجه	۲۳
کمک‌خواهی وزارت امور خارجه از نیروهای انتظامی برای حفاظت از کاردار سفارت آمریکا	۲۴
اشغال انقلابی سفارت آمریکا	۲۵
گزارش خبری از اشغال سفارت آمریکا	۲۶
عامل آمریکا در داخل گروگان‌گیرها	۲۸
بیانیه‌های دانشجویان	۲۹
اعتراض به آمریکا جهت پناه دادن و استفاده از شاه جنایتکار	۲۹
واکنش امام به اشغال دوم سفارت آمریکا	۳۰
آخرین تحولات حادثه اشغال سفارت آمریکا	۳۱
تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان	۳۲
داخل سفارت	۳۲
گروهی که اعانه جمع می‌کنند با دانشجویان پیرو خط امام رابطه ندارند	۳۴

- ۳۴ مستشاران آمریکایی باید اخراج شوند
- ۳۵ سفارتخانه‌های دیگر را اشغال نکنید
- ۳۵ خواستار قطع نفت شدند
- ۳۵ اعتراض به ایران
- ۳۶ انگیزه گروگان‌گیری
- ۳۷ اسامی و مشخصات برخی از دانشجویان اشغال‌کننده سفارت آمریکا
- ۴۳ حمایت شخصیت‌ها، گروه‌ها و احزاب از اشغال سفارت و گروگان‌گیری
- ۴۳ دانشجویان ایرانی خود را با زنجیر به مجسمه آزادی بستند
- ۴۵ پشتیبانی نمایندگان مجلس از اشغال سفارت و گروگان‌گیری
- ۵۹ اظهار پشیمانی از حمایت
- ۶۰ اعلامیه وزارت امور خارجه آمریکا
- ۶۰ انتخاب و اعزام نمایندگان کارتر به ایران
- ۶۲ توقف در استانبول
- ۶۳ حرکت دیپلماتیک ساف
- ۶۵ هیئت اعزامی عرفات، ساف و گروگان‌گیری
- ۶۵ حمله به یاسر عرفات
- ۶۶ وزیر امور خارجه جدید
- ۶۶ تلاش شورای امنیت سازمان ملل
- ۶۹ توقیف اموال و سپرده‌های ایران در آمریکا
- ۷۰ سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران
- ۷۰ سفر یک هیئت آمریکایی به تهران
- ۷۷ مصاحبه نمایندگان مردم آمریکا

- نمایندگان ملت آمریکا طی مصاحبه‌ای گفتند: مردم آمریکا پذیرفته‌اند که شاه فاسد و جنایتکار بوده ۸۰
- اطلاعیه هیئت ویژه ملت آمریکا ۸۱
- هنوز عده‌ای در آمریکا معتقدند نباید گذاشت هیچ جنبش آزادی‌بخشی در جهان سوم به پیروزی برسد ۸۲
- محاكمه عملکرد سیاست خارجی دولت آمریکا در ایران ۸۶
- غرامت سلب آزادی ۸۸
- طرح دکتر یزدی برای تشکیل دادگاه علیه آمریکا ۹۱
- حرکات احتمالی آمریکا ۹۲
- تنها راه برای آمریکا ۹۳
- محاكمه گروگان‌ها ۹۴
- طرح محاكمه عملکرد دولت آمریکا در ایران ۹۵
- در مورد گروگان‌ها ۹۶
- اطلاعیه دکتر یزدی درباره سفر شاه به آمریکا ۹۷
- بعداظهر دیروز صورت گرفت: ملاقات دکتر یزدی با امام درباره محاكمه گروگان‌ها و آینده سیاسی کشور ۹۸
- دیدار دکتر یزدی با آیت الله شریعتمداری ۹۹
- مهندس بازرگان طی سخنانی در پادگان لویزان: در اسلام تصمیم با اولی الامر است .. ۹۹
- دستور امام برای تشکیل دو هیئت بین‌المللی ۱۰۰
- ۲۴ شخصیت بین‌المللی از سراسر دنیا به ایران دعوت شدند ۱۰۱
- اگر ایران گروگان‌ها را محاكمه کند، آمریکا نمی‌تواند آسوده بنشیند! ۱۰۲
- نظر رسمی آمریکا در مورد محاكمه گروگان‌ها ۱۰۳

- ۱۰۴ محاکمه سیاست خارجی آمریکا در ایران
- ۱۰۴ تأیید امام از طرح محاکمه گروگان‌ها
- ۱۰۵ نامه [جیمی کارتر به امام خمینی
- ۱۰۶ پیشنهاد آزادی گروگان‌ها به مناسبت میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)
- ۱۰۶ همایش رسیدگی به جنایات شاه و دستور تشکیل دادگاه
- ۱۰۶ پیام آقای خمینی به کنفرانس
- ۱۱۸ احضار مهندس امیرانتظام به ایران و بازداشت او
- ۱۱۹ انتشار گزینشی اسناد سفارت از سوی دانشجویان
- ۱۲۳ واکنش و اعتراض مهندس بازرگان
- ۱۲۳ «انقلاب و ارتباط‌های سیاسی
- ۱۲۶ الف - هدف‌ها و برنامه‌ها
- ۱۲۷ ب - ترتیب کار و نتایج حاصله
- ۱۲۹ دوران بحران و انقلاب
- ۱۳۷ قطع روابط دیپلماتیک با آمریکا
- ۱۳۸ گروگان‌گیری - تهاجم نظامی
- ۱۳۹ گرمسار - ورامین
- ۱۳۹ حرکات مشکوک در گرمسار - ورامین
- ۱۴۰ منفجر کردن هلی‌کوپتر آمریکایی در صحرای طبس
- ۱۴۱ ۱- حقایق بر مبنای شواهد عینی
- ۱۴۱ الف - زمان و مبداء حرکت نیروهای متجاوز
- ۱۴۲ ب - تعداد و نوع وسایل
- ۱۴۲ پ - طرح به‌دست آمده

ت - رویدادهای بعد از فرود و علت لغو عملیات	۱۴۳
۲- شایعات	۱۴۴
عملکرد سازمانها و مقامات مسئول در رابطه با این مسئله	۱۴۴
نکات مبهم و سؤالهای موجود در رابطه با عملکرد سازمانهای مسئول	۱۴۶
بازتاب شکست	۱۴۹
حمله به خوزستان و اشغال منابع نفتی ایران	۱۵۰
توقیف اموال ایران در آمریکا	۱۵۱
کمیسیون تحقیق بین المللی	۱۵۱
چرا کمیسیون تحقیق بی نتیجه از ایران رفت	۱۵۳
آزادی گروگانها و اخراج یا استرداد شاه مخلوع	۱۵۶
تحلیل و نقد اشغال سفارت و گروگان گیری	۱۵۷
گفتگو با دکتر یزدی درباره اشغال سفارت آمریکا، گروگان گیری و... ..	۱۵۷
پیوستها و یادداشت های فصل یکم	۱۷۰

فصل دوم: مأموریت مجلس شورای اسلامی در حل و فصل موضوع گروگانها و

بیانیه الجزائر	۲۱۷
مقدمه	۲۱۷
حمله نظامی آمریکا و حادثه طبس	۲۱۹
مجلس و گروگانها	۲۲۰
مجلس و حل مسئله گروگانها	۲۲۱
آغاز کار مجلس و بررسی شرایط آزادی گروگانها	۲۲۲
نامه کمیسیون امور خارجه به رئیس مجلس	۲۲۳

گزارش روزنامه میزان درباره چگونگی پاسخ نمایندگان مجلس به نامه نمایندگان	
کنگره آمریکا	۲۳۳
بررسی پاسخ به نامه نمایندگان کنگره آمریکا در کمیسیون امور خارجه	۲۳۷
جلسه ۱۳۵۹/۶/۵	۲۳۸
جلسه ۱۳۵۹/۶/۹	۲۴۱
جلسه ۱۳۵۹/۶/۱۱	۲۴۲
جلسه ۱۳۵۹/۶/۱۵	۲۴۳
جلسه ۱۳۵۹/۶/۱۶	۲۴۴
جلسه ۱۳۵۹/۶/۲۳	۲۴۵
جلسه ۱۳۵۹/۶/۲۶	۲۴۸
جلسه ۱۳۵۹/۶/۳۱	۲۴۹
متن نامه نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی خطاب به کنگره آمریکا ...	۲۵۱
ترجمه انگلیسی نامه به مجلس نمایندگان آمریکا	۲۶۴
دومین نامه نمایندگان کنگره آمریکا به مجلس ایران	۲۷۴
نامه دسته جمعی دیپلمات‌های اروپایی مقیم تهران	۲۷۵
متن اصلی نامه سفرای خارجی در تهران به رئیس مجلس شورای اسلامی درباره	
گروگان‌ها	۲۷۶
نامه خانواده‌های گروگان‌ها	۲۷۷
نامه ژرژ هانسن، نماینده کنگره آمریکا به مجلس ایران	۲۷۸
نامه‌ای از مردم آمریکا	۲۸۱
کمیته اضطراری برای صلح در خلیج فارس و آزادسازی گروگان‌های آمریکایی	۲۸۲
نامه‌ای دیگر از مردم آمریکا	۲۹۲

۲۹۳ طرح جدید نمایندگان مجلس
۲۹۳ پیشنهاد تشکیل کمیسیون ویژه مسئله گروگان‌ها در مجلس
۲۹۴ تظاهرات علیه آمریکا
۲۹۵ رسیدگی به مسئله گروگان‌ها
۲۹۶ بودجه جنگی
۲۹۶ در برابر آمریکا خواهیم ایستاد
۲۹۷ اظهارات دکتر یزدی
۲۹۸ سخنان خلخالی
۲۹۸ گزارش روزنامه میزان از جلسه مجلس درباره بررسی وضع گروگان‌ها
۲۹۹ تعیین چهارچوب
۳۰۰ گروگان‌گیری بزرگ‌تر از انقلاب
۳۰۰ تصمیم شدید
۳۰۲ گروگان‌گیری است، نه جاسوس‌گیری
۳۰۲ پایگاه امام زمان
۳۰۳ کودتای ترکیه
۳۰۴ پیشنهادهای آقامحمدی
۳۰۶ گروه فرقان
۳۰۷ انتخاب هیئت ویژه
۳۰۸ گزارش هیئت ویژه
۳۰۸ متن گزارش کمیسیون ویژه
۳۱۲ برگشت به ۱۷ شهریور
۳۱۲ تذکر موسوی خویننی‌ها
۳۱۲ نمایندگان مجلس و گروگان‌ها

قانون راجع به حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با	
دولت آمریکا	۳۱۳
حکم نخست‌وزیر به مهندس بهزاد نبوی	۳۱۴
اقدامات دولت رجایی	۳۱۵
مذاکرات جلسه ۲۹ آبان ۱۳۵۹ میان هیئت ایرانی و الجزایری	۳۱۶
متن یادداشت دولت آمریکا	۳۱۹
اعلامیه‌ها و امریه‌های ریاست جمهوری آمریکا	۳۲۳
کاخ سفید واشنگتن - اعلامیه رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا	۳۲۴
اعلامیه رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا - برقرار ساختن برنامه دعاوی ...	۳۲۴
امریه اجرایی ابطال ممنوعیت علیه معاملاتی که ایران در آن دخیل می‌باشد	۳۲۵
فرمان ریاست جمهوری آمریکا برای لغو موانع مربوط به معاملات با ایران	۳۲۶
امریه اجرایی: اجازه برای انتقال دادن اموال ماوراء بحار دولت ایران	۳۲۷
امریه اجرایی: اجازه برای انتقال قسمتی از اموال دولت ایران	۳۲۸
امریه اجرایی: محدودیت‌هایی درباره انتقال دادن اموال شاه سابق ایران	۳۲۹
امریه اجرایی: اجازه به فدرال رزرو بانک نیویورک برای انتقال پاره‌ای از اموال دولت	
ایران	۳۳۱
امریه اجرایی: اجازه برای انتقال قسمتی از دارایی‌های دولت ایران به مؤسسات مالی	
کشور ثالث	۳۳۱
مذاکرات جلسه یکم آذرماه ۱۳۵۹	۳۳۳
مذاکرات جلسه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۹	۳۴۸
بیانیه دولت الجزایر در رابطه با مسئله گروگان‌ها	۳۴۸
مذاکرات جلسه ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹	۳۴۹

- تشریح بیانیه دولت الجزایر در رابطه با مسئله گروگان‌ها ۳۴۹
- مذاکرات جلسه ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹ ۳۵۳
- مذاکرات جلسه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹ ۳۵۸
- دستور مذاکرات با هیئت الجزایری (پیرو مذاکرات جلسه ۱۳۵۹/۹/۱۹) ۳۶۴
- جواب رسمی ایالات متحده به تقاضای ایران درباره اطلاعات مربوط به اموال و دارایی‌های شاه مخلوع ۳۶۷
- مذاکرات جلسه ۲۷ آذر ۱۳۵۹ ۳۶۷
- مذاکرات جلسه ۲۷ آذر ۱۳۵۹ ۳۶۸
- مذاکرات جلسه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۹ ۳۷۰
- جواب رسمی آمریکا به سؤال راجع به ادعاهای آمریکا مربوط به انقلاب ایران ۳۷۳
- گزارش ملاقات ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ ۳۷۴
- فرمان ریاست جمهوری آمریکا ۳۷۹
- عدم پیگیری شکایات ناشی از گروگان‌ها و شکایات مربوط ۳۷۹
- دستور پایان دادن به تمام منازعات مربوط به دارایی‌های ایران و انتقال دارایی‌هایی که در ایالات متحده قرار دارند ۳۸۰
- فرمان ریاست جمهوری برای اجازه انتقال بعضی دارایی‌های دولت ایران به یک مؤسسه مالی یک کشور ثالث ۳۸۱
- فرمان ریاست جمهوری آمریکا درباره انتقال اموال دولت ایران به خارج ۳۸۲
- فرمان ریاست جمهوری آمریکا درباره اجازه به فدرال رزرو بانک نیویورک برای انتقال بعضی اموال دولت ایران ۳۸۴
- فهرست اعلامیه‌ها و فرمان‌های ریاست جمهوری آمریکا ۳۸۵
- اعلام رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر عدم مداخله در ایران ۳۸۵

۳۸۶	توضیحات مربوط به پاسخ‌های ایالات متحده
۳۸۷	پاسخ‌های ایالات متحده
۳۸۹	مذاکرات جلسه ۱۷ آذرماه ۱۳۵۹
۳۹۱	مذاکرات جلسه ۳ دی‌ماه ۱۳۵۹
۳۹۱	پاسخ دولت ایران به دولت آمریکا
۳۹۲	عدم مداخله در ایران
۳۹۳	روش اجرایی بند دوم و سوم مصوبه مجلس شورای اسلامی
۳۹۳	قسمت اول - اقدامات دولت آمریکا
۳۹۵	قسمت دوم - اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران
۳۹۸	بیانیه دولت الجزایر درباره حل و فصل اختلافات ایران و آمریکا
۴۱۳	آزادی گروگان‌ها: گزارش دولت
۴۱۸	تعهد ایالات متحده
۴۲۴	بررسی انتقادات
۴۲۸	پرسش‌های اعضای کمیسیون امور خارجه از دولت درباره بیانیه الجزایر
۴۳۱	نامه دکتر یزدی به آقای رجایی نخست‌وزیر - ۱۳۵۹/۱۱/۱۵
۴۳۲	نامه دکتر ابراهیم یزدی به رئیس باک مرکزی درباره گروگان‌گیری و
۴۳۲	پاسخ آقای نوبری به نامه دکتر یزدی
۴۳۳	نامه مهندس عزت‌الله سحابی به هیئت رئیسه مجلس درباره بیانیه الجزایر
۴۳۶	نقد و بررسی بیانیه‌های الجزایر و قراردادهای الحاقی
۴۳۷	پاسخ بهزاد نبوی به انتقادات از بیانیه‌های الجزایر
۴۳۸	دیوان داوری ایران - ایالات متحده، نوشته بهزاد نبوی
۴۳۸	«الف - نکات کلی

ب - پاسخ‌ها به نقد بیانیه عمومی	۴۴۷
پ - انتقادات به حکمیت یا داوری	۴۵۳
ت - نتایج اجرای بیانیه الجزایر	۴۵۵
نامه دکتر یزدی به رئیس مجلس در اعتراض به سخنان آقای بهزاد نبوی	۴۶۵
تشکیل دیوان بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا	۴۶۶
نخستین مرحله کار دیوان بین‌المللی برای حکمیت درباره اختلاف‌های مالی ایران و آمریکا	۴۶۸
تخلفات آمریکا از بیانیه‌ها	۴۶۹
اظهارنظرها پس از آزادی گروگان‌ها	۴۷۱
پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل دوم	۴۷۴
نمایه	۵۳۳

مقدمه

در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ مردم ایران طی اعلامیه‌ای با امضای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مطلع شدند که سفارت آمریکا در تهران به اشغال عده‌ای از دانشجویان درآمده است و کارکنان ایرانی و آمریکایی سفارت بازداشت شده‌اند.

این دانشجویان ابتدا اظهار کردند قصد دارند سفارت را چند روزی در اشغال خود داشته باشند؛ سپس آنجا را ترک خواهند کرد، اما چنین نشد و اشغال سفارت و گروگان‌گیری به مدت ۴۴۴ روز ادامه پیدا کرد.

افزون بر اشغال سفارت و گروگان‌گیری، دانشجویان مزبور، کارهایی کردند که در بافت سیاسی جامعه ایران، اثرات زودرس و دیررس فراوانی برجای گذاشت. آنان برای مدتی جو غالب سیاسی را به دست گرفتند و در پی آن، گروه‌های انحصارطلب و بازیگران قدرت سیاسی، در این مدت بازی‌ها کردند و مانورها دادند و با سوار شدن بر موج ایجادشده، به تحکیم مبانی قدرت خود پرداختند.

به کاری که دانشجویان انجام دادند، در گفتمان سیاسی «توطئه» گفته می‌شود. انقلابی در ایران رخ داده است: این انقلاب یک رهبر دارد، یک شورای انقلاب و یک دولت مسئول اداره کشور شده است. تعدادی دانشجو در اتاق در بسته تصمیم می‌گیرند بدون اطلاع رهبری و مسئولان کشور، به سفارت آمریکا حمله کنند، اعضای سفارت را گروگان بگیرند و رهبر و مسئولان و کشور را در برابر یک عمل انجام‌شده قرار بدهند. در جریان نبودن مسئولان کشور، به ویژه رهبر انقلاب از آن رو گفته می‌شود که وقتی من از اشغال سفارت آمریکا مطلع شدم، عصر روز یکشنبه به شهر قم نزد امام خمینی رفتم و داستان را با ایشان در میان گذاشتم. وقتی امام خمینی از جریان اطلاع یافتند، به من گفتند بروم و آنها را بیرون بریزم [۱].

واکنش امام به اشغال دوم سفارت^۱ آمریکا

یکی از دانشجویان مسئول عملیات اشغال سفارت نیز سخنان ابراهیم یزدی را تأیید می‌کند که «هماهنگی بعدی با حضرت امام بود. قرار بود آقای خویینی‌ها خبر را به حضرت امام بدهد و تأییدیه بگیرد. بعدها فهمیدیم که ایشان موضوع را با امام هماهنگ نکرده بودند، و بعد از اشغال سفارت آمریکا خبر را به امام می‌دهند، اما در آن ابتدا تأییدیه‌ای از جانب ایشان صادر نشد. امام حاج احمد آقا را به تهران اعزام کردند برای اینکه بیایند تا از جزئیات مسائل بیشتر اطلاع پیدا کنند» (به نقل از بحران ۴۴۴ روزه در تهران، ص ۱۰۳).

آقای خمینی در روز ۱۳ آبان در سالروز شهادت دانش آموزان و دانشجویان دانشگاه اصفهان که به دیدن ایشان رفته بودند، هیچ سخنی درباره اشغال سفارت نگفت، اما ۳۶ ساعت بعد، در ۱۳۵۸/۸/۱۴ طی یک سخنرانی برای کارکنان بیمه ایران گفتند: اشغال سفارت آمریکا، انقلاب دومی بزرگ‌تر از انقلاب اول است.

حمله آمریکا در طبرس، جنگ ایران و عراق، محاصره اقتصادی، از بین رفتن میلیاردها دلار ذخایر و سپرده‌های ارزی ایران، ایجاد شکاف و نفاق در جبهه داخلی ملت از طریق اقدامات و عملیات غیراسلامی به اصطلاح افشاگرانه و ... مسائلی هستند که باید ریشه‌یابی شوند و مورد بررسی دقیق قرار گیرند و بالاخره اینکه گروگان‌ها در نهایت چگونه آزاد شدند؟ در مجموع دستاورد ملت از این اقدامات چه بود؟ تأثیر و رابطه اشغال سفارت و گروگان‌گیری با حمله عراق به ایران چه بود؟

گروگان‌های داخلی واقعی در این مدت چه کسانی بودند؟

مقامات سفارت آمریکا در تهران در گزارش‌های متعدد خود به دولت آمریکا هشدار داده بودند که اگر شاه را به آمریکا ببرند در ایران به سفارت حمله و گروگان‌گیری خواهد شد. پس چرا بردند؟ چه جناحی در آمریکا به دنبال آن بود که به شاه اجازه ورود به آمریکا داده شود؟

۱. نخستین بار، سفارت آمریکا در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ از سوی برخی گروه‌های انقلابی اشغال شد که با فرمان آیت‌الله خمینی و مدیریت دکتر یزدی، در کمتر از دوازده ساعت به اشغال سفارتخانه پایان داده شد. شرح کامل آن رویداد در جلد چهارم خاطرات دکتر یزدی آمده است (ویراستار).

ماجرای گروگان‌گیری را باید در دو بخش بررسی کرد: بخش اول این است که دانشجویان اعلام کردند پس از دو یا سه روز از سفارت بیرون خواهند آمد و گروگان‌ها را آزاد خواهند کرد، اما چنین نشد و گروگان‌گیری ۴۴۴ روز ادامه یافت. چه دست‌هایی و چه عواملی موجب ادامه گروگان‌گیری برای ۴۴۴ روز شدند؟

یکی از اولین عوامل ادامه اشغال سفارت، عوام‌زدگی دانشجویان بود. هیجان و واکنش مردم به اقدام دانشجویان آنچنان بود که دانشجویان خود به گروگان‌های عمل خود تبدیل شدند و رهبران و مسئولان کشور و ملتی را هم گروگان اشغال سفارت کردند. اما ادامه گروگان‌گیری تنها به علت هیجان‌ات و استقبال مردم نبود. نقش حزب توده و گروه‌های چپ و چپ‌زده و نیز، و شاید مهم‌تر از آن، تأثیر میزان نقش عناصر نفوذی در ادامه گروگان‌گیری بسیار چشمگیر بود. هر یک از این عوامل را باید به دقت بررسی کرد.

ادامه گروگان‌گیری، موجب شکست کارتر و روی کار آمدن دست راستی‌ترین گروه سیاسی هوادار صیهونیست‌ها شد. صیهونیست‌ها نمی‌خواستند **جیمی کارتر** دوباره به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شود. برای فهم چرایی این قضیه باید کتاب جیمی کارتر با عنوان: «**فلسطین، صلح می‌خواهد، نه آپارتاید**» را خواند. از این کتاب دو برگردان به فارسی چاپ شده است.^۱ در این کتاب، کارتر با صراحت اسرائیل را مسئول ادامه نا آرامی و جنگ در خاور میانه معرفی می‌کند. کارتر توضیح می‌دهد که سادات در کمپ داوید به او گفت: موافقتنامه را به شرطی امضا می‌کند که اسرائیل تعهد بدهد که قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را اجرا می‌کند و سرزمین‌های اشغالی در جنگ ۱۹۶۷ را تخلیه و به فلسطینیان وامی‌گذارد. اسرائیل این تعهدنامه را امضا کرد. علاوه بر امضای این تعهد، در «توافقتنامه کمپ داوید»، کارتر می‌نویسد: اسرائیل در دو نشست دیگر، این تعهد خود را تکرار کرده است، اما حاضر به انجام تعهدات خود نیست. تمام قرائن و شواهد حاکی از آن است که اگر کارتر برای بار دوم به ریاست

۱. جیمی کارتر، «فلسطین، صلح می‌خواهد، نه آپارتاید»، ترجمه علیرضا جباری، تهران، نشر افکار، ۱۳۸۶؛ جیمی کارتر، فلسطین: صلح نه تبعیض، ترجمه مهراں قاسمی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۶ ش.

۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

جمهوری آمریکا انتخاب می‌شد، بی‌تردید اسرائیل را مجبور به انجام تعهداتش می‌کرد. تنها و بهترین گزینه برای فرار اسرائیل از انجام تعهداتش، جلوگیری از انتخاب مجدداً کارتر از طریق ادامهٔ گروگان‌گیری بود.

یکی از کسانی که در دوران جنگ ایران و عراق با تصمیم‌سازان نظام، رابطهٔ نزدیکی داشت، معتقد است که تأخیر در آزادی گروگان‌ها برنامهٔ ایادی انگلیس بوده است. این فرد، حمیدرضا نقاشان است که در یک گفتگوی مطبوعاتی گفته است: «من معتقدم دستکاری در ایجاد تأخیر برای آزادی گروگان‌ها - که با رهبری عناصر اصلی در «سازمان مجاهدین انقلاب» و نفوذی در دولت وقت صورت گرفت - به سفارش و خواست انگلستان بوده و این خیانت به کشور و انقلاب، در حالتی از مأموریت مخفی آنان تاکنون افشا نگردیده است ... ادامهٔ گروگان‌گیری ... باعث شد جیمی کارتر از حزب دموکرات، انتخابات را باخته و رونالد ریگان از حزب جمهوری‌خواه انتخابات را برنده شود» (حمیدرضا نقاشان، گروگان‌گیری، مجلهٔ جوان، ویژه‌نامهٔ تاریخ، خرداد ۱۳۹۰).

سخنان نقاشان حایز اهمیت است. دو مسئله باید از هم تفکیک شود: نقش یک قدرت خارجی در ادامهٔ گروگان‌گیری؛ اما دربارهٔ ادعای نقاشان دربارهٔ نقش دولت انگلیس، باید تأمل کرد. انگلستان چه سودی از آن داشته است؟ بلکه این اسرائیل بود که می‌خواست گروگان‌گیری ادامه یابد تا کارتر انتخاب نشود.

اگر چه بیشتر دانشجویان گروگانگیر، از اقدامی که کرده‌اند ابراز پشیمانی کرده و آن را خطای بزرگی دانسته و از ملت ایران پوزش خواسته‌اند، اما هرگز برای ملت توضیح نداده‌اند که چرا پس از دو یا سه روز سفارت را ترک نکردند و چه کسانی موجب ادامهٔ گروگان‌گیری شدند؟ روشن شدن این پرسش برای شناخت جریان نفوذی در ساختار قدرت در ایران پس از پیروزی انقلاب، ضروری است.

در آمریکا نیز گروگان‌گیری، تمامی دستاوردهای جنبش ضد جنگ در آمریکا را از بین برد. در جلد دوم خاطراتم (هجده سال در غربت) به ویژگی‌های این جنبش و تأثیرات آن بر جامعهٔ آمریکا و مناسبات سیاسی قدرت در آمریکا پرداخته‌ام.

مقدمه □ ۲۱

پس از انتشار این تحلیل‌ها در ۲۲ شماره به‌صورت یادداشت روز و سرمقاله در «روزنامه میزان»، به جای استقبال از این تحلیل و بررسی، روزنامه را تعطیل کردند و ادامه این بحث‌ها و بررسی‌ها ناممکن شد. متن کامل این یادداشت‌ها در «مجموعه آثار، جلد سوم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۵۹» آمده است.

ابراهیم یزدی

تیرماه ۱۳۹۴

فصل اول

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

کاردار سفارت آمریکا در وزارت خارجه

در روز یکشنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ حدود ساعت ۱۰ صبح آقای دکتر علی صادقی تهرانی، معاون وزارت خارجه، تلفنی به من خبر داد که کاردار سفارت آمریکا به اتفاق یکی از کارمندان سفارت برای پیگیری برخی از مسائل به مسئول میز آمریکا (اداره چهارم) مراجعه کرده بودند که از طریق تلفن بی‌سیم که دارند به آنها خبر داده شده که عده‌ای به سفارت حمله کرده و آنجا را اشغال کرده‌اند. کاردار می‌خواهد شما را ببیند. قبول کردم. آقای لینگن همراه آقای سوئیفت، یکی از کارمندان سفارت به دفترم آمدند. برای اطلاع بیشتر از جزئیات رویداد، از طریق تلفن سفارت آمریکا با آقای موسوی خویینی‌ها صحبت کردم. ایشان گفتند ما دو یا سه روز اینجا خواهیم بود، بعد بیرون می‌رویم. آقای سوئیفت از طریق تلفن بی‌سیم که همراه خود داشت، مرتب اخبار درون سفارت را دریافت می‌کرد. آقای لینگن از من خواست از طریق تلفن روی میزم با واشنگتن تماس بگیرد. به او این اجازه را دادم، اما یک نفر را مأمور کردم بیرون از اتاق کارم، مکالمات را بشنود و یادداشت کند.

بلافاصله بعد از گروگان‌گیری در تهران، به دعوت کارتر ستاد بحران در کاخ سفید تشکیل شده بود. اطلاعاتی را که ستاد فرماندهی بحران در واشینگتن از داخل سفارت در اختیار داشت و به لینگن منتقل می‌کرد، بیش از اطلاعات ما در وزارت خارجه و یا لینگن و همراهش بود.

نگهداری کاردار و همراهانش در وزارت خارجه

در پایان این دیدار، کاردار و همراهش می‌خواستند به سفارت آمریکا برگردند که به آنها یادآور شدم تأمین امنیت دیپلمات‌های خارجی بر عهده دولت میزبان است:

۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

وضعیت شهر مناسب نیست، ممکن است تا رسیدن شما به محل سفارت، آسیبی به شما برسد؛ بنابراین، از آنها خواستم تا روشن شدن وضعیت، در محل وزارت خارجه بمانند؛ آنها هم پذیرفتند. سپس وزارت امور خارجه از نیروهای مسلح کمیته‌ها برای حفاظت هرچه بیشتر از کاردار سفارت آمریکا و همراهش دعوت کرد و بیانیه‌ای هم برای اطلاع عموم منتشر ساخت. درباره ماندن کاردار سفارت آمریکا در وزارت امور خارجه در دفتر دوم از جلد پنجم: «روابط با آمریکا» توضیحات داده‌ام.

کمک‌خواهی وزارت امور خارجه از نیروهای انتظامی برای حفاظت از کاردار سفارت آمریکا

وزارت امورخارجه برای حفاظت از کاردار سفارت آمریکا و همراهانش که از چهار روز پیش به این وزارتخانه پناه برده است، از نیروهای مسلح کمیته‌ها برای حفاظت هرچه بیشتر دعوت کرد.

اطلاعیه وزارت خارجه، درباره کاردار سفارت آمریکا و همراهانش که از چهار روز پیش به این وزارتخانه پناه برده‌اند

«به دنبال مراجعات و سؤالاتی که شده، وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران به اطلاع عموم می‌رساند که از ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه سیزده آبان‌ماه جاری، کاردار سفارت آمریکا در تهران به اتفاق دو تن از همراهانش به وزارت امور خارجه مراجعه و از آنجا که امنیت اتباع خارجی بر عهده دولت ایران است در این وزارتخانه به سر می‌برد. مراتب بلافاصله به اطلاع جناب آقای نخست‌وزیر و همچنین حضرت آقای منتظری، آقای باهنر و آقای بهشتی رسید و عموماً بدون استثنا تأکید کردند که حفظ و حراست نام‌برندگان از وظایف شرعی و قانونی دولت است و باید انجام گیرد. به همین منظور از نیروهای مسلح کمیته‌ها برای حفاظت هرچه بیشتر دعوت شده است» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۹).

شرح کامل وقایع آن روز را در ۱۳۸۳/۸/۱۲ طی مصاحبه‌ای با خبرنگاری دانشجویان ایران (ایسنا) شرح داده‌ام. این مصاحبه با عنوان «اشغال سفارت آمریکا، ۱۳ آبان ۱۳۵۸» در این خبرگزاری منتشر شده؛ همچنین در «مجموعه آثار، جلد هشتم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۳» نیز آمده است.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۵

اشغال انقلابی سفارت آمریکا - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴/۸/۱۳۵۸

ساعت ۱۰:۳۰ صبح دیروز گروهی از دانشجویان دانشگاه‌ها که خود را پیرو خط امام معرفی کردند، سفارت آمریکا را در تهران اشغال کردند. دانشجویان مزبور برای تصرف سفارت با مقاومت چندانی مواجه نشدند؛ فقط از طرف محافظین سفارت چند گاز اشک‌آور مورد استفاده قرار گرفت.

این دانشجویان همگی بازوبند مخصوص داشتند و یک عکس از امام نیز بر سینه‌شان بود. این گروه به نحو سازمان‌یافته‌ای سفارت را تصرف کردند و هیچ‌گونه برخوردی به‌وجود نیامد. دانشجویان بلافاصله کمیته‌های بررسی اسناد، عملیات خدمات و اطلاعات تشکیل دادند و کار بررسی را شروع نمودند.

دانشجویان مذکور اظهار کردند برای کادر ایرانی سفارت هیچ گونه مشکلی وجود ندارد و همچنین آمریکاییان به گروگان گرفته‌شده همگی سالمند.

برابر خبر خبرگزاری پارس، هیئت ویژه‌ای در وزارت امور خارجه آمریکا به ریاست **هارولد ساندرز** تشکیل شده است و مشغول بررسی این واقعه است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: بین مقامات وزارت امور خارجه آمریکا و مقامات دیپلماتیک ایران در این مورد تماس‌هایی برقرار شده است. این سخنگو همچنین افزود که دانشجویان اشغال‌کننده سفارت، خواستار بازگرداندن شاه که در حال حاضر تحت معالجه پزشکی است، به ایران هستند.

خبرنگار ما گزارش داد حجت الاسلام موسوی خویینی‌ها به دانشجویان پیوستند و نماز مغرب و عشا به امامت ایشان در محل سفارت برگزار شد. ضمناً آیت‌الله طاهری، امام جمعه اصفهان و حجت‌الاسلام معادی‌خواه و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در سفارت حضور پیدا کردند.

تعداد انبوهی از مردم مسلمان و انقلابی تهران از بدو تصرف سفارت تا ساعت ۱۰ شب در برابر سفارت شعار می‌دادند و خشم خود را بر علیه آمریکا و صهیونیسم اعلام می‌نمودند. عده‌ای نیز چوبه اعدام ساخته بودند و نوشته‌ای را به طناب آن آویزان کرده بودند که روی آن نوشته بودند: «چوبه اعدام برای شاه». عده‌ای از جوانان مسلمان چند پرچم آمریکا را در برابر سفارت به آتش کشیدند. بلندگوهای سردر سفارت، قرآن و یا مارش‌های انقلابی مذهبی و سرودهای فلسطینی پخش می‌کرد.

۲۶ □ شخصت سال صبوری و شکوری

گزارش خبری از اشغال سفارت آمریکا - روزنامه کیهان، ۱۳/۸/۱۳۵۸

صبح امروز، گروهی که در جمع تظاهرکنندگان مراسم دانشگاه شرکت داشتند و از خیابان طالقانی عازم دانشگاه بودند، جلو سفارت آمریکا، شروع به دادن شعارهای ضد امپریالیستی کردند و از بالای در و دیوار سفارت خود را به محوطه سفارت رساندند و آنجا را اشغال کردند. این جریان در ساعت ۱۱ صبح امروز اتفاق افتاد و گروهی که وارد سفارتخانه شده‌اند بین پانزده تا سی نفر هستند. جریان اشغال سفارت به کلاتری ۷ و کمیته انقلاب منطقه ۶ اطلاع داده شد و پاسداران این کمیته اقدامات فوق‌العاده‌ای را برای خارج کردن تظاهرکنندگان آغاز کردند. گوهری، مسئول ارشاد کمیته انقلاب منطقه ۶ در ساعت ۱۲:۱۵ ظهر امروز در این مورد به خبرنگار کیهان گفت: نظر به مسئله راهپیمایی، اقدامات احتیاطی لازم را انجام دادیم و گروهی از پاسداران این منطقه و گروهی دیگر را که مربوط به منطقه دیگر بودند، پشت دیوارهای سفارت آمریکا گماردیم تا آنان از وارد شدن به داخل سفارت جلوگیری کنند، ولی علی‌رغم تلاش برادران پاسدار ما، هجوم مردم برای داخل شدن به سفارت باعث شد تا گروهی وارد سفارت شوند. از طرف کمیته، اقدامات لازم برای خارج کردن مهاجمین و تظاهرکنندگان صادر شده است و چون پاسداران ما اجازه ورود به داخل سفارتخانه را ندارند، به این خاطر تلاش آنان بر این است که از ورود اشخاص جلوگیری نمایند. از سوی دیگر، چون امروز روز یکشنبه است و سفارت آمریکا تعطیل رسمی می‌باشد، ظاهراً کسی در داخل سفارتخانه نبوده است و ما هنوز نمی‌دانیم با چه اقدامی کسانی را که داخل سفارت شده‌اند، از آنجا بیرون کنیم و در این باره منتظر اخذ دستور از مقامات بالا هستیم. از سوی دیگر کلاتری ۷ تهران، موضوع اشغال سفارت آمریکا را از سوی گروهی از تظاهرکنندگان تأیید کرد و یکی از افسران کلاتری گفت: جریان اشغال سفارت به کلاتری اطلاع داده شده است و اقدامات لازم از سوی کلاتری انجام شده است. این افسر از تعداد کسانی که وارد سفارت شده‌اند، اظهار بی‌اطلاعی کرد.

اقدامات احتیاطی: کمیته منطقه ۶ در این مورد گفت: طبق اطلاعات رسیده، در پی اشغال سفارت، افراد سفارت برای جلوگیری از ورود تظاهرکنندگان به داخل سفارت، شروع به پرتاب گاز اشک‌آور کرده‌اند. یکی از مسئولان کمیته در مورد اینکه چه

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۷

اقدامی برای خارج کردن مسالمت‌آمیز افراد اشغالگر انجام داده و یا خواهد داد، گفت: در پی این ماجرای تأسفس‌بار، ابتدا ما تصمیم گرفتیم چند تن از بردران پاسدارمان را بدون سلاح به داخل سفارت بفرستیم تا با مذاکره از راه مسالمت‌آمیز، مهاجمان را وادار به خروج از داخل سفارت کنیم، ولی نظر به اینکه ورود بدون اجازه به داخل سفارت کنیم.^۱

یک مقام بلند پایه در وزارت امور خارجه، ساعت ۱۲:۱۵ امروز در تماسی با کیهان درباره اشغال سفارت آمریکا توسط گروهی ناشناس گفت: از صبح به ما گزارش دادند که سفارت آمریکا مورد حمله قرار گرفته و عده‌ای از تظاهرکنندگان از دیوار وارد باغ شده و به طرف ساختمان در حرکت هستند.

نخست‌وزیری، سپاه پاسداران و شهربانی اقدامات لازم را از طریق سفارت انجام دادند. تاکنون عده‌ای از این تظاهرکنندگان وارد زیرزمین سفارت شده‌اند و از طرف سفارت هم با پرتاب گاز اشک‌آور اقدام به متفرق کردن آنها شده است. تظاهرکنندگان مشغول قرائت قطعنامه هستند. پاسداران و کمیته‌ها حفاظت ساختمان را به عهده دارند. وی افزود ۵۰ نفر داخل ساختمان شده‌اند؛ منتها در زیرزمین ساختمان مستقر شده‌اند. البته درگیری هنوز وجود دارد و پاسداران و افراد شهربانی و کمیته‌ها مشغول جلوگیری از ورود آنان به داخل ساختمان هستند. کاردار سفارت آمریکا در تهران ساعت ۱۱:۳۰ ضمن تماس با وزارت امور خارجه، خبر حمله تظاهرکنندگان به سفارت آمریکا را گزارش داد.

آخرین خبر: یکی از متحصنین که در داخل سفارت بود، پس از خارج شدن به خبرنگار کیهان گفت: ما به‌عنوان اعتراض به سیاست آمریکا، اینجا را اشغال کرده‌ایم و گروهی از دانشجویان در محوطه متحصن شده‌اند و اعلام کرده‌اند که تحصن آنها ادامه خواهد داشت. گزارش خبرنگار شهری حاکی است با وجود اینکه باران می‌بارد کسانی که انتظامات سفارت را به عهده گرفته‌اند با دقت کافی مشغول حفاظت از سفارت هستند. آخرین خبر تا این ساعت (۱ بعدازظهر) حاکی است این گروه میان خود چهار نفر را به‌عنوان نماینده انتخاب کرده‌اند تا وضع را مورد بررسی قرار دهند. در حال

۱. ملاحظه می‌شود که جمله ناقص و ناتمام است. در متن اصلی به همین صورت آمده است (ویراستار).

۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

حاضر خبرنگاران در اطراف سفارت هستند و تاکنون به علت مراقبت از سفارت و خارج نشدن گروه مهاجم نتوانسته‌اند با اشغالگران گفتگویی انجام دهند. در تماس کیهان با «گلدن پیر» کاردار سفارت انگلیس در تهران، وی گفت: ما از طریق بی‌سیم با سفارت آمریکا تماس گرفتیم و متوجه شدیم حدود ۲۰۰ نفر وارد سفارت آمریکا شده‌اند. افراد مزبور کاملاً یک اعتراض صلح‌آمیز را به نمایش گذاشته‌اند و به‌عنوان اعتراض وارد سفارت آمریکا شده‌اند. گلدن پیر افزود: این اعتراض متوجه سفارت آمریکا بوده و خوشبختانه حمله‌ای به سفارت انگلیس نشده است. در مورد اوضاع داخل سفارت، وی افزود که سفارت کاملاً آرام است و افراد سفارت به کار خود مشغول می‌باشند. افراد به حال تحصن در داخل سفارت می‌باشند و تحصن افراد فوق هیچ ناراحتی را متوجه کارکنان نکرده و کاملاً مسالمت‌آمیز بوده است» (روزنامه کیهان، ۱۳/۸/۱۳۵۸).

عامل آمریکا در داخل گروگان‌گیرها

هنگامی که لینکن به اتفاق سوئیفت به دفتر من آمد، و از طریق خط تلفن مستقیم اتاق من با واشنگتن تماس گرفت و از مکالمات او با اتاق فرماندهی در واشنگتن با خبر شدیم، اطلاعاتی که اتاق فرماندهی در واشنگتن از درون سفارت داشت و به لینکن می‌گفت، برای ما تعجب‌آور بود. کسی از دورن سفارت، مستقیماً یا غیرمستقیم با اتاق فرماندهی در تماس بود و مرتب گزارش می‌داد، اما روز بعد خبر دیگری به من رسید، که شک مرا در وجود و حضور فعال یک مأمور آمریکا در میان اشغال‌کنندگان تقویت می‌کرد: یکی از دوستان ما در ساختمان آپارتمانش با یک جوان دیگری زندگی می‌کرد که با او تلفن مشترک داشت. او می‌گوید: یک بار بی‌توجه گوشه‌ای را برداشتم که تلفن کتم، صدای همسایه را شنیدم که به انگلیسی برای فردی گزارش وضعیت درون سفارت را می‌داد. او نوار این مکالمه را برای من آورد. آیا این همان فرد بود که به اتاق فرماندهی در آمریکا اطلاعات می‌داد؟ نمی‌دانم!

کارتر در خاطرات خود می‌نویسد: «بدیهی است که نقشه دقیق ساختمان سفارت ما در ایران در اختیارمان بود، ولی به‌منظور اطلاع از مکان نگهداری گروگان‌ها احتیاج به اطلاعات دقیق داشتیم، که زنان و سیاه‌پوستان که قبلاً در ایران جزو گروگان‌ها بودند و

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۹

قبل از عید مسیح آزاد شده بودند، در این زمینه نتوانستند به ما کمک کنند و به‌طور کلی اطلاعاتی از محل نگهداری گروگان‌ها نداشتند، ولی اقبال با ما یاری کرد و برای اولین بار یکی از عوامل ما در ایران - که به دلیل امنیتی از افشای نام او خودداری می‌کنم - که شناخت کاملی از سفارت ما نیز داشت، توانست محل دقیق هر یک از گروگان‌ها، تعداد محافظین و خصوصیات آنها و برنامه روزانه گروگان‌ها و محافظین را دقیقاً در اختیار ما بگذارد» (۲۴۴ روز، ماجرای گروگان‌های آمریکایی در ایران، ترجمه احمد باقری، انتشارات هفته، بی‌تا، ص ۳۷). اگر به این گفته کارتر اعتماد کنیم، دیگر شکی باقی نمی‌ماند در میان گروگان‌گیرها عامل نفوذی آمریکا حضور فعال داشته است که اطلاعات خیلی دقیقی را توانسته در اختیار آمریکا قرار بدهد.

بیانیه‌های دانشجویان

دانشجویان اشغال‌کننده سفارت آمریکا، در بیانیه‌هایشان، اولاً خود را «دانشجویان مسلمان پیرو امام» و ثانیاً انگیزه و درخواست‌های خود را اعلام کردند: «ما به‌عنوان اعتراض به سیاست آمریکا اینجا را اشغال کرده‌ایم». «ما دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی از موضع قاطعانه امام در مقابل آمریکای جهان‌خوار به‌منظور اعتراض به دسیسه‌های امپریالیستی و صهیونیستی، سفارت جاسوسی آمریکا در تهران را به تصرف درآورده‌ایم تا اعتراض خویش را به گوش جهانیان برسانیم».

اعتراض به آمریکا جهت پناه‌دادن و استفاده از شاه جنایتکاری که قاتل ده‌ها هزار زن و مرد به‌خون خفته در این مملکت است

«اعتراض به آمریکا به علت ایجاد فشار تبلیغاتی مسموم و انحصاری و کمک و حمایت از افراد ضد انقلابی فراری بر علیه انقلاب اسلامی ایران؛ اعتراض به آمریکا به خاطر توطئه‌ها و دسیسه‌های ناجوانمردانه‌اش در مناطق مختلف کشور ما و نفوذ در ارگان‌های اجرایی مملکت؛ اعتراض به آمریکا به دلیل نقش مخرب و خانمان‌برانداز خود در برابر رهایی خلق‌های منطقه از دام امپریالیسم که هزاران هزار انسان مؤمن و انقلابی را به خاک و خون می‌کشد».

۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

در یکی از بیانیه‌ها آمده است:

«۱- ساختمان اصلی سفارت در ساعت ۱۵ بعد از ظهر به تصرف کامل درآمد و تمام مزدوران آمریکایی در آن - که عده‌ای مرد و زن و تفنگدار آمریکایی که حدود صد نفر می شدند - به گروگان گرفته شده‌اند. لازم به تذکر است که از انجام هرگونه عمل خشونت‌آمیز نسبت به آنها پرهیز شده است.

۲- هرچند که تصرف ساختمان با مقاومت سه ساعته و همراه با پرتاب گاز اشک‌آور از جانب تفنگداران آمریکایی همراه بود، هیچ‌گونه آسیبی به طرفین وارد نیامد و دانشجویان با سعه صدر و ایثار، رنج بسیار بر خود هموار کرده و با آنها به شیوه اسلامی برخورد کردند.

۳- برادر مبارز و روحانی مجاهد آیت‌الله موسوی خوینینی‌ها به جمع ما پیوسته‌اند.

۴- از نمایندگان وسایل ارتباط جمعی خواهشمندیم که در صورت تمایل جهت مصاحبه و کسب خبر ساعت ۶ بعد از ظهر به بعد و با معرفی نامه کتبی مراجعه نمایند. دانشجویان مسلمان پیرو امام.

برخی دیگر از بیانیه‌های دانشجویان در بخش پیوست‌ها آمده است.

واکنش امام به اشغال دوم سفارت

عصر روز یکشنبه ۱۳ آبان، برای دیدار امام و گزارش سفر به الجزایر به قم رفتیم. در این دیدار ضمناً حمله به سفارت آمریکا و اشغال و گروگان‌گیری اعضای سفارت را به اطلاع ایشان رساندم. ایشان اطلاع نداشتند و ناراحت شدند و گفتند: «اینها کی‌اند؟ برو بریزشان بیرون».

یکی از دانشجویان مسئول عملیات اشغال سفارت نیز با تأیید سخنان من می نویسد:

«همانگی بعدی با حضرت امام بود. قرار بود آقای خوینینی‌ها خبر را به حضرت امام بدهد و تأییدیه بگیرد. بعدها فهمیدیم که ایشان موضوع را با امام هماهنگ نکرده بودند و بعد از اشغال سفارت آمریکا، خبر را به امام می‌دهند. اما در آن ابتدا تأییدیه‌ای از جانب ایشان صادر نشد. امام حاج احمد آقا را به تهران اعزام کردند برای اینکه بیایند تا از جزئیات مسائل بیشتر اطلاع پیدا کنند».

۳۱ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

حبیب‌الله عسکراولادی^۱ در بارهٔ حوادث پشت صحنه می‌گوید: «از "هیئت مؤتلفهٔ اسلامی" و از "کمیتهٔ امداد امام" به برادرانی که در آنجا بودند، اعلام کردیم که هر نوع خدمتی که از ما برمی‌آید ما حاضریم، ولی آنها (دانشجویان اسلامی پیرو خط امام) سعی می‌کردند یک مدار بسته‌ای را به دور خود قرار بدهند. آیت‌الله دکتر بهشتی با سرعت به محضر امام رفت و گفت: اگر این کار تأیید نشود صدمات زیادی هست. حضرت امام نیز این حرکت را به‌عنوان انقلاب دوم امضا کردند. حضور مرحوم بهشتی و تحلیل ایشان مبنی بر اینکه اگر اینها تأیید نشوند، آسیب خیلی جدی است، سبب تأیید ایشان (دانشجویان) به‌وسیلهٔ امام شد» (مجلهٔ گزارش، آبان ۱۳۷۸).

آخرین تحولات حادثهٔ اشغال سفارت آمریکا - روزنامهٔ اطلاعات، سه شنبه ۱۵ آبان ۱۳۵۸، شمارهٔ ۱۵۹۹۵

دانشجویان مسلمان پیرو امام، امروز سومین روز اقامت خود در سفارت آمریکا را درحالی آغاز کرده‌اند که از زمان ورود آنان به داخل سفارت، تظاهرات مردم در بیرون از محوطهٔ سفارت به حمایت از آنان قطع نشده است.

بسیاری از جوانان که با همراه داشتن پتو و لباس‌های گرم، خود را تجهیز کرده بودند دو شب گذشته را در خیابان‌های اطراف سفارت آمریکا به صبح رساندند.

بلندگوی دانشجویان مستقر در سفارت در این بخش، دو روز مرتباً به پخش آیاتی از قرآن مجید، سرودهای انقلابی و اعلامیه‌های دانشجویان مشغول است و مردم نیز با دادن شعارهایی چون «قرارداد نظامی آمریکا لغو باید گردد» و «مرگ بر امپریالیسم آمریکا» از آنان پشتیبانی می‌کردند.

۱. حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان (۱۳۱۱ خورشیدی - ۱۴ آبان ۱۳۹۲)، سیاستمدار ایرانی، از مؤسسان و اعضای حزب مؤتلفهٔ اسلامی که از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۲ دبیر کلی این حزب را نیز در دست داشته است. در دولت موقت مهدوی کنی و دولت اول میرحسین موسوی، وزیر بازرگانی بود. در دومین و چهارمین دورهٔ انتخابات ریاست جمهوری نیز نامزد ریاست جمهوری بود که در هر دو بار کمتر از دو درصد آرای کسب شده را به خود اختصاص داد. عسکراولادی پس از انقلاب اسلامی، مسئولیت‌هایی همچون نمایندگی ولی فقیه در کمیتهٔ امداد امام خمینی و بنیاد پانزده خرداد را برعهده داشته و تا پیش از مرگش رئیس شورای مرکزی کمیتهٔ امداد و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود (ویراستار).

۳۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان

در همین حال از ساعت ۳/۵ دیروز یک راهپیمایی به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها به طرفداری از تصرف انقلابی سفارت آمریکا به سوی خیابان آیت‌الله طالقانی آغاز شد. در این تظاهرات «سازمان جوانان» و «دانشجویان دمکرات» ایران نیز شرکت کردند.

تظاهرکنندگان که به ده‌ها هزار نفر بالغ می‌شدند با در دست داشتن عکس‌هایی از امام خمینی و آیت‌الله طالقانی به مقابل سفارت آمریکا رسیدند و بر روی پلاکاردهای حمل شده به وسیله این گروه، نوشته شده بود: «افشای کلیه مأمورین شبکه‌ها و روابط سازمان سیا و پرونده‌های آنان را در ایران خواهیم» و «هر حرکت ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی را حمایت می‌کنیم» و «اکنون نوبت آمریکا» است. تظاهرکنندگان در ساعت ۷ بعدازظهر گذشته پس از خواندن قطعنامه خود، متفرق شده و برخی از آنها در مقابل سفارت آمریکا باقی ماندند.

داخل سفارت

در این حال دانشجویان مستقر در سفارت نیز در دو روز گذشته توانسته‌اند نظم بیشتری به امور خود بدهند و با تشکیل کمیته‌های مختلف، وظایف خویش را تقسیم کرده‌اند.

دو سخنگوی دانشجویانی که دو روز قبل، سفارت آمریکا را به تصرف درآوردند، دیروز بعدازظهر در برابر بیش از پنجاه نفر از خبرنگاران، فیلمبرداران و عکاسان رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی قرار گرفتند تا به پرسش‌های آنها پاسخ گویند. در آغاز یکی از آنها چند نمونه اسلحه و گاز اشک‌آور را که از محل سفارت به دست آورده بودند، به خبرنگاران نشان داد و اظهار داشت که اینها نمونه‌ای از تجهیزات است که از سفارت به دست آمده است. این نمونه‌ها شامل مسلسل ام - ۳، کلت ۳۸، گاز اشک‌آور و تفنگ دورزن بود.

این سخنگو در پاسخ وزارت خارجه آمریکا که اعلام کرده بود: آمریکایی‌های مانده در سفارت را گروگان تلقی نمی‌کند، گفت: تسخیر سفارت آمریکا یک بازی نیست؛

۳۳ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

این، لانه جاسوسی آمریکا، بزرگ‌ترین دشمن خلق‌های جهان است که به تصرف ما درآمده است.

برداشت آمریکایی‌ها از این ماجرا این است که ما گروگان‌ها را در کنار خود نگه داشته‌ایم و آنچنان که بعضی از خبرگزاری‌ها مخابره کرده‌اند از نظر وزارت خارجه آمریکا، اینها گروگان نیستند؛ درحالی‌که اینها گروگان ما هستند و تا زمانی که به خواست‌های خود دست نیابیم گروگان باقی خواهند ماند.

مسئله ما یک مسئله دانشجویی صرف نیست که احتمالاً شکست بخورد و یا به انحراف کشیده شود. این مسئله در ارتباط با توده مردم است و تا به نتیجه نرسد پایان نخواهد یافت.

مردمی که بیرون سفارت اجتماع کرده‌اند شعار می‌دهند که سازش محکوم است. ما از راه امام خمینی - که ضد آمریکایی‌ترین مسلمان است - پیروی می‌کنیم. هیچ گروه و دسته و حزب و فردی به اندازه امام خمینی ضد امپریالیسم نیست. هیچ کس واقعیت‌ها را مانند او نمی‌بیند. همه اسیر فرقه‌گرایی شده و به مسائل فرعی پرداخته‌اند. ما به راه خود ادامه خواهیم داد؛ چرا که یک حرکت اصیل توده‌ای است و شکست نخواهد خورد. وی آنگاه یک نامه پر از امضا را به خبرنگاران نشان داد و گفت: این نامه از مردم میدان شوش است. این سند زنده حرکت ضد امپریالیست انقلاب ماست. این مردم اسیر فرعون نیستند که بتوان آنها را خرید.

پس از آن، نماینده دیگر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تشریح چگونگی تصرف سفارت پرداخت و با نشان دادن عکس‌هایی از واقعه، استدلال کرد که تصرف سفارت، غیرمسلحانه بوده و دانشجویان در هر مرحله به اطلاع آمریکاییان مقیم محل سفارت رسانده‌اند که قصد کشتن آنها را ندارند.

این سخنگو افزود: آخرین مرکزی که به تصرف دانشجویان درآمد، مرکز کامپیوتر بود که در فاصله رسیدن دانشجویان به این محل، اسناد و مدارک بسیاری در آن از جمله میکرو فیلم‌ها و کارت‌های حافظه در یک دستگاه مخصوص، منهدم شده‌اند.

آنگاه سخنگوی دیگر، عکسی از امام خمینی را که سوراخ سوراخ شده بود، به خبرنگاران نشان داد و اظهار داشت: این عکس در اتاق یکی از مقامات بلندپایه

۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

سفارت نصب شده بود و کارکنان سفارت به بازی و تفریح، زوبین‌های پردار به سوی آن پرتاب می‌کردند.

این سخنگو، زوبین‌های پردار را هم به نمایش گذاشت. وی همچنین چند کاریکاتور از امام خمینی را که در زیر شیشه‌های میزهای سفارت یافته شده بود، به خبرنگاران نشان داد.

در این مصاحبه، همچنین یکی از خبرنگاران سؤال کرد با توجه به اینکه چند لحظه پیش رئیس «انجمن ایران و آمریکا» را به اینجا آوردند. آیا در خارج از سفارت هم دستگیری آمریکایی‌ها ادامه دارد؟ سخنگوی دانشجویان در پاسخ گفت: چنین نیست و دانشجویان در خارج از سفارت کسی را دستگیر نمی‌کنند. البته این طبیعی است که مردم ایران اگر کاردار سفارت آمریکا را هم ببینند او را دستگیر کرده و به اینجا خواهند آورد.

مستشاران آمریکایی باید اخراج شوند

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اطلاعیه شماره ۸ خود یادآور شدند: حمایت بی‌دریغ و انقلابی شما ملت عزیز می‌تواند این حرکت اصیل اسلامی و انقلابی را بنای توده‌ای بخشد. سرمداران سیاست گام به گام را به اتخاذ سیاستی انقلابی در جهت خواست اکثریت قاطع ملت ستم‌دیده ایران که همانا قطع رابطه‌های ظالمانه آمریکا با ایران و نیز قطع وابستگی‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی که تجلی آن در اخراج مستشاران آمریکایی و لغو قراردادهای دو جانبه ایران و آمریکا و نیز نابودی لگام سرمایه‌داری وابسته است، وادارد.

در این اطلاعیه آمده است: در این شرایط حساس زمانی، هر گونه رابطه و اقدام در جهت تعطیل مدارس و دانشگاه‌ها را در حمایت از این حرکت، تکذیب می‌کنیم.

گروهی که اعانه جمع می‌کنند با دانشجویان پیرو خط امام رابطه ندارند

در دهمین اطلاعیه دانشجویان پیرو خط امام اعلام شد: گروهی سودجو که در بعضی از نقاط شهر به جمع‌آوری اعانه مشغول هستند، هیچ‌گونه رابطه‌ای با دانشجویان مسلمان پیرو امام ندارند. در این اطلاعیه آمده است افراد و نمایندگان گروه‌ها برای

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۳۵

اعلام همبستگی، دوشنبه ۱۳۵۸/۸/۱۴ از ساعت ۱۵ با ارائه معرفی‌نامه به درب جنوبی سفارت اشغالی آمریکا مراجعه نمایند.

سفارتخانه‌های دیگر را اشغال نکنید

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اطلاعیه شماره یازده خود هشدار دادند که با اشغال سفارتخانه‌های دیگری چون سفارت انگلیس - که ممکن است حتی به دست ایادی سیای آمریکا صورت گیرد - این جریان اصیل و پرتوانی که می‌رود به منافع امپریالیسم در ایران خاتمه بدهد، از مسیر اصلی منحرف می‌شود. در این اطلاعیه آمده است: بر همگان لازم است با هوشیاری و قاطعیت، راه انقلابی خود را ادامه دهند و این خط اصولی را به دنبال رهبری قاطع امام خمینی حفظ کنند.

خواستار قطع نفت شدند

انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت نیز در بیانیه‌ای از امام خمینی خواست اجازه قطع صدور نفت به آمریکا را بدهد.

در بخشی از بیانیه آمده است: «برادران و خواهران دانشجوی پیرو خط امام، اشغال سفارت آمریکا - این لانه جاسوسی سیا که علیه تمام ملل مستضعف منطقه مشغول توطئه می‌باشد - یک حرکت انقلابی و از پشتیبانی قاطع مسلمانان برخوردار است. انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت تهران از رهبر انقلاب می‌خواهد که اجازه دهد کارکنان غیور صنعت نفت با مشتی محکم از نفتخواران آمریکایی خلع ید نموده و صدور نفت به این کشور را قطع کنند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۵).

اعتراض به ایران

اسپرینگ فیلد - یونایتدپرس: حدود بیست تن از کارمندان شهرداری، پرچم ایران را در شهر اسپرینگ فیلد ایالت ماساچوست به آتش کشیدند و گفتند این یک حرکت سمبلیک علیه دولت ایران است.

جیمز بروک، کارمند سازمان پارک‌های شهر که تظاهرات را سازمان داده بود، گفت: اگر کارتر برای نجات گروگان‌ها اقدامی نکند ما مردم خود باید دست به کار شویم (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۷).

۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

انگیزه گروگان‌گیری

در فرصت‌های مختلف، هم برخی از دانشجویان و هم گروه‌های سیاسی همسو با آنان، ادعا کرده‌اند که انگیزه اصلی دانشجویان از اشغال سفارت آمریکا، ساقط کردن دولت موقت از قدرت بوده است.

«روزنامه انقلاب اسلامی» به نقل از بهزاد نبوی نوشت: «سفارت را اشغال کردیم تا دولت موقت را از اریکه قدرت به زیر کشیم».

در ص ۱۷ کتاب «بحران ۴۴۴ روزه در تهران» آمده است: «بهزاد نبوی به استناد سخنان محسن میردامادی، تئوری اشغال سفارت برای به سقوط کشاندن دولت موقت را بازگو می‌کند».

همین پرسش را خبرنگار روزنامه «آفتاب امروز» طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۱ از من پرسید. من نیز معتقدم یکی از انگیزه‌های این حرکت، رویارویی با دولت موقت بود. متن گفتگو با این روزنامه در «مجموعه آثار، جلد پنجم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۸» آمده است.

برخی ادعا کردند اشغال سفارت، واکنش دانشجویان به دیدار مهندس بازرگان و وزیرایش، دکتر چمران و دکتر یزدی با برژینسکی بوده است. این ادعا البته نادرست است؛ زیرا شاه در اول آبان به آمریکا وارد شد. دانشجویان چهار روز پس از ورود شاه به آمریکا، در جلسه‌ای تصمیم گرفتند برای نشان دادن خشم خود به آمریکا، سفارت این کشور را به مدت سه تا پنج روز اشغال کنند. دیدار برژینسکی با مهندس بازرگان در الجزایر، در دهم آبان صورت گرفت؛ بنابراین، هیچ ارتباطی میان گروگان‌گیری و دیدار در الجزایر وجود نداشته است.

درباره انگیزه دانشجویان، بحث‌های فراوانی شده است. در همان مصاحبه «روزنامه آفتاب امروز» در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۱ - که با عنوان «انگیزه دانشجویان در اشغال سفارت آمریکا» چاپ شده، از من پرسیده شد: «گفته می‌شود انگیزه اصلی دانشجویان از اشغال سفارت آمریکا ساقط کردن دولت موقت از قدرت بوده است. نظر شما در این مورد چیست؟»

۳۷ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

پاسخ دادم: «در مورد انگیزه‌های دانشجویان و حامیان آنان در اقدامی که انجام دادند، می‌توان به وضوح جبهه‌گیری علیه دولت موقت را دید. مهندس بازرگان و همکارانش در دولت موقت نمایندهٔ برجسته و معتبر و شناسنامه‌دار جریان روشنفکری دینی بودند که با روحانیون ایران، علیه استبداد داخلی و سلطهٔ خارجی همکاری نموده بودند. انقلاب بدون همکاری این دو جریان امکان نداشت پیروز شود. توطئه علیه دولت موقت و کنار زدن آنان، به نوعی انتقام از مشارکت صادقانهٔ این جریان در انقلاب محسوب می‌شود. این برنامه زیر پوشش حمله به سفارت آمریکا، آنچه‌آنچه ماهرانه صورت گرفت که تمام روشنفکران، اعم از چپ مارکسیستی و ملی و ملی - مذهبی‌های افراطی همه را علیه دولت موقت متحد ساخت. حزب توده، چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جنبش مسلمانان مبارز، جاما، جامعهٔ روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، حتی آن بخش از روشنفکران دینی که با نهضت آزادی و دولت موقت نیز بسیار نزدیک بودند، و برخی از آنان از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی بودند، از این حرکت دانشجویان که رنگ «ضد امپریالیستی» داشت، حمایت کردند». متن کامل این گفتگو در: «مجموعه آثار، جلد پنجم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۷۱-۱۳۷۸» آمده است.

اسامی و مشخصات برخی از دانشجویان اشغال‌کنندهٔ سفارت آمریکا

از بین چهره‌ها و شخصیت‌هایی که در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا حضور داشتند، بسیاری در زمان جنگ ایران و عراق، راه جبهه را در پیش گرفتند و به شهادت رسیدند. برخی از آنها هم راه سیاست در پیش گرفته و به مجلس راه یافتند. عده‌ای از آنها امروز در پست‌های مدیریتی کشور خدمت می‌کنند. معروف‌ترین چهرهٔ تسخیرکنندگان سفارت آمریکا، محمود احمدی‌نژاد است. سال ۱۳۸۴ که او به ریاست جمهوری رسید، بسیاری از رسانه‌های غربی، عکسی منتسب به او را منتشر کرده و نوشتند که وی یکی از گروگانگیرهای لانهٔ جاسوسی بود، اما در واقع عکس منتشرشده، نه مربوط به او که تصویر شهید حسین سیف بود.

۳۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

سید محمد هاشمی اصفهانی: از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، که بعدها با معصومه ابتکار ازدواج کرد و از مدیران نفتی شد. در سال ۱۳۹۰ درباره نقش احمدی‌نژاد در تسخیر سفارت آمریکا گفت: آقای محمود احمدی‌نژاد، نماینده دانشگاه علم و صنعت بود. آنها معتقد بودند که تسخیر سفارت آمریکا در آن مقطع موضوعیت ندارد و مسئله ما امروز چپ‌ها هستند و باید حمله به منافع شوروی را در دستور کار قرار دهیم؛ حتی تهدید کرده بودند که ما به دولت موقت جریان را گزارش می‌دهیم، ولی کار آنقدر با سرعت و قدرت پیش رفت و مورد تأیید امام و قبول مردم قرار گرفت که دیگر از آن به بعد نتوانستند کاری بکنند.

حسین دهقان: از طیف دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا، بودند چهره‌هایی که به وزارت رسیدند. معروف‌ترین این چهره‌ها که هم‌اکنون وزیر است^۱ حسین دهقان است. او به همراه بسیاری از دانشجویان پیرو خط امام با توجه به آموزش‌هایی که دیده بودند، به سپاه پیوست. وی جانشین وزارت دفاع در دولت‌های هفتم و هشتم و معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در دوره دوم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی و دوره اول ریاست جمهوری آقای محمود احمدی‌نژاد (۱۳۸۰-۱۳۸۸) بود. حسین دهقان مردادماه امسال از مجلس شورای اسلامی برای وزارت دفاع دولت روحانی رأی اعتماد گرفت و هم‌اکنون وزیر دفاع دولت روحانی است.

رحمان دادمان: ایشان را هم باید در بین طیف دانشجویان پیرو خط امام قرار داد که به وزارت رسید. دادمان هم پس از حادثه تسخیر سفارت آمریکا وارد سپاه شد و بعدها به‌عنوان اولین مدیرعامل شرکت شیلات جمهوری اسلامی منصوب شد. او در دی‌ماه سال ۱۳۷۹ با ۲۲۳ رأی از مجلس به‌عنوان وزیر راه و ترابری انتخاب شد، اما کمتر از شش ماه بعد و در اردیبهشت سال ۱۳۸۰ در سانحه سقوط هواپیما جان خود را از دست داد.

۱. آقای حسین دهقان طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در دوره اول ریاست جمهوری حسن روحانی، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران بود. این دفتر را دکتر یزدی در همان زمان‌ها گردآوری کرده است (ویراستار).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۳۹

حبیب‌الله بی‌طرف: او هم در دولت اصلاحات وزارت گرفت. او وزیر نیروی هر دو دوره ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی بود (۱۳۷۶-۱۳۸۴). پس از پیروزی شیخ حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، نام بی‌طرف، بار دیگر به‌عنوان یکی از گزینه‌های وزارت نیرو به میان آمد [پیوست ۱].

رضا سیف‌اللهی: از بین چهره‌های تسخیرکننده سفارت آمریکا یکی از آنها به فرماندهی یکی از نیروهای نظامی کشور رسید. رضا سیف‌اللهی از سوی رهبری نظام در سال ۱۳۷۱ به سمت فرماندهی نیروی انتظامی منصوب شد. بعد از اتمام دوره فرماندهی‌اش در نیروی انتظامی به‌عنوان معاون هماهنگ‌کننده مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول فعالیت شد.

معصومه ابتکار: یکی از چهره‌های معروف دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا را باید در زمره کسانی قرار داد که به معاونت ریاست جمهوری رسیدند. معصومه ابتکار به‌خاطر تسلط بر زبان انگلیسی، در دوران استقرار دانشجویان در سفارتخانه، کار ترجمه و گفتگو با رسانه‌های خارجی را انجام می‌داد. ابتکار، همان چهره‌ای است که رسانه‌های خارجی از او به‌عنوان خواهر مری یاد می‌کنند. او در دولت اصلاحات (دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی) معاون رئیس جمهور شد؛ پس از آن در انتخابات شورای شهر تهران شرکت کرد و به عضویت شورای شهر تهران درآمد. پس از آنکه حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ به ریاست جمهوری رسید، بار دیگر او را به ریاست سازمان محیط زیست ایران منصوب کرد.^۱

محمد رضا خاتمی: او برادر کوچک‌تر سید محمد خاتمی و یکی از چهره‌های حاضر در اشغال سفارت آمریکا بود که با آغاز انقلاب فرهنگی به سپاه پاسداران پیوست. او در عملیات بیت‌المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر شد، حضور داشت و بعدها نایب رئیس مجلس ششم (۱۳۷۹-۱۳۸۳) شد.

۱. معصومه ابتکار در دوره دوم ریاست جمهوری حسن روحانی، از سازمان محیط زیست برکنار و به معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری برگزیده شد (ویراستار).

۴۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

ابراهیم اصغرزاده: او یکی از چهره‌های معروف تسخیر سفارت آمریکا بود که بعدها در دوره سوم انتخابات مجلس به نمایندگی مجلس شورای اسلامی رسید (۱۳۶۷-۱۳۷۱). او را با نقشی که در انحلال شورای اول شهر تهران داشت هم می‌شناسند. اصغرزاده بعد از ماجرای انحلال شورای شهر اول تهران، عملاً به حاشیه رفت و کمتر خبری از او بود تا آنکه ۱۲ آبان سال ۱۳۹۱ در یک مناظره تلویزیونی با حسین شریعتمداری مدیر مسئول «روزنامه کیهان» دوباره به حلقه مرکزی اصلاح‌طلبان راه یافت. به گفته خودش «در گوشه‌ای از این شهر قرار داشت، اما با همین مناظره ناگهان به مرکز اصلاح‌طلبان منتقل شد». اصغرزاده در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس پنجم، مجلس هفتم و سه دوره انتخابات ریاست جمهوری هفتم، هشتم و نهم کاندیدا شد که شورای نگهبان، صلاحیت او را تأیید نکرد.

عباس عبدی: یکی از مشهورترین چهره‌های حاضر در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا، عباس عبدی بود که به روزنامه‌نگاری و کارهای پژوهشی روی آورد. یکی از پر سر و صداترین ماجراهای او، سفرش در سال ۱۳۷۸ به پاریس بود. او در این سفر با باری روزن، آخرین وابسته فرهنگی سفارت آمریکا در تهران و یکی از گروگان‌های ماجرای اشغال سفارت، دیدار کرد. در آن زمان «روزنامه لوموند» از این واقعه به‌عنوان آشتی گروگان و گروگان‌گیر یاد کرد.^۱

حسین شیخ‌الاسلام، از دانشجویان ایرانی عضو انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا بود. او طی نه سال نتوانست یک کالج چهارساله را تمام کند. او که می‌خواست انقلابی باشد، می‌گفت: کتاب بی کتاب؛ حالا وقت کار انقلابی است، نه درس خواندن. پس از انقلاب به ایران آمد. او هم مثل بسیاری از دانشجویان پیرو خط

۱. مطلب «اسامی و مشخصات برخی از دانشجویان اشغال‌کننده سفارت آمریکا» را گویا دکتر یزدی از پایگاه اینترنتی «تاریخ ایرانی» برداشته است؛ چون عین این مطلب در مقاله‌ای با عنوان «تسخیرکنندگان سفارت آمریکا کجا رفتند؟» در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۲، با کد: ۳۷۱۱ در این پایگاه منتشر شده است. نک لینک (<http://tarikhirani.ir/fa/news/3711/%D8>) (ویراستار).

۴۱ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

امام به سپاه پیوست و او بعدها به وزارت خارجه رفت و در دوران حافظ اسد و اوایل دوران بشار اسد، سفیر ایران در سوریه بود. شیخ‌الاسلام هم اکنون مشاور بین‌الملل علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی است.

فروز رجایی‌فر: رئیس ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام است. وی همچنین کارگردان مستند اعدام فرعون است. او از اعضای جمعیت دفاع از ملت فلسطین است و از فعالان حوزه انتفاضه فلسطین محسوب می‌شود.

کمال تبریزی: برخلاف سایر دانشجویان پیرو خط امام، کمال تبریزی وارد عرصه هنر شد و از عرصه سیاست فاصله گرفت. کمال تبریزی فارغ‌التحصیل رشته سینما و تلویزیون از دانشگاه هنر است. او تا به حال در رشته‌های تدوین، تهیه و تولید، صحنه و لباس، فیلمبرداری، فیلمنامه و کارگردانی فعالیت کرده است. «لیلی با من است»، «همیشه پای یک زن در میان است» و «مارمولک» از معروف‌ترین ساخته‌های اوست (مجله مهر، یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۲).

در میان این دانشجویان تنها کسی که بعدها آشکارا از کار خود پشیمانی نشان داد و آن را بر زبان آورد، عباس عبدی بود. کسان دیگر، اگرچه نسبت به برخی زوایا و پیامدهای آن رویداد انتقاداتی کردند، ولی از اصل کار خود دفاع کردند.

عباس عبدی: از حمله به سفارت آمریکا پشیمانم / معصومه ابتکار مقصر اصلی حمله و طولانی شدن گروگانگیری بود

عباس عبدی، یکی از طراحان اصلی حمله به سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸، سرانجام پس از نزدیک به ۳۲ سال از آن حرکت عذرخواهی کرد و پرده از بعضی عوامل پشت پرده آن برداشت.

به گزارش «آسوشیتد نیوز»، عباس عبدی، روز دوشنبه در گفتگو با «خبرگزاری ایترتاس» گفت: از حمله به سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ پشیمان است و برای طراحی آن حرکت که منجر به سقوط دولت موقت و تحریم‌های اقتصادی سنگین علیه ایران شد، از ملت ایران پوزش می‌خواهد.

۴۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

عباس عبدی که در آن زمان به همراه گروهی از دانشجویان موسوم به «خط امام» دست به این عمل زده بود، در پاسخ به خبرنگار ایتارتاس گفت: «واقعیت آن است که آقای موسوی خویینی‌ها از یک بگو مگو در شورای انقلاب با آقای دکتر یزدی از ایشان دلخور بود و با من و خانم ابتکار و آقای بی‌طرف مشورت کرد که چطور می‌شود آنها (نهضت آزادی و لیبرال‌ها) را سر جایشان نشانند. گزینه‌های متفاوتی از حمله خیابانی به آقای یزدی تا آتش زدن یکی از دفاتر نهضت آزادی را ما به ایشان پیشنهاد کردیم که اتفاقاً حمله به سفارت آمریکا هم یکی از آنها بود. این پیشنهاد توسط خانم ابتکار مطرح شد که در آن زمان به کلاس‌های زبان انگلیسی موسسه «ایران و آمریکا» می‌رفت که در محل سفارت برگزار می‌شد و در نتیجه به ژئوپولتیک محل، معلم‌های آمریکایی و فایل‌های نمرات کاملاً آشنایی داشت. آقای خویینی‌ها حمله به سفارت را پسندیدند و قرار شد ما به آنجا حمله کنیم و تا پایان امتحانات میان‌ترم در آنجا بمانیم».

عبدی خاطر نشان کرده است که اگر حمایت‌های بعدی آقای خویینی‌ها و امام خمینی از این حرکت نمی‌بود، نهایتاً این گروگان‌گیری چهار روز طول می‌کشید و با موجه شدن غیبت از امتحانات، خاتمه می‌یافت.

وی همچنین معصومه ابتکار را در طولانی شدن مدت گروگان‌گیری مقصر دانست و اظهار داشت: «ایشان از اینکه به جای معصومه خانم، «خواهر مری» نامیده شود بسیار خوشحال بود و از اینکه می‌توانست در گفتگو با گروگان‌ها و رسانه‌های خارجی به تمرین زبان انگلیسی بپردازد، نهایت استفاده را می‌کرد و به همین خاطر اصرار عجیبی داشت که گروگان‌ها آزاد نشوند. البته این حقیقتی بود که ما بعداً وقتی ایشان در آزمون تافل نمره عالی گرفت، فهمیدیم»^۱.

مهندس عبدی به سایر دوستانش از جمله حبیب‌الله بی‌طرف، معصومه ابتکار و محسن میردامادی توصیه کرده است به جای لجاجت، صادقانه به اشتباه خود اعتراف کنند و از مردم ایران عذرخواهی کنند.

۱. فیلم مستندی از معصومه ابتکار در دست است که در کلاس‌های زبان انگلیسی رایگان در سفارت آمریکا شرکت می‌کرد (ویراستار).

۴۳ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

عباس عبدی همچنین در پاسخ به عکاس این خبرگزاری که از وی پرسیده است: «الآن چه احساسی دارد؟ گفته است: ای کاش با جدیت بیشتری برای امتحانات میان‌ترم درس می‌خواند.»

این گفته‌ها درحالی است که تا پیش از این، عباس عبدی با حفظ سمّت تئوری - پردازای عدم خشونت، همواره از حمله به سفارت آمریکا دفاع می‌کرد [پیوست ۲].

حمایت شخصیت‌ها، گروه‌ها و احزاب از اشغال سفارت و گروگان‌گیری

تقریباً تمام شخصیت‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی از چپ و راست، از عمل دانشجویان و اشغال سفارت و گروگان‌گیری حمایت کردند، اما دانشجویان اعلام کرده بودند که برنامه آنها اشغال سفارت برای مدت حد اکثر سه روز است. اگر احزاب و شخصیت‌ها می‌دانستند که گروگان‌گیری ۴۴ روز به طول خواهد انجامید تردیدهای جدی وجود دارد که حمایت کنند.

فهرست ناقصی از احزابی که از عمل دانشجویان حمایت کردند در پیوست ۳ آمده است.

برخی از احزاب و گروه‌ها در بیانیه‌هایی که در حمایت از دانشجویان منتشر کردند، همراه با تأیید آن حرکت، به دولت موقت هم حمله کردند. یکی از این گروه‌ها «جنبش مسلمانان مبارز» بود. در بیانیه این گروه آمده بود: «شما با این حرکت انقلابی خود چهره لیبرالیست‌های سازشکار و ارتجاع حامی امپریالیسم را افشا نمودید و آنان را در تنگنا قرار داده‌اید.»

در برخی از بیانیه‌ها به دیدار برژینسکی با هیئت ایرانی در الجزایر حمله شده است: «ناگاه جرس فریاد می‌دارد که ملاقاتی با برژینسکی، معاون امنیتی کارتر، صورت گرفته است و تازه متوجه می‌شویم که این ملاقات بدون اجازه امام صورت گرفته است و دو خط به وجود می‌آید: خط آمریکا و خط دشمنی سرسخت با آمریکا» (بیانیه حوزه علمیه قم). متن اعلامیه برخی دیگر از این گروه‌ها در پیوست ۴ آمده است.

دانشجویان ایرانی خود را با زنجیر به مجسمه آزادی بستند - روزنامه اطلاعات،

۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

«از سوی دیگر، حدود سی تن از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا به‌عنوان اعتراض به حضور شاه مخلوع در نیویورک، در بالای مجسمه آزادی، خود را به زنجیر کشیدند و درخواست دارند که شاه محاکمه و مجازات شود. این جوان‌ها از گروه ایرانی «انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا» هستند و در حال حاضر مذاکراتی با مقام‌های شهر نیویورک در جریان است تا دانشجویان ایرانی، جزیره‌ای را که مجسمه آزادی در آن قرار دارد، ترک کنند. این جزیره عجالتاً به روی عموم بسته شده است. به گفته بهرام ناهیدیان، سخنگوی «انجمن دانشجویان مسلمان»، تظاهرکنندگان قصد دارند در جزیره باقی بمانند تا آنکه پلیس آنها را وادار به ترک محل کند. وی اضافه کرد که دانشجویان در برابر پلیس مقاومت نخواهند کرد. سخنگوی انجمن دانشجویان مسلمان همچنین تأکید کرد که بین این تظاهرات و اشغال سفارت آمریکا در ایران توسط تظاهرکنندگان اسلامی هیچ‌گونه رابطه مستقیم وجود ندارد. خبرگزاری فرانسه در یک گزارش دیگر از نیویورک نوشته است: هفت دانشجوی ایرانی که به‌عنوان اعتراض به حضور شاه سابق در آمریکا خود را در بالای مجسمه آزادی به زنجیر کشیده بودند، دیشب از طرف مأموران پلیس بازداشت شدند. یک سخنگوی پلیس اظهار داشت که تظاهرکنندگان هنگام بازداشت، هیچ‌گونه مقاومتی از خود نشان ندادند. تظاهرکنندگان تابلوهایی با خود حمل می‌کردند که روی آنها این کلمات به چشم می‌خورد: «شاه باید محاکمه و مجازات شود».

... روز گذشته، پل گلدن گیت سانفرانسیسکو به اشغال کنفدراسیون جهانی درآمد. دانشجویان اشغال‌کننده، شعارهایی مبنی بر استرداد شاه مخلوع به ایران و همچنین شعارهایی علیه جهان‌خواران شرق و غرب می‌دادند که در نتیجه پلیس آمریکا به اشغال‌کنندگان حمله‌ور می‌شود و پنج تن از اعضای کنفدراسیون را دستگیر و زندانی می‌کند. سعید اسعدیان، دبیر «سازمان دانشجویان ایرانی عضو کنفدراسیون جهانی» در میان دستگیرشدگان است. ساختمان یادبود زنگ آزادی فیلادلفیای آمریکا نیز روز گذشته به اشغال کنفدراسیون جهانی درآمد. به دنبال این واقعه، پلیس فیلادلفیا به اشغال‌کنندگان حمله‌ور شده و چهار تن از اعضای کنفدراسیون را دستگیر و به زندان افکند».

۴۵ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

برخی از شخصیت‌های ملی نیز در راستای حمایت از اقدام دانشجویان، در باره روابط آینده ایران و آمریکا اظهار نظر کردند. «آقای مهندس معین‌فر، وزیر نفت دولت بازرگان، اخطار کرد که ایران ممکن است فروش نفت به آمریکا را قطع کند» (روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۸/۱۷).

پشتیبانی نمایندگان مجلس از اشغال سفارت و گروگان‌گیری

در کنار همه احزاب سیاسی، گروه‌های فرهنگی و دانشجویی که در فضای هیجان‌زده انقلابی، از اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری کارمندان و کاردارانش پشتیبانی می‌کردند، اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مجلس تازه تأسیس نیز سیاست پشتیبانی از دانشجویان را دنبال می‌کردند و در هر فرصتی در سخنرانی‌های پیش از دستور یا در اجتماعات بیرون از مجلس به این موضوع می‌پرداختند. نمونه‌هایی از سخنرانی‌های برخی از معروف‌ترین نمایندگان مجلس در آن زمان، نشان می‌دهد سیاست کلان کشور این بود که این موضوع ادامه داشته باشد و نیز ممکن است یکی از زمینه‌ها و دلایل به درازا کشیدن آن مسئله، چنین پشتیبانی‌هایی بوده است.

عطاءالله مهاجرانی - ۱۳۵۹/۴/۳۱: «... انقلاب دوم، اشغال لانه جاسوسی بود توسط برادران مسلمان پیرو خط امام که به تعبیر امام، انقلابی بزرگ‌تر آغاز شد؛ انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول ...»

... وقتی برخورد وزارت خارجه را با مسئله گروگان‌ها ما می‌بینیم و بعداً دقیقاً دقت شد همه مردم که پایه انقلاب هستند با توجه به رهبری امام و روح انقلاب که اسلام هست، برخورد مردم را شما با جریان اشغال لانه جاسوسی دیدید و بعداً دیدید که این بچه‌ها متهم شدند به توده‌ای بودن، متهم شدند به ضد انقلابی بودن؛ و این بیشتر به این خاطر بود که توده‌ای بودن و کمونیست بودن برچسبی شده برای فرار کردن از بن بست‌هایی که مسئولین درش گیر می‌کنند. مگر نه اینکه کسانی که سفارت ایران در پاریس را هم اشغال کرده بودند، دوباره متهم شدند به همین مسئله ...»

... در رابطه با مسئله گروگان‌ها به‌عنوان جمله معترضه این را هم باید گفت که این سکه‌ای که فعلاً رواج پیدا کرده که یک روی سکه این است که آقای علی تهرانی

۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

مطرح کردند که گروهان‌ها باید آزاد بشوند و روی دیگر سکه هم مدنی است که این حرف را زده است...».

آقای کاشانی^۱ - ۱۳۵۹/۶/۶: «... مسئله دومی که من امروز خواستم عرض بکنم در رابطه با موضوع گروهان‌ها بود. البته صحبت در شکل قضیه و روش‌ها نیست، ولی اصل قضیه جاسوس‌های گروهان در زمان و شرایط و موقعش مسلماً اثرات بسیار مثبت داشت؛ کما اینکه مورد استقبال امام امت و امت واقع گردید، ولی ادامه وضع گروهان‌ها به نظر من، به صورت فعلی به نفع ما نیست و فقط آمریکا از آن بهره‌برداری می‌کند و با استفاده از آن در دنیا حالت مظلومانه به خود گرفته است؛ کما اینکه در آستانه رسمیت یافتن مجلس برای ادامه وضع گروهان‌های جاسوس، مسئله اعمال فشار به دانشجویان ما را در آن کشور به وجود آورده است. من درخواست می‌کنم همان‌طور که امام امت هم چند ماه قبل از تشکیل مجلس، حل این قضیه را به عهده مجلس گذاشتند، و اکنون که سه ماه از افتتاح مجلس می‌گذرد، ریاست محترم مجلس این مسئله را هرچه زودتر در دستور کار مجلس قرار دهد...».

هادی غفاری - ۱۳۵۹/۶/۹: «من برخلاف کسانی که گروهان‌گیری را هر روز تقبیح می‌کنند و برای اینکه گاه‌گاهی حرف‌هایشان ته کشیده است یک حرف نو برای روزنامه‌ها و یک پرستیزی برای مطرح شدن خودشان در مجامع بین‌المللی به دست بیاورند، شروع به نقد و یا انتقاداتی به گروهان‌گیری می‌کنند و چه به برادران و خواهران دانشجوی مسلمان پیرو خط امام و چه به غیر دانشجویان می‌توبند. اما مطلبی که می‌خواهم عرض کنم این است که مردم شدیداً خواستارند که تکلیف این گروهان‌ها روشن شود؛ البته روشن شدن تکلیف به معنای آزادی آنها نیست. بر اساس واقعیت‌های موجود و بعضی ضرورت‌های پیش‌بینی شده و با معیارهای اسلام این مسئله باید حل و تکلیفش روشن شود؛ چون مردم خواستار این هستند که تکلیف این مسئله روشن بشود. نمی‌خواهم بگویم که این مسئله نسبت به بقیه مسائل کشور در

۱. منظور، آیت‌الله شیخ محمد امامی کاشانی، امام جمعه موقت تهران و عضو وقت شورای نگهبان است (ویراستار)

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۴۷

اولویت قرار دارد، نه. ما می‌خواهیم بگوییم که این هم مسئله‌ای است که اگر مسئله اصلی هم نباشد، لاف‌ها این کار گروگان‌گیری، موضوعی است که باید تکلیفش روشن شود و مردم از این حالت ابهام دربیایند؛ گرچه بعضی‌ها معتقدند که اگر این کار روشن بشود آمریکا خیالش راحت می‌شود و کارهای دیگری می‌کنند. درست نیست؛ زیرا مسئله آمریکا به این زودی‌ها حل‌شدنی نیست. تا گلولی آمریکا در سراسر جهان با مشت‌ها و انگشت‌های قوی مستضعفین خفه نشود، مسئله آمریکا حل‌شدنی نیست».

کاظم نوروزی - ۱۳۵۹/۶/۲۵: «بسم الله الرحمن الرحيم. و لانهنوا و لانهنوا و انتم الاعلون ان کتم مؤمنين. به‌مناسبت طرح مسئله گروگان‌ها در مجلس، لازم به یادآوری است که امام بزرگوارمان این گروگان‌گیری را انقلاب دیگری برای ملت انقلابی ما قلمداد فرمودند. در اینجا دو بینش ممکن است وجود داشته باشد: یک بینش که همان بینش لیبرالیستی است و معتقد است که ما می‌بایستی بعد از پیروزی انقلاب، روابطمان را با آمریکا و اعمار آمریکا همچنان ادامه بدهیم و نفتمان را استخراج کنیم و به کشورهای محتاج و مشتری صادر کنیم و از طریق پول نفتی که عاید و نصیبمان می‌شود، از مرحله یک کشور تک محصولی بیرون آییم و از نظر اقتصادی به خودکفایی برسیم و از نظر صنعت به یک کشور صنعتی تبدیل گردیم و وقتی که از هر جهت توانستیم روی پای خودمان بایستیم آن وقت مشتمان را بالا کنیم و بگوییم مرگ بر آمریکا. این طرز تفکر متأسفانه در میان ملت و مردم ما تا حدودی هم روی آن تبلیغ شد، ولی نکته‌ای که این عزیزان از آن غفلت کردند این است که آیا اگر ما در فکر این باشیم که به وسیله فروش نفت، به وسیله درآمد نفت خودمان را به خودکفایی اقتصادی و صنعتی برسانیم، آمریکا ما را به این حالت خواهد گذاشت؟ آیا آمریکا آرام خواهد گرفت؟ ابرقدرت‌ها هرگز راضی نیستند که کشورهای تحت ظلم و تحت سیطره آنها به خودکفایی واقعی برسند. یک نگاه به مملکت شرقی یا همسایه شرقی خودمان و نگاهی دیگر به همسایه غربی‌مان، این درس را به ما می‌آموزد که ابرقدرت‌ها همواره در صدد توطئه علیه مستضعفین هستند. تا متوجه بشوند که ما بخواهیم به خودکفایی برسیم، سنگ پیش پایمان خواهند گذاشت؛ بنابراین، آنها هیچ وقت نمی‌گذارند که ما به وسیله فروش نفت به خودکفایی برسیم. پس آنهایی که معتقدند ما

۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

الآن نباید علیه آمریکا موضع‌گیری کنیم [و] تا به خودکفایی سیاسی، اقتصادی و صنعتی نرسیده‌ایم نباید مشت‌هایمان بالا برود، اینها در اشتباه هستند. آمریکا توطئه می‌کند، کودتا می‌کند. در ترکیه شاهد هستید که چه کرده و تصرف لانه جاسوسی آمریکا در ایران به ما نشان داده است که در داخل مملکت ما هم بعد از پیروزی انقلاب، آمریکا در صدد توطئه بود؛ در صدد کودتا بود.

فخرالدین حجازی - ۱۳۵۹/۷/۱: «دیگر اینکه آقای «کورت والدهایم»^۱ یک یادداشتی هم به دولت آمریکا بدهند؛ چون این آمریکا است که مستقیماً در زیر پوشش دولت عراق با ما دارد می‌جنگد و علت حمله عراق به دستور آمریکا به ایران، بدان جهت است که در مجلس شورای اسلامی مسئله گروگان‌ها مطرح است و این مسئله برای آقای کارتر فوق‌العاده اهمیت دارد؛ زیرا می‌خواهد آن را حل کند تا در انتخابات پیروز شود. بنده از نمایندگان محترم استدعا می‌کنم که چون آمریکا می‌خواهد جو اربعایی پیش آورد و ما را در آن جو مجبور کند که به نفع او درباره گروگان‌ها تصمیم بگیریم، ما مادامی که این تجاوز ادامه دارد مسئله گروگان‌ها را مسکوت بگذاریم تا آمریکا بداند مجلس شورای اسلامی هیچ‌گاه تحت تأثیر ارباب قرار نمی‌گیرد ... مسئله مسکوت گذاشتن به‌عنوان حل کردن بود، نه به‌عنوان اینکه محاکمه بشوند. ما باید جاسوسان آمریکایی را به‌عنوان خود دولت متجاوز آمریکا مورد محاکمه قرار بدهیم تا دنیا بداند که آمریکا چه کرده است. آمریکا دولت جنایتکاری است که طی سی سال دویست و پانزده کودتا در دنیا راه انداخته است؛ پس ما باید دنیا را به جنایات آمریکا آگاه کنیم».

فخرالدین حجازی ۱۳۵۹/۸/۱۲: «دیروز آقایان رأی دادند برای آزادی گروگان‌ها و من در اینجا می‌گویم: بنده به این موضوع رأی مخالف دادم؛ زیرا گفته بودید که آمریکا دخالت در امور ایران نکند، اما این بمب‌ها و خمپاره‌هایی که بر سر فرزندان ما و مردم ما ریخته می‌شود به دستور آمریکا و به دست آمریکاست؛ پس او چگونه در کار ما دخالت نمی‌کند؟

۱. دبیرکل وقت سازمان ملل.

۴۹ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

علی‌اکبر پرورش - ۱۳۵۹/۷/۱: «من سخنم را با یک جمله از سفیر کره شروع می‌کنم و آن اینکه می‌گوید: «اگر آمریکا دسته‌گلی به تو هدیه کرد مواظب باش که به احتمال زیاد میان آن بمبی کار گذاشته است»، شاید با همین جمله، خط سخن من روشن بشود، ولی همان‌طور که عرض کردم به‌صورت بسیار فشرده دلایلی را که تاکنون از بحث کسانی که مایل به آزادی گروگان‌ها یا جاسوس‌ها هستند، یافته‌ام شماره‌بندی کرده‌ام و به‌صورت فشرده عرض می‌کنم و بعد هم دلایل کسانی را که طالب محاکمه گروگان‌ها هستند نیز به‌صورت فشرده سعی می‌کنم بیان کنم. یکی از دلایلی که طرفداران آزادی گروگان‌ها و یا جاسوس‌ها مطرح می‌کنند، مسئله محاصره اقتصادی است و کمبود قطعات یدکی و احیاناً گرانی ارزاق و احتکار ناشی از آن، که همه به اعتبار وابستگی شدیدی که رژیم گذشته به غرب و به‌ویژه به آمریکا داشت، در اثر این محاصره اقتصادی ایجاد شد.

دومین مطلبی را که این دسته از برادران مطرح می‌کنند، این است که می‌گویند آن شور و التهاب اولیه که نسبت به امر گروگان‌گیری یا جاسوس‌گیری در ایران در بین سطوح مردم بود، آن شور و التهاب از دست رفته است و مخصوصاً با تبلیغاتی که عده‌ای کرده‌اند که ما در انحصار گروگان‌گیری در آمده‌ایم یا گروگان‌گیری مشکلات ما را افزایش داده است، این شور و التهاب را از مردم گرفته است.

مسئله سومی را که اشاره می‌کنند این است که نیروهای زیادی صرف نگهداری این دسته از گروگان‌ها و جاسوس‌ها می‌شود. مخصوصاً نیروهای بسیار فعال و خلاق ما یعنی دانشجویان پیرو خط امام و همچنین عده‌ای از مردم در شهرها و در تهران.

مسئله چهارمی که مطرح می‌کنند این است که اگر بخواهیم آنها را محاکمه کنیم آیا این محاکمه در کجا باشد؟ اگر محل محاکمه در ایران و در دادگاه‌های انقلاب ایران باشد که ما از قبل آنان را محکوم کرده‌ایم و اگر محل محاکمه غرب باشد که آنها نیز ما را از قبل محکوم کرده‌اند؛ بنابراین، دلیلی برای محاکمه آنها نیست.

مسئله پنجمی را که اشاره می‌کنند این است که به دنبال محاصره اقتصادی، هر روز حلقه محاصره سیاسی ما تنگ‌تر می‌شود و مخصوصاً به دنبال جنگ‌های عراقی - آمریکایی موجود که هر روز حلقه سیاسی را تنگ‌تر می‌کند و به‌ویژه کودتای آمریکایی

۵۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

ترکیه، باز آمریکا سعی می‌کند با این حملات نظامی‌اش هر روز حلقه محاصره سیاسی را تنگ‌تر بکند و ما را به این انزوای سیاسی بکشاند.

مسئله ششمی که مطرح می‌کنند، این است که تلاش نیروهای داخلی که با تحریکات آمریکا صورت می‌گیرد، نیروهای اصیل انقلاب را خسته می‌کند و در نتیجه، خستگی مردم و احیاناً فرسودگی و پژمردگی آنان سبب می‌شود که از یک حاکمیت پر قدرت جلوگیری به عمل آید.

مسئله هفتمی را که مطرح می‌کنند این است که پیشنهادهای آمریکا که از رهگذر گفته‌های گوناگون واسطه‌هایش تاکنون مسموع شده است، البته نه به‌طور رسمی، ولی در مذاکراتی که حتی دبیر کل جبهه‌های آزادی‌بخش یا به وسیله نماینده پاپ صورت گرفته است، شاید این مسئله روشن باشد که آمریکا حاضر شده است قراردادی را امضا بکند که در آن چندین شماره باشد:

اول اینکه کلیه اموال شاه را برگرداند. دوم اینکه اموال بلوکه‌شده را آزاد کند. سوم، پیمان عدم تعرض سیاسی و نظامی با ایران ببندد. چهارم اینکه سیاست گذشته‌اش را تقبیح بکند که این جمله را کارتر در سخنرانی پری‌شیش نفی کرد. پنجم اینکه آمریکا کلیه دعاوی خود را پس بگیرد.

با توجه به این وضعی که ایجاد شده است و مخصوصاً در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، اینکه آمریکا حاضر شده است تا این حد تنزل بکند موقعیت بسیار مطلوبی است برای اینکه این مسئله جاسوس‌گیری و یا گروگان‌گیری مطرح شود. مسئله هشتمی را که مطرح می‌کنند این است که رسانه‌های تبلیغاتی در اختیار ما نیست و باید مسئله گروگان‌ها به زودی حل شود تا بتوانیم انقلاب را در سطح جهانی صادر بکنیم.

مسئله نهمی که اشاره می‌کنند این است که رهنمودهای آخرین امام در اعلامیه پرمحتوایشان در زمینه حج شاید نشانگر این مسئله بود که احیاناً مجلس در زمینه آزادی گروگان‌ها با توجه به شرایط ذکر شده فکری بکند.

مسئله دهم اینکه ما دلایل کافی برای تک‌تک گروگان‌ها و محاکمه آنها نداریم؛ زیرا همان‌طور که وزیر امور خارجه در آن نامه‌اش ذکر کرد و یا آن‌طوری که شایع

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۵۱

شده است و مسموع شده است، شاید دلیلی بر محاکمه حدود بیست و دو نفر از آنها وجود نداشته باشد. در حقیقت اینها مجموعه دلایل آن دسته از برادران و خواهرانی است که طالب آزادی گروگان‌ها هستند که با توجه به شرایط موجود، ذکر کرده‌اند، اما دلایل زیر را هم کسانی که خواستار محاکمه آنها شده‌اند ذکر می‌کنند.

دلیل اول این است که اگر مسئله آزادی گروگان‌ها مطرح شود، در حقیقت خود این نکته می‌رساند که ما پایبند به آن اصول و مقررات انقلاب نشده‌ایم؛ زیرا انقلاب از اول یک حرکت مکتبی را آغاز کرده است و کوشیده است که تمام روابط مادی را درهم شکند و قوانین گردن‌کلفت‌ها را بکوبد. از این جهت اگر مسئله آزادی گروگان‌ها در رابطه با محاصره اقتصادی و یا محاصره سیاسی مطرح گردد، دیگر قبول حاکمیت ماده است به صورت دیگر. از این جهت در حقیقت مفاهیمی که جوهره انقلاب بود؛ یعنی مفهوم توکل، مفهوم شهادت، مفهوم اعتقاد به قیامت که همه اینها آن جوهره سنگینی انقلاب بود، از بین می‌رود. مخصوصاً ما را در برابر منطق ماتریالیزم مطلق یعنی کمونیزم و همچنین ماتریالیزم جهان سرمایه‌داری در حقیقت عاجز خواهد کرد و خلع سلاح خواهد نمود.

مسئله دیگری که طرفداران محاکمه گروگان‌ها مطرح می‌کنند این است که آزادی گروگان‌ها و احیاناً قبول و تن دادن به مسئله آزادی آنان با توجه به شروط و قیود یادشده، می‌رساند که ما از تعهدات خود نسبت به قانون اساسی نیز دست کشیده‌ایم؛ زیرا در بند ج اصل دوم و همچنین در بندهای ۵ و ۶ و ۱۶ اصل سوم قانون اساسی ذکر شده است که ما نفی هر نوع سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را طالب هستیم و چون یکی از مسایل این است که آمریکا احیاناً قبول کند که نسبت به ما تعرضی نداشته باشد، خود این نکته حاکمیت و سلطه‌گری آمریکا را می‌رساند؛ متنها ما در این مذاکره از آمریکای سلطه‌گر و چپاولگر خواستار هستیم اگرچه تو سلطه‌گر هستی، ولی این سلطه‌گری را در مورد ما اعمال نکنی. مخصوصاً در قانون اساسی یاد شده است که ما باید از همه مستضعفین جهان حمایت کنیم و نسبت به همه مسلمانان جهان برادر باشیم. پس قبول این نکته، یعنی اثبات سلطه‌گری آمریکا.

۵۲ □ شخصت سال صبوری و شکوری

مسئله دیگری را که مطرح می‌کنند این است که در این محاکمه، جنایات و خیانت‌های گوناگون آمریکا مطرح خواهد شد و همین طوری که برادرم هم اشاره کرد، اگر ما از طرف دولت‌های غاصب جهان در حقیقت به انزوا کشیده شده‌ایم، اما از طرف مستضعفین جهان به انزوا کشیده نشده‌ایم. درست است که استکبار جهانی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران از خواب گران خودش بیدار شده است و محاسبات جدیدی را برای نابودی استضعاف جهانی می‌کشد، اما خود این مسئله که جنب و جوشی در زمینه استضعاف جهانی به وجود آمده است و در رابطه با انقلاب، مستضعفین را بیدارتر کرده است، از این جهت خود این می‌رساند که باید محاکمه آمریکا آغاز گردد. تا این سد هیولای جهانی در سطح جهانی شکسته شود.

مسئله دیگری را که محاکمه‌طلبان مطرح می‌کنند این است که شاید تنزل آمریکا در این رابطه باشد که آمریکا از جو ضدآمریکایی و از موج ضدآمریکایی که در رابطه با انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه و سطح جهان مستضعفین پدیدار شده است، آمریکا از گسترش این موج ضدآمریکایی شدیداً به وحشت افتاده است و از این جهت حاضر شده است که در مقابل ایران و در مقابل انقلاب اسلامی ایران تنزل بکند تا احیاناً وسیله‌ای باشد تا از آن موج شدید و از گسترش آن موج جلوگیری به عمل بیاورد؛ زیرا گسترش آن موج شدید ضدآمریکایی که در ایران و سایر منطقه‌های مستضعفین به وجود آمده است، بزرگ‌ترین خسارت سیاسی را برای آمریکا به وجود خواهد آورد.

مسئله دیگری را که محاکمه‌طلبان مطرح می‌کنند این است که با آزاد کردن گروگان‌ها نیروهای انقلابی داخلی به سردی گراییده خواهند شد. و علی‌رغم گفته آزادی‌طلبان در حقیقت نیروهای داخلی شدیداً سرد خواهند شد و آن شور و التهاب از بین خواهد رفت.

مسئله دیگری را که این دسته از برادران مطرح می‌کنند این است که اگر آمریکا تازه حاضر شود که سیاست چپاولگرانه خودش را تقبیح بکند که عرض کردم کارتر پری‌شب رسماً اعلام کرد که چنین نخواهیم کرد. اگر تازه حاضر شود در مذاکره، جنایت‌های گذشته خودش را تقبیح کند، صرف تقبیح کردن برای یک ملتی که پیوسته

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۵۳

تحت این رژیم چپ‌ولگر و این ایادی خائش این چنین در ضعف و ناراحتی و انزوا و شدت به سر می‌برده است، کافی نیست، بلکه آمریکا باید تمام سیاست‌های غلط گذشته‌اش را که تقبیح می‌کند خسارت‌های وارده را به این ملت قوی و دلاور نیز جبران نماید؛ و الا توبه آمریکا در حقیقت توبه گرگ به [قول] عبید زاکانی است که هیچ وقت تحقق نخواهد یافت.

مسئله دیگری را که مطرح می‌کنند این است که اگر ما سلطه‌گری آمریکا را که وجود داشته است، در مذاکره و آزادی گروگان‌ها بپذیریم، خود این مسئله بار دیگر ما را از خودکفایی خارج می‌کند و پای ما را به روی صنایع مصرفی غرب خواهد گشود؛ زیرا یک واقعیتی که وجود دارد به قول جامعه‌شناس معروف آمریکایی هربرت مارکوزه که می‌گوید جهان سوم نمی‌خواهد به آمریکا بیاید؛ زیرا اگر به بازارهای خود نگاه کند می‌بیند که آمریکا به بازارهای او آمده است. از این جهت وقتی ما مجدداً به اعتبار محاصره اقتصادی و ترس از این مسئله آزادی گروگان‌ها را مطرح بکنیم، بار دیگر صنایع مصرفی سرازیر خواهد شد و ما را از آن خودکفایی لازم خواهند انداخت. اینها مجموعه دلایلی بود که تا آنجا که من توانستم استقصا بکنم به دست آمد و من فکر می‌کنم آنچه که در رابطه با گفته‌های کسانی که طالب محاکمه گروگان‌ها هستند، مطرح می‌شود همان نکته اول است که باید شدیداً روی آن تکیه داشت و آن این مسئله است که در حقیقت، انقلابی را این ملت قهرمان و این امام قهرمان‌تر به وجود آوردند که بر اساس پایه‌های مکتب به وجود آمده است؛ یعنی بر اساس توکل، بر اساس تقوی، بر اساس ایمان و اگر ما حاضر شویم در مقابل این محاصره‌های گوناگونی که آمریکا ایجاد می‌کند، یعنی محاصره سیاسی، محاصره اقتصادی، محاصره فرهنگی و حملات مختلفی که ایجاد می‌کند، تن به این سازش بدهیم، در حقیقت ما نسبت به مکتبی بودن انقلاب تردید کرده‌ایم؛ بنابراین، پیشنهادی را که در این زمینه دارم این است که آن حالت تهاجمی انقلاب باید حفظ بشود و در حقیقت محاکمه گروگان‌ها به عمل بیاید و آنها که جاسوس هستند با توجه به شواهد و مدارک موجود شدیداً محاکمه بشوند و احیاناً به دنبال آن اگر آمریکا باز به اعمال ننگین خودش دست زد، سیاست تهاجمی ملت ما ادامه پیدا کند، و همین‌طور که عده‌ای از برادران هم ذکر

۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

کردند که اگر ما در این رابطه بخواهیم آنها را محاکمه کنیم، ممکن است حملات نظامی آمریکا شدیدتر شود و به وسیله اقرارش ما را در یک محاصره شدیدتر قرار دهد، من تصور می‌کنم این اندیشه باز در رابطه با مکتب ممکن است مشکل باشد، اما از آنجایی که من معتقدم اسلام با اصل عمل موافق نیست، بلکه آنچه که از دیدگاه اسلام مطرح است عمل صالح است؛ یعنی برخلاف مکتب پراگماتیسم که اصالت به عمل می‌دهد، اسلام اصالت به عمل صالح می‌دهد. من دلایل آنها را ذکر کردم، دلایل این دسته را هم ذکر کردم، نظر خودم را هم گفتم و به هر جهت اگر کمیسیون که برای این کار تشکیل می‌شود با توجه به همان عمل صالح که در حقیقت یک عمل استاندارد نیست و با توجه به شرایط و مقتضیات گوناگون ممکن است فرق بکند، اگر کمیسیون مربوطه در این زمینه با توجه به رهنمودهای امام که در اطلاعیه خود بیان فرمودند، صلاح بداند که با آمریکا مذاکره‌ای را باز کند و در این زمینه گروگان‌ها را آزاد نماید، باید تمام این ضوابط مکتبی که جوهره انقلاب است، حفظ شود. و السلام علی عبادالله الصالحین».

علی اکبر معصومی - ۱۳۵۹/۷/۱۰: «در مورد گروگان‌ها من معتقدم نه کمیسیون ویژه لازم است، نه کلمه مذاکره. ما یک ضرب‌الاجل معین می‌کنیم برای آمریکا. خواسته‌هایی را که امام در بیانیه حج فرموده بودند با تأکید بر اینکه دیگر آمریکا هیچ‌گونه ادعایی نداشته باشد و همچنین جانیان ما را پس بدهد، مجلس اعلامیه‌ای بدهد بگوید بیست روز [یا] یک ماه. این خواسته‌های ما. وزارت امور خارجه با عدم کارایی که دارد اموال شاه را هم بررسی کند، صورت بدهد؛ [آنگاه] ما یک بیانیه رسمی می‌دهیم، می‌گوییم این.

این خواسته‌های ما است تا بیست روز. اگر آمریکا این خواسته‌های ما را آورد اینجا، پول‌هایمان را اینجا بدهد، نه اینکه آنجا باز شرکت‌های خودشان دست بگذارند. بیاورد اینجا پول‌هایمان را. از طریق سفارت سوئیس هم یک یادداشت می‌دهیم؛ بعد گروگان‌هایشان را می‌دهیم؛ وگرنه آن بخشش که جاسوس است حکمش اعدام است، آن بخشش هم که عملاً ظلم است آنها را هم طبق دادگاه‌های شرعی خودمان محاکمه می‌کنیم و مجازاتشان به زندان‌های طویل‌المدت است. دیگر نه مذاکره لازم است، نه

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۵۵

مصالحه است، نه حرف زدن؛ چون به محض اینکه کلمه مذاکره مطرح بشود، جو ضدآمریکایی که در منطقه وجود دارد، فروکش می‌کند و دیگر ما نمی‌توانیم مدعی مبارزه با امپریالیسم بودن را داشته باشیم.

مسئله دیگر: با این برخورد ما [فقط یک جمله دیگر] کارتر شکست می‌خورد. به‌عنوان مظهر قدرت آمریکا و مظهر آمریکا و مسئله سوم، اسلام به‌عنوان یک مکتب رهایی‌بخش پر قدرت در سطح جهانی باقی می‌ماند.

محمدعلی هادی - ۱۳۵۹/۷/۳۰: «مسئله دیگر، مسئله گروگان‌گیری است. برادران از مسئله گروگان‌گیری و در مسئله گروگان‌گیری، ما بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به امپریالیست آمریکا زدیم. من یک ربع وقت آقای دکتر یزدی را هم از ایشان گرفته‌ام. مسئله گروگان‌گیری یک مسئله اساسی بوده است و بنده از اول مدافع بوده‌ام و به کشورهای خارجی هم رفته‌ام و از این مسئله در آنجا دفاع کرده‌ام. خوب این مسئله گروگان‌گیری نباید باعث این بشود که آمریکا قدرت این را داشته باشد که بخواهد ما را منزوی کند و تحریم اقتصادی بکند. اگر ما تبلیغات را منسجم و کانالیزه و دقیق کرده بودیم در همین مسئله گروگان‌گیری ضمن استفاده‌های زیادی که در داخل از این مسئله کردیم، ضمن بزرگ‌ترین ضربه‌هایی که در تاریخ آمریکا به آمریکا زدیم، می‌توانستیم این کاری را که آمریکا الآن می‌خواهد با ما بکند و هیچ تأثیری هم نکرده است، ما با آمریکا بکنیم. اگر پنجاه میلیون مسلمان نیجریه‌ای را ما از سال گذشته تا حالا توانسته بودیم در آنها تبلیغ بکنیم - چون این مردم تشنه انقلاب بودند - نفت را به روی آمریکا بسته بودند و ما استفاده بیشتری کرده بودیم، ما در مسئله گروگان‌گیری که یک مسئله حقی بود نتوانستیم به دنیا تبلیغات بکنیم و وزارت خارجه ما و تبلیغات خارجی ما و ارشاد اسلامی ما نتوانست این حق را به دنیا خوب بفهماند».

آقای ملازاده - ۱۳۵۹/۸/۴: «مسئله دیگری را که امروز آمریکا مطرح می‌کند، مسئله گروگان‌ها را در رابطه با جنگ عراق طرح می‌کند و این یک طرح غلط است. همچنان که آقای رجایی نخست‌وزیر فرمودند برای ما فرق نمی‌کند ریگان در آمریکا باشد یا کارتر. همه اینها نمایندگان تراست‌ها و نمایندگان سرمایه‌داری غرب هستند. برای ما فرق نمی‌کند چه کسی در آمریکا یا چه کسی در اروپای غربی روی کار می‌آید.

۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

آنچه که برای ما مطرح است این است که آمریکا با این جنایاتش در سطح جهان و جنایات سی و چند ساله‌اش در ایران، حق داشته است در امور داخلی ملت‌ها دخالت کند؟ دقیقاً جواب غیر از این است. آنها همه چیز را در این شرایط بر ما تحمیل کردند و ما را به‌عنوان ملتی که وحشی است و چیز نمی‌فهمد و احساس ندارد، معرفی کرده‌اند.

مسئلهٔ گروگان‌ها نباید باعث وحشت ما شود. ما چون اتکای به خداوند داریم، هیچ وحشتی از این نداریم که حتی اگر تشخیص دهیم گروگان‌ها در ایران به شکلی باید با آنها رفتار شود، رفتار کنیم. ما آن کس را که جاسوس نمی‌دانیم به او کاری نداریم، ولی آن کس که جاسوس باشد دقیقاً موضعش در قبال انقلاب اسلامی ما مشخص است.»

محمد خزاعی - ۱۳۵۹/۸/۱۱: «به گمان من، در مسئلهٔ گروگان‌گیری جاسوسان آمریکایی در ایران، انقلاب اسلامی ایران بهرهٔ خودش را ولو ناقص برد و همه خوب به خاطر داریم هنگامی که این عمل ارزشمند انقلابی از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به وقوع پیوست، بت آمریکا که چون هبل بر تارک تاریخ امپریالیستی می‌درخشید، شکست و همزمان با آن بر سایر کشورهای آمریکایی‌زده [و] به سفارتخانه‌های آمریکا حمله شد، و این فرمایش امام که آمریکا توخالی است، مصداق پیدا کرد. نیاز به این مسئله هم نیست که انگیزهٔ این حرکت اجتماعی، عکس‌العمل مردم مسلمان ایران بر علیه جنایات آمریکا در طول یک قرن و اندی بر مردم دنیا و ده‌ها سال بر مردم ایران بود. اما زمان گذشت؛ اکنون ما در مرحله‌ای رسیده‌ایم که می‌خواهیم در رابطه با گروگان‌ها تصمیم‌گیری کنیم. به نظر من امروز و این جلسه، یکی از تعیین‌کننده‌ترین و حساس‌ترین لحظات تاریخ ایران و اسلام است. به جهت اینکه امروز مشخص خواهد شد خط حرکت مجلس شورای اسلامی ایران در رابطه با یک مبارزهٔ اصیل و مکتبی با همهٔ طاغوت‌ها و طاغوت‌چها است. اینجا چند مسئله در جامعه مطرح شده، مسائلی که مطرح شده است این است که چرا مجلس این‌قدر مسئلهٔ حل گروگان‌ها را لفتش داد و سهل‌انگاری کرد تا رسید به دو روز مانده به انتخابات آقای کارتر. اینجا مخالفین و حتی رادیوهای آمریکا که این مکان مقدس‌تر از

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۵۷

آن است که نام آن را ببرم از قول یکی از دولتمردان گذشته ایران مطرح می‌کرد که ایران کارتر را به ریگان ترجیح می‌دهد ...

نکته اینجاست که تبلیغات کشورهای خارجی در این چند روز اخیر بر سه محور استوار شده است. من دقیقاً بررسی کردم. می‌خواهند از بررسی مسئله گروگان‌ها در این شرایط سوءاستفاده بکنند. اولاً تلاش در این دارند که جلوه بدهند که ایران از گروگان‌ها خسته شده است و حوصله‌اش سر رفته است و گروگان‌ها بی‌ارزش هستند و می‌خواهد آنها را ردشان بکنند. من اینجا صراحتاً اعلام می‌کنم و نظر مجلس هم یقیناً همین است که اگر آمریکا به شرایطی که ایران می‌خواهد عمل نکند، بداند که ایران از گروگان‌ها و این جاسوس‌ها خسته نشده و با ضوابط مکتبی آنها را محاکمه خواهد کرد (تکبیر نمایندگان).

نکته دوم اینکه از همین الان رادیوهای آمریکایی که نشان‌دهنده سیاست آمریکا بر ایران است، دارد مطلب را جلوه می‌دهد به صورتی که بعداً دستش را باز کند در نفی قراردادهایی که موظف است در قبال ایران انجام بدهد و انجام نداده؛ و خواسته‌های ایران بر اموال ایران و حیثیت انقلاب ایران و همه چیز.

نکته سوم: اگر دقت کرده باشید همه جناح‌ها، جناح‌های خبری و جناح‌های داخلی وابسته به آمریکا و شوروی در ایران، مطلب را دارند به یک صورتی مطرح می‌کنند که انگار ایران با آمریکا قرارداد بسته است. از آن طرف می‌گویند هواپیما در استکهلم آماده پرواز است، وسایل یدکی آماده تحویل است، کارشناسان آماده ورود به ایران هستند و از این سری مزخرفات.

اما در پایان عرایض من این را به همه مکتب‌داران داخلی و خارجی و به همه مذهبیبون داخلی و خارجی عرض می‌کنم یکی از افتخارات بزرگ مکتب اسلام این است که در اسلام به‌ویژه در تشیع دو ویژگی وجود دارد که این دو ویژگی چون دو محور، خیمه اسلام را تا ابد برقرار خواهند داشت. یکی رمضان و دیگری عاشورا. رمضان حالتی است خداگونه در فرهنگ اسلام که عامل رهایی از همه الهه‌ها به جز الله است، و عاشورا حالتی در اسلام است که مایه وابستگی انسان به خداست. رمضان انسان را از قدرت‌ها می‌برد و عاشورا می‌پیوندد او را به خدا. تا زمانی که ملت مسلمان

۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایران به رمضان و عاشورا معتقد است و هر زمینی را کربلا و همه روزی را عاشورا می‌داند و به روزه می‌اندیشد، این ملت هرگز برای پیروزی صوری در جنگ با عراق به زیر نکتب زورمندان نخواهد رفت (احسنت. احسنت. الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر، مرگ بر صدام یزید کافر). جان عزیزان ما که از فرزند حسین و خانواده حسین عزیزتر نیست. اگر قرار باشد قراردادی بین ایران و آمریکا و یا هر قدرت دیگری حتی کویت مطرح شود که بر اساس آن همان‌طور که امام در توضیح‌المسائل می‌فرماید «استقلال سیاسی و اقتصادی ما به خطر بیفتد» ملت ایران حاضر است همه جوانانش را به کشتن بدهد. اگر پیرو حسین باشد که هست، اما زیر بار زورمداران نرود. این یک امر مسلم است. همه آنهايي هم که می‌خواهند در بیرون، مجلس را به شکلی متهم کنند، بدانند. سازمان‌ها، گروه‌ها، احزاب که حتی بعضی بر اساس دلسوختگی است.

خزاعی: ولو اینکه تصمیم‌گیری در مجلس دیر شده و من شخصاً با آن مخالفم و در مخالفتش صحبت خواهم کرد و دلیل خواهم آورد. در این شرایط زمانی؛ اما در عین حال مجلس ان‌شاءالله با در نظر گرفتن خط مشی امام، راهی را که به سوی وابستگی ایران به هر قدرتی برود، نخواهد پیمود. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته».

شیخ محمد یزدی - ۱۳۵۹/۸/۱۱: «به دلیل مسئولیتی که از طرف مجلس محترم به عهده من و دوستان گذاشته شده بود، چند جمله‌ای هم در این زمینه عرض کنم که مسئله به اصطلاح گروگان‌گیری در جریان حرکت انقلاب اسلامی ایران، یک عکس‌العمل کوچک در برابر عمل دشمنان انقلاب بوده و این خاصیت، که همیشه امت اسلامی در برابر کسانی که علیه اسلام عمل می‌کنند، هست، و به‌صورت طبیعی است. امروز به این شکل است، فردا اگر دشمن به شکل دیگری عمل کند، در مقابل مسلمین عکس‌العمل خواهند داشت. هدف از این کارها نه حکومت بر جهان است، نه کشورگشایی است، نه حاکمیت ماست، بلکه حاکمیت الله و حفاظت از عبادت و عبادتگاه است. اگر در یک جایی علیه بنیادهای اصلی انقلاب طرح ریخته می‌شود و ما با فراستی که مؤمن معمولاً باید از آن فراست برخوردار باشد، آن مرکز را شناختیم و

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۵۹

جوان‌های پاک و عزیز و مقدس ما که بهترین صفتشان همان مسلمان پیرو خط امام هست، این مرکز را در اختیار گرفتند. پیرو خط امام یعنی اطاعت از خدا و اطاعت از احکام خدا. وقتی اینجا را گرفتند نه برای انتقام‌جویی است و وقتی آزاد می‌کنند نه برای مقابله به مسئله‌ای مادی است. هم در موقع تصرف هم در موقع نگاهداری، جابه‌جایی و بررسی و آزادی، همه جا بر اساس مکتب هست؛ یعنی بر اساس حکم الهی و حفظ مصالح امت اسلامی، هیچ چیز دیگر نمی‌تواند حاکم باشد».

اظهار پشیمانی از حمایت

به تدریج که پیامدهای زیانبخش گروگان‌گیری و ادامه آن بروز پیدا کرد، برخی از شخصیت‌ها و احزابی که از آن حرکت حمایت کرده بودند، از کار خود پشیمان شدند. شادروان آیت‌الله حسینعلی منتظری در این باره می‌نویسد: «اشتباه دیگر من تأیید تسخیر سفارت آمریکاست. من در آن فضا این عمل را تأیید کردم؛ درحالی‌که امروز بر این باورم که بدون اینکه فایده چندانی برای کشور داشته باشد، ضررهای فراوانی به بار آورد و ملت آمریکا و دیگر ملت‌ها را نسبت به جمهوری اسلامی حساس و بدبین ساخت؛ و چه بسا در شروع جنگ توسط صدام نیز به‌عنوان انتقام و عکس‌العمل، نقش مؤثری داشت» (خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۷۵).

اعضای شورای انقلاب از همان اول با اشغال سفارت و گروگان‌گیری مخالف بودند، اما در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها آن را تأیید کردند.

آیت‌الله شیخ محمدرضا مهدوی کنی - که یکی از اعضای شورای انقلاب بود و در آخرین سال‌های زندگی به ریاست مجلس خبرگان رهبری رسیده بود - در مصاحبه‌ای گفت: ما از اول با گرفتن سفارت آمریکا مخالف بودیم.

«سفارت، ملک و خانه یک کشور است. گرفتن و بستن یک سفارت اعلام جنگ است. ما از اول با گرفتن سفارت آمریکا مخالف بودیم و مخالفت کردیم. ... ننگه داشتن گروگان‌ها به مدت ۴۴۴ روز کار درستی نبود و تاوان زیادی بابت آن دادیم. ما از اول این موضع را داشتیم، اما حالا آقایان اظهار پشیمانی می‌کنند ... معلوم نیست چه پیش آمده که الآن این‌طور شده و در آن زمان بگیریم و ببندیم و الآن دعوت کنیم و ملاقات کنیم ... (اشاره به سفر مک فارلین به ایران)» (نشریه آبان، ۱۳۷۷/۹/۱۶).

۶۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

حسن یوسفی اشکوری، نویسنده و فعال سیاسی، در واکنش به اظهارات مهدوی کئی، تحلیل جالبی در آبان ۱۳۷۷/۹/۱۱ نوشت. در فرازی از این نوشتار آمده است: «اگر واقعا اشغال سفارت و گروگان‌گیری اعلام جنگ است و تاوان زیادی داشته است، چرا و به چه مناسبت روزی چنین، هنوز بعد از بیست سال روز مبارزه با استکبار جهانی نام‌گذاری شده و با افتخار از آن یاد می‌شود و بیش از همه همفکران شما از آن بهره‌برداری سیاسی می‌کنند».

اعلامیه وزارت امور خارجه آمریکا - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۴

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه: در پی اشغال سفارت آمریکا در تهران از سوی گروهی از دانشجویان اسلامی ایران، وزارت امور خارجه ایالات متحده مراتب تشویش و نگرانی خود را به مقام‌های ایرانی ابراز داشته است. وزارت امور خارجه آمریکا ضمن اعلامیه‌ای خاطرنشان ساخت کاردار سفارت آمریکا که هنگام اشغال ساختمان در سفارتخانه نبود، از آغاز ماجرا با ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه ایران در تماس بوده است. وزارت امور خارجه اضافه می‌کند ما به وسیله کاردار سفارت خود نگرانی و تشویش شدید خود را از این تهدید علیه پرسنل و املاک آمریکا به مقام‌های ایرانی ابراز داشته‌ایم و دولت ایران به آمریکا اطمینان‌هایی داده و خاطرنشان ساخته است که همه گروگان‌ها در امن و امان هستند و دولت می‌کوشد مسئله را به‌طور رضایتبخش حل کند. در پایان اعلامیه وزارت امور خارجه اضافه شده است: ما از تلاش‌های دولت ایران در این مورد قدردانی می‌کنیم.

انتخاب و اعزام نمایندگان کارتر به ایران

هامیلتون جردن، رئیس ستاد کاخ سفید می‌نویسد: «کارتر پیشنهادی را که از طرف وارن کریستوفر، معاون وزارت خارجه عنوان شده بود، مطرح کرد و گفت: به او پیشنهاد می‌کند ما رمزی کلارک، وزیر دادگستری پیشین آمریکا را برای مذاکره به تهران بفرستیم. رمزی کلارک از مخالفان سرسخت رژیم شاه بود و بارها در پشتیبانی از انقلاب ایران سخن گفته و حتی در جریان انقلاب با آیت‌الله خمینی در پاریس

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۶۱

ملاقات و مذاکره کرده است. او یکی از انگشت‌شمار آمریکاییانی است که آیت‌الله خمینی را خوب می‌شناسد و می‌تواند اعتماد رهبران جدید ایران را به خود جلب نماید. با شنیدن اسم رمزی کلارک، من و جودی پاول (سخنگوی مطبوعات کاخ سفید) بی‌اختیار به هم نگاه کردیم و از اینکه چنین آدمی برای مذاکره به نمایندگی دولت آمریکا پیشنهاد می‌شود متحیر شدیم. اتفاقاً کارتر هم آنچه را که در مغز ما می‌گذشت در پرده و کنایه بیان کرد و گفت: با اینکه با اصل پیشنهاد درباره فرستادن نماینده‌ای برای مذاکره به تهران موافق است، در صلاحیت رمزی کلارک برای انجام این مأموریت تردید دارد. کارتر خطاب به سایروس ونس افزود: «رمزی کلارک همیشه سعی می‌کند گناه همه بدبختی‌ها و مشکلات دنیا را به گردن آمریکا بیندازد. آیا در این مأموریت او می‌تواند به‌عنوان نماینده شخص من فقط منافع و مصالح آمریکا را در نظر بگیرد، یا از این فرصت هم استفاده کرده، بدون احساس مسئولیت، سخنانی در تأیید خمینی خواهد گفت و مشکلات بیشتری برای ما بوجود خواهد آورد؟» ونس گفت: با اینکه شخصاً با بسیاری از عقاید و نظرات کلارک موافق نیست، او را آدم شریف و قابل اعتمادی می‌داند و اگر این مأموریت را بپذیرد در حدود اختیارات و مسئولیت‌هایی که برای او تعیین می‌شود، عمل خواهد کرد؛ سپس پیشنهاد کرد که **ویلیام میلر**، عضو کمیته اطلاعاتی سنا نیز که فارسی می‌داند و با بعضی از رهبران فعلی ایران هم آشناست، همراه کلارک به این مأموریت برود. کارتر گفت: فعلاً راه حل دیگری به نظرش نمی‌رسد و از ونس خواست که فوراً با کلارک تماس بگیرد و اگر او این مأموریت را پذیرفت، وقتی برای ملاقات کلارک و میلر با وی قبل از عزیمت به تهران گذاشته شود (بحران، ترجمه محمود شرقی، انتشارات هفته، ۱۳۶۲). هامیلتون سپس می‌گوید: برای دادن گزارش به دیدن کارتر رفتم، اما او گفت که تنهاش بگذارم: «من دارم نامه‌ای برای خمینی می‌نویسم... هامیلتون با تعجب از این امر یاد می‌کند. در جلسه شورای امنیت ملی، نامه کارتر به خمینی خوانده شد. نامه، محکم ولی مؤدبانه بود و کارتر خوش‌بین بود که با این نامه، خمینی گروگان‌ها را آزاد می‌کند. این نامه را قرار شد کلارک به خمینی بدهد. ونس و کارتر با کلارک و میلر جلسه گذاشتند و آنها قبول کردند که بروند به تهران. روز ۱۶ آبان خبر رسید که مأموریت کلارک و میلر

۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیش از آغاز با شکست مواجه شده و ایران پیشاپیش اعلام کرده است که آنها را نمی‌پذیرند و به این ترتیب این برنامه در نطفه متوقف شد».

رمزی کلارک و ویلیام میلر دو مقام عالی‌رتبه آمریکایی که قرار بود برای مذاکره دربارهٔ گروگان‌های سفارت آمریکا به تهران بیایند در نیمه راه متوقف شدند. یک مقام آگاه اطلاع داد: پس از انتشار پیام امام، به هیئت آمریکایی اطلاع داده شد که به ایران نیایند. عصر دیروز خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که رمزی کلارک، دادستان سابق آمریکا و ویلیام میلر، یکی از اعضای برجسته سنای آمریکا برای مذاکره دربارهٔ استرداد شاه و گروگان‌های سفارت آمریکا به تهران می‌آیند. این خبرگزاری گزارش داد که هیئت مذکور روز سه‌شنبه به مقصد اسلو از واشنگتن پرواز کرده تا از آنجا راهی تهران شوند. خبرگزاری رویتر نیز گزارش داد که سفر هیئت آمریکایی از سوی شورای انقلاب اسلامی تأیید شده است. عصر پریروز همچنین وزارت امور خارجهٔ ایران، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد با تصویب شورای انقلاب، هیئتی از طرف دولت آمریکا به ایران می‌آیند تا با مقام‌های شورای انقلاب و دولت جمهوری اسلامی مذاکره کنند.

اما انتشار پیام امام خمینی که انجام مذاکره با این هیئت را ممنوع کرده بود، سفر هیئت مزبور را لغو کرد. همچنین دانشجویان مسلمان پیرو امام - که سفارت آمریکا را به تصرف خود در آورده‌اند - در اطلاعیهٔ شمارهٔ ۱۹ خود اعلام کردند که هیچ گروهی با هیئت آمریکایی مذاکره نخواهد کرد. شب گذشته خبرگزاری رویتر نیز از واشنگتن گزارش داد که به هیئت آمریکایی دستور داده شده که در آتن متوقف شوند و به تهران سفر نکنند.

توقف در استانبول

واشنگتن - یونایتدپرس: وزارت امور خارجهٔ آمریکا دیشب اعلام کرد که نمایندگان کارتر که مأمور شده‌اند در تهران برای آزادی آمریکایی‌های به گروگان گرفته‌شده فعالیت کنند، سفر خود را در استانبول متوقف کردند.

۶۳ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت که رمزی کلارک، دادستان کل پیشین آمریکا و ویلیام میلر عضو هیئت رئیسه سنای آمریکا تا روشن شدن اوضاع در استانبول خواهند ماند.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا دیشب اطلاعیه کوتاهی را برای خبرنگاران خواند که در آن آمده است: «مقام‌های دولتی ایران موافقت کرده بودند نمایندگان کارتر را بپذیرند، اما بعداً همین مقام‌ها به ما اطلاع دادند که نمایندگان کارتر در حال حاضر نباید به ایران بیایند. نمایندگان رئیس جمهوری در استانبول خواهند ماند تا موضع حکومت ایران روشن شود. امید ما بر این است که آنها بتوانند به ایران وارد شوند.»

یک مقام بلند پایه در وزارت امور خارجه دیشب گفت که تماس با مقام‌های ایران برای آزاد کردن گروگان‌ها مستلزم دسترسی به یک راه ارتباطی و تماس با رهبری ایران است و مفیدترین راه ممکن را سه دولت مسلمان عربستان سعودی، لیبی و الجزایر می‌توانند فراهم کنند. او همچنین تأیید کرد که آمریکا در این زمینه با سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز تماس غیرمستقیمی برقرار کرده است.

اگر من نامه را برای قم نمی‌فرستادم و خمینی اعلام مخالفت نمی‌کرد و آنها به تهران می‌آمدند، آیا مؤثر بود؟ چه می‌شد؟ من تردید دارم. آنها که گروگان‌گیری را طراحی و اجرا کردند، حاضر نبودند به این سادگی‌ها عقب‌نشینی کنند.

حرکت دیپلماتیک ساف

یاسر عرفات در استفاده از هر شرایطی برای پیشبرد برنامه ساف معروف بود. به تعبیری از هوا بول می‌گرفت. چند روز پس از اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری در تهران، سخنگوی یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) در بیروت اعلام کرد: این سازمان برای آزادی گروگان‌ها و وساطت بین ایران و آمریکا هیئتی را به تهران خواهد فرستاد. در آن زمان دولت آمریکا هنوز ساف را به رسمیت نشناخته بود. سازمان‌های وابسته به صیهونیزم در آمریکا با هرگونه تماس و گفتگو با ساف مخالف بودند. برای توجه دادن به حساسیت مسئله، کافی است به پیامد دیدار آندرو یانگ، سفیر آمریکا در سازمان ملل توجه شود. یانگ یک رنگین‌پوست بسیار مطلع بود. او کسی است که در یکی از سخنرانی‌ها یا مصاحبه‌های خود گفته بود: آقای خمینی یک

۶۴ □ شخصت سال صبوری و شکوری

قدیس است. آندرو یانگ در منزل نماینده کویت در سازمان ملل با نماینده ساف در سازمان ملل دیدار می‌کند. اسرائیلی‌ها که در منزل سفیر کویت شنود گذاشته بودند و از ماجرا با خبر شده بودند، خبر را منتشر می‌کنند و جنجال سیاسی بزرگی علیه یانگ ایجاد می‌کنند. یانگ در نتیجه مجبور به استعفا از سمت خود می‌شود. در چنین شرایطی، اقدام یاسر عرفات از نظر سیاسی، بسیار سنجیده و حساب شده بود. دولت آمریکا از این حرکت یاسر عرفات استقبال کرد. اسوشیتد پرس (۱۷ آبان) خبر داد که: «دولت آمریکا برای نجات گروگان‌ها و توسل این کشور به ساف و چند کشور اسلامی تلاش می‌کند ... ایالات متحده به دقت اقدام ساف یا پی. ال. او^۱ را جهت میانجی‌گری با رژیم خمینی دنبال می‌کند.

حسن عبدالرحمن، نماینده ناظر ساف در سازمان ملل متحد این خبرها را تأیید کرد. خبرگزاری‌ها گزارش دادند: اعلامیه سازمان آزادی‌بخش فلسطین مبنی بر اینکه یک هیئت نمایندگی از جانب این سازمان به منظور حفظ جان آمریکایی‌های زندانی در سفارت آمریکا به تهران سفر خواهد کرد، به وضوح نظر مقامات آمریکایی را جلب کرده است. این مقامات مصرأ گفتند که ایالات متحده در این زمینه با سازمان آزادی‌بخش تماس نگرفته است. اگرچه در آمریکا به نظر می‌رسد این تلاش پی. ال. او بارقه امیدی برای شکستن مناسبات کنونی را در بر دارد. حسن عبدالرحمن نماینده، ناظر پی. ال. او در سازمان ملل متحد در نیویورک به خبرنگاران گفت: هیئت نمایندگی سازمان آزادی‌بخش فلسطین از بیروت (لبنان) به تهران پرواز خواهد کرد. وی از این موضوع که آیا یاسر عرفات رهبر پی. ال. او در این هیئت خواهد بود یا نه، اظهار بی‌اطلاعی کرد.

دولت اسرائیل از این حرکت دولت آمریکا به شدت نگران شد. دولت آمریکا از سال ۱۹۷۵ به اسرائیل قول داده بود که هرگز ساف را به رسمیت نشناسد و با آن مذاکره نکند. اگر ساف بنا به درخواست و با موافقت کارتر با ایران مذاکره کند و موفق به آزادی گروگان‌ها بشود، فشار بر دولت آمریکا برای تماس داشتن با گروه فلسطینی تشدید خواهد شد (روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۸/۱۷).

1. Palestine Liberation Organization.

۶۵ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

سخنگوی ساف در واشنگتن گفت: اگرچه آمریکایی‌ها رسماً از ساف نخواستند که از ایران دیدن کند و هیچ تماس مستقیمی میان آمریکاییان و مقامات ساف برقرار نشده است، اما نماینده ویژه کارتر که عازم ایران بود، با نماینده ساف در ترکیه دیدار و گفتگو کرده است. یک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا هر گونه اقدامی از سوی ساف جهت آزادی گروگان‌ها را اقدامی بسیار مسئولانه توصیف کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۸/۸/۱۹).

هیئت اعزامی عرفات، ساف و گروگان‌گیری - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۶
سازمان ملل - یونایتدپرس: سازمان آزادی‌بخش فلسطین (الفتح) شب گذشته اعلام داشت که یاسر عرفات رهبر این سازمان هیئتی به تهران در رابطه با نجات جان گروگان‌های سفارت آمریکا اعزام داشته است.

بیانیه مربوط به اعزام هیئتی از جانب عرفات، اندکی پس از اعلام آغاز تلاش‌های دیپلماتیک **کورت والدهایم** دبیرکل [سازمان ملل] برای نجات جان ۶۰ تا ۸۰ گروگان سفارت آمریکا در تهران انتشار یافت. این عده هنگام اشغال سفارت توسط دانشجویان مسلمان ایرانی به گروگان گرفته شده‌اند.

حسن عبدالرحمن، ناظر دائمی الفتح در سازمان ملل دیشب گفت: عرفات به دفتر سازمان الفتح در تهران دستور داده است از هیچ تلاشی در زمینه نجات جان گروگان‌ها فروگذار نکند. وی گفت هیئت اعزامی از سوی عرفات، روز چهارشنبه رهسپار تهران خواهد شد. عبدالرحمن گفت: تصمیم مداخله عرفات در ماجرای گروگان‌گیری در رابطه با مسائل انسانی اتخاذ گردیده است.

حمله به یاسر عرفات

درحالی‌که هنوز دولت آمریکا رسماً از ساف نخواستند بود که میان آمریکا و ایران میانجی‌گری کند، بیانیه‌ای به نام دفتر امام صادر شد که در آن یاسر عرفات به شدت مورد حمله قرار گرفته بود و او را از هرگونه دخالتی در این امر منع نموده و هشدار داده بودند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۱۶).

۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیرو این حرکت، صدا و سیما در سخنانی بسیار مهیج به یاسر عرفات حمله کرد که در این کار دخالت نکند و او بهتر است که همچنان با رهبران مرتجع عرب نشست و برخاست داشته باشد.

از این زمان بود که روابط ایران با ساف به سردی و تیرگی گرایید. اما باید پرسید به راستی چرا میانجی‌گری سازمان فتح و عرفات در این داستان پذیرفته نشد؟ محافل داخلی مخالف میانجی‌گری عرفات می‌توانستند صبر کنند تا کارتر رسماً از ساف درخواست میانجی‌گری بکند. اگر کارتر این درخواست را مطرح می‌کرد، یعنی ساف را به رسمیت می‌شناخت و ساف پیش چشم اسرائیل این امتیاز سیاسی را از آمریکا می‌گرفت. ایرانیان می‌توانستند منتظر بمانند فلسطینی‌ها بهره‌براداری خود را بکنند و به‌عنوان هیئت میانجی به ایران بیایند؛ آنگاه که هیئت فلسطینی به ایران آمد، به زبان دیپلماسی، ولی خیلی صریح به آنها جواب منفی داده می‌شد و با آزادی‌گروگان‌ها مخالفت می‌شد. چه کسی نگران بود دولت آمریکا چنین امتیازی را به ساف بدهد؟ چرا این محافل صبر نکردند و با آن عجله واکنش نشان دادند؟ آیا عاملی در آن محفل به نفع اسرائیل حضور مؤثر نداشته است؟ آنچه که بعدها طی حوادثی، وجود و حضورش شناخته شد.

شادروان آیت‌الله منتظری سال‌ها بعد در خاطرات خود در مورد رد داوطلبی ساف برای میانجی‌گری با صراحت نوشت: «ما حتی بعد از این عمل در آزادی‌گروگان‌ها نیز فرصت‌های خوبی را از دست دادیم. از جمله مرحوم یاسر عرفات قصد میانجی‌گیری در این زمینه را داشت و قول‌هایی هم به مردم آمریکا داده بود، ولی وساطت او از سوی ایران پذیرفته نشد؛ درحالی‌که اگر میانجی‌گیری او پذیرفته می‌شد، می‌توانست پیروزی و امتیاز بزرگی برای فلسطینی‌ها، به‌ویژه در افکار عمومی جهان و بالاخص ملت آمریکا، به شمار آید» (خاطرات آیت‌الله منتظری، ص ۱۷۵).

وزیر امور خارجه جدید

بعد از استعفای دولت موقت، آقای هاشمی رفسنجانی به وزارت امور خارجه آمد و از جانب شورای انقلاب از من خواست که بمانم و به همکاری خود به‌عنوان عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه ادامه دهم، اما جواب من بسیار روشن و صریح

۶۷ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

بود: «متأسفم، با طناب پوسیده شما به هیچ چاهی نمی‌توان رفت». برخی از نامهربانی‌ها و دودوزه‌بازی‌های گذشته را به‌عنوان علت برای ایشان مثال زدیم. آنگاه آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر - که وزیر اقتصاد و دارایی دولت شورای انقلاب شده بود - با حفظ سمت، مسئولیت وزارت امور خارجه را هم پذیرفت.

تلاش شورای امنیت سازمان ملل

دو روز پس از گروگان‌گیری، در ۱۳۵۸/۸/۱۵ شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌ای خواستار فوری و بلاقید و شرط گروگان‌ها شد.

بعد از من آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر به سمت وزیر امور خارجه منصوب شد، اما این وزارت، بیش از دو هفته به‌طول نینجامید. هنگامی که بنی‌صدر می‌خواست به سازمان ملل برود، آقای خمینی او را از رفتن منع کرد و او در اعتراض استعفا داد. او در مقاله‌ای در ۱۳۵۸/۹/۱۰ در «روزنامه انقلاب اسلامی» تحت عنوان «چرا استعفا» مطالبی را آورده است که صحت و سقم بعضی از آنها روشن نیست، اما برای نشان دادن جو حاکم بر فضای سیاسی ایران، بخش‌هایی از آن مقاله عیناً آورده می‌شود:

«وقتی مسئول امر شدم، پیشنهادی به شورای انقلاب از سوی یکی از سفرا رسید که آمریکا آماده است در ازای آزادی گروگان‌ها، شاه را اخراج و اموال او را به دولت بدهد. پس از مذاکرات بسیار با اهل حل و عقد و رفتن به حضور امام، مسئولیت سیاسی خارجی را با هدف بازگرداندن شاه سابق پذیرفتم. قابل ذکر است که در تاریخ ۹ نوامبر، شورای امنیت جلسه غیررسمی تشکیل داده بود و به اتفاق آراء، خواستار آزادی گروگان‌ها شده بود، بدون اینکه ایران بتواند نظرهای خود را ابراز کند. ارزیابی وضع، این‌جانب را متقاعد کرد که برای دستیابی به این هدف، چاره جز این نیست که در افکار عمومی مردم آمریکا و همه جهان، موضوع خیانت و جنایت و فساد شخص شاه سابق و رژیم او را جانشین موضوع گروگان‌ها کنیم؛ بنابراین، امکانات سنجیده شدند و شروع به کار شد و نامه‌ای - که با آن موافقت شده بود - از دبیرکل خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت شدم. جلسه‌ای که آمریکا ده روز با تشکیل آن مخالفت کرد و تنها پس از

فعالیت‌های بسیار نمایندگان ایران و مصاحبه‌ها که جو را عوض کردند و موافقت کشورهای غیرمتعهد، قرار بر تشکیل شد. طی هفته اول موفق شدیم موضوع شاه سابق را در کنار موضوع گروگان‌ها قرار دهیم و جو جنگ بر ضد ایران را از بین ببریم. در این وقت، دبیرکل سازمان ملل متحد پیشنهادی درباره حل موضوع ارائه داد. پس از شور با شورای انقلاب و اطلاع امام، ما پیشنهادی در چهار اصل به دبیرکل دادیم. مضمون این پیشنهاد به این شرح بود: ۱- آمریکا اصل قابل رسیدگی بودن جرائم شاه و نتایج قهری آن را می‌پذیرد. ۲- آمریکا اموال و دارایی‌هایی را که او و خانواده او و سران رژیم او قبلاً به آمریکا منتقل کرده‌اند و یا بعداً منتقل کنند را به ایران مسترد می‌دارد. ۳- همزمان با استرداد شاه سابق، گروگان‌ها به فرودگاه هدایت خواهند شد تا ایران را ترک کنند. ۴- دو کشور، حقوق و مقررات بین‌المللی را محترم می‌شمردند و از هرگونه دخالت در امور داخلی یکدیگر به جد خودداری می‌کنند.

دبیرکل، پیشنهاد متقابلی داد که به نظر ما کافی نرسید و ما آن را آبکی وصف کردیم. مضمون آن پیشنهاد به قرار زیر بود: «۱- یک کمیسیون بین‌المللی به تجاوزات به حقوق بشر در رژیم گذشته ایران رسیدگی خواهد کرد. ۲- آمریکا مانعی در راه رسیدگی به دادخواست دولت ایران درباره اموالی که شاه سابق و سران رژیم او به‌طور غیرقانونی تحصیل و به آمریکا منتقل کرده‌اند، به وجود نخواهد آورد. ۳- گروگان‌ها بلافاصله آزاد می‌شوند. ۴- دو کشور، حقوق و مقررات بین‌المللی را محترم می‌شمردند و از هرگونه دخالت در امور داخلی یکدیگر به جد خودداری می‌کنند».

پاسخ ما این بود که پیشنهاد ما غیرقابل تغییر است. ناگهان یک ساعت بعد از نیمه شب، به ما اطلاع دادند که دبیرکل مطابق ماده ۹۹ شورای امنیت را به تشکیل جلسه فوری دعوت کرده است. البته در این دعوت به‌رغم نظر آمریکا، هم به شکایت ایران بر ضد شاه سابق و رژیم او و هم به اعتراض آمریکا تأکید شده بود. روزنامه‌های آمریکا این موفقیت را سیلی به گوش آمریکا تلقی کردند. بلافاصله تقاضای تأخیر جلسه شد. ظهر دوشنبه گذشته، گزارش آمد که آمریکا

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۶۹

با تأخیر مخالف است و نماینده‌اش به دبیرکل سازمان گفته است: تأخیر فایده ندارد. وزیر خارجه ایران نخواهد آمد و برای نیامدن اگر هیچ عذری پیدا نکند، سرما خواهد خورد! با این حال به مخالفت آمریکا بر اثر سخت‌کوشی نمایندگان ایران، شورای امنیت در سه مورد: یکی تأخیر جلسه، یکی گنجاندن نظر ایران و یکی جلوگیری از اظهار نظر آمریکا با نظر ایران موافقت کرد که این نیز موفقیت دیگری بود برای ایران. مسئله‌ای که ما با آن روبه‌رو بودیم، موضوع مشکلی نبود. دو فرض بیشتر وجود نمی‌داشت: ۱- شاه سابق را در آمریکا نگاه می‌دارند. ۲- شاه سابق را از آمریکا می‌برند و در یک کشور دست‌نشانده نگاه می‌دارند. سیاست این‌جانب این بود که شاه سابق را تا وقتی شرایط استردادش فراهم نشده است، نتوانند از آمریکا خارج کنند. برای وصول به این مقصود، ناگزیر باید مسئله شاه با مسئله حکومت آمریکا بر ایران یک مسئله را تشکیل می‌داد. بنابراین لازم بود که تحقیق قضایی شامل رسیدگی به پرونده‌های سری سیا و وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا نیز می‌شد؛ طوری که خودبه‌خود دو محاکمه یکی در آمریکا و یکی در ایران به راه می‌افتاد و بشریت معاصر از شر مداخلات مستمر و سلطه‌جویانه آمریکا می‌آسود».

به این ترتیب اولین اقدام سازمان ملل برای حل بحران بی‌نتیجه ماند.

توقیف اموال و سپرده‌های ایران در آمریکا

آقای بنی‌صدر که خود را برای ریاست جمهوری آماده می‌کرد در یکی از سخنرانی‌های پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران اعلام کرد ما سپرده‌های خود را از بانک‌های آمریکا خارج می‌کنیم. رقم دقیق سپرده‌های ایران نزد بانک‌های آمریکا هیچ‌گاه معلوم نشد. آقای اردلان، وزیر اقتصاد و دارایی دولت بازرگان، آن را حدود دوازده میلیارد دلار گزارش کرده بود. در بعضی از گزارش‌ها این رقم تا چهارده میلیارد دلار هم آمده بود. در دولت بازرگان در مورد جابه‌جایی این سپرده‌ها بحث شده بود و زمینه‌هایی نظیر واریز بهای نفت خریداری شده ژاپن در حساب ایران در بانک‌های ژاپن و انتقال تدریجی به بانک‌های اروپایی، پیش‌بینی شده بود، اما خارج کردن فوری و یکجای این

۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

حجم از سپرده از بانک‌های آمریکا به علت اختلال عظیمی که در سیستم بانکی به وجود می‌آورد به سادگی و به راحتی ممکن نبود. حتی اگر دولت ایران انتقال آنها را ضروری می‌دانست، می‌بایست بدون اعلام قبلی انجام می‌شد. اعلام آقای بنی‌صدر با واکنش فوری آمریکا روبه‌رو شد. کارتر روز بعد، در ۱۳۵۸/۸/۲۲ دستور توقیف کلیه سپرده‌ها، وجوه نقد و طلاهای ایران نزد بانک‌های آمریکا را صادر کرد. همزمان کارتر دستور توقف خرید نفت از ایران را هم صادر کرد؛ درحالی‌که بانک مرکزی ایران رقم دقیق سپرده‌های ایران در آمریکا را نمی‌دانست، وزارت خزانه‌داری آمریکا میزان دقیق ذخایر ایران نزد بانک‌های آمریکا را دست کم هشت میلیارد دلار اعلام کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۸/۲۹). این توقیف اموال همچنان ادامه یافته است؛ چنان‌که اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران در سال ۱۳۷۰ نیز همچنان از توقیف اموال ایران در آمریکا خبر داد [پیوست ۵].

سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران

کورت والد‌هایم، دبیر کل سازمان ملل به ایران آمد و طرحی داد که در شورای انقلاب مطرح و تصویب شد. اصل طرح هیچ‌گاه اعلام عمومی نشد و شاید هم فقط توافقی شفاهی بود، ولی هرچه بود گویا امام خمینی هم آن را تأیید کرد، اما بخشی از آن طرح که مربوط به دانشجویان خط امام بود اجرا نشد. دانشجویان همکاری نکردند و حتی هیئتی را که انتخاب شده بود، به سفارت راه ندادند که با گروگان‌ها دیدار کند (ع س، ص ۲۰۲).^۱

سفر یک هیئت آمریکایی به تهران

به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام پنجاه شخصیت سرشناس آمریکا به ایران می‌آیند

۱۶ بهمن - دانشجویان پیرو خط امام دیشب در یک مصاحبه مطبوعاتی در سفارت آمریکا اعلام داشتند که تا ۱۷ بهمن حدود پنجاه نفر از افراد سرشناس و خبرنگاران نامی

۱. این منبع شناسایی نشد. در نسخه خبر نیز به همین صورت آمده است.

۷۱ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

دانشگاه‌ها و مراکز علمی آمریکا به دعوت دانشجویان وارد ایران می‌شوند و برای شناخت حقایق انقلاب و شنیدن صدای ملت رنج‌کشیده ما به مدت یک هفته در ایران خواهند بود. در این مصاحبه یکی از دانشجویان اظهار داشت که آمریکا پس از اشغال جاسوسخانه خود در تهران، می‌کوشیده است تا ندای آزادی‌خواهی ما و مسئله استرداد شاه را نادیده انگاشته و تنها از گروگان‌ها سخن گفته است و متأسفانه اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی و تشکیل کنفرانس پاکستان سبب شد تا این عمل انقلابی حساسیت و اهمیت واقعی خود را تا اندازه‌ای از دست بدهد. به این دلیل ما تصمیم گرفتیم تا برای نشان دادن راه انقلابی خود و رسانیدن صدای خویش به گوش ملت آمریکا از دانشجویان و خبرنگاران جامعه آمریکا دعوت نماییم تا به ایران بیایند و از نزدیک با ما و انقلاب ما آشنا شوند، باشد که در بازگشت به کشور خود بتوانند ماهیت و اصالت واقعی قیام ما و ندای ما را به گوش توده‌های ناآگاه آمریکا برسانند. این پنجاه شخصیت سرشناس علمی آمریکا که همگی توسط دانشجویان مسلمان مقیم آمریکا شناسایی شده و توسط دانشجویان خط امام از آنان دعوت به عمل آمده و این گروه مشتاقانه دعوت دانشجویان را پذیرفته‌اند و با وجود خطرات بسیار، تصمیم گرفته‌اند تا برای شناخت واقعی حقایق انقلاب به ایران بیایند.

در پایان یکی از دانشجویان اظهار داشت: در این رابطه مسئله گروگان‌ها به هیچ وجه مطرح نیست، بلکه هدف اساسی از تشکیل این کنفرانس و ورود آنان به ایران، معرفی انقلاب به ملت آمریکا و آگاه ساختن آنان از حقایقی است که دولت آمریکا با تبلیغات مسموم‌کننده خود مانع رسیدن آنها به گوش ملت آمریکا می‌شود. ما قاطعانه اعلام می‌داریم که آزادی گروگان‌ها تنها با تحویل شاه خائن امکان‌پذیر است و این همان خواست ملت ایران است و ورود این گروه از آمریکا برای مذاکره درباره گروگان‌ها نخواهد بود.

بنا به اطلاعیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ و به دعوت دانشجویان، ۴۹ نفر از طبقات مختلف و نژادهای گوناگون ملت آمریکا برای آشنایی با اوضاع ایران، گفتگو و دیدار با اقشار مختلف و ایجاد زمینه درک و تفاهم میان دو ملت و ملاحظه جنایات و کشتارهایی که در دوران انقلاب توسط رژیم شاه صورت گرفت

۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

و نهایتاً درک عینی حقانیت خواست ملت ایران، استرداد شاه، در روز ۵ فوریه ۱۹۸۰ م/ ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ همراه با سه نفر از اعضای انجمن اسلامی عازم ایران شدند. انتخاب این هیئت زیر نظر سه برادر عضو و با همکاری آقای دکتر فورر، استاد دانشگاه کانزاس صورت گرفت. هیئت مزبور که لیست اسامی و آدرس و شماره تلفن آنها به پیوست گزارش است از ۲۲ ایالت و متشکل از پنج نژاد سفید، سیاه، چیکانو، سرخ و پورتوریکویی می‌باشند.

در جریان سفر این هیئت موضوعات زیر پیش آمد:

۱- **رابطه با دولت:** بنا به خواست دانشجویان پیرو خط امام، مسئولین این برنامه در آمریکا از هرگونه تماس با نمایندگان دولت خودداری نمودند. به این هیئت از طرف دانشجویان اطمینان داده شد که این عدم تماس هیچ‌گونه خللی در برنامه و اهداف وارد نخواهد ساخت. مع‌الوصف سرپرست آمریکایی هیئت، دکتر فورر در نیویورک طی ملاقاتی با دکتر منصور فرهنگ، سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، ضمن توضیح مجملی از برنامه کار هیئت در مورد ویزای هیئت از ایشان سؤال نمود. بعد از این ملاقات، اطمینان خاطر حاصل شد که مسئله‌ای پیش نخواهد آمد و در ایران ویزا داده می‌شود،

اما در فرودگاه مهرآباد، هیئت به مدت ۳/۵ ساعت در سالن ترانزیت معطل شد و به محض ورود ایشان، دولت آقای بنی‌صدر و قطب‌زاده به عملکرد دانشجویان بدون اطلاع دولت اعتراض نمودند که البته اعتراض منشاء دیگری داشت و بیشتر در رابطه با افشاگری‌های دانشجویان بود. همان شب دانشجویان ضمن ارسال نامه‌ای به وزارت امور خارجه رسماً از دولت خواستند که به هیئت ویزا دهد و دولت هم به مدت چهار روز به آنها ویزا داد. مع‌الوصف در سه چهار روز اول، دولت شدیداً به این کار دانشجویان اعتراض و انتقاد نمود. لازم به تذکر است هیئت ویژه و همچنین دانشجویان پیرو خط امام به دلایلی چند مطمئن بودند که دولت در جریان سفر این هیئت می‌باشد: اولاً چند روز قبل از سفر، آقای فرهنگ طرف مشورت هیئت بود. ثانیاً دانشجویان از آقای بنی‌صدر یک هفته قبل از سفر برای ایراد سخنرانی برای هیئت دعوت نمودند و ثالثاً بنا به اظهارات آقای ابوالحسن صادق، معاون وزارت ارشاد ملی و

۷۳ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

مسئول مطبوعاتی وزارت که با دانشجویان در تماس بود، آقایان دکتر ممکن و میناچی از این برنامه کاملاً اطلاع داشتند. به هر حال گرچه ایراد به دانشجویان از این جهت وارد بود که چرا شما دولت را رسماً در جریان نگذاشتید، اما نحوه برخورد دولت غیرمنصفانه به نظر می‌رسید.

اثر سوئی که این جریان در رابطه با کار هیئت گذاشت، انعکاس اختلاف بین دانشجویان و دولت در مطبوعات آمریکا بود که هیئت را تشدیدکننده این اختلاف معرفی می‌کرد و با عنوان کردن کمیسیون بررسی خواست‌های دولت ایران به پیشنهاد سازمان ملل و مثبت جلوه دادن اقداماتی که از طرف دولت آمریکا، سازمان ملل و دولت ایران برای آزادی گروگان‌ها صورت می‌گرفت، این هیئت را به‌طور غیرمستقیم خائن و موی دماغ و کارشکن نمایانده و رابطه آنها را با دانشجویان (تروریست‌ها) به جهت اینکه به آنها اعتبار داده و اختلافات بین دولت و آنها را تشدید نموده است، محکوم می‌کردند. البته در دو روز آخر نشانه‌هایی از ایجاد حسن تفاهم بین دولت و دانشجویان که دنباله آن به وضع کنونی رسید، به کلی مسئله را متفی نمود.

۲- برخورد با مطبوعات: برخورد هیئت با مطبوعات عمدتاً دو قسم بود. با خبرنگاران غرب به خاطر تحریف اخبار و بازاریابی برای روزنامه یا تلویزیون به جای حقیقت‌یابی شدیداً حمله کرده، عنوان شد تا زمانی که برخوردشان را با هیئت که توهین‌آمیز و تحقیر و مسخره‌گونه بود، اصلاح نمودند، هیئت از انجام هرگونه مصاحبه خودداری ورزید، [اما] با خبرنگاران کشورهای جهان سوم و نیز خبرنگاران داخلی همکاری می‌شد.

۳- پیشنهادات و برنامه‌های جنبی هیئت: با توجه به جو حاکم بر آمریکا و اثر عمیق و سازنده‌ای که دیدار این هیئت با ملت ایران در روحیه آمریکایی‌های هیئت گذاشت، هیئت پیشنهاد کرد ده تا پانزده نفر از طبقات مختلف ملت ایران - شامل خانواده‌های شهدا، دانشجویان، اسلام‌شناسان و محققین و اساتید دانشگاه، کارگران، کشاورزان و نیز معلولین در انقلاب - تحت عنوانی شبیه هیئت ویژه یا نمایندگان ملت ایران - به میزبانی یکی از سازمان‌های مذهبی معتبر آمریکا، عازم آمریکا شوند و طی یک برنامه فشرده در سراسر آمریکا ضمن شرح جنایات رژیم شاه، خواسته‌های ملت ایران را

۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

بازگو نمایند. این پیشنهاد مورد توجه و استقبال دانشجویان مسلمان پیرو خط امام قرار گرفت و هم‌اکنون مشغول بررسی نحوه اجرای آن می‌باشند. مشکل عمده بر سر راه این برنامه، ویزای هیئت ایرانی است. حل این مشکل تنها از طریق تبلیغات دامنه‌دار در آمریکا و تحت فشار گذاشتن دولت آمریکا مقدور است. از عمده‌ترین کارهای هیئت نمایندگان ملت آمریکا، بازگو نمودن مشاهدات خود در ایران می‌باشد. وسایل ارتباط جمعی به‌خاطر موضع خاصی که این هیئت بخصوص بعد از سفر گرفته است، از آنها استقبال نمی‌کنند. در نتیجه ادامه کار این هیئت تنها از طریق برگزاری کنفرانس‌های متوالی و سراسری در شهرها و در دانشگاه‌های آمریکا میسر است. لازمه این عمل، همکاری فشرده و فعالانه خواهران و برادران در حوزه‌های خود و شهرهای بزرگ اطراف حوزه خودشان می‌باشد.

خلاصه‌ای از سفر هیئت ویژه نمایندگان مردم آمریکا به ایران

۷ فوریه: ۱- دیدار از آرامگاه شهدا در بهشت زهرا. ۲- سخنرانی توسط خانم زهرا رهنورد، نویسنده انقلابی درباره انقلاب ایران و نقش زن در آن. ۳- سخنرانی حجت‌الاسلام شبستری پیرامون اسلام پایه ایدئولوژیکی انقلاب و همچنین سخنانی درباره شهید.

۸ فوریه: ۱- دیدار از حلبی‌آباد و گودنشین‌های جنوب تهران. ۲- بازدید از مناطق پرجمعیت جنوب تهران که منطقه‌ای در معرض سیل و بدون مقدار کافی آب و بهداشت می‌باشد. ۳- حضور در نماز جمعه که در دانشگاه تهران برگزار شد. در این نماز حدود یک میلیون نفر شرکت کردند که از هیئت ویژه استقبال شد و بعد از نماز، تعداد بسیاری برای دست دادن و اظهار تفاهم با یکدیگر به‌سوی این گروه سرازیر شدند و نشان دادند که اختلاف ایران با دولت آمریکاست و نه با مردم آمریکا که برای آنها چون هر انسان دیگر احترام قائلند.

۹ فوریه: ۱- هیئت ویژه به دیدار جمعی از معلولین انقلاب در آسایشگاه انقلاب اسلامی امام که در محل منزل مادر قطبی، رئیس فراری رادیو و تلویزیون، برپا شده است رفته و با معلولین به گفتگو پرداختند. این هیئت همچنین با بعضی از افراد خانواده‌هایی که در جریان انقلاب فرزندان خود را از دست داده بودند، صحبت کرد.

۷۵ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

اعضای این خانواده‌ها در اثر شکنجه‌های ساواک یا از بین رفته و یا عضوی از بدن را از دست داده بودند.

۱۰ فوریه: ۱- هیئت ویژه از کارخانه‌های کاشی سعدی و چیت‌سازی که نظام شورایی در آنجا پیاده شده و به وسیله خود کارگران اداره می‌شود دیدن کردند و با کارگران و کارفرمایان در مورد نحوه مدیریت کارخانه و شکایاتشان از رژیم شاه مخلوع به گفتگو نشستند. ۲- هیئت سپس به لانه جاسوسی رفتند و حدود چهار ساعت با ۱۲۰ نفر از دانشجویان پیرو خط امام ملاقات و راجع به مسایل مختلف گفتگو کردند.

۱۱ فوریه: ۱- روز سالگرد انقلاب، هیئت ویژه به میدان آزادی رفتند و به تماشای رژه نیروی ارتش نشستند. این هیئت به روی سکویی که تعدادی دیگر از میهمانان ایستاده بودند، قرار داشتند که ناگهان سکو به پایین ریخت. بلافاصله دانشجویان پاسداران انقلاب و دیگر افراد به کمک آنها شتافتند و همه به سلامتی بیرون آمدند. ۲- در عصر آن روز، هیئت ویژه با ابوالحسن صادق که رئیس دایره مطبوعات خارجی در وزارت ارشاد ملی است، ملاقات و گفتگو کرد. ۳- هیئت با دانشجویان خط امام و در خانه آیت‌الله علی خامنه‌ای عضو شورای انقلاب ملاقات و گفتگو کردند. آیت‌الله خامنه‌ای امام جمعه تهران و معاون وزارت دفاع می‌باشد.

۱۲ فوریه: ۱- هیئت با دانشجویان به کاخ مروارید، متعلق به شمس خواهر شاه مخلوع رفت. ۲- سپس به دیدن مناطق اطراف رفته و با یک دهقان راجع به مسایل قبل و بعد از انقلاب صحبت کردند. ۳- هیئت سپس با سه نفر از کمیته جهاد سازندگی ملاقات کرد و با آنها راجع به فعالیت‌شان در مناطق شهر و دهات صحبت کردند. کمیته جهاد سازندگی با انواع مسائل روبه‌رو است؛ از جمله جاده‌ها، آب و دهکده‌ها و همچنین مسئله بی‌کاری در شهرستان‌ها.

۱۳ فوریه: ۱- هیئت در این روز ملاقات‌های طولانی با دانشجویان داشتند که در گروه‌های کوچک و بزرگ انجام شد. ۲- دکتر حسن حبیبی سخنگوی شورای انقلاب در محل دانشگاه تهران با این هیئت به گفتگو نشست.

۷۶ □ شخصت سال صبوری و شکوری

۱۴ فوریه: ۱- گفتگوهای وسیع در زندان اوین در تهران با وزیر بهداشتی سابق و معاون کل ساواک که به زندان محکوم شده‌اند و منتظر تشکیل دادگاه هستند. موضوع مورد بحث، شکنجه و تاکتیک‌های ضد انسانی بود که توسط شاه مخلوع در طول سلطنتش با کمک آمریکا و سایر دول صنعتی غربی باعث شهید شدن هزارها نفر شده بود. ۲- دکتر تواناییان فرد، استاد دانشگاه تهران با این هیئت گفتگویی داشت که در آن راجع به تئوری اقتصاد اسلامی صحبت شد. ۳- یازده نفر از هیئت به دیدار دو نفر از گروگان‌ها رفتند و با آنها به مدت یک ساعت به گفتگو نشستند و دو نامه دریافت کردند.

۱۵ فوریه: ۱- هیئت با دانشجویان خط امام ملاقات کرد و راجع به مدارکی که در آغاز محاصره لانه جاسوسی به دست آمد، صحبت کردند. مدارک فوق نشان‌دهنده فعالیت‌های جاسوسخانه آمریکا در ایران توسط اعضای سفارت بوده و همین‌طور نشان‌دهنده نقش سازمان سیا در توطئه علیه انقلاب ایران قبل و بعد از انقلاب می‌باشد. ۲- هیئت سپس با دانشجویان خط امام به قم رفتند و با آیت‌الله منتظری ملاقات کردند که نظراتشان را راجع به مسائلی که در رابطه بین ایران و آمریکا وجود دارد، ارائه دهند. در این ملاقات، سید احمد خمینی، فرزند امام خمینی نیز شرکت کردند که خود خوش آمدی بود به هیئت ویژه از طرف امام.

۱۶ فوریه: نمایندگان ملت آمریکا از بهشت زهرا دیدن کردند. هیئت ویژه تهران را به قصد آمریکا ترک کردند.

تهران، بیستم بهمن - خبرگزاری پارس: پنجاه نفر از نمایندگان ملت آمریکا که به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تهران آمده‌اند در بهشت زهرا از مزار شهدای انقلاب اسلامی ایران دیدار کردند و با چند تن از پدران و مادران شهدا به گفتگو پرداختند. آقای فورد (فورر) استاد دانشگاه کانزاس و یکی از اعضای گروه، خطاب به حاضران در بهشت زهرا و شهدای انقلاب سخنانی ایراد کرد که متن کامل آن به شرح زیر است:

«خواهران و برادران مسلمان، من واقعاً معتقدم که شما قلب و روح انقلاب کبیر اسلامی ایران هستید؛ انقلابی که پیشتاز انقلاب‌های کلیه خلق‌های مستضعف جهان

۷۷ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

است. شما به خاطر اسلام شهید شدید، شما به خاطر یک ملت شهید نشدید، بلکه به خاطر بشریت جان خود را فدا کردید؛ بنابراین، شما به خاطر تمام کسانی که رنج می‌بردند شهید شدید، شما به خاطر کسانی که از گرسنگی گریان هستند و با چشم خود مرگ فرزندان‌شان را شاهدند شهید شدید، شما به خاطر زاغه‌نشینان و کسانی که امپریالیسم منافعشان را به غارت می‌برد و فرهنگشان را به زوال می‌کشاند، شهید شدید. خواهران و برادران محبوب من، از نظر همبستگی باید بگویم که می‌دانیم شما به خاطر ایران رنج‌ها دیده‌اید؛ شما حتی به خاطر ملت آمریکا سیاهان و مستضعفان و سرخ‌پوستان و سفیدپوستان تنگدست آمریکایی هم رنج را به خود هموار کرده‌اید. این رنج و مشقت را برای استقرار عدالت و محبت و بخشایش بر خود هموار کردید. امیدوارم که حضور امروز ما در اینجا، نمادی از دنیای تازه‌ای باشد که در پیش داریم. نمادی از برادری و همبستگی که در پناه آن شاهد از میان رفتن کلیه بقایای استضعاف و بی‌عدالتی از پهنه زمین باشیم. به این خاطر در اینجا گرد هم آمده‌ایم که با شما برادران و خواهران محبوب، با وحدت دست به دست بدهیم و دنیای متمدن و سراسر صلح‌آمیزی را پایه‌گذاری کنیم؛ دنیایی که در آن رحمت الهی شامل جهان و بشریت شود. زنده و پایدار باد انقلاب اسلامی ایران. الله اکبر» (بیستم بهمن).

مصاحبه نمایندگان مردم آمریکا

تهران - ۲۵ بهمن - پیش از ظهر دیروز نمایندگان پنجاه آمریکایی که از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تهران دعوت شده‌اند در یک مصاحبه مطبوعاتی در هتل قدس تهران با حضور گزارشگران داخلی و خارجی شرکت کردند و پس از ارائه گزارش سفر خود به ایران و تشریح مسائل مربوط به ملاقات‌هایشان با دانشجویان به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفتند.

در آغاز، یکی از نمایندگان به معرفی دیگر نمایندگان هیئت پنجاه نفره پرداخت؛ سپس در مورد ترکیب هیئت پنجاه نفره توضیح داد و گفت که این هیئت از آمریکایی‌های نوزده ایالت آمریکا تشکیل شده است. او در تشریح کارهایی که تاکنون این هیئت در تهران انجام داده است، از دیدار از بهشت زهرا ملاقات با خانواده شهدا

۷۸ □ شخصت سال صبوری و شکوری

ملاقات با خانم رهنورد، دیدار از محله‌های فقیرنشین جنوب تهران، شرکت در نماز جمعه، دیدار با معلولین انقلاب، ملاقات با بیش از صد نفر از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، گشت در شهر تهران در شب سالگرد انقلاب، [دیدن] رژه ارتش، دیدار با حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای و دیدار از قصرهای شاه و خانواده‌اش نام برد؛ سپس رئیس هیئت پنجاه نفره نمایندگان ملت آمریکا، آقای فورد به صحبت پرداخت و طی سخنان خود به شدت از مطبوعات غرب به واسطه تحریفاتی که در انعکاس اخبار می‌کنند و به دلیل وارونه جلوه دادن وقایع ایران و اهداف و اعمال این هیئت که قبلاً نیز تحت نام کمیته حل بحران روابط ایران و آمریکا به ایران سفری داشت، انتقاد کرد و اظهار نمود که تحریف حقایق توسط وسایل ارتباط جمعی و اخبار کذبی که این رسانه‌ها نشر می‌کنند، باعث گمراهی اذهان مردم آمریکا و بروز تهدیداتی نسبت به جان اعضای هیئت شده است. او گفت: برای مثال در خلال سفرش در دسامبر به ایران، افرادی تحریک‌شده خانواده او را بارها تهدید به مرگ کرده‌اند. بعضی از اعضای هیئت از کارهای خود اخراج شده‌اند و حتی در خانه یکی از اعضای هیئت، بمبی منفجر شده است. با این حال او اعلام داشت که اعضای هیئت، تلاش‌های خود را پیگیری خواهد کرد.

وی سپس به انعکاس این خبر در جراید خارجی که دولت و شورای انقلاب با حضور هیئت پنجاه نفره نمایندگان ملت آمریکا از ایران مخالفند، اشاره کرد و آن را دورغ محض نامید؛ چرا که اگر شورای انقلاب با حضور این هیئت در ایران مخالف بودند، هرگز یکی از اعضای شورا (حجت‌الاسلام خامنه‌ای) حاضر نمی‌شد با هیئت مزبور ملاقات کند. او افزود: تا آنجایی که مربوط به اختلافی که مطبوعات غربی ادعا می‌کنند میان دولت و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام وجود دارد، ما وجود چنین چیزی را در برخوردهای خود با شورای انقلاب، مقامات دولتی و دانشجویان احساس نکرده‌ایم و در ملاقات‌های جداگانه‌ای که با آنها داشتیم همه آنها در برابر مسئله گروگان‌ها یک موضع داشتند و همه یک حرف را می‌زدند. وی همچنین ضمن تکیه بر وسایل ارتباط جمعی غرب، گفت: مردم ایران در جریان تحریفاتی که از سوی خبرنگاران خارجی به‌ویژه در مورد کار این هیئت می‌شود، قرار خواهند گرفت و وقتی

۷۹ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

می‌بینند که آمریکایی‌ها در برابر یک رشته گفتگوی سالم که در سطح مردم با مردم برگزار می‌شود - گفتگویی که در آن منافع هر دو طرف در نظر گرفته شود و نه تنها آمریکا - با چنین [گفتگویی با] برخورد بدی عکس‌العمل نشان می‌دهند، طبیعی است که پیش خود احساس کنند احتمال برگزاری یک سلسله مذاکرات عادلانه با در نظر گرفتن حقوق دو طرف در سطح دولت‌ها، هرگز وجود نخواهد داشت. پس از اتمام سخنان رئیس هیئت، وی به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت: او در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران در مورد اینکه چرا دانشجویان به شما اجازه دیدار گروگان‌ها را ندادند و آیا شما در مورد حال گروگان‌ها نگران هستید؟ گفت: این سؤال بر این فرض استوار است که ما با گروگان‌ها ملاقات نداشته‌ایم؛ درحالی‌که از سوی هیچ کس چنین امری اظهار نشده است. اگرچه منظور ما از اظهار این مطلب، القای این امر نیست که ما با آنها ملاقاتی داشته‌ایم. ما همیشه از دانشجویان در مورد حال گروگان‌ها پرسیده‌ایم و از آنها خواسته‌ایم که ما را در مورد صحت حال گروگان‌ها مطمئن کنند.

در جواب سؤال یکی دیگر از خبرنگاران در این باره که شما چه راه حلی برای حل مسئله گروگان‌ها [دارید گفت:]؟ این مسئله را باید ریشه‌یابی کرد و از ریشه به حل مسئله پرداخت. به نظر ما این بحران از چندین دهه روابط ناعادلانه میان آمریکا و ایران و چندین دهه دخالت آمریکا در امور داخلی ایران نشئت می‌گیرد و تحلیل‌های انتزاعی از مسئله گروگان‌ها باعث انحراف اذهان از حقیقت امر می‌شوند.

یکی دیگر از خبرنگاران سؤال کرد که آیا دانشجویان نگفته‌اند که تا تحویل شاه با هیچ کس در مورد آزادی گروگان‌ها مذاکره نخواهند کرد؛ پس چگونه حاضر به مذاکره با شما شده‌اند؟ وی پاسخ داد: گفتگوهای ما با دانشجویان به هیچ وجه حالت مذاکره ندارند، بلکه تنها گفتگو هستند. در یک مذاکره سیاسی، طرفین برای رسیدن به یک نتیجه نهایی مجبور به قبول یک رشته تعهدات هستند؛ درحالی‌که ما از سوی هیچ مقام مسئولی فرستاده نشده‌ایم تا بتوانیم به‌طور رسمی تعهدی را بپذیریم. منظور ما گفتگو با دانشجویان و دیگر مقامات تنها تبادل افکار و ایجاد یک جو تفاهم است.

یکی دیگر از خبرنگاران پرسید: از اظهارات رئیس جمهور و وزیر امور خارجه ایران این مطلب افاده می‌شود که در نقطه‌نظر آنها دیگر برای آزادی گروگان‌ها احتیاجی

۸۰ □ شخصت سال صبوری و شکوری

به استرداد شاه نیست؛ آیا شما احساس می‌کنید که در میان دانشجویان نیز چنین طرز فکری در حال رشد باشد؟

او جواب گفت: من فکر نمی‌کنم که اختلافی میان ارگان‌های مختلف مانند امام، شورای انقلاب، رئیس جمهور، وزیر خارجه، دانشجویان پیرو خط امام و ... در مورد موضع‌گیری در برابر آمریکا باشد. همه آنها سیاست خارجی آمریکا را محکوم می‌کنند اگر اختلافی هست تنها در نوع برخورد با مسئله است و نه در اساس.

اقای فورد در پایان در جواب به یکی دیگر از خبرنگاران گفت: ما برای آزادی گروگان‌ها تصمیم داریم در آغاز مردم آمریکا [را] نسبت به حقایقی که در مورد روابط کشورشان نمی‌دانند، نسبت به دخالت‌هایی که آمریکا در امور سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی ایران کرده است و نقش آمریکا در جنایاتی که شاه در ایران مرتکب شده، آگاه کنیم. او افزود: ما معتقدیم که مردم آمریکا در این مورد آگاهی لازم را ندارند و اگر داشتند به دولت آمریکا اجازه پناهندگی به شاه را نمی‌دادند. او وسایل ارتباط جمعی غرب را مسئول این عدم آگاهی و حتی گمراهی فکری مردم آمریکا قلمداد کرد (۲۵ بهمن ۱۳۵۸).

نمایندگان ملت آمریکا طی مصاحبه‌ای گفتند: مردم آمریکا پذیرفته‌اند که شاه فاسد و جنایتکار بوده

۲۰ بهمن - بعد از ظهر دیروز پنج تن از نمایندگان پنجاه نفره از آمریکایی‌هایی که به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به تهران آمده‌اند، در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردند و در زمینه شناخت آمریکایی‌ها از انقلاب ایران، مطالبی عنوان نمودند. شرکت‌کنندگان در مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ به این سؤال که این گروه پنجاه نفری بر اساس چه هدفی به ایران آمده، اظهار داشتند: ما به دعوت دانشجویان پیرو خط امام برای شناخت بیشتر انقلاب ایران به تهران آمده‌ایم و اعضای گروه تماماً از طبقات مختلف مردم آمریکا هستند که به صلح جهانی عشق می‌ورزند و طالب آرامش و صلح در دنیا هستند و فعالیت‌های نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش را با علاقه دنبال می‌کنند.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۸۱

یکی از خبرنگاران سؤال کرد آیا ملت آمریکا شاه را جنایتکار می‌داند یا خیر؟ یکی از اعضای گروه در پاسخ این سؤال گفت: با رفتن شاه از آمریکا، دیگر آمریکا نمی‌تواند نسبت به تحویل وی به ایران اقدام کند، ولی بیش از نیمی از مردم آمریکا نسبت به انقلاب ایران نظر مساعد دارند و به جنایات شاه آگاهی یافته‌اند. این عده پذیرفته‌اند که شاه فاسد بوده و ملت ایران را تحت ستم گذاشته است. نکته مهم این است که شاه سالیان متمادی با بهره‌وری از مطبوعات و کمک دولت آمریکا خود را مردی آزادی‌خواه و خدمتگذار مردم ایران معرفی کرده بود، لیکن حالا با اینکه مطبوعات کوشیدند تا حقایق را وارونه جلوه دهند، مردم به حقایق آگاهی یافته و به موضع اصلی ایرانیان پی برده‌اند. مسلماً دولت آمریکا سعی در تحویل شاه نخواهد داشت؛ زیرا با محاکمه شاه رؤسای جمهوری که از سال ۱۹۵۳ تاکنون در ایران دخالت داشته‌اند، مورد محاکمه قرار می‌گیرند و چهره واقعی دولت آمریکا برای مردم جهان روشن می‌شود. اعضای گروه پنجاه نفری که از آمریکا به تهران آمده‌اند روش خصمانه مطبوعات آمریکا را در قبال انقلاب ایران مورد سرزنش قرار داده و دخالت‌های آمریکا در ایران را محکوم کردند.

دیدار از مزار شهدای انقلاب: این عده پریروز در بهشت زهرا حضور یافتند و از مزار شهدای انقلاب اسلامی ایران دیدار کردند. آقای فورر استاد دانشگاه کانزاس و یکی از اعضای هیئت نمایندگی ملت آمریکا در سخنانس خطاب به جمعیتی که در بهشت زهرا گرد آمده بودند گفت: انقلاب اسلامی ایران، تنها انقلاب مردم ایران نیست بلکه انقلاب مردم آمریکا و سیاهان این کشور و بالاخره مردم محروم و ستم‌دیدگان تمام جهان است.

آقای فورر آنگاه به مزار یکی از شهدا که خانواده‌اش مشغول عزاداری بودند، رفت و پدر شهید را در آغوش کشید و دست وی را بوسید. یکی دیگر از اعضای هیئت، لاله‌ای را که در دست داشت به این پدر هدیه کرد.

جیمز هوتن یکی دیگر از اعضای هیئت که سیاه‌پوست است، طی مصاحبه‌ای گفت: جمعه سیاه ۱۷ شهریور، نقطه عطف انقلاب اسلامی ایران است. وی افزود آنچه امپریالیسم آمریکا در حق ملت ایران انجام داده، همانند ستمی است که امپریالیسم

۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

آمریکا بر مردم آمریکا و سیاهان این کشور و مردم نیکاراگوئه و آفریقای جنوبی و مکزیک روا داشته است.

اطلاعیه هیئت ویژه ملت آمریکا

۲۷ بهمن - در مورد فعالیت هیئت ویژه ملت آمریکا در ایران در بعضی از رسانه‌های گروهی سوءتفاهمی جدی پیش آمده. ما به هیچ وجه هیچ‌گونه مذاکراتی با دانشجویان مسلمان در مورد آزادی گروگان‌ها نداشته‌ایم و با وجود اینکه به‌عنوان آمریکایی به این مسئله توجه داریم، اما گروگان‌گیری ۱۰۲ روزه پنجاه آمریکایی در ایران را در برابر دربند نگه‌داشتن ۳۶ میلیون ایرانی طی ۲۵ سال توسط دولت آمریکا ارزیابی کرده‌ایم. هدف ما از آمدن به ایران صرفاً علاقه ما برای تبادل نظر در به دست آوردن روابط نزدیک‌تر بین ملت ایران و آمریکا می‌باشد.

هیئت ویژه ملت آمریکا - ۲۷ بهمن ۱۳۵۸

هنوز عده‌ای در آمریکا معتقدند نباید گذاشت هیچ جنبش آزادی‌بخشی در جهان سوم به پیروزی برسد

۲۵ بهمن - دانشجویان پیرو خط امام در صحن محل هتل قدس در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی شرکت کردند و به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفتند. در این مصاحبه، همه افراد آمریکایی دعوت‌شده به ایران شرکت داشتند، اما فقط پنج نفر به سؤالات پاسخ می‌دادند که عبارت بودند از:

- ۱- آقای جورجیا والتین، نماینده ناحیه برانکز جنوبی (فقرترین محله نیویورک که ۴۰ درصد پورتوریکویی و ۶۰ درصد سیاه هستند) در انجمن شهر نیویورک. ۲- خانم مریلین فرنک از جنبش زنان سرخ‌پوست از راپیدسیتی در داکوتای جنوبی. ۳- خانم میوریل باول از شهر لورنس در کانزاس که قبلاً هم به ایران آمده است. استاد سابق دانشگاه و عضو یک سازمان خدمات اجتماعی. ۴- آقای نورمن فورر استاد دانشگاه کانزاس و سرپرست گروه. ۵- خانم آشتونیواورن داین، نماینده کارگران کشاورز از نگزاس.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۸۳

آقای فورر گفت: ابتدا می‌خواهم از نمایندگان مطبوعاتی ایران و ترکی تشکر کنیم. ما در نظر داشتیم که نظر خود را طی قطعنامه‌ای به مطبوعات بدهیم؛ چون اکثر مطبوعات غربی، مطالب را تحریف می‌کنند، اما بعد خبرنگاران غربی را دعوت نکردیم و این مصاحبه را بدون شرکت آنها تشکیل دادیم.

س - موضع گروه در مورد شاه چیست و آیا او را مجرم می‌دانید؟

ج - همه به جنایات شاه اذعان دارند و قبول کرده‌اند که فرد فاسدی بود و مردم ایران را تحت فشار و ستم گذاشته، اما مهم این است که در سی و چند سال گذشته به مردم آمریکا گفته بودند که شاه، ایران را به دروازه‌های تمدن نزدیک کرده و وی طرفدار آزادی است و فقر را از بین برده است و بسیار مشکل است که ناگهان عقیده‌شان را عوض کنند و حقیقت را بفهمند. البته احساسات مردم آمریکا در حال تغییر است.

همچنین آقای والتین افزود: با تمام آنچه مطبوعات آمریکا پنهان می‌کنند، اما با وجود این، حرکت مردم ایران در بین آمریکاییان ریشه پیدا کرده و عده زیادی به موضوع راستین مردم ایران پی برده‌اند.

ما افتخار می‌کنیم که میزبان جمعی از ایرانیان مظلوم در آمریکا باشیم تا آنها مستقیماً جنایات شاه را برای مردم آمریکا بازگو کنند.

والتین افزود که البته من فکر می‌کنم دولت آمریکا به سادگی شاه را پس نخواهد داد؛ زیرا محاکمه شاه برابر است با محاکمه هفت رئیس جمهور آمریکا از ۱۹۵۳ تاکنون. اما تنها راه ممکن این است که تحت فشار ملت آمریکا، دولت، شاه را به ایران تحویل دهد.

همچنین فورر در این مورد گفت: گروه ما از اینجا به وجود آمد که ما همه به عدالت اجتماعی معتقد بودیم و ما سازمان متشکلی نبودیم اما این قصد را داریم که در تمام آمریکا فعالیت کنیم و از روزی که به ایران آمدیم یکدیگر را بیشتر شناختیم، به هم عشق پیدا کردیم و این هم فقط از محبت ایرانیان به ما به وجود آمده. اما ما فقط عده قلیلی هستیم و ما آمده‌ایم که انقلاب شما را بشناسیم و مشکلی را که ما داریم این است که در بازگشت با مردمی روبه‌رو هستیم که به علت جو تبلیغاتی، انقلاب ایران را

۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

به قرون وسطی سوق داده است. ما متأسفیم که مردم آمریکا حتی نسبت به امام خمینی مظهر عدالت و امید مستضعفان هم دید درستی ندارند و این مشکلی است که به زحمت می‌توان این نظر را عوض کرد. این را هم باید قبول کنیم که عده‌ای از مردم آمریکا هنوز روح نژادپرستی در وجودشان هست و حتی این نژادپرستان تبعیض بر ایرانیان را نیز مانند دیگر اقلیت‌ها شروع کرده‌اند و ما شاهد اذیت کردن دانشجویان ایرانی هستیم و یکی - دو بار به مرگ انجامیده. مطبوعات آمریکا جو جنگ‌طلبی را گسترش می‌دهند و دولت آمریکا هم با این سیاست موافق است و همین روزها اضافه بودجه نظامی خود را به تصویب می‌رساند و متأسفانه باز هم مردم آمریکا این نظر را قبول کرده‌اند. این مخالفت با امپریالیست بوده. آمریکا چیزی نیست که بین همه مردم آمریکا مشترک باشد. هنوز عده‌ای معتقدند که نباید گذاشت هیچ جنبش آزادی‌بخشی در جهان سوم به پیروزی برسد. اما ای کاش ما می‌توانستیم تعدادی از ایرانیان را که خود متحمل این ظلم‌ها بوده‌اند به آمریکا دعوت کنیم و ما افتخار کنیم که میزبان آنها باشیم.

مثلاً اگر بتوانیم پدری را که در بهشت زهرا دیدیم که فرزند سربازش را از دست داده بود، اگر ما او را در آمریکا داشتیم، بسیار مؤثر بود. حرکت سیاهان کمی متوقف شده، اما شاید به علت نبودن مالکوم ایکس‌ها و لوتر کینگ‌ها باشد.

س - در مورد نمایندگان اقلیت‌های حاضر چگونه است و آیا انقلاب ما تأثیری روی آنها داشته است و پس از بازگشت به آمریکا شما چه رسالتی را احساس می‌کنید؟

اورن داین، نماینده کارگران مکزیکی گفت: ما مکزیکی‌هایی هستیم که ابتدا غیرقانونی به آمریکا وارد شده و شروع به کار کردیم و با اینکه مکزیکی الاصل و تابع آمریکا هستیم، اما از طرف صاحبان زمین، تبعیض زیادی در مورد ما هست و کارتر که مدافع تر حقوق بشر است، وضع داخلی ما را فراموش کرده. در مورد انقلاب ایران، فداکاری‌هایی که از ایرانی‌ها دیده شده و جرئت و شجاعتشان، پیام و درسی است برای ملت ستم‌دیده ما در برابر دولت ظالم آمریکا.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۸۵

آقای والتین به‌عنوان نماینده مردم پورتوریکو در آمریکا گفت: پورتوریکو هم به جز یک مستعمره آمریکا نیست؛ چون کارتر ما را هم فراموش کرده. در جزیره بیاکس، نیروی دریایی از زمین و هوا به مردم پورتوریکو حمله می‌کند تا که مردم را بیرون کنند و خود بر آنجا حکمفرما باشد و در این راه، عده زیادی را کشته است.

خانم فرانک هم اظهار داشت: خیلی برایم جالب است که زندگی مردم ایران را مطابق زندگی سرخ‌پوستان دیدم. مردم ما هم مانند ملت شما ظلم زیادی تحمل کرده‌اند. مردم ما هم همچون ملت شما با محبت و صمیمی هستند. ما به عقاید مذهبی اهمیت زیادی داده و رعایت می‌کنیم.

همچنین خانم پاول گفت: حرکت سیاهان کمی دچار سکون شده؛ شاید به علت نداشتن مالکوم ایکس‌ها و لوتر کینگ‌ها باشد. اما امیدوارم انقلاب شما خط و امید جدیدی را در جهان ایجاد کند. از نظر عواطف و احساسات، مردم سیاه آمریکا خیلی به ایرانیان نزدیک هستند و می‌توانند این انقلاب را به‌عنوان نمونه‌ای به کار ببرند.

نام و مشخصات اعضای هیئت آمریکایی

Jack Wysker	46N. 8th Ave. Highland Park, N.J.
Rabbi Hirshel Jaffe	344 Gidney Ave. Newburgh, N.Y., 12550
John Kiely	205 Brush Creek, 303 Kansas City, No. 64112
Lucille Gundersen	506A, R.R.2 Plasistow, N.H. 03865
Janet Denison	1116 Cedar Lane, Box 222 Holdrege, NE 68949
Darrell Rupider	Box 283, Omaha, NE68101
William Gray	700 S. 41st Richard, Ca 94804
Jan Douglass	106 Ozone St. SW Atlanta, Ga. 30314
Louanne Kennedy	388 Clinton St. Brooklyn, NY 11231
Jim Haughton	133 Duane St. Fight Back N.Y.10013, 1 East 125. N.Y.
Karen Lehman	362916th Ave. S. Minneapolis, Mn. 55407
Norman Forer	301 Homestead, Lawrence, Ks. 66044
Toni Stuart	1046 N. Michigan Ave. Pasadena, Ca. 99104

Linda Burdell	3708 Wyoming, #11, Kansas City, Mo. 6411
David Mintz	Box 1902 North Brunswick, N.J.
Gilberto GerenaValentin	391 R 149 St. Bronx, N.Y.
Randy Goodman	36 Parsons St. Brighton, Ma. 02135
Bill Worthly	87 Howland St. Boston, Ma. 02121
Juan M. Perez	3942 Mather Ct., Dallas, Texas 75211
Juan Reyna	Box 1, Port Angles, Wash 98362
Kathleen Connolly	23-1 Shrader, San Francisco, Ca.94117
Leslie Withers	319 Mead Road, Decatur, Ga 30030
Wm. Keeney	Box 277 No. Newton, Ks. 67117
Betty Abeth Scott	221 Lytton Ave. Pittsburgh, Pa. 15213
Lynne Shivers	803 S. 49 St. Philadelphia, Pa. 19143
Rusty Davenport	315 W. 106th St. 7-B, New York, NY 10025
Mary Shepard	2155 Delaware Ave. St. Paul, Minn. 55118
LasterJessepe	39 Columbia Drive Topeka, Ks. 66619
Paul Johnston	7729 Crest Oakland, Ca. 94605
Greg Dell	2212 Ridge, Evanston, Ill. 60201
Amy Parks	440 Medison, Fairmont, W. Va. 26554
Estela Salinas	2005 Eillow Creek, 3034 Sustin, Texas 78741
Antonio Orendain	Box 876 San Juan, Texas
Bill Glover	Box 8778 Washington, D.C. 20012
John Mohwak	c/o Akwesasne Notes Box 27, Owl's Head, NY 12969
Janice White	2429 Dale Avenue Columbus, Ohio 43209
Pamela A. Haines	919 Farragut St. Philadelphia, Pa. 19143
Rick Diehl	Box 185, Morgentown, West Va. 26505
Mel Packer	250 Hazelwood Ave. Pittsburgh, Pa. 15207
Ora Lee Dodds	4103 Midwoode Drive Chattanooga, Tenn. 37411
Zulma Zayas	115 Avenue C New York, NY 10009
Marilyn Frank	c/o Black Hills Alliance & Warn Rapid City, S.Dak.5770
Murial Paul	112 Glenview Drive, Lawrence, Ks. 66044
Antonio Lujan	1730 W. Picacho, Las Cruces, N.M. 88001
Merlin Swartz	3 Medal Lane, Bedford, Mass. 01730
Clint Deveau	1327 Blvd. Lorraine, SW Atlanta, Ga. 30311
Cyrus Nasser	3323 Iowa, 215 Lawrence, Ks. 66044

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۸۷

HosseinMahallati 905 Avalon, K, Lawrence, Ks. 66044
Amir Zekrgoo 13 Stouffer 1, Lawrence, Ks. 66044
Victor Goode 126 W. 199st, New York, N.Y. 10026

طرح دکتر یزدی: محاکمه عملکرد سیاست خارجی دولت آمریکا در ایران
دکتر ابراهیم یزدی در گفتگو با روزنامه کیهان - ۱۳۵۹: آزادی گروگان‌ها بدون محاکمه آمریکا یک خیانت بزرگ تاریخی خواهد بود.

مصاحبه‌ای که در ذیلاً می‌خوانید پیش از انتخاب دکتر یزدی در مجلس شورای ملی و قبل از ورود ایشان به کیهان انجام گرفته است. در این مصاحبه، نظرگاه‌های دکتر یزدی، وکیل تهران در مجلس شورای ملی، درباره گروگان‌ها، ترکیب مجلس، محاکمه آمریکا، مسائل اقتصادی و قراردادهای ایران و آمریکا عنوان شده است. آن بخش که مربوط به گروگان‌هاست ذیلاً می‌آید.

اعتقاد خود من این است که محاکمه باید هر چه زودتر شروع شود و این سخن جدیدی نیست. همان زمان که شاه مخلوع هنوز در آمریکا بود، و وی را به پاناما فرستاده بودند، ضمن یک تحلیلی سیاسی از حرکت‌های احتمالی آمریکا، نشان داده‌ام که آمریکایی‌ها نمی‌توانسته‌اند شاه را به ایران تحویل دهند و دیر یا زود وی را از آمریکا خارج خواهند ساخت، و این تنها حرکت احتمالی است که آمریکا انجام خواهد داد. در همان موقع پیشنهاد خود را در مورد چگونگی محاکمه بیان کردم. به موجب این طرح، ایران باید آمریکا را محاکمه کند، چه شاه مخلوع در مصر باشد یا جای دیگر. حتی اگر محمدرضا را هم فرضاً به ایران تحویل بدهند، باز محاکمه آمریکا، به دلیلی که خواهم گفت همراه با محاکمه شاه ضروری است.

اما محاکمه آمریکا نمی‌تواند و نباید به معنای محاکمه همین چند نفر آمریکایی گروگان باشد، بلکه محاکمه این گروگان‌ها در واقع [باید] مقدمه و بهانه‌ای برای عملکرد ۲۶ ساله دولت آمریکا در ایران [باشد]؛ به این معنا که در ایران حکومت ملی و قانونی، به نام دکتر محمد مصدق وجود داشته است، و از طرف دیگر بر اثر مبارزات مردم ایران در سال ۱۳۳۲ محمدرضا پهلوی از ایران فرار می‌کند. بعداً دولت آمریکا از طریق یک کودتای نظامی، حکومت ملی و قانونی مصدق را سرنگون ساخت و شاه

فراری را به ایران برگردانید و سرلشکر بازنشسته، زاهدی را بر ملت تحمیل نمود و یک رژیم خفقان و ترور، رژیم ضدملی و ضدمردمی را برای مدت ۲۵ سال، یعنی از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر ملت ایران تحمیل نمود؛ و لذا آمریکا مسئول تمامی جنایات‌ها و خیانت‌های رژیم شاه می‌باشد.

دخالت آمریکا و شرکت آن دولت در این کودتا و مسئولیت وی در جنایات شاه ایران، تنها یک ادعا و یک اتهام از جانب ملت ایران نیست. اسناد شرکت و دخالت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، اسنادی نیستند که از منابع ایرانی به دست آید. تمامی این اسناد از منابع خود آمریکایی‌هاست. گزارش رسمی رییس جمهور وقت آمریکا (آیزنهاور) به کنگره آمریکا و اعترافات و اقرار^۱ و گزارشات و سعی وزیر امور خارجه وقت و رئیس سیاسی وقت آمریکا (برادران دالس) و سایر مقامات رسمی آمریکایی، تماماً جزئیات طرح و نقشه و عملکرد آمریکا در ایران را بیان می‌کند. علاوه بر گزارشات رسمی آمریکایی، که جزئیات آن در شرح مذاکرات سنای آمریکا در کتابخانه کنگره آمریکا موجود است، کتاب‌های زیادی درباره این اسناد منتشر شده است که معروف‌ترین آنها عبارتند از «داستان اندرون سیا» فصل پادشاه‌سازی در ایران؛ کتاب «حکومت نامرئی» و اخیراً هم کتابی تحت عنوان «ضد کودتا: مبارزه برای کسب سیطره در ایران» به قلم کرمیت روزولت منتشر شده است.

ترجمه فارسی کتاب اول، توسط نهضت آزادی ایران در خارج از کشور همراه با اسناد دیگری در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد، منتشر گردید. نویسنده کتاب سوم، کرمیت روزولت، خود عضو برجسته سیا و یک دیپلمات آمریکایی در ایران بوده است و مأمور اجرای طرح کودتا در تهران بوده است و خود وی جزئیات عملیات را شرح می‌دهد.

بر اساس اسناد، اعترافات و اقرار^۱ مقامات رسمی دولت آمریکا، شرکت آمریکا در کودتا و مسئولیت دولت آمریکا در مورد جنایات ۲۵ ساله رژیم شاه انکارناپذیر است. بر اساس این اعترافات و اسناد، دولت آمریکا مسئول و شریک تمام این جنایات است. اکنون که انقلاب اسلامی ایران پیروز شده است و گروگان‌های آمریکایی در اختیارند، ملت ایران باید با محاکمه عملکرد دولت آمریکا، بابت خسارات جانی و مالی که در

۱. اقرارها.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۸۹

طی مدت ۲۵ سال و چند ماه به ملت ایران وارد شده است درخواست گرامت از آمریکا بنماید. این گرامت را آمریکا باید به ایران بپردازد؛ خواه شاه زنده باشد یا بمیرد، به ایران مسترد بشود یا نشود.

صرف اینکه آمریکا به گناهان و اشتباهات خود اعتراف کند و تعهد بدهد که دیگر دخالت ننماید کافی نیست و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی ندارد.

گرامت سلب آزادی

در همین چند روز گذشته در مطبوعات خواندیم که چند نفر از گروگان‌ها - برخی که توسط دانشجویان آزاد شده بودند و برخی که توسط سفارت کانادا فرار کرده‌اند - در دادگاه‌های آمریکا از دولت ایران شکایت کرده‌اند و جمعاً مبلغ ۲۲۰ میلیون دلار ادعای خسارت نموده‌اند؛ خساراتی که به علت نقض حقوق اولیه آنها، من جمله آزادی عقیده و بیان، بر آنها وارد شده است. خوب دقت کنید! پنج یا شش نفر آمریکایی مدعی هستند که چند روزی حق آزادی عقیده و بیان آنها از طرف دولت ایران از بین رفته است و لذا مبلغی برابر ۲۲۰ میلیون دلار از ایران گرامت مطالبه می‌کنند.

بسیار خوب، فرض کنید که این امر (مطالبه گرامت به این مبلغ) ارزش آزادی عقیده و بیان را در بین مردم آمریکا نشان می‌دهد. ما هم بر اساس همین معیارها و ارزش‌ها، و نه بر اساس قوانین ایران، علیه آمریکا اعلام جرم کرده و مطالبه گرامت می‌نماییم. اگر خسارت محدودیت آزادی چند نفر برای چند روز حدود ۲۲۰ میلیون دلار باشد، حساب کنید که خسارت محدود کردن همین آزادی‌ها برای مدت ۲۵ سال و برای ۳۰ میلیون ایرانی چقدر خواهد بود! و این تازه گرامت خسارت‌های ناشی از محدودیت آزادی‌های اولیه در ایران است. به این رقم خسارت‌های زیر را اضافه کنید:

- ۱- خسارات ناشی از زندانی شدن و شکنجه دیدن هزاران زندانی در طی ۲۵ سال.
- ۲- خون‌بهای جان هزاران ایرانی که در طی این مدت، از روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در خیابان‌های تهران و شهرستان‌ها و در زندان‌ها و یا به طرق مختلف تا روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کشته شده‌اند.

۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۳- خسارات ناشی از نقص عضو هزاران ایرانی که در طی ۲۵ سال معلول شده‌اند. پیدا کردن معیاری برای برآورد خسارات بالا چندان مشکل نیست. کافی است مثلاً به آمار شرکت‌های بیمه در خود آمریکا رجوع کرد که مثلاً برای نقص عضو - فرضاً یک انگشت دست، ناشی از عمل جراحی اشتباه یک طبیب، یا نقص عضو ناشی از کار و نظایر اینها - دادگاه‌های آمریکایی چه میزان خساراتی را تصویب نموده و شرکت‌های بیمه پرداخت نموده‌اند. [می‌توان] همان‌ها را مبنای احتساب خسارات قرار داد.

همه اینها تازه خسارات جانی است که به علت عمل آمریکا و کودتای ۲۸ مرداد به ملت ایران وارد شده است؛ اما ملت ایران غیر از خسارات جانی، خسارات مالی فراوانی نیز دیده است. اینها را نیز باید بررسی و تعیین و مطالبه نمود. بنابراین، محاکمه گروگان‌ها، باید محاکمه عملکرد سیاست خارجی آمریکا در ایران بر اساس فوق باشد و چنین ادعایی و چنان محاکمه‌ای نه تنها برخلاف موازین بین‌المللی نیست، بلکه دقیقاً سخن گفتن به لسان و زبان بین‌المللی خصوصاً زبان خود مردم آمریکاست. پیامبر اکرم فرمود: به هر ملتی که وارد می‌شوید به زبان خود آنها سخن گویند. با مردم آمریکا باید به زبان خودشان سخن گفت. این محاکمه، محاکمه‌ای است به زبان مردم آمریکا، و لذا برای آنها و برای مردم غرب قابل فهم و درک است. ما باید بدانیم که اگر ملت ایران انقلاب کرده است، دنیا انقلاب نکرده است. مردم آمریکا انقلاب نکرده‌اند. ما نمی‌توانیم برای دنیا به زبان انقلاب خودمان سخن بگوییم، بلکه باید نظرات، مواضع، ارزش‌ها و معیارهایمان را به زبان دنیا، بیان کنیم تا برای آنها قابل فهم باشد.

چنان محاکمه‌ای اگر تشکیل شود، محاکمه‌ای دنیاپسند و به زبان دنیا خواهد بود: محاکمه جرایم آمریکا در ایران، مطالبه خسارات وارده بر ملت ایران.

چنین امری در دنیا بی‌سابقه هم نیست. سابقه دارد. همه‌ساله دولت آلمان غربی به دولت اسرائیل غرامت می‌پردازد. غرامت بابت خساراتی که حدود چهل سال پیش دولت هیتلر بر یهودیان آلمان وارد ساخت و جنایاتی که در حق آنان مرتکب شد. نه دولت آلمان غربی، ربطی به دولت هیتلر دارد و نه دولت اسرائیل، ربطی به یهودیان کشته‌شده و یا شکنجه‌دیده در زمان هیتلر در آلمان؛ اما مع‌ذکب به موجب آرای دادگاه، این غرامت‌ها پرداخت می‌شود. حالا آقای کارتر ممکن است بگوید که وی دخالتی در

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۹۱

اشتباهات و گناهان و جرایم اسلاف خود در ایران نداشته است، اما به هر حال دولت آمریکا مسئول است و باید خساراتی را که بر ما وارد شده است، جبران نماید. این آن طرحی است که برای محاکمه باید در نظر داشت ممکن است محاکمه اصلی با محاکمه گروگان‌ها شروع شود و یا گروگان‌ها به‌عنوان شهود در محکمه حاضر شوند، اما به هر حال باید محاکمه صورت پذیرد. هر گونه اشتباهی در این مورد یک اشتباه و یک خیانت بزرگ تاریخی خواهد بود. آزادی گروگان‌ها بدون محاکمه آمریکا یک اشتباه است. محاکمه گروگان‌ها که صرفاً محاکمه خود آنها (اشخاص) باشد، اشتباه است.

آزادی گروگان‌ها، به شرط محاکمه شاه در یک دادگاه بین‌المللی نیز اشتباه است. مگر آنکه محاکمه شاه در یک دادگاه بین‌المللی همراه با محاکمه دولت آمریکا در ایران به شرحی که آمد باشد و راهی برای تضمین اجرای آرای صادره از چنین دادگاهی پیدا کنیم.

علاوه بر مطالبه خسارات وارده به شرح بالا، در این محاکمه ما باید مطالبات ایران را از دولت آمریکا مطرح و درخواست پرداخت آنها را بنماییم. مطالبات ایران از آمریکا هنوز مشخص نشده است و باید آنها را بررسی و مشخص کرد. این مطالبات شامل اولاً حساب‌های ایران است که در بانک‌های آمریکایی بلوکه شده‌اند و ثانیاً مطالبات ایران از دولت آمریکا و کمپانی‌های آمریکایی است که مربوط می‌شود به قراردادهایی که در زمان شاه سابق با آمریکا بسته بودند.

طرح دکتر یزدی برای تشکیل دادگاه علیه آمریکا - روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۳۵۸

امام، طرح دکتر یزدی را برای تشکیل دادگاه علیه آمریکا، پذیرفت. دکتر ابراهیم یزدی، وزیر اسبق امور خارجه ایران به دعوت انجمن اسلامی خبرگزاری پارس، دیروز در اجتماع کارکنان این خبرگزاری سخنرانی کرد و در رابطه با مسئله گروگان‌گیری و تصرف سفارت سابق آمریکا در ایران گفت: در صورت خارج شدن شاه از آمریکا، به عقیده من ما باید پنجاه نفر گروگان آمریکایی را محاکمه کنیم، ولی

۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

هدف ما نباید محاکمه شخصی این پنجاه نفر باشد؛ چون در این صورت شکست می‌خوریم، بلکه باید هدف، محاکمه آمریکا باشد و این برای اولین بار در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خواهد بود که یک کشور کودتاکننده در کشوری که کودتا کرده به محاکمه کشانده شود.

یزدی گفت: آمریکا شاه را پذیرفت، درحالی‌که اجباری نداشت. وقتی کاردار سفارت به ما موضوع سفر شاه را به آمریکا اطلاع داد، ما ضمن اعتراض گفتیم که این عمل شما بازی با آتش است و نتیجه خوبی برای شما نخواهد داشت و این می‌رساند که شما هنوز عمق انقلاب اسلامی ما و احساسات مردم ما را درک نکرده‌اید.

پس از ورود شاه به آمریکا، ما دو کار می‌توانستیم انجام دهیم: یکی در چهارچوب دولت و دیگری کاری که خود مردم انجام دهند. ما برای آنکه دریابیم بیماری شاه، پزشکی است و یا سیاسی، دو نفر پزشک متخصص ایرانی را که در آمریکا حق طبابت دارند. برای معاینه شاه معرفی کردیم که مورد قبول دولت آمریکا قرار نگرفت و همین عمل نشان داد که ملت ما حق دارد نسبت به حرکت آمریکا مشکوک باشد.

در هشتم آبان‌ماه ما طی یادداشتی استرداد شاه و فرح را از آمریکا خواستیم، البته بین ما و آمریکا، قانون استرداد مجرمین وجود ندارد، ولی در ملاقاتی که من قبلاً با سایروس ونس، وزیر امورخارجه آمریکا داشتم، از جمله موارد موضوع صحبت ما، استرداد مجرمین سیاسی بود که به آمریکا فرار کرده بودند؛ مثل سرتیپ رزمی، عامل آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، که زمان شریف امامی از ایران خارج شده بود. من به سایروس ونس گفتم که شما خواهان دوستی با ایران هستید، ولی جنایتکاران ایرانی را به خاک خود راه می‌دهید. ونس وعده داد که با وزیر دادگستری آمریکا در این زمینه صحبت کند.

پس از بازگشت از آمریکا، از طریق نامه رسمی، این اسامی را به آنها اطلاع دادیم و پس از رفتن شاه به آمریکا، نیز ما طی دو یادداشت جداگانه، از آمریکا خواستیم که شاه و فرح و اموال او را به ما تحویل بدهد. این کاری بود که ما کردیم و حرکت بعدی را باید مردم انجام می‌دادند.

حرکات احتمالی آمریکا

دکتر یزدی با اشاره به حرکت بعدی آمریکا در مقابل این اقدام گفت: آمریکا به عقیده من پنج حرکت احتمالی بیشتر ندارد:

۱- استرداد شاه، ۲- دست روی دست گذاشتن تا مدتی نامعلوم، ۳- حمله نظامی به ایران، ۴- مرگ شاه، یا به صورت طبیعی و یا عمدی، و بالاخره ۵- خارج کردن شاه از آمریکا.

به عقیده من آمریکا فقط یک حرکت را انجام می‌دهد و آن اینکه شاه آمریکا را ترک کند. آمریکا شاه را تحویل نخواهد داد و حتی نخواهد کشت، چون او شاه‌های دیگری هم در این دنیا دارد، اگر قرار باشد شاه را پس از سی و چند سال خدمت خالصانه به آمریکا، پس بدهد و یا بکشد، تمام روابط خود را با متحدین خود به هم خواهد زد. سکوت هم نخواهد کرد؛ چون امسال، سال انتخابات است و کارتر نمی‌تواند غیرفعال باشد.

یزدی در زمینه دخالت نظامی آمریکا در ایران گفت: آمریکا خوابیده پارس می‌کند؛ چون در صحنه بین‌المللی فرق است بین وقتی که قدرت دارید و وقتی که می‌توانید قدرت خود را اعمال کنید. بله آمریکا قادر است دخالت نظامی بکند، اما شرایط بین‌المللی به آمریکا چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. دخالت نظامی آمریکا در ویتنام که از همان ابتدا صورت گرفت ۲۵۰ میلیارد دلار برایش خرج داشت و حدود ۵۰ هزار کشته و ۵۰۰ هزار معلول برایش به جای گذاشت؛ به اضافه رقم بالای بیماری‌های روانی و معتادین که این جنگ برایش در برداشت و آخر هم با آن افتضاح از ویتنام بیرون آمد.

تنها راه برای آمریکا

دکتر یزدی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: امروز، مردم آمریکا عمیقاً خواستار جنگ نیستند و از همه مهم‌تر، وضع جغرافیایی کشور ما و روحیه انقلابی مردم ما نیز مساعد است و اگر ویتنام توانست پیروز شود، ما هم می‌توانیم. وی اضافه کرد: این تهدیدات نظامی آمریکا، به خاطر مبارزات انتخاباتی است، ولی امکان دارد که دست به حربه اقتصادی بزند؛ [مثلاً] تنگه یا دهانه هرمز را ببندد. در این صورت، نمی‌تواند راه را بر روی کشتی‌های نفتی ما ببندد؛ زیرا دنیای صنعتی، جلویش می‌ایستد و فقط

۹۴ □ شخصت سال صبوری و شکوری

می‌تواند جلو کشتی‌هایی [را] که حامل محموله برای ایران هستند، بگیرد که در آن صورت، راه‌های مقابله بسیار وجود دارد.

دکتر یزدی نتیجه گرفت که تنها حرکت آمریکا، خروج شاه از این کشور است که البته هنوز محلی برای اقامت او پیدا نکرده است. وی توضیح داد که دولت مکزیک پس از افشای سفرهای سفارت ایران در آمریکا، و روشن شدن ذهن مردم این کشور، نسبت به جنایات شاه، تحت تأثیر افکار عمومی مردم مکزیک، اجازه اقامت به شاه را نداد و اگر سادات شاه را پذیرا شود، چون با مشکلات سیاسی و اقتصادی بزرگی روبه روست، باعث شتاب حرکت انقلابی مردم و در نتیجه سقوط خودش خواهد شد.

دکتر یزدی، سپس با اشاره به کودتای ۱۹۵۳ آمریکا در ایران علیه دکتر مصدق، گفت: اگر آمریکا حق دارد قوانین بین‌المللی و حتی قوانین خودش را زیر پا بگذارد، ما هم در کشور خود این حق را داریم که کشور آمریکا را محاکمه کنیم و اسناد ما بسیار قوی است.

وی با اشاره به گزارشات آیزنهاور، به سنای آمریکا، پس از انجام کودتا، خاطرات فاستر دالس و کیم روزولت در این زمینه و اسنادی که «سیا» منتشر کرده است، به قوانین موجود در خود آمریکا اشاره کرد و نتیجه گرفت که دخالت و مسئولیت آمریکا در جنایاتی که پس از ۲۸ مرداد در ایران انجام گرفته، محرز است و آمریکا باید برای تمام خسارت‌هایی که در این مدت به ایران وارد آمده، غرامت بپردازد.

محاکمه گروگان‌ها

وی در زمینه طرح پیشنهادی خود برای تشکیل چنین دادگاهی گفت: من پیشنهاد کرده‌ام که از یک طرف هیئتی از طرف امام مأمور جمع‌آوری مدارک و اسناد خود آمریکا بشود و از طرف دیگر، دفتری برای ثبت نام کسانی که بعد از ۲۸ مرداد به بعد شهید و یا معلولی داده‌اند باز بشود تا این افراد در دادگاه به‌عنوان شاهد شرکت کنند. همچنین قبل از تشکیل دادگاه به ۵۰ نفر گروگان، تاریخ محاکمه اطلاع داده شود، تا هر کدام برای خودشان وکیل بگیرند؛ حتی اگر آمریکا مانع گرفتن وکیل شود، خانواده‌های این افراد آمریکا را مجبور خواهند کرد که وکیل بفرستند.

۹۵ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

دکتر یزدی گفت: اگر ما بخواهیم به این دادگاه ابعاد بین‌المللی بدهیم، صحبت اینکه ده نفر و یا بیشتر از گروگان‌ها عضو «سیا» هستند کافی نیست، حال که ما در بعد زمانی تاریخ‌ساز قرار گرفته‌ایم و می‌توانیم چنین محاکمه‌ای داشته باشیم، باید محاکمه سیاست خارجی آمریکا مطرح باشد و رسانه‌های گروهی دنیا هرگز نخواهند توانست این محاکمه را سانسور کنند.

وی اضافه کرد: اگر ما بتوانیم این دادگاه را به این صورت درآوریم، پیروز خواهیم شد و برای اولین بار است که چنین حرکتی در دنیا می‌شود و این یک پیروزی بزرگ برای تمام ملت‌ها است.

یزدی در پایان سخنان خود گفت: من طرح پیشنهادی خود را در زمینه چگونگی تشکیل دادگاه، برای محاکمه، با امام مطرح کرده‌ام؛ ایشان پذیرفته‌اند و دستوراتی نیز داده‌اند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۰۲۳، سه شنبه ۲۰ آذرماه ۱۳۵۸، ص ۱۰).

من در باره محاکمه گروگان‌ها و محاکمه دولت آمریکا، مصاحبه‌های دیگری نیز انجام داده‌ام که برخی از آنها در مجموعه آثارم و برخی دیگر نیز در پیوست ۶ و ۷ آمده است.

طرح محاکمه عملکرد دولت آمریکا در ایران

دکتر یزدی: من معتقدم گروگان‌ها باید محاکمه می‌شدند.

دکتر ابراهیم یزدی در یک مصاحبه، ضمن اشاره به سیاست دولت بعثی عراق درباره ایران تأکید کرد: دولت بعثی عراق، سیاست مشترکی را با آمریکا درباره ایران اعمال می‌کند. دکتر یزدی در این مصاحبه با خبرگزاری پارس درباره گروگان‌ها گفت: من معتقدم گروگان‌ها باید محاکمه می‌شدند.

دکتر یزدی درباره عراق گفت: دولت بعثی صدام حسین، دولتی است وابسته به آمریکا و هیچ پایگاهی در داخل عراق ندارد. اکثریت قریب به اتفاق شیعیان عراق، مخالف رژیم بعث هستند.

برادران اهل تسنن در عراق که اکثریت بزرگی از آنها را کردهای عراقی تشکیل می‌دهند، سالیان درازی است که با حکومت بعثی عراق در حال جنگند و دولت بعثی

۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

عراق پایگاهی میان توده‌های مردم آن کشور ندارد. در بین اعضای حزب بعث هم اختلافات و مبارزه بر سر قدرت به شدت حکمفرماست تا بدان‌جا که صدام حسین نزدیک‌ترین دوستان حزبی خود را تیرباران کرده است. لاجرم دولت صدام حسین برای حفظ موقعیت خود، سیاست مشترکی را با آمریکایی‌ها در مورد ایران و منطقه خلیج فارس اعمال می‌کنند؛ به همین دلیل است که می‌بینیم وقتی ایران شدیداً درگیر مبارزه با دولت آمریکا است. صدام حسین دقیقاً به نفع امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه در جهت تضعیف دولت ایران وارد عمل می‌شود و دست به یک چنین اقداماتی می‌زند.

دکتر ابراهیم یزدی در قسمتی دیگر از این مصاحبه، گفت: قسمت دوم سیاست ما پشتیبانی از مبارزات انقلابی مردم عراق بود که ما با تمام قوا از انقلابیون عراق حمایت کرده و می‌کنیم و اوج‌گیری مبارزات مردم عراق علیه بعثی‌ها نشان می‌دهد که این دولت قادر به ادامه حکومت خود نیست.

وی درباره هدف دولت عراق از ایجاد تحریکات و خرابکاری‌ها در ایران گفت: این دولت دقیقاً در خط سیاست آمریکا و اسرائیل عمل می‌کند؛ سیاستی که عملاً دشمنی با انقلاب ایران را در پیش گرفته است، ولی دولت عراق در محاسبات خود و ارزیابی قدرت دولت انقلابی ایران دچار اشتباه بزرگی شده و تصور می‌کرد که با ایجاد این آشوب‌ها می‌تواند به هدف خود برسد و از طرف دیگر با ایجاد این آشوب‌ها سیاست تهاجمی علیه ایران داشته باشد.

دولت عراق نه تنها در این برنامه شکست خورد، بلکه اینک کاملاً روشن شده است مردم قهرمان عراق عکس‌العمل شدیدی نسبت به سیاست دولت بعث عراق از خود نشان داده‌اند. به‌طوری که اخبار و اطلاعات حاکی است مردم مبارز، درگیری‌های شدید مسلحانه با مقامات عراقی داشته‌اند.

دکتر یزدی درباره ملاقات نمایندگان خلق عرب با نخست‌وزیر دولت موقت که در افشاگری اخیر تلویزیون به آن اشاره شد، گفت: تا آنجا که به یاد دارم هیچ گروهی تحت این عنوان به دیدن مهندس بازرگان و دولت موقت نیامده بود، بلکه نمایندگان اقشار مختلف خوزستان از عشایر مختلف برای ابراز پشتیبانی از دولت انقلاب به

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۹۷

تهران آمدند و این در زمانی بود که امام هنوز در تهران تشریف داشتند و بعد از ملاقات‌هایی که این نمایندگان با امام نمودند و از رهبری امام و انقلاب ایران پشتیبانی کردند، با مهندس بازرگان در نخست‌وزیری نیز ملاقات کردند.

در مورد گروگان‌ها

یزدی پیرامون تحویل گروگان‌های لانه جاسوسی به شورای انقلاب گفت: در این مورد به دو مطلب باید توجه شود: یکی اینکه علت اصلی اشغال سفارت آمریکا و گرفتن گروگان‌ها، استرداد شاه مخلوع به ایران بود و اینکه اگر آمریکایی‌ها شاه مخلوع را به ایران تحویل ندهند، این گروگان‌ها محاکمه می‌شوند.

چند ماه قبل من در مورد چگونگی این محاکمه طرحی تهیه کردم که به اطلاع امام هم رسید و سپس توسط خبرگزاری پارس منتشر و در روزنامه‌ها چاپ شد. به موجب این طرح در اولین فرصت باید گروگان‌ها محاکمه شوند، ولی در واقع محاکمه آنها باید به‌عنوان وسیله و مقدمه‌ای باشد برای محاکمه عملکرد دولت آمریکا در ایران؛ زیرا آمریکایی‌ها به اقرار و اعتراف خودشان در ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ در ایران کودتا کردند و شاه را بر ما مسلط ساختند؛ لذا آمریکا شریک و مسئول تمام جنایاتی است که شاه مخلوع در ایران مرتکب شده است و برای جبران خسارتی که از نظر جانی و مالی و اقتصادی به علت تسلط شاه بر کشور ما به مردم وارد شده است، آمریکایی‌ها باید غرامت بپردازند و جبران خسارت کنند.

یزدی افزود: من معتقدم از زمانی که مشخص شد که آمریکا شاه را تحویل نمی‌دهد و شاه به پاناما رفت، می‌بایستی مقدمات محاکمه فراهم و محاکمه انجام می‌شد. حالا هم اصل قضیه را باید بر محور محاکمه گروگان‌ها و دولت آمریکا گذاشت؛ زیرا امام [خمینی] با صراحت تکلیف گروگان‌ها را به نظر مجلس شورای اسلامی ملی محول فرموده‌اند؛ بنابراین، مسئله کاملاً روشن است.

یزدی درباره ملاقات اعضای کمیسیون تحقیق با گروگان‌ها گفت: اینکه اعضای کمیسیون با گروگان‌ها ملاقات کنند یا نه، بستگی به تصمیم شورای انقلاب دارد؛ زیرا مسئولیت مملکت در حال حاضر به‌عهده شورا است و امام هم فرموده‌اند: بایستی از

۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

شورا پشتیبانی شود و کسانی که در خط امام هستند بایستی از شورا تبعیت کنند؛ بنابراین، وقتی شورای انقلاب تصمیم می‌گیرد اعضای کمیسیون باید با گروگان‌ها ملاقات کنند، بایستی با شورا همکاری کرد و نباید ایجاد اشکال نمود و به نظر من، این ملاقات بدون اشکال است و این ربطی به آزادی گروگان‌ها و سرنوشت آنها ندارد و تکلیف نهایی آنها موکول به رأی مجلس شورا است. دکتر یزدی درباره اسناد موجود در لانه جاسوسی گفت: من فکر می‌کنم که اگر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تمام اسناد موجود در لانه جاسوسی را یک‌جا منتشر کنند بهتر است و این، چیزی است که همه مردم خواهان آن هستند.

اطلاعیه دکتر یزدی درباره سفر شاه [به آمریکا]

دکتر ابراهیم یزدی در رابطه با اسناد منتشر شده از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اطلاعیه‌ای صادر و طی آن مسائل مطرح شده را تشریح کرد. متن اطلاعیه دکتر یزدی چنین است:

بسمه تعالی

«هم‌وطنان عزیز، در اسنادی که توسط برادران دانشجوی مسلمان پیرو خط امام، مستقر در محل سفارت آمریکا منتشر شده است، به نقل از گزارش کاردار سفارت آمریکا به وزیر امور خارجه آمریکا آمده است که موضوع سفر شاه خائن مخلوع به آمریکا را با این‌جانب در سوم اکتبر در موقع سفر به سازمان ملل متحد مطرح سازد.

بدین‌وسیله به اطلاع عموم می‌رساند وزیر امور خارجه آمریکا در مذاکرات خود با این‌جانب که با حضور هیئت ایرانی اعزامی به سازمان ملل متحد انجام گرفت، هرگز چنین موضوعی را مطرح نساخت و هرگونه شایعه‌ای در این مورد به کلی بی‌اساس است. همان‌طوری که این‌جانب قبلاً هم مراتب را به اطلاع عموم رسانیده است، اولین باری که دولت آمریکا موضوع سفر شاه به آمریکا را با دولت ایران مطرح ساخت در ۳۰ مهرماه بوده است. کاردار سفارت آمریکا و مسئول میز ایران روز قبل از آن تقاضای دیدار فوق‌العاده‌ای از جانب نخست‌وزیر می‌نماید و این دیدار با حضور این‌جانب در نخست‌وزیری صورت می‌گیرد و کاردار سفارت آمریکا نظر دولت متبوعه خود را در مورد سفر شاه خائن مخلوع به آمریکا به بهانه ظاهراً بیماری به اطلاع دولت ایران

۹۹ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

می‌رساند. در این دیدار، دولت ایران نه تنها موافقت به هیچ وجه با نظر و اقدام آمریکا نمی‌نماید، بلکه اعتراض شدید خود را نیز به این عمل آمریکا به اطلاع آنان می‌رساند و عواقب آن را گوشزد می‌نماید. والسلام علی من تبع الهدی.

ابراهیم یزدی - ۱۴ آذرماه ۱۳۵۸

بعدازظهر دیروز صورت گرفت: ملاقات دکتر یزدی با امام دربارهٔ محاکمهٔ گروگان‌ها و آیندهٔ سیاسی کشور

دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجهٔ پیشین ایران و یکی از نزدیکان امام ساعت ۴/۵ بعدازظهر دیروز در قم با امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران ملاقات و گفتگو کرد. دکتر یزدی که از سفر تبریز و ارومیه بازگشته بود، در این ملاقات پیرامون اوضاع جاری مملکت، جریان فراندوم، برنامه‌های آینده و مسائل مختلف مالی و سیاسی کشور با امام گفتگو کرد.

دکتر یزدی صبح امروز در گفتگوی اختصاصی با کیهان، ضمن اعلام این مطلب تأکید کرد که در ملاقات دیروز با امام، چگونگی محاکمهٔ گروگان‌های آمریکایی و نحوهٔ اجرای آن نیز مطرح شده است. وی تأکید کرد که دربارهٔ این موضوع نظر من این بود که محاکمهٔ آمریکا و رسیدگی به عملیات و خیانت‌های آمریکا از زمان کودتای ۲۸ مرداد تا به امروز تبدیل شود؛ زیرا این در واقع یک محاکمهٔ سیاسی است و باید بر اساس اعتراف‌ها و خاطرات منتشر شده و اسناد موجود از طرف خود مقامات آمریکایی که شرکت و دخالت مستقیم و فعال آمریکا توسط سازمان جاسوسی «سیا» را نشان می‌دهد، صورت گیرد. دکتر یزدی تأکید کرد که نظرات من در این زمینه مورد تأیید امام قرار گرفت.

دکتر یزدی افزود: در این دیدار، گزارش سفر خود را به تبریز و ارومیه و ملاقات با علما و رؤسای نیروهای نظامی و انتظامی این شهرها و استانداران آذربایجان شرقی و غربی به امام دادم و همچنین مسائلی را که در سخنرانی‌های خود مطرح کردم، به عرض امام رساندم.

دیدار دکتر یزدی با آیت الله شریعتمداری

دکتر یزدی پس از ملاقات با امام به منزل حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری رفت و درباره مسائل جاری آذربایجان با ایشان مذاکره کرد، اما درحالی که گفتگو درباره توطئه‌های ضد انقلاب بود، ناگهان صدای تیراندازی در اطراف منزل آیت الله العظمی شریعتمداری شنیده شد که منجر به کشته شدن یکی از پاسدارانی که پشت بام منزل ایستاده بود، شد.

دکتر یزدی افزود که من این حادثه را به عنوان یکی از نمونه‌های توطئه‌ها و اقدامات ضد انقلاب تلقی کردم که در این شرایط قصد بر هم زدن نظم مملکت را دارد. دکتر یزدی درباره چگونگی حادثه تیراندازی و علل و عوامل آن گفت: من فکر می‌کنم کسانی از داخل کوچه مبادرت به تیراندازی هوایی کرده‌اند که این تیراندازی منجر به کشته شدن پاسداری شده که در پشت بام منزل آیت الله العظمی شریعتمداری بوده است. دکتر یزدی پس از این ملاقات، بار دیگر به منزل امام رفت و حدود یک ساعت بعد به تهران بازگشت.

مهندس بازرگان طی سخنانی در پادگان لویزان: در اسلام تصمیم با اولی الامر است
تهران - خبرگزاری پارس: مهندس مهدی بازرگان اولین نخست‌وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای انقلاب در جمع پرسنل نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، طی سخنانی با تأکید بر اینکه روحیه انضباط و دیسیپلین باید در ارتش حکمفرما باشد، در قسمتی از سخنان خود گفت: ارتش امروز ما دیگر صرفاً یک ارتش ملی نیست، بلکه نیرویی است در راه خدا و در خدمت مردم و مظلومان و اسلام و باید در این راه خدمت کند.

مهندس بازرگان در پادگان نیروی زمینی واقع در لویزان در حضور دکتر مصطفی چمران، وزیر دفاع و تیمسار ولی الله فلاحتی، فرمانده نیروی زمینی گفت: قبل و بعد از پیروزی انقلاب یکی از هدف‌های دشمنان ما نابودی ارتش بود. آنها عقیده داشتند که این ارتش طاغوتی و دست‌نشانده امپریالیسم و صهیونیسم است و باید تا سطح درجه‌دار نابود و یا اخراج شوند، ولی خوشبختانه با فرمان امام دایر بر اینکه فقط

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۰۱

کسانی که دستشان به خون مردم آغشته شده یا در کشتارها دست داشته و یا بیت‌المال را به غارت برده‌اند باید مجازات شوند، تیر آنان به سنگ خورد و به ناچار همین افراد آمده‌اند با تسبیح عبادت، مدافع خلق و مستضعفین شده و از داخل سمپاشی می‌کنند که چه فرقی است میان یک درجه‌دار با یک سرلشگر. جامعه باید توحیدی باشد و اسلام درجه‌دار نمی‌شناسد.

ولی این افراد، آیه‌های دیگر قرآن را که در آن علم، تجربه و سابقه، افراد را از یکدیگر متمایز می‌کنند، به زبان نمی‌آورند و یا آیه دیگری که می‌گوید: «از خدا، رسول خدا و افراد اولی‌الامر اطاعت کنید» را در نظر نمی‌گیرند. مهندس بازرگان در همین زمینه اضافه کرد: پیغمبر و حضرت علی (ع) خودشان افرادی را به نام ولی امر به نقاط مختلف می‌فرستادند و مردم مسلمان ملزم به اطاعت آنان بودند؛ حالا نیز امام خمینی افرادی را برای فرماندهی انتخاب کرده است و تا این انتخاب پابرجا است، باید از او اطاعت کرد؛ چون اصل فرماندهی در صدر اسلام وجود داشته است. حضرت علی و پیغمبر شخصاً در انتخاب افراد تصمیم می‌گرفتند و تصمیمات دیگران نمی‌توانست تغییری در آن بدهد. البته مشورت و شورا در اسلام هست، ولی تصمیم با اولی‌الامر می‌باشد.

دستور امام برای تشکیل دو هیئت بین‌المللی

این دستور از سوی امام خمینی، رهبر انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه ایران صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای قطب‌زاده، وزیر امور خارجه ایران

لازم است هرچه زودتر یک هیئت بین‌المللی بررسی با مشورت شورای انقلاب تشکیل دهید تا سیاست تجاوزکارانه دولت آمریکا را در ایران خصوصاً در طول حکومت شاه مخلوع خائن مورد بررسی قرار داده و در معرض افکار عمومی جهان قرار دهید تا سازمان‌های بین‌المللی که زیر نفوذ آمریکا ایران را به اصطلاح محکوم کرده‌اند، از جنایات دولت آمریکا نسبت به مردم محروم ما آگاهی بیشتری پیدا کنند. همچنین برای

۱۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

مقابله با تبلیغات سوء تجاوزکارانه آمریکا در مورد گروگان‌ها در لانه جاسوسی آنها می‌توانید یک هیئت مستقل بین‌المللی دعوت نمایید تا از آنان دیدار کنند.
والسلام - روح الله الموسوی الخمينی

۲۴ شخصیت بین‌المللی از سراسر دنیا به ایران دعوت شدند

جلسه شورای انقلاب اسلامی با شرکت چند تن از وزرا دیروز تشکیل شد و مذاکراتی پیرامون مسائل اقتصادی و سیاسی و سرانجام کار گروگان‌ها به عمل آمد.
دکتر حبیبی، سخنگوی شورا در پایان جلسه در جمع روزنامه‌نگاران پس از چند گزارش درباره مسائل مختلف کشور اطلاع داد که گزارش آقای قطب‌زاده، وزیر امور خارجه مربوط به موضوع گروگان‌ها در جلسه مطرح شد و تصمیم گرفته شد که یک هیئت منصفه بین‌المللی تشکیل شود. وظیفه این هیئت رسیدگی به جنایات آمریکا و چپاولگری‌های این کشور از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی ایران و مشکلاتی که این کشور بعد از انقلاب برای مردم شریف ایران فراهم کرده، می‌باشد.
این هیئت یک هیئت منصفه بین‌المللی است که به دعوت دولت ایران ۲۴ نفر از شخصیت‌های برجسته از کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی دعوت می‌شوند تا با شخصیت‌های ایرانی، این هیئت را در تهران تشکیل دهند. ضمناً قرار شده که حوالی عید کریسمس چند نفر کشیش با گروگان‌ها ملاقات کنند و خانواده‌های آنان می‌توانند هدایای عید کریسمس را برای گروگان‌ها ارسال دارند. این قرار را ما گذارده‌ایم، اما هنوز راجع به جزئیات آن تصمیم لازم اتخاذ نشده است.
در مورد محاکمه گروگان‌ها سخنگوی شورای انقلاب گفت: هنگامی که هیئت منصفه بین‌المللی تشکیل شود، آنان به‌عنوان شهود در جلسات شرکت کرده و اطلاعات خود را در اختیار هیئت منصفه خواهند گذارد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۹/۲۴).

اگر ایران گروگان‌ها را محاکمه کند، آمریکا نمی‌تواند آسوده بنشیند!

واشنگتن - آسوشیتد پرس: برژینسکی مشاور رئیس جمهوری آمریکا در امور امنیت ملی گفت که دولت کارتر انتظار دارد جامعه بین‌المللی به تدریج فشار اقتصادی خود را بر ایران افزایش دهد، مگر آنکه گروگان‌های آمریکایی آزاد شوند.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۰۳

برژینسکی اضافه کرد: من انتظار دارم که اگر مسئله گروگان‌ها به زودی حل نشود، جامعه بین‌المللی احساس عدم رضایت خویش را به نحو جدی‌تری ابراز کند. برژینسکی گفت که آمریکا خواستار تحریم اقتصادی کامل و فوری علیه ایران نیست؛ زیرا می‌خواهد قبلاً اطمینان یابد که توافق همگانی در این زمینه در جامعه بین‌المللی علیه ایران وجود دارد. او گفت: اگر همبستگی بین‌المللی وجود داشته باشد، و اگر این همبستگی جدی‌تری بشود، آنگاه ایران ناچار خواهد شد تصدیق کند که در جریان این بحران پیروزی ندارد. او گفت که اگر ایران چنان که تهدید کرده است، گروگان‌ها را به محاکمه بکشد، آمریکا نمی‌تواند آسوده بنشیند، ولی دقیقاً نمی‌توان پیشگویی کرد که ما چه خواهیم کرد.

برژینسکی توضیح نداد که آمریکا در صورت عدم آزادی گروگان‌ها از کشورهای دیگر خواستار چه نوع فشارهای محسوس علیه ایران است. با این حال اشاره کرد که این اقدامات ممکن است انزوای اقتصادی بیشتر ایران از راه تحریم بازرگانی باشد. برژینسکی گفت: یکی از مشکلاتی که مانع از رفع بحران در شرایط کنونی است، هرج و مرج سیاسی ایران و پاره‌ای از دانشجویان اسلامی که سفارت را اشغال کرده‌اند از مبارزانی هستند که هدفشان این است که رشته‌هایی را که بین ایران و آمریکا وجود داشته به کلی قطع کنند.

برژینسکی تأیید کرد که فرستادگان چند کشور خارجی، هم‌اکنون به منظور پیدا کردن یک راه‌حل مسالمت‌آمیز برای اختلاف‌های ایران و آمریکا در تهران به سر می‌برند. برژینسکی تصریح کرد که این فرستادگان به ابتکار دولت‌هایشان به تهران رفته‌اند و هیچ‌گونه پیشنهادی از جانب دولت آمریکا برای رفع بحران به مقام‌های ایرانی تسلیم نخواهند کرد، اما کوشش می‌کنند موافقت ایران را به حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها جلب کنند.

مشاور کارتر اضافه کرد که این فرستادگان به خوبی از موضع آمریکا آگاهی دارند. آمریکا قبل از هر چیز خواستار آزادی گروگان‌ها است، اما در عین حال حق ایران را به شکایت از رژیم شاه سابق و جبران خسارت وارده را به رسمیت می‌شناسد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۹/۱۹).

۱۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

نظر رسمی آمریکا در مورد محاکمه گروگان‌ها - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۹/۲۷
واشنگتن - یونایتدپرس: دولت آمریکا اعلام کرد: هر کس در یک دادگاه بین‌المللی یا در محاکمه گروگان‌های آمریکایی در ایران شرکت کند، مانع از آزادی نهایی آنها خواهد شد. این نظر دولت آمریکا را سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد و سخنگوی کاخ سفید هم آن را تأیید کرد و گفت که تشکیل چنین دادگاهی مغایر با روش‌های قانونی و عرفی آمریکا است.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: موضع آمریکا همچنان گذشته بر آزادی گروگان‌ها متمرکز است و هر چیز که خلاف آن باشد، آمریکا علیه آن خواهد بود. همچنین استفاده کردن از گروگان‌ها در هر دادگاهی مغایر با مصالح آمریکاست. سخنگوی کاخ سفید نیز گفت: هر تصمیمی برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی، تناقض آشکار با موضع آمریکا دارد و نیز با نظر شورای امنیت و دادگاه بین‌المللی لاهه مغایر است.

سخنگویان کاخ سفید و وزارت امور خارجه هر دو گفتند: هنوز تصمیمی که از شورای امنیت سازمان ملل خواسته شود که تحریم اقتصادی ایران را تصویب کند، گرفته نشده است.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت که یکی از مسائل مهم این است که هنوز تماس مستقیمی با آیت‌الله خمینی مقدور نشده است.

از سوی آسوشیتدپرس از واشنگتن گزارش داد که وزارت خارجه آمریکا دیشب اعلام داشت: از نقطه نظر دولت آمریکا، میان محاکمه شدن گروگان‌ها به عنوان جاسوس و یا شرکت آنها در یک کمیسیون به عنوان شهود فرق و تمایزی موجود نیست.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: استفاده از گروگان‌ها در دادگاه به هر عنوان و برای هر منظور که باشد، نقض آشکار قوانین بین‌المللی به شمار می‌آید و اقدامی اهانت‌آمیز برای فرد فرد آنها محسوب می‌شود. سخنگو گفت: آنچه که قوانین بین‌المللی خواستار آن است، آزادی فوری این گروگان‌هاست و هر اقدام دیگری تجاوز ظالمانه به حقوق این گروگان‌ها به شمار خواهد رفت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۹/۲۷).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۰۵

محاكمه سیاست خارجی آمریکا در ایران

دکتر ابراهیم یزدی در مورد تعیین سرنوشت گروگان‌های آمریکایی اظهار داشت: باید دادگاهی برای محاکمه عملکرد سیاست دولت آمریکا در ایران تشکیل گردد و ایران بابت خسارات جانی و مالی که به علت دخالت آمریکا در ایران از سال ۱۳۳۲ دیده است، مطالبه غرامت نماید. سرنوشت گروگان‌ها در چنین دادگاهی باید تعیین گردد و تصمیم نهایی با مجلس است.

دکتر یزدی همچنین در پاسخ این سؤال که آیا با افشای اسناد موجود در لانه جاسوسی موافقید، به ذکر کلمه «بله» اکتفا کرد و در مورد لغو قراردادهای ایران و آمریکا گفت: نظرم را درباره قراردادهای به کرات داده‌ام و تغییری نکرده است. کلیه قراردادهای باید به اطلاع مردم برسد. اگر کسی از قراردادهای خبر نداده و تا به حال به اطلاع مردم نرسیده است، بهتر است بدون شعار دادن و القای شبهه‌ها، آنها را منتشر سازند و این وظیفه شرعی و عرفی است.

تأیید امام از طرح محاکمه گروگان‌ها

امام [خمینی]: دادگاه بزرگ جنایت آمریکا در ایران، تشکیل می‌شود. صبح و عصر دیروز، گروه‌های زیادی از مردم شهرستان‌ها در قم، از برابر اقامتگاه رهبر انقلاب اسلامی عبور کردند.

اکثر دیدارکنندگان با امام کفن پوشیده بودند و عکس‌ها و پلاکاردهایی که نشانه پشتیبانی از مقام رهبری امام خمینی بود، حمل می‌کردند و شعار می‌دادند: «حزب فقط حزب‌الله / رهبر فقط روح‌الله» ملاقات‌کنندگان همچنین با شعارهایی دیگر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کردند.

این گروه‌ها که از شهرهای شوش و دانیال از استان خوزستان، کارگران و کارکنان کارخانجات لیلاند و همچنین بیش از یک صدوسی نفر از اهالی کفن‌پوش بابل‌سر بودند، به حضور امام رسیدند.

امام در قسمتی از سخنانشان خطاب به آنان چنین فرمودند: «شما که در شمال هستید و همه قشرهای ملت در همه نقاط متوجه باشند که آمریکا به وسیله سرسپردگان

۱۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

خود، می‌خواهد سرگرمی‌هایی ایجاد کند تا ما را که می‌رویم با تشکیل دادگاه بزرگ و در پیشگاه نمایندگان ملل دنیا، جنایات چندین ساله آمریکا را در ایران و علیه ملت ایران صورت گرفته، افشا کنیم، موفق به این امر نشویم و نتوانسته باشیم اسناد و مدارک جنایت و چپاول رؤسای جمهوری آمریکا، خصوصاً رئیس جمهوری فعلی را به نظر جهانیان برسانیم». امام افزود: «افرادی ملی و اسلامی، قانون اساسی را تصویب کردند که حافظ حقوق ملت و قوانین اسلام است و این سردهندگان نغمه مخالفت، همان مخالفان ملت هستند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۹/۲۲).

پیشنهاد آزادی گروگان‌ها به مناسبت میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)

در دی‌ماه ۱۳۵۸، قبل از زادروز عیسی مسیح به امام پیشنهاد کردم به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران و نیز یک رهبر برجسته اسلامی، با صدور بیانیه‌ای خطاب به مردم آمریکا اعلام کنید به مناسبت روز تولد عیسی مسیح پیامبر عشق و محبت دستور داده‌اید تمامی گروگان‌ها را آزاد کنند. این یک بازتاب مثبت بسیار گسترده‌ای به نفع ایران در جهان پیدا خواهد کرد. کارتر هم مجبور خواهد شد دستور توقیف اموال ایران را لغو کند. اما آقای خمینی بدون اینکه دلیلی بیاورد، این پیشنهاد را نپذیرفت.

نامه [جیمی] کارتر به امام [خمینی]

با توقف سفر نمایندگان کارتر به ایران، کارتر در ۶ فروردین ۱۳۵۹ نامه‌ای خطاب به آقای خمینی می‌نویسد که توسط کاردار سفارت سوئیس به وزارت امور خارجه ایران، آقای صادق قطب‌زاده تحویل داده می‌شود. این نامه در شورای انقلاب خوانده می‌شود و سپس در ۱۳۵۹/۱/۱۰ در «روزنامه اطلاعات» چاپ می‌شود. کارتر در این نامه رسماً به اشتباهات آمریکا در روابطش با ایران پرداخته و آمادگی خود را برای «حل بحران فی‌مابین بر اساس ضوابط منصفانه و شرافتمندانه» اعلام می‌نماید. انتشار علنی این نامه موجب می‌شود که اصل ارسال نامه را تکذیب کنند. با تکذیب ارسال نامه، پاسخ به آن نیز بلاموضوع شد.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۰۷

همایش رسیدگی به جنایات شاه و دستور تشکیل دادگاه

به دنبال طرحی که دربارهٔ محاکمهٔ عملکرد دولت آمریکا در ایران به آقای خمینی داده بودم - که بعداً به صورت یک مصاحبه و مقالهٔ مفصل در روزنامهٔ کیهان چاپ شد - هنگامی که صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه وقت به همراه دکتر منصور فرهنگ، نمایندهٔ ایران در سازمان ملل متحد برای بحث پیرامون گروگان‌ها با آقای خمینی دیدار می‌کنند، ایشان به هر دو توصیه می‌کنند که مطلب مرا ببینند و عیناً همان‌طور عمل کنند. صادق قطب‌زاده و منصور فرهنگ بعد از این دیدار با من تماس گرفتند و من کل طرح را برای آنها توضیح دادم.

آقای خمینی در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۵ طی پیامی برای بنی‌صدر، رئیس جمهوری وقت، دستور دادند که برای رسیدگی به جرائم آمریکا در حملهٔ نظامی به ایران از گروه‌های مختلف کشورهای جهان دعوت شود تا به ابران بیایند و نتایج عملکرد آمریکا در ایران را بررسی کنند.

پیشنهاد من در واقع برگزاری دادگاهی از نوع دادگاه برتراند راسل و محاکمهٔ جانسون به خاطر مشارکت آمریکا در جنایت در جنگ ویتنام بود. آقای بنی‌صدر اقدام کرد و در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ چنین کنفرانسی در تهران برگزار شد.

پیام آقای خمینی به کنفرانس

«اکنون که نمایندگان بعضی از ملت‌ها و احزاب سیاسی برای رسیدگی به جرائم دولت آمریکا و وابستگان آن از آن جمله محمدرضای خائن و مخلوع، به ایران - این کشور غارت‌زدهٔ مظلوم - آمده‌اند با تشکر از زحمات آنان، باید تذکر دهم که ملت و دولت ایران قادر نیستند که جمیع اسناد جرایم پنجاه سالهٔ رژیم سابق و جرائم بیش از سی سال دولت آمریکا را به شما نمایندگان محترم عرضه دارند. ملت ما اکنون چشم به شما نمایندگان دوخته‌اند که برای رسیدگی به جرائم آمریکا و شاه مخلوع به ایران آمده‌اید و از شما امید عدل و انصاف دارد. ما امیدواریم که نتیجهٔ این بررسی محکوم نمودن ظالم باشد.»

۱۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای احمد سلامتیان که به سمت «دبیر کل کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران» منصوب شده بود، در یازدهم خرداد ۱۳۵۹ طی گفتگویی با «روزنامه کیهان»، اهداف این کنفرانس را چنین جمع بندی می‌کند:

«تصمیم بر این است که این کنفرانس هرچه ممکن است وسیع باشد؛ چون ما وحشتی نداریم از اینکه حرف حق خودمان را برای همگان بگوییم و کوشش خواهد شد که در این کنفرانس، نمایندگان نیروهای متحرک و پویایی که در جهان هستند و می‌توانند نسبت به مداخلات آمریکا در ایران و جنایاتی که آمریکا در ایران ظرف ۲۵ سال گذشته مرتکب شده، حساس باشند، ندای مردم ایران را به گوش مردم کشورهایشان برسانند». وی خلاصه کرد که: «اساس کار کنفرانس این است که ایران بتواند ادعای خود را علیه مداخلات ۲۵ سال گذشته آمریکا و جاسوسی‌هایش که در کشور ما کرده است و مداخله نظامی اخیرش به نحو احسن به اطلاع مردم دنیا برساند». وی در پایان سخنانش گفت: «هدف و منظور کنفرانس این است که خواست‌ها و انتظارات و مبارزات مردم ایران را به گوش همهٔ جهانیان برسانیم و نمایندگان مردم جهان را به کشورمان بیاوریم و همهٔ مردم ایران با آنها گفتگو کنند».

در مورد شرکت کنندگان در کنفرانس، دبیر کل کنفرانس گفت: «مقرر شده بود که در این کنفرانس کوشش شود هرچه وسیع‌تر نمایندگان دولت‌ها، سازمان‌ها، احزاب و گروه‌های مختلفی که بتوانند در کشورهای خودشان دارای نفوذی باشند و ماهیت مداخلات آمریکا را به مردم خود بشناسانند، به ایران دعوت شوند؛ بنابراین ضابطه، تا به حال از شورای اروپا، از دبیرخانهٔ کنفرانس اسلامی، از تعدادی کشورهای غیرمتعهد، از سندیکاها و احزاب مختلف کشورهای اروپایی و آفریقایی و کشورهای عرب دعوت شده است».

سلامتیان در مصاحبهٔ یازده خرداد گفت: یکصد نفر از نمایندگان احزاب و سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از پنجاه کشور جهان دعوت شده است. وی در مورد دعوت عده‌ای از شخصیت‌ها و نمایندگان سازمان‌های مختلف آمریکایی گفت: «از

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۰۹

آنجا که جویای ایجاد تفاهم و گفتگو بین خود ملت بپاخاسته ایران با کسانی که حق طلب و عدالت طلب در خود آمریکا باشند، ما تصمیم گرفته‌ایم از عده‌ای از شخصیت‌ها و نمایندگان سازمان‌های مختلف آمریکایی که نمی‌خواهند تن به سیاست جنگ‌طلبی و تجاوزجویی آمریکا بدهند، دعوت کرده‌ایم» (کیهان ۱۳۵۹/۲/۲۵).

برخلاف این اظهارات، هدف، محاکمه عملکرد سیاست خارجی آمریکا در ایران بود، نه انعکاس مبارزات ملت ایران و ایجاد یک جو تبلیغاتی برای انقلاب ایران؛ اما به هر حال شرکت نمایندگان آمریکا در کنفرانس در تهران جنجال‌برانگیز بود. در یک کنفرانس مطبوعاتی، صادق قطب‌زاده که بعد از استعفای بنی‌صدر از وزارت امور خارجه، جایگزین او شده بود، مورد سؤال قرار گرفت و خبرنگاری از او پرسید: آیا شرکت رمزی کلارک در این کنفرانس نمی‌تواند نشانگر نوعی توطئه آمریکا باشد؟

قطب‌زاده جواب داد: «آقای رمزی کلارک یکی از رهبران و بزرگ‌ترین مخالفان جنگ ویتنام بود و حیثیت مردمی وی در حقیقت از آن موقع به وجود آمد و از آن تاریخ هم وی به‌عنوان نماینده دولت آمریکایی به جایی نرفت. در جریان انقلاب ایران پیش از پیروزی انقلاب، وی هم به ایران آمد و هم به پاریس و در نوفل‌لوشاتو خدمت امام مشرف شد. رمزی کلارک از جمله کسانی بود که رسماً قبل از پیروزی انقلاب، پشتیبانی کامل خود را از انقلاب ایران و علیه جنایات شاه و دولت آمریکا در ایران اعلام داشت».

قرار بود که یک هیئت ایرانی نیز از طرف وزارت امور خارجه در کنفرانس شرکت کند. آقای صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه وقت در ۱۳۵۹/۳/۱۰ اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر کرد و از افرادی برای عضویت در هیئت نمایندگی ایران دعوت کرد: «همان‌طور که مطلع هستید بر حسب امر امام امت، کنگره‌ای از سازمان‌ها و شخصیت‌های غیردولتی مختلف و همچنین نهضت‌های آزادی‌بخش معتبر از تاریخ ۱۲ تا ۱۵ خرداد در تهران تشکیل می‌شود و چون وزارت امور خارجه به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس شرکت خواهد کرد، این‌طور به نظر رسید که هیئت نمایندگی ایران از شخصیت‌های با تجربه و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی

۱۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایران تشکیل گردد. بدین وسیله از جناب عالی دعوت می‌شود عضویت این هیئت را بپذیرید. در ذیل اسامی تمامی اعضای هیئت نمایندگی جهت اطلاع ذکر می‌گردد.

حضرت حجت‌الاسلام مهدوی کنی، شورای نگهبان؛ حضرت حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای، نماینده مجلس شورای اسلامی؛ حضرت حجت‌الاسلام حجتی کرمانی، نماینده مجلس شورای اسلامی؛ جناب آقای دکتر حسن حبیبی، نماینده مجلس شورای اسلامی؛ حضرت حجت‌الاسلام محمد منتظری، نماینده مجلس شورای اسلامی؛ جناب آقای احمد غضنفرپور، نماینده مجلس شورای اسلامی؛ جناب آقای دکتر یزدی، روزنامه کیهان؛ حجت‌الاسلام دعایی، روزنامه اطلاعات؛ جناب آقای حسین موسوی، روزنامه جمهوری اسلامی؛ جناب آقای جعفری، روزنامه انقلاب اسلامی.

همچنین یک نفر از قضات عالی‌رتبه به معرفی رئیس دیوان کشور و دادستان کل کشور در این هیئت شرکت خواهند داشت.

برادر شما - صادق قطب‌زاده

از اشخاص نام‌برده در این اطلاعیه، جز تنی چند، بقیه شرکت نکردند و اصولاً ابتکار عمل در کنفرانس در دست وزارت امور خارجه نبود، بلکه در دست دفتر رئیس جمهور و اعضای منتخب آن و دبیرکل کنفرانس بود. توجه به لیست سخنرانان ایرانی و برنامه‌های اجرا شده، این مطلب را به خوبی نشان می‌دهد.

کنفرانس کار خود را از دوازدهم خرداد شروع کرد. تعداد شرکت‌کنندگان ۲۹۹ نفر از ۵۴ کشور به شرح زیر بودند:

براساس گزارش خبرگزاری کیهان، تعداد نمایندگان غیر ایرانی شرکت‌کننده در جلسه دیروز ۲۹۹ نفر از ۵۴ کشور به شرح زیر بود: هلند، شوروی، یمن، کوبا، هند، پاکستان، سریلانکا، اردن، ترکیه، چکسلواکی، ویتنام، آلبانی، لبنان، فیلیپین، عراق، اتریش، آلمان غربی، آلمان شرقی، مصر، سوریه، الجزایر، آرژانتین، شیلی، برزیل، سوئیس، اسپانیا، ایتالیا، کانادا، یوگسلاوی، مالزی، هنگ کنگ، ژاپن، پولیساریو، بحرین، عمان، عربستان سعودی، فلسطین، یونان، ونزوئلا، بلغارستان، قبرس، بلژیک، لیبی، اریتره، سوئد، تایلند، دانمارک، فرانسه، مکزیک، گرانادا، انگلستان، مجارستان، لهستان و ایالات متحده آمریکا.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۱۱

جلسه با قرائت آیاتی از کلام الله مجید افتتاح شد و سپس با پیام امام خمینی کار خود را آغاز کرد. متن این پیام در صحیفه نور آمده است. پس از قرائت پیام رهبر انقلاب، بنی‌صدر به‌عنوان رئیس جمهوری صحبت کرد. ریاست جلسه کنفرانس را صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه بر عهده داشت. قبل از شروع رسمی کار کنفرانس، اعضای هیئت‌رئیس به شرح زیر تعیین شدند:

از اروپا: آقای دیژیّه از یوگسلاوی، از آسیا: آقای پرا از سریلانکا، از آفریقا: آقای شریعت از الجزایر، از خاورمیانه: آقای صدر از عراق، از آمریکای لاتین: آقای لوکانو پرزا از کوبا.

در شروع کنفرانس از شخصیت‌ها و وکلای مجلس آقایان زیر، حضورشان گزارش شده بود: مهندس مهدی بازرگان، محمدعلی رجایی، علی‌اکبر معین‌فر، آیت‌الله لاهوتی، دکتر ناصر میناچی، داریوش فروهر، حاجتی کرمانی، سید محمود دعایی، سید حسین خمینی، صادق طباطبایی، آیت‌الله خسروشاهی، دکتر ابراهیم یزدی و البته تعداد وکلای مجلس بیش از اینها بود. بعد از انتخاب هیئت‌رئیس، گروهی از ایرانی‌ها به گزارش جزئیات ۲۷ سال جنایات آمریکا در ایران پرداختند.

اولین سخنران در این مورد **سعید سنجابی** بود که تحولات سیاسی ایران را از زمان کودتای رضاخان بررسی کرد و سپس وقوع جنگ جهانی دوم و آغاز مداخلات آمریکا در ایران را بحث کرد که این مداخلات در ۱۳۳۲ به اوج خود رسید و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت ملی و قانونی دکتر مصدق را سرنگون ساخت و شاه را که بر اثر بالا گرفتن موج انقلاب مردم، مجبور به فرار شده بود، بر سر قدرت آورد. در این تحلیل، سنجابی اسناد و مدارکی از مقامات آمریکایی و انگلیسی که حاکی از شرکت فعال آنها در کودتا بود ارائه داد.

سخنران دوم، آقای **دکتر علی شمس اردکانی**، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت بود که جنبه‌های مختلف دخالت آمریکا در ایران را برشمرد و مغایرت آنها را با منشور سازمان ملل و مصوبات دادگاه نورنبرگ و کنوانسیون وین ذکر کرد و به کاپیتولاسیون اشاره کرد و اظهار داشت که ایالات متحده تحت پوشش دیپلماتیک،

۱۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

کارشناسان نظامی به ایران فرستاد و حتی افراد آمریکایی که به استخدام دولت ایران درمی آمدند از مصونیت دیپلماتیک برخوردار بودند.

سخنران سوم، **سید حسن نواب صفوی**، سردبیر *روزنامه انقلاب اسلامی* بود که تاریخچه و اهداف تأسیسات ساواک و اقدامات سرکوبگرانه این سازمان و ارتباط آن را با آمریکا و اسرائیل نشان داد. وی گفت: «اسناد و مدارک و شواهدی در دست داریم که نشان می دهد ساواک یکی از مخوفترین سازمانهای اطلاعاتی و عامل کشتار و شکنجه و اعمال سانسور و اختناق در ایران بود که کلاً و جزئاً زیر نظر آمریکا و با دخالت مستقیم کارشناسان این کشور اداره می شد». سخنران همچنین به دوره های آموزشی مأموران ساواک اشاره کرد که فنون شکنجه و آدم کشی را در آمریکا و اسرائیل و زیر نظر مربیان این دو کشور فراگرفته و بعد به ایران بازگشته اند.

چهارمین سخنران، **حسن پیرحسینی**، سیاست تسلیحاتی رژیم شاه مخلوع و سوابق انعقاد قراردادهای فروش اسلحه و همکاری های نظامی و اعزام مستشاران آمریکایی به ایران را مورد بررسی قرار داد و گفت: «دولت آمریکا با فرستادن مستشاران نظامی به ایران که تعداد آنها به ده ها هزار نفر می رسید، رهبری نیروهای مسلح ایران را به دست گرفت و برای حفظ منافع امپریالیستی خود آن را برای سرکوبی مردم به پاخواسته و آزادی خواه ظفار به سلطان نشین عمان اعزام کرد».

پنجمین سخنران، **ولید لاریجانی**، سیاست استعماری آمریکا را در مورد نفت ایران تشریح کرد و گفت: «تولید نفت ایران در سال های گذشته که حتی به متجاوز از پنج میلیون بشکه در روز رسیده بود، فوق العاده بیش از ظرفیت اقتصادی ایران بود».

ششمین سخنران، **کاظم رجوی (برادر مسعود رجوی)** بود که سیاست اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی آمریکا در ایران در سال ۱۹۵۳ (کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) را بررسی کرد. وی در سخنان خود خاطرنشان ساخت که بر اثر اقدامات اقتصادی رژیم شاه، نسبت جمعیت شهر به روستا از ۲۰ به ۸۰ تغییر فاحش کرده و در سال ۱۹۷۸ به نسبت ۷۰ به ۳۰ رسید. به طوری که روستاییان ما با ترک دهات به شهرها هجوم آوردند و در حاشیه شهرها به صورت کارگر ارزان متمرکز شدند.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۱۳

هفتمین سخنران، دکتر منصور فرهنگ، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، روابط نزدیک زمامداران آمریکا با رژیم شاه را در طی ۲۵ سال گذشته بررسی کرد و با مدارک و اسناد نشان داد که چگونه زمامداران آمریکا با داشتن روابط نزدیک و دوستانه با رژیم شاه توانسته بودند حق حاکمیت ملت ایران را از آنان سلب و سلطه خود را بر آنان تحمیل نمایند. وی گفت: «آن طوری که تبلیغات غرب گفته است وظیفه شاه، مدرنیزه کردن کشور بود. آری، اما مدرنیزه کردن استعمار و مدرنیزه کردن استثمار».

علاوه بر سخنرانی‌های فوق‌الذکر و بعد از پایان آنها، یک سلسله اسلایدهایی از جریان حمله نظامی آمریکا به طبرس همراه با ارائه اسناد و مدارک که از هلیکوپترهای آمریکایی به دست آمده بود، ارائه داده شد. این اسناد و مدارک نشان می‌داد که چگونه آمریکایی‌ها در نظر داشتند به تهران بیایند و با حمله نظامی ضربتی، گروگان‌ها را آزاد سازند.

پس از این، هر یک از نمایندگان هیئت‌های خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس، طی سخنرانی‌هایی مواضع خود را در مورد سیاست خارجی آمریکا و گروگان‌گیری و حمله نظامی آمریکا از طبرس بیان داشتند. برخی از این هیئت‌ها که فرصت بیان مواضع خود را در کنفرانس پیدا نکرده بودند، در کنفرانس‌های مطبوعاتی، آنها را توضیح دادند.

سخنران سخنگوی هیئت نمایندگی آمریکا: رمزی کلارک، پیروزی انقلاب ایران را معجزه قرن خواند. وی در سخنان خود ابتدا از امام و رئیس جمهور به‌خاطر تشکیل چنین کنفرانسی تشکر کرد. وی همچنین از مردم ایران به‌خاطر روش صریح و آزادمنشانه‌ای که در برابر افراد آمریکایی، در این کنفرانس نشان داده‌اند، سپاسگزاری نمود. وی گفت: «این امر نشان می‌دهد که مردم ایران به خوبی تفاوت میان ملت‌ها و دولت‌ها را درک می‌کنند. در این گونه کنفرانس‌ها امکان گفتگوی فرد با فرد هست و اثر عمده این‌گونه تماس‌ها آن است که افرادی که با یکدیگر گفتگو می‌کنند، می‌توانند یکدیگر را دوست بدارند. من به‌عنوان یک وکیل در بسیاری از ایالات و شهرهای آمریکا، از دانشجویان و مردم ایران دفاع کرده‌ام و این امر برای من اهمیت بسیاری داشته است».

وی در مورد انقلاب ایران گفت: «جمعیت‌های میلیونی مردم با شعار واحد و ایمان واحد در خیابان‌ها به راه افتادند و سینه خود را در برابر گلوله‌های مسلسل سپر کردند تا رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون ساختند». کلارک، پیروزی انقلاب اسلامی ایران را «معجزه قرن» خواند و افزود: «روزی که شاه رفت من با مردم ایران در خیابان‌های تهران این موفقیت را جشن گرفتم. هنگامی که من در فرانسه به دیدار امام خمینی رفتم، ایشان از من سؤالی کردند که هرگز فراموش نمی‌کنم. ایشان پرسیدند: اگر آن‌گونه که به ما می‌گویید مردم ایالات متحده آزادند، چرا به دولت آمریکا اجازه می‌دهند که با ایران اینچنین مبارزه کند». رمزی کلارک، این سؤال امام خمینی را یک سؤال تاریخی خواند و سپس با برشمردن جنایات شاه و ساواک و [سازمان] سیا و محکوم کردن دولت آمریکا به خاطر حمایت از رژیم دیکتاتوری شاه، موارد مداخلات آمریکا را در کشورهای دیگر جهان از جمله نیکاراگوئه، ویتنام، شیلی، کوبا و فیلیپین بیان نمود و گفت: «اقدامات آمریکا در این ممالک با اصول قانون اساسی آمریکا که موافق دموکراسی و بر علیه دیکتاتوری است، کاملاً مغایر است. آمریکا باید بداند که این سیاست مداخله و تهاجم نمی‌تواند موفق باشد و ایران این نکته را به خوبی نشان داده است. بررسی مداخلات انگلستان در ایران در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ و موضوع افغانستان نشان می‌دهد که سیاست مبتنی بر مداخله و تهاجم منحصر به ایالات متحده نیست». وی همچنین به مسابقه تسلیحاتی در جهان و بودجه عظیم آمریکا برای تدارک تسلیحاتی اشاره کرده و خواستار پایان یافتن مسابقه تسلیحاتی شد. وی به نقش شرکت‌های چندملیتی اشاره کرد و گفت: «نباید نقش شرکت‌های چندملیتی را در امپریالیسم و امپریالیسم نو در جهان نادیده گرفت. بودجه این شرکت‌ها از بودجه بسیاری از ممالک جهان بیشتر است».

وی درباره محاکمه شاه گفت: «اگر در جهان یک دادگاه واقعی وجود داشت، شاه مخلوع نمی‌توانست هم‌اکنون زندگی راحت و آسوده‌ای را بگذراند و مرتب مصاحبه کند. ما به خاطر نسل‌های آینده باید سعی کنیم یک دادگاه بین‌المللی که در آن عدالت به معنای واقعی آن رعایت گردد، ایجاد کنیم». در پایان سخنانش کلارک درباره گروگان‌ها صحبت کرد و گفت: «من با هدف مذاکره درباره گروگان‌ها به ایران

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۱۵

نیامده‌ام، اما نمی‌توانم آن را نادیده بگیرم». وی پس از اشاره به پیامدهای این ماجرا و تجهیز نیروهای ابرقدرت‌ها در خلیج فارس و به خطر افتادن صلح منطقه، گفت: «با در نظر گرفتن تمامی مداخلات، آزادی فوری گروگان‌ها ضروری است».

پس از پایان سخنان وی دکتر محمود، مدیرکل مرکز بین‌المللی علوم قضایی مصر از کلارک سؤال کرد: شما که خود نیز جزئی از سیستم حکومتی آمریکا هستید، شما خواستار آزادی گروگان‌ها شدید. چه تضمینی برای ایران در قبال این اقدام وجود دارد. کلارک جواب داد: «به نظر من اقدام‌ها نباید بر اساس تضمین باشد، بلکه باید بر اساس قدرت خود ما باشد. تمام کسانی که به ایران علاقه‌مند هستند، امیدوارند که این انقلاب به پیروزی کامل برسد و راه خود را ادامه دهد و به نظر من حقیقت قدرت می‌آورد».

خانم هلبا هرناوندز، دبیرکل سازمان همبستگی ملت‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین در روز دوم کنفرانس از کشور کوبا صحبت کرد. وی در سخنان خود گفت: «آمریکا به کمک اروپا و ژاپن، ایران را تحریم اقتصادی کرده است تا شاید از این طریق مداخلات و تجاوزات خود در ایران را توجیه کند. امپریالیسم آمریکا باید درخواست ایران برای بازگرداندن ثروت‌هایی که شاه مخلوع از ایران به غارت برده است، پاسخ دهد و به جنایاتی که علیه ایران مرتکب شده است، اعتراف کند». وی در پایان سخنان خود گفت: «این سازمان از خواسته‌های به‌حق دولت و ملت ایران حمایت می‌کند».

بعد از خانم هرناوندز، آقای محمدعلی محمود، نماینده مرکز بین‌المللی قضایی حقوقی مصر سخن گفت. وی ضمن حمایت از انقلاب ایران و فلسطین و محکوم کردن امپریالیسم آمریکا درباره رأی اخیر دیوان داوری لاهه درباره اختلافات ایران و آمریکا گفت: «من کار دادگاه را به‌طور دقیق دنبال کردم. مطالبی در رأی دادگاه وجود دارد که به هیچ‌وجه با حقوق بین‌المللی منطبق نیست». وی پیشنهاد کرد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اقدامات سازمان سیای آمریکا را در کشورهای دیگر به‌عنوان کشتار جمعی محکوم کند.

۱۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپس آقای پیروباسو، نماینده اتحادیه حقوق مردم ایتالیا، طی سخنانی گفت: «سقوط شاه از اهمیت تاریخی برخوردار است. به دنبال سقوط رژیم سابق، ایران موفق شد کنترل ثروت‌های خود را به دست گیرد. اگر پارلمان ایران در تصمیم راجع به گروگان‌ها افکار عمومی جهان را به حساب آورد، موانع و مشکلاتی که هم‌اکنون علیه ایران در خارج به وجود آمده است، از میان خواهد رفت». وی تأکید کرد که این کنفرانس، محل اتحاد نیروهای پیشرو و انقلابی جهان است.

آقای ژوانه، از فرانسه و عضو اتحادیه حقوق مردم در سخنان خود گفت: «ما باید از مبارزات ضد امپریالیستی در تمام نقاط جهان پشتیبانی کنیم. به همین دلیل ما از ایران در مبارزه‌اش علیه امپریالیسم حمایت می‌کنیم. با توجه به اصلی که انقلاب ایران بر آن استوار است، این انقلاب می‌تواند سرآغاز انقلاب‌های مردمی در سراسر جهان باشد».

آقای وارن ری، از هند، نماینده کنفرانس همبستگی آسیا و آفریقا گفت: «جنایات و مداخلات آمریکا در ایران تاریخ طولانی دارد. از زمان کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا پیروزی انقلاب مردم ایران در مقابل تسلط استعمارگرانه آمریکا به مقاومت پرداختند، ولی همواره توسط ساواک سرکوب شدند. ساواک تنها یک سازمان سرکوبگر داخلی نبود، بلکه حوزه عملیات آن در سراسر منطقه بود. مبارزات مردم ایران جنبه دفاعی دارد و مردم ایران می‌خواهند کشور خود را از سلطه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آمریکا محفوظ نگه دارند».

از یوگسلاوی چهار نفر در این کنفرانس شرکت کرده بودند. رئیس هیئت نمایندگی، **آقای توفالوسکی ایلیا** در صحبت خود گفت: «ما با شرکت در این کنفرانس، می‌خواهیم همبستگی خود را با انقلاب اسلامی ایران اعلام کنیم و در حل مشکلات رویاروی ایران به مردم ایران کمک نماییم. ما از کشوری می‌آییم که رهبر بزرگمان [مارشال] تیتو به تازگی درگذشته است. وی که از انقلاب ایران کاملاً حمایت می‌کرد، معتقد است که ایران جدید می‌تواند در صحنه بین‌المللی نقش بسیار مهمی ایفا کند. کشور یوگسلاوی از اینکه ایران عدم تعهد را برگزیده، خشنود است و مطمئن است که ایران در این نهضت نقش فعالی را برعهده خواهد گرفت».

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۱۷

از لبنان بزرگ‌ترین تعداد در این کنفرانس شرکت کرده بود. از این کشور ۷۵ نفر به‌عنوان نماینده از طرف گروه‌ها و سازمان‌ها و احزاب مختلف شرکت کرده بودند. **نماینده مفتی لبنان** که به فارسی هم صحبت می‌کرد، در مصاحبه‌ای گفت: «امیدوارم در این کنفرانس، استعمار، مخصوصاً استعمار آمریکا محکوم شود تا با این هدف جهان مستضعف اسلامی و غیر اسلامی از چنگ استعمارگران خلاصی یابند. امیدوارم خود آمریکایی‌ها هم به احوال خویش اعتنا پیدا کنند تا از وضع موجود آزاد شوند». سفر نمایندگان آمریکا به کنفرانس با اشکالاتی از جانب دولت آمریکا روبه‌رو شد. وزارت دادگستری آمریکا طی اخطاریه‌ای به اعضای هیئت آمریکایی اطلاع داد که در صورت حرکت به ایران به ده سال زندان و پرداخت پنجاه هزار دلار جریمه محکوم خواهند شد.

در این مورد رویترز از واشنگتن گزارش داد که: «وزارت خارجه آمریکا امروز به شدت به کنفرانس بررسی جنایات آمریکا حمله کرد که در آن رمزی کلارک، وزیر دادگستری سابق آمریکا و دو تن دیگر از زمره شرکت‌کنندگان هستند. این گروه دستور کارتر مبنی بر تحریم سفر آمریکاییان به ایران را نادیده گرفته‌اند. وزارت دادگستری آمریکا تهدید کرده است که هر آمریکایی که دستور ۱۷ ماه می کارتر را نادیده گرفته و به ایران سفر کند، به ده سال زندان و پرداخت پنجاه هزار دلار جریمه محکوم خواهد شد». اعضای گروه آمریکایی شرکت‌کننده در این کنفرانس عبارت بودند از:

۱- رمزی کلارک، وزیر سابق دادگستری آمریکا، ۲- جورج والد، برنده جایزه نوبل در علم، ۳- می اندرسن، نماینده کمیته خدمت به دوستان آمریکا، ۴- کی کمپ، رئیس کمیته بین‌المللی آزادی و حقوق زنان، ۵- جان والش، کشیش روحانی دانشگاه پرینستون، ۶- چارلز کمپبال، کشیش و دانشجوی دوره مافوق دکترای مطالعات اسلامی در دانشگاه هاروارد، ۷- پل واشنگتن، کشیش کلیسای اسقفی، ۸- لئوناردو نیکلاس، وکیل حقوقی، ۹- لیناکس هیند، پروفیسور حقوق در دانشگاه روتگرز، ۱۰- جان دریس، خبرنگار مستقل.

نماینده «روزنامه روسه سو»، عضو هیئت نمایندگی مکزیک در مصاحبه با کیهان (۱۳۵۹/۳/۱۳) گفت: «این انقلاب دارای دو ویژگی مهم است: نخست آنکه انقلاب

۱۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایران نشان داد که حتی یک کشور نفتی می‌تواند از دست آمریکا خلاص شود. دوم آنکه انقلاب ایران ثابت کرد که می‌توان حتی در همسایگی شوروی انقلابی کرد که مارکسیستی و لنینی نباشد».

سخنگوی هیئت مکزیک که در آن نماینده نهضت جهانی صلح و رئیس فدراسیون مطبوعات آمریکای لاتین شرکت دارند، گفت: این کنفرانس محلی برای طرح شکایات از ظلم و ستم‌هایی است که از امپریالیسم بر ما وارد شده است. وی گفت که امپریالیسم آمریکا از سال ۱۸۱۰ به مکزیک مسلط شد و متجاوز از نیمی از خاک مکزیک را دزدید و پس از آن همواره به مداخلات نظامی، اقتصادی، فرهنگی و تمام انواع مداخلات خود در این کشور ادامه داده است. وی ضمن اشاره به مذهبی بودن انقلاب اسلامی ایران گفت: دولت مکزیک از انقلاب ایران می‌ترسد؛ زیرا مشاهده می‌کند که انگیزه مذهبی می‌تواند موتور انقلاب باشد. سخنگوی هیئت مکزیک افزود: شما در ایران اسلام دارید، ما در کشورمان مسیحیت، که با توسل به هر دو می‌توان انقلاب کرد. وی متذکر شد که در انقلاب نیکاراگوئه، نقش مذهب بسیار مشخص بوده است و می‌توان گفت که انقلاب نیکاراگوئه نیز انقلابی با ایمان مذهبی بوده است. وی در مورد نتیجه این کنفرانس گفت: شاید این گردهمایی در کوتاه‌مدت اثر چندانی نداشته باشد، اما در بلندمدت افکار عمومی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و رفته‌رفته امپریالیسم را به جهانیان خواهد شناساند.

از کشور سوئد نیز دو نفر در کنفرانس شرکت کرده‌اند: یکی نماینده پارلمان این کشور از حزب کمونیست و دیگری، نماینده حزب سوسیال دموکرات است. نماینده حزب کمونیست سوئد گفت: این کنفرانس در نوع خود بی‌سابقه است. وی افزود: «جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران نمونه‌ای از عملیات امپریالیسم در سراسر جهان است و این کنفرانس فرصت به دست می‌دهد که تاحدودی از روی این جنایات پرده برداشته شود. وی گفت: من در بازگشت به کشورم حتماً در بحث‌های خارجی پارلمان راجع به ایران و انقلاب ایران سخن خواهم گفت و سعی خواهم کرد از طریق گفتگو با خبرنگاران، حقایق ایران را برای مردم کشورم بازگو کنم».

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۱۹

دولت آمریکا به حق از موفقیت کنفرانس رسیدگی به جنایات آمریکا ترس و وحشت داشت و ترس و وحشت خود را به صور مختلف بیان داشت و نشان داد. اعضای شرکت کننده در کنفرانس، در پایان کار خود به دیدار امام رفتند. امام در سخنان خود ترس و وحشت آمریکا را از یک رسیدگی واقعی بیان داشته و در پایان همین سخنان وی گفت که: «هدف و منظور کنفرانس این است که خواست‌ها و انتظارات و مبارزات مردم ایران را به گوش همه جهانیان برسانیم و نمایندگان مردم جهان را به کشورمان بیاوریم و همه مردم ایران با آنها گفتگو کنند».

کنفرانس رسیدگی به جنایات آمریکا در ایران بالاخره در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۲ به پایان رسید. این کنفرانس نه تنها به دادگاهی برای رسیدگی به جنایات آمریکا تبدیل نشد، بلکه به یک نشست و برخاست و تعارفات سیاسی نه چندان مؤثر کاهش پیدا کرد. در طرح محاکمه عملکرد دولت آمریکا در ایران، هدف اصلی این بود که این کنفرانس مقدمه‌ای برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی، نظیر دادگاه رسیدگی به جنایات آمریکا در ویتنام بشود، ولی متأسفانه نشد.

به این ترتیب، کنفرانس بیشتر جنبه تبلیغاتی به خود گرفت و نه یک کار جدی در جهت محاکمه عملکرد سیاست خارجی آمریکا و مطالبه حقوق حقه مردم ایران و جبران ضررها و زیان‌ها. نشستند و گفتند و برخاستند.

احضار مهندس امیرانتظام به ایران و بازداشت او

پس از آنکه ابوالحسن بنی‌صدر از وزارت خارجه استعفا داد، آقای صادق قطب‌زاده، به وزارت امور خارجه منصوب شد. در زمانی که قطب‌زاده وزیر بود، وزارت امور خارجه، مهندس عباس امیرانتظام را - که سفیر ایران در کشورهای اسکانندیناوی بود - به ایران احضار کرد و او توسط دانشجویان خط امام بازداشت شد. روشن نشد که خود وزیر امور خارجه (صادق قطب‌زاده) آقای امیرانتظام را احضار کرده یا دکتر کمال خرازی، معاون سیاسی وی. سپس دادگاهی به ریاست آیت‌الله محمد محمدی گیلانی برای محاکمه امیرانتظام به اتهامات نه تنها واهی، بلکه مسخره تشکیل شد. یکی از این

۱۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

اتهامات، برای نمونه این بود که سولیوان، سفیر آمریکا در ایران در نامه‌ای به امیرانتظام به‌عنوان معاون مهندس بازرگان، او را «امیرانتظام عزیز» خطاب کرده بود.

انتشار گزینشی اسناد سفارت از سوی دانشجویان

دانشجویان اشغال‌کننده با دستیابی به پرونده‌های سفارت و مطالعه گزارش‌ها و تحلیل‌های اعضای سیاسی سفارت، از تحولات سیاسی و از شخصیت‌ها و احزاب ایران، داوری آمریکایی از این احزاب و اشخاص را حجت دانستند و در راستای تقابل سیاسی با این احزاب و گروه‌ها دست به انتشار آن اسناد زدند.

دانشجویان و احزاب هوادار آنها به دفعات گفته بودند که یکی از اهداف اصلی اشغال سفارت آمریکا، ساقط کردن دولت موقت و به تعبیر برخی از آنها رسوا کردن «لیبرال‌های سازشکار» بوده است. در راستای این هدف، دانشجویان به انتشار گزینشی این اسناد علیه دولت موقت، مهندس بازرگان و نهضت آزادی ایران دست زدند. یکی از این هیاهوها بر سر دیدار و مذاکره با مقامات سفارت آمریکا قبل از پیروزی انقلاب بود. درحالی‌که این دیدارها تصمیم شورای انقلاب بوده است.

قبل از پیروزی انقلاب، رهبران انقلاب از سه طریق با نمایندگان دولت آمریکا گفتگو داشته‌اند: اول دیدارهای آقایان مهندس بازرگان، آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر سبحانی؛ دوم دیدارهای دکتر بهشتی با سولیوان بدون اطلاع اعضای شورای انقلاب و سوم در نوفل لو شاتو. متن کامل دیدارها و مبادله پیام‌ها در پاریس را در جلد سوم خاطراتم، ۱۱۸ روز در نوفل لو شاتو آورده‌ام. هنگامی که دانشجویان متن برخی از گفتگوها در تهران را به‌طور گزینشی علیه مهندس بازرگان منتشر کردند، این پرسش مطرح شد که متن گفتگوهای دکتر بهشتی با سولیوان کجاست؟ این پرسش بدون پاسخ ماند. سال‌ها بعد، زمانی که به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیر کبیر در اردوی تابستانی انجمن و مناظره با آقای عبدی شرکت کردم، همین مسئله را از ایشان پرسیدم. ایشان جواب دادند که بله اسناد مذاکرات دکتر بهشتی با سولیوان بود. ما آنها را نزد امام بردیم و در مورد انتشار آنها امام گفتند دکتر بهشتی عضو شورای انقلاب است و فعلاً آنها را منتشر نکنید. صرف‌نظر از ابهام و ابهام در این پاسخ، خودداری از

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۲۱

انتشار متن مذاکرات، قابل توجه نبود. سال‌ها بعد (۱۳۹۳) به مناسبتی متن این مذاکرات منتشر شد.

در مصاحبه‌ای با «روزنامه آفتاب امروز» در ۱۳۷۸/۸/۱۱ از انتشار گزینشی این اسناد پرسیده شد که پاسخ دادم:

«سؤال ۴: گفته می‌شود دانشجویان اسناد به‌دست آمده در سفارت آمریکا را به‌صورت گزینشی منتشر کرده‌اند؛ به‌طوری که سندهای مربوط به برخی از روحانیون هرگز انتشار نیافت. آیا ممکن است روحانیون اصلاً در سفارت آمریکا سندی نداشته باشند؟»

دکتر یزدی: در بسیاری از مدارک و منابع منتشرشده در آمریکا (نظیر خاطرات سولیوان، استمیل، گری‌سیک، برژینسکی و ...) علاوه بر تماس و گفتگو میان مسئولین سفارت آمریکا در تهران با نمایندگان شورای انقلاب (آقایان مهندس بازرگان و آیت‌الله موسوی اردبیلی)، از آقای دکتر بهشتی نیز نام برده شده است که مستقل و جدا از نمایندگان شورای انقلاب با سولیوان و سایر مقامات مسئول سفارت ارتباط و گفتگو داشته است، اما در اسناد منتشر شده توسط دانشجویان هیچ‌گونه سندی در این رابطه دیده نمی‌شود. یا باید فرض را بر این قرار داد که آمریکایی‌ها، بعد از اشغال بار اول سفارت در بهمن ۱۳۵۷، اسناد اصلی را برده بودند و برخی از اسناد را به‌طور گزینشی بر جای گذاشته بودند، یا اینکه خود دانشجویان در انتشار آنها گزینشی عمل کرده‌اند.

دانشجویان نه تنها اسناد مربوط به تماس و ارتباط سفارت آمریکا با روحانیان برجسته و فعال داخل ایران را منتشر نکرده‌اند، بلکه اسناد موجود در مورد سایر اشخاص را هم گزینشی منتشر کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، کلیه اسناد موجود درباره خود مرا آنها منتشر نکردند و هنگامی که من طی نامه‌ای از آقای موسوی خویینی درخواست نمودم که همه اسناد مربوط به مرا منتشر سازند، امتناع ورزیدند. بعداً از آنها نقل شد که گفته بودند اگر همه اسناد را منتشر سازیم به نفع آنهاست.

۱۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

برای اینکه دانشجویان و حامیان آنها، نتوانند از این اسناد به طور دلخواه در تقابل‌های سیاسی استفاده کنند، ما پیشنهاد دادیم که کلیه این اسناد را در اختیار دادستان کل کشور (یا یک مقام قضایی) قرار بدهند، اما با این درخواست نیز موافقت نشد (متن کامل این مصاحبه در: «مجموعه آثار، جلد پنجم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۷۸» آمده است).

در همین مصاحبه، پیامدهای انتشار گزینشی این اسناد، از جمله بازداشت و محاکمه مهندس امیرانتظام مطرح شد:

«سؤال ۵: به دلیل اسنادی که دانشجویان در سفارت آمریکا افشا کرده‌اند، بسیاری از افرادی که نامشان در این اسناد آمده بود، با دردسرهای متفاوتی مواجه شدند. مهم‌ترین آنها عباس امیرانتظام است که به همین دلیل، هیجده سال را در زندان به سر برد؛ در حالی که مدعی است بی‌گناه است. با توجه به اینکه محاکمه امیرانتظام نیز با استانداردهای حقوق بشر تطابق نداشته و وی از محاکمه در دادگاه علنی و با حضور هیئت منصفه محروم بوده است، چقدر محاکمه وی را عادلانه می‌دانید؟»

دکتر یزدی: در مورد محاکمه و محکومیت ظالمانه آقای امیرانتظام، بحث بسیار است و نیاز به یک بررسی وسیع‌تری دارد که از حوصله این مصاحبه کوتاه خارج است، اما من از این فرصت استفاده کرده و به سه نکته اشاره می‌کنم:

نکته اول اینکه آقای مهندس بازرگان و برخی دیگر از اعضای دولت موقت در دادگاه او به‌عنوان شاهد حاضر شدیم و به نفع او گواهی دادیم. آقای مهندس بازرگان، با همان صداقت و صراحت شناخته‌شده خودشان گفتند: تمام این اتهاماتی که در این دادگاه به امیرانتظام زده‌اید، مسئول من هستم و اگر کسی باید جواب بدهد یا محاکمه شود، منم که نخست‌وزیر بودم، نه امیر انتظام. اما دادگاه کمترین توجهی به شهادت گواهان ننمود؛ زیرا آنها به محکوم کردن وی مصمم بودند.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۲۳

نکته دوم این است که آقای میرلوحی، دادستان یا بازپرس پرونده امیرانتظام بود. ایشان حدود دو سال قبل از درگذشت مهندس بازرگان به دیدن ایشان می‌رود و ناراحتی وجدان خود را ابراز و اعتراف می‌کند که امیرانتظام به ناحق محکوم شده است و او خود را در این ظلم شریک جرم و گناهکار می‌داند و برای جبران آن، تمامی سعی خود را به کار برده بود که او از زندان آزاد شود.

نکته سوم اینکه در همان زمان اوایل سال ۱۳۷۱، آقای [شیخ محمد] یزدی، رئیس قوه قضاییه وقت، از آقای مهندس بازرگان و این‌جانب دعوت نمود که دیداری با ایشان داشته باشیم. این ملاقات در محل کار آقای یزدی صورت گرفت. آقای یزدی اظهار داشتند که می‌خواهند امیرانتظام را آزاد کنند، اما او حاضر به درخواست عفو نیست. بعد از بحث و توضیحات، آقای یزدی از آقای مهندس بازرگان خواست که ایشان درخواستی برای عفو آقای مهندس امیرانتظام بنویسد. مهندس بازرگان به دلیل غیرموجه بودن چنین درخواستی آن را رد کردند و قرار شد که به علت بیماری آقای امیرانتظام ایشان را برای معالجه در بیمارستان بستری سازند تا فرصتی هم باشد که آقای مهندس بازرگان و بنده با ایشان صحبت کنیم و هم بعد از عمل جراحی به ایشان استراحت در منزل بدهند. آقای یزدی موافقت کرد، اما مقامات امنیتی، حتی در بیمارستان هم اجازه صحبت با امیرانتظام را جز حال و احوال بیمار به ما ندادند و نه تنها اجازه استراحت بعد از عمل در منزل را به او ندادند، بلکه او را با زنجیر به تخت بیمارستان بستند و درمان را ناتمام و او را به زندان منتقل ساختند.

آقای مهندس امیرانتظام یک درخواست موجه و منصفانه قانونی دارد و اینکه من جرمی مرتکب نشده‌ام که از کسی تقاضای عفو کنم این شما هستید که باید از ظلمی که به من کردید عذر بخواهید. تنها درخواست من این است که محاکمه مرا تجدید کنید، مرا تبرئه و سپس آزاد سازید».

دفاع و اعتراض مهندس بازرگان در برابر حملات و اتهامات

انتشار گفتگوهای شورای انقلاب در روزنامه‌ها و در صدا و سیما جمهوری اسلامی همراه بود با حملات و اتهامات بی‌اساس علیه شخص مهندس بازرگان و نهضت

۱۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آزادی. این رفتار، خلاف اولین و ابتدایی‌ترین موازین اخلاق اسلامی با اعتراض‌های شدید تند یا آرام روبه‌رو شد. فشار این اعتراض‌ها موجب شد که درخواست بازرگان برای پاسخگویی و دفاع، از صدا و سیما قبول شود، ولی هیچ‌گاه چنین فرصتی به ایشان داده نشد، از این رو مهندس بازرگان در واکنش به دستگیری و اتهام مهندس امیرانتظام و نیروهای ملی - مذهبی به داشتن رابطه پنهانی با بیگانگان، مقاله‌ای نوشت و طی آن ضرورت، چگونگی و تاریخچه ارتباط مبارزان سیاسی از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ را بیان کرد و برخی از ارتباط‌ها را ضروری و زمینه‌ساز انقلاب دانست. متن کامل مقاله مهندس بازرگان بدین شرح است:

«انقلاب و ارتباط‌های سیاسی

و إما تخافن من قوم خیانه فانبذ الیهم علی سواء ان الله لایحب الخائنین.^۱
چندی قبل توضیحات و تفسیرهای ناروایی در مورد نهضت آزادی ایران از طریق رسانه‌های گروهی پخش گردید که موجب تحریک احساسات و مشوب شدن اذهان شده، اتهام‌های مغرضانه و استنتاج‌های شتاب‌زده‌ای را برانگیخت.
اعضای نهضت آزادی که از پایه‌گذاران نهضت اسلامی ایران بوده و خالص‌ترین و رادیکال‌ترین حرکت‌های ایدئولوژیک، سیاسی را علیه استبداد پهلوی و استیلای خارجی به‌وجود آورده بودند، علی‌رغم سوابق روشن خود در بستر مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری، برای حفظ وحدت ملت در برابر تهمت‌های وارده لب به شکوه نگشوده و پیام [امام] علی را به جان خریدند که در بحبوحه هیجانات ناشی از قتل عثمان و انقلاب حادث شده و قضاوت‌ها و درخواست‌های عجولانه چنین فرمودند: «اصبروا حتی یهدأ الناس و تقع القلوب مواقعها».^۲

۱. سوره انفال، آیه ۵۸: و اگر نگران خیانت قومی بودی، مأمورانی را مقابله به مثل به نزدشان بفرست و بدان که خداوند خیانتکاران را دوست ندارد.

۲. صبر و تحمل کنید تا مردم آرام بگیرند (احساسات تحریک شده فرو نشیند) و دل‌ها در موضع (متعادل و طبیعی) خود قرار گیرد (نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، خطبه ۱۶۸، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۴۳).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۲۵

و اکنون که بحمدالله جریانات انتخابات رئیس جمهور به اتمام رسیده و موجبات تحریک فروکش کرده، فرصتی است تا برای رفع هرگونه شبهه و سؤال مطرح شده در اذهان و نیز پاک‌سازی فضای آلوده سیاسی، به تشریح برخی ارتباطات سیاسی در ایام قبل از انقلاب و سال‌های تیره و تاریک ملت پردازیم و زبان حال گذشته را تکرار کنیم که:

بودم آن روز من از طایفه دردکشان که نه از تاک نشان بود و نه از تاک‌نشان

هر حزب و جمعیت، اگر خواسته باشد فعالیت جدی عملی برای استقلال کشور و آزادی و آیین و شرف بنماید، نه می‌تواند وجود دولت‌های قدرتمند سلطه‌گر خارجی - اعم از امپریالیسم و کمونیسم - و دخالت‌های ریشه‌دار آنها را نادیده بگیرد، و نه بدون شناخت روشن عوامل مؤثر خارجی از طریق بررسی و ارتباط با حریف به‌منظور تبلیغ و تأثیرگذاری - به‌عنوان مرحله‌ای از مبارزه^۱ - توفیقی به دست آورد. باید در ضمن توکل بر خدا و تکیه بر نیروهای خلق او، حداکثر استفاده و بهره‌برداری را از افکار عمومی مساعد آزادی‌خواهان جهان و تضاد درونی و برونی ابرقدرت‌ها بنماید. محکوم کردن دربست ارتباط‌های سیاسی با بیگانه و عوامل خودی او و عنوان جاسوسی و سازشکاری دادن، خصوصاً اگر این اعمال در دوران و شرایطی انجام شده باشد که کشف کوچک‌ترین رد پا منتهی به زندان و احیاناً اعدام می‌شده است، یا از روی بی‌اطلاعی و بچگی است یا روی بی‌انصافی و غرض‌ورزی. برای آنکه حقایق و وقایع گذشته برای تازه‌واردین در سیاست و انقلاب ایران و برای هموطنان روشن گردد و تاریخ مبارزات هفتاد و چند ساله ملت از لکه‌های ابهام و اتهام پاک باشد، مبادرت به تشریح مختصر بعضی از ارتباط‌های نیمه‌مخفی «**نهضت مقاومت ملی**»^۲ و **نهضت آزادی ایران**» تا آنجا که به خاطر مانده و قابل اعتماد باشد، می‌نماییم.

۱. مذاکره و اتمام حجت برای تبلیغ حق، شیوه پیامبر (ص) و علی (ع) و امام حسن (ع) و ... در آغاز جنگ‌ها بوده است.

۲. نهضت مقاومت ملی ایران در اولین هفته بعد از کودتا [ی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲] در تهران به‌وجود آمد. کمیته مرکزی آن را مرحوم ضیاءالدین حاج سیدجوادی و آقایان حاجی سیدرضا زنجانی، حاجی سید

۱۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

بدیهی است که در این بحث، معرفی کردن آن گروه‌ها و ارائه تمام فعالیت‌ها و نظریاتشان منظور نیست، بلکه صرفاً ارتباط‌های سیاسی، آن هم به اختصار و به‌طور اشاره و اجمال بیان می‌گردد. در این بررسی و سیر تاریخی، خواننده لازم است پا به پای زمان حرکت کند و خود را در جو زمان و مکان‌های مربوطه بگذارد؛ زیرا شناخت

محمدعلی انگجی و مرحوم موسوی جلالی، این‌جانب، دکتر [یدالله] سحابی، مرحوم رحیم عطایی و همچنین افرادی از حزب ایران تشکیل می‌دادند. این جمعیت به پیشنهاد آقای عباس رادانیا و جمعی از آقایان بازاری‌ها تأسیس شده، افراد زیادی را از بازاری و دانشجو و کارمند و معدودی روحانی در تهران و چند شهر دیگر در بر می‌گرفت. این جمعیت تا سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ به حیات خود ادامه داد و فعالیت‌هایی داشت از نوع تجمع و تشکل و تظاهرات، پخش اعلامیه و نامه، انتشار روزنامه مخفی «راه مصدق» صدور نامه سرگشاده اعتراض به قرارداد کنسرسیوم نفت - به امضای هفتاد نفر به ابتکار مرحوم دکتر معظمی - که منجر به اخراج امضاکنندگان کارمند و استاد و در فشار گذاردن سایرین از جمله مرحوم دهخدا گردید.

زندان افتادن این‌جانب و آقای مهندس سحابی و گیتی‌بین در سال ۱۳۳۵ و پس از آنها بازداشت آیت‌الله حاجی سید رضا زنجانی، مرحوم دکتر معظمی و مرحوم رحیم عطایی و آقایان عباس سمیعی، عباس رادانیا، استاد محمدتقی شریعتی، ظاهر احمدزاده و عده‌ای از تجار مشهد، آیت‌الله ابراهیم میلانی و بالا رفتن کنترل فرمانداری نظامی توام با کنار رفتن حزب ایران و حزب مردم ایران، نهضت مقاومت ملی عملاً تعطیل گردید. حزب ایران از دکتربین آیزنهاور استقبال کرد و بعضی از جوانان فعال برای برنامه‌های حادث‌تر به خارج از کشور هجرت کردند.

پس از آن در اثر عدم امکان فعالیت‌های سیاسی و بنا به «احتیاج روز» رو به اقدامات آشکار اعتقادی، تعلیماتی و تربیتی و تمرین‌های همکاری اجتماعی گذارده شده که نتیجه‌بخش و دامنه‌دار گردید. انجمن‌های اسلامی و مؤسسات آموزشی و انتشاراتی و امدادی عدیده در تهران و شهرستان‌ها و حتی در اروپا و آمریکا به وجود آمد که نقش سازنده گسترده برای آینده ایفا نمودند. در آمریکا دکتر مصطفی چمران و دکتر ابراهیم یزدی، منشأ اقدامات و خدمات ارزنده‌ای شدند و با مرحوم دکتر شریعتی نهضت آزادی خارج کشور را پایه‌گذاری نمودند.

شعار نهضت مقاومت به تبعیت از پیشوای ملت دکتر مصدق، جمله «در رژیم مشروطیت، شاه سلطنت می‌کند نه حکومت» بود و این کلام در آن زمان مترقی‌ترین و انقلابی‌ترین شعار بود؛ شعاری که مصدق را ساقط و نهضت آزادی را محکوم ساخت درحالی‌که در دوران جبهه ملی که مختصر آزادی داده شده بود، گروه‌های دیگر تشکیل‌دهنده جبهه هنوز از ابراز آن استنکاف می‌ورزیدند (رجوع شود به: شصت سال صبوری و شکوری، خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، جلد اول).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۲۷

هر پدیده و عملکرد اجتماعی تنها در چهارچوب و موقعیت زمان خود از نظر وضعیت نیروهای خودی و بیگانه، میزان رشد و آگاهی مردم، تشکل و رهبری آنها امکان پذیر است. پایه‌گذاران و اعضا و علاقه‌مندان به نهضت آزادی ایران و نهضت مقاومت ملی، نه تنها با آمریکا بلکه با بعضی از کشورهای اروپا و نیز با دولت وقت، ارتباط‌های کم و بیش پنهانی داشته‌اند. نه تنها از چند ماه مانده به پیروزی درخشان انقلاب، بلکه از ۲۶ سال پیش، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ و نه تنها این گروه‌ها، بلکه گروه‌ها و شخصیت‌های ملی و مذهبی دیگری نیز چنین شیوه‌ای داشته‌اند؛ بنابراین، اگر ارتباطات سیاسی جرم و خیانت باشد، همگی شریکند و اگر خدمت و افتخار باشد، انحصار به نهضت مقاومت و نهضت آزادی ندارد. به مصداق «الاعمال بالنیات»، اول باید دید این اقدامات روی چه نیت و برای چه هدفی انجام گردیده و سپس چه آثار - بد یا خوب - از آنها نتیجه شده است.

الف - هدف‌ها و برنامه‌ها

۱- هدف و برنامه «نهضت مقاومت ملی» در ارتباط با خارجی‌ها دو چیز بود: اولاً رساندن ندای خفته‌شده ملت ایران به دنیا و اثبات اینکه دکتر مصدق پیشوای محبوب و منتخب ایران بوده، دولت او با کودتای آمریکایی - انگلیسی زاهدی ساقط شده است. ثانیاً شاه فراری که با دسیسه و دستور دولت‌های بیگانه غربی و شرقی به ایران برگشته، خائن و منفور است، قراردادهایی که با دولت‌های دست‌نشانده او منعقد شود، فاقد اعتبار است و همکاری و پشتیبانی آمریکا و اروپا در بلندمدت به سود خود آنان نیز نخواهد بود.

۲- دانشجویان خارج از کشور با استفاده از محیط آزادتر و امکانات بیشتر، تماس‌هایی چند با مطبوعات و با مقامات مؤثر پارلمانی و قضایی و سیاسی آن ممالک می‌گرفتند و نامه‌ها و مقالاتی می‌نوشتند و حتی با امثال کندی ملاقات می‌کردند. هدف آنها شناساندن اوضاع واقعی ایران و خنثی کردن تبلیغات فریبکارانه شاه و سفیرانش بود که بی‌دریغ از کیسه ملت خرج می‌کردند.

۳- از یکی - دو سال مانده به پیروزی انقلاب، هدف و برنامه فعالین سابق نهضت آزادی ایران در داخل و خارج کشور، از برقراری ارتباطات، دو منظور را دنبال می‌کرد:

۱۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

اولاً معرفی جهانی مبارزه و نهضت اسلامی ایران و زمینه‌سازی برای بازگشت آیت‌الله خمینی. ثانیاً برگرداندن افکار عمومی اروپا و آمریکا از شاه و برداشتن حمایت همه‌جانبه نفع طلبانه‌ای که از او می‌نمودند.

ب - ترتیب کار و نتایج حاصله

۱- در دوران فعالیت نهضت مقاومت ملی، به‌خاطر آنکه کنترل روی خارجی‌های مقیم یا مأمور به ایران زیاد بود، ارتباط به‌طور غیرمستقیم و با تدابیر احتیاطی صورت می‌گرفت؛ مثلاً کنگره‌ای از دانشمندان ایران‌شناس به دعوت دولت کودتا در **باشگاه دانشگاه تهران** تشکیل گردیده بود و برای ظاهرسازی از دانشجویان عضو نهضت مقاومت ملی [نیز برای شرکت در این کنگره دعوت کرده بودند، اما دانشجویان با بهره‌گیری از این فرصت] در داخل دسته‌گل‌ها نامه پل‌پلی‌کی شده افشاگرانه‌ای گذاردند که بعداً جواب‌هایی [نیز] دریافت گردید. همچنین زمانی که دولت وقت، [جواهر لعل] **نهر و** نخست‌وزیر هندوستان را به ایران دعوت کرده و در برنامه پذیرایی او، سه جلسه سخنرانی در دانشگاه پیش‌بینی نموده بود، نهضت مقاومت ملی توانست نامه مدلل مفصلی به ایشان برساند^۱ و فشارها و فسادهای نظام مسلط و غیرقانونی بودن آن را تشریح نمایند. در اثر این نامه، آقای نهر و در کنفرانس دوم خود به تفصیل از آزادی و حقوق مردم هندوستان و ممالک دموکراسی صحبت کرد و کنفرانس سوم و ادامه پذیرایی را از دست داد.

باز در همان سال‌های اول بود که نامه معترضانه‌ای برای کلیه آمریکایی‌های مأمور در ایران تنظیم و به خانه‌هایشان ریخته یا رسانده شد. آنها نیز بعد از دو - سه ماه جوابی بی‌امضا، ولی پرمحتوا به آدرس آقای **اللهیار صالح** (رهبر حزب ایران و سفیر کبیر سابق دکتر مصدق در واشنگتن) فرستادند. در این نامه تا حدودی به مبارزین ایران حق داده و عذرخواهی خفیفی کرده بودند، ولی به هر حال، حمایت خود را از شاه هم توجیه نموده بودند. از اقدامات ارتباطی دیگر نهضت مقاومت در آن دوران و در این

۱. این نامه بعداً در دادگاه نظامی به عنوان سند ارتباط با خارجی‌ها و اقدام علیه امنیت کشور در کیفرخواست ده نفر از متهمین محکوم‌شده نهضت آزادی ایران وارد شده بود.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۲۹

زمینه‌ها، هدیه یک قالیچه نفیش به موزه قاهره به نام ایرانیان و برای تبریک به [جمال] عبدالناصر به خاطر پیروزی در جنگ سوئز بود. نهضت مقاومت ملی ایران، به وسیله دو نفر از اعضای خود (آقای امیرانتظام و مرحوم رحیم عطایی) با یک جوان دانشجوی آمریکایی ارتباط منظم داشت که به بررسی و بحث روی مسائل می‌پرداختند و هر کدام از موضع خود دفاع می‌نمودند. هر قدر تماس و تبادل نظر پیش می‌رفت، جوان آمریکایی تفاهم و تمایل بیشتر نسبت به حقوق پایمال‌شده مردم ایران پیدا می‌کرد و در پایان مأموریت خود نیز کتابی به نام «ناسیونالیسم در ایران» تألیف نمود که به فارسی ترجمه شده است. این شخص بعدها نیر مدافع همیشگی و تظاهرات ایرانیان در سال‌های بعدی گردید. چند سال از کودتا نگذشته بود که آثار ارتباط‌ها و افشاگری‌ها از گوشه و کنار اروپا و آمریکا سر درآورد و پرتو امیدی در دل دانشجویان به وجود آمده، مقدمه تشکیل تظاهرات پرتین سال‌های بعد گردید.

۲- ارتباط دانشجویان خارج کشور با مردم و محافل در ابتدای کار، مستقیم و آسان بود و از طریق ملاقات‌ها و مکاتبه و سخنرانی و پخش تراکت انجام می‌گرفت، اما بعد که مراقبت و حضور جاسوسان ساواک در همه جا شدت می‌یافت، مبارزه دشوار می‌گردید و در مراجعت به ایران، مزاحمت و محرومیت‌های فراوان به استقبالشان می‌آمد؛ به طوری که عده‌ای ناچار به اقامت در غربت می‌شدند. این افراد در آمریکا اعضای کنگره و رؤسای احزاب و کاندیدهای ریاست جمهوری را می‌دیدند و مطلعین و مدافعین چندی نسبت به حقایق و مردم ایران جلب می‌کردند. بعضی از شخصیت‌های انسان‌دوست و آزادی‌خواه اروپا و آمریکا، انجمن‌هایی برای شناساندن ملت ایران و دفاع از حقوق مردم ما تشکیل می‌دادند که اغلب با همکاری و گاهی پیش‌قدمی ایرانیان بود. از پنج - شش سال به انقلاب مانده، خبرنگارانی به اقتضای حرفه یا به تشویق و معرفی دانشجویان به ایران آمدند و با احتیاط تمام با بعضی از سران ملی تماس گرفته، کسب خبر و مصاحبه می‌کردند. از آن جمله بود ملاقات «اریک رولو» خبرنگار «لوموند» پاریس با این‌جانب در حوالی سال ۱۳۵۳ و خبرنگار «نورل ابرواتور» در دو سال بعد (دو روزنامه‌ای که زودتر از مطبوعات دیگر اروپا، مقالات تشریحی و تحلیلی از نهضت اسلامی ایران منتشر ساختند).

۱۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دوران بحران و انقلاب

در سال ۱۳۵۶ به دنبال گسترش مبارزات ضدامپریالیستی در اغلب کشورهای دست‌نشانده آمریکا و اوج‌گیری مبارزات مسلحانه در ایران و همچنین فشاری که افکار عمومی مردم آمریکا - پس از شکست ویتنام - برای قطع حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری به دولت خود اعمال می‌کرد، [جیمی] کارتر برای حفظ درازمدت منافع آمریکا از سوپاپ اطمینان استفاده کرده، به‌خاطر جلوگیری از انفجار و انقلاب در ایران به شاه برای اعلام و اجرای آزادی‌های **حقوق بشر** فشار آورد (تکرار تجربه سال ۱۳۴۱ زمان نخست‌وزیری **دکتر امینی**) و با این وسیله امکان نفس کشیدنی - ولو ضعیف و با تردید - در صحنه کشور ما پدیدار گشت. قلم‌هایی روی کاغذ رفت، در مساجد و باشگاه‌ها اجتماعات بی‌سابقه عظیم به سخنرانی و انتقاد و افشاگری پرداختند، نوارهای **آیت‌الله العظمی خمینی** در سطح وسیع و تقریباً بلامانع پخش شد، خبرنگاران با عکاس و فیلمبردار از کشورهای اروپای غربی و آمریکا و بعداً از اروپای شرقی و آسیا به طرف ایران سرازیر شدند و صفحات مطبوعات دنیا، انعکاس‌دهنده شور و هیجان و عظمت و احیاناً حقانیت انقلاب گردید. تأسیس «**جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر**» از طرف **آیت‌الله حاج سید ابوالفضل زنجانی** و اعضای از نهضت آزادی و احزاب و شخصیت‌های ملی دیگر و شناساندن و رسمی کردن آن نزد مقامات سازمان ملل متحد، به‌وسیله برادران مقیم آمریکا، یکی دیگر از اقدامات برای برقراری ارتباط و وسیله مؤثری برای افشاگری خفقان و [نقض] آزادی و جنایات شاهنشاهی در سطح بین‌المللی بود. عکس‌العمل و تهدید فوری دولت، بمب‌هایی بودند که در نیمه‌شب ۲۰ فروردین ۱۳۵۷ پشت در خانه بنده و چهار نفر دیگر از مؤسسين جمعیت به‌طور همزمان منفجر شد و با این عمل ناشیانه، شاه جنایتکار در دنیا رسواتر شد. چندی بعد آقای **باتلر (Butler)** شخصیت معتبر حقوق بشر آمریکا به ایران آمده از شاه اعتراف به جرم و اجازه گرفت با مؤسسين حقوق بشر ایران و بعضی از مبارزین بازاری و روشنفکر مصاحبه نماید. دفتر جمعیت حقوق بشر، هرچند مورد تهاجم و دستبرد ساواک قرار می‌گرفت، لیکن با مصونیت نسبی خود، میعادگاه مناسبی برای آمد

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۳۱

و رفت خبرنگاران خارجی و داخلی و ملاقات با شخصیت‌های آزاد یا دولتی و دیپلماتیک گردید. از جمله با اعضای برجسته سفارت و وزارت خارجه آمریکا - که در رابطه با حقوق بشر بین‌المللی بودند - ملاقات‌هایی انجام شد. غیر از جمعیت حقوق بشر با **صلیب سرخ** که مرکز آن در ژنو است و شعبه‌ای در تهران دارد و با سازمان عفو بین‌المللی^۱ - که مرکز آن در لندن است - ارتباط برقرار گردید و مسافرت‌ها و ملاقات‌ها و دعوت‌هایی از نمایندگان یا رؤسای آنها به عمل آمد و هر دو جمعیت، قضایای ایران و کیفیت زندان‌ها را از نزدیک دیدند و گزارش واقعیت‌ها را درج کرده، اقدام و اعتراض‌هایی در سطح بین‌المللی به حمایت از زندانیان و بهبود وضع آنان نمودند و در این رابطه، یک بار نیز دولت ایران مجبور به قبول خواسته‌های زندانیان سیاسی - که دست به اعتصاب غذای طولانی و بحرانی زده بودند - شد و به این ترتیب، اعتصاب غذای آنان با موفقیت پایان گرفت.

در شهریور ۱۳۵۷ از یک طرف قیام عمومی و افشاگری‌های ماه رمضان به دستور امام خمینی رو به اوج و وسعت می‌رفت و از طرف دیگر فشار و حملات دولت به مردم شدت می‌یافت؛ به طوری که در ۲۱ آذرماه تیراندازی گسترده‌ای رخ داد که هرگز نتوانست مردم را از مقاومت و حرارت و حرکت باز دارد. در ضمن آثار ترمرد در ارتش و تمایل سربازان و افسران به سوی مردم، جسته و گریخته مشاهده می‌شد. این جریان‌ها باعث گردید که شاه و آمریکایی‌ها مجبور شوند در برابر ملت عقب‌نشینی نمایند، ساواک و پلیس ناچار نرمش نشان دادند و مقامات دولتی که قبلاً قدرت مردم را به حساب نمی‌آوردند، علاقه‌مند به تماس و توافق با مردم و رهبران شدند. راهپیمایی تاریخی تاسوعای آذرماه ۱۳۵۷ در تهران که مصادف با روز حقوق بشر بود و به ابتکار جمعیت ایرانی حقوق بشر و با هماهنگی روحانیت و گروه‌های مذهبی، بدون درگیری و تلفات، با ابهت تمام برگزار شد و افکار داخل و خارج را تکان داد، از علایم عقب‌نشینی و شکست دشمن و مدیون تماس و توافق‌ها بود. در همین ایام و احوال بود که در مصاحبه‌هایی با خبرنگاران خارجی و ارتباط‌های جمعیت ایرانی

1. International Amnest.

۱۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

حقوق بشر با مقامات سیاسی آمریکایی، صریحاً مسئله انصراف آمریکا از پشتیبانی شاه و خروج قطعی او مطرح گردید. در ابتدا مقاومت آنها شدید بود و از جمله متعذر به سرپیچی ارتش و سرسختی شخص شاه می‌شدند.

پس از آن، راه حل مقدماتی مسافرت ظاهراً استعلاجی شاه و جانشینی شورای سلطنتی موقتی متشکل از رجال مورد انتخاب مخالفین و مورد قبول امام - که یک دولت ملی را سرکار آورده و انتخابات آزادی انجام شود - مطرح گردید. راه‌حلی که در مصاحبه با روزنامه «واشنگتن‌پست» عنوان شده بود. این راه‌حل، هم در اعلامیه مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۷ نهضت آزادی ایران اشاره شده بود و هم با بعضی از آقایان روحانی شورای انقلاب فعلی و مباران ملی در میان گذاشته و مورد توجه قرار گرفته و به عرض امام رسیده بود. در محافل دولتی و نزدیک به دربار که رفتن شاه را راه‌حلی حتمی و به مصلحت خود او و مملکت می‌دانستند، نیز این طرز فکر زمینه پیدا کرده بود؛ حتی به آقای دکتر سحابی پیشنهاد قبول عضویت در شورای موقت سلطنتی را کردند، ولی ایشان نپذیرفتند.

یک مؤسسه تلویزیونی بلژیکی به راهنمایی و تشویق یکی از اعضای خارج از کشور نهضت آزادی (صادق قطب‌زاده) ظاهراً برای مصاحبه با شاه و وزرا به تهران آمد و مخفیانه با این جانب مصاحبه یک ساعته‌ای کرد و از تظاهرات خیابان‌های تهران و بازار و بهشت زهرا و همچنین از شهر قم - بخصوص آثار حمله به خانه آیت‌الله شریعتمداری - فیلمبرداری کرد که در سراسر اروپا پخش شد. پس از آن، تلویزیون‌های دیگر از آلمان و هلند و فرانسه و ایتالیا و آمریکا راه ایران را پیش گرفته با شخصیت‌های ملی و مذهبی مصاحبه‌های متعدد نمودند. در مصاحبه با این جانب بود که مردم اروپا با تعجب و تحسین برای اولین بار شنیدند که آزادی و شاه با هم منافات دارند و تا شاه هست، آزادی نخواهیم داشت. بعداً دولت ایران توسط سفیر بروکسل به دولت بلژیک به واسطه انتشار مصاحبه، رسماً اعتراض کرد و آیت‌الله خمینی در اعلامیه خود عمل مبتکرانه و قاطعانه نهضت آزادی ایران را ستودند. همچنین توسط نهضت و آشنایی و ارتباطات او در فرانسه بود که آیت‌الله خمینی در نجف با تلویزیون پاریس مصاحبه کردند: مصاحبه‌ای که چون دولت عراق فیلم‌ها را توقیف کرده بود،

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۳۳

نوار آن را «روزنامه لوموند» خریداری و منتشر کرد و این اولین ندای جهانی پرطنین رهبر عالی‌قدر انقلاب و معرفی جمهوری اسلامی در دنیا بود. آقای دکتر ابراهیم یزدی (یکی دیگر از اعضای نهضت آزادی) که برای دیدار و قول و قرارهای لازم به خدمت امام می‌رفت، تصادفاً روزی وارد نجف شد که امام به علت فشارهای دولت عراق، تصمیم به ترک آن کشور و حرکت به طرف کویت گرفته بودند و چون در مرز کویت اشکالات و خطراتی پیش می‌آمد، پیشنهاد و ترتیب سفرشان به فرانسه را می‌دهد و در تمام مدت اقامت در حومه پاریس، افتخار مشاوره و مترجمی ایشان را داشته است. نهضت آزادی ایران که در اعلامیه مورخ ۱۳۵۷/۶/۶ برای اولین بار در ایران شعار قاطع «شاه باید برود» را داده بود، در اعلامیه مورخ ۱۳۵۷/۸/۱۴ تحت عنوان «آیا وقت آن نرسیده است که نظام حاکم، واقع‌بین باشد» چنین آورده بود: «دولت‌های خارجی، به‌ویژه دولت‌هایی که به داعیه ثبات و امنیت خیالی ایران را در تحت رژیم شاه از او حمایت می‌کنند لازم است عمق این واقعیات و منافای بودن بقای شاه را با ثبات و نظم و بقای مملکت درک کرده نسبت به آنچه داخل ایران می‌گذرد، واقع‌بین و عاقبت‌اندیش بوده، به مقاصد مشروع خود بیندیشند و از این پس تنها به شورا یا هیئتی که مورد اعتماد ملت ایران و رهبری روحانی و سیاسی آن باشد، مراجعه نموده و خود را با آن تطبیق دهند».

در اعلامیه نهضت آزادی مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۷ تحت عنوان «جنگ شاه و ملت» نیز چنین گفته شده بود: «امنیت منطقه و به جریان افتادن فعالیت‌های اداری و صدور نفت، ایجاب می‌کند که شاه استعفا دهد و همان‌طور که در اعلامیه مورخ ۲۶ آذرماه حقوق بشر و احزاب سیاسی و جمعیت‌های دیگر آمده است، برای اینکه شیرازه از هم نپاشد و جریانات به‌صورت درست و منظم پیش رود، حکومت در اختیار یک شورای موقت مورد قبول ملت قرار گیرد. مسلماً اگر شاه در تکمیل اعتراف و تعهدات پیام ۱۵ آبان ۱۳۵۷ وعده صریح انصراف از سلطنت و قصد استعفای خود را اعلام کند و ملت اطمینان یابد، عوامل اخلال و موجب اضطراب محو گردیده، چرخ‌های مملکت در جهت ترمیم ویرانی‌ها و تعیین نظام صحیح مطلوب به حرکت در خواهد آمد». و در همین رابطه، امام [خمینی] در مصاحبه با رادیو سراسری آمریکا فرمودند: «یک دولت

۱۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

اسلامی و ملی، نه دشمنی ذاتی با خارجی‌ها دارد و نه روابط دوستانه متقابل و بازرگانی و منافع حقه کسی را زیر پا خواهد گذاشت».

اقدامات فوق و مطالبی که گفته شد کم‌کم در محافل سیاسی دولت آمریکا زمینه پذیرش یافت؛ البته پشتوانه اصلی، پایداری روزافزون ملت ایران، فداکاری‌ها و شهادت‌های مردم، اصالت انقلاب و رهبری تزلزل‌ناپذیر امام بود که بالاخره کار را بدان جا رساند که رئیس جمهور آمریکا - کسی که شاه جنایتکار را در کشتار ۱۷ شهریورماه تشویق و تأیید کرده بود - از مسیر چندین ساله، انصراف یافته در روزهای آخر اقامت امام در پاریس، پیام احترام‌آمیز و تأیید برای ایشان فرستاد. قبل از آن نیز به شهادت «مجله تایم» که سخنگوی غیررسمی دولت آمریکا است، در کمیسیون‌هایی که با حضور وزرای خارجه و امنیت آمریکا و رئیس سیا و مشاورین متخصص تشکیل گردیده بود - و با بعضی از آنها در تهران ملاقات به عمل آمده بود - برنامه‌های گذشته و جاری و نظریات برژینسکی محکوم گردید. همزمان و تحت تأثیر این جریان‌ها با توجه به اعتصابات کمرشکن، دولت بختیار در وضعی قرار گرفت تا حدودی تسلیم عقل سلیم و توصیه‌های طرفداران امام گردیده، راضی به مسافرت پاریس برای رسیدن به خدمت امام و مذاکره حضوری و احیاناً استعفا و دریافت مأموریت یا اجازه تشکیل کابینه مورد قبول امام و زیر نظارت شورای انقلاب شد. قول و قرارهای با دکتر بختیار در مشورت و تبادل نظر سه طرف بختیار، شورای انقلاب، پاریس در ظرف دو روز صورت گرفت و اعلامیه‌ای به امضای دکتر بختیار دایر بر تجلیل و تمکین از امام - که آخرین متن مصوب آن به خط یکی از آقایان شورای انقلاب است - از رادیو - تلویزیون پخش شد، ولی امام در ساعات آخر شب، بنا به توصیه و اعتراض بعضی از آقایان روحانیون تهران، اعلام انصراف از پذیرفتن دکتر بختیار فرمودند. رجعت امام خمینی به تهران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، بنا به تصمیم توأم با تهور و توکل خود ایشان و علی‌رغم نگرانی همگان که اصرار به تأخیر داشتند، صورت گرفت، متعاقب گفتگوها و زمینه‌سازی‌های چندین هفته‌ای بود که مابین اعضای شورای انقلاب آن زمان و دیگر دست‌اندرکاران بحث و بررسی می‌شد. ارتباط‌های خصوصی‌تری نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم با دولت وقت، ستاد ارتش، ساواک و سفارتخانه‌ها برقرار بود تا این مرحله

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۳۵

حساس سرنوشت‌ساز انقلاب ما با موفقیت و خالی از خسارت و ضایعات انجام پذیرد که به فضل خدا انجام پذیرفت. در اینجا بود که سفرای ممالک اروپایی و آمریکا که قبلاً جز تأیید و پشتیبانی از شاه مخلوع و نظام سلطنتی به چیزی نمی‌اندیشیدند، در مقابل بالا رفتن موج مبارزه و منطق رهبران نهضت، تا این مرحله تسلیم و حاضر شده بودند که اگر تبدیل نظام موجود به جمهوری اسلامی با منطق و محتوای قانون اساسی ایران انطباق پیدا کند و از طریق انتخابات صحیح با مراجعه به آرای عمومی عمل شود، به رسمیت شناختن نظام جدید و رهاکردن شاه برای آنها اشکال چندانی نخواهد داشت.^۱ روی همین نظر بود که در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷ جلسه سه نفری سری با شرکت یکی از آقایان روحانیون شورای انقلاب^۲، این‌جانب و سفیر آمریکا تشکیل گردید. موضوع برگزاری فراندوم جهت تبدیل مشروطیت سلطنتی به جمهوری اسلامی مورد بحث قرار گرفت. نظر سفیر این بود که فراندوم را وزارت کشور یعنی دولت بختیار انجام دهد تا محظوری از نظر اصول دیپلماسی و حقوق بین‌المللی برای آنها پیش نیاید؛ درحالی‌که ما دو نفر عقیده داشتیم فراندومی که دولت اعلام نماید، ملت در آن شرکت نخواهند کرد؛ بنابراین، بهتر است این کار در مساجد و مدارس انجام شود و دولت نظارت نماید، مگر آنکه وزیر کشور و دولت، مورد انتخاب و اعتماد رهبری انقلاب باشد. به موازات ارتباط با سفیر آمریکا با ارتباطی که این‌جانب از طریق یکی از کارمندان فارسی‌دان امور بازرگانی با سفیر شوروی برقرار کرده بودم، جواب مثبت

۱. مقید شدن دولت آمریکا به رعایت قانون اساسی ایران از جهت ضوابط حقوق سیاسی بین‌المللی و روابط دیپلماسی معلوم است و اما طرفداری ملیون ایران و بعضی از مراجع عظام از قانون اساسی (البته منهای شاه و سلطنت و به‌صورت موقت) به چند دلیل بود: اولاً قانون اساسی یگانه سند رسمی و شرعی ما و شناخته‌شده در دنیا بود که فقط به استناد آن می‌توانستیم از نظر حقوقی و قانونی شاه را متخلف و مقصر و مجرم بشناسیم و اگر خود ما زیر آن می‌زدیم، به او حق می‌دادیم بگویم من هم چون این قانون را بی‌ارزش و اعتبار می‌دیدم، رعایت نکردم ... ثانیاً مادام که قانون جدید و ضابطه تازه‌ای تدوین و تصویب نشده باشد، چاره‌ای جز تمسک و تحفظ آنچه موجود باشد، ولو به‌طور موقت، نیست، وگرنه اداره جامعه به خانه‌سازی روی آب یا معلق در هوا می‌ماند. ثالثاً فجایع و مظالم و مفسدتی که در دوران پهلوی روی می‌داد، تماماً در اثر انحراف و تخلف و تحریف قانون اساسی بود، نه آنکه تقصیر قانون اساسی باشد.

۲. آقای موسوی اردبیلی.

۱۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

شناسایی دولت شوروی را از دولت احتمالی جمهوری اسلامی در روز ۱۴ بهمن دریافت کرده بود و نیز یکی از سفرای اروپای غربی، یک ماه قبل از ورود امام به ایران به ملاقات این‌جانب آمده دست دوستی و وعده همکاری می‌داد. همچنین بعدازظهر روز ۱۵ بهمن، ملاقات و مذاکرات یک ساعته‌ای در زمینه روابط آینده با سفیر کبیر دولت دیگری از اروپای غربی داشتم، بدون آنکه او بدانند قرار است دو ساعت بعد، از طرف امام به‌عنوان نخست‌وزیر مأمور تشکیل اولین دولت جمهوری اسلامی به مردم ایران و دنیا معرفی گردم.

شورای عالی دفاع در تاریخ ۲۰ بهمن (یعنی دو روز مانده به سقوط رژیم) اعلامیه‌ای منتشر ساخت که از آن پس ارتش ایران با ملت درگیری و رویارویی نخواهد داشت. این تصمیم که به دنبال جریان‌ها و مذاکرات اتخاذ شده بود، موفقیت بزرگی برای ملت و راهگشای امیدی برای آینده نزدیک محسوب می‌شد. البته جز خدا کسی خبر از غیب ندارد و آنچه پیش آمد شاید مصداق «الخير في ما وقع» بوده باشد. «المرء يدبر والله يقدر»^۱ ولی چه کسی می‌داند که اگر کار به آن ترتیب و تدریج نیز پیش می‌رفت و ارتش و نیروهای انتظامی متلاشی نشده به تسخیر ملت درمی‌آمد عواقب امر محکم‌تر و سلامت‌تر از آب در نمی‌آمد!

به‌عنوان شهادی که از غیب برسد بد نیست نقل روایت از یک سند زنده که به قلم حریف اصلی داستان یعنی **محمد رضا شاه مخلوع** آمده و خاطرات خود را اخیراً در کتابی در آمریکا منتشر ساخته است بنماییم. «مجله اکسپرس» قسمتی از این خاطرات را تحت عنوان «آمریکایی‌ها مرا مثل موش از ایران بیرون انداختند» ترجمه کرده است. ماجرای از درخواست ملاقات و دست‌بوسی یکی از رهبران جبهه ملی نقل می‌کند (العهدۃ علی الراوی)؛ سپس به شرح خبری که **تیمسار قره‌باغی**، رئیس ستاد ارتش، از مسافرت **ژنرال هایزر**، رئیس مستشاری آمریکا و قصد ملاقات بی‌اجازه وی با این‌جانب نقل کرده، می‌پردازد که شاه را بسیار ناراحت کرده است. این می‌رساند که مبارزین تا چه اندازه نظر خود را به آمریکا قبولانده بودند که آنها ناچار شاه را کنار گذاشته و مجبور به مذاکره با رهبران و افراد مورد اعتماد امام و امت شدند.

۱. حدیث نبوی: انسان تدبیر می‌کند و خدا اندازه و سرنوشت می‌دهد.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۳۷

این بود تاریخچه فهرست‌وار از ارتباطات سیاسی و قسمتی از اقدامات مبارزین ملی و اسلامی ایران از جمله نهضت آزادی، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا واژگونی نظام طاغوتی شاهنشاهی در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷. حال اگر کسانی اسم این ارتباطات و نتایج مؤثر و مثبت آنها را در پیروزی سنگر به سنگر مبارزات ملی و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، جاسوسی و سازشکاری می‌گذارند صاحب اختیارند. و من الله توفیق و علیه التکلان.

مهدی بازرگان - ۱۳۵۸/۱۱/۸.

مهندس بازرگان دو سال بعد یک نسخه از این جوابیه را برای من همراه یادداشتی به شرح زیر فرستاد:

بسم الله الرحمن الرحیم
در ۱۲ بهمن ۱۳۵۸ در تهران نشانی در پیوسته است
در پیوسته است که در آن تاریخچه و
دانشنامه‌ای از روابط و تعلق‌ها در زمان نهضت آزادی است
اندر باره دار. ام. و نشانی در پیوسته است
چون نگارنده در سالی در پیوسته است
در ثبت و ضبط آن لازم است که نشانی در پیوسته است
که در پیوسته است و در آنجا سطور و سطور
برگرفته

۱۳۵۸/۱۱/۸

قطع روابط دیپلماتیک با آمریکا

اگرچه اقدامات اولیه دیپلماتیک آمریکا، سازمان ملل و دیگر کشورها به نتیجه نرسید، با وجود این، مقامات و شخصیت‌های آمریکایی کوشش‌هایی را انجام دادند؛ از جمله سفر جورج هانسن، نماینده کنگره آمریکا به ایران و دیدار با چند تن از گروگان‌ها و صادق

۱۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

قطب‌زاده، وزیر خارجه ایران (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۹/۱) و سفر تام ریکس، استاد دانشگاه جورج تاون به همراه شش کشیش آمریکایی به مناسبت میلاد مسیح و دیدار با امام (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۰/۵)، اما هیچ‌یک از این اقدامات، حتی دیدار محرمانه صادق قطب‌زاده با هامیلتون جورج در پاریس، کمکی به کاهش بحران نکرد. دولت آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد هر گاه دولت آمریکا نتواند یک راه‌حل صلح‌آمیز برای مشکل گروگان‌ها پیدا کند، ناچار سایر راه‌حل‌ها را مورد توجه قرار خواهد داد.

یکی از اولین گام‌های دولت آمریکا، قطع روابط دیپلماتیک با ایران بود. پس از آنکه نامه ۱۳۵۹/۱/۱۰ کارتر به امام خمینی بی‌پاسخ ماند، دولت آمریکا در ۱۳۵۹/۱/۱۹ روابط دیپلماتیکش را با ایران قطع کرد. پیدایش بحران در روابط دولت‌ها، حتی کشورهای دوست، رویدادی رایج است، اما قطع روابط، ضعیف‌ترین اقدامی است که در صورت بروز بحران انجام می‌شود.

قطع روابط نشانه قدرت دولت آمریکا نبود، بلکه حاکی از ضعف و شکست دیپلماسی آمریکا در حل اختلاف خود با ایران بود. در ۱۳۵۹/۱/۳۰ کارتر اعلام می‌کند اگر تحریم‌های اقتصادی به آزادی گروگان‌ها منجر نشود، دست به اقدامات نظامی علیه ایران خواهد زد. این عملیات در هفته اول اردیبهشت به اجرا گذاشته شد. سائروس وانس در اعتراض به دستور عملیات نظامی از سمت خود در وزارت امور خارجه آمریکا استعفا می‌دهد.

اکنون که سخن از محاکمه مهندس عباس امیرانتظام به میان آمد، از آنجا که هم مهندس مهدی بازرگان و هم من به‌عنوان مطلع و شاهد در دادگاه حاضر شده‌ایم، لازم می‌دانم برای ثبت در تاریخ، مهم‌ترین فراز محاکمه و دفاع ایشان را در اینجا بیاورم، اما چون این موضوع موجب گسیختگی مطالب این دفتر می‌شود، خوانندگان گرامی را به پیوست ۸ ارجاع می‌دهم.

گروگان‌گیری - تهاجم نظامی

در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ حمله نظامی آمریکا برای نجات گروگان‌ها با پرواز هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکا از روی ناو هواپیمابر نیمیتز آمریکا، در دریای عمان

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۳۹

آغاز شد. در ساعت ۷:۳۰ صبح به وقت محلی، شش هواپیمای هرکولس سی - ۵۳۰ نیروی هوایی - که یکی از آنها برای حمل بنزین بود و هشت هلی‌کوپتر نیروی دریایی از نوع آر-هانش (R-H) بود، به سوی صحرای طبس حرکت کردند (پرواز هواپیماها و هلی‌کوپترها برخلاف نوشته آقای هاشمی رفسنجانی از مصر نبود). پس از طی حدود ۱۳۰ کیلومتر در فضای ایران، یکی از هلی‌کوپترها، به علت نقص فنی مجبور شد در محلی در بیابان به زمین بنشیند. هفت هلی‌کوپتر دیگر در نیمه راه بودند که ناگهان با یک طوفان شن، یا یک توده ابر شنی روبه‌رو شدند. هلی‌کوپترها تازه توانسته بودند به زحمت از این ابر شنی خارج شوند که با طوفان شنی بزرگ‌تر از اولی روبه‌رو شدند. بر اثر طوفان، وسایل پروازی یکی از هلیکوپترها از کار افتاد و مجبور شد به ناو دریایی برگردد. شش هلی‌کوپتر باقی‌مانده با ۵۰ تا ۹۰ دقیقه تأخیر به صحرای اول یا همان طبس می‌رسند. همه این هلی‌کوپترها فاقد فیلترهای تصفیه هوا و گرد و خاک و شن بودند. در صحرا، شش هواپیمای سی - ۱۳۰ (C-130) فرود آمده بودند. در همین زمان، یک اتوبوس با ۴۳ نفر سرنشین و راننده و یک کامیون سوخت و یک وانت بار - که عازم شهر طبس بود - به محل فرود هواپیماها و هلی‌کوپترها، که در کنار جاده بودند نزدیک می‌شوند. سربازان آمریکایی مأمور حفاظت، برای متوقف ساختن آنان تیر هوایی شلیک می‌کنند. اتوبوس می‌ایستد و مسافران و راننده‌ها بازداشت می‌شوند، اما تانکر نفتکش بر اثر اصابت گلوله، آتش می‌گیرد. راننده کامیون به بیرون می‌پرد و به طرف وانتی می‌دود که داشت از صحنه فرار می‌کرد. در این تیراندازی‌ها، آقای محمد منتظر قائم از سپاه پاسداران کشته می‌شود. به علت نقص فنی، یکی دیگر از هلی‌کوپترها از عملیات خارج می‌شود. فرمانده عملیات، مراتب را به ستاد فرماندهی گزارش و پیشنهاد لغو ادامه برنامه را می‌دهد. مراتب به کارتر گزارش می‌شود و او دستور بازگشت را صادر می‌کند. هنگامی که یکی از هلیکوپترها برای سوختگیری به سمت یکی از هواپیماهای سی - ۱۳۰ حرکت می‌کند، با آن تصادف می‌کند و ناگهان هر دو آتش می‌گیرند. فشنگ‌ها و سایر مهمات داخل هواپیمای سی - ۱۳۰ هم آتش می‌گیرند. در این تصادف و آتش سوزی، هشت خدمه هلی‌کوپتر و هواپیما کشته

۱۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

شدند. فرمانده عملیات، منتظر جمع‌آوری اجساد کشته‌شدگان نمی‌ماند و دستور آزادی مسافران اتوبوس را می‌دهد و بلافاصله صحرا را به مقصد ناو هواپیمابر ترک می‌کنند. در ساعت ۱ بامداد آن روز، کارتر در تلویزیون‌های سراسری ظاهر شد و شکست عملیات را اعلام کرد.

گرمسار - ورامین

بعد از شکست تهاجم آمریکا در طیس و افشای برنامه نجات گروگان‌ها، معلوم شد که ناحیه‌ای در گرمسار - ورامین یکی از مراکز حساس در برنامه نجات بوده است. در زمان معینی قرار بوده است نیروهای مسلح آمریکا از طیس با هلی‌کوپتر به این محل بیایند و از آنجا برای آزادی گروگان‌ها با کامیون‌ها و جیب‌هایی که از قبل آماده شده بود، باید برای حمل نیروی مهاجم و گروگان‌های آزاد و انتقال آنها از سفارت به محل اختفا، مورد استفاده قرار گیرند.

کارتر در ۴۴۴ روز می‌نویسد: «آنگاه هلی‌کوپترها به سمت شمال و یکی از کوه‌های نزدیک به پرواز در می‌آمدند و ساعت ۴ صبح به مقصد می‌رسیدند و تا روز بعد در همان جا مخفی می‌ماندند. این محل، دورافتاده و کاملاً خالی از سکنه بود و احتمال شناسایی گروه نجات بسیار کم بود. شب بعد، کامیون‌هایی که توسط عمال ما در تهران خریداری و در انباری در نزدیکی تهران نگهداری می‌شد به محل اختفای گروه نجات آمده، آنها را به شهر می‌آورد و در زمانی که از پیش تعیین شده بود، گروه نجات همزمان وارد ساختمان وزارت خارجه و محل سفارت می‌شد، اما محل حتماً قبل از عملیات لو رفته بود.» من هنوز در این فکرم که این محل کجا بود و چه شد؟

حرکات مشکوک در گرمسار - ورامین

حاج محمدآقا، شوهر خواهر داماد ما (آقای دکتر مهدی نوربخش) جوانی بود که قبل از انقلاب در افسریه به کار تربیت و فروش گل مشغول بود. در روزهای انقلاب، مثل بسیاری از مردم دیگر به انقلاب پیوست و در کمیته مرکزی انقلاب در مجلس مستقر شد. به مناسبت نسبتی که با ما داشت، مرتب به ما سر می‌زد و تبادل خبر و نظر می‌کردیم. او جوانی پاک، منزّه و صادق بود و در بسیاری از موارد با آنچه در کمیته

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۴۱

می‌گذشت موافق نبود. چندین بار خواست کنار بکشد، اما من به او توصیه کردم بماند و هر خدمتی می‌تواند انجام دهد. روزی با عجله به دیدنم آمد. در روزهایی که جو سیاسی ایران به‌خاطر گروگان‌گیری بسیار هیجانی، ملتهب و احساسی بود و دولت آمریکا مرتب ایران را تهدید می‌کرد. او آمد و خبر داد که در اطراف گرمسار - ورامین، در یک ناحیه دورافتاده، تعداد زیادی کامیون و جیب مستقر شده‌اند و حرکات مشکوکی مشاهده شده است. افرادی از همین گروه مستقر در محل، اطراف محل را زیر نظر دارند و دیدبانی می‌کنند. به او گفتم، خوب برو و به مسئولان کمیته گزارش بدهد و رسیدگی کنند، اما او آنها را واجد دانش و شایستگی برای این نوع کار نمی‌دانست. از او خواستم که افرادی از مردم محل را به مراقبت بگمارد و اگر اقدام خلافی صورت گرفت، فوری مستقیماً به مقامات بالا گزارش بدهد. چگونگی آمدن آمریکایی‌ها از طیس به منطقه گرمسار - ورامین و از آنجا به تهران از جمله مسائلی است که هنوز رمزگشایی نشده است. پس از آن رویداد، در ۱۳۵۹/۲/۹ اسقف کاپوچی برای تحویل گرفتن اجساد نه آمریکایی کشته شده در طیس به ایران می‌آید. در ۱۳۵۹/۲/۱۴ اجساد برای انتقال به آمریکا به سفارت سوییس در تهران تحویل داده شدند.

منفجر کردن هلی‌کوپتر آمریکایی در صحرای طیس

پس از آشکار شدن تهاجم نظامی آمریکا به ایران، شکست آن تهاجم و بازگشت شتاب‌زده مهاجمان، علاوه بر اجساد کشته‌شدگان، یکی از هلی‌کوپترها را، درحالی‌که موتور آن روشن و آماده پرواز بود، در صحرا به حال خود رها کرده بودند. پس از گزارش مراتب به مقامات کشور، به دستور رئیس‌جمهور، جت‌های جنگنده ایران در آسمان صحرای طیس به پرواز درمی‌آیند و با دستور فرمانده نیروی هوایی، جت‌های جنگنده ایران، آن هلی‌کوپتر آماده به پرواز رها شده در صحرا را با شلیک راکت منفجر و نابود می‌کنند؛ درحالی‌که هیچ ضرورتی برای این کار وجود نداشت. جت‌های جنگنده ایران می‌توانستند هلی‌کوپتر را زیر نظر داشته باشند تا نیروهای زمینی به محل برسند و هلی‌کوپتر را تصاحب کنند. اهمیت این مسئله این بود که علاوه بر وسایلی که

۱۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

در هلی کوپتر بود، به احتمال زیاد اسناد و مدارکی هم در رابطه با حمله نظامی وجود داشته است که با نابودی هلی کوپتر از بین رفتند.

این اقدام، موجب اعتراض‌های متعدد و سوء ظن به فرمانده نیروی هوایی (تیمسار باقری) شد. فرمانده نیروی هوایی، اقدام خود را به دستور رئیس جمهور (بنی‌صدر) مستند کرد.

شهید دکتر چمران به سرهنگ دیزجی، از افسران برجسته‌ای که مشاور سیاسی وزیر دفاع هم بود، دستور رسیدگی به این موضوع را صادر کرد. دکتر چمران با من هم مشورت کرد. به ایشان توصیه کردم اگر می‌تواند بایگانی کامپیوترهای موجود در مرکز خلیج، دفتر مرکزی هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران را باز کنند. توضیح دادم که سازمان سیای آمریکا زیر نظر وزارت امور خارجه آمریکا نبود و اسناد فعالیت آن هم در ایران در سفارت آمریکا نمی‌توانست باشد. سیای آمریکا زیر مجموعه شورای امنیت ملی آمریکاست و به احتمال بسیار زیاد، اسناد فعالیت سیا در ایران باید در مرکز هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران یافت شود. دکتر چمران، به توصیه من یکی از استادان برجسته کامپیوتر، از اعضای قدیمی انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا را به سرهنگ دیزجی معرفی کرد و او توانست بیش از ۸۰۰ صفحه از فایل‌های موجود در کامپیوترها را بیرون بکشد. این اسناد به گزارش دکتر چمران به مجلس، پیرامون پرونده طبس، ضمیمه شد.

گزارش گروه بررسی‌کننده در وزارت دفاع، به کمیسیون امور خارجه مجلس، به شرح زیر است:

۱- حقایق بر مبنای شواهد عینی موجود و مدارک به دست آمده از داخل هلی کوپترها و منابع دیگر:

الف - زمان و مبداء حرکت نیروهای متجاوز

هلی کوپترها در ساعت ۱۹:۳۵ روز ۱۳۵۹/۲/۴ به وقت محلی ایران از روی ناوی که در فاصله ۵۰ مایلی آب‌های ساحلی ایران بوده، پرواز کرده‌اند. محل پرواز هواپیماها احتمالاً پایگاهی در جزیره «مسیره» می‌باشد. هلی کوپترها از نقطه‌ای در ساحل دریای عمان به نام «کنارک» وارد خاک ایران شده و طبق نقشه پیوست تا طبس پرواز نمودند.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۴۳

ب - تعداد و نوع وسایل

هشت فروند هلی‌کوپتر و هفت فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ که یک فروند در بین راه مجبور به بازگشت شده و یک فروند در نقطه‌ای در فاصله ۴۰ مایلی نقطه ورود، فرود اجباری کرده است و شش فروند به طبرس رسیده‌اند. از این شش فروند، سه فروند در اثر تیراندازی نهاجا در دو نوبت در روزهای جمعه ۱۳۵۹/۲/۵ در ساعت ۱۷ و ۱۹:۳۰ و شنبه ۱۳۵۹/۲/۶ ساعت ۶ تا ۷ بامداد منهدم شدند و دو فروند سالم و یک فروند در اثر برخورد با هواپیما نابود شده است.

پ - طرح به دست آمده

هلی‌کوپترها در ساعت ۰۰:۰۳ مورخه ۱۳۵۹/۲/۵ به محل سانحه فرود آمده و مدت سوخت‌گیری هلی‌کوپترها یک ساعت پیش‌بینی شده بود که پس از انجام سوخت‌گیری قرار بوده در ساعت ۱:۰۳ مورخه ۱۳۵۹/۲/۵ به سمت منطقه گرمسار پرواز و در نقطه‌ای به مختصات «۳۵،۱۳،۴» شمالی و «۵۲،۱۲،۶» شرقی در ساعت ۲:۱۵ الی ۳ نیروهای عملیات زمینی را پیاده نموده و سپس به طرف پناهگاه هلی‌کوپترها که به فاصله ۱۵ دقیقه از محل فرود قرار داشته، پرواز و در ساعت ۳:۳۰ در محل اختفا استقرار یابند و مدت بیست و یک ساعت و سی دقیقه در آنجا در حالت اختفا به سر برده و در این مدت به وسیله ۳۵ نفر در چهار گروه کشیک دو ساعتی و با کمک اشعه مادون قرمز مورد حفاظت قرار می‌گرفتند و در این مدت، نیروهای عملیات زمینی از طریق راه گرمسار تهران وارد شهر می‌شوند (انباری در جاده مسگرآباد به عنوان پایگاه این افراد با افراد کمکی برابر مدارک موجود مورد استفاده قرار می‌گرفته است). پس از ورود به شهر از طریق بلوار افسریه و بزرگراه رسالت و پل سیدخندان به بزرگراه مدرس رسیده و از زیر پل میرداماد دور زده و خود را به سفارت می‌رسانده‌اند (توضیح: اکیپ زمینی از نقطه‌ای به نام پشت بازار میوه عباس‌آباد به مختصات ۳،۴،۵۰ شمالی و ۵،۱۲،۵۵ شرقی می‌گذشتند که قرار بوده هلی‌کوپترها در شهر تهران روی این نقطه ۳۰ دقیقه چرخش داشته باشند و به نظر می‌رسد این حرکت به منظور کنترل و هدایت نیروهای زمینی صورت می‌گرفته است).

۱۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

نیروهای عملیات زمینی پس از انجام عملیات رهاسازی جاسوسان، خود را به استادیوم امجدیه می‌رسانند. از شش هلی‌کوپتر مأمور عملیات سفارت، دو فروند مأمور پشتیبانی و چهار فروند، مأموریت فرود در امجدیه و توقف به مدت ده دقیقه، جهت سوار کردن جاسوسان و مأموران همراه آنها و به موازات این عملیات دو هلی‌کوپتر از مجموع هشت هلی‌کوپتر به طرف وزارت امور خارجه برای آزادی سه جاسوس مستقر در آنجا پرواز می‌کردند. پس از عملیات آزادسازی جاسوسان، هلی‌کوپترها با گذشتن از روی پالایشگاه نفت (تذکر: توپ‌های ضد هوایی کهریزک در روی نقشه مشخص شده) به طرف منظره قم حرکت می‌کردند و منظره قم پایان مأموریت هلی‌کوپترها محسوب می‌شده و انتقال جاسوس‌ها از این به بعد به وسیله دو فروند هواپیمای ۱۳۰ حاضر در انتهای باند انجام می‌گرفت.

توضیح آنکه در شهر تهران ۱۴ نقطه فرود اضطراری در نظر گرفته شده بود که اکثراً استادیوم‌های ورزشی و میدان اسب‌دوانی بوده است که تمامی این نقاط روی نقشه مشخص شده است و هر عملیات فرکانس‌های ارتباطی خاص خود را داشته.

ت - رویدادهای بعد از فرود و علت لغو عملیات

- ۱- ورود اتوبوس یزد - مشهد حامل پنجاه نفر مسافر و یک عدد تانکر نفت به منطقه.
- ۲- سوخت‌گیری هلی‌کوپترها به‌طور کامل انجام شده بود (برابر گزارش خلبان آورنده یک فروند هلی‌کوپتر به تهران).
- ۳- تصادف یک هلی‌کوپتر با یک هواپیمای ۱۳۰ که منجر به آتش گرفتن هواپیما و هلی‌کوپتر شده و کشته و مجروح شدن تعدادی از افراد مهاجم.
- ۴- احتمال لغو مأموریت به شرح زیر است:
- ۵- الف - از کار افتادن دو فروند هلی‌کوپتر. ب - تصادف هلی‌کوپتر و هواپیما که برابر با اظهار نظر متخصصین نیروی دریایی مورد تأیید است.

۲- شایعات

الف - مشاهدات عینی:

- ۱- راننده و کمک‌راننده و تعدادی از مسافرین اتوبوسی که از یزد عازم مشهد بوده است، اظهار داشته‌اند که توسط عده‌ای نظامی در منطقه «رباط خان» متوقف شده و

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۴۵

- تعدادی هواپیما و هلی‌کوپتر و پرسنل نظامی با تجهیزات مشاهده نموده‌اند که گزارش مشروح آن طبق پیوست ۱۴ برگ به ضمیمه شش می‌باشد.
- ۲- تعدادی از اعضای کمیسیون به سرپرستی خلبان عابدی به منطقه گرمسار اعزام و محل اختفا را از هوا و زمین بررسی و مسیر را تا تهران و لانه جاسوسی بازدید نمودند که نتیجه به شرح زیر به استحضار کمیسیون رسید. رادارهای منطقه تهران، پرواز بازرسی را ضبط نمودند، منطقه برای اختفای هلی‌کوپترها حایز شرایط بوده، آثار زمینی که در منطقه بود، دال بر بازدید محل توسط عده‌ای موتور سوار بود.
- ۳- شخص کارتر در رهبری عملیات شرکت داشته و طبق گفته او عملیات به علت نقص سیستم فنی لغو گردیده است.
- ۴- اعتراض **سلطان قابوس** نسبت به استفاده آمریکا از پایگاه مسیره بدون اطلاع قبلی دولت عمان.

۵- تجزیه و تحلیل عملیات تجاوز و اهداف آن: با توجه به مدارک موجود و مشاهدات عینی به نظر می‌رسد که منظور کلی این طرح، ربودن جاسوسان بوده است، ولی از تجهیزات و وسایلی که به منطقه حمل گردیده، احتمالاً منظورهای دیگری نیز در میان بوده است که با از بین رفتن سه فروند هلی‌کوپتر موجود در منطقه و اسناد داخل آن، امکان بررسی این اهداف موجود نمی‌باشد، ولی به نظر می‌رسد که توطئه وسیع‌تری در این رابطه وجود داشته که بایستی پرده از آن برداشته شود.

عملکرد سازمان‌ها و مقامات مسئول در رابطه با این مسئله

الف - اولین گزارش از **پاسگاه رباط خان** در ساعت ۷:۱۵ مورخه ۱۳۵۹/۲/۵ به گروهان طبس و از گروهان طبس به کلیه مقامات استان مشهد مخابره شده است. بنا بر مدارک موجود، ساعت ۸ همان روز کلیه مقامات استان مشهد از این خبر مطلع بوده‌اند.

ب - اولین گزارش از لشکر مشهد در ساعت ۹:۱۵ یعنی پس از یک ساعت و یازده دقیقه تأخیر تلفنی به نزاجا مخابره می‌شود. گزارش از نزاجا به سماجا ۹:۵۵ همان روز تلگراف شده است. با توجه به مدارک موجود و اخبار و اطلاعات رسیده به مرکز

۱۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

فرماندهی سماجا، کلیه مقامات از موضوع باخبر بودند و می‌دانستند. تا ساعت حدود ۱۲:۵۵ تعداد کافی ژاندارم و پاسدار در منطقه حضور داشتند، ولی اقدامات انجام شده توسط مرکز فرماندهی سماجا به هیچ عنوان با یک کار ستادی سازمان یافته تطبیق ننموده و دستورات صادره کلاً بر مبنای برداشت شخصی رئیس ستاد مشترک بوده و هیچ گونه مدرکی دال بر تشکیل شور ستادی و انجام اعمال ستادی لازم برای پیشگیری یک چنین حادثه عظیمی وجود ندارد.

بنابر مدارک موجود در مرکز فرماندهی، دستوراتی که برای شناسایی به نهاجا داده شده، جوابش به هیچ عنوان به مرکز فرماندهی نرسیده است؛ بنابراین، تصمیم‌گیری در مورد انهدام هلی‌کوپتر بدون اطلاع از نتیجه شناسایی‌های هوایی اتخاذ گردیده است و ضمناً با توجه به گزارش سرتیپ کیمیاگر، فرمانده عملیات نهاجا مبنی بر صدور دستور تیراندازی قبل از عزیمت آقای بنی‌صدر. آقای رئیس جمهور از داخل جت فالکن ۹۰۰۲ در ساعت بین ۱۳ و ۱۴ دستور می‌دهد که به هیچ عنوان به پنج فرزند هلی‌کوپترهای باقی‌مانده تیراندازی نشود، ولی با توجه به گزارش سرتیپ قبادی فرمانده لشکر ۷۷ در سه مرحله به شرح زیر به روی هلی‌کوپترها تیراندازی شده است.

۱- در ساعت ۱۶:۳۰ دو فرزند هواپیمای شناسایی منطقه را شناسایی می‌نمایند.

۲- بلافاصله در ساعت ۱۷ یک فرزند هواپیما هلی‌کوپتر را به مسلسل می‌بندد.

۳- مجدداً در ساعت ۱۸ توسط تیمسار سیستانی به تیمسار کیمیاگر ابلاغ می‌شود

که نسبت به ازکارانداختن هلی‌کوپترها اقدام گردد. این دستور، علی‌رغم اکراه تیمسار باقری در ساعت ۱۹:۳۰ به هلی‌کوپترها تیراندازی و در نتیجه دو فرزند هلی‌کوپتر از بین می‌رود. در این رابطه باید یادآوری کرد که گروهان ژاندارمری طبس در ساعت ۱۴:۴۰ گزارش کرده است که گروهان طبس و پاسداران در منطقه بوده و به منظور حفاظت منطقه و هلی‌کوپترها آرایش تدافعی اتخاذ نموده‌اند و از افراد مهاجم کسی در محل دیده نشده است. لازم به تذکر است که در حمله نوبت دوم، یک نفر از سپاه پاسداران مورد اصابت گلوله واقع و شهید و دو نفر دیگر مجروح گردیدند.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۴۷

- ۱- مجدداً در ساعت ۵:۵۴ روز ۱۳۵۹/۲/۶ یک فروند هواپیما به خلبانی سروان «سید رضا» به هلی‌کوپترها تیراندازی و یک فروند دیگر از هلی‌کوپترها را منهدم می‌نماید.
- ۲- اداره دوم نیز اظهار می‌دارد که در رابطه با کشف مکالمات تلفنی خارج از فرکانس‌های معینه، هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد و این امر به عهده وزارت پست و تلگراف است.
- ۳- بنا به گزارش سرکشیک (مراقبت پرواز تیم یک) به کشیک دفاع هوایی، ایستگاه «در بند» دو بار حرکت هواپیماها و هلی‌کوپترها را در ساعت ۲۴ مورخه ۱۳۵۹/۲/۵ و ساعت ۳ مورخه ۱۳۵۹/۲/۶ مشاهده نموده، ولی گزارش خود را ساعت ۱۰:۳۰ روز ۱۳۵۹/۲/۶ ارائه نموده است.

نکات مبهم و سؤال‌های موجود در رابطه با عملکرد سازمان‌های مسئول

الف - رادارها:

- ۱- رادارهای جاسک و بندرعباس در زمان ورود و خروج مهاجمین، عملیاتی بوده، ولی گزارشی در مورد تجاوز هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکایی نداده است.
- ۲- رادار بوشهر ۹:۰۵ مورخ ۱۳۵۹/۲/۴ عبور هواپیمایی را از فضای بوشهر به طرف شیراز با سرعت ۴۰۰ در ارتفاع ۳۵۰۰۰ پایی مشاهده نموده است، اما اقدامی در این مورد معمول نگردیده است.
- ۳- شرق کشور، فاقد پوشش رادار می‌باشد و رادار چابهار عملیاتی نیست.
- ۴- طبق اظهار سرهنگ اسکندر افشار، متخصص رادار نهاجا، رادارهای متحرک موجود است که فقط سه دستگاه آن عملیاتی بوده و طبق دستوری بایستی به غرب کشور ارسال گردد.
- ۵- قرار بوده که در زابل رادار مستقر شود، ولی به علت کمبود انجام نشده است.
- ۶- طبق نظر متخصصین، مهاجمین می‌توانستند رادارهای ایران را مختل نمایند، ولی در صورت انجام این عمل، ایستگاه‌های رادار متوجه موضوع می‌شدند.

۱۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

ب - وضعیت پدافندی زمین به هوا:

برابر امریه شماره ۱۷۰۱/۲۹/۰۲/۱۰۱۱-۱۳۵۹/۲/۳ سماجا، به نهاجا دستور داده شده است که تعداد ۲۰۰۰ نفر پرسنل پدافند هوایی با تجهیزات ضدهوایی به غرب کشور اعزام شوند. نهاجا پس از بررسی و برآوردهای لازم به شرح جدول پیوست عمل می‌نماید.

پ - شناسایی هلی کوپتر سی کورسکی:

سه روز قبل از وقوع حادثه طبس، تیمسار فریور، معاونت لجستیکی نهاجا از سروان پویا، رئیس دایره نگهداری و مدیریت ماتریال لجستیکی نهاجا تلفنی می‌خواهد که مشخصات هلی کوپتر فوق را به منظور ارائه به مقام وزارت دفاع ملی در اختیار فرماندهی نهاجا قرار دهند. مشخصات مذکور در مدت ۲۰ دقیقه در ۴ برگ برابر پیوست ۱۷ که نزدیک‌ترین مشخصات به هلی کوپترهای مهاجم است، تهیه و در اختیار فرماندهی نهاجا گذارده می‌شود، ولی مقام وزارت دفاع، موضوع درخواست و دریافت مشخصات را از جانب خود تکذیب می‌فرمایند.

ت - سؤالاتی که کمیسیون نتوانسته است به آن پاسخ دهد:

- ۱- چرا با وجود آنکه چهار ماه است دستور داده شده در شرق کشور رادارهای متحرک مستقر شوند و رادارهای متحرک نیز موجود است، عمل استقرار آنها انجام نیافته است؟
- ۲- چرا یگان‌های مستقر در مشهد با وجود آنکه ساعت ۸ صبح از مایه مطلع بوده‌اند، ساعت ۹:۱۵ اولین گزارش خود را به نزاچا داده‌اند؟
- ۳- چرا اعلامیه شماره ۱ ستاد ارتش با آنکه ستاد مذکور از حقیقت موضوع مطلع بوده، کذب می‌باشد؟
- ۴- چرا ستاد ارتش در مقابله با این حادثه عظیم اگر بی تفاوت نبوده است، کندی بسیار به خرج داده است؟
- ۵- چرا با وجود آنکه ستاد ارتش طبق مدارک موجود، می‌دانسته است نفرات خودی در منطقه وجود دارند، مبادرت به صدور فرمان آتش و انهدام هلی کوپترها نموده است؟

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۴۹

- ۶- چرا بدیهی‌ترین اصول عملیات ستادی و نظامی که عبارت است از کسب اطلاعات از منطقه عمل در مورد مقدرات دشمن می‌باشد، نادیده گرفته [شده] و اگر هم دستوری در مورد کسب اطلاع داده شده است، نتیجه به سماجا گزارش نشده و در نتیجه بمباران بدون شناسایی صورت گرفته که منجر به قتل سرپرست سپاه پاسداران یزد (شهید محمد منتظر قائم) و مجروح شدن سه نفر شده است؟
- ۷- چرا بعد از اینکه بار اول هواپیماهای نهاجا نتوانستند در ارتفاع بالا منطقه را بررسی و کسب اطلاعات کنند، از هلی‌کوپترهای نیروی زمینی موجود در اصفهان استفاده ننموده است؟
- ۸- چرا مقامات مسئول از متخصصین فنی یا نیروی هوایی یا نیروی دریایی یا سایر نیروهای آماده موجود، نخواستند که در کلیه هلی‌کوپترها به وسیله متخصصین، نقص فنی به وجود آورند که هلی‌کوپترها نتوانند به هیچ‌وجه پرواز نمایند و اگر مسئله احتمالی از طرف آمریکاییان باقی مانده در منطقه، دلیل بمباران بوده است، بدون بمباران متخصصین فنی در زیر حمایت جنگنده‌های نهاجا قادر به پیاده شدن در محل بوده و در هلی‌کوپترها نقص فنی ایجاد نمایند؟
- ۹- سماجا ۲ اظهار می‌دارد که در زمینه کشف و ردیابی مکالمات رادیویی بی‌سیم‌های بیگانه، هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته و این امر به عهده بخش مانیتورینگ وزارت پست و تلگراف می‌باشد. با نگرش به این مطلب، چرا پست و تلگراف در این زمینه اطلاعی به اداره دوم نداده و همچنین چرا اداره دوم سماجا در این زمینه از وزارت پست و تلگراف توضیحی نخواست است؟
- ۱۰- چرا درحالی‌که منطقه مورد شناسایی قرار نگرفته بود، سماجا مردم را به آنجا دعوت کرده و به فاصله سه ساعت از دعوت مردم، منطقه را زیر آتش گرفتند؟
- ۱۱- چرا با وجود دستور صریح و تأکید ریاست سماجا در ساعت ۲۴ مورخه ۱۳۵۹/۲/۵ مبنی بر عدم تکرار هرگونه تیراندازی در منطقه طبس، در ساعت ۶ صبح مورخه ۱۳۵۹/۲/۶ مجدداً نسبت به هلی‌کوپترهای مهاجم اقدام به تیراندازی شده و یک فروند هلی‌کوپتر دیگر را نیز منهدم نموده‌اند.

۱۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۲- اصولاً با وجود مستقر بودن پرسنل ژاندارمری و سپاه پاسداران در منطقه و محاصره هلی‌کوپترها و داشتن تیربار در مواضع سرکوب، احتیاجی به صدور دستور تیراندازی و کوبیدن هلی‌کوپترها از طریق هوا نبوده است؛ زیرا در صورت لزوم، نیروهای یادشده نمی‌توانستند با مهاجمین به نحو مطلوب مقابله نمایند و لزوماً کلیه هلی‌کوپترها را منهدم نمایند.

۱۳- چرا نیروی دریایی از نقل و انتقال کشتی که در پنجاه مایلی نوار ساحلی ایران بوده و هلی‌کوپترها از روی آن پرواز کرده‌اند، هیچ‌گونه گزارشی نداده‌اند؟

۱۴- چرا نابودی هلی‌کوپترها بعد از اعلام صدای آمریکا صورت می‌گیرد مبنی بر اینکه اسنادی در منطقه (داخل هلی‌کوپترها) به جای مانده است؟

تبصره: دو فقره گزارش طبقه‌بندی‌شده (خیلی محرمانه) در ۱۸ برگ از طریق اداره دوم به کمیسیون تقدیم می‌گردد.

بازتاب شکست

خبر تهاجم نیروی نظامی آمریکا به ایران و در هم شکستن آنها در طبس، جهان را مبهوت و متحیر ساخت. این رویداد که در نوع خود بی‌نظیر بود، انعکاس منفی بسیار گسترده‌ای در جامعه آمریکا و افکار عمومی مردم آمریکا ایجاد کرد.

در تحلیل روحیه ملت‌ها مردم آمریکا به نوعی بالندگی و از خود راضی بودن شناخته شده‌اند. شکست آمریکا در جنگ ویتنام به این بالندگی، آسیب بسیاری زد؛ چنان‌که یکی از پیامدهای جنگ ویتنام، جنبش ضد جنگ در آمریکا بود. در جلد دوم خاطراتم، (هجده سال در غربت) و در دفتر اول جلد پنجم (در وزارت امور خارجه) ویژگی‌های این جنبش را برشمرده‌ام.

در واقع شکست آمریکا در جنگ ویتنام، موجب تنفر مردم آمریکا از مردم و دولت ویتنام نشد، اما گروگان‌گیری در ایران و ناکامی تلاش‌های دیپلماتیک دولت آمریکا در حل بحران و سپس شکست عملیات نظامی، موجب واکنش منفی شدید مردم آمریکا از ایران، چه از دولت و چه از مردم ایران و حمایت بی‌سابقه از گروه‌های افراطی دست راستی شد.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۵۱

در مورد عملیات نظامی در طبس یکی از اولین و شاید کامل‌ترین گزارش‌های تحلیلی توسط ادوارد کلن، سردبیر «روزنامه نیویورک تایمز» با عنوان «آمریکا در اسارت» (America in Captivity) منتشر شده است. برگردان این گزارش به فارسی توسط خانم‌ها سرور طلیعه و پوران خاور با عنوان: «آمریکا در اسارت» منتشر شده است (انتشارات قلم، ۱۳۶۲).

ادوارد کلن در مقدمه کتاب خود می‌نویسد:

«فقط چهار ماه از زمانی که ۵۲ گروگان آمریکایی با استقبالی که از آنان به‌عنوان قهرمان شد و به کشور برگشتند، می‌گذرد، اما منظره شکست تلخ آمریکا هنوز در ذهن آمریکاییان زنده است ... این گزارش، شرح بی‌قدرتی یک ابرقدرت در برابر یک انقلاب افراطی در یک سرزمین دورافتاده اسلامی، و یک رئیس‌جمهور که میان عواطف و سیاست گیر کرده و بالاخره دسیسه‌ها و اشتباهات انسان‌های مقتدر اما مستاصل، می‌باشد».

او در ادامه درباره این عملیات می‌نویسد: «در اواسط دوره اسارت گروگان‌ها، در زمانی که نگرانی فراوان درباره برداشتن قدم‌هایی علیه آمریکا وجود داشت، نقشه انجام عملیات نظامی انتقام‌جویانه تکمیل شد. این نقشه شامل محاصره دریایی، بمباران جزیره خارک، محل اصلی تجهیزات صدور نفت ایران و حمله هوایی به پالایشگاه بزرگ آبادان که تأمین‌کننده قسمت اعظم نفت که برای مصارف داخلی می‌باشد، بود».

حمله به خوزستان و اشغال منابع نفتی ایران

پیش از انتشار گزارش ادوارد کلن، «مجله نیوزویک» در شماره دسامبر ۱۹۷۹ / دی‌ماه ۱۳۵۸ نوشت که آمریکا در واکنش به اشغال سفارت و گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی برنامه‌ریزی کرده بود که در همان سال ۱۳۵۸ در خوزستان نیرو پیاده کند.

در پی عملیات نافرجام آمریکا در طبس و رسوایی جدید آمریکا، واکنش افکار عمومی مردم جهان آنچنان جوی را به وجود آورد که دولت ایران می‌توانست یک برنامه تهاجمی تبلیغاتی را علیه آمریکا در سطح جهانی پیاده کند و بهره‌برداری مناسبی را در جهت نشان دادن حقانیت انقلاب اسلامی ایران بنماید و نهایتاً طرح محاکمه عملکرد سیاست خارجی آمریکا در ایران را به اجرا درآورد. آیا دولتمردان توانستند؟!

۱۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

در چنین شرایطی بود که کنفرانس رسیدگی به عملکرد دولت آمریکا در ایران عنوان شد و این البته شروع مناسبی بود.

توقیف اموال ایران در آمریکا

در آمریکا در نوامبر ۱۹۷۹ به تلافی گروگان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران آمده است: ارزش دارایی بلوکه شده بین ۸۰۰۰ و ۱۳۰۰۰ میلیون دلار تخمین زده شده است و این امر، فرصت زیاد برای بهره‌برداری به استفاده‌جویان می‌دهد. وسعت فعالیت ادعاکنندگان با ادعای وکلا و قضات دست‌اندرکار را می‌توان از گزارشی فهمید که اداره کل محاسبات آمریکا با عنوان درشت «خزانه‌داری باید به نحو بهتری هوای دارایی بلوکه‌شده خارجی را داشته باشد» چاپ کرده است. پیش‌نویس قبلی این عنوان با این عبارت که «خزانه‌داری از دارایی که بلوکه می‌کند خبر ندارد»، صراحت بیشتری داشت که با اعتراض خزانه‌داری روبه‌رو شد. با توجه به نوسان ۵۰۰۰ میلیون دلاری در تخمین‌های میزان دارایی بلوکه‌شده ایران، دارایی‌هایی که قبلاً از طرف خزانه‌داری بلوکه شده است، ناچیز به شمار می‌رود. مثلاً طبق گزارش اداره کل محاسبات آمریکا **لون نول**، **حکمران سابق کامبوج** که به آمریکا گریخت، توانست فقط یک میلیون دلار از پول بلوکه‌شده آمریکایی را که به‌عنوان کمک ارز خارجی به کامبوج داده شده بود، به‌طور غیرمجاز به‌دست آورد. هم‌اکنون ۳۱۸ دعوی برای به‌دست آوردن بهره‌ای از دارایی بلوکه‌شده ایران در آمریکا مطرح است. چون دادگاه‌های متعدد، این دعاوی را در حدود اختیار خود می‌دانند، احتمال زیاد دارد که برخی از آرا ناظر بر غرامت بیش از هزینه‌های واقعی در ایران باشد. به‌طور مثال شرکت «دوپون» ادعای ۹۶ میلیون دلار را اقامه کرده است؛ در صورتی که خود قبول دارد که فقط ۴۳ میلیون دلار خرج کرده است. اما ادعای ۴۵۰ میلیون دلاری نارواترین است. این ادعا بر اساس تصورات دو تن از اهالی نیویورک با نام آقای **William Bikoff** و آقای **George Eisenpresser** مطرح شده است.

کمیسیون تحقیق بین‌المللی

تشکیل کمیسیون تحقیق بین‌المللی برای آزادی گروگان‌ها فرایند پیچیده‌ای را طی کرد. مصطفی قهرمانی، پژوهشگر امور بین‌الملل، این موضوع را چنین شرح داده است: «پس

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۵۳

از استعفای ابوالحسن بنی‌صدر از سرپرستی وزارت امور خارجه، صادق قطب‌زاده با معرفی شورای انقلاب و حکم آقای خمینی به وزارت امور خارجه منصوب شد. همزمان با آغاز فعالیت قطب‌زاده در وزارت خارجه، دولت آمریکا لایحه‌ای برای توقیف اموال و تحریم ایران به گنجره ارائه کرد. قطب‌زاده برای مقابله با تحرکات آمریکا، مذاکراتی با هیئت‌های مختلف بین‌المللی از جمله کمیسیون تحقیق سازمان ملل به ریاست کورت والدهایم، برونو کرایسکی و هیئت همراه (اولاف پالمه، و فلیپه گونزالس و...) از طرف انترناسیونال سوسیالیست، یاسر عرفات و سازمان آزادی‌بخش فلسطین آغاز کرد که هر کدام از سویی برای محک‌زدن وضعیت و احتمالاً کمک به فتح باب مذاکرات جهت یافتن راه‌حلی به ایران می‌آمدند، انجام می‌داد.

کورت والدهایم برنامه‌ای را که هماهنگ با آمریکایی‌ها آماده کرده بود، به ایران پیشنهاد داد. این برنامه، شامل آزاد شدن گروگان‌ها و تشکیل کمیسینی برای تحقیق پیرامون ادعاهای ایران در زمینه تجاوزهای سخت نسبت به حقوق بشر در رژیم شاه می‌شد. بر پایه این طرح، نخست باید گروگان‌ها آزاد می‌شدند، سپس به جنایات و اموال شاه رسیدگی می‌شد. بر پایه این طرح همچنین آمریکا موافقت می‌کرد که ایران ادعاهای خود را در زمینه سپرده‌های شاه نزد بانک‌های خارجی در دادگاه‌های ایالات متحده دنبال کند و ایالات متحده نیز مانعی بر سر کوشش‌های ایران برای پس‌گرفتن اموال شاه از طریق مراجعه به دادگاه‌های آمریکا ایجاد نکند. اما درعین حال راه‌حل نمونه او و آمریکایی‌ها شامل ماده‌ای بود که ایران را مکلف به رعایت مفاد عهدنامه وین در مورد روابط سیاسی و مصونیت مأموران سیاسی می‌کرد. با این حال، والدهایم هیچ‌گاه قولی برای بازگرداندن شاه به ایران نداد، بلکه تصریح می‌کرد که ایالات متحده تحت هیچ شرایطی با استرداد شاه موافقت نمی‌کند.

در دومین دور مذاکرات، قطب‌زاده به اطلاع والدهایم رسانید که شورای انقلاب این پیشنهاد را که گروگان‌ها قبل از تشکیل کمیسیون تحقیق آزاد شوند را نپذیرفته است. در عین حال قطب‌زاده علاقه خود را به تشکیل کمیسیون تحقیق بین‌المللی ابراز داشت و افزود: «اجلاس عمومی سازمان ملل باید چنین نهادی را تشکیل دهد و به‌محض آنکه نتیجه تحقیقات این کمیسیون انتشار یافت، می‌توان درباره آزادی

۱۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروگان‌ها هم مذاکره کرد». نتیجه چند دور گفتگوی قطب‌زاده با والدهایم، یافتن فرمولی برای تشکیل کمیسیون تحقیق بود که منحصراً درباره جنایات شاه، چپاول اموال دولت و دخالت ایالات متحده آمریکا در ایران تحقیق و بررسی می‌کرد. کمیسیون مذکور در ۲۳ فوریه ۱۹۸۰ (۴ اسفند ۱۳۵۸) کارش را در تهران آغاز کرد و اعضای آن چندین بار با قطب‌زاده ملاقات کردند.

بر اساس توافق مورد قبول دولت ایران و دبیرکل سازمان ملل و تصویب شورای انقلاب و نیز تأیید آیت‌الله خمینی قرار بود کمیسیون تحقیق پس از ملاقات با گروگان‌ها قبل از انتشار گزارش نتایج تحقیقات خود در مورد جنایات شاه و آمریکا جهت حفظ بی‌طرفی، نتایج کار خود را ابتدا در ژنو اعلام کند. همچنین مقرر گردیده بود که ضمن اعتراف آمریکا به جنایات شاه و عذرخواهی از ایران، تحریم‌های اقتصادی ایران برداشته شود و یک کمک مالی نیز از طرف آمریکا به ایران انجام گیرد. آنها اما به علت جوسازی دانشجویان و تحویل ندادن گروگان‌ها به دولت، موفق به دیدار با گروگان‌ها نشدند و در نهایت هیئت بدون هیچ دستاورد کاری در تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۵۸ ایران را ترک کرد.^۱

چرا کمیسیون تحقیق بی‌نتیجه از ایران رفت

کمیسیون تحقیق که از بیست و هفتم بهمن برای بررسی جنایات شاه وارد ایران شده بود، دیروز کار خود را ناتمام رها کرد و به نیویورک برگشت و با صدور اعلامیه‌ای نظر خود را درباره ادامه تحقیقات خود اعلام کرد. متن بیانیه چنین است:

کمیسیون تحقیق با همکاری مقامات ایرانی وظیفه خود را در مورد بررسی و مطالعه کلیه شکایات ایران انجام داده و حاضر است هر نوع مدرک دیگری را که مقامات ایران مایل باشند، درباره جنایات رژیم محمدرضا پهلوی و آمریکا تحویل دهند، مطالعه و بررسی کند.

در مورد مشارکت کمیسیون در رفع بحران بین‌المللی، کمیسیون معتقد است با توجه به آخرین تحولات مهمی که در مورد ادامه کار کمیسیون روی داد، برای مشاوره

۱. تلاش‌های «صادقانه» و بحران گروگان‌گیری <https://melliun.org/iran/216830>

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۵۵

به نیویورک می‌رود و با «کورت والدهایم» دبیرکل سازمان ملل متحد گفتگو می‌کند. بیانیه در خاتمه خاطر نشان کرده است کمیسیون در موقعیتی نیست که بتواند گزارش نتیجه تحقیقات خود را تهیه کند و دولت ایران را در جریان این امر قرار داده است.

نظرات شخصیت‌های سیاسی

عزیمت ناگهانی کمیسیون تحقیق، موجب بحث‌های گوناگونی در مجامع و محافل داخلی و خارجی گردید.

در اینجا به نظر شخصیت‌های سیاسی ایران و واکنش محافل مختلف اشاره می‌شود: صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه اعلام کرد که کار کمیسیون تحقیق در باره جنایات شاه مخلوع با شکست روبه‌رو نشده و تنها در آن وقفه‌ای ایجاد شده است. قطب‌زاده افزود: با اندکی شکیبایی کمیسیون می‌توانست کار خود را بدون وقفه به‌عنوان کامل به پایان برساند. اعضای کمیسیون تحقیق اعلام کرده‌اند که مایلند به ایران بازگردند.

از سوی دیگر سخنگوی وزارت امور خارجه در گفتگویی با خبرگزاری پارس اعلام کرد که اعضای کمیسیون تحقیق برای انجام پاره‌ای مشورت‌ها با والدهایم به نیویورک رفته‌اند و برای ادامه کار خود به ایران بازمی‌گردند.

حجت‌الاسلام هاشمی [رفسنجانی] عضو شورای انقلاب در این باره گفت: نخست قرار بود که اعضای کمیسیون پس از ملاقات با چند تن از گروگان‌ها که مستقیماً در ارتباط با کار آنها بودند، ملاقات کنند و پس از اعلام نظر خود گروگان‌ها را نیز ببینند، ولی ظاهراً این تصمیم مورد قبول آنها نبود و به همین دلیل ایران را ترک کردند. رفسنجانی در مورد مسئله تحویل گرفتن گروگان‌ها به وسیله شورای انقلاب گفت: این درست نیست که شورای انقلاب و یا حکومت رسمی ایران افراد حکومت دیگری را گروگان بگیرد. این عمل را مردم انجام داده‌اند و مردم پشتوانه آن هستند.

معین‌فر: باید منتظر بود

مهندس علی‌اکبر معین‌فر، وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران در مورد عزیمت اعضای کمیسیون تحقیق گفت: امام خمینی دیروز در پیام خود تکلیف و خط کار را روشن

۱۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کردند. در پیام امام گفته شده بود اگر اعضای کمیسیون نیاز به تحقیق از گروگان‌ها دارند، می‌توانند با آنها ملاقات کنند. وی افزود: باید منتظر اعلام نظر کمیسیون بود و دید چه نظری درباره تحقیقات خود می‌دهند.

موسوی اردبیلی: خواسته جمع نبود

موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور و عضو شورای انقلاب در مورد عزیمت غیرمترقبه اعضای کمیسیون تحقیق برای بررسی جنایات شاه مخلوع، گفت: نظر امام برای همه ما لازم‌الاجرا است و این دستوری مشروع بود. وی اضافه کرد: از اعضای کمیسیون خواسته شد که نظر خود را درباره جنایات شاه مخلوع و دخالت‌های ناروای آمریکا در امور ایران اعلام کنند، ولی آنها توقع داشتند که قبلاً با گروگان‌ها ملاقاتی داشته باشند و چون این خواسته عملی نبود، برای مذاکرات بیشتر به نیویورک رفتند.

دکتر یزدی: شکست دولت!

دکتر ابراهیم یزدی در مورد عزیمت اعضای کمیسیون تحقیق به ایران گفت: امام، موضع و برنامه را دقیقاً بیان فرمودند. به نظر من چه این هیئت مأموریت سیاسی و اولیه‌اش این بوده که در مورد جنایات شاه رسیدگی کند؛ یعنی باید نظر خود را اعلام می‌کرد. دوم اینکه عزیمت، اعضای کمیسیون از تهران اگر به‌طور موقت باشد یک مطلب است و اگر برنامه‌شان را در ایران خاتمه یافته تلقی کرده باشند مطلب دیگری است که این شکستی است برای دولت ایران و کسانی که این برنامه را تنظیم کرده‌اند.

یزدی افزود: در مجموع به نظر من چنانچه دانشجویان پیرو خط امام موافقت می‌کردند اعضای کمیسیون در حضور خود آنها با گروگان‌ها ملاقات کنند، مفید بود؛ چون اگر پس از آن مطلبی خلاف نظریات دانشجویان یا خلاف مصلحت ملت مشاهده می‌شد، آنگاه دانشجویان از موضع قدرتمندتری می‌توانستند به جامعه بگویند به این دلیل بود که به ملاقات اعضای کمیسیون با گروگان‌ها مخالفت می‌کردیم. یزدی گفت: اعضای کمیسیون علی‌رغم اجازه امام مبنی بر اینکه می‌توانند با چند نفر از گروگان‌ها ملاقات کنند و اسنادی را بگیرند، بدون دیدن گروگان‌ها و گرفتن اسنادها تهران را ترک

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۵۷

کردند که این خود نشان می‌دهد احتمالاً مطالب دیگری هم وجود داشته که همگان بر آن واقف هستند.

خوینی: غیرمترقبه نبود

حجت‌الاسلام موسوی خوینی در مورد بازگشت غیرمترقبه اعضای کمیسیون گفت: از نظر شخص من هیئت کمیسیون و مأموریتی که داشت این مسئله را ایجاب می‌کرد و به این ترتیب عزیمت آنان غیرمترقبه نبود؛ زیرا آنها دیدند نمی‌توانند منطبق با پیام امام عمل کنند. غیر از این هم که نمی‌توانستند کاری انجام بدهند.

وی افزود: آنها برای محکوم کردن جنایات شاه مخلوع و آمریکا نیامده بودند؛ کما اینکه دیشب نیز دانشجویان پرونده‌هایی را که در این زمینه از سفارت به دست آورده بودند، برای تسلیم به آنها بردند و به‌رغم تمام اصراری که کردند آنان این مدارک را تحویل نگرفتند؛ حتی دانشجویان مدارک را تا فرودگاه نیز با خود بردند، ولی اصرار آنان بی‌فایده بود.

وی گفت: یکی از شخصیت‌های ایرانی گفته: چون تصرف لانه جاسوسی غیرقانونی است، لذا کمیسیون نمی‌تواند مدارک را تحویل بگیرد. حجت‌الاسلام موسوی خوینی از ذکر نام این شخصیت خودداری کرد. حجت‌الاسلام خوینی گفت: از قول والد‌هایم نقل می‌کند که گفته است که کمیسیون در ایران حق اظهار نظر ندارد (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۰۹۷، چهارشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۵۸).

آزادی گروگان‌ها و اخراج یا استرداد شاه مخلوع - روزنامه بامداد، ۱۳۵۸/۸/۱۶ و

روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۸/۱۶

سفارتخانه‌های دانمارک، پاکستان و اسپانیا آماده وساطت درباره اشغال سفارت آمریکا بودند که برادران اشغال‌کننده سفارت قبول نکردند.

با حضور دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت مستعفی مهندس بازرگان، مراسم ویژه‌ای به مناسبت سالروز ۱۵ آبان از طرف انجمن اسلامی پالایشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم دکتر یزدی اعلام کرد: به شرط آزادی گروگان‌ها آمریکا آماده مذاکره در مورد استرداد یا اخراج شاه مخلوع است (متن کامل این سخنرانی در

۱۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

«مجموعه آثار، جلد دوم: سخنرانی‌ها و مقالات و مصاحبه‌های سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸» آمده است).

تحلیل و نقد اشغال سفارت و گروگان‌گیری

سخنرانی در دفتر نهضت آزادی ایران، آبان ۱۳۶۳ به مناسبت سالروز گروگان‌گیری
مقدمه

امروز مصادف است با رویداد بزرگ گروگان‌گیری در ایران. به همین مناسبت، بحث را به بررسی این مسئله اختصاص دادیم. گروگان‌گیری به لحاظ پیامدهایی که در کشور ما داشته و دارد، یک مسئله تمام شده و مرده نیست. این طور نیست که در روزی واقعه‌ای اتفاق افتاده بود و بعد از ۴۴ روز با امضای بیانیه الجزایر و پس از هدایت گروگان‌ها به هواپیما و بدرقه آنها توسط کفیل وزارت خارجه ایران، تمام شده باشد؛ نه چنین چیزی نیست. توضیح خواهم داد که گروگان‌گیری و بیانیه‌های الجزایر چه عوارض و پیامدهایی برای ما داشته و چگونه تا سال‌های سال این قضیه با ما خواهد بود (متن کامل این سخنرانی در «مجموعه آثار، جلد چهارم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۷۰» آمده است).

گفتگو با دکتر یزدی درباره اشغال سفارت آمریکا، گروگان‌گیری و موضوعات دیگر^۱
به نام خدا

س: آیا راست است که در محافل خصوصی با اشغال سفارت آمریکا اظهار مخالفت کرده و در مجامع عمومی اظهار خرسندی می‌کنید؟

۱. این گفتگو در یک متن دستنخط ۹ صفحه‌ای پیاده شده و سند موجود، تصویری از روی کپی آن دست‌خط است. از موضوعات مطرح شده روشن می‌شود گفتگو پس از استعفای دولت موقت، پس از اشغال سفارت آمریکا و پیش از اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران انجام شده است. گفتگو در محیطی کاملاً مخالف و انتقادی انجام شده و پرسش‌ها کاملاً عریانند و هیچ‌گونه ملاحظات حرفه‌ای روزنامه‌نگاری یا دیپلماتیک در آن لحاظ نشده است. افزون بر آن، در بسیاری جاها دست‌خط کپی شده ناخواناست. مکان گفتگو معلوم نیست؛ اگرچه در بالای صفحه اول با خطی دیگر نوشته شده: سخنرانی سیستان و بلوچستان: سؤال و جواب. ولی نوع پرسش‌ها نشان می‌دهد چنین گفتگویی در سیستان و بلوچستان صورت نگرفته باشد (ویراستار).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۵۹

ج: خیر، درست نیست. بین اشغال سفارت و طرح بعضی از مسائل فرق می‌کند. هم در خصوصی گفته‌ام و هم در همان روز اول اشغال سفارت، نظرم را و تأیید خودم را تلفنی به خود برادران دانشجویان خط امام گفته و نیازی نمی‌بینم و ضروری من که نیست دو چهره داشته باشم. آنچه را که داشته باشم با صراحت و قاطعیت می‌گویم و شاید مقداری از مشکلات ما همین بوده که با صراحت و بدون پرده‌پوشی حرف‌هایم را تا آخر زده‌ام. اصلاً با بعضی از موضع‌گیری‌شان موافق نیستم و مخالف هستم و معتقد هستم در یک جامعه اسلامی، اصل و اساس بر این است که حیثیت افراد و گروه‌ها مصون از تعرض باشد. حق نداریم که حیثیت‌ها را با بعضی از موضع‌گیری‌ها لکه‌دار کنیم و از بین ببریم و بعد بگوییم که تو بیا از خود دفاع کن. نه این در نظام شاهنشاهی است که افراد را می‌گرفته‌اند و می‌گفتند که شما متهم هستید مگر اینکه بیاید خلاف آن را بگوید و ثابت کنید. در نظام اسلام اصل براءت است، مگر اینکه خلاف آن را بگویم و اثباتش بر عهده مجرمین است، نه اینکه ما افراد را بگیریم و متهم بکنیم و بگوییم حالا بیاید از خود دفاع کنید.

سؤال: شما چرا در مقابل افراد فرصت‌طلب که شعار توحید را در انحصار خود می‌بینند که یا در تکروی معروفند حتی شادروان دکتر علی شریعتی که در صلاح‌دید وی هیچ تردیدی نیست به علت افکار انحصارطلبانه این گروه تکرو که نتوانست با آنها بسازد، سکوت اختیار می‌کنید.

ج: اولاً ما دو تکلیف داریم: یکی در مورد انقلاب که تا آنجا که بتوانیم پیوسته بیان می‌کنیم و تا آنجا که بتوانیم حل می‌کنیم و دوم خود مردم هستند که باید به آن حد آگاهی و رشد فکری و بینش سیاسی برسند تا بتوانند این چیزها را تشخیص بدهند.

س: شما چرا در مقابل افرادی که با بهره‌گیری از جو موجود در اوایل انقلاب که روزنامه‌های مزدور اقدام به نشر اکاذیب و ترور شخصیت‌ها می‌کردند و با استفاده از پول این ملت مستضعف اقدام به تأسیس «روزنامه انقلاب اسلامی» نمودند، ولی در عمل ترور شخصیت‌ها را یکی پس از دیگری آغاز کردند، از آن جمله ترور بازرگان و جناب‌عالی و قطب‌زاده و مدنی و تعدادی دیگر مانند جلال‌الدین فارسی در شرف تکوین است، سکوت اختیار می‌کنید. شما چرا در مقابل اشخاصی که در ۳۲ سال پیش

۱۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

اعلامیه‌هایی مبنی بر اینکه شاه سلطنت کند نه حکومت، تهیه کردند و وقاحت را به آنجا رساندند که در زیر پوشش بعضی، از انقلاب اسلامی در تهران و با امضای محفوظ الف - س (احمد سلامتیان) شخصیت جناب‌عالی و قطب‌زاده را لجن‌مال می‌کنند سکوت اختیار کرده‌اید؟ آیا به نظر شما مقارن با اصل مطبوعات و ترور شخصیت‌ها که کاندید ریاست جمهوری هستند ارتباط مستقیم با مسئله ریاست جمهوری ندارد؟

ج: من در پاسخ این قسمت آخر که مربوط به من می‌شد در «روزنامه انقلاب اسلامی»، باید بگویم که من متأسفم از این درگیری‌ها و از این موضع‌گیری‌ها. من این چنین برخوردهایی را به هیچ وجه اسلامی نمی‌دانم و برخلاف اخلاق اسلامی می‌بینم. در مورد بختیار یک مطلبی نوشته شده بود در «روزنامه انقلاب اسلامی» که به کلی کذب و دروغ است و من در جوابی که به آنها نوشته بودم و متأسفانه چاپ نکردند. من به زودی اعلامیه‌ای در این مورد خواهم داد. منتظر هستم ببینم بالاخره اینها چاپ می‌کنند یا نه. من جواب دادم به آنها که اولاً: از کی تا به حال خبر خبرگزاری آسوشیتدپرس - که یک خبرگزاری صهیونیستی هست - که بارها ما دیده‌ایم که خبرها را جعل می‌کنند؛ همین چند روز پیش در تهران دسته‌جاتی راه افتاده بودند به‌عنوان اعتراض به این خبرگزاری‌های صهیونیستی. از کی تا حالا خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌تواند منبع قضاوت یک خبر برای یک امت مسلمان باشد؟ آسوشیتدپرس به موجب این نقل قولی که در «روزنامه انقلاب اسلامی» شده، گفته که دکتر یزدی به ما گفته که آقای خمینی بختیار را خواهد پذیرفت. همان موقع ما آن را تکذیب کردیم و گفتیم که یک چنین چیزی نیست و همان روز در پاریس ما آن را تکذیب کردیم. آن وقت حالا این نویسنده‌ای که امضا کرده، بدون در نظر گرفتن اینها بدون اینکه این تکذیب ما را هم اضافه کنند، نقل می‌کند که ما در خانه بنی‌صدر نشسته بودیم، شام می‌خوردیم و صحبت این شد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به بنی‌صدر تلفن زد و گفت آقای یزدی گفته آقای خمینی بختیار را خواهد پذیرفت. و بعد که اینها را ذکر کرده در پایان جمع‌بندی کرده که بله این است چیزهایی و جریان‌هایی که در تهران و پاریس که خواستند ما را وادار کنند بختیار را بپذیریم. من

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۶۱

این جواب را دادم که اولاً منبع خبر صهیونیستی نمی‌تواند منبع قضاوت باشد و بعد من تکذیبش کردم و ثالثاً بالاخره اصل قضیه دروغ است. حضرت آیت‌الله خمینی هرگز چنین مطلبی مطرح نکرده که بختیار را بدون استعفا بپذیرد. بختیار در تهران استعفا داده بود. متن استعفا به خط خودش پیش آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی است و ایشان بعد از انقلاب در اسفندماه این متن را در اختیار روزنامه‌ها گذاشتند. بروید روز نامه‌های اسفندماه را ببینید. به نظر من این تاکتیکی که در آن موقع در تهران از طرف عده‌ای طرح می‌شد، تاکتیک صحیح بوده و همان کاری که با جلال تهرانی شد به‌عنوان رئیس شورای سلطنت کشیدندش اینجا که استعفا داد. نه تنها که استعفا داد بلکه متن را دو بار عوض کرد. متن اولیه که از شورای سلطنت استعفا داد به‌عنوان کسالت و از اینها بود که آقا نپذیرفتند. من که رابط بودم به من گفته بنویس زیرش آقا فرمودند. من عیناً نوشتم که متن باید این جوری باشد که آنها بپذیرند و آن اینکه نه به‌عنوان بیماری، [بلکه] به‌عنوان اینکه شورای سلطنت غیرقانونی است تو باید استعفا بدهی. گفت آقا من چه جوری این حرف را بزنم؟ من جلال تهرانی که شصت سال توی سیاست ایران بوده‌ام، شورای سلطنت را پذیرفته‌ام ریاست را؛ چه جوری حالا بگویم که این غیرقانونی است. ما نشستیم خودمان این روش را پیدا کردیم. گفتم که بنویس چون مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله خمینی فرموده‌اند که این شورای سلطنت غیرقانونی است، من به تبعیت از مرجع اعلام می‌کنم که این غیرقانونی است. استعفا داد به این ترتیب، که قابل قبول باشد برای امام. بعد پذیرفته شد. عین این برنامه برای بختیار بود. استعفایش را در تهران نوشته بود و به آقای صدر داده بود. غیرممکن بود بدون اینکه نه تنها استعفا بدهد متن استعفا هم به تصویب امام برسد، امام بپذیرد. من اینجا می‌گویم که: ای خواهر و برادر بگذارید بماند در تاریخ. مسئول خون‌هایی که بعد از این جریان در تهران ریخته شد به عهده کسانی است که نگذاشتند این برنامه اجرا شود. هرگز نه امام می‌پذیرفت و نه ما چنین پیشنهادی به امام داده بودیم و می‌دادیم. چطور چنین چیزی ممکن است؟ این را بعد از ماجرای جلال تهرانی، چرا اینقدر بی‌انصاف هستند و چرا اینقدر می‌خواهند پا روی حق بگذارند؟ و این هم شما که می‌گویید بعد از اینکه به تهران آمدید و فهمیدید یک گروهی در تهران می‌خواهند ترور بکنند، چطور ده ماه

۱۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

صبر کردید [و حالا] در آستانه انتخابات این حرف را می‌زنید؟ آخر چرا باید این‌طور باشد! هی ما صبر می‌کنیم و می‌ریزیم توی این اندرونمان. می‌گویم یک چاه پیدا کنیم سرمان را بکنیم در چاه فریاد بزنیم چرا این کار را می‌کنند؟ آخر ما که کاندید نیستیم. این را شما باید از آنها بخواهید که چرا این کارها را می‌کنند. ما نوشته‌ایم چاپ نکرده‌اند. من چه کار می‌توانم بکنم. عین ماجرا را نوشته‌ام که از کی منابع صهیونیستی برای شما حجت است که در حق ما نظارت بکنید. این است واقعیت. بروید پرسید. اگر نمی‌دانید پرسید. شماها که آمدید در جلسه گفته شد بروید تحقیق کنید، چرا آن کسانی که در آن جلسه بودند نمی‌گویید و توضیح کافی نمی‌دهید. خوب این درست نیست من متأسفم از اینکه ...^۱

ناظر: اگر آقای بختیار استعفایش را نوشته بود و نگذاشتند بدهد، آیا بعد از انقلاب یازده ماه جلویش را گرفته بودند که با انقلاب همبستگی‌اش را اعلام کند و در خبرگزاری‌های خارج هر شب برای انقلاب ما سوسه می‌آید و سد می‌شود در برابر انقلاب.

اما آقای بختیار نمی‌توانست صادقانه با این استعفا که می‌داد قبول باشد؛ چون بعد از انقلاب می‌بینیم که یک عده هستند که هنوز انقلاب ما پیروز نشده بود طرفداری شاه را می‌کردند، اما بعداً چه کار کردند؛ آمدند موافقت خودشان را اعلام کردند. آقای بختیار نمی‌توانست صادقانه باشد با آن استعفایش؛ چون بعد از ده ماه انقلاب چه کار کرده؟ همه حرف‌هایی که زده ضد انقلاب است!

یزدی: حرف شما صحیح است برادر. مگر جلال تهرانی صادقانه به انقلاب وفادار بود؛ الآن جلال تهرانی کجا است؟ مگر شما فکر می‌کردید که این برنامه را نوشته بودند در ماهیت بختیار شک داشتند؟

ناظر: مسلماً می‌خواستند با یک ...

آقای یزدی: نه، نمی‌توانید بگویید مسلماً؛ برای اینکه اگر من دارم حرف می‌زنم کوچک‌ترین شکی در ماهیت بختیار نداشتم. من دارم یک ماجرا را شرح می‌دهم. وارد

۱. مطلب در متن دست‌نوشته مصاحبه، به همین صورت آمده است.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۶۳

ماهیت بختیار نشده‌ام که شما به این معنا بگیری که من بودم. هرگز مدافع بختیار نبوده‌ام و نیستم و [نیز مدافع] آن کسانی [نیستم] که جبهه ملی بودند [و] کسانی که خبرها را به جبهه ملی نقل می‌کردند. ما خط‌مان سی و چند سال است مشخص است. ما خط‌مان از وقتی که انجمنی در دبیرستان امیرکبیر درست کردیم تا الآن تا این تاریخ همین خط است. هنوز هم از این خط تجاوز نکرده‌ایم. به جبهه ملی هم هیچ وقت اعتقاد [نداشته‌ایم؛ چون] به‌عنوان جبهه نبوده. بنابراین خط ما مشخص است. اما من دارم یک واقعیت تاریخی را برای شما گزارش می‌دهم و این واقعیت تاریخی عبارت از این بوده که هرگز امام بدون استعفا بختیار را نمی‌پذیرفتند.

ناظر: این یک حقیقت بوده و ما همان حقیقت را می‌خواهیم که آن نامه که به شما نوشته‌اند واقعاً مغرضانه بوده در رابطه با انقلاب اسلامی.

یزدی: خوب، ما جوابش را نوشته‌ایم که اگر آقای که نوشته‌اید، جواب ما را هم بنویسید. چرا خط‌تان را عوض می‌کنید؟ چرا در تمام مدتی که ما می‌صبر می‌کنیم می‌صبر می‌کنیم در حالی که این انقلاب خدای نکرده دچار اشکالاتی نشود. بعد می‌بینیم که می‌نویسند درباره فلسطینی‌ها این جور عمل کردیم، ولی نامه‌ای که یاسر عرفات به من می‌نویسد و از ما تشکر می‌کند و تقدیر می‌کند از ویژگی‌های ما و از کمک‌های ما که به آنها کردیم. انتظار داشتید کمک‌هایمان را لیست بکنیم که چه کار کردیم؟ خوب، نوشته. چرا نامه من را چاپ نمی‌کنند؟ چرا دنبال شایعه می‌روند که در مورد انقلاب فلسطین حتی موضع قاطعانه نداشته‌ایم؟ این حرف‌ها چیست؟ چرا چهار ساعت و نیم من در مجلس ملی الجزایر صحبت کردم مستقیم از تلویزیون الجزایر پخش می‌شده، [ولی] یک بار خبرش را [در ایران] نمی‌گذارند؟ چرا نمی‌گویند که من چه کار کرده‌ام؟ من که قصه حسین گُرد برای الجزایر نمی‌خواندم. در همین سازمان‌های آزادی‌بخش که از خاورمیانه، از اروپا، از آسیا از همه جا الآن دارند می‌آیند تهران مرکزشان تماماً در الجزایر هست. خودشان دعوت کردند. دو ساعت تمام من راجع به مسائل انقلاب اسلامی ایران با آنها صحبت کردم، با تمام سازمان‌های آزادی‌بخش. یک کلامش را در اینجا منتشر نکردند! چرا؟ بروید پیرسید چرا این کارها می‌شود؟ انقلاب مال شماست. شما انقلاب کردید باید حراستش کنید. من یا ما مطرح نیستیم. اگر ما فدا شدیم، فانی

۱۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

شدیم به جهنم به درک، اما نگذارید انقلابتان به کوره راه‌ها کشیده شود. بروید برسید تحقیق بکنید دلیلش چیه؟ مگر من تنها بودم. من هفده - هیجده سال خارج از کشور بودم. چرا یک بار در مورد دیگران نگفتند زنش فرانسوی است؟ چرا یک بار نگفتند که تبعه فلان جا است؟ چرا یک بار نگفتند بچه‌اش فارسی بلد نیست حرف بزند؟ مگر من تنها بودم. چرا نمی‌پرسید که پاسپورت حسن و حسین و تقی و نقی این همه آدم [از کدام کشور صادر شده؟ آنگاه پرسید] فلان آدمی که هیجده سال خارج از کشور بوده چگونه پاسپورتش بوده با چه پاسپورتی سفر می‌کرده؟ چرا برایش تهیه می‌کردند. ما طرفدار بختیار هستیم. بعد از سی و چند سال کسانی که سینه می‌زنند برای جبهه ملی، می‌آیند برای ما این حرف را می‌زنند. این درست نیست. ما حالا برای وحدت اسلامی هیچ چی نمی‌گوییم؛ حتی برای اینکه مبدا [به اختلافات] دامن زده شود حاضر نشده‌ایم که خودمان را کاندیدا کنیم. گفتیم بگذار همین‌طور بماند. حسن و حسین می‌خواهند رئیس جمهور بشوند، بشوند، اما بماند ممکن است. ولی نه اینکه برای دستمالی قیصریه را آتش بزنند.

س: به چه دلیلی به مأموری که از نهضت موریتانی که به ایران آمده بود، اجازه باز کردن دفتری در ایران داده نشد؟

ج: اولاً کی گفته که اجازه داده نشده و کی گفته به ایران مراجعه کرده‌اند. هر کس که این حرف را می‌زند درست نیست. ما به‌عنوان وزیر امور خارجه، کسی از طرف نهضت موریتانی مراجعه نکرده که ما اجازه ندهیم، ولی اگر می‌آمدند ما می‌پذیرفتیم. آخر منی که قبل از انقلاب با این [جنیش‌ها] رابطه داشتم، حالا چطور بعد از انقلاب ایران این اجازه را نمی‌دادم. آخر این حرف معقولی نیست. اگر می‌آمد اجازه می‌دادیم، ولی باید حتماً معرفی‌نامه داشته باشد. کما اینکه از جبهه اریتره آمدند معرفی‌نامه خواستیم و برگشتند. ما نمی‌توانیم هر کسی را همین‌طور بپذیریم. همان‌طور که از فلسطین رسماً معرفی کرده‌اند و روی چشم ما هم جا دارند.

س: رابطه‌اشنایی و دوستی شما با آقای امیرانتظام تا چه حد بوده و در صورت آشنایی با ایشان تا چه حد [ایشان را] می‌شناختید؛ یعنی برداشتتان از ایشان چطوری بوده است؟

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۶۵

ج: من امیرانتظام را از وقتی که در دانشکده فنی بوده می‌شناختمش؛ خط ما کاملاً از هم مشخص است. او به‌عنوان مکتبی ماهیتی که ما داریم نبوده و ایده‌های دیگری داشت. هویت مکتبی در مبارزات نداشته. در ۲۸ مرداد در نهضت مقاومت ملی بود؛ فعال هم بود، ولی مانند بعضی از دیگران که در نهضت بودند مکتبی نبودند. من اینجا چیزی باید بگویم. مدتی از اینکه آقای مهندس بازرگان با نهایت کم لطفی وقتی می‌خواست راجع به بعضی صحبت کنند یک نفر را در یک ردیف گذاشته و من به ایشان اعتراض کردم.

همان موقع به نظر ما یک چنین رده‌بندی‌ها درست نیست و ظلم و ناحق است، اما اینکه امیرانتظام را بخواهند به‌عنوان یک جاسوس معرفی کنند و بعد هم امیرانتظام را متهم کنند به یک جریان؛ این کاملاً ناحق بود. ببینید یک جریان را خواستند حمله کنند. جریانی که [طی] سی و چند سال گذشته توی این مملکت، به اعتقاد عده‌ای خدمت صادقانه می‌کرده.

این جریان هم مثل همه جریان‌ها در درون خودش افراد مختلف متکثر بوده‌اند. هرچقدر هم ما واقع‌بین باشیم باز هم به پای پیغمبر نمی‌رسیم. پیغمبر یک جریانی را در بستر طول تاریخ به وجود آورد. آیا تمام صحابه پیغمبر، همه ابوذر و سلمان بودند؟ آیا از جریان پیغمبر، افرادی بیرون نیامدند که حتی خوارج شدند؟ آیا از درون آن افرادی به وجود نیامدند که در برابر علی ایستادند؟ توی این جریان شما علی را ابوذر و سلمان و دیگران هم را داشتید. پس چرا خوارج پیدا شدند و چرا آن حوادث به وجود آمد؟ شما باید کل جریان را پیش می‌کشیدید. ضربه زدید [...] ناخوانا] نمی‌کردید. آخر توی این جریان، [آیت‌الله] طالقانی هم بوده، دکتر علی شریعتی هم بوده. همین آدمی که به این جریان حمله می‌کند. خودش می‌گوید من بیست ساله بودم که الفبای سیاست ملی را در مکتب نهضت مقاومت ملی یاد گرفته‌ام و پیوستم به او. در بستر رشد و تکاملش خودش تدریجاً این افراد که آمدند به هر دلیلی من نمی‌توانم همه مسائل را واضح بگویم. پیغمبر خدا مگر از راه علم حقیقی با حربه‌ای که داشته از طریق وحی هرچه می‌دانسته همه اطرافیان و صحابه خودش را نمی‌شناخته؟ می‌دانسته از همان روز اول چرا این آدم را من منشی خودم نکنم من؛ این آدم را این کارش ندهم

۱۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

و آن آدم این کارش بدهم. اینکه فردا ممکنه مشکلاتی به وجود نیارود.^۱ چرا پیغمبر این کار را می‌کرده؟ آیا تحت تأثیر این آدم قرار می‌گرفته یا آن آدم تحت تأثیر پیغمبر قرار می‌گرفته؟ آیا اگر اشخاصی بودند در مواقع خاص سیاسی و در یک برهه زمانی بعد از نهضت مقاومت ملی، سوراخ موش دونه‌ای هفت صنار. هیچ کس حاضر نیست بیاید به میدان؛ پس زمانی است که هر کسی یک اعلامیه‌ای چاپ می‌کند پخش کن فوری [...] ناخوانا]. یک فردی آدمی است جوانی است در نهضت مقاومت ملی. اگر توانستیم درون خودمان مطرح می‌کنیم؛ نتوانستیم راه خودمان را می‌رویم. مگر ما رنگ گرفتیم. رنگ دادیم. چرا این جریان را می‌خواهید چیزی کنید. ما این رویه را اسلامی و به نحو صحیح و به نفع امام نمی‌بینیم.^۲

س: آقای دکتر یزدی، من شما را متهم به دورویی و ریا می‌کنم؛ زیرا شما در محافل خصوصی عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را رد می‌کنید، اما برای کسب وجهه و محبوبیت در میان مردم در مجالس صحبت می‌کنید.

ج: استدعا می‌کنم کسی که این سؤال را نوشته برخیزد و ادعای خودش را ثابت کند. اگر مسلمان است برخیزد خودش را معرفی کند. والله من هرگز او را مقابل خداوند نخواهم بخشید. اگر کسی این شهادت را ندارد که اتهامی را که می‌زند بایستد و نشان بدهد، مدعی قرآن است، حق ندارد که چنین چیزی را مطرح کند. ما برای ارزش‌های اسلامی مان داریم می‌جنگیم. ما داریم کجا می‌رویم؟ چه کار می‌کنیم؟ در کدام مجلس خصوصی و با کدام شاهد؟ بیاورید (یک نفر از میان مجلس: آقا [سؤال کننده] دررفت).

س: لطفاً نظر خود را در رابطه با نهضت آزادی و اتهامی که به آقای امیرانتظام است بفرمایید. اگر آقای امیرانتظام محکوم است، اگر می‌دانستید بگویید چرا آقای مهندس بازرگان از او دفاع می‌کند؟

۱. سند این مطلب، کپی دستنوشته‌ای است که یا در گفتگوی حضوری نوشته شده و یا از روی نوار پیاده شده، ولی کم رنگ و از سمت راست صفحه پاک شدگی و افتادگی دارد (ویراستار).

۲. متن سند به همین صورت ناقص و پریشان است.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۶۷

ج: من واقعاً نمی‌دانم. من پرونده آقای امیرانتظام را نخوانده و نمی‌دانم. چون نمی‌دانم، نمی‌توانم نظر بدهم. گفتم گرایش‌ها و خصوصیات اخلاقی یک فرد یک مسئله است. به هیچ عنوان درست نیست. من شدیداً آزرده خاطر شدم که سه نفر را در یک طرف گذاشت و معرفی کرد و همان روز به او گفتم، ولی این فرق می‌کند که در مورد یک فرد همین طوری قضاوت کنی. من نمی‌دانم. این در مورد کسانی است که پرونده امیرانتظام را دیده‌اند. تا اینجا که من می‌دانم آقای هاشمی رفسنجانی مدارک را دیده [و] می‌گوید این مدارکی که دانشجویان در اختیار دادستان گذاشته‌اند هیچ‌کدام دلیل بر جاسوس بودن امیرانتظام نیست. من هم مثل همه شما در روزنامه خواندم و آنچه را که آقای قدوسی گفته، هیچ‌کدام از مدارک دلیل بر جاسوس بودن امیرانتظام نیست. باز هم همین‌طور که من شنیده‌ام تا دیروز گفته‌اند تا شنبه - یکشنبه [...] ناخوانا] اگر مدارکی جمع شده کافی نیست. من نمی‌دانم. من ندیده‌ام و فقط شنیده‌های خودم را برایتان گفتم. آقای مهندس بازرگان در سخنان خودشان گفته‌اند که من رفته‌ام و مدارک را دیده‌ام. بحث هم شده و جواب‌هایی هم داده‌ایم و در شورای انقلاب مطرح شده و آقای مهندس بازرگان این اسناد را دیده. اولین قرائت از من است اشتباه بکند من حتی ندیده‌ام که نظر بدهم. آنچه را که در روزنامه سیاهی کرده من کافی نمی‌دانم، اما حتی گفته‌اند که مدارک زیادی است در حدود ۲۰۰ برگ هست که مدارک را آقای هاشمی رفسنجانی دیده؛ آقای بازرگان دیده. آنها اولی‌تر هستند نظر قطعی بدهند.^۱

س: آیا بین نهضت در داخل کشور و خارج کشور دو سیاست متفاوت وجود دارد؛ با اینکه شش نفر از اعضای شورای انقلاب در نهضت هستند، آیا توهین به شورا نبوده؟

ج: اولاً چرا می‌گویند که توهین به شورای انقلاب است. ببیند خواهران و برادران، چطور مسئله را برایتان جا می‌اندازند؟ ببینید هنوز دو دسته‌اند (... ناخوانا) چیزی نشده حرف و بحث گفتگو هنوز راجع به خود امیرانتظام است وصل می‌کنند به نهضت و

۱. این عبارات، عین متن سند است (ویراستار).

۱۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

این جور می‌کوبند که یکی از برادران و خواهران مؤمن، حضور اعضای نهضت را در شورای انقلاب توهین بدانند. به نظر من نه. اما بین نهضت داخل کشور و خارج کشور تفاوت وجود دارد؟ بله هم تفاوت در برخی از تحلیل‌ها وجود داشته و هم در تفاوت موضع‌گیری‌ها که به دلیل اینکه امکاناتی که در خارج از کشور بوده، در خارج از کشور نهضت از آزادی‌هایی بیشتر برخوردار بوده و می‌توانسته قاطعانه و سریع‌تر موضع خودش را اعلام کند. در داخل ایران، غیر از توده‌های مردمی در ایران راه می‌افتد به صورت اجتماع و شعار مرگ بر شاه می‌دادند. هیچ گروه و دسته‌ای به نام حزب و گروه سیاسی [...] ناخوانا] را که نظام سلطنتی را و شاه را ارائه نداد. اگر داده به من بگویید داده. تا قبل از انقلاب هیچ گروه و دسته‌ای به نام گروه و دسته‌اش این کار را نکرده. راهپیمایی بوده و مردم می‌رفته‌اند اما به نام گروه و دسته نبوده. بنابراین (... ناخوانا) در داخل و خارج از کشور این اختلاف بوده.

س: آقای بنی‌صدر در مصاحبه‌ای با «کیهان» گفت که وقتی من به سمت وزیر امور خارجه [منصوب] شده بودم هنوز اردشیر زاهدی از دولت (کلمه ناخوانا) [حقوق] می‌گرفت. وقتی که ما آمدیم او را بیرون کردیم. شما چرا این کار را نکردید که آقای بنی‌صدر کرد؟

ج: این [ادعا] درست نیست به هیچ وجه. من باز از آقای بنی‌صدر می‌خواهم اگر می‌تواند سند بیاورد که آقای اردشیر زاهدی در زمان تصدی من از صندوق وزارت امور خارجه پول می‌گرفته. اگر چنین سندی به من داد من تمام حرف‌هایم را پس می‌گیرم. هرگز این درست نیست. حتی آقای قطب‌زاده این حرف را زد که ما پاکسازی را آغاز کردیم در وزارت امور خارجه؛ درحالی‌که پاکسازی آغاز شده بود. قبل از تصدی آقای بنی‌صدر و قطب‌زاده ۴۲ نفر از اشتغال سیاسی [در] امور خارجه [پاکسازی شده بودند که] یا ما آنها را بازنشسته کرده بودیم و یا از کارشان اخراج کردیم. یک لیست ۵۶ نفره داشتیم که من رفتم به وزارت امور خارجه و به آنها حقوق ندادیم. بنا به دلیلی نمی‌توانم اسمشان را بگویم. پیشنهاد دادیم به دولت و بعد شورای انقلاب که آیین‌نامه‌ای برای پاکسازی تصویب شد. به یک هیئت پنج نفری دولت این اختیارات را دادند که به آن هیئت معرفی شوند و ذی حق باشند اینها را که هرکاری

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۶۹

می‌خواهند انجام دهد که مصادف شد با رفتن آن شش نفر. هرگز از وزارت امور خارجه پولی نگرفته‌اند.

س: شما چرا وقتی وزیر امور خارجه بودید به نمایندگان سازمان‌های آزادی‌بخش روی خوش نشان ندادید و به آنها کمک نکردید؟

ج: درحالی‌که این برخلاف این ظلم است. من نمی‌دانم چه دستی در کار بوده که وقتی من کنفرانس مطبوعاتی می‌گذاشتم دو خطش را منتشر نمی‌کردند. چند تکه‌اش را نشان می‌دادند و بقیه‌اش را نشان نمی‌دادند. من وقتی راجع به بختیار و پیغام کارتر راجع به بختیار به آقا در پاریس یک ساعت مصاحبه تلویزیونی کردم. یازده دقیقه‌اش را نشان دادند و بعد بلافاصله قطع شد؛ چرا؟ چرا خبرهایی که در سازمان ملل بودیم، در هاوانا بودیم، در الجزایر بودیم پخش نشد؟ چه مطلبی بوده راجع به من، که می‌خواستند اینقدر سندش را اینجا سانسور کنند؟ در باره سازمان‌های آزادی‌بخش این‌طور نبود. فلسطین خودش به من نوشت و جبهه آزادی‌بخش اریتره خودش به من نامه نوشت که نامه بعد از این خوانده شده بود که من استعفای خود را داده بودم. چطور چنین چیزی ممکن است و ما رابطه عمیق با جبهه‌های آزادی‌بخش فیلیپین داریم، با آفریقا داریم، با جاهای دیگر داریم. ما در حدود ۲۰۰۰ جلد کتاب به آنها دادیم. در هاوانا برنامه‌های مختلفی با آنها داشتیم. چطور چنین چیزی ممکن است. [نکته دیگر که باید بدانید این است که] همه کارها را که وزارت امور خارجه نمی‌تواند انجام بدهد و هر کاری را که هم بکند نمی‌تواند بگوید.

س: وضع شاه در پاناما چه می‌شود؟

ج: به نظر من بهترین وسیله است که پاناما شاه را تحویل ایران بدهد. اگر پاناما شاه را به ایران تحویل دهد، [دولت] پاناما به مردم خودش می‌گوید چرا شما مخالف هستید با بردن این جنایتکار؟ من به نظر شما تسلیم می‌شوم و تعظیم می‌کنم، شاه را تحویل می‌دهد و به ملت ایران می‌گوید که چون شما مبارزه کردید و قهرمان هستید و انقلاب کردید من شاه را به شما تحویل می‌دهم به شرطی که گروگان‌ها را پس بدهید. خوب مردم دقیقاً شاه را می‌خواهند و گروگان‌ها را پس بدهند و این کار را می‌کنند و از طرفی پاناما می‌تواند به آمریکا بگوید چون من بشردوست هستم به خاطر نجات

۱۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروگان‌ها این کار را می‌کنم. پس پاناما در این وسط یک قهرمان خواهد شد و رفع مشکل خودش را کرده و مشکل آمریکا را حل کرده که از بن بست درآمد و مشکل ایران را هم که شاه [را] می‌خواهد حل کرده. بنابراین به نظر من وسیله‌ای پیش آمده است، اما دولت پاناما یک دولت مستقلی نیست و کارتر هم می‌تواند اظهار کند که من تسلیم گروگان‌گیری و تهدیدها نشدم. در دنیا حفظ آبرویی که خودش می‌خواهد داشته باشد خواهد کرد. پاناما دولتی نیست که اهمیتی بدهند که چه هست و چه کار می‌کنند. به فرض یک موقعیتی پیدا شده که این کار بشه. سابقاً دولت پاناما گفته کسی از ما تقاضا نکرده؛ اگر بکنند خواهیم کرد!

س: شما به چه کسی رأی می‌دهید؟

ج: آقای حسن حبیبی [پیوست ۹].

۱. تمام جمله بندی‌های این بند، ناتمام و نارسا است (ویراستار).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۷۱

پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل یکم

پیوست ۱- گفتگوی حبیب‌الله بی‌طرف در دفاع از اشغال سفارت آمریکا

بی‌طرف: احمدی‌نژاد تهدید کرد تسخیر سفارت را به بازرگان خبر می‌دهد - سایت تاریخ ایرانی، ۴ فروردین ۱۳۹۲، کد: ۳۰۵۶

حبیب‌الله بی‌طرف، وزیر اسبق نیرو و یکی از سران دانشجویان پیرو خط امام که در تسخیر سفارت آمریکا فعال بودند، می‌گوید: اگر سفارت آمریکا را نمی‌گرفتیم، کودتایی شبیه ۲۸ مرداد رخ می‌داد.

به گزارش الف، حبیب‌الله بی‌طرف که به‌مناسب نوروز با ویژه‌نامه‌ای در یزد گفتگو می‌کرد، گفت: احمدی‌نژاد بعد از متوجه شدن برنامه دانشجویان، تهدید کرده که موضوع را به بازرگان (نخست‌وزیر وقت) اطلاع می‌دهد.

در بخشی از مصاحبه «ماهنامه تدبیر آینده» با حبیب‌الله بی‌طرف آمده است: جریان تسخیر سفارت آمریکا منبعث از شورایی متشکل از نمایندگان انجمن‌های اسلامی چهار دانشگاه تهران، شهید بهشتی، پلی تکنیک و صنعتی شریف بود.

ایده تسخیر سفارت توسط آقای اصغرزاده در جلسه شورای تحکیم وحدت مطرح شد که آقایان سیدنژاد و احمدی‌نژاد با آن مخالف بودند. آقای احمدی‌نژاد تهدید کرد اگر قصد این کار را داشته باشید، موضوع را به آقای بازرگان منتقل می‌کنم! و این برخورد باعث شد این دو نفر از کمیته برنامه‌ریزی تسخیر کنار گذاشته شوند و عملاً بار حرکت تسخیر لانه جاسوسی بر دوش دانشگاه‌های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف و شهید بهشتی قرار گرفت.

اصل حرکت برای سه روز برنامه‌ریزی شد و قرار بود دانشجویان به‌خاطر اجازه ورود شاه به آمریکا، به دولت آمریکا اعتراض کنند و خواستار بازگرداندن شاه به ایران شوند. قرار بر این بود که اگر پس از سه روز مسئله حل نشود، نمایندگان نزد آیت‌الله منتظری بروند و ایشان پیام دهند که دانشجویان برگردند.

آقای موسوی خویینی‌ها به دلیل ارتباط فرهنگی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با دانشجویان داشتند و دانشجویان در جلسات تفسیر قرآن ایشان حضور

۱۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌یافتند، در آن زمان نماینده امام در صدا و سیما بودند. ما برای اینکه امام را از ماجرا مطلع کنیم، خدمت ایشان رفتیم و از ایشان خواستیم برنامه دانشجویان را به امام منتقل کنند.

ایشان گفتند: امام خمینی، رهبر رسمی انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی هستند و مصلحت نیست این حرکت خودجوش را تأیید یا تکذیب کنند؛ بنابراین، شما نباید توقع پاسخ از امام داشته باشید. برای ما مخصوصاً دانشجویان دانشگاه تهران مهم بود که نظر امام در این رابطه چیست و دوستان می‌گفتند اگر امام مخالف باشند، ما حاضر به انجام این کار نیستیم. این نظر دانشجویان را به آقای موسوی خویینی‌ها منتقل کردم.

ایشان در نهایت گفتند من موضوع را به امام منتقل می‌کنم، اگر امام مخالف بودند، نظر ایشان را به صورت فوری و تا دو روز دیگر به شما اعلام می‌کنم. دو روز گذشت؛ امام نظری ندادند، ولی در پیامی که در آن روزها صادر کردند، اشاره به تشدید حملات دانشجویان و طلاب بر علیه آمریکا کردند و ما دانشجویان این پیام را به عنوان پاسخ مثبت امام تلقی کردیم.

تأثیرات تسخیر سفارت

معتقدم این حرکت یکی از تأثیرگذارترین وقایع انقلاب بود و باعث شد تا تهدیدهای جدی از سر انقلاب عبور کند. در آن زمان بحث کودتا به صورت جدی مطرح بود و اگر این حرکت انجام نمی‌شد انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی بر اثر کودتایی شبیه کودتای سال ۱۳۳۲ ضربه می‌خورد و یا با روند استحاله از درون، از مسیر خود خارج می‌شد.

حرکت تسخیر لانه جاسوسی به غیر از نحوه ورود که با پریدن دانشجویان از روی نرده‌ها و بستن چشم‌های گروگانان در روزهای اول، کمی خشن بود، ولیکن در سایر جهات به عنوان یک حرکت اعتراضی مستقل دانشجویی هویت داشت. شورای مرکزی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، با هوشمندی خود و تحت هدایت آقای موسوی خویینی‌ها توانست یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین جریان‌های گروگان‌گیری

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۷۳

را در عرصه بین‌المللی مدیریت کند. دانشجویان توانستند در یک دوره طولانی چهارده ماهه حقانیت خواسته‌های منطقی خود را برای دنیا اثبات کنند و در عین حال در طول دوره گروگان‌گیری، آمریکایی‌ها را مانند «گل» نگهداری کردند. در دوره ۴۴۴ روز گروگان‌گیری، رفتار دانشجویان با گروگان‌های آمریکایی کاملاً انسانی و اسلامی بود و حتی پخت غذاهای آنان توسط آشپز پاکستانی خودشان انجام می‌گرفت تا با ذائقه آنان سازگار باشد.

ختم مسئله تسخیر سفارت

هنگامی که ماجرا خیلی بزرگ شده بود و در داخل هم میان سران کشور برای ختم آن اختلاف‌نظر وجود داشت، امام تدبیر هوشمندانه‌ای اتخاذ کردند و فرمودند این موضوع بماند تا اینکه مجلس تشکیل شود و نمایندگان مردم در مورد آن تصمیم‌گیری کنند. این موضوع باعث شد گروگان‌ها در یک مدت طولانی توسط دانشجویان نگهداری شوند تا مجلس تشکیل شود و نهایتاً در چارچوب مصوبه مجلس و امضای قرارداد الجزایر، گروگان‌ها در بهمن ۱۳۵۹ آزاد شدند. من در مورد خاطرات آن زمان یک جزوه چهار صفحه‌ای نوشته‌ام تا مرور زمان موجب فراموش شدن آنها نشود و در یک فرصت مناسب آن را منتشر می‌کنم. برای نمونه مواردی را خدمتتان عرض می‌کنم: یکی - دو ماه بعد از گروگان‌گیری، دانشجویان تصمیم به آزاد کردن گروگان‌های زن و سیاهپوست غیرجاسوس گرفتند، که موضوعی اخلاقی و انسانی بود و اثرات انسانی زیادی داشت و خواسته‌های منطقی دانشجویان مجدداً در سطح جهان و در تمام رسانه‌های دنیا مطرح شد. دانشجویان همچنین پس از کسب اطلاعاتی مبنی بر تصمیم آمریکا برای انجام عملیات آزادسازی گروگان‌ها، آنان را در گروه‌های چندنفره به نقاط مختلف کشور منتقل کردند تا امکان آزادسازی گروگان‌ها طی یک عملیات وجود نداشته باشد.

برای حفاظت از لانه جاسوسی و جلوگیری از تهدیدات خارجی و پیشگیری از فرار گروگان‌ها، تدابیری اندیشیده شده بود، از جمله آنکه حفاظت خارجی سفارت برعهده سپاه قرار گرفته بود و حفاظت داخل سفارت با انجام آموزش‌هایی برعهده دانشجویان بود.

۱۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروگان‌ها به‌طور کلی، دو دسته بودند: گروه اول مغز و گروه دوم بازو! مغزها برای فرار نقشه می‌کشیدند و بازوها عامل عملیات بودند. ما این را متوجه شده بودیم و به همین علت آنها را جدا از هم نگهداری می‌کردیم.

در یکی از بازرسی‌ها در بالشت یکی از گروگان‌ها به نام «جان لیمرت» کاغذی را پیدا کردیم و او به این موضوع اعتراف کرده بود. اینها طرح‌ها را می‌نوشتند و در زمان توالی رفتن، دست‌نوشته‌ها را لابلای دستمال کاغذی رول می‌گذاشتند که به‌صورت تصادفی به نفر دیگر منتقل می‌شد.

تعداد گروگانان‌ها ۶۵ نفر بود که سه نفر از آنان کارمند سیا بودند. البته در زمان تسخیر سفارت در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ سه نفر از کارکنان سفارت از جمله کاردار آمریکا (لینگن) برای ملاقات به وزارت امور خارجه ایران رفته بودند که پس از مدتی که در اختیار وزارت خارجه بودند، به سفارت منتقل و در اختیار دانشجویان قرار گرفتند. با احتساب این سه نفر، مجموعاً ۶۸ گروگان آمریکایی در اختیار دانشجویان بودند.

در هنگام تسخیر سفارت در طبقه دوم ساختمان اصلی سفارت، به یک درب ضخیم گاو‌سندوقی رسیدیم که بچه‌ها پشت آن ماندند؛ درحالی‌که آمریکایی‌ها داخل آنجا بودند و از فرصت استفاده کرده و اقدام به از بین بردن اسناد کردند. این اسناد سه دسته بودند: دسته اول میکروفیش‌های بسته‌بندی شده وجود داشت که با چکش آنها را از بین برده بودند. دسته دوم اسناد اسکن شده روی فیلم‌های رادیولوژی بود که با دستگاهی، آنها را پودر کرده بودند. دسته سوم اسناد [کاغذی بود که آنها] را هم به کاغذخردکن‌ها داده بودند و آنها را رشته رشته کرده بودند. البته بخشی از اسناد دسته سوم توسط گروهی از دانشجویان و دانش‌آموزان بازسازی شدند. از این اسناد بازسازی‌شده، مطالبی در رابطه با فعالیت‌های محرمانه آمریکا در ایران به‌دست آمد که تحت عنوان «اسناد رشته‌ای» چاپ و منتشر شد.

آقای مهندس! آیا راهکارهایی مانند تسخیر سفارت هنوز باز است؟
نه خیر. این حرکت در سال ۱۳۵۸ و در شرایطی که انقلاب کاملاً تثبیت نشده و نظام جمهوری اسلامی نوپا بود، می‌توانست معنی داشته باشد.

تفاوت تسخیر سفارت آمریکا با تسخیر اخیر سفارت انگلیس چه بود؟

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۷۵

تفاوت آن در خودجوش [بودن] تسخیرکنندگان بود.

منبع: <http://tarikhirani.ir/fa/news/3056/%D8>

پیوست ۲- روایت عباس عبدی از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ در بیست و نهمین سالگرد حمله به سفارت آمریکا

۹ ماه از پیروزی انقلاب ایران که در مجموع مهر و نشان ضد آمریکایی داشت، نگذشته بود که گروهی از دانشجویان ایرانی به سفارت آمریکا در ایران حمله کرده و آن را اشغال کردند؛ اشغالی که بیش از ۴۴۰ روز ادامه داشت و به تلاش‌های دیپلماتیک از دو سو پاسخ نداد. دولت موقت انقلابی در ایران که بعضی از نمایندگان در معرض اتهام دانشجویان قرار گرفته بودند، ظاهراً در اثر این رویداد سقوط کرد و سرانجام پس از پایان دوره دولت دمکرات جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا، گروگان‌ها به جمهوری خواهان، به ریاست رونالد ریگان، تحویل داده شدند.

این، در سیزدهم آبان ۱۳۵۸ اتفاق افتاد و ۲۹ سال از تاریخ آن می‌گذرد. این ماجرا طی ۲۹ سال گذشته، همواره با دیدگاه‌های مختلف و با تعبیر گوناگون، تحلیل شده است.

از ضرورت تاریخی که این حرکت را ناگزیر توصیف می‌کند تا خطای سیاسی که خسارات مادی و معنوی برای کشور به ارمغان آورده است، محور تحلیل‌ها است. در مورد بعضی از زوایای سیاسی این واقعه تاریخی، با آقای عباس عبدی، تحلیلگر سیاسی در تهران، که از جمله فعالین این حرکت بودند، گفتگو کرده‌ام. [پرسش:] طی تقریباً ۳۰ سال گذشته، نظرگاه‌هایی که در ایران وجود داشت - به نظر می‌آمد یک اجماعی در ضدیت با آمریکا و اشغال سفارت وجود دارد - تغییر کرده است. [عبدی:] نه، هیچ تغییری نکرده است.

- تغییر نکرده است؟

- نه.

- ولی ذهنیت نیروهای سیاسی در ایران، آن زمان در ضدیت با آمریکا و تأیید

این حرکت شما، یک اجماعی داشت که امروز ندارد.

۱۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

- برای اینکه آمریکا تغییر کرده. آمریکا آن موقع در ویتنام آن رفتارها را می‌کرد، حالا در عراق این رفتار را می‌کند. این همه هزینه می‌کند، اما آخرش انتخابات می‌گذارد و کسی که اکثریت را می‌آورد، حکومت را به دست می‌گیرد. حتی طرفدار ایران در آنجا اکثریت را به دست می‌آورد. این رفتاری کاملاً متفاوت است و یک بخش از آن ناشی از همان اشغال سفارت است.

- چطور ناشی از اشغال سفارت است؟

- برای اینکه آمریکایی‌ها فهمیدند اقدام به کودتا و این‌گونه موارد، حتی اگر در کوتاه‌مدت هم به نفعشان باشد، بعدها یک جایی این دُمل چرکین، سر باز می‌کند. آن عقده‌هایی که در ملت‌های تحت ستم به وجود می‌آید، سال‌ها هم که از آن بگذرد، بالاخره یک جایی آثار خودش را نشان می‌دهد و هزینه‌اش را تحمیل می‌کند. به این نتیجه رسیدند که این راه، دیگر خیلی جواب نمی‌دهد.

- اگر به چنین دریافتی رسیده بودند، آیا این فکر نمی‌توانست راهنمای این باشد که اساساً وارد عراق نشوند و به عراق حمله نکنند؟

- کاملاً متفاوت است. وقتی به عراق حمله کردند، یک حکومت ۱۰۰ درصد استبدادی داشت و بعد آنجا پذیرفتند که ملت رأی بدهند و هر کسی را که می‌خواهند، انتخاب کنند؛ درحالی‌که در گذشته، خلاف این را عمل می‌کردند؛ به حکومت‌های دموکراتیک حمله می‌کردند تا یک حکومت مستبد و آدم وابسته به خودشان را سر کار بیاورند. کاملاً قضیه عکس شده است.

- ولی می‌دانید تفسیری وجود دارد که این حمله به افغانستان و عراق را نه برای مردم عراق، بلکه در جهت منافع خود آمریکا ارزیابی می‌کند.

- نمی‌گوییم پی منافع نباشد. حتماً دنبال منافع خود است. من هم به دنبال منافع هستم. یک وقتی یک رستوران باز می‌کنم و غذای خوبی به مردم می‌دهم تا سود خوبی ببرم. اینجا به دنبال منافع هستم، اما شما که غذا می‌خورید، به این کار احترام می‌گذارید. یک وقت، هرویین می‌فروشم، باز هم دنبال منافع خودم هستم، اما شما این کار را محکوم می‌کنید. هم در گذشته، هم در حال، آمریکا به دنبال منافعش است. اصلاً، احمقانه است که دنبال منافعش نباشد. فقط تفاوتش این است که آن موقع

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۷۷

منافعش را با رفتارش در ویتنام تعریف می‌کرد، الان طور دیگری آن را تعریف می‌کند. در عراق هم که می‌آید، می‌گوید: «رأی‌گیری و انتخابات، هرچه که خودتان انتخاب کردید». این، دو کشور است، نه یکی.

– مشکل این است که اگر بخواهیم این را اصل بگیریم که این آمریکا است که تغییر کرده، می‌بینیم در تمام جهان – حداقل طی هشت سال گذشته – ذهنیت نسبت به آمریکا منفی بوده و در ایران عکس این اتفاق افتاده است.

– کاملاً درست است. علتش این است که اولاً، آمریکا به عراق (به صدام) حمله کرده که دشمن ایران بوده است. به همین دلیلی که ایرانیان از موضع منافعشان، نگاهشان به آمریکا متفاوت است، ممکن است عربستانی‌ها از موضع دیگری به قضیه نگاه کنند. آنها حس می‌کنند شیعیان در عراق روی کار آمده‌اند که مخالفشان هستند. اهل سنت یک جور دیگر در این قضیه فکر می‌کند. همه بر حسب منافعمان به قضیه نگاه می‌کنیم. در افغانستان هم همین‌طور.

– به حادثه مشخص برگردیم. فکر می‌کنید اشغال سفارت آمریکا، یک حرکت از روی قصد و آگاهی قبلی بود؟ یا حادثه‌ای بود که می‌توانست اتفاق نیفتد؟

– پاسخ هر دو منفی است. اگر منظورتان از آگاهی این است که اتفاقی که رخ می‌دهد، همه به تبعات و نتایج آن دقیق آگاه باشند، اولاً، در سیاست چنین چیزی به این دقت نداریم. ثانیاً، آن موقع اصلاً امکان‌پذیر نبود.

رژیمی بسته و استبدادی که با کودتا سر کار می‌آید، آمریکا هم از او حمایت می‌کند. قرار نیست آدم‌های آگاه و آینده‌بینی را پرورش بدهد. علتی هم که انقلاب می‌شود، در مخالفت با همین وضع است؛ بنابراین، از این حیث، پاسخ منفی است، اما اینکه می‌توانست اتفاق نیفتد، کاملاً تردید دارم؛ به خاطر اینکه اوایل انقلاب یک بار حمله شده بود، آن موقع هم اقدامی کرد و شاه را برد. اگر این هم اتفاق نمی‌افتاد، حتماً اقدام دیگری می‌شد. این اتفاق یا مشابه آن، کم و بیش، با آن روندی که وجود داشت، به وجود می‌آمد؛ بنابراین، پاسخ یکی از این دو نیست، پاسخ، وضعیت سومی می‌تواند باشد.

۱۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- این پاسخ سوم، آیا می‌توانست موضع دولت موقت باشد که با این حرکت شما مخالف بود؟

- خیر، دولت موقت حامی بود.

- دولت موقت حامی بود؟

- بله. آقای یزدی دو روز بعد از اشغال سفارت، عیناً گفت: «دولت موقت از این حرکت دفاع می‌کند». به کیهان دو روز بعد از اشغال سفارت (۱۵ یا ۱۶ آبان) مراجعه کنید، عین اظهارات آقای یزدی را می‌بینید.

- ولی خلاف این گفته می‌شود!

- صحبت‌های امروز را کنار بگذارید.

- اما، موضع‌گیری همان موقع مهندس بازرگان، این بود.

- آقای بازرگان نخست‌وزیر بود، نه دولت موقت.

- اما آن موقع گفته می‌شد، یکی از دلایلی که دانشجویان را در این حرکت

مصمم کرد، ملاقات آقای بازرگان، دکتر یزدی و آقای چمران، با برژنیسکی بود.

- خیر. قبل از اینکه آن ملاقات انجام شود، برنامه‌ریزی این کار صورت گرفته بود.

- یک سؤال تقریباً خصوصی؛ به گذشته که نگاه می‌کنید، آیا آرزو نمی‌کنید در

این حرکت شرکت نداشتید؟

- هیچ آرزویی راجع به گذشته ندارم. گذشته همینی است که اتفاق افتاده. من در

مورد آینده آرزو دارم.

- در آینده که هرگز دوباره به سفارت حمله نمی‌کنید.

- اگر آمریکا غلط‌های گذشته را انجام دهد، بچه من حمله می‌کند. خاطرتان جمع

باشد، فرزندان ما این کار را می‌کنند. مگر اینکه آن‌ها سیاستشان درست باشد.

منبع:

مریم محمدی، بیست و نهمین سالگرد حمله به سفارت آمریکا در گفتگو با عباس

عبدی (روایت عباس عبدی از ۱۳ آبان ۱۳۵۸)، تاریخ انتشار: ۱۴ آبان ۱۳۸۷.

https://zamaaneh.com/special/2008/11/post_676.html

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۷۹

- پیوست ۳- برخی از شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی که از دانشجویان حمایت کردند
- ۱- جبهه ملی: «توطئه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران محکوم است» (۵۸/۸/۱۵).
 - ۲- حزب ملت ایران: «اشغال سفارت آمریکا حرکت انقلابی ملت ایران است» (۵۸/۸/۱۷).
 - ۳- کانون نویسندگان ایران: «در نامه‌ای خطاب به امام: «اندیشه، قلم و بیان ما وقف خدمت به انقلاب خواهد بود» (۵۸/۸/۱۷).
 - ۴- گروه‌های پشتیبانی کارگری: «امواج خشم مردم علیه امپریالیسم آمریکا» (۵۸/۸/۱۷).
 - ۵- حزب جمهوری خلق مسلمان: «آمریکا با پناه دادن شاه به اراده ملت مسلمان ایران توهین کرده است» (۵۸/۸/۱۷).
 - ۶- پیام‌های پشتیبانی گروه‌های گوناگون در ۵۸/۸/۱۸.
 - ۷- آیت‌الله منتظری: «پیام به ملت آمریکا» (۵۸/۸/۲۰).
 - ۸- دکتر ابوالحسن بنی‌صدر (سرپرست وزارت امور خارجه) طی نُه پیام:
 - «سفارت آمریکا در ایران از مراکز مهم حکومتی و جاسوسی آمریکا در جهان بوده است» (۵۸/۸/۲۰).
 - «برای ضربه زدن به منافع آمریکا نبض کار را در دست داریم» (۵۸/۸/۲۱).
 - «به سفارتخانه‌های ایران در سراسر جهان آماده‌باش داده شد» (۵۸/۸/۲۱).
 - «هشدار ایران در مورد جو جنگ به دبیرکل سازمان ملل متحد» (۵۸/۸/۲۲).
 - «قصد قطع رابطه با آمریکا را نداریم» (۵۸/۸/۲۲).
 - «پیام به ایرانیان مقیم داخل و خارج کشور» (۵۸/۸/۲۲).
 - «پول‌های ایران را از بانک‌های آمریکا خارج می‌کنیم» (۵۸/۸/۲۴).
 - «آخرین آمار از دارایی‌هایی مسدودشده ایران در آمریکا» (۵۸/۸/۲۶).
 - «بنی‌صدر در مورد قطع رابطه با آمریکا» (۵۸/۸/۲۹).
 - ۹- نهضت آزادی ایران: «نهضت آزادی ایران خواستار قطعه رابطه ایران با آمریکا شد» (۵۸/۸/۲۰).

۱۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۱۰- بنی صدر (وزیر): «دعوت از ناظران بین‌المللی برای نظارت بر محاکمه شاه مخلوع» (۵۸/۸/۲۱).
- ۱۱- سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، با دو پیام:
 - «حمایت از اشغال انقلابی جاسوسخانه آمریکا» (۱۳۵۸/۸/۱۳).
 - «پیشنهادات مرحله‌ای» (۵۸/۸/۲۲).
- ۱۲- ستاد مرکزی کمیته انقلاب (مهدوی کنی): «کمیته‌ها مسئولیت حفاظت از سفارت آمریکا را به عهده گرفتند» (۵۸/۸/۲۲).
- ۱۳- جامعه روحانیت مبارز: «بازدید از لانه جاسوسی آمریکا» (۵۸/۸/۲۲).
- ۱۴- موسوی خویننی‌ها: «رابطه ما با آمریکا بهتر است قطع شود» (۵۸/۸/۲۳).
- ۱۵- سازمان مجاهدین خلق ایران: «شورای انقلاب می‌تواند به مسئله گروگان‌ها خاتمه دهد» (۵۸/۸/۲۴).
- ۱۶- بهزاد نبوی: «تا شرایط پیشنهادی ایران کاملاً اجرا نشود گروگان‌ها آزاد نخواهند شد» (۵۹/۹/۲۰).
- ۱۷- دکتر بهشتی، طی دو پیام:
 - «دادگاه مناسب برای رسیدگی به سوابق گروگان‌ها تعیین می‌شود» (۵۸/۱۰/۴).
 - «دانشجویان پیرو خط امام با اقدام شجاعانه خود مرحله جدید انقلاب را شروع کردند» (۵۹/۸/۱۳).
- ۱۸- اطلاعیه دولت در مورد اجرای مصوبات مجلس.
- ۱۹- دکتر ابراهیم یزدی: «گروگان‌گیری میلیاردها دلار به ما صدمه زده است» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۵۸/۸/۱۵).
- ۲۱- حزب جمهوری اسلامی: «تمام گرفتاری ما از آمریکاست» (۵۸/۸/۱۳).
- ۲۲- حوزه علمیه قم.
- ۲۳- اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب: «حمایت از: اشغال انقلابی جاسوس خانه آمریکا» (۱۳۵۸/۸/۱۳).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۸۱

۲۴- جنبش مسلمانان مبارز: «پیام به رزمندگان مسلمانی که لانه جاسوسی «سیا» را اشغال نموده‌اند (۵۸/۸/۱۳).

۲۵- انجمن دانشجویان مسلمان پاکستان.

۲۶- واکنش کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در تهران.

پیوست ۴- اعلامیه برخی از احزاب در حمایت از دانشجویان

۱- بیانیه حزب جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

تمام گرفتاری ما از آمریکاست (امام خمینی).

حزب جمهوری اسلامی، عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را در جهت اشغال سفارت آمریکا، واکنشی مثبت و اجتناب‌ناپذیر مردمی زجر دیده و به‌پاخاسته می‌داند که در برابر دشمن خونخوار و چپاولگرش که پس از سال‌ها غارتگری و کشتار این ملت، مواجه با قیام عظیم و به‌حق خلق ستم‌دیده علیه شاه مزدور و اربابان جهانخوارش شده است، هنوز هم موضع خصمانه خود را با کمال گستاخی دنبال می‌کند و به شاه مخلوع و منفور، جلاد بزرگ تاریخ و ایادی جنایتکار وی پناه می‌دهد و از طرفی دامنه توطئه و جنایات خود را در منطقه علیه خلق مسلمان و مستضعف گسترش می‌دهد و از همه بالاتر، خیانت آشکار علیه ملت ایران و ایجاد آشوب و کشتار توسط عمال سرسپرده خود در ایران دریغ ندارد. آری [ملت ایران] در برابر این توطئه‌ها فریاد خشم خود را علیه لانه جاسوسی آمریکا رساتر می‌کند و این واقعیت انقلاب ماست و موج برخاسته از متن امت ما که حضور انقلابی خود را علیه منافع امپریالیسم در هر صحنه ابراز می‌دارد؛ باشد که امپریالیسم شرق و غرب، فریاد استقلال‌طلبانه این ملت غیور مسلمان را جدی بگیرد و دست از توطئه و جنایت علیه آرمان مقدس اسلامی خلق ما بردارد.

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی. نابود باد دشمنان انقلاب به‌ویژه امپریالیست آمریکا.

حزب جمهوری اسلامی - ۱۳۵۸/۸/۱۳

۲- اعلامیه حوزة علمیه قم

حوزة علمیه قم دیروز با انتشار اعلامیه‌ای پشتیبانی خود را از دانشجویان پیرو خط امام و اشغال سفارت آمریکا در تهران اعلام کرد.

متن اعلامیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

آمریکا، آمریکا مرگ به نیرنگ تو خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تو.

مرگ بر سه مفسدین/ کارتر و سادات و بگین

و صدها شعار دیگر علیه آمریکا و سران و وابستگان آنها.

این صدای رعدآسای ملت علیه آمریکاست. این فریاد خروشان ضد امپریالیستی خلق مستضعف ایران در تمام راهپیمایی‌ها بوده و هست. این خشم مادران و پدران و برادران و خواهران در جلوی رگبار گلوله شاه و کارتر است. این خط سیاسی مبارزات ملی اسلامی ملت است. خطی است که امام راهنمای اوست که خمینی بت‌شکن قاطعانه و بی‌پروا فریاد می‌زند: «دنیا بداند هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمان دارند از جانب خصوصاً آمریکاست».

و نیز امام می‌خروشد که دیروز کشورهای اسلامی در چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند و امروز در چنگال آمریکا و عمال آن فریاد می‌زنند تمام گرفتاری ما از آمریکاست که صهیونیسم را آن‌طور تقویت می‌کند و برادران ما را فوج فوج می‌کشد. و باز امام اخطار می‌کند که این آمریکاست که اسلام و قرآن مجید را برای خود مضر می‌داند و می‌خواهد آن را از میان بردارد. در جایی دیگر با درد می‌گوید: رابطه ایران با آمریکا رابطه گوسفند با گرگ است. در جایی دیگر می‌گوید ملت ما تلخی سلطه اجانب و مفتخوران نفتخوار خصوصاً آمریکا را کشیده است.

و دیگر جای امام فریاد برمی‌آورد: بیایید متحد شویم و دست جنایتکاران چپ و راست را که در رأس آنها آمریکاست، قطع نماییم. باز فریاد سر می‌دهد که ملت ایران بی‌پروا در مقابل دشمنان خود یعنی آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی ایستادگی کنند. فریاد دیگر [اینکه] ملت ایران، زیر بار ظلم نروید و هوشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را که در رأس آن آمریکاست افشا کنید. باز فریاد که امروز

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۸۳

کشورهای آفریقایی مسلمان، زیر یوغ آمریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنها دست و پا می‌زنند.

امام باز می‌خروشد که اصولاً امروز جهان اسلام به دست آمریکا گرفتار است. باز فریاد که بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند و صدها و صدها حمله دیگر و هزارها حمله دیگر که خود کتابی است بزرگ.

آن موضع ملت و این موضع رهبر ملت در مقابل دشمن بی‌چون و چرای ملت است و ناگاه جرس فریاد می‌دارد که ملاقاتی با برژینسکی، معاون امنیتی کارتر صورت گرفته است و تازه متوجه می‌شویم که این ملاقات بدون اجازه امام صورت گرفته است و دو خط به وجود می‌آید: خط آمریکا و خط دشمنی سرسخت با آمریکا که بعد سیاست خارجی خط امام را روشن می‌کند و یاران صمیمی امام، لانه جاسوسی آمریکا را در اختیار می‌گیرند و همگی را تسلیم می‌کنند و نشان می‌دهند که هرگز ملاقات‌ها نمی‌تواند خشم و کینه انقلابی ملت و رهبر را از آمریکا حتی به اندازه سر سوزنی کم کنند.

حوزه علمیه قم، نفرت خویش را از این ملاقات اعلام و با تمام نیرو از برادران و خواهران ملی‌مان ...^۱ خط امام که با در دست گرفتن این لانه جاسوسی سیا، اعتراض همگی طرفداران خط امام را به جهانیان اعلام کردند، شدیداً طرفداری می‌نماید. حوزه علمیه قم

۳- اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

حمایت از: اشغال انقلابی جاسوسخانه آمریکا

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با تبریک مکتبی به دانشجویان مسلمان پیرو مشی امام، عمل قاطع آنان را که انعکاس خواسته‌های به حق مردم مسلمان ایران و تأکید

۱. جمله در اینجا ناقص است. در متن نسخه خبر نیز به همین صورت آمده است (ویراستار).

۱۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

مداوم امام خمینی مبنی بر مقابله با توطئه‌ها، خیانت‌ها و کارشکنی‌های آمریکاست، تأیید کرده و پشتیبانی کامل خود را از اهداف به‌حق آنان اعلام می‌دارد. آمریکای جنایتکار باید بداند که تا یک قطره خون در رگ توده‌های مسلمان به‌ویژه جوانان انقلابی پیرو مشی امام جریان دارد، چپاولگری‌ها و سلطه‌طلبی‌های او و دیگر امپریالیست‌ها در این خاک امکان تکرار نخواهد یافت.

ما ضمن حمایت از اشغال جاسوسخانه آمریکای جهانخوار، خواسته‌های به‌حق دانشجویان را که استرداد شاه خائن و فراری، عدم حمایت از مزدوران و جانان پناهنده و قطع توطئه در سطح منطقه و بخصوص در داخل کشورمان است، مورد تأیید قرار می‌دهیم و تأکید می‌کنیم که این همان خواسته‌های بحق ملت مسلمانان می‌باشد که بارها در شعارها و تظاهرات میلیونی خود اعلام کرده است.

نابود باد امپریالیست‌های غرب و شرق و در رأس آن آمریکا. پرشکوه‌تر باد جنبش دانشجویان مسلمان پیرو مشی امام.

پیروز باد تمامی نهضت‌های آزادی‌بخش مستضعفان جهان.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - ۱۳۵۸/۸/۱۳

۴- جنبش مسلمانان مبارز

پیام به رزمندگان مسلمانی که لانه جاسوسی «سیا» را اشغال نموده‌اند. اشغال مقر امپریالیسم جهانخوار آمریکا به دست پرتوان شما، نشانه اعتراض و نفرت عمیق مردم ایران از اعمال جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا است. این آمریکا حامی شاه جنایتکار است که باعث شکنجه و کشتار عزیزترین فرزندان انقلابی ما شد. شما با اشغال لانه جاسوسی «سیا» و مقرر طرح نقشه‌های شوم و ضد انقلابی و ضد مردمی، بار دیگر پیام شهدای به‌خون خفته خلق مسلمان ایران را به گوش جهانیان رساندید، که تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، نهضت انقلابی ما ادامه دارد. شما با این حرکت انقلابی خود، چهره لیبرالیست‌های سازشکار و ارتجاع حامی امپریالیسم را افشا نمودید و آنان را در تنگنا قرار داده‌اید. آمریکای جنایتکار باید شاه فراری را به دادگاه‌های انقلابی ایران تحویل دهد، تا خلق ما این بزرگ‌ترین جنایتکار تاریخ را به محاکمه کشد. آمریکا باید بداند که توطئه‌هایش علیه انقلاب ایران و همراهی‌اش با

۱۸۵ □ اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

صهیونیسم اسرائیل و کشتار خلق محروم جنوب لبنان و فلسطین، را ما با تداوم حرکت انقلابی خود نابود خواهیم کرد. این اسلحه‌های امپریالیسم آمریکا بود که به سوی فرزندان خلق ایران نشانه رفت و اینک باید خرید کلیه این سلاح‌ها ممنوع و تمامی قراردادهای ضد مردمی با آمریکا لغو شود.

خواهران و برادران مبارز، شما با این حرکت انقلابی خود، بار دیگر گفته‌ام را که «روابط با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟» مستحکم‌تر اعلام نموده‌اید که خلق مسلمان ایران خواهان قطع کامل روابط با امپریالیسم آمریکا است.

دروود بر شما فرزندان مسلمان که ماهیت ضد امپریالیستی اسلام را در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا، عیان ساختید.

پیروز باد انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی. مرگ بر امپریالیسم آمریکا.

جنبش مسلمانان مبارز - ۵۸/۸/۱۳

۵- انجمن دانشجویان مسلمان پاکستان

دروود بر شهیدان ۱۳ آبان. درود بر روحانیت مبارز. درود بر رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی و درود بر سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران، و درود بر مردم مبارز و حق‌طلب ایران. ما دانشجویان مسلمان کراچی با اعلام همبستگی به پیشگاه امام خمینی و مردم مبارز ایران، به این جرثوم کثیف آمریکا هشدار می‌دهیم تا دست از اعمال پلید و عوام‌فریب خود بردارد و این را بدانند که این انقلاب با هوشیاری تمام، رهبر انقلاب نایب الامام و با پشتیبانی قاطع مسلمانان جهان پاسداری می‌گردد.

دروود بر دانش آموزان و دانشجویان مسلمان خط امام که با نهایت روشن‌بینی سفارت آمریکا و پایگاه شایعات خائنه برای انقلاب را اشغال کرده‌اند و مرگ بر مارهای زخم‌خورده آمریکا، کارتر و اطرافیان و عمال داخلی او در ایران.

انجمن دانشجویان مسلمان پاکستان - کراچی

۶- واکنش کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در تهران

دفتر نمایندگی کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در تهران، گزارشی از مبارزات دانشجویان میهن‌پرست خارج از کشور برای استرداد شاه مخلوع را اعلام کرد.

۱۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

به موجب این گزارش، روز گذشته، پل گلدن گیت سانفراسیسکو به اشغال کنفدراسیون جهانی درآمد. دانشجویان اشغال‌کننده شعارهایی مبنی بر استرداد شاه مخلوع به ایران و همچنین شعارهایی علیه جهانخواران شرق و غرب می‌دادند که در نتیجه پلیس آمریکا به اشغال‌کنندگان حمله‌ور می‌شود و پنج تن از اعضای کنفدراسیون را دستگیر و زندانی می‌کند.

سعید اسعدیان، دبیر سازمان دانشجویان ایرانی عضو کنفدراسیون جهانی در میان دستگیرشدگان است. ساختمان یادبود زنگ آزادی فیلادلفیای آمریکا نیز روز گذشته به اشغال کنفدراسیون جهانی درآمد. به دنبال این واقعه، پلیس فیلادلفیا به اشغال‌کنندگان حمله‌ور شده و چهار تن از اعضای کنفدراسیون را دستگیر و به زندان افکند. دانشجویان میهن‌دوست عضو کنفدراسیون، خواهان استرداد شاه مخلوع به ایران و کوتاه کردن دست ابر قدرت‌های آمریکا و روسیه از ایران بودند. همچنین روز گذشته از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و کنفدراسیون جهانی در پشتیبانی از اشغال‌لانه جاسوسی آمریکا در تهران تظاهرات وسیعی در مقابل مرکز فرهنگی آمریکا و فرانسه و سفارت آمریکا در پاریس برگزار شد.

پیوست ۵- آمریکا از آزاد ساختن سپرده‌های ایران در بانک‌های آن کشور خودداری می‌کند

تفسیر رادیو مسکو پیرامون دارایی‌های ایران در آمریکا - روزنامه کیهان، ۱۳۷۰/۸/۶
رادیو مسکو ضمن اعلام این مطلب، تفسیری پیرامون مصاحبه مطبوعاتی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری ایران با خبرنگاران داخلی و خارجی پخش کرد و گفت: هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه مطبوعاتی خواستار آن شد که آمریکا سپرده‌های ایران را که در بانک‌های آمریکایی مسدود هستند، آزاد کند. بنا به اظهارات وزرت خارجه آمریکا، واشینگتن مایل است در آینده هم از برآورده شدن خواست به حق و به‌جای ایران ممانعت کند.

گزارش رادیو مسکو حاکی است از زمان پیروزی انقلاب ایران بنا به تصمیم کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا سپرده‌های ایران به مبلغ بیش از ۱۲ میلیارد دلار در بانک‌های آمریکایی مسدود شده است. از آن زمان تعداد زیادی از سوداگران آمریکایی

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۸۷

با عجله دعاوی خود در مورد سپرده‌های ایران را اعلام داشتند. واشینگتن با استفاده از دادگاه حکمیت لاهه که مخصوصاً برای رسیدگی به این مسئله ایجاد شده بود، به برآورده کردن خواست‌های بسیاری از شرکت‌های آمریکایی دست یافت.

مثلاً بانک صادرات و واردات آمریکا موفق شد مبلغی بیش از ۴۰۰ میلیون دلار از سپرده‌های ایران را به جیب بزند. چیس مانهاتان بانک نیز که به خانواده راکفلر تعلق دارد و با رژیم شاه سابق ارتباط نزدیکی داشت، همین مبلغ را به دست آورد. رادیو مسکو گفت: شرکت‌های نفت آمریکایی به نام گلف و شلتون به دریافت ۱۱۵ میلیون دلار از سپرده‌های ایران موفق شدند. رادیو مسکو افزود: چندی قبل وزارت امور خارجه آمریکا تأیید کرد که بیش از پنج میلیارد دلار از سپرده‌های مسدودشده ایران به حساب بانک‌های آمریکایی که علیه ایران اقامه دعوی کرده بودند، واریز شد. علاوه بر این، واشینگتن در نظر دارد حدود یک میلیارد دلار از سپرده‌های ایران را صرف برآورده کردن خواست‌های دولت کند. البته ایران قانونی بودن چنین روشی را قبول نمی‌کند.

پیوست ۶ - دکتر یزدی: محاکمه گروگان‌ها حتمی است

ارومیه - خبرگزاری پارس: ابراهیم یزدی بعد از ظهر دیروز به دعوت گروه‌هایی از مردم ارومیه وارد این شهر شد. دکتر یزدی پس از ورود به ارومیه با استاندار آذربایجان غربی ملاقات و گفتگو کرد. وی در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری پارس در پاسخ سؤالات طرح شده، گفت: آمریکایی‌ها با پذیرش شاه مخلوع به آمریکا در یک بن‌بست و بحران سیاسی بزرگی قرار گرفتند. اگر آنها شاه مخلوع را تحویل بدهند که به نظر احتمالش خیلی بعید است، محاکمه شاه در واقع محاکمه آمریکا خواهد بود و اگر تحویل ندهند، محاکمه گروگان‌ها باز هم محاکمه آمریکا در سطح جهانی خواهد بود.

دکتر یزدی گفت: در صورت تحویل ندادن شاه مخلوع، محاکمه گروگان‌ها حتمی است.

دکتر یزدی در مورد همه‌پرسی قانون اساسی جدید گفت: گروه‌ها و جمعیت‌هایی که در این فراندوم شرکت نکردند یا بایستی رأی اکثریت را قبول کنند و یا باید ادعای خود در دموکرات بودن و طرفداری از مردم را پس بگیرند.

دکتر یزدی: درباره اشغال سفارت، ما در درجه اول آمریکا را مقصر می‌دانیم خواهان و برادران عزیز، سلام علیکم. دعوت ما از مطبوعات به دلیل اتفاقاتی است که در کشور روی داده و در حال تکوین است. همان‌طوری که دیروز در اطلاعیه وزارت امور خارجه به اطلاع رسید، در ۲۹ مهرماه کاردار سفارت آمریکا در ایران و مسئول میز ایران در وزارت امور خارجه آمریکا که در ایران بود، با اطلاع قبلی به دیدار جناب آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر رفتند، و به من هم اطلاع دادند که در این ملاقات حضور داشته باشم. در این جلسه، آقایان مطرح کردند که به موجب اطلاعیه‌ای که از طرف وزارت امور خارجه آمریکا صادر شده، موظف هستند که به دولت ایران اطلاع بدهند که شاه سابق ایران سخت بیمار است و اطباء معالج او توصیه کرده‌اند که برای معالجه به آمریکا بروند و توضیحاتی نیز درباره نوع بیماری شاه دادند که در روزنامه‌ها نیز درج شد. دولت ایران در این جلسه، مراتب نگرانی و مخالفت خود را از این سفر با صراحت به نماینده آمریکا بیان کرد و اعلام کرد که این امر برای ملت و دولت ایران قابل قبول نیست و بدون شک در روابط فی‌مابین دو دولت تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت و ملت ایران نمی‌تواند چنین چیزی را بپذیرد. کاردار آمریکا و مسئول میز ایران هم ابراز نگرانی و ناراحتی از این مسئله کردند؛ به‌طوری که حتی در ابتدای امر، خود آنها بیان کردند که ما با یک خبر نامطلوبی به دیدن شما آمده‌ایم. خبر نامطلوبشان هم این بود که شاه سخت مریض است و باید به آمریکا بروند و رفتن وی به آمریکا در روابط تأثیر نامطلوبی خواهد گذاشت و فقط آمده‌ایم تا به شما اطلاع دهیم. البته ما در این جلسه قاطعانه نظر مخالف خود را به اطلاع آنها رساندیم و حتی مطرح شد که غیر از آمریکا در سایر ممالک و اروپا مراکز طبی مجهزی هستند و اگر صرفاً مسئله بیماری مطرح باشد، ما هیچ ضرورتی نمی‌بینیم که وی به آمریکا سفر کند. در این ملاقات زمان سفر شاه خائن مطرح نشد.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۸۹

۲۴ ساعت پس از ملاقات، مجدداً کاردار و مسئول میز ایران درخواست ملاقات فوری کردند، به وزارت امور خارجه آمدند و اطلاع دادند که شاه به دلیل وخامت حالش امشب ساعت ۱۱/۵ به وقت نیویورک وارد این شهر خواهد شد؛ یعنی سی‌ام مهرماه؛ البته ما در همان تاریخ مراتب را به سفارتخانه‌های خودمان در واشنگتن و مکزیک مخابره کردیم و آنها را در جریان این خبر قرار دادیم.

در ملاقات دومی که ما با کاردار داشتیم، گفتیم: حالا شما شاه را به آمریکا راه می‌دهید و ادعا می‌کنید که بیمار است. ما پیشنهاد می‌کنیم که شما حداقل اجازه بدهید که دو نفر از اطبای متخصص ایرانی مورد اعتماد دولت ایران از شاه خائن معاینه و پرونده‌ی طبی وی را مورد مطالعه قرار دهند. در ابتدا با این مطلب موافقت کردند. ما با سفارت خود در واشنگتن تماس گرفتیم تا دو تن از اطبای متخصص [ایرانی را] که حق طبابت در آمریکا دارند، به وزارت خارجه آمریکا معرفی کند. این دو نفر انتخاب و معرفی شدند تا از طرف دولت ایران شاه خائن را معاینه کنند. بخشی از پرونده‌ی وی را در اختیار اطبای مذکور گذاشتند، ولی اجازه معاینه از وی را ندادند. [ما] حتی [خواستار] اجازه ملاقات با اطبای شاه شدیم. علی‌رغم فشار وزارت امور خارجه، آنها حاضر به این کار نشدند. در تاریخ هفتم آبان به سفارتخانه خود اطلاع دادیم که مراتب اعتراض خود را به اطلاع آمریکا برسانند. در فردای آن روز، یادداشت مفصلی به دولت آمریکا دادیم که به موجب این یادداشت، به نپذیرفتن اطبای ایرانی اعتراض شد و اینکه اطبای ایرانی گفته‌اند که بیماری شاه قابل معالجه در کشورهای دیگر بوده است؛ بنابراین، دولت ایران، عذر و بهانه‌های آمریکا را نمی‌پذیرد و شدیداً نسبت به این امر اعتراض می‌کند و نگرانی خود را از بودن شاه در آمریکا ابراز می‌کند؛ خصوصاً که [سفر شاه به آمریکا] مصادف شده است با اظهارات دو مقام بلندپایه آمریکایی (هنری جکسون و گوپ واتر) درباره ایران. در همان روز، اطلاعیه دیگری به وزارت خارجه آمریکا داده شد که رسماً خواستار استرداد شاه مخلوع و همسرش شده بودیم. هنگامی که برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل در آمریکا بودم با وزیر خارجه آمریکا ملاقاتی داشتم و درباره استرداد مجرمین و جنایتکاران فراری صحبت کردیم. [او] نسبت به این مسئله قول مثبت داد. بلافاصله پس از بازگشت از آمریکا، طی تلگرافی

۱۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

که از سفارت خود دریافت کردیم، وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داده بود که این اشخاص رسماً معرفی بشوند. دولت آمریکا کوشش خود را به کار خواهد برد تا این اشخاص را تحویل بدهد. ما بعضی از این اشخاص را معرفی کردیم: از جمله سرتیپ رزمی، عامل فاجعه سینما رکس آبادان. طبق اطلاعات واصله، این شخص در زمان شریف امامی با اسم مستعار به آمریکا رفته بود که آدرس او را در آمریکا به دست آوردیم. از آمریکا خواستیم آنها را تحویل بدهند و همچنین چندین نفر از مقامات سابق که متهم به سوء استفاده شده بودند که از طریق پلیس بین‌الملل شناسایی و مورد تعقیب قرار گرفته بودند. دولت آمریکا دوباره قول مساعد داد. در هشتم آبان به سفارت خود اطلاع دادیم شما بر این اساس با وزارت خارجه تماس بگیرید که شاه مخلوع و همسرش که تحت تعقیب هستند، نیز به ایران مسترد گردند. سفارت ما هم بلافاصله اقدام کرد. علاوه بر آن، ما یادداشت دیگری به آمریکا دادیم، که کشورهای مختلف را نیز شامل می‌شد. در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۸ یک متنی به صورت دستور به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی در واشنگتن، لندن، پاریس، مکزیک، رم، بن، مادرید و شهرهایی که سرمایه‌های عمده شاه در آنجاها سرمایه‌گذاری شده و طی دستوری که به این سفارتخانه‌ها داده شد، موظف شدند که طی یادداشتی به دولت‌های پذیرنده (میزبان) اعلام نمایند که دولت جمهوری اسلامی ایران - با توجه به اینکه اموال و دارایی شاه مخلوع و خانواده او از طریق غارت بیت‌المال و به‌طور نامشروع جمع‌آوری شده و در واقع متعلق به ایران است - هر گونه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی آنها را بلااعتبار می‌داند و برای خود حق اقامه دعوا بر علیه افراد را که در سرمایه‌گذاری با آنها مشارکت نمایند، محفوظ می‌دارد. این یادداشتی بود که به‌طور عمومی برای سفارتخانه‌ها ارسال شد که سفارت‌های ما در این مورد اقدام کردند؛ من جمله سفارت ایران در واشنگتن، در همان تاریخ به کمک وکیل سفارت، یادداشتی تهیه و به دولت آمریکا تسلیم نمود. بنابراین، در واشنگتن در همان تاریخ ۱۳۵۸/۸/۸ دولت ایران در سه مورد جداگانه، سه یادداشت جداگانه به دولت آمریکا تسلیم نموده است: یکی در مورد پذیرش شاه و عدم اجازه به متخصصین ایرانی ما برای معاینه جهت تشخیص بیماری شاه خائن و نیز اعتراض به بیاناتی که دو نفر از سناتورهای آمریکایی در مورد حق

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۹۱

حاکمیت ملی ایران و همچنین تمامیت ارضی ایران کرده بودند اعتراض داده شد، یادداشت دوم در مورد درخواست استرداد شاه خائن و همسرش و یادداشت سوم در مورد بازگرداندن اموال شاه مخلوع و خاندان پهلوی به دولت ایران است. پس از دادن این یادداشت‌ها در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۸ و قبل از سفر به الجزایر و نیز مسائلی که احتمالاً در الجزایر مطرح خواهد شد و درخواست پیامی که دربارهٔ سالروز استقلال الجزایر بردیم.

این یک بررسی اجمالی به مسائلی بود که در رابطه با سفر شاه مخلوع به آمریکا و اقداماتی که وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران انجام داده. به طوری که ملاحظه می‌کنید مسئله این نبوده که وزارت امور خارجه، مطلب را نادیده گرفته یا قصور کرده باشد. برخلاف شایعات و صحبت‌هایی که عده‌ای به میان آورده‌اند، وزارت خارجهٔ ایران، به موقع آنچه را که از لحاظ دیپلماسی و سیاسی لازم بود و قابل عمل بوده و هست، اقدام کرده است.

دولت آمریکا اما در مورد اعتراض ما به سفر شاه به آمریکا، صریحاً گفته‌اند: سفر شاه جنبه سیاسی ندارد و صرفاً یک عمل انسانی است. در مورد اموال وی نیز گفته‌اند هر وقت حکم دادگاهی صادر شود و آن حکم را دادگاه‌های ما بپذیرند، این کار عملی است.

اشغال سفارت آمریکا

[دربارهٔ] اشغال سفارت آمریکا در تهران توسط برادران مسلمان، ما معتقد هستیم که اگرچه طبق مقررات بین‌المللی دولت ایران موظف به حفاظت جان و مال اتباع خارجی است و ما به‌عنوان دولت از وقوع چنین حادثه‌ای ابراز تأسف می‌کنیم و نهایت کوشش خودمان را نیز به کار خواهیم برد تا این مسئله به‌صورت رضایتبخشی حل شود، معذالک مسئولیت حوادث را مستقیماً متوجه دولت آمریکا می‌دانیم که علی‌رغم اخطارها و یادداشت‌های ما، نه تنها شاه را پذیرفتند بلکه به یادداشت‌ها برای استرداد شاه و همسرش و اموال غارت‌شدهٔ ملت به‌وسیلهٔ آنها ترتیب اثر ندادند و لاجرم تنها راه برای ملت ایران به منظور عکس‌العمل، و نشان دادن مواضع خود به دنیا، این چنین عمل شد.

۱۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

این گزارشی بود که از سفر شاه خائن به آمریکا و اقدامات دیپلماتیکی که از نظر مقررات بین‌المللی ما می‌توانستیم انجام دهیم. در حاشیه باید عرض کنم که از اوایلی که من به وزارت امور خارجه آمدم، بر طبق لیستی که داشتیم، پاسپورت شاه و همراهانش و برخی دیگر از فراریان رژیم سابق را باطل اعلام کردیم و این مراتب را به دولت‌های مختلف، من جمله به دولت مکزیک و آمریکا رسماً اعلام کردیم؛ بنابراین، سفر شاه به مکزیک بدون پاسپورت ایرانی بوده و به موجب اطلاعی که پیدا کردیم [شاه] با پاسپورت ایرانی به آمریکا سفر نکرده است و ظاهراً روی ورقه‌های مخصوص به شاه خائن ویزا داده شده بود.

دکتر یزدی در جواب سؤال خبرنگار جمهوری اسلامی که آیا دولت از حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو امام پشتیبانی می‌کند، گفتند: «من تصور می‌کنم عمل دانشجویان در پشتیبانی^۱ از عمل دولت آمریکا داده و استرداد شاه را خواسته و بنابراین، عملی که اینها انجام دادند، در واقع تأیید درخواست شاه مخلوع و فرح از آمریکاست که ما به‌طور رسمی انجام دادیم. باید عرض کنم هم‌اکنون ما یادداشتی در دست تهیه داریم؛ چون روز گذشته کاردار سفارت آمریکا رسماً به اشغال سفارت و گروگان‌کشی افراد و کارمندان خود اعتراض کرد. در پاسخ این اعتراض، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران یادداشتی تهیه کرده که ضمن توضیح تمام مراتبی که به اطلاع عام رسید، مجدداً به آنها اطلاع داده شده که مسئولیت این حوادث به عهده خود آمریکا و تنها راهش این است که آمریکا مواضع خود را تغییر دهد و به یادداشت‌های ما ترتیب اثر بدهد و به درخواستی که دولت ایران کرده و امروز با پشتیبانی قاطع تمام ملت ایران رو به‌روست پاسخ مثبت بدهد.

دکتر یزدی در جواب این سؤال خبرنگار ما که سخنگوی دانشجویان مسلمان پیرو امام در مصاحبه‌ای که دیشب ترتیب یافته بود، [در پاسخ به این پرسش که آیا اطلاع دارید] در حین تصرف سفارت، به اسنادی دست یافته‌اند که دخالت آشکار دولت

۱. عبارت در اینجا نادرست است. درست این است که: عمل دانشجویان در واکنش به عمل دولت آمریکا صورت گرفته است (ویراستار).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۹۳

آمریکا را در وقایع و حوادث کردستان و خرمشهر نشان می‌دهد؟ گفت: «نه من در این مورد هیچ اطلاعی ندارم».

در جواب خبرنگار اطلاعات که برخی از اطلاعاتی منتشره، دولت را به سهل‌انگاری در مسائل پذیرش شاه از طرف آمریکا [متهم می‌کنند]، از جمله حوزه علمیة قم در اطلاعاتی خود چنین ادعایی داشت، گفت: «پاسخ ما یادداشت‌های ما به دولت آمریکاست که موجود است و انصافی است که هر کس باید داشته باشد. به نظر من کسانی که به هر دلیلی با این دولت سر مخالفت دارند، یا به هر دلیلی می‌خواهند که حرفی بر علیه این دولت بزنند، یا هر نوع انگیزه‌ای دارند، [نباید مصالح ملی را نادیده بگیرند]. همه این انگیزه‌ها یک طرف، مصالح ملت یک طرف. آنچه که برای ما مطرح است این است که دولت به موقع اقدام کرده؛ اگر چنانچه توجه کرده باشید، شاه در سی‌ام مهر به آمریکا رفت، در چهارم آبان، تظاهرات بزرگ همبستگی امت با امام [برگزار] شد و کوچک‌ترین شعاری برای بازگشت شاه به ایران داده نشد؛ حتی عکس‌العمل و صحبت‌هایی که بر ضد آمریکا شد، برای ما تعجب‌آور بود. من پیش امام گله و شکایت کردم و به امام گفتم وقتی آمریکایی‌ها آمدند و به ما گفتند [و ما را تهدید کردند]، خود اینها آنچنان ترسیده بودند و ما آنچنان آنها (آمریکایی‌ها) را ترساندیم که اگر شما این کار را بکنید جان آمریکایی‌ها در ایران در خطر است، ولی وقتی شاه به آمریکا رفت، هیچ عکس‌العملی در ایران صورت نگرفت، و ما بسیار متعجب بودیم که چرا در چنین تظاهرات عظیمی این مسئله نباید مطرح شود؟ حتی در تظاهرات روز عید قربان، مسئله استرداد شاه خائن مطرح نشد؛ درحالی‌که در هشتم آبان ما رسماً به دولت آمریکا نوشتیم و نماینده ما در آمریکا رسماً از وزارت خارجه آمریکا استرداد شاه خائن را خواسته است.

دکتر یزدی در پاسخ یکی از خبرنگاران در مورد امکان قطع رابطه با آمریکا فرمودند که این مسئله‌ای است که امام و شورای انقلاب و دولت مجموعاً می‌توانند درباره آن تصمیم بگیرند و این مسئله محتاج بررسی‌های دقیق نتایج احتمالی آن خواهد بود و در صورتی که چنین تصمیمی گرفته شود، وزارت امور خارجه مجری آن خواهد بود.

ملاقات با برژینسکی

در سفر ما به الجزایر و در ملاقات با برژینسکی، آقای مهندس بازرگان با صراحت مسائل را مطرح کرد؛ من جمله بازگرداندن شاه به ایران، که عنوان شد باید شاه به ایران برگردد و مسائل انسانی به صورتی که آمریکایی‌ها مطرح می‌کنند برای ما قابل قبول نیست. به آنها گفته شد که حدود بیست و هفت سال از زمانی که [سازمان] سیا شاه را با کودتا به ایران آورد و هزاران نفر از هموطنان ما به دست این رژیم کشته شده‌اند، هزاران نفر از مردم ما در زندان‌ها شکنجه شده‌اند. بیست و چند سال، شاه با تمام قدرت بر ملت ما حاکم بود و ما هرگز صدایی از آمریکا یا از مسئولین امور در آمریکا در مورد حقوق بشر و انسانیت نشنیدیم. برای ما قابل قبول نیست، اکنون که شاه با تمام جنایت‌هایی که در ایران کرده به‌عنوان یک اصل انسانی علی‌رغم خواست ملت ایران پذیرفته شود؛ زیرا به هیچ وجه قابل تحمل برای ملت و دولت ایران نخواهد بود. دکتر یزدی در جواب سؤال دیگری در مورد ملاقات با برژینسکی که آیا به اطلاع امام رسیده بود یا خیر، فرمودند که در ملاقات با امام جزئیات ملاقات با فرد فرد اشخاص مطرح نشد؛ زیرا مشخص نبود که دقیقاً چه اشخاصی به الجزایر خواهند آمد، ولی کلیات این مسائل که جلسه‌ای است با این مشخصات، و نمایندگان دولت‌هایی به این جلسه می‌آیند و در این جلسه صحبت‌هایی خواهد شد و موضع ایران در قبال مذاکرات را مطرح ساخته و امام رهنمودهایی در این زمینه دادند که در سفر به کارمان آید.

پیوست ۷- برخی از مقالات و مصاحبه‌های دکتر یزدی در باره اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری

- ۱- گروگان‌گیری میلیاردها دلار به ما صدمه زده است (روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۵ آبان ۱۳۵۹).
- ۲- آزادی گروگان‌ها - ۲۲ قسمت (روزنامه میزان از ۵/۱۱/۵۹ تا ۱۹/۱۲/۱۳۵۹).
- ۳- سرنوشت گروگان‌ها، محاکمه عملکرد آمریکا و ترکیب مجلس (گفتگو با روزنامه کیهان، ۱۳۶۰).

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۹۵

- ۴- گروگان‌گیری، سخنرانی در دفتر نهضت آزادی ایران (آبان ۱۳۶۳، به مناسبت سالروز گروگان‌گیری)، چاپ شده در: «مجموعه آثار جلد چهارم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۶۰-۱۳۷۰» آمده است.
- ۵- روابط ایران و آمریکا در حال و آینده: آن روزها چه گذشت؟ قسمت اول (روزنامه آریا، ۱۱ آبان ماه ۱۳۷۷).
- نشست امسال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر که نزدیک به دو ماه پیش برگزار شد، شاهد میزگردی بود که به یک مناظره تبدیل شد.
- «روابط ایران و آمریکا در حال و آینده» عنوان این مناظره بود که در یک سوی آن مهندس عباس عبدی، از دانشجویان پیرو خط امام و در سوی دیگر دکتر ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت ایران قرار داشتند.
- سالروز «انقلاب دوم» ۱۳ آبان بهانه‌ای شد تا این مناظره را که قسمت‌هایی از آن برگگی از تاریخ ایران در سال ۱۳۵۸ را ورق می‌زند به‌طور کامل منتشر نمایم.
- ۶- روابط ایران و آمریکا در حال و آینده: آن روزها چه گذشت؟، قسمت دوم (روزنامه آریا، آبان ۱۳۷۷).
- ۷- روابط ایران و آمریکا در حال و آینده: آن روزها چه گذشت؟ قسمت سوم (روزنامه آریا، ۱۴ آبان ۱۳۷۷).
- متن کامل هر سه قسمت این مناظره در: «مجموعه آثار، جلد پنجم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۷۰ - ۱۳۷۸» آمده است.
- ۸- انگیزه اصلی دانشجویان از اشغال سفارت آمریکا (مصاحبه با روزنامه آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۸/۱۱)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد پنجم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۷۰ - ۱۳۷۸» آمده است.
- ۹- اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (مصاحبه با خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲/۸/۱۰)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد هفتم: مقالات، سخنرانی و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۲».
- ۱۰- آنچه که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ رخ داد خلاف منافع ملی بود (گزارش سخنرانی در انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی، خبرگزاری ایلنا،

۱۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

- ۱۳۸۳/۸/۱۳)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد هشتم، مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۳».
- ۱۱- سیزده آبان ۱۳۵۸ به روایت وزیر امور خارجه دولت موقت (مصاحبه با خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۳/۸/۲)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد هشتم: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۳».
- ۱۲- گروگان‌گیری و گروگان‌گیرها: پاسخ به سؤالات انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شیراز، ۸۶/۸/۱۰.
- ۱۳- از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا گروگان‌گیری آبان ۱۳۵۸ (یادداشت در روزنامه اعتماد ملی، ۱۳ آبان ۱۳۸۶).
- ۱۴- پیامدهای فراملی گروگان‌گیری (اعتماد ملی، ۱۳۸۶/۸/۱۳).
- ۱۵- سود اشغال سفارت آمریکا نصیب که شد؟ (مصاحبه با بی بی سی، ۱۳/۸/۱۳۸۶). متن کامل ردیف ۱۲ تا ۱۵ در: «مجموعه آثار، جلد ۱۱: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۶» آمده است.
- ۱۶- درباره گروگان‌گیری (پاسخ به پرسش‌های دانشجویان دانشگاه سهند تبریز، ۲۰ آبان ماه ۱۳۸۷)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد ۱۲: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۷».
- ۱۷- اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری: جایگزینی کارتر با ریگان (مجله مهرنامه، شماره ۲۶، آبان ۱۳۹۱)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد ۱۴: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲».
- ۱۸- اشغال سفارت و نگهداری گروگان‌ها به ضرر ایران تمام شد؟ (مجله پیام ابراهیم، آبان و آذر ۱۳۹۳)، چاپ شده در: «مجموعه آثار، جلد ۱۵: مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های سال ۱۳۹۳».

پیوست ۸ - مشروح دفاعیات امیرانتظام در دهمین جلسه دادگاه

سرویس شهری کیهان - دهمین جلسه محاکمه عباس امیرانتظام، معاون سیاسی نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت، ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه ۱۳۶۰/۲/۱۵ در

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۹۷

محل شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز به ریاست آیت‌الله محمدی گیلانی در محل زندان اوین تشکیل شد. در این جلسه، امیرانتظام دفاعیات خود که در جلسات قبل ناتمام مانده بود را ادامه داد.

عباس امیرانتظام ادامه دفاعیات خود را با ذکر چند آیه از کلام‌الله مجید شروع کرد. وی سپس ادامه داد: آنچه باعث سوءظن دادگاه محترم شده است، یکی اسناد ساختگی لانه جاسوسی است و دیگر حرارت من در نوشتن این نامه. اما با کمک خداوند و توضیحات من مسائل روشن و سوءظن‌ها برطرف خواهد شد.

۱- چرا من به ایران آمدم؟ (مقصود قبل از جلسه مجلس خبرگان است) به خاطر دارید که در جلسه ۸ فروردین ۱۳۶۰ ضمن شمردن خدماتم در دوران سفارت ایران در سوئد، گفتم که پیشنهادی برای ایجاد یک مجله سه زبانه برای نشر مقالات ایدئولوژی اسلام، دفاع و تشریح اهداف انقلابی اسلامی و جواب به سؤالاتی که در مورد انقلاب اسلامی ایران در سطح اروپا مطرح است را به وزارت خارجه و شخص آقای نخست‌وزیر داده بودم. این پیشنهاد مورد تصویب قرار گرفته بود. در جلسه ۱۳۶۰/۱/۸ گفتم که پیشنهادی نیز برای هماهنگ کردن سیاست تمام نمایندگی‌های سیاسی ایران در اروپا به دولت دادم که مورد قبول واقع شد و پیشنهاد کردم جلسه مشترکی با شرکت کلیه نمایندگان سیاسی ایران در اروپا تشکیل شود که این جلسه در ۶ اکتبر ۱۹۷۹ میلادی معادل ۱۴ مهر ۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد من و با حضور چهل نماینده و دکتر یزدی وزیر امور خارجه وقت در پاریس تشکیل شد. در این جلسه، سیاست کلی دولت از سوی وزیر امور خارجه اعلام شد. پیشنهاد من در مورد مجله نیز از سوی حاضرین به اتفاق آرا مورد قبول واقع شد و من با اکثریت آرا به‌عنوان مسئول مجله مزبور انتخاب شدم. پس از آن، همراه با دکتر یزدی به تهران آمدم تا مقدمات انتشار مجله را فراهم کنم. در تهران جلسه‌ای با حضور وزرای ارشاد، فرهنگ و آموزش عالی و معاونین وزارت ارشاد و وزارت خارجه و آقای دکتر [عبدالجواد] فلاطوری، استاد [ایرانی] دانشگاه آلمان تشکیل شد که من مأمور شدم چارت‌های مزبور و رئوس مطالب مندرج در مجله را تهیه کنم. این بود دلایل من برای آمدن به ایران.

امیرانتظام در ادامه دفاعیات خود گفت: موضوع دوم مربوط به دعوت خبرنگاران بود. وی گفت: فعل‌هایی که در این نامه آمده است فعل جمع است؛ یعنی من نوشته‌ام «قرار گذاشته بودیم»، که مقصود آن دولت است؛ یعنی دولت قرار گذاشته بود که پس از تصویب، آن را از طریق رسانه‌های گروهی منتشر کنیم که این کار روش کار دولت بود. جمله دیگر این بود که پس از تصویب - یعنی اگر دولت به هر دلیلی نمی‌بایست مصوبه خود را اعلام کند، آن را نمی‌کرد؛ کما اینکه آن شب هم آن را اعلام نکرد و شهادت آقای نخست‌وزیر هم همین بود - من نه خبرنگاری را دعوت کردم و نه آنها را دیده بودم. رئیس دفتر نخست‌وزیر بنا به دستور رئیس دولت، خبرنگاران را احضار و پس از آن هم به دستور نخست‌وزیر آنها را مرخص کرده است. وی اضافه کرد: اصل پیشنهاد را هم همان‌طور که دیروز ثابت کردم از من نبود، اما تأثیر القای این فکر از طرف شیاطین آن‌قدر قوی بوده و هست که هنوز شک و تردید وجود دارد و با این همه دلایل، چاره‌ای جز پناه بردن به خدا وجود ندارد.

وی ادامه داد، اما در مورد حرارت من در این مورد باید بگویم: من در دو طرح قبلی خود هم چنین حرارتی را به کار برده بودم. وی سپس به شرح خلق و خوی متفاوت افراد اشاره کرد و گفت: تنها افراد دولت نبودند که نگران حوادث زمان بودند و می‌خواستند دولت دائم زودتر تشکیل شود. شما هم از زبان آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر یزدی شنیدید که حضرت امام هم علاقه‌مند بودند که دولت دائم زودتر تشکیل شود؛ تا آن حد که امر کردند که همان قانون اساسی تهیه شده از طرف دولت به فریاد هم گذارده شود، و بعد هم وقتی که نامه‌ای را که هیئت دولت تهیه و تصویب کرده بود را دیدند. رهبر انقلاب با متن آن از نظر قانونی مخالفتی نداشتند و از اختیارات خودشان برای تمدید مدت مأموریت مجلس خبرگان استفاده فرمودند. آنچه که من با حرارت از آن یاد کردم مقابله با جمهوری، انقلاب و اسلام و امام نیست. چنانچه تمام جملات آن گویای عکس مطلب است. این احساس حرارت از مجرای قانونی انجام شده و کوچک‌ترین دلیلی برای عکس آن وجود ندارد. بعد هم که این طرح با نظر شخص امام مسکوت گذارده شد، تمام حرارت من صرف وظایف و خدماتم در همان دوران کوتاه ۶۰ روزه - که در فاصله نوشتن این نامه و بازداشت من

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۱۹۹

بود - حداکثر در جهت معرفی انقلاب و تشریح مواضع انقلاب شده بود، و شما از زبان سفیر فعلی ایران شنیدید که امیرانتظام در آن مدت سفارت خود، تمام وقت خود را در تشریح و دفاع از انقلاب گذرانده بود؛ آن هم در محیطی که در جریان سخنرانی‌ها به من ناسزا می‌دادند که چرا از انقلاب و امام دفاع می‌کنم! چگونه اسلام با خدمتگزاری که تمام حرکات و رفتار او گویای اسلام‌دوستی اوست این‌چنین رفتار می‌کند؟

وی سپس آیه «فبشر عبادی الذین یستمعون القول و...» را قرائت کرد و گفت: مژده آن بندگان که تمام قول‌ها را گوش می‌کنند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند. رئیس دادگاه پس از قرائت این آیه از سوی متهم گفت: من نمی‌خواهم بیان آقای امیرانتظام را رد کنم، ولی گروه‌ها و افراد از این آیه برداشت غلط می‌کنند و برداشت‌هایی از این آیه می‌شود که در برخی مواقع اسباب گمراهی نوباوگان و نوجوانان می‌شود. معنی این آیه چنان است که خداوند می‌فرماید: مژده بر بندگان باد که سخن‌ها و قول‌های خوب را می‌شنوند و از خوب‌ترین آنها پیروی می‌کنند؛ درحالی‌که در داخل زندان عده‌ای از زندانیان گریبان مدیر زندان را می‌گیرند که فلان کتاب کمونیستی را به ما بدهید؛ درحالی‌که از نظر اسلام، کتب کمونیستی حرام است و نگاهداری آن هم نیز حرام است؛ و وقتی مسئولان زندان به آنها پاسخ می‌دهند، آنها فوری همین آیه را قرائت می‌کنند و می‌گویند: شما به آیه قرآن نیز عمل نمی‌کنید. آیت‌الله محمدی گیلانی در ادامه اظهارات خود گفت: این توضیح را بدان منظور دادم که این آیه ملعبه دست بی‌خبران نشود.

پس از اظهارات رئیس دادگاه، عباس امیرانتظام در ادامه قرائت متن دفاعیه خود چنین گفت: بنابراین، من به قرآن متمسک می‌شوم که در این کتاب آسمانی عقاید و آرای مخالف منع نشده است.

وی سپس به اتهام انحلال مجلس خبرگان اشاره کرد و گفت: پیشنهاد جمع ما یک پیشنهاد قانونی بوده و مصوبه آن نیز قانونی بوده و متوقف ماندن مصوبه آن نیز طبق قانون بوده است و پس از آن نیز هیچ اقدامی در جهت آن نشده و تنها در جهت معرفی انقلاب و دفاع از آن و رهبر انقلاب شده است که تمام مدارک آن را شما در اختیار دارید.

۲۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

عباس امیرانتظام در ادامه دفاع از خود گفت: آقای نماینده دادستان، مرا سومین شخص مملکت - بعد از امام و نخست‌وزیر - معرفی کردند و چنین نتیجه گرفتند که امیرانتظام حق نداشته چنین رفتار می‌کرد؛ درحالی‌که باید بگویم مقصود آقای نماینده دادستان از عنوان کردن چنین مطلبی این بوده که ایشان می‌خواهند مسئله را بزرگ جلوه دهند. من که با ده‌ها دلیل ثابت کردم که اسناد به‌دست آمده از لانه جاسوسی ساختگی است و اتهامات ناشی از آن ساقط است و بقیه اتهامات را نیز با دلایل کافی رد کردم، اما متأسفانه هنوز تأثیر وجود این شیاطین و گفتار و نوشته‌هایشان وجود دارد، و این‌طور به نظر می‌آید که خدای ناکرده دادگاه انقلاب اسلامی به جای آنکه اصل کار خود را بر برائت - آن هم با این همه دلیل و مدرک - بنا نماید، دنبال یافتن دلیلی برای اثبات مدارک «سیا» است. امیدوارم که من اشتباه کرده باشم و خداوند نخواهد که چنین باشد.

عباس امیرانتظام در ادامه قرائت متن دفاعیه خود گفت: اجازه می‌خواهم راجع به مطالبی که آقای دکتر یزدی در مورد مجلس خبرگان اشاره کردند توضیحاتی را به استحضار دادگاه محترم برسانم. وی سپس چنین ادامه داد: آقای دکتر یزدی در جلسه ۱۳۶۰/۲/۱۴ چنین بیان داشتند: اما جریان به همان صورتی است که منعکس شده؛ یعنی بعد از اینکه در جلسه هیئت دولت مطرح شد و ۱۷ تن از هیئت دولت امضا کردند، روز بعد خدمت امام بردند.

امیرانتظام در ادامه نقل قول از دکتر یزدی گفت: وی (یزدی) در اینجا به جوی که در آن موقع مطرح بود اشاره کردند و گفت ما این احساس را در خارج از دولت پیدا کرده بودیم که از قرائن و شواهد و جنجال‌ها به نظر می‌رسد که توطئه‌ای علیه قانون اساسی وجود دارد. برای آنکه مهلت یک ماهه مجلس خبرگان گذشته بود. پس بعد از یک ماه دیگر مصوبات آن قانونی نیست. بندی هم که به محضر دادگاه ارائه خواهم داد و اکنون نردم نیست، عبارت است از نامه‌ای که مشترکاً دو نفر از نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی یعنی آقایان شجونی و فخرالدین حجازی به نخست‌وزیر نوشته‌اند در مورد انحلال مجلس و درخواست از نخست‌وزیر است.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۰۱

عباس امیرانتظام ادامه داد که دکتر یزدی چنین ادامه داد که در آن موقع این مسئله مطرح بوده و ما این را به‌عنوان یک حدس و یک جنجال و یک توطئه نگاه می‌کردیم؛ چون در متن مصوبه‌ای که شورای انقلاب تصویب کرده که این مجلس باید پیش‌نویس قانون اساسی را تصویب بکند و بعد هم یک ماه بیشتر نیست. داستانش را آقای مهندس بازرگان فرمودند و بنده هم در آن جلسه بودم. عباس امیرانتظام فرمود: دکتر یزدی گفت اعضای شورای انقلاب و هیئت دولت به خدمت امام رفتیم. در آن جلسه که خدمت امام بودیم دو نظریه مطرح بود: امام می‌فرمودند که مجلس مؤسسان را مطرح نکنیم برای اینکه وقت نداریم و توطئه‌ها زیاد است. به هر قیمتی که شده همین پیش‌نویس قانون اساسی را به رفراندوم بگذارید. آقایانی که در آن جلسه بودند تا آنجایی که یادم هست جنابان آقایان بهشتی، هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، قطب‌زاده، مهدوی کنی و باهنر بودند و کسانی که مخالف بودند، مرحوم طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، مهندس صباغیان، من (دکتر یزدی) و آقای بنی‌صدر و شاید آقای کتیرایی بودیم. عباس امیرانتظام در ادامه دفاعیات خود گفت: دکتر یزدی در ادامه اظهارات خود با اشاره به نامه آقایان شجونی و حجازی گفت: من تصور نمی‌کنم که این آقایان از موضع دشمنی و عناد و خدای ناکرده توطئه می‌خواستند چنین کاری بکنند. یک مشکل پیدا شده مثل همه مشکلاتی که پیدا می‌شد و هر کس یک راه حلی را پیدا می‌کرد.

امیرانتظام گفت: دکتر یزدی در پایان این قسمت از شهادتش گفت: وقتی پیش امام رفتیم و این مشکل را گفتیم امام فرمودند: نه، این مشکلی نیست. من از ولایت خودم استفاده می‌کنم و همین دلیل که به این دولت و این جریان مشروعیت دادم، خودم هم به‌عنوان ولی امر این تاریخ را تمدید می‌کنم. همین هم شد و قضیه در همین مرحله تمام شد.

امیرانتظام افزود: ملاحظه می‌فرمایید نه تنها این فکر از قبل در هیئت دولت بوده، بلکه در سایر مردم از جمله دو نماینده فوق‌الذکر نیز بوده است. هرگز امیرانتظام مبتکر و مبشر آن نبوده است. امیرانتظام گفت: حضرت آیت‌الله گیلانی، اگر ده‌ها اتهام یا سؤال یا قرینه یا شواهد باز در این دادگاه عنوان شود، من با کمک خداوند بطلان آن را

۲۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ثابت خواهیم کرد؛ همان‌طور که تاکنون بطلان اتهاماتی را که بر من وارد شده است ثابت کردم. فقط اعتراف می‌کنم که قادر نیستم یک چیزی را که برخلاف رضای خدا در ذهن عده‌ای وجود دارد را از بین ببرم و آن شک و تردید و سوءظن است که این دشمنان خدا بر علیه من و برادرانم ایجاد کردند. اگرچه بر اساس اصلی در فقه اسلامی صفحه ۵۳ کتاب انسان در افق اسلام تالیف استاد محمدتقی جعفری که می‌گوید «با امکان اشتباه و شبهه، کیفر ما ساقط می‌گردد»؛ همین شک و تردیدها ایجاد اشتباه و شبهه می‌نماید، کیفر را ساقط می‌کند.

فراری دادن آمریکایی‌ها

امیرانتظام در ادامه قرائت متن دفاعیه خود گفت: حال به یکی دیگر از موارد اتهام که راجع به فراری دادن آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها از ایران است می‌پردازم. وی سپس نامه مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ را به این شرح قرائت کرد. «تیمسار فیروزی، مدیر کل هواپیمایی کشور

جناب نخست‌وزیر در مقابل درخواست سفارت انگلستان و آمریکا در ایران موافقت نمودند که برای خروج اتباع خودشان و سایر کشورهای خارجی به وسیله هواپیماهای نظامی و کشوری دولت مزبور هرچه زودتر اقدام نمایند.

لازم است برای انجام هرچه بهتر این کار، به مسئولان مربوطه دستور داده شود که در این باره کمک‌های لازم را با توجه به شرایط زیر برای این گونه پروازها در اختیار مأموران انگلیسی و آمریکایی بگذارند.

۱- عبور از کلیه راه‌های ورودی و درهای فرودگاه مجاز می‌باشد.

۲- تأمین مأمور کافی برای انجام مسافرت یک هزار نفر در روز.

۳- فراهم کردن تسهیلات لازم برای حمل اثاثیه مسافران این پروازها از پایون دولتی.

۴- کمک به تنظیم برنامه پروازها: بر طبق برنامه، سفارتخانه انگلستان و آمریکا اجازه پرواز خواهند داشت. به نمایندگان سفارتخانه‌های مزبور اطلاع داده شده است که برای انجام این منظور با شما تماس گرفته شود و مذاکره نمایند.

معاون نخست‌وزیر، امیرانتظام».

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۰۳

پس از قرائت این نامه، عباس امیرانتظام گفت: حال اجازه دهیم برگردیم و جزء به جزء نامه را مرور کنیم و ببینیم که کاری برخلاف قانون انجام شده است یا نه؟ در سطر اول نامه ذکر شده که جناب آقای نخست‌وزیر موافقت کرده‌اند. مفهوم آن است که رئیس دولت و دولت آن را تأیید کرده‌اند. وی سپس متن جوابیه مهندس بازرگان را - که در مجلس شورای اسلامی توسط خود مهندس بازرگان قرائت شده بود را - برای دادگاه خواند و گفت: مهندس بازرگان در قسمتی از نامه خود چنین نوشته بود که «آیا آن روز دولت می‌بایست بگذارند که اتباع خارجی در ایران بمانند و جاسوسی و اخلال کنند؟ و یا خرجشان را که عده زیادی از آنها حقوق‌بگیر ارتش بودند را بدهیم و آنها را روانه کنیم. عوض آنکه ما به سفارتخانه‌ها دستور بدهیم که یا الله این افراد را زودتر بیرون کنید، صحبت طوری شده که خود آنها و سفارتخانه‌ها تقاضا کنند و بعد یک مشکل دیپلماسی و حقوقی برای ایران فراهم نیاورند» این عملی بوده که امیرانتظام از قول نخست‌وزیر گفته است و بعدها خودمان می‌خواستیم که آنها هرچه زودتر و همان ماه اول بروند و ما نه پول آنها و نه وسیله آنها را فراهم کنیم و نه خرجشان را بدهیم؛ یا اینکه اگر پولشان را می‌دهند با هواپیمای ملی ایران بروند، اینکه خواستیم هواپیماهای نظامی بیاورند و با همان‌ها بروند. امیرانتظام گفت: آقای مهندس بازرگان چنین گفتند، آیا ما می‌بایست کارشکنی می‌کردیم که اینها نروند، بمانند و حادثه ایجاد کنند؟ وی افزود: چهار شرط نامه مزبور همگی دلالت بر این دارد که خروج تمام خارجیان از طریق فرودگاه مهرآباد بر طبق قوانین و تحت کنترل ایرانیان بوده است.

امیرانتظام در ادامه دفاعیات خود گفت: این تصمیم متعلق به دولت منتخب امام خمینی، رهبر بزرگوار انقلاب بوده است و شورای انقلاب هم در آن زمان وظیفه مجلس شورای اسلامی را داشت و بر اعمال دولت نظارت می‌کرد. وظیفه شرعی و ملی من اطاعت از دستورات دولت و شورای انقلاب و امام بود که من هم همین کار را کردم. حالا به دور از هرگونه خشم و عصبانیتی که خدای ناکرده نمی‌گذارد واقعیت‌ها را ببینیم به مصوبه دولت که من آن را ابلاغ کرده‌ام توجه نمایید. آیا دولت اجازه داده است که هرچه می‌خواستند ببرند؟ نه، چنین جمله‌ای در این نامه وجود

۲۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ندارد. گفته شده است از کلیه درهای ورودی می‌توانند وارد شوند. گفته شده که مأمور کافی برای انجام تشریفات قانونی یک هزار مسافر در روز داشته باشند. گفته شده است که تسهیلات لازم جهت حمل اثاثیه آنها فراهم سازید. گفته شده که از پاپیون دولت به علت کمبود جا نیز استفاده کنید. این مصوبه دولت است، ولی در هیچ کجا گفته نشده است که برخلاف مقررات گمرکی عمل کنید. وظیفه مأمور گمرکی و مأمور کنترل خروج، سر جای خودش باقی است و این دستور آنها را نهی نکرده است. مصوبه دولت آن است که برنامه کار خود را با برنامه آنها تطبیق بدهید. در هیچ کجای نامه گفته نشده است که برخلاف مقررات عمل کنید. فقط بنا به صلاحدید هیئت دولت، تعداد مسافران از تعداد عادی زمان بیشتر بوده و تصمیم هم تصمیم دولت قانونی و شرعی است.

امیرانتظام در دنباله دفاعیات خود گفت: در دولت موقت کارها تقسیم شده بود: مسئولیت کنترل فرودگاه و خروج از کشور زیر نظر معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بود که در آن زمان آقای دکتر یزدی بودند. وی سپس توضیحات دکتر یزدی در این مورد را که در مجلس شورای اسلامی و در جلسه پنجشنبه مورخ ۱۳۶۰/۲/۱۰ اظهار شده بود، اشاره کرد و گفت: دکتر یزدی گفته است که اتهامی را که به امیرانتظام وارد کرده‌اند به این مضمون که او اجازه داده است لوازم مختلفی را که متعلق به ایرانیان بوده است را آمرکایی‌ها از ایران خارج کرده‌اند، خیر، این دروغ است. مسئول امر در فرودگاه مهرآباد ۷۰ تا ۸۰ برگ اسناد مربوطه را برده است و به دادگاه ویژه انقلاب به آقای محمدی گیلانی تسلیم کرده است.

امیرانتظام گفت: دکتر یزدی گفته است که من مسئول فرودگاه بوده‌ام و فرودگاه زیر نظر معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب بوده است. تمام ۷۰ تا ۸۰ صندوق یکایک در ترمینال باز شده و دقیقاً تمام آنها صورت‌مجلس شده و در حضور نمایندگان محترم دادستان تهران، نیروی هوایی و سپاه پاسداران و کمیته مرکزی انقلاب صورت‌برداری شده و به مسئولان امر در نیروی هوایی تحویل شده است.

امیرانتظام گفت: ملاحظه می‌کنید که مسئولیت خروج زیر نظر ایشان (دکتر یزدی) بوده و بعد هم طبق اظهارات خودشان و آقای مسموعی مسئول گمرک مهرآباد از

اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۰۵

طریق نخست‌وزیری آنها هم به وظایف قانونی خود عمل کرده‌اند. مدارک مربوطه را نیز خدمت آقای میرمهدی تقدیم کرده‌اند.

وی سپس به توضیحات دکتر یزدی در مورد نحوه کنترل فرودگاه که در جلسه قبل دادگاه عنوان شده بود، اشاره کرد و گفت: در فرودگاه مهرآباد در سه قسمت زیر، کنترل‌های لازم انجام می‌شده است:

۱- کنترل گذرنامه، ۲- کنترل ارز، ۳- کنترل گمرک که همه قسمت‌ها زیر نظر معاون دادسرای تهران آقای مصطفی فاتحی بوده است. امیرانتظام گفت: دکتر یزدی در جلسه قبل گفت که حتی یک قلم از اقلام موجود در ۷۸ صندوق از ایران خارج نشده است و تماماً از طرف مأموران نخست‌وزیری توقیف و صورت‌جلسه شده است. که صورت جلسات آنها نیز از سوی نماینده نخست‌وزیری در فرودگاه مهرآباد تسلیم دادستانی شده است. وی سپس نامه رضا مسموعی را برای دادگاه قرائت کرد. در این نامه، مسئول کنترل اتباع خارجی در فرودگاه مهرآباد اعلام آمادگی نموده است که جهت شهادت در دادگاه امیرانتظام حضور یابد و توضیحات لازم را به عرض دادگاه برساند و کلیه مدارک و اطلاعات خود را صادقانه در اختیار ریاست دادگاه و امت مسلمان ایران بگذارد. وی در نامه خود ادعای دانشجویان پیرو خط امام مبنی بر خروج مقادیری جنس از فرودگاه مهرآباد را نیز تکذیب کرده است. وی در پایان نامه خود تقاضا کرده است تا برای ادای شهادت که حاوی بسیاری از حقایق است به دادگاه احضار شود.

امیرانتظام سپس نامه دادستان انقلاب خطاب به پاسداران مستقر در سفارت آمریکا را قرائت کرد. این نامه خطاب به مرتضی کاشانی‌خواه است و در آن به حاج مرتضی کاشانی‌خواه مأموریت داده شده است که با پاسداران مسلح در اختیار خود و با همکاری آقایان «فری کی» و «مک گانی» نمایندگان سفارت آمریکا، کلیه اثاثیه اتباع آمریکایی را جمع‌آوری و طبق مدارک موجود، آنچه را که متعلق به آمریکایی‌ها می‌باشد، در اختیار آقایان فوق قرار دهید تا پس از بسته‌بندی به سفارت آمریکا حمل و آنچه را که متعلق به دولت ایران می‌باشد را با مراجعه به نخست‌وزیری و تعیین نماینده

۲۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

هیئت دولت طی صورت‌جلسه‌ای به نماینده دولت تحویل نماید. کلیه کمیته‌های انقلاب موظف به همکاری با شما می‌باشند.

امیرانتظام گفت: پس ملاحظه کردید که هیچ اثاثیه متعلق به ایران با دستور من از کشور خارج نشده است. امیرانتظام سپس اظهار داشت که دولت نه تنها در این جریان مورد تأیید امام بود، بلکه چند ماه بعد هم امام حمایت خود را از دولت آقای بازرگان اعلام کردند. وی از روی «روزنامه اطلاعات» ۱۲ مهرماه سال ۱۳۵۸ از قول امام چنین خواند: امام دولت بازرگان را قویاً تأیید کرد و گفت: امام خطاب به هیئت دولت فرمودند شما مورد تأیید و اطمینان من هستید و من به حسن نیت یکایک شما اعتماد دارم. امیرانتظام سپس در مورد خروج افراد از کشور، توضیحاتی داد و گفت: در چند ماه اول کار به دلیل تراکم کارهای آقای دکتر یزدی معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب، کارهای تشریفاتی اولیه اجازه خروج با اجازه آقای نخست‌وزیر از طرف من انجام می‌شد. مقررات و سیستم اجازه خروج به این شرح بود.

۱- لیست ۲۴ هزار نفری که معاونت امور انقلاب تهیه کرده بود و افرادی را که مراجعه می‌کردند. نام آنها از دفتر من به دفتر آقای دکتر یزدی ارسال می‌شد و آنها کنترل می‌کردند و جواب می‌دادند که آن شخص حق خروج دارد یا نه. مانند این نمونه که در «روزنامه جمهوری اسلامی» مورخ ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۸ چاپ شده است.

وی گفت: متأسفانه در این خبر، عنوان خیانت به من داده‌اند. وی سپس روزنامه را به اعضای دادگاه نشان داد و گفت در زیر نامه، جمله‌ای است که نوشته شده، نام آقای سید فخرالدین طباطبایی جزو ممنوع‌الخروج‌ها نیست. و گفت: این اجازه برای خروج وی از کشور بوده است و افزود چون این شخص عضو دولت بوده است، باید چهار نفر از مسئولین دولت آن را امضا می‌کردند که چهار نفر از مسئولان وقت نخست‌وزیری آن را امضا کرده‌اند و اجازه خروج داده شد.

امیرانتظام گفت: دلیل دیگر خروج از کشور، تأیید یکی از اعضای هیئت دولت در مورد شخص مزبور بود. دلیل دیگر اجازه خروج از کشور برای افراد این بود که کسانی که از طرف مقامات روحانی شناخته شده، برای دولت و یا کمیته مرکزی یا افراد انقلابی شناخته شده برای دولت موقت درباره شناسایی آنها نامه نوشته بودند و بر مبنای

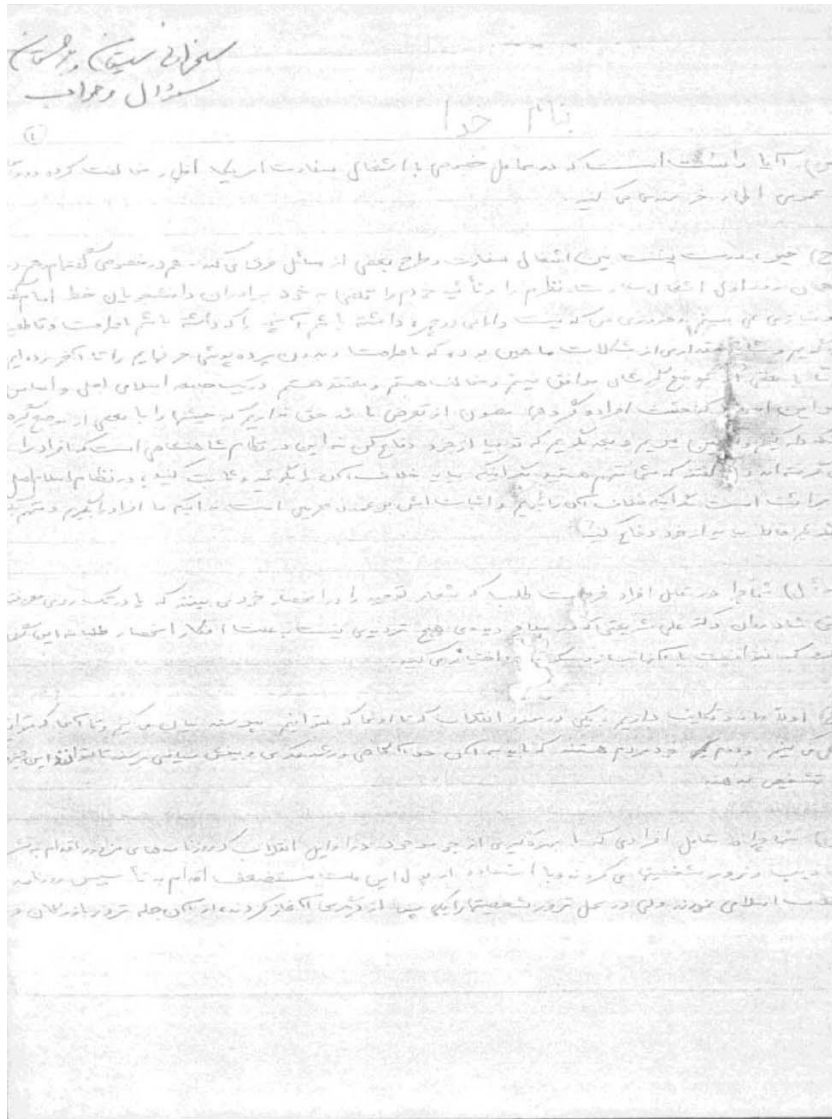
انشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری □ ۲۰۷

آن اجازه خروج داده می‌شد که تمام مدارک موارد فوق در نخست‌وزیری موجود است.

امیرانتظام گفت: عرایض من در رد اتهامات تمام شد. فقط آخرین دفاع من باقی مانده که بعد از سخنان نماینده دادستان ایراد خواهم کرد. سپس نماینده دادستان مطالبی در مورد نام رمز متهم «استی پلات» گفت و اظهار داشت، فیلمی از لانه جاسوسی به دست آمده که نشان می‌دهد نام رمز «استی پلات» متعلق به آقای امیرانتظام است که در جلسه آینده با موافقت متهم نمایش داده خواهد شد. با پایان یافتن وقت دادگاه، دهمین جلسه محاکمه عباس امیرانتظام مقارن ظهر پایان یافت و ادامه دادرسی به صبح روز بعد موکول شد.

اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری □ ۲۰۹

پیوست ۹- گفتگو با دکتر یزدی درباره اشغال سفارت آمریکا، گروگان گیری و موضوعات دیگر



اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری □ ۲۱۱

۳۷

و اسبق بخرس این تا گلی در درون موع در تهران از طرف عمده و طرف بر شد تا لیک جمع بود و در آن کانه
ایضا به تری برده عنوان رئیس شورای سلطنت شد و فاش اینها که استعداد و نه تنها که استعداد و ایلی
تن ساعدار محمد کردستان اولی که در شش سلطنت استعداد استعداد و در عنوان و استعداد اینها بود که آقا
بدری شده من که باقی بودم پس گفتند پس در پیش کافر بد و نوس عیا نه شکر که منی با این چیزها بشه
که آقا نیز برده و آن انگه به عنوان بیاری عنوان ایلی شادی سلطنت بر تانوی است تریا استعداد
ادگت که تانوی که محمد باجر حب لایزم من حدالی تهران که بحال تری سلطنت ایران بود ام شورا سلطنت
هم حکام ریاست و جری حداد بگویم که این فرقا من است شعیب برده ان این در کل راهی و آری
گیم که تری جری مرجع عا لقره حضرت اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استعداد سلطنت محمد قدس است
و بعد از مرجع اعلام که این غیرت نمی است استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
نه برشته شد همین این بر که بر ما خیر بود استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
بود چه ای که نه تنها استعداد به درستی استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
من اینها که هم که در هر چه در راه استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
که بر است که نه تنها استعداد این بر است استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
بودیم در و در هر چه در راه استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
هستند چرا استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
در تهران استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
چند زیاد بر سر این استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
هم که استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
بشما حجت است که در حق ما ظاهر استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
کامی در حجت استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد
در استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد استعداد

فصل دوم

مأموریت مجلس شورای اسلامی در حل و فصل موضوع گروگان‌ها و بیانیه الجزایر

مقدمه

در اوج کوشش و تلاش برای بازداشت شاه در پاناما و استرداد وی به ایران و تحویل گروگان‌ها به شورای انقلاب که شرط اولیه پاناما برای بازداشت شاه بود، دانشجویان از تحویل گروگان‌ها به شورای انقلاب خودداری کردند. دولت پاناما بازداشت شاه را به تعویق انداخت و شاه در این فاصله از پاناما به مصر گریخت.

در چهارم اسفند ۱۳۵۸ آقای خمینی طی بیانیه‌ای سرنوشت نهایی گروگان‌ها را به مجلس واگذار کرد. در این بیانیه، چنین گفته شده است:

«دولت ایران و جناب آقای رئیس جمهور، تمام کوشش و سعیشان را در استرداد شاه خائن و اخذ اموال ملت ایران ابراز نمایند که ملت دلیر، دست از این خواست برحقشان برنمی‌دارند و قدمی به عقب نمی‌گذارند. از آنجا که در آینده نزدیک نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می‌نمایند، امر گروگان‌ها با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگان‌ها و امتیازاتی که در قبال آن بگیرند، تصمیم گیرند. البته تا تشکیل مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب و جناب رئیس جمهور کوشش خودشان را درباره برگرداندن شاه و اموال ملت و جریانات سیاسی که زمینه این گونه خواسته‌ها را فراهم می‌کند، مبذول دارید».

در نوزدهم اسفند ۱۳۵۸ بار دیگر بیانیه‌ای از جانب دفتر آقای خمینی صادر شد که مجدداً نظر ایشان مبنی بر واگذاری امر گروگان‌ها به مجلس شورای اسلامی را مطرح و بر آن تأکید می‌کرد. در پی این بیانیه، شورای انقلاب که در جریان کامل مذاکرات پاناما قرار داشت و قبلاً انتقال گروگان‌ها را به نماینده شورای انقلاب تصویب کرده بود، طی

۲۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

بیانیه‌ای به تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۵۸ هر گونه تصمیم‌گیری در امر گروگان‌ها را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرد. اعلام این نظرات وقتی بود که فعالیت‌های گسترده‌ای برای توقیف شاه در پاناما و تحویل وی به ایران در جریان بود. ما در بحث دیگری درباره سفر شاه به پاناما توضیحاتی داده‌ایم. در اینجا بار دیگر یادآوری می‌کنیم که بازداشت شاه و تحویل وی به ایران، قطعی و حتمی بوده است و آمریکایی‌ها نیز موافقت خود را با این جریان به دولت پاناما اعلام کرده بودند. مرحله اول این اقدامات، عبارت بود از بازداشت شاه و انتقال گروگان‌ها به دولت ایران. اما معلوم نشد که به چه دلیل این انتقال صورت نگرفت و در نتیجه اصل جریان متفی گردید و شاه به کمک گروه دیوید راکفلر و هنری کیسینجر به مصر فرار کرد.

در نهم فروردین ماه ۱۳۵۹ دفتر آقای خمینی برای بار سوم طی بیانیه‌ای دیگر تأکید کرد تا تشکیل مجلس، گروگان‌ها به دست دانشجویان باقی می‌مانند.

در دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۹ رهبر انقلاب در پیام خود به مناسبت روز جمهوری اعلام کرد: «حل این مسئله (گروگان‌ها) به دست هیچ کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی منبعث از آرای ملت نیست».

با سفر شاه یا بهتر است بگوییم با فرار شاه از پاناما به مصر، آخرین تلاش‌های مشهود و سعی برای حل مسئله گروگان‌ها از طریق دیپلماسی پایان یافت و با ارجاع مسئله به مجلس، ظاهراً حالت صبر و انتظاری به وجود آمد. اما دولت آمریکا نمی‌توانست در مقابل این مسئله بی‌تفاوت بماند و صبر کند تا مجلس ایران تشکیل شود و تصمیم بگیرد. از سوی دیگر، آمریکا درگیر انتخابات ریاست جمهوری بود و جیمی کارتر، هم در حزب دموکرات با رقیبی چون کندی روبه رو بود و هم باید با به مصاف حزب جمهوری خواهان و رقیبی چون رونالد ریگان می‌رفت. سیاست صبر و انتظار درباره گروگان‌ها زهر کشنده‌ای برای کارتر بود. خصوصاً که کارتر به درستی می‌دانست پشت سر تمامی حوادث، چه جناحی قرار دارد و چگونه عمل می‌کنند. اما کارتر چه می‌توانست بکند؟

اولین عکس‌العمل کارتر در برابر شکست مذاکرات پاناما و فرار شاه به مصر با همکاری گروه نیکسون، کیسینجر، راکفلر و همچنین برای آرام ساختن افکار عمومی مردم آمریکا، قطع روابط دیپلماسی با ایران بود.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۲۱

در تاریخ ۱۹ فروردین ماه ۱۳۵۹ دولت آمریکا رسماً روابط سیاسی خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. مسئله قطع روابط ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب را ما در بحث‌های گذشته مورد بررسی قرار دادیم. آنچه که در اینجا باید یادآور شویم این است که اقدام دولت آمریکا در قطع روابط سیاسی با ایران احتمالاً می‌توانست علامت ضعف سیاسی آن دولت محسوب شود، نه قدرت وی. دولت کارتر که در اقدامات سیاسی‌اش برای دستیابی به یک راه حل قابل قبول، با شکست مواجه شده بود، برای آنکه به فشار افکار عمومی آمریکا جوابی داده باشد، دست به قطع رابطه با دولت ایران زد تا بتواند هم افکار عمومی مردم آمریکا را کمی آرام سازد و یا حداقل متقاعد نماید دولت با قدرت عمل می‌کند و هم زمینه‌سازی برای اقدام بعدی خود نموده باشد. دولت آمریکا در حالتی این اقدام را نمود که روابط دیپلماتیک میان دو کشور عملاً به کمترین حد خود رسیده بود. عمل دولت آمریکا صرفاً به منظور جوسازی در خود آمریکا بود. معمولاً یک دولت مقتدر که خود را در بن بست نیابد و مجبور نباشد، دست به قطع روابط سیاسی نمی‌زند. در مناسبات سیاسی و دانش سیاست، قطع روابط سیاسی، عموماً از موضع ضعف تعریف می‌شود، نه از موضع قدرت. به همین دلیل، کمتر اتفاق افتاده که کشورهای بزرگ و ابرقدرت‌ها در قطع روابط سیاسی با کشورهای جهان سوم و یا فی‌مابین خودشان، پیشقدم باشند. بسیاری از کشورها حتی در حال جنگ با یکدیگر روابط سیاسی متقابل را حفظ می‌کنند. برخلاف تصورات عامه مردم، قطع رابطه دلیل بر قاطعیت و قدرت و یا انقلابی‌گری نیست.

اعلام قطع روابط آمریکا با ایران، به هر حال با استقبال مردم ایران روبه‌رو شد. آقای خمینی در ۱۳۵۹/۱/۱۹ به مناسبت اقدام آمریکا در قطع روابط چنین گفتند: «اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است همین قطع رابطه است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم».

حمله نظامی آمریکا و حادثه طبس

اقدامات بعدی آمریکا و حمله نظامی به ایران و علنی شدن عملیات نظامی طبس نشان داد که اقدام دولت آمریکا در قطع رابطه در واقع ایجاد آمادگی ذهنی در مردم آمریکا

۲۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

برای قبول طرح حمله نظامی به ایران بوده است. دولت آمریکا با اقدام خود در قطع رابطه، سعی کرد افکار عمومی مردم آمریکا را برای عملیات نظامی آماده کند. مردم آمریکا از درگیری نظامی سالیان دراز آمریکا در ویتنام سخت ناراحت بودند؛ از این رو، هرگز نمی‌توانستند حمله نظامی به ایران را تحمل کنند. وجود حدود پانصد هزار تن معلول جنگ ویتنام، آنچنان بر وجدان سیاسی - اجتماعی مردم آمریکا سنگینی می‌کرد که شرکت آمریکا در یک جنگ دیگر را به سختی می‌توانست بپذیرند؛ لذا نظامیان آمریکا و طرفداران خط خشونت و قهر، می‌بایستی افکار عمومی را آماده می‌کردند. قطع رابطه سیاسی با ایران از طرف دولت آمریکا عمدتاً به همین منظور صورت گرفت تا زمینه مساعدی برای ماجراجویی نظامی فراهم شود.

حادثه طبس را در فصل پیش مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم؛ در اینجا لازم است گفته شود قطع رابطه دولت آمریکا با ایران در ۱۳۵۹/۱/۱۹ و حمله نظامی در ۱۳۵۹/۲/۵ نمی‌توانست بی‌ارتباط با هم باشند.

پس از شکست برنامه تهاجم نظامی آمریکا در طبس، بار دیگر افکار عمومی مردم جهان به عمق وخامت اوضاع پی بردند؛ همچنین به مردم جهان نشان داد که ابر قدرت‌ها برای تأمین منافع خودشان و تحقق اهداف و برنامه‌هایشان حاضرند تمامی مقررات بین‌المللی را زیر پا بگذارند.

شکست برنامه آمریکا در طبس موج جدید و شدیدی را در ایران علیه دولت آمریکا به وجود آورد. آقای خمینی با صدور پیامی عکس‌العمل و خشم ملت ایران را از این اقدام جدید آمریکا در همان روز (۱۳۵۹/۲/۵) منعکس ساخت.^۱

مجلس و گروگان‌ها

آقای خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۴ پیامی صادر کردند و طی آن، حل و فصل مسئله گروگان‌ها را به مجلس محول کردند. سخنان ایشان بدین شرح بود: «... ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می‌باشیم ... ولی از آنجا که در آینده نزدیک نمایندگان

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره حادثه طبس نگاه کنید به: ادوارد کلن، «آمریکا در اسارت»، ترجمه توران خاوری و سرور طلایه یزدی، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۲.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۲۳

مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می‌نمایند، امر گروگان‌ها با نمایندگان مجلس است تا نسبت به آزادی گروگان‌ها و امتیازاتی که در قبال آنان باید بگیرند، تصمیم گیرند ...» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۶۲).

ارجاع مسئله گروگان‌ها به مجلس، در واقع شگرد خردمندان‌های بود برای پیشگیری از تشدید تشنجات و آشوب‌های خیابانی در آستانه انتخابات مجلس. پس از پیروزی انقلاب، قدرت‌های شکست‌خورده از انقلاب (آمریکا، انگلیس و اسرائیل) که از سال ۱۳۳۲ قدرت فائقه و همه‌کاره در ایران بودند و با پیش‌بینی انقلاب در ایران کوشش کردند تا یا جلوی آن را بگیرند یا آن را به سمت و سوی که خودشان می‌خواستند هدایت کنند، اما موفق نشدند. پس از پیروزی این پرسش را مطرح کرده بودیم که آیا این دولت‌ها دست از سر ایران برداشته‌اند و ما را به حال خود رها کرده‌اند؟ طبیعی بود که پاسخ منفی باشد. پس چه کردند؟ در جلد چهارم خاطراتم (شصت سال صبوری و شکوری: تاسیس نظام جدید، شورای انقلاب و دولت موقت) درباره سه سناریوی راهبردی در مقابله با انقلاب اسلامی ایران، مفصل توضیح داده‌ام: یکی از این برنامه‌ها ایجاد آشوب و ناآرامی با هدف ایجاد بی‌ثباتی^۱ و جلوگیری از استقرار نظام جدید بود. این آشوب‌ها بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، شروع شده بود و در هر مرحله‌ای که گامی برای تثبیت نظام برداشته می‌شد، این آشوب‌ها شدت پیدا می‌کرد. انتخابات مجلس، گام بزرگی بود در راستای استقرار نظام جدید. به همین سبب با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات، این آشوب‌ها شدت گرفتند. نیروی محرکه در پشت این آشوب‌ها، ایادی قدرت‌های خارجی یادشده بودند و هدف آنها جلوگیری از برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس بود. آقای خمینی با ارجاع حل مسئله گروگان‌ها به مجلس، در واقع این قدرت‌ها را وادار کرد از دامنه آشوب‌ها تا باز شدن مجلس بکاهند. این شگرد مؤثر واقع شد.

مجلس و حل مسئله گروگان‌ها

پس از اینکه اعتبارنامه دو سوم نمایندگان به تصویب رسید و هیئت رئیسه انتخاب و اعضای کمیسیون‌ها معین شدند، یکی از اولین دستورهای مجلس، چگونگی رسیدگی و

1. Destabilisation.

۲۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حل مسئله گروگان‌ها بود. تعدادی از نمایندگان پیشنهاد کردند حل مسئله، کلاً به کمیسیون امور خارجه مجلس واگذار شود. در آن زمان، اعضای کمیسیون عبارت بودند از: آقایان سید محمد خاتمی، اکبر هاشمی رفسنجانی، سید علی خامنه‌ای، شاهچراغی، محمد منتظری، ... و دکتر ابراهیم یزدی. در کمیسیون این موضوع بحث و رد شد؛ سپس در جلسه علنی، کمیسیون ویژه‌ای برای این منظور انتخاب شد.

آغاز کار مجلس و بررسی شرایط آزادی گروگان‌ها

همان‌طور که گفته شد آقای خمینی در چندین نوبت، حل مسئله گروگان‌ها را به مجلس ارجاع داد. شکست تهاجم نظامی آمریکا در طبرس و عدم موفقیت سایر اقدامات آمریکا برای آزادی گروگان‌ها و همچنین نافرجام ماندن تلاش‌های سیاسی دولت شورای انقلاب برای بازگرداندن شاه و اموالش به ایران و بی‌ثمری «کنفرانس بررسی جنایات آمریکا در ایران» و ارجاع حل قضیه به مجلس توسط آقای خمینی، اذهان و افکار داخل و خارج را متوجه مجلس شورای اسلامی کرد.

آقای خمینی در پیام ۱۳۵۹/۶/۲۱ خطاب به زائران بیت الله الحرام، علاوه بر آنکه حل مسئله گروگان‌ها را مجدداً به مجلس شورای اسلامی محول کرد تا به هر نحو که صلاح می‌دانند عمل کنند، در عین حال چهار شرط برای آزادی گروگان‌ها تعیین کرد. فرازی از پیام ایشان که به این قضیه مربوط است، چنین آمده است:

«بارها گفته‌ام که گروگان‌گیری عکس‌العمل طبیعی صدماتی است که ملت ما از آمریکا خورده است. این افراد با بازپس دادن اموال شاه معدوم و لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران و ضمانت بر عدم دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در ایران و آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما، آزاد می‌گردند که البته این امر را به مجلس محول نموده‌ام تا آنان به هر نحو که می‌دانند عمل کنند.»

همان‌طور که در بخش دیگری یاد آور شده‌ام، مجلس شورای اسلامی در پنجم خردادماه ۱۳۵۹ با حضور حداقل دوسوم از کل نمایندگان (یعنی حداقل ۱۸۰ نماینده) کار مقدماتی خود را به ریاست آقای دکتر سبحانی با رسیدگی به اعتبارنامه‌ها آغاز کرد. در ۲۹ تیرماه با تصویب اعتبارنامه حداقل ۱۸۰ تن از نمایندگان منتخب مردم و با

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۲۵

حضور شورای نگهبان، اولین دوره مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران کار خود را آغاز کرد.

با رسمیت یافتن مجلس، حل مسئله گروگان‌ها که به مجلس ارجاع شده بود، در دستور کار قرار گرفت. پس از بحث‌های فراوان جلسه عمومی مجلس، رسیدگی به مسئله و ارائه راه‌حل‌ها را به کمیسیون امور خارجه مأموریت داد. کمیسیون، بعد از بحث‌های زیاد، نظر خود را به شرحی که در نامه دبیر این کمیسیون آمده است، به مجلس گزارش داد.

نامه کمیسیون امور خارجه به رئیس مجلس

«بسم الله الرحمن الرحيم

گزارش کمیسیون امور خارجه ۱۳۵۹/۶/۲۳

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، گشاینده راهی نو در تاریخ بشر است که به خواست خداوند به پیروزی نهایی مستضعفین بر مستکبرین منتهی خواهد شد و در این میان، آمریکای جهانخوار به عنوان شیطان بزرگ و مظهر استکبار جهانی، بزرگ‌ترین دشمن استقلال و عظمت ما و همه مستضعفین جهان است. اشغال لانه جاسوسی آمریکا که در واقع مرکز اصلی حکومت بر سرنوشت ملت مسلمان ایران و پایگاه تجاوز آمریکا در منطقه به شمار می‌رفت، در این رابطه است که معنی و مفهوم اصلی خود را بازمی‌یابد. در دنیای سرسام‌زده کنونی که سوگمندان همه روابط و مقررات بین‌المللی به نفع قدرت‌های توسعه‌طلب تنظیم یا اجرا می‌گردد، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، به حرکتی دست زدند که مورد تأیید امام بزرگ و امت قهرمان قرار گرفت؛ حرکتی که به‌مثابه فریاد مظلومیت ملتی قهرمان بود که راه بلند آزادی و استقلال را به پای خون پیموده است و می‌پیماید تا به یاری خدا، نظام دادبنیاد جمهوری اسلامی [را] بر ویرانه‌های رژیم وابسته پیشین بنا نهد. رهبر انقلاب و وجدان همیشه بیدار مردم شهیدپرور ایران، اشغال لانه جاسوسی آمریکا را بحق، انقلابی می‌نامند که از انقلاب اول بزرگ‌تر است.

۲۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

امام امت امر رسیدگی به مسئله گروگان‌ها را به مجلس شورای اسلامی محول فرمودند و کمیسیون امور خارجه این موضوع را که در رابطه مستقیم با سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، جزء اولین - و نه مهم‌ترین - موضوعاتی یافت که می‌بایست در جلسات این کمیسیون مطرح می‌کرد. به همین منظور، طی چند جلسه درباره اصل موضوع و شیوه رسیدگی به آن به بحث و تبادل نظر پرداخت و از سوی برادران عضو کمیسیون، نقطه‌نظرهای گوناگونی ابراز گردید؛ ضمناً کمیسیون به‌طور غیررسمی نظر تعداد زیادی از نمایندگان محترم را در این زمینه جویا شدند و در نتیجه در آخرین نشست خود تصمیم به ارائه گزارش جاری به جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گرفتند.

در زمینه شیوه رسیدگی به این مسئله دو نظریه وجود دارد که به عرض نمایندگان محترم می‌رسد:

اولاً: نظر به ظرافت و پیچیدگی موضوع، مجلس می‌تواند هیئتی را انتخاب و رأساً مأمور رسیدگی به مسئله و حل و فصل آن گرداند.

ثانیاً: می‌توان مسئله را در جلسه علنی مجلس مطرح نموده تا نمایندگان محترم نقطه‌نظرهای خودشان را ارائه دهند و آنگاه هیئتی انتخاب و مأمور اجرا و پیاده کردن اصول و ضوابطی گردد که از مجموع نظریات ارائه‌شده به‌دست می‌آید.

در اینجا لازم است که نظر کمیسیون امور خارجه را به اطلاع برسانیم:

با توجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و با توجه باینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان‌گیری به کل انقلاب و به تمامی مردمی که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند، مربوط می‌گردد و با توجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگان‌ها از سوی مجلس شورای اسلامی در خارج و داخل ایران، تلاش برای ایجاد جوی ساختگی و تحمیل آن بر فضای رسیدگی به این مسئله به چشم می‌خورد و با توجه به نقطه‌نظرهای گوناگونی که نمایندگان محترم در زمینه حل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند، کمیسیون امور خارجه، جلسه علنی مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم‌گیری درباره آن می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که بحمدالله پایبند حفظ حیثیت انقلاب

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۲۷

عظیم ایرانند، می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمان ایران، نظرات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی در خور این انقلاب برسند، طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول مستخرجه از نظریات نمایندگان را به‌عنوان چارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هیئتی که از سوی مجلس انتخاب می‌گردد اجرا و پیاده نماید.

از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون امور خارجه را در دستور کار یکی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهد تا طبق تصمیم و رأی نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم به‌عمل آید.

با احترام - سید محمد خاتمی، مخبر کمیسیون امور خارجه - ۱۳۵۹/۶/۲۲.

با افتتاح و آغاز کار مجلس، توجه آمریکایی‌ها به مجلس معطوف گردید. شخصیت‌های آمریکایی خصوصاً اعضای کنگره آمریکا مکاتباتی را با مجلس شورای اسلامی آغاز کردند.

در این مکاتبات، راه حل مشخصی عرضه نشد، بلکه سعی بر آن بوده است که راه را برای اعزام هیئتی از جانب کنگره نمایندگان مردم آمریکا به ایران باز کنند تا در مذاکرات حضوری، راه حلی مرضی طرفین جهت آزادی گروگان‌ها به‌دست آید.

این اقدام کنگره نمایندگان مردم آمریکا، بدان سبب بود که بارها رهبر انقلاب و همچنین سایر دولتمردان گفته بودند که دشمنی ملت ایران با دولت آمریکا و سیاست‌هایی است که اجرا کرده و می‌کنند، ملت ایران با مردم آمریکا عناد و خصومتی ندارد.

چرا امام این چهار شرط را در آن پیام آوردند ما آن را درجای دیگری توضیح داده‌ایم. در میان نامه‌های اصله، چندتایی واجد اهمیت بسزایی هستند که در اینجا به آنها اشاره و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نامه نمایندگان کنگره آمریکا به مجلس ایران

چندی پس از گروگان‌گیری، در جولای ۱۹۸۰ م / ۱۱ تیرماه ۱۳۵۹ تعداد ۱۸۵ تن از نمایندگان کنگره آمریکا نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، فرستادند. در این نامه، پیشنهاد مشخصی جهت حل مسئله گروگان‌ها ارائه

۲۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

نشده بود، اما چند مسئله اساسی در روابط میان دو دولت مطرح شده بود. نامه، لحنی مؤدبانه و بسیار محترمانه داشت و در مورد انگیزه‌های این عمل دانشجویان و اعتراضات ملت ایران به دولت آمریکا پرسش‌هایی را مطرح کرده بودند. آقای هاشمی رفسنجانی، ترجمه اولیه نامه را به من داد تا بخوانم و مطمئن شوم اشتباهی در ترجمه آن رخ نداده است. متن نامه به شرح زیر است:

«از: کنگره ایالات متحده آمریکا، مجلس نمایندگان، واشنگتن

به: حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، سخنگو و اعضای مجلس اسلامی، تهران،

ایران

اینک که شما به عنوان اعضای یک مجلس جدید ایران انجام وظایف خود را شروع کرده‌اید، ما امضاکنندگان زیر، اعضای کنگره ایالت متحده آمریکا، در عظمت مسئولیت‌هایی که شما به عنوان نماینده برگزیده مردم خودتان برعهده گرفته‌اید، احساس مشارکت می‌نماییم.

این احساس وظیفه و مسئولیت، محرک ماست در بیان خالصانه این مطلب که دو ملت و مردم ما می‌توانند به یک درک و تفاهم بهتری از اهداف و آرمان‌های یکدیگر برای آینده دست یابند. به همین دلیل است که ما نگرانی عمیق خود را در مورد انحطاط روابط فی‌مابین که نتیجه ادامه نگهداری اتباع آمریکایی به عنوان گروگان می‌باشد، برای شما بیان می‌کنیم:

این بحران نه تنها باعث گسستن روابط ایران و آمریکا شده است، بلکه ادامه آن یک موضوع بحرانی در سطح جهانی را خلق کرده است. در زمانی که ملل آزاد در زیر حملات نیروهای سلطه‌طلب و توسعه‌طلب در حال رشد قرار دارند، حل این موضوع جدی دوجانبه، به نفع هر دو ملت می‌باشد تا بتوان به خطرات خیلی مهم‌تری که صلح جهانی را تهدید می‌کند پرداخت. متناسباً در حالی که از تمامی موضوعات مهم داخلی که در برابر دولت شما قرار دارد، آگاه هستیم، مصراً از شما می‌خواهیم که به عنوان اولین قدم در راه حل خطرات خیلی مهم‌تر و حساس‌تر که ملل جهان و دنیای کنونی با آن روبه‌رو است، برای موضوع گروگان‌ها بهترین و بالاترین اولویت را قائل شوید.

امضای ۱۸۵ نماینده کنگره آمریکا.»

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۲۹

این نامه در جلسه عمومی و علنی مجلس شورای اسلامی به بحث گذاشته شد. اولین سؤال این بود که آیا باید به این نامه جواب داده شود یا خیر؟ نظرات عده‌ای از نمایندگان در این بود که نباید به آن جواب داد. یک نمونه از نظرات داده شده، نظر آقای محمدعلی موحدی بود که در تاریخ ۲۶/۵/۱۳۵۹ بدین شرح بیان شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم.

در ارتباط با مسائلی که گه‌گاه در مجلس عنوان می‌شود از قبیل نامه‌ای که مثلاً نمایندگان کنگره آمریکا برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌نویسند و توقع جواب و آن هم جواب مثبت دارند و یا ملاقاتی که سفرای بعضی از ممالک با آقای رئیس مجلس می‌کنند و توقع آزادی گروگان‌ها را بدون محاکمه دارند، سخنی دارم. این سخن را بدین مناسبت و جهت مطرح می‌کنم تا دنیا موضع مجلس را بداند و بشناسد [و] از این به بعد چنین توقعات بی‌جا و بی‌موردی را ننمایند. اقلاً موضع مجلس از دید و تصویری که خود من دارم عرض می‌کنم.

نامه ولو از نمایندگان کنگره است، ولی دنیا و ما می‌دانیم که نامه دیکته‌شده کارتر است. در مقابل چنین نامه‌هایی چه موضعی دارید؟ حکومت اسلامی و مجلس شورای اسلامی که به تعبیر امام، عصاره فضیلت‌های ملت است و باید حافظ انقلاب و به ثمررساننده دستاوردهای انقلاب باشد و مایه امید ملت و مردم است و مخاطب است به این سخن خداوند: «ولک فی رسول الله اسوه حسنه». شما مخصوصاً باید به پیغمبر تأسی کنید و این شما هستید که باید دنباله‌رو رسول باشید. موضع مجلس شورای اسلامی در مقابل عناصر خائن توطئه‌گر ستمگر جبار خونخوار که نه عهدی را مراعات می‌کند و نه حتی به قوانینی که خود منعقد کرده است و کرده‌اند برای تأمین منافعشان در گول زدن مستضعفین و ملل محروم حتی به آن قانون هم عمل نمی‌کنند، موضع دولت اسلامی باید چه باشد؛ موضع مجلس در مقابل اینان باید چه باشد؟ بی‌خود خود را معطل نکنند. عرض کردم آنچه که من از جو این مجلس درک می‌کنم از پشت تریبون می‌گویم. درک من این است که این مجلس تأسی به رسول خدا و عمل‌کننده به قوانین اسلامی و قرآنی است. این موضع مجلس ما. برادر عزیزم جناب آقای هاشمی

۲۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

رئیس مجلس شورا می‌گفتند که مناسب آن است که ما تعمداً جواب نامه نمایندگان کنگره را بدهیم که یکی از مواضعمان را به آنها نشان دهیم.

تأخیر را عرض می‌کنم، به تأخیر بیندازیم. جواب نامه را در آن لحظه آن‌ا ندهیم و به تأخیر بیندازیم. برای اینکه موضع ما را تاحدی آنان درک کنند. ولیکن من می‌گویم با توجه به موضعی که قرآن برای ما مشخص کرده است، این نمونه نامه‌ها نه تنها مستعد تأخیر در جوابند و نه تنها جواب ندارند، بلکه در حینی که دانشجویان زیر شکنجه و کتک و ضرب و جرح و در سلول هستند، چنین نامه‌ای که نوشته شده، سزاوار آن است که در جلوی نمایندگان که نمایندگان ملت است این نامه پاره گردد. خلاصه سخنی که عرض می‌کنم این است، ما اگر موضع انقلابی خود را در حدی که امام انتظار دارد و قرآن انتظار دارد، حفظ کردیم برای تداوم انقلاب ضامنی وجود دارد و اگر قرار بر آن باشد هر لحظه به مناسبتی از موضع خودمان عقب‌نشینی نکنیم، به‌طور مسلم تدریجاً انقلاب ما دچار شکست خواهد شد.

پس از بحث زیاد، مجلس به اتفاق آرا تصویب کرد که لازم است به نامه مزبور پاسخ داده شود و موضع مجلس و ملت ایران در برابر هیئت حاکمه آمریکا به اطلاع افکار عمومی جهان برسد (۱۳۵۹/۵/۲۶).

تهیه متن پاسخ ایران به نامه نمایندگان کنگره، به کمیسیون امور خارجه واگذار شد.

پاسخ به نطق پیش از دستور آقای خامنه‌ای

دکتر یزدی - بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد این مطالبی که گفته شد، قضیه پیچیده‌تر از این است که من بتوانم با یکی دو عبارت بیان بکنم. این قرارداد خاصی را که جناب آقای خامنه‌ای اشاره کردند، این تنها مربوط به خریدهای دولت ایران در زمان شاه از طریق وزارت دفاع آمریکا بوده است که این حساب تنخواه‌گردان در آنجا بوده است و مستشاران نظامی آمریکا در ایران آنچه را که صلاح می‌دانستند برای ارتش ایران سفارش می‌دادند و دولت ایران تنها کاری را که می‌کرده است در آن حساب تنخواه‌گردان، پول می‌ریخته است و حق برداشت و حق امضا هم به دولت ایران تعلق نداشته است و اینها [آمریکایی‌ها] از آن حساب برمی‌داشتند. دولت ایران از ۱۹۶۸ تا

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۳۱

زمان سقوط بختیار، جمعاً ۲۱ میلیارد دلار به این حساب پول ریخته است و یک صورت حساب هم بابت این لوازمی که به ایران تحویل داده‌اند یا نداده‌اند به دولت ایران داده نشده است. یک هفته قبل از سقوط و فرار بختیار یعنی در چهاردهم یا پانزدهم بهمن، آقای مهندس بازرگان از امام حکم نخست‌وزیری را می‌گیرند، در همان روز یک یادداشتی بختیار و آمریکایی‌ها امضا می‌کنند به‌عنوان تفاهم‌نامه، که در اینجا آن قراردادی قبلی را تماماً لغو می‌کنند و جمعاً ۹ میلیارد دلار می‌گویند که در آن حساب بوده است که معلوم نیست این ۹ میلیارد دلار را به چه صورت اینها سَمَبَل کرده‌اند. یکی از موارد اختلاف ایران با آمریکا بعد از انقلاب این است که تکلیف این ۹ میلیارد دلار چه می‌شود؟

برای اینکه همکاران محترم به عمق مطلب توجه داشته باشند، این است که فرض بفرمایید که یک قراردادی در زمان شاه با ایران بسته بودند که ایران چهار ناوشکن بخرد به مبلغ سه میلیارد و خُرده‌ای. پول‌ها پرداخت شده و کار تمام شده است، اما در آن زمان انقلاب این لوازم به ایران تحویل داده نشده بود.

بعد چون این لوازم را آمریکایی‌ها نمی‌خواستند به ایران تحویل بدهند، مثلاً همین «ای واکس»ها^۱ و آن ناوشکن‌ها و هواپیماهای اف - ۱۶ بوده است؛ تمام اینها بوده. وقتی این قرارداد را دولت ایران در آن موقع یعنی بختیار آمده لغو کرده، نه تنها این پول‌ها را به ایران پس ندادند، بلکه در مواردی جریمه لغو قرارداد هم گرفته شده است و از آن حساب برداشته شده است؛ چون حق امضا با ایران نبوده و با آنها بوده است. ۵۰۰ میلیون دلار به‌عنوان نمونه، بابت لغو قرارداد خرید چهار ناوشکن برداشته‌اند، که اگر من بخواهم وارد جزئیات بشوم طولانی می‌شود، ولی آن چیزی که در این نوشته روشن نیست، این است که ما جنبه تدافعی به خودمان گرفته‌ایم و نگران این هستیم که این کمپانی‌های آمریکایی این دعاوی علیه ما را لغو و ابطال کنند. این دعاوی اصلش باطل است. آنها دست پیش گرفته‌اند که پس نیفتند. در این مقولاتی که اینجا آمده است به هیچ وجه اشاره به این نمی‌شود که دعاوی ما علیه کمپانی‌های آمریکایی چه

۱. معروف به آواکس‌ها.

۲۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌شود! آن کمپانی «تی جی سی» بود که وزارت پست و تلگراف علیه آن اعلام جرم کرد. اینها در زمان شاه یک قرارداد بستند برای نصب نهصد هزار (۹۰۰۰۰۰) تلفن در ایران به مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار، ۴۰۰ میلیون دلارش را گرفتند سه هزار شماره تلفن نصب کردند که هیچ‌کدامش هم کار نمی‌کند. حالا رفته آنجا، شکایت هم علیه ما کرده است. قبل از بیست و سوم آبان هم که اینجا آمده است. قبل از آن اگر برگردید بگویید به آن شرایط قبل از بیست و سوم آبان، آن شرایط قبل از بیست و سوم آبان، زمانی است که همین کمپانی رفته است و در نیویورک علیه ایران شکایت کرده است و مقداری از پول‌های دولت ایران را که در حساب‌های مختلف بوده، توقیف کرده است. در اینجا در این مواد هرگز اشاره‌ای نمی‌شود که تکلیف این مطالبات حقه ما از این کمپانی‌ها چه می‌شود؟ اینجا ناقص است به نظر من.

اجازه بفرمایید من یک تذکر دیگری بدهم، بعد عرضم تمام می‌شود.

یکی دیگر اینکه در این متن وقتی شما می‌گویید که هر کجا هر صحبت آمریکایی آمده است، می‌گویید که اشخاص حقیقی و حقوقی، مؤسسات دولتی، رسمی، غیررسمی. حق آن است که وقتی هم صحبت از دعاوی و مطالبات ایران می‌شود در آنجا هم روشن بشود ایران معنایش چه است؟ وقتی می‌گویید سرمایه‌های «ما» این «ما» چه کسی است؟ باید در اینجا روشن بشود که هم اشخاص حقیقی، حقوقی، رسمی، غیررسمی اعم از دولتی یا غیردولتی.

ملاحظه بفرمایید آقای هاشمی؛ همه مخالفین در اصولش صحبت کردند. من وارد اصول نمی‌شوم؛ چون مجلس تصویب کرده که بحث نشود، ولی یک چیز را نگران هستم. به یک کسی گفتند نیا جلوی پشت بام، می‌افتی. برو عقب. آنقدر عقب عقب رفت که از آن طرف افتاد پایین.

مطلب دیگر آن است که اگر در اینجا شما می‌گویید که نتایج تبعی گروگان‌گیری را. اگر اتباع آمریکایی رفتند در دادگاه‌ها به دنبال تصرف مرکز توطئه آمریکا در ایران مطرح کردند، آنها باید صرف‌نظر نکنند.

اجازه بفرمایید من توضیح بدهم. این مطلب خیلی مهمی است؛ برای اینکه یکی از همسران این گروگان‌ها رفته علیه شما اعلام جرم کرده به میزان ۳۶ میلیون دلار. دلیل

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۳۳

اعلام جرم چه است؟ بچه من به دلیل ندیدن بابایش رنج می برد. رنج بچه من که بابایش را شما گرفته اید و او را نمی بیند ۳۶ میلیون دلار می ارزد (خنده نمایندگان). بنده آن وقت می گویم: آقا، شما ملت ایران، شما مردمی که علیه آمریکا می خواهید اعلام جرم بکنید، چرا در اینجا نباید بیاید [بگویید] که اگر رنج بچه آمریکایی بابت اینکه پدرش را ندیده ۳۶ میلیون دلار می ارزد، [پس بهای نقض حقوق بشر سی میلیون جمعیت ایران طی نزدیک به ۲۵ سال چقدر می شود؟]. شش آمریکایی از همین گروگان ها از ایران رفتند. بعضی هایشان توسط سفارت کانادا فرار کردند و بعضی ها را هم خود دانشجویان آزاد کردند. اینها رفتند در آمریکا شش نفرشان ۲۲۰ میلیون دلار علیه شما اعلام جرم کردند. این در دادگاهها است بابت چی؟ بابت نقض حقوق بشر آنها که دولت ایران حقوق اولیه آنها را نقض کرده است، بنده می گویم بسیار خوب. پیامبر ما (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: [لا ضرر ولا ضرار: نه زیان بزن و نه زیان ببین]. اگر ۲۲۰ میلیون دلار بهای نقض حقوق بشر شش نفر آمریکایی است، یک جایی هم باید بیاید که بهای نقض حقوق بشر ۳۰ میلیون ایرانی از تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ [تا بهمن ۱۳۵۷] چقدر است؟ ما باید اینجا بگذاریم تا آمریکا بگوید بله، شما آنها را به عنوان گروگان گرفتید، آنها هم مطالبات دارند. خوب، پس حالا بیایم نقض حقوق بشر از سوی آمریکا در ایران را هم محاسبه کنیم و بگوییم ما هم این ادعا را داریم.

آقای هاشمی: پس تکلیف کمپانی ها چه خواهد شد؟

موسوی خویینی ها: مطالبی که آقای دکتر یزدی اشاره کردند، همان مطالبی است که قبلاً هم ایشان در کمیسیون خارجه قطع نظر از مسئله جاسوس ها - که بحث داشتیم - فرموده بودند و به آن هم توجه بود و ما در آن متنی که قبلاً هم تهیه شده بود، برای این موضوع فکری کرده بودیم و عباراتی هم در آنجا بود، ولی متأسفانه به [دلیل] همان نکته ای هم که آقای دکتر یزدی اشاره کردند، ما برای اینکه از این طرف دیگر می افتم، آن جمله را حساسیت زیادی رویش نشان دادند و در آن روز در مجلس تقریباً جو این طوری بود که نمی شد آن جمله را ذکر کرد؛ حتی یک جمله ای هم بود که راجع به خدمات و تعهد در مورد آنچه که ایران حرف دارد و ادعا دارد، آن باید

۲۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

متعهد بشود که همه آنها را انجام بدهد. خیلی رویش صحبت شد و از ترس اینکه نکند این جمله ما را به سمت وابستگی مجدداً بکشاند، خوب خیلی شدید با آن با مخالفت برخورد شد، و ما ناچار شدیم که آن جمله را برداریم، و الا باز مطالبی در همین رابطه‌ای که آقای یزدی اشاره می‌کنند مطالبی در کمیسیون بحث شده و حتی یک کلمه‌ای بود که آقای سلامتیان هم باز آمدند امروز به من گفتند که این کلمه را چطور به آن توجه نکرده‌اید. یک تاریخی را می‌خواستیم ذکر کنیم از ۱۷ شهریور به بعد.^۱

باز من دیدم که یک سؤالاتی در پی دارد که توضیح درباره آن سؤالات، باز هم با یک سلسله به اصطلاح برداشت‌ها به شکل دیگر روبه‌رو می‌شود. ناچار اصلاً ما آن جمله را برداشتیم تا آن سؤال پیش نیاید تا من ناگزیر از توضیحی نباشم تا متقابلاً هم آن توضیح را حمل بر این بکنند که ما داریم به سمت وابستگی می‌رویم. ما از هر کلمه و جمله‌ای که ابهام این مسئله را داشت، ناگزیر صرف‌نظر کردیم و الا حق با آقای یزدی است. و همان پیشنهادی هم که ما قبلاً داده بودیم خودمان روی جمله‌هایش تأکید داشتیم.

دکتر یزدی: در کدام دادگاه آقای یزدی، دادگاه‌های آمریکایی؟

رئیس: آقای دکتر یزدی، شما یک عبارتی که فکر می‌کنید آن منظور را تأمین [می‌کند] به مجلس پیشنهاد بدهید. اگر مجلس تصویب کرد، ممکن است آن قید اضافه بشود یا کم بشود. الآن آن را در عبارتی کوتاه بنویسید و بدهید. آقای فرض‌پور مطلبی دارید بگویید.

دکتر یزدی: بسم الله الرحمن الرحيم. به نظر من راه خرج از این بن‌بست، پیشنهادی است که در جلسه قبل جناب آقای مهندس بازرگان ارائه دادند که این را به‌عنوان شور اول تلقی بکنیم و بعد ادامه بدهیم. اگر این را بپذیرید که این بحث کنونی ما شور اول باشد، نظر شما هم تأمین می‌شود و از بن‌بست هم بیرون خواهیم آمد.

۱. یعنی از تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به بعد را از آمریکا درخواست غرامت کنیم [ویراستار].

۲. در اینجا خطاب دکتر یزدی به شیخ محمد یزدی است (ویراستار).

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۳۵

گزارش روزنامه میزان درباره چگونگی پاسخ نمایندگان مجلس به نامه نمایندگان
کنگره آمریکا

ادامه جلسه علنی مجلس در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۵۹ به گفتگو درباره نامه کنگره
آمریکا و چگونگی پاسخ مجلس شورای اسلامی به این نامه گذشت.

شور دوم، پاسخ به کنگره

آنگاه نامه اصلاح شده کمیسیون امور خارجه مجلس برای شور دوم در جلسه علنی
مطرح شد. برای طرح آن، گروهی از نمایندگان وقت صحبت خواستند. طالبی، منشی
کمیسیون امور خارجه، توضیحات کافی پیرامون نامه داد. منشی کمیسیون گفت: در
پاسخ تذکرات باید بگویم در زمینه جوابگویی، این نامه یک سند تاریخی است، نه
تاریخ نویسی. شیخ محمد منتظری نیز در پاسخ به نامه کنگره صحبت کرد. وی گفت:
این نامه قبل از موضع گیری و رهنمودهای امام نوشته است. در این نامه باید دقت شود
که تضادی با موضع گیری امام نشده باشد.

مخالفت با تاریخ: دیالمه نیز ضمن اعتراض به نوشته نامه گفت: در اینجا نرخ
تعیین شده است و گفته شد که دولت ملی مصدق را کودتای آمریکایی ساقط کرده
است. مصدق به نظر من ملی نیست. وی آنگاه روزنامه ای را به نمایندگان نشان داد.
وی گفت: این موضوع برای رسانه های گروهی خارجی خوراک درست کرده است.
وی آنگاه به موضوع آیت الله کاشانی و اختلاف آنان اشاره کرد.

آقامحمدی، نماینده همدان نیز در سخنان خود با اشاره به روزنامه میزان، گفت: در
این مورد، روزنامه میزان سوءاستفاده خود را کرده است. اکنون کشور ما مسائل بسیاری
دارد. در ترکیه کودتا شده است. سرنوشت اسلام در خطر است. به کمیسیونها
مسئولیت بدهیم.

حسن آیت نیز درباره نامه کنگره صحبت کرد. وی گفت: این نامه به این شکل در
دنیا مورد بحث قرار خواهد گرفت. وی گفت: شخص من نیز این نامه را امضا
نمی کنم. در این نامه، دولت دکتر مصدق را ملی تلقی کرده ایم؛ یعنی دولتی که اسرائیل
را به رسمیت شناخته است، این شخص را یاغی اعلام کرده اند. اگر این نامه از سوی

۲۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

کمیسیون امور خارجه که مسئله دیگری است. من می‌خواهم قید شود که در این نامه امضای من نیست و نخواهد بود.

جو جدید: محلاتی نیز در ارتباط با پاسخ به کنگره صحبت کرد. وی گفت: نامه مطرح است. مملکت در وضع حساس است. ما این همه مخاطرات داریم. به نظر من مطرح کردن مسائل سال ۱۳۳۲ یک جو جدید است. این خودش به انقلاب ضربه می‌زند.

حکومت قانونی مصدق: مسئله اینجاست که حکومت قانونی بود. همه ملت ایران قبول دارند و یک مسائل جدیدی را طرح کنیم. این انقلاب ربطی به سال ۱۳۳۲ ندارد. اگر بنا باشد [پاسخ] به نامه نمایندگان کنگره را چند ماه طول بدهیم کار مجلس پیش نمی‌رود. وی پیشنهاد کرد که نامه به کمیسیون فرستاده شود و خود کمیسیون با در نظر گرفتن مسائل سیاسی، نامه را بفرستند. وی گفت: می‌توان همراه این نامه، اسناد جنایات آمریکا را که در چند جلد چاپ شده است، فرستاد، ولی بدانید که خود کنگره آمریکا بیش از ما اطلاع دارد.

در این هنگام به دعوت رئیس، منشی کمیسیون، به سؤالات مطرح شده پاسخ گفت. سیدعلی خامنه‌ای و هاشم صباغیان نیز پیرامون کفایت مذاکره صحبت کردند. صباغیان اظهار داشت: عده‌ای قصد دارند که این نامه ارسال نشود. از این جهت ایرادهایی می‌گیرند؛ درحالی‌که جواب آن تاکنون هم که ارسال نشده، یک تأخیر ناصواب می‌باشد و بایستی به کمیسیون امور خارجه - که از بین برادران نماینده انتخاب شده‌اند - اطمینان داشت؛ خصوصاً آنکه محمد منتظری اظهار داشتند که این نامه به اتفاق آرا تصویب شده است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌کنم که مذاکرات کافی و به کمیسیون اختیار دهید که اصلاحات لازم را نموده و به نام مجلس نامه را ارسال دارند. احمد کاشانی (فرزند آیت‌الله سید محمد کاشانی) نیز ضمن اعتراض به متن نامه، گفت: مجلس دارد تصویب می‌کند که حکومت مصدق را یک حکومت قانونی می‌داند. این مخالف اسلام است. کسی که مجلس را منحل می‌کند (خلخالی گفت: آن مجلس امامی‌ها بودند و خودش غیر اسلامی بود). احمد کاشانی به رفسنجانی رئیس مجلس گفت: آقای هاشمی، یادتان باشد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۳۷

رئیس، حرف کاشانی را ناتمام گذاشت و گفت: آقایان چه وضعی است. اخطار می‌کنم کدام مسئله و حکومت مصدق که واضح نبود؟

رئیس مجلس: چه می‌گویید؟ کدام خلاف شرع؟ و رئیس با عصبانیت گفت: هر نظریه سیاسی دارید می‌آورید به مجلس تحمل می‌کنید. آقای آیت و دیگران.

اخطار دکتر یزدی: دکتر ابراهیم یزدی، پس از رأی‌گیری پاسخ نامه از سوی کمیسیون، ضمن اعتراض به جواد کریمی گفت: شما نمی‌گذارید ما در مجلس از مطالب عنوان شده با خبر شویم.

رئیس نیز تذکر داد که من به ملت ایران اعلام می‌کنم اکثریت مجلس این بحث‌های طولانی را نمی‌پسندد.

سرانجام پس از بحث طولانی، مجلس تصویب کرد که کمیسیون امور خارجه با توجه به مطالب عنوان شده در جلسه علنی، پاسخ نامه را تهیه و ارسال دارد.

طرح مسئله گروگان‌ها: آنگاه مخبر کمیسیون، گزارش کمیسیون امور خارجه را در مورد طرح مسئله گروگان‌ها در جلسه علنی را قرائت کرد. در قسمتی از این نامه آمده است: ضمناً اعضای کمیسیون به‌طور غیررسمی نظرات تعداد زیادی از نمایندگان محترم را در این زمینه جویا شدند و در نتیجه در آخرین جلسه خود تصمیم به ارائه گزارش جاری به جلسه علنی مجلس شورای اسلامی گرفتند.

در زمینه شیوه رسیدگی به این مسئله دو نظریه وجود دارد که به عرض نمایندگان می‌رساند: اول نظریه ظرافت و پیچیدگی موضوع. مجلس می‌تواند هیئتی انتخاب و رأساً مأمور رسیدگی و حل و فصل آن گرداند. ثانیاً می‌توان مسئله را در جلسه علنی مجلس طرح نمود تا نمایندگان محترم، نقطه‌نظرهای خویش را ارائه دهند، و آنگاه هیئتی انتخاب و مأمور اجرا و پیاده کردن اصول و ضوابطی گردد که از مجموع نظرات ارائه شده به دست می‌آید. در اینجا لازم است که نظریه کمیسیون امور خارجه را در این زمینه به اطلاع برساند. با توجه به موقعیت خطیری که انقلاب در آن به سر می‌برد و با توجه به اینکه اشغال لانه جاسوسی و گروگان‌گیری به کل انقلاب و تمامی مردم که فداکارانه در صحنه پیکار گام نهاده‌اند، مربوط می‌گردد و با توجه به اینکه در آستانه رسیدگی به امر گروگان‌ها از سوی مجلس شورای اسلامی در داخل و خارج ایران،

۲۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

تلاش برای ایجاد جو و تحمیل آن بر فضای رسیدگی بیان مسئله به چشم می‌خورد، با توجه به نقطه نظرهای گوناگون که نمایندگان محترم در زمینه اصل مسئله و شیوه رسیدگی به آن ابراز داشته‌اند، کمیسیون امور خارجه، جلسه علنی و مجلس شورای اسلامی را شایسته‌ترین پایگاه طرح مسئله و رسیدگی به آن و تصمیم‌گیری درباره جاسوسان می‌داند و معتقد است که تمامی نمایندگان که بحمدالله پایبند حفظ حیثیت انقلاب ایرانند، می‌بایستی در پیشگاه ملت قهرمان و مسلمانان ایران نظرات خویش را مطرح کنند و به نتیجه مطلوبی که درخور این انقلاب است، برسند.

طبیعی است که مجلس می‌تواند اصول و ضوابطی از نظریات نمایندگان را به‌عنوان چهارچوب حل و فصل مسئله به وسیله هیئتی که انتخاب می‌گردد، اجرا و پیاده می‌نماید. از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی تقاضا داریم که بحث پیرامون گزارش کمیسیون خارجه را در دستور کار یکی از جلسات علنی مجلس شورای اسلامی قرار دهند تا طبق تصمیم وزرای نمایندگان محترم در این زمینه اقدام لازم به‌عمل آورد.

موکول به جلسه آینده: پس از پایان قرائت گزارش کمیسیون خارجه، رئیس مجلس اعلام کرد که بحث پیرامون این گزارش به جلسه آینده موکول خواهد شد. در نطق‌های بعد از دستور، ساروخانی و اسدالله کیان ارثی صحبت کردند. ساروخانی به مسئله وجود تبعیض در اعزام حجاج در شهر تهران و تبریز و نیز بودجه شهرداری این دو شهر صحبت کرد. وی گفت: ما باید از بیماری‌های انقلاب نیز صحبت کنیم. بیماری انقلاب موجب شده است که نوزاد انقلاب نتواند رشد کند و اظهار داشت که از استان اصفهان سه میلیونی، شش هزار به حج می‌روند و استان آذربایجان شرقی ۳/۵ میلیونی پنج هزار می‌روند و هزاران متقاضی چند و چندین سال است انتظار می‌کشند. ناطق در مورد احتکار که باعث نگرانی شده مطالبی اشاره کرد. و گفت: تنها راه، ملی شدن صد در صد تجارت خارجی می‌باشد.

اسدالله کیان ارثی نیز از انتظارات مردم از مجلس صحبت کرد. وی گفت: ۹۰ درصد از نمایندگان در خط امام و مسیر انقلاب هستند و اگر به خوبی دانسته باشند، به‌موقع بحث در برنامه، حزبی فکر نمی‌کنند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۳۹

(سیدعلی خامنه‌ای توضیح داد که هر دو یکی است. وی دولت رجایی را دولت جوان‌بخت خواند که در خط امام هست. خلخالی توضیح داد در آینده چه خواهد بود. خلخالی همچنین تذکر داد که اگر من در مجلس بودم به دولت رجایی رأی کبود می‌دادم).

انتقاد از بنیاد مسکن: کیان ارثی گفت: آنچه نقش مؤثری در سقوط رژیم داشت شهر تهران بود. وی اضافه کرد: انتقاد از دولت موقت می‌شود، ولی از بنیاد مسکن هیچ سؤالی نمی‌شود که اعلام می‌کنند (... افتادگی مطلب) در تهران به همه منزل و آپارتمان می‌دهند، آن هم کاخ سپهبد نصیری و غیره. همه از روستاها به تهران آمده‌اند. تهران چهار میلیونی، شش میلیون شده است. وی گفت: اگر دولت می‌خواهد موفق شود باید عمران روستایی و کشاورزی را از شعار به کار تبدیل کند. ناطق در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت: «شعار طالقانی شهادت است و شورا». شهادت را برادران پاسدار در مرزها انجام می‌دهند و شورا را گروهی در کارخانه (روزنامه میزان، شماره ۷، دوشنبه، ۲۴ شهریور ۱۳۵۹).

بررسی پاسخ به نامه نمایندگان کنگره آمریکا در کمیسیون امور خارجه

در کمیسیون امور خارجه، به اتفاق آرا، از من خواسته شد که پیش‌نویس جوابیه را تهیه کنم. اعضای این کمیسیون در این زمان عبارت بودند از آقایان: هاشمی رفسنجانی، سیدعلی خامنه‌ای، محمد موسوی خویینی‌ها، محمد خاتمی، شاهچراغی، محمد منتظری، باباصفری، محمدعلی هادی و ابراهیم یزدی.

پیش‌نویس اولیه را تهیه کردم و نسخه‌ای از آن را طی یادداشتی به شرح زیر در ۱۳۵۹/۶/۲ برای اعضای کمیسیون فرستادم. اعضای کمیسیون نیز هر یک جداگانه نظرات خود را نوشتند و برگرداندند.

ضایع آقایی
مدان بیدم
به هیئت عالی در راسته صبه که شسته بگردن
امروزه صبه و شهن جرابیه نماند لکن آنکه که شسته است
بجسته تا آنکه تمام شود. صلا نظر که گشت به و پسند عالی تر نماید
و شهن که در بزرگی و تقواست مهندسی عزیزان را تا مرز صبه
نزد شکیلی صبه من و بنیت به صبه و تا درین صله موفقی در
و شهن نیای در صبه در در تمام در تمام لازم بگردن شود. با شکر
نیز
۵۹/۶/۴

جلسه ۱۳۵۹/۶/۵

در جلسه ۱۳۵۹/۶/۵ اعضای کمیسیون به بررسی آن پیشنویس پرداختند. آقای خامنه‌ای پیشنهاد کرد و تصویب شد که متن نامه برای همه اعضا فرستاده و نظرات جمع آوری شود.

در همین جلسه کمیسیون، نامه آقای صادق قطب‌زاده نیز خوانده شد. نامه قطب‌زاده، درباره استرداد شاه به هیئت رئیسه مجلس نوشته شده بود، ولی برای بررسی به کمیسیون‌ها نیز ارسال شده بود. این نامه آن روز در کمیسیون خوانده شد، اما اظهار نظر خاصی درباره آن نشد.

در این جلسه، پیشنهادی را که پیش‌ترها به بهانه گروگان‌گیری درباره محاکمه عملکرد دولت آمریکا در ایران داده بودم، دوباره مطرح کردم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۴۱

آقای خویینی‌ها گفت: اگرچه برخی از گروگان‌ها جاسوس هستند، ولی محاکمه آنها عقلانی نیست. جاسوس‌ها را می‌توان اخراج کرد، نه محاکمه. اما آنهایی را که جاسوس نبوده‌اند به چه جرمی نگه داشته‌ایم! عمل انقلابی خارج از ضوابط را نمی‌توان با رسیدگی در یک دادگاه با ضابطه، خاتمه داد. در دادگاه با ضابطه، وکیل می‌آید و هیئت منصفه حاضر می‌شود. در چنین دادگاهی خود دانشجویان محکوم خواهند شد؛ بنابراین، از محاکمه این افراد باید صرف‌نظر کرد. از طرف دیگر، دولت آمریکا مجرم است و گروگان‌ها عوامل جرم آمریکا هستند و ما می‌توانیم آمریکا را محاکمه کنیم، نه [اینکه] این اشخاص و این گروگان‌ها در محکمه حاضر شوند! امام گفته است آمریکا شاه و اموالش را تحویل ایران بدهد. شاه که مرد، اموالش را بدهید. ما زیر بار فشار آمریکایی نرویم. مسئله گروگان‌ها نیست؛ مسئله، تمام منافع آمریکاست. طرح باید طوری باشد که به انقلاب و امام ضربه نخورد.

آقای خامنه‌ای مطرح کردند که چه الزامی به چنین بحثی است؛ مگر حالا چه شده است؟ ما باید عناصر و فاکتورهای تعیین‌کننده را بررسی و تعیین کنیم و سپس برنامه‌ای برای عمل بریزیم.

اول - [این مسئله] عامل انسانی است. هرکس به اندازه جرمش مجازات شود. اصل اسلامی.

دوم - باید مشکلات خودمان را در نظر بگیریم.

سوم - از اثر افتادن یک دارو [است]. این دارو (گروگان‌ها) دیگر ارزش گذشته را ندارد. که دلایل آن هم بحث شد.

اما فاکتورها: مشکل دو طرفه است. آمریکا در مشکلی بزرگ‌تر از مشکلات خود ما قرار دارد. در دنیا دچار یک بی‌حیثیتی شده است. محاکمه اگر پیش بیاید، وضعش بدتر می‌شود.

مشکل دیگر، هم برهم خوردن تعادل دو گروه دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان است. تمام ترتیبات سیاسی آمریکا به هم خورده است. حال آنها در چه اضطرابی به سر می‌برند! کارتر و دموکرات‌ها در بن بست هستند. علاوه بر این، حمله نظامی، خسارت‌های زیادی برای آمریکا خواهد داشت.

۲۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

مسئله دیگر، لزوم حفظ پرستیژ ملت خودمان در داخل ایران است، نه فقط در خارج. محاکمه امکان‌پذیر نیست، نه افراد و نه سیاست‌ها و عملکردهای دولت آمریکا. به چه جرمی؟ اینها را رها کنید بروند. بعد آمریکا را محاکمه کنید. از تمامی نژادها و جنبش‌ها و یک دادگاه قوی، خودمان محاکمه کنیم در ورزشگاه ملی، با حضور چندین هزار تماشاچی، اما نه با حضور این افراد (گروگان‌ها).

اما در مورد راه‌حل‌های دیگر. یک عضو خارجی را وارد کنیم از پاپ یا آیت‌الله خویی، یا جنبش‌های آزادی‌بخش. آنها را واسطه و دلال [قرار دهیم] برای کم و زیاد کردن مطالب و چانه زدن. شرایط غرورآمیز و ممکن را در نظر بگیریم. غرور را حفظ کنیم. راه‌حل‌ها امکان عمل داشته باشد.

چهارم - یک بمباران تبلیغاتی در سرتاسر دنیا در طی دو تا سه هفته به راه بیندازیم. سفرا را احضار کنیم، روزنامه‌ها را بخریم که مطالب ما را بنویسند؛ سپس گروگان‌ها را آزاد کنیم. جو را بین مردم بسازیم.

در سخنان خود بگوییم که مسئله را شرافتمندانه حل می‌کنیم. عقب‌نشینی نمی‌کنیم، اما به دنبال راهی برای آزاد کردن گروگان‌ها باشیم.

پس از سخنان آقای خامنه‌ای، من درباره تأثیرات گروگان‌گیری بر جامعه آمریکا توضیحاتی دادم و گفتم: گروگان‌گیری موجب انسجام درونی جامعه و تقویت راستگرایان شده است. شرکت آمریکا در جنگ ویتنام موجب اعتراضات فراوان و گسترده مردم آمریکا شد. جنبش ضدجنگ به یکی از قوی‌ترین جنبش‌های اجتماعی در آمریکا تبدیل شد.

مسئله واترگیت و استعفای نیکسون، شکاف عظیمی را میان دولت و مردم آمریکا به وجود آورد، اما گروگان‌گیری این اثرات را از بین برده است، و این به نفع مبارزات مردم در جهان سوم نیست.

محاکمه سیاست و عملکرد دولت آمریکا در ایران - نظیر محاکمه جانسون دادگاهی توسط برتراند راسل - به ما امکان می‌دهد اعتراضات خودمان را به گوش مردم جهان و مردم آمریکا برسانیم. جنبش مترقی ضد جنگ در آمریکا از این اقدام ایران حمایت خواهد کرد.

جلسه ۱۳۵۹ / ۶ / ۹

در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۹ کمیسیون با حضور تمام اعضا مجدداً مسئله گروگان‌ها و راه‌حل‌ها و نیز نامه به کنگره آمریکا را مورد بحث قرار داد. در این جلسه نیز هر یک از اعضای کمیسیون نظراتی دادند.

آقای منوچهر متکی: غلط است که تصور کنیم آمریکا اگر تعهد بدهد کافی است؛ تعهد آمریکا معنی ندارد.

آقای خامنه‌ای بار دیگر تاکید کرد که باید مشکل را هرچه زودتر حل کنیم. اگر کارتر بیاید روی کار، بهتر از آمدن ریگان است. اگر کارتر رئیس جمهور نشده بود، انقلاب ایران پیروز نمی‌شد. ما اینها را بررسی کرده بودیم و می‌دانستیم.

محمد منتظری در نقد سیاست خارجی ایران گفت: سیاست خارجی ما در محور صدر و امل و ضد لیبی و ضد فلسطین است. ما حتی با سوریه و الجزایر هم حاضر به صحبت نشدیم و داریم به سوی ضعف می‌رویم. سکوت کرده‌ایم. عکس‌العمل‌های خاص و حادی نداشته‌ایم. ذهنیات امام در دست است. بی‌تفاوت می‌شویم. یک‌سری افراد خاص با امام تماس می‌گیرند. ما حتی در مورد امام هم بی‌تفاوت می‌شویم. حالا می‌گوییم یا الله، گروگان‌گیری را حل کنیم. در نامه (جوابیه نمایندگان کنگره آمریکا) به شوروی حمله شده است. این مانور سیاسی برای چیست؟ آیا داریم به آمریکا نان قرض می‌دهیم. در این نامه باید سیاست «کاشف الغطاء» را به کار ببریم! که شما صد پله بدتر از روس‌ها هستید. نامه را هم خواندیم و هم تصویب کردیم. ابتدا باید سیاست خارجی را تنظیم کنیم و مجموعه را عمل کنیم، وگرنه می‌مانیم.

یزدی: پس از سخنان محمد منتظری، من توضیح دادم که سیاست خارجی ادامه و یا در خدمت سیاست‌های کلان ملی است. ابتدا باید سیاست‌های کلان ملی - امنیتی، مصالح و اهداف توسعه معین و تعریف شوند؛ سپس برای اجرا و تحقق آنها سیاست خارجی معناداری را در جهت تحقق این اهداف و برنامه‌ها پی‌ریزی و پیگیری نماییم.

آقای خویینی‌ها مطرح کرد که **اسقف کاپوچی** اظهار آمادگی کرده است که میان ایران و آمریکا میانجی شود. آیا مصلحت هست که ما مثلاً پاپ را در جهان لانس کنیم؟

۲۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

محمد علی هادی اظهار داشت که امام امروز یک موضع‌گیری می‌کند، اما چند روز بعد، یا چند هفته بعد ممکن است آن را نقض کنند. کلمات امام طوری نیست که روی آن در مورد اعلام انتخاب کارتر تکیه کنیم.

جلسه ۱۳۵۹ / ۶ / ۱۱

در جلسه ۱۳۵۹/۶/۱۱ که ساعت ۱۰ صبح برگزار شد، کمیسیون بار دیگر متن پیش‌نویس نامه را مورد بحث قرار داد و بار دیگر، شماری از اعضا اظهار نظر کردند.

آقای هادی درباره ضرورت ارزیابی از گروهان‌گیری در سطح داخل و خارج و جهان توضیح داد و اینکه با توجه به مسائل اقتصادی خودمان، محاکمه گروهان‌ها صلاح نیست. گروهان‌گیری تحرک ما را گرفته است؛ حتی فلسطینی‌ها به ما روی خوش نشان نمی‌دهند. جناحی در آمریکا موافق و جناحی مخالف حل فوری است. بعد از انجام انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، حل مشکل به مراتب سخت‌تر خواهد بود. حالا که پاپ واسطه شده است بهتر است استقبال کنیم و قبل از انجام انتخابات حل کنیم.

محمد منتظری: ما باید مسائل خودمان را در نظر بگیریم. ما مسائل اقتصادی داریم، اما معنویت را فراموش نکنیم. اول تکلیف سیاست خارجی خودمان را روشن کنیم. سیاست خارجی ما تهاجمی بوده است. گروهان‌گیری تهاجمی بوده است. ارزش و حالت هجومی و مترقی بودن انقلاب را حفظ کنیم. اگر یک امر انقلابی دیگر را جانشین گروهان‌گیری نکنیم، باخته‌ایم. باید در سیاست خارجی، خطوط کارمان روشن گردد و سیاست خارجی، حالت تدافعی دارد. در عراق و خلیج فارس و شیخ‌نشین‌ها سیاست ما باید تهاجمی باشد. ما باید یک نیروی رزمنده به فلسطین اعزام نماییم. در کنار همه این مسائل باید مسئله گروهان‌ها را نیز بررسی کنیم. حتی می‌توان محاکمه را شروع کرد.

جمع بندی نظرات این بود که: ختم مسئله گروهان‌گیری مورد قبول و توافق همه اعضاست.

یک نظر این بود که اعلام محاکمه و محاکمه هم بشود و تن به همه نتایج بدهیم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۴۵

یک نظر (نظر آقای خامنه‌ای) هم این بود که: محاکمه اصلاً مطرح نشود. دادگاه دنیاسند که به نفع ما رای نخواهد داد؛ دادگاه ایران هم که به درد دنیا نمی‌خورد. نظر خویینی‌ها این بود که هم سیاست خارجی آمریکا محاکمه شود و هم این اشخاص. او گفت: چون کارتر می‌خواهد قضیه را حل کند معلوم نیست به نفع ما باشد.

من (یزدی) توضیح دادم که محور اصلی محاکمه باید سیاست خارجی آمریکا باشد، نه اشخاص. در مورد دادگاه جهانی برتراند راسل توضیح دادم که چقدر تأثیرگذار بود.

محمدعلی هادی اضافه کرد که ما باید همدیگر را با بحث قانع سازیم. اینکه بگوییم چون کارتر هم می‌خواهد قضیه را حل کند، پس به نفع ما نیست (نظر خویینی‌ها) درست نیست. اگر آنها می‌خواهند حل کنند ما هم می‌خواهیم؛ پس بهترین فرصت برای ما حل قضیه است.

خویینی‌ها اظهار داشت واسطه‌هایی پیدا کنیم که پیغام‌های سری طرفین را ببرند و بیاورند.

جلسه ۱۳۵۹ / ۶ / ۱۵

کمیسیون امور خارجه، بار دیگر در جلسه فوق العاده خود در تاریخ ۵۹/۶/۱۵ مسئله را مورد بررسی قرار داد. حاضران عبارت بودند از: خاتمی، خویینی‌ها، هادی، متکی و یزدی.

در این نشست، گزارش استخراج آرای نمایندگان و نیز نظر امام مطرح شد. آقای خویینی‌ها گفت: امام با شرکت خودشان مخالفت کرده‌اند؛ حتی اسمشان هم نباشد. ایشان اظهار داشت که بحث گروهان‌گیری در مجلس ممکن است از جهات مثبت و منفی مسائلی را مطرح نماید و طرح مسئله در مجلس باعث می‌شود که همه نمایندگان تریبونی در اختیار دارند و حرف‌ها را می‌زنند. مردم در جریان قرار می‌گیرند و آگاه می‌شوند؛ درحالی‌که در حال حاضر فقط یک گروه هستند که تریبون در اختیار دارند.

۲۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای خاتمی گفت: با بعضی‌ها صحبت کرده‌اند و نظر بر آن است که باید اشخاص هیئت که مجلس تعیین می‌کند، دقت شود. برخی نظر دادند (نظیر کاشانی) که به جای کمیسیون، هیئت جدیدی انتخاب شود.

محمد منتظری گفت: با خیلی از نمایندگان صحبت کرده است و عموماً با انتخاب هیئت ویژه موافقت.

آقای هادی گفت: برخی از نمایندگان (رشیدیان و دزفولی) خیلی بدبین هستند. **متکی** گفت: اول باید معلوم شود که چه کار باید کرد، بعد به هیئت اختیار داده شود.

هادی اظهار داشت: برژینسکی گفته است ما کاری می‌کنیم که در ایران آنچه را که ما می‌خواهیم خودشان انجام دهند.

متکی: باید بررسی کرد که آیا گروهان‌گیری به نفع ما بوده است یا به ضرر ما، و چه ضررهایی؛ و بعد راه حل پیدا کنیم. در جلسه علنی مجلس این بحث شروع شود. پس از اظهار نظر اعضای کمیسیون، قرار شد تمام اعضا نظرات خود را به آقایان خویینی‌ها و خاتمی بدهند و این دو نفر هر طور که مصلحت می‌دانند، نامه را تنظیم و تکمیل کنند و به هیئت رئیسه مجلس بدهند.

در همین جلسه، **متکی** گزارش داد که یک هیئت پنج نفری از مجلس با حضور آقایان کریم خدایپناهی و بروجردی وضعیت سفارتخانه‌ها را بررسی کرده‌اند.

من [یزدی] توضیح دادم که بعد از انقلاب چه کارهایی در وزارت امور خارجه دولت موقت انجام شده است (بحث کامل این توضیحات، در دفتر اول جلد پنجم خاطراتم با عنوان «در وزارت امور خارجه» آمده است).

جلسه ۱۳۵۹ / ۶ / ۱۶

جلسه مورخ ۵۹/۶/۱۶ - کمیسیون امور خارجه با حضور آقایان: خاتمی، نظری، متکی، هادی، خویینی‌ها، شاهچراغی، باباصفری و یزدی برگزار شد.

آقای خاتمی اظهار کرد: گزارش کمیسیون (جوابیه) باید در مجلس خوانده شود و نهایی گردد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۴۷

موضوعات دیگری هم در این جلسه مطرح شد که ربطی به مسئله گروگان‌گیری نداشت.

جلسه ۱۳۵۹ / ۶ / ۲۳

در جلسه مورخه ۵۹/۶/۲۳ کمیسیون - نامه به کنگره آمریکا، کودتا در ترکیه و موضوع وحدت سوریه و لیبی مطرح شد. پیرامون وحدت لیبی و سوریه، بحث و گفتگوی فراوانی شد. محمد منتظری در طرح این موضوع اصرار داشت. اگرچه این بحث ارتباطی با گروگان‌گیری ندارد، اما از جهت انعکاس ذهنیت اعضای کمیسیون اشاره به آن مفید است.

محمد منتظری اظهار داشت که ایران باید درباره وحدت سوریه و لیبی به‌طور جدی موضع بگیرد.

خوینی‌ها پرسید: این وحدت تا چه اندازه جدی است؟ ثانیاً این یک وحدت استراتژیک است یا تاکتیکی؟ این وحدت‌ها سابقه دارد؛ مثل وحدت مصر و سوریه، بین لیبی و تونس، بین لیبی و مصر که همه به‌هم خورد. این وحدت تا چه حد جدی است؟

آقای هادی توضیح داد که اولین وحدت ملی بین مصر و سوریه بود؛ بعد بین مصر و سودان. اینها وحدت‌های تاکتیکی است، نه استراتژیک. وضع لیبی بسیار بد است. وضع مصر و سادات بسیار بد است. قذافی^۱ علیه سادات^۲ تحریک می‌کند و مخالفین را

۱. معمر محمد عبدالسلام ابومنیار، معروف به سرهنگ مُعَمَّر محمد قذافی (۷ ژوئن ۱۹۴۲ - ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱)، سیاستمدار انقلابی و رئیس شورای فرماندهی انقلاب لیبی از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۷ که در اول سپتامبر سال ۱۹۶۹ میلادی با کودتایی آرام حکومت محمد ادریس سنوسی، پادشاه وقت لیبی را سرنگون کرد. حکومت طولانی مدت سرهنگ قذافی از کودتای ۱۹۶۹ میلادی تا سرنگونی در نتیجه انقلاب لیبی در سال ۲۰۱۱، یکی از طولانی‌ترین دوره‌های زمامداری در طول تاریخ بود.

۲. محمد انور السادات (۲۵ دسامبر ۱۹۱۸-۶ اکتبر ۱۹۸۱ م) سیاستمدار و نظامی مصری بود. او سومین رئیس‌جمهور مصر بود و این سمت را از تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۷۰ تا روز ترورش توسط جهاد اسلامی مصر در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۸۱ برعهده داشت. وی اولین حاکم یک کشور عرب بود که پیمان سازش را با دولت اسرائیل امضاء کرد و این کشور را بی چون و چرا به رسمیت شناخت؛ که به دلیل همین تلاش وی برای برقراری سازش موفق به دریافت جایزه صلح نوبل توسط بنیاد نوبل در سال ۱۹۷۸ گردید.

۲۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

حمایت و تقویت می‌نماید. مصر، لیبی را شدیداً تهدید می‌کند. قبل از انجام انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا، اسرائیل جنوب لبنان را اشغال خواهد کرد. اسرائیل می‌خواهد جنوب لبنان را بگیرد. سوریه تنهاست و می‌خواهد لیبی و پول و اسلحه آن را داشته باشد. هم لیبی و هم سوریه به هم نیاز دارند. ایران باید خیلی شدید و جدی و مثبت موضع‌گیری کند. او گفت: قذافی قرار است به عراق برود. ما با عراق درگیریم، پس بهتر است در مورد این وحدت موضع‌گیری مثبت داشته باشیم.

آقای باباصفری گفت: اتحاد مصر و سوریه تحت تأثیر عوامل سیاسی بود. آن عوامل از بین رفت و وحدت به هم خورد. فاصله جغرافیایی دو کشور زیاد است و این خود مانع وحدت عملی است. بین حزب بعث سوریه و قذافی نیز اختلاف ایدئولوژیک بسیار زیاد است. او گفت ما باید مواضعمان با دولت همسو و هماهنگ باشد.

من (یزدی) مطرح کردم که ابتدا باید مسئله را به‌طور جدی بررسی کنیم و لازم است با سفرای دو کشور لیبی و سوریه گفتگو شود.

خاتمی اظهار داشت: این وحدت تاکتیکی است و ما نباید عکس‌العمل داشته باشیم، ولی باید به مسئله قومیت توجه کنیم. در هراتحادی ما باید مبتکر باشیم و حساب‌شده عمل کنیم و نباید وارد بازی‌های سیاسی شویم.

من (یزدی) مطرح کردم که چرا لیبی به عراق می‌رود؟ با توجه به جنگ؟
آقای هادی خبر داد که لیبی کمک‌های مالی در اختیار سوریه قرار داده است. سوریه و عراق تجهیزات ما را ندارند. احتمال دارد که به دزفول حمله کنند.

خوینی‌ها نیز اظهار داشت که ما نباید خود را وارد این وحدت تاکتیکی کنیم، اما تأیید آن خوب است با تذکراتی همراه باشد که وحدت مستمر باشد و عامل این استمرار، اسلامیت است و نه عربیت. دوم اینکه حرکات آنها باید ضد اسرائیل و آمریکا باشد. مجلس اگر خواست فقط یک تبریک بگوید.

هرچند این پیمان در افکار عمومی غرب و اسرائیل یک موفقیت جدی برای اسرائیل محسوب می‌شد و انور سادات به‌عنوان فردی صلح‌طلب معرفی می‌شد، اما افکار عمومی اغلب اعراب مسلمان، مخالف این قرارداد بود.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۴۹

- منتظری** مخالف بود و گفت اگر هیچ کاری نکنیم و تذکر ندهیم که اسلامی فکر کنید، صورت خوبی ندارد.
- بعد از این بحث‌ها، متن نامه‌ جوایبه مورد بحث قرار گرفت. توصیه‌ها و نظرات اعضای کمیسیون‌ها از این قرار بود:
- ۱- در مورد محاصره اقتصادی، نیازی نیست به عدم کارایی آن اشاره شود.
 - ۲- بعضی جاها مطالب تکراری است؛ خلاصه شود.
 - ۳- مطالب به‌طور منطقی طبقه‌بندی شوند. متن منظم نیست.
 - ۴- بعضی جاها تعارف کرده‌ایم، نظیر باسکرویل.
 - ۵- به جای «گروگان‌ها» از واژه جاسوس‌ها استفاده شود.
 - ۶- بر نقش رهبری و امامت امام کم تکیه شده است.
 - ۷- در مورد قطع رابطه عین عبارت امام بیاید.
 - ۸- ثروت شاه و وابستگان وی باید گفته شود.
 - ۹- طوری گفته نشود که ما نمی‌خواهیم مسئله حل شود، بلکه این آمریکا است که مایل به حل بحران نیست.
 - ۱۰- به توطئه‌ها و تحریکات آمریکا در مرزهای ما، از جمله خلیج فارس پرداخته شود.
 - ۱۱- در مورد غارت ۲۵ ساله کشورمان دقیق‌تر و واضح‌تر موارد ذکر شود.
 - ۱۲- به محاصره اقتصادی کشورمان و فشار بر بازار مشترک اروپا اشاره شود.
 - ۱۳- به بازداشت و آزار دانشجویان انجمن‌های اسلامی در آمریکا اشاره شود.
 - ۱۴- از کلمات و آیات انجیل نقل شود.
 - ۱۵- از آیات قرآن نیز آورده شود.
 - ۱۶- نظر مردم آمریکا به پیام امام جلب شود.
 - ۱۷- اصطلاحات عبارتی توضیح داده شود.
 - ۱۸- از لغت مردم به جای ملت استفاده شود.
 - ۱۹- عدم تحویل سفارشات ایران حتی بعد از انقلاب.
 - ۲۰- درباره رسانه‌های گروهی توضیحات بیشتری داده شود.
 - ۲۱- در ابتدای نامه از صفات باری تعالی یاد شود.

۲۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲۲- نمایندگان کنگره همه مشکلات را به گروگان‌گیری حواله داده‌اند. به‌عنوان تدوین‌کننده نامه جوابیه، تمام موارد یادشده را به شرح فوق یادداشت و کوشش کردم حتی‌الامکان در چارچوب نامه تنظیم‌شده وارد شوند.

جلسه ۱۳۵۹ / ۶ / ۲۶

جلسه بعدی در ساعت ۱۰:۳۰ روز ۱۳۵۹/۶/۲۶ با حضور آقایان باباصفری، هادی، خاتمی، خویینی‌ها، منتظری، شاهچراغی و یزدی تشکیل شد. در این جلسه موضوعات زیر مطرح شد:

- ۱- شایع است که کمیسیون می‌خواهد گروگان‌ها را آزاد کند.
- ۲- در جامعه بحث و فشار زیادی است گروگان‌ها آزاد شوند.
- ۳- پاپ پیغام داده است آمریکایی‌ها حاضرند اموال شاه را پس بدهند و این پرسش را مطرح کرده که حل مسئله گروگان‌ها در دست کیست؟
- ۴- کارتر می‌خواهد مشکل را حل کند؛ بنابراین، برای پذیرش نظرات ایران آماده‌تر است.

هنگام بحث درباره جوابیه تهیه شده، مرحوم دکتر حسن آیت هم به کمیسیون آمد و با آن قسمت که من درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نوشته بودم به شدت مخالفت کرد. مخالفت آقای آیت با دکتر مصدق آنقدر زیاد بود که حتی حاضر نبود اعتراض به دخالت‌های علنی و آشکار دولت آمریکا در امور داخلی ایران، به‌عنوان نمونه، دخالت در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - که طراح و مجری آن دو دولت آمریکا و انگلیس بودند - در نامه مطرح شود. او معتقد بود در این نامه، تاریخ تحریف شده؛ زیرا دولت دکتر مصدق، دولت قانونی نبود.

حسن آیت به عبارت دولت ملی و قانونی دکتر مصدق، اعتراض داشت. او اصرار داشت به جای آن نوشته شود: «اوج دخالت‌های آمریکا در ۲۸ مرداد ۳۲ ...» بود. یا اینکه خطاب به آمریکایی‌ها نوشته شود: «از موارد بارز و شرم‌آورتان ترتیب کودتای ۲۸ مرداد و بازگرداندن محمدرضا بود». او طوماری را با ۶۶ امضا دایر بر ملی و قانونی نبودن دکتر مصدق به کمیسیون داد که رونوشت آن را به مطبوعات داده بود. او

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۵۱

اصرار داشت به جای جوابیه مجلس، افراد امضا کنند و بفرستند که مصوبه مجلس نباشد؛ زیرا اگر مصوبه مجلس باشد، قابل استناد خواهد بود. او نمی‌خواست مجلس پای نامه‌ای را امضا کند که دولت دکتر مصدق را ملی و قانونی دانسته است.

آقای خویینی‌ها در واکنش به آیت، پرسید: مصدق چرا نه ملی و نه قانونی بود؟ آیت گفت: خیلی‌ها هستند که او را نه قانونی می‌دانند و نه ملی! منافع طبقاتی و وابستگی‌هایشان او را شریک کودتا نموده است! دلایل غیرقانونی و غیرملی بودن. رفراندوم خلاف قانون اساسی است. کاشانی دولت را یاغی تعادلی به وجود می‌آورد. تأیید ضمنی آمریکا نشود! از کاشانی نقل شده است که «به هندرسن (سفیر آمریکا در ایران) گفتم که آمریکا به دست شما می‌خواهد نفت ما را ببرد» و هندرسن در ۲۷ مرداد اجرای کودتا را به مصدق می‌گوید. در فرانسه و جاهای دیگر نوشته شده است: تجربه ۲۸ مرداد. آیت به دولت موقت حمله کرد و گفت: «آمریکایی‌ها عوامل خودشان را در دولت موقت وارد کردند».

آیت، نظرات خود را درباره این نامه و دولت دکتر مصدق طی یادداشت جداگانه‌ای برای نمایندگان فرستاد. متن نامه آیت را در پیوست ۱ آورده‌ام تا نشانه‌ای باشد از نقش تعصبات سیاسی در تقابل با قدرت‌های خارجی.

خوشبختانه اعضای کمیسیون به اتفاق آراء، پیش‌نویس تهیه‌شده مرا تصویب کردند. این متن در جلسه علنی خوانده شد، اما هرگز برای کنگره آمریکا ارسال نشد. ظاهراً هیئت رئیسه به‌رغم تصویب متن، از ارسال آن خودداری کردند. متن پاسخ به نمایندگان مجلس آمریکا به شرح زیر آمده است. اختلاف دیدگاه‌ها و تعارض و تقابل میان افراد جامعه، امری است رایج و طبیعی؛ اما در دفاع از مصالح و منافع ملی باید وحدت کلمه داشته باشیم.

جلسه ۱۳۵۹/۶/۳۱

در جلسه بعدی (در ۵۹/۶/۳۱) با حضور آقایان شاهچراغی، متکی، منتظری، خاتمی، هادی، خویینی‌ها و یزدی، دوباره موضوع نامه بررسی شد و تصویب شد که نامه به همان صورت نهایی شود و به سخن کاشانی به هندرسن نیز اشاره‌ای بشود. در سوم مهرماه، نامه جوابیه در کمیسیون خوانده و نهایی شد.

۲۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای خاتمی، مخبر کمیسیون، طی نامه‌ای این متن را برای همه کمیسیون‌های مجلس فرستادند تا مطالعه کنند و نظر بدهند. متن این نامه به شرح زیر است:

«بسمه تعالی

کمیسیون ...

با سلام و درود فراوان

طبق تصمیم کمیسیون امور خارجه، یک نسخه از پیش‌نویس جواب به نامه نمایندگان کنگره آمریکا تقدیم می‌گردد تا مورد مطالعه و اعمال نظر نمایندگان عزیزی که در این مورد نظر انتقادی و اصلاحی دارند نظریات خود را تا قبل از ساعت ۱۰ صبح چهارشنبه در صندوق پستی مخبر کمیسیون خارجه بگذارند تا متن نهایی بر اساس همه پیشنهادات و نظریات تهیه گردد. لازم به یادآوری است که چون متن مزبور رسمیت ندارد، نبایستی به نظر هیچ‌کس جز نمایندگان محترم برسد. قبلاً از همکاری شما سپاسگزارم.

مخبر کمیسیون امور خارجه - سید محمد خاتمی

مخبر کمیسیون امور خارجه، متن تهیه شده را در جلسات بعدی مجلس قرائت کرد. صحبت‌های موافقین و مخالفین به شرح زیر است.

مطالب زیر مربوط است به جلسه‌ای قبل از گزارش کمیسیون

آقای انصاری ۵۹/۶/۱۰

آقای الویری ۵۹/۶/۱۰

آقای معادیخواه ۵۹/۶/۱۰

آقای صدرحاج سید جوادی ۵۹/۶/۱۰

آقای هراتی ۵۹/۶/۱۰

آقای موسوی تبریزی ۵۹/۶/۱۰

آقای هراتی ۵۹/۶/۲۳

آقای دیالمه ۵۹/۶/۲۳

آقای رهامی ۵۹/۶/۲۳

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۵۳

آقای آیت ۵۹/۶/۲۳

آقای محلاتی ۵۹/۶/۲۳

همان‌طور که در صحبت‌های نمایندگان دیده می‌شود، ارسال این نامه درگیری‌های بسیاری را خصوصاً از طرف جناح آیت در مورد دولت ملی و قانونی دکتر مصدق، پیش آورد. پس از صحبت‌های مخالف و موافق، چون نظرات بسیار متنوع و متعدد بود، مجلس به کمیسیون امور خارجه اختیار داد که با در نظر گرفتن نظرات نمایندگان، نامه را به مرحله نهایی رسانیده و ارسال دارد.

کمیسیون امور خارجه مجلس، نظرات گوناگون را استماع کرد، ولی به دلیل محتوای غنی و صریح و مستدل نامه پیش‌نویس، که در واقع ادعای نامت ایران علیه عملکرد سیاست خارجی دولت آمریکا در ایران بود، در پایان، متن اولیه بدون تغییر چندانی، مورد تصویب قرار گرفت ... عین متن به شرح زیر آورده می‌شود:

پاسخ نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی نامه نمایندگان به کنگره آمریکا

«بسم الله الرحمن الرحيم

از: نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران

به: آقای رئیس محترم کنگره ایالات متحده آمریکا

نامه مورخه دوم جولای ۱۹۸۰ - یکصد و هشتاد و پنج نفر از نمایندگان کنگره آمریکا خطاب به مجلس شورای اسلامی واصل گردید.

آقایان نمایندگان: شما در نامه خودتان از اهداف و آرمان‌های دو ملت صحبت کرده‌اید و اظهار امیدواری نموده‌اید که به یک درک و تفاهم بهتری از این اهداف و آرمان‌ها دست بیابید.

ما لازم می‌دانیم برای روشن شدن واقعیت‌های دردناکی که وضعیت غم‌انگیز بخش بزرگی از مردم جهان را پدید آورده است، این نامه را به وسیله جناب‌عالی در پاسخ به آنان ارسال داریم.

۲۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ما این ابراز آمادگی شما را برای درک و تفاهم بهتر از آرمان‌ها و اهداف ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران، غنیمت شمرده و آن را فرصت مناسبی برای توضیح عملکرد آمریکا در ایران و بیان آرمان‌ها و اهداف و حقایق انقلاب اسلامی ایران که در کشور شما، به شدت از روی تعمد و ارونه جلوه‌گر شده است، می‌شماریم.

ما مصراً معتقدیم که مردم آمریکا از عمق عملکرد جنایتکارانه دولت‌های خودشان در ایران - نظیر بسیاری دیگر از نقاط جهان - و از آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران به درستی مطلع نیستند و این فرصت به آنها داده نشده است که در این باره به تشخیص برسند.

ما از این فرصت برای بیان این حقایق، که مسلماً به نفع مردم آمریکا نیز می‌باشد، استفاده می‌کنیم. امید که مفید و مؤثر واقع گردد.

۱- بگذارید که ابتدا از آرمان‌ها و اهداف دولت آمریکا، بر اساس عملکردهایش در ایران شروع کنیم. ما دقیقاً نمی‌دانیم که ملت و مردم آمریکا تا چه اندازه از عملکردهای دولت آمریکا و مقامات رسمی آن دولت در ایران و سایر نقاط جهان مطلع هستند، اما می‌دانیم میان آرمان‌های مردم آمریکا با آنچه که دولت آمریکا انجام داده است و می‌دهد تفاوت بسیار فاحش و تناقضات بنیادی وجود دارد، اما به هر حال منشأ قضاوت مردم ایران درباره آرمان‌ها و اهداف آمریکاییان لاجرم عملکرد سی و چند ساله دولت آمریکا در ایران می‌باشد. در طی دوران جنگ بین‌الملل دوم و بعد از آن، دولت آمریکا به‌عنوان یک نیروی تازه‌نفس، مقدمات جایگزینی قدرت‌های استعماری پیش از خود را در کشور ما با طرح‌های سلطه‌جویانه تعقیب کرد؛ کاری که با موازین حق و عدالت و انسانیت، حقوق بشر و داعیه آزادی‌خواهی آمریکا که ده‌ها سال در سطح جهان بدان شهرت یافته بود، قابل انطباق نبود.

پس از جنگ جهانی دوم، ملت ما فرسوده از حضور نیروهای اشغالگر و دخالت‌های بی‌حساب قدرت‌های بیگانه، برای کسب آزادی و استقلال و پایان دادن به سلطه اجانب و مخصوصاً دخالت‌های استعمار انگلیس همانند سایر ملل مستضعف جهان مبارزه خود را آغاز کرد و در جهت نیل به چنین اهداف و آرمان‌هایی با دولت‌های دست‌نشانده اجنبی، خصوصاً شاه و دربارش که مرکز تمامی توطئه‌های

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۵۵

ضدملی و ضد اسلامی و وسیله اجرای سیاست‌های خارجی بود، به جنگ و ستیز برخاست، اما در این صحنه نبرد میان حق و باطل، دولت آمریکا نه تنها در کنار باطل علیه ملت ایران قرار گرفت، بلکه خود به‌عنوان یک شیطان بزرگ مرکز و محور تمامی توطئه‌ها علیه ملت ایران شد و با تمام نیرو به پشتیبانی و حمایت از کثیف‌ترین عناصر علیه ملت ایران پرداخت.

دولت آمریکا با حمایت از شاه و دربار پهلوی و کنترل ارتش، نقشی همانند بریتانیا در کشور ما در پیش گرفت و به دخالت‌های واضح و آشکار در شئون داخلی ایران مبادرت ورزید.

اوج دخالت‌های ناروای آمریکا در ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۲۵ اوت ۱۹۵۳) به وقوع پیوست. دولت آمریکا با طرح و اجرای کودتای ننگین و خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حکومت قانونی دکتر مصدق را که متکی به رأی و اراده ملت ایران بود سرنگون ساخته و شاه جنایتکار را که از ترس انتقام ملت به خارج از کشور فرار کرده بود، به ایران بازگردانید و یک رژیم کودتایی را بر ما تحمیل کرد.

دخالت واضح و صریح آمریکا در ایران و تحمیل رژیم ننگین شاه نه تنها نقض آشکار تمامی قوانین و مقررات بین‌المللی که نقض قوانین و مقررات خود آمریکا نیز بود. قوانین آمریکا هرگز به دولت‌های شما و سازمان سیا اجازه نمی‌دهد که در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نمایند.

نیازی نمی‌بینیم که مدارک و اسناد شرکت مستقیم آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را که مهم‌ترین آن نزد خود شماست برای شما بازگو نمایم. شما می‌توانید به اسناد و مدارک خودتان، به صورت جلسات کنگره، به گزارشات رؤسای جمهوری، وزیران امور خارجه و رؤسای سیای آمریکا به کنگره رجوع کنید. همچنین می‌توانید این اسناد را در اختیار مردم آمریکا قرار بدهید تا آنها نیز حقایق را بفهمند. بگذارید مردم آمریکا بدانند که همیشه این دولت آمریکا بوده است که قوانین بین‌الملل را نقض کرده و زیر پا گذاشته است. نه تنها در ایران بلکه در سایر نقاط جهان نظیر شیلی و ونزوئلا و اندونزی یا مصر و فلسطین و ... [نیز این‌گونه عمل کرده است].

۲۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

با انتشار این اسناد به مردم آمریکا فرصت دهید که منصفانه به گناهان دولت‌های خود رسیدگی کنند تا شاید از تکرار آن مانع گردند. بگذارید پرده‌های ریا و فریب دولت‌های شما کنار رود و قیافه‌های حق‌به‌جانبی که همیشه قربانیان خود را به نقض حقوق بشر متهم می‌کنند، واقعیت دهشت‌انگیز خود را به مردم آمریکا بنمایند. بگذارید مردم آمریکا بدانند که مقامات رسمی دولت آنها چه جنایاتی را در ایران مرتکب شده‌اند و بدانند چرا ملت ایران مصرانه می‌خواهد که این جنایات عظیم بررسی و عاملین آن معرفی شوند.

آقایان

اسناد را در اختیار مردم آمریکا بگذارید، و بگذارید که آنها خود قاضی باشند. به موجب اقرار و اعترافات مقامات رسمی آمریکا، طراحی و گرداندگی آمریکا در کودتای ننگین و بی‌شرمه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و تحمیل رژیم شاه فاسد فراری بر ملت ایران واضح و انکارناپذیر است و این بزرگ‌ترین جنایت آمریکا در ایران است. این امر، آمریکا را مسئول و شریک تمامی جنایات رژیم شاه در ایران می‌نماید. این جنایات و خیانت‌ها شامل: کشتار ده‌ها هزار تن مردم ایران، از جمله کشتار بزرگ ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، که حدود ۱۵ هزار نفر مردم بی‌دفاع و مظلوم را به خاک و خون کشید؛ زندانی و شکنجه کردن صدها هزار نفر از مردم ایران توسط ساواک، که به دست سیای آمریکا تربیت شده بود؛ تصویب کاپیتولاسیون، از بین بردن اقتصاد ایران و وابسته کردن آن به سرمایه‌داری خارجی، غارت منابع طبیعی ایران و بخصوص نفت، نابودی کشاورزی ایران، طرح از بین بردن فرهنگ اصیل اسلامی، فاسد کردن نسل جوان و آلوده ساختن آنان به مواد مخدره، تبدیل ارتش ایران به یک ارتش وابسته به آمریکا و انجام نقش ژاندارم در منطقه و شرکت در سرکوبی آزادی‌خواهان در ظفار، در اردن (سپتامبر ۱۹۷۰) و یا لبنان در جنگ‌های داخلی (حمایت از فالانژیست‌ها) ... است.

مسئولیت و مشارکت آمریکا در جنایات متعدد و بی‌حساب شاه در طی ۳۷ سال حکومتش، تنها به زمان آیزنهاور ختم نمی‌شود. در تمامی دوران سلطه استبداد شاه، رؤسای جمهور و مقامات رسمی آمریکا لحظه‌ای از حمایت و پشتیبانی از رژیم شاه و

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۵۷

دخالت در امور ایران دریغ نکرده‌اند. در این باره نیز کافی است به همان اسناد کنگره آمریکا و گزارشات مقامات رسمی رجوع کنید.

ببینید و بگذارید مردم آمریکا و دنیا هم ببینند و بدانند که دولت آقای کارتر تا آخرین لحظه به دخالت در امور داخلی ایران و توطئه علیه ملت ایران مشغول بوده‌اند.

حضور آقای هویزر در ایران در آخرین روزهای قبل از پیروزی انقلاب و طرح‌هایی که اجرای آنها را در دستور کار خود قرار داده بودند، نشانه تلاش مستمر دولت آمریکا است. اسناد و مدارک دخالت‌های ناروا و غیرقانونی مقامات رسمی آمریکایی در امور داخلی ایران در مدارک به‌دست آمده از سفارت آمریکا در ایران، همه نشان می‌دهند که آمریکا دائماً و بدون وقفه در امور داخلی ایران دخالت می‌کرده است و هرگز لحظه‌ای را از توطئه علیه ملت ایران غافل نبوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت آمریکا که در برابر خشم خروشان انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی با شکست غیرقابل‌اجتنابی روبه‌رو شده بود، ناگزیر به عقب‌نشینی شد، و ظاهراً ادعا کرد که انقلاب ایران و دولت جدید را به رسمیت شناخته است، اما بررسی اعمالی که دولت آمریکا در طی همین مدت انجام داده است نشان می‌دهد که آمریکا نه تنها از اعمال گذشته خود نادم نیست و متنبه نشده است، بلکه با تمام نیرو همان راه گذشته خود را دنبال می‌کند و با تمام قوا به دشمنی علیه ملت ایران برخاسته است.

دولت آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تمامی تعهدات خود را به زیر پا گذاشت و به بهانه‌های واهی میلیاردها دلار اموال ایران را در بانک‌های آمریکایی توقیف نمود. کالاهای سفارشی را که تمامی بهای آنها را قبل از انقلاب نقداً دریافت نموده بود، حاضر به تحویل نگردید.

مقامات دولت آمریکا حتی حاضر نشدند صورت‌حساب میلیاردها [دلار] سپرده‌های ایران را در حساب‌های بانکی وابسته به دولت آمریکا به ایران بدهند. و میلیاردها دلار سرمایه ایران توسط عناصر ذی‌نفع از مقامات رسمی آمریکایی حیف و میل گردیده است. ما تعجب می‌کنیم که چگونه و چرا نمایندگان کنگره به این حیف و

۲۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

میل‌ها هرگز رسیدگی نکرده و نمی‌کنند؟ و نمی‌پرسند که سرنوشت میلیاردها دلار سرمایه ایران در حساب‌های بانکی وابسته به مقامات رسمی آمریکا چه شده است؟ علاوه بر اینها، دولت آمریکا، به عنصر جنایتکاری که در گوشه و کنار ایران علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند، کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم نموده و می‌نماید. دولت آمریکا مستقیم و یا غیرمستقیم، از طریق دولت بعثی عراق، در حوادث کردستان و خوزستان و خلیج فارس توطئه‌های مداوم علیه جمهوری اسلامی ایران دخالت و مشارکت دارد.

دولت آمریکا عناصر ضدانقلاب را که سال‌های سال عامل اجرای جنایات شاه و همچنین عوامل اجرای برنامه‌های سیاسی آمریکا در ایران بوده‌اند، در آمریکا پناه داده است. علی‌رغم درخواست رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران، از تحویل مجرمینی نظیر سرتیپ رزمی - مسئول آتش‌سوزی سینما رکس آبادان - خودداری نموده است و این خودداری آمریکا علی‌رغم توافقی است که در این زمینه به‌عمل آورده است. آقای سایروس وونس در ملاقات با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در زمان شرکت در سی و چهارمین اجلاس سازمان ملل در نیویورک، صریحاً وعده داد که ترتیب انتقال و تحویل این مجرمین را به دولت ایران خواهد داد. و پیرو همان توافق وزارت خارجه آمریکا از دولت ایران رسماً اسامی این اشخاص را دریافت نمود، اما نه تنها دولت آمریکا به تعهدات خود عمل ننمود، و این مجرمین را تحویل دولت ایران نداد، بلکه شاه جانی را نیز به آمریکا پناه داد.

مقامات رسمی دولت آمریکا بارها، به دنبال تکیه بر ادعاهای خودشان در شناسایی واقعی انقلاب اسلامی ایران و به‌عنوان یک نشانه‌ای از علاقه به دوستی با انقلاب ایران، تعهد کرده بودند که شاه را هرگز به آمریکا پناه ندهند. دولت آمریکا نه تنها به این تعهد خود عمل نکرد، بلکه علی‌رغم تأکید فراوان مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران و انذار و اخطار آنان در پناه دادن به شاه جانی، وی را به بهانه بیماری و نیاز به درمان پناه دادند. مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران صراحتاً به نمایندگان دولت آمریکا اطلاع دادند که سفر شاه به آمریکا، انفجار جدیدی علیه آمریکا در ایران را به دنبال خود خواهد داشت. به آنها با صراحت گفته شد که پذیرش

شاه به معنای استمرار عناد آمریکا به انقلاب ایران تلقی می‌شود و هرگز بلاجواب نخواهد ماند، اما محافل حاکمه آمریکا ترجیح دادند که با قبول شاه، عناد و دشمنی خود را به انقلاب ایران نشان دهند. دولت آمریکا نشان داد که هرگز کم‌ترین ندامتی از گذشته خود ندارد. نشان داد که هرگز حاضر نیست کم‌ترین قدمی را در راه ترمیم جنایات گذشته خود بردارد. علاوه بر همه اینها، دولت آمریکا نشان داد که به آبرو و حیثیت مردم آمریکا در دنیا کم‌ترین اهمیتی نمی‌دهد.

سفر شاه به آمریکا، نه برای دولت آمریکا و نه برای ملت ایران هرگز سفر یک بیمار نیازمند به درمان نبوده است، بلکه دقیقاً بیانگر توطئه‌های مستمر دشمنان انقلاب ایران و مخالفین حسن روابط میان دو ملت ایران و آمریکا می‌باشد.

بعد از سفر شاه به آمریکا، دولت آمریکا به درخواست‌های رسمی و مکرر مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر استرداد شاه مجرم، بر اساس توافق قبلی ترتیب اثر نداد. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در همان موقع طی یادداشتی به وزارت امور خارجه آمریکا، مسئولیت تمامی عواقب این بی‌اعتنایی آمریکا به خواست ملت ایران را، بر عهده دولت آمریکا گذاشت. امتناع آمریکا در تحویل مجرمین فراری و پناهنده به آمریکا، من جمله شاه جانی، حتی بر طبق قوانین خود آمریکا شامل اصل «ممانعت از اجرای عدالت» شده و فی‌نفسه جرم محسوب می‌شود.

پناه دادن به شاه به منزله اعلان جنگ مستقیم آمریکا به ملت ایران محسوب می‌شود و به دنبال آن، حمله مردم عصبانی و خسته از جنایات آمریکا در ایران به لانه جاسوسی و توطئه آمریکا در ایران و اشغال آن، یک عکس‌العمل طبیعی بوده است. ممکن است به تصور شما اشغال سفارت یک کشور خارجی و گروگان‌گیری کارمندان آن سفارت‌خانه ولو مرکز جاسوسی و توطئه، خلاف مقررات بین‌الملل بوده‌اند و هستند؛ چرا آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها حق دارند و می‌توانند در هر کجا و در هر زمان که اراده کنند، تمامی قوانین و مقررات بین‌الملل را به زیر پا بگذارند و هیچ‌کس هم حق اعتراض نباید داشته باشد!! اما اگر [ملتی] در برابر خودسری‌ها و تجاوزات [آمریکا]، برپاخاسته و عکس‌العمل نشان بدهد فوری فریاد همین ابرقدرت‌ها بلند می‌شود که قوانین بین‌المللی زیر پا گذارده شده است؟ آیا حفظ حرمت این قوانین

۲۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

فقط بر عهده ملل مستضعف است و ابرقدرت‌ها از رعایت قوانین و مقررات بین‌المللی معاف هستند؟ این چه منطقی است؟

دولت آمریکا بر طبق کدام یک از اصول انسانی، یا قوانین بین‌المللی حق داشته است که نیروهای نظامی خود را بسیج کرده و به مرزهای ایران تجاوز نماید و هواپیماها و هلیکوپترها و نفرات خود را به خاک ایران (در طبس) سرازیر نماید؟! آیا اینها تخطی آشکارا از تمامی مقررات بین‌المللی نیست؟!

آیا رفتار خشونت‌بار پلیس آمریکا با تظاهرات مسالمت‌آمیز دانشجویان مسلمان ایرانی در شهرهای آمریکا و به زنجیر کشیدن و به زندان انداختن آنان، نشان‌دهنده احترام به حقوق بشر در آمریکا و احترام به مسلمان‌ها و ایرانی‌هاست؟!

آیا محاصره اقتصادی ملتی، و جلوگیری از حتی صدور مواد غذایی و دارویی با موازین حقوق بشر مورد ادعای شما هیچ تناسبی دارد؟ در این محاصره اقتصادی، علاوه بر شرکت خودتان، کشورهای بازار مشترک اروپایی و سایر هم‌دستان خود را نیز دخالت دادید. آیا تصور می‌کنید ملتی که قیام کرده است از این محاصره‌ها وحشتی دارد و یا می‌تواند با این محاصره ما را از پا درآورد؟ بدانید که محاصره اقتصادی شما نمی‌تواند در اراده ملت ما اثر بگذارد و کارایی ندارد.

آقایان

اینهاست نمونه‌هایی از اعمال و رفتارهای آمریکا در طی سی و چند سال گذشته‌اش در ایران. از طریق این اعمال و کردارهاست که ملت ایران آمریکا را می‌شناسد و درباره اهداف و آرمان‌های آن قضاوت می‌کند. ملت ایران، بر اساس این اعمال و رویه‌ها هر کجای دنیا، این عملکرد را محکوم می‌نماید.

با این اهداف و آرمان‌ها، دولت آمریکا هرگز نمی‌تواند با ملت ایران و یا هیچ ملت دیگری در دنیا روابط دوستانه و حسنه‌ای داشته باشد.

۲- اما آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران: مردم ما مردمی هستند زحمتکش، زجر دیده، غارت شده و سالیان دراز گرفتار استبداد جهنمی رژیم شاه؛ و کشور ما سالیان دراز گرفتار استیلای امپریالیسم و استعمار. ملت ما به‌پا خاست و به رهبری امام

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۶۱

خمینی قیام کرد. انقلاب ما یک انقلاب مردمی به تمامی معنی می‌باشد. انقلاب ما انقلابی است اسلامی، متأثر و منبعث از طرز تفکر اسلامی و فلسفه و جهان‌بینی توحیدی. انقلاب اسلامی ما برای آزادی انسان‌هاست. ما انقلاب کردیم تا کرامت و شرافت انسانی را به انسان‌ها بازگردانیم، تا جامعه‌ای آزاد و آباد متناسب با جهان‌بینی توحیدی، که اندیشه انقلاب ماست بسازیم، تا خود سرنوشت خود را در دست بگیریم، تا به سلطه اجانب بر کشورمان خاتمه دهیم. تا فقر را ریشه‌کن سازیم و بالاخره ما بر سر آنیم تا یک جامعه نمونه و الگو بسازیم و به بشریت متحیر و سرگردان ارائه دهیم.

آقایان

آیا در کدام مکتب و در کجای دنیا و بر طبق چه ضوابط و اصولی، ملت ما حق ندارد خود راه خود را انتخاب کند؟

اینکه ملت ایران چه نوع نظامی و چه اندیشه‌ای را انتخاب کند به دولت آمریکا چه ربطی دارد؟ به آنها چه مربوط است که در دین ما، سیاست از مذهب جدا نیست؟ آیا اگر مردم آمریکا راه و روش خاص را برای زندگی خود انتخاب کرده‌اند باید همان راه و روش را به سایر مردم جهان تحمیل کنند؟

آمریکایی‌ها نتوانسته‌اند و یا کوشش نکرده‌اند که انقلاب اسلامی ایران را بشناسند. چهره انقلاب اسلامی ایران نه تنها در آمریکا ناشناس و مظلوم مانده است، بلکه در افکار عمومی مردم آمریکا آن را تحریف کرده و مخدوش ساخته‌اند و این خود توطئه - ای است علیه انقلاب اسلامی ایران. این امر معلول عوامل چندی است:

اول - انقلاب ایران، یک انقلاب اسلامی است. اسلام، قرن‌ها مورد شدیدترین حملات و ناجوانمردانه‌ترین تحریف‌ها قرار گرفته است.

ادبیات سیاسی - اجتماعی دنیای غرب، و از جمله آمریکا، دائماً یک چهره تحریف‌شده و مخدوشی از اسلام را به مردم مغرب زمین ارائه داده است؛ به طوری که امروز مردم غرب، و آمریکاییان با همان پیش‌داوری‌ها و باورهای تحریف‌شده و نادرست با اسلام و انقلاب اسلامی ایران روبه‌رو می‌شوند و با همان دانش به قضاوت می‌نشینند.

۲۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دوم - دنیای غرب و آمریکاییان، یک تجربه تاریخی از مذهب دارند که بر اساس آن، جدایی دین و سیاست را انتخاب کرده‌اند. انطباق چنین [برداشتی] بر اسلام هرگز درست نمی‌تواند باشد.

در اسلام، سیاست عین دیانت و دیانت عین سیاست است. سکولاریسم در اسلام جایی ندارد، اما غربیان هنوز هم نتوانسته‌اند این حقیقت اسلامی را بپذیرند و دچار خطاهای فاحشی در قضاوت‌هایشان نسبت به انقلاب اسلامی ایران شده‌اند. بر اساس همان تجربه غربیان از مذهب است که مارکس مذهب را تریاک توده‌ها بیان می‌کند و این هرگز قابل انطباق با اسلام نیست. هر دو گروه از غربیان، چه مارکسیست‌ها و چه غیرمارکسیست‌ها در حق اسلام و انقلاب اسلامی ایران دچار خطا و اشتباه و انحراف شده‌اند.

سوم - بسیاری از محافل حاکمه در دنیای غرب و آمریکا، هم اسلام را خوب فهمیده‌اند و هم انقلاب اسلامی ایران را، و درست به همین دلیل است که دشمنی آنها با انقلاب اسلامی ایران، از دشمنی آنها با کمونیزم بیشتر است.

فهم این محافل از اسلام و انقلاب اسلامی ایران، بر اساس وسعت و عمق تهدیدات علیه منافع آنان از جانب انقلاب اسلامی می‌باشد. محافل حاکمه در آمریکا و گروه‌های فشار سیاسی ذی‌نفع، لطمات و صدمات غیرقابل جبرانی از انقلاب اسلامی ایران خورده‌اند.

منافع عظیمی که در دوران سلطه رژیم شاه می‌برده‌اند به کلی قطع شده است و دیگر هرگز برای آنان وضع گذشته قابل تکرار نیست. اینان با تمام قوا علیه این انقلاب ایستاده‌اند و کارشکنی می‌کنند. از جانب دیگر انقلاب اسلامی ایران در سرتاسر کشورهای دنیای سوم و دنیای اسلام، طوفان عظیمی را علیه رژیم‌های ارتجاعی و وابسته به منافع غربیان و یا شرقیان به وجود آورده است. در منطقه خاورمیانه غربی، میلیون‌ها انسان راه جدید و فطری برای آزادی و استقلال واقعی را بر اساس مکتب اسلام یافته‌اند.

این وضعیت برای آنان که ذی‌نفع هستند قابل تحمل نمی‌باشد. ما این را دقیقاً می‌دانیم این محافل و گروه‌های فشار سیاسی و در رأس آنها، صهیونیسم جهانی و

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۶۳

میلیتاریست‌ها با تمام قوا به تحریف و مخدوش ساختن چهره انقلاب اسلامی در سرتاسر جهان و دنیای غرب و آمریکا پرداخته‌اند.

رسانه‌های گروهی در آمریکا در انحصار همین محافل و گروه‌های فشار سیاسی می‌باشند. همین رسانه‌ها هستند که هرگز نگذاشته‌اند مردم آمریکا از حقایق امور در ایران باخبر شوند. تا وقتی که رژیم شاه بر سر کار بود همین رسانه‌ها از رژیم جلاد و جنایتکار شاه یک قیافه مردمی، متمدن، دلسوز به حال ملت و مدافع آزادی و حقوق بشر ساخته بودند، و اکنون نیز همین رسانه‌ها و همین محافل، چهره انقلاب اسلامی ایران را مخدوش نموده و آن را تحریف می‌کنند. در حق امام بزرگوار ما و رهبر انقلاب اسلامی ایران، با تمام معنویت و عرفانش، چه ظلم‌ها که مرتکب نمی‌شوند. صفحات مطبوعات آمریکا نمونه بارز و روشنی است از این توطئه عظیم علیه انقلاب ایران. هم این عوامل و هم این رسانه‌ها و هم این محافل هستند که ملت آمریکا را در جهل نسبت به آنچه دولت‌هایشان در دنیا انجام می‌دهند، نگه داشته‌اند.

آقایان

چگونه می‌توان از درک و تفاهم بهتر آرمان‌ها و اهداف دو ملت سخن گفت، در حالی که محافل حاکمه آمریکا و تمامی رسانه‌های گروهی شما در یک توطئه دائم، انقلاب اسلامی ایران را تحریف می‌کنند، اخبار دروغ جعل می‌کنند و به خورد مردم آمریکا می‌دهند.

۳- شما نگرانی عمیق خود را در مورد انحطاط روابط فی‌مابین و گسستن آن ابراز نمودید، و آن را معلول گروگان‌گیری دانسته‌اید. آقایان، شما به‌عنوان دولت آمریکا، هرگز با ملت ایران روابط نداشته‌اید. روابط شما در طی سی و چند سال گذشته کلاً و عمدتاً با رژیم شاه بوده است. بله، این رابطه گسسته شده است و دیگر وجود ندارد و دولت آمریکا حق دارد از قطع این روابط احساس نگرانی نماید. این اشکی که برخی از محافل آمریکایی در مورد قطع این روابط می‌ریزند، در واقع اشکی است بر قطع منافع خودشان! چنان روابطی هرگز برای ملت ایران قابل قبول نبوده است و امام خمینی فرمود که: «الهی بریده باد چنین روابطی».

گسستن روابط میان دولت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران نتیجه گروگان‌گیری نیست، بلکه نتیجه اجتناب‌ناپذیر عملکرد دولت شما در ایران علیه مصالح و منافع ملت ایران می‌باشد. ما نگران گسستن آن‌گونه روابط نیستیم آنچه که شما باید نگران آن باشید ادامه سیاست تجاوزگرانه دولت آمریکاست. انحطاط روابط فی‌مابین ملت ایران و دولت آمریکا به منزله قطع روابط میان دولت ایران و آمریکا نمی‌باشد. ما خواهان حسن روابط با تمامی دولت‌های جهان، از جمله ملت آمریکا هستیم.

۴- شما نوشته‌اید که ادامه وضع کنونی، یک بحران سطح جهانی خلق کرده است. این بحران سال‌هاست که وجود دارد و حاصل عملکرد ملت ایران نیست، بلکه محصول روابط غلط بین‌المللی است که نتیجه جهان‌خوارگی ابرقدرت‌هاست که هر کدام برای خود، میدان نفوذی قائل شده‌اند که دیگری حق تجاوز به آن را ندارد. بحران جهانی نتیجه تنازع میان ابرقدرت‌های تجاوزگر و توسعه‌طلب شرق و غرب است. این تنازع هرگز بر سر «حق و حقیقت» نیست، بلکه بر سر تقسیم منافع و مناطق نفوذ است.

بحران کنونی نیز تنها به دلیل امتناع سرسختانه دولت آمریکا از شناسایی حق ملت ایران در تعیین سرنوشت خودش می‌باشد؛ در این است که دولت آمریکا ادامه سلطه و نفوذ خود را در ایران برای خود فرض دانسته است و لذا دائماً به طرق گوناگون در امور داخلی ایران مداخله می‌کند و علیه انقلاب اسلامی ایران توطئه می‌نماید. آمریکا می‌تواند با قبول سیاست عمل و درایت و پذیرش واقعیت‌ها و دست برداشتن از لجاجت و عناد با ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران، بحران کنونی را مرتفع سازد.

۵- شما در نامه‌تان از سلطه‌طلبی و توسعه‌طلبی سخن گفته‌اید. ما نیز با هر گونه سلطه‌طلبی و توسعه‌طلبی شدیداً مخالف هستیم. با این تفاوت که ما با هر گونه سلطه-طلبی و توسعه‌طلبی و از سوی هر قدرتی مخالف هستیم و با آن شدیداً مبارزه خواهیم کرد، اما مقامات آمریکایی، تنها با سلطه‌طلبی از جانب رقبا و حریفان و آن هم در صورتی که بر طبق توافق‌های محرمانه و یا علنی قبلی صورت نگرفته باشد مخالفند. شما تجاوز شوری را به افغانستان محکوم می‌کنید و لیکن ما هرگز نشنیدیم و هرگز

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۶۵

نخواندیم که توسعه‌طلبی و تجاوزات چهل ساله صهیونیسم را در فلسطین محکوم کنید!! بمباران‌های مکرر هوایی و زمینی و دریایی دولت صهیونیستی اسرائیل در جنوب لبنان و قتل و کشتار هزاران زن و مرد و کودک بی‌گناه لبنانی و فلسطینی را محکوم کنید! آواره‌گی میلیون‌ها فلسطینی را محکوم کنید!

۶- اما در مورد گروگان‌ها: آقایان، ما از تأثیرات گروگان‌گیری در وضعیت شما مستحضر هستیم. ما از بحرانی که هم‌اکنون دولت آمریکا در درون آمریکا و در دوره انتخابات ریاست جمهوری با آن دست به گریبان است، مطلع می‌باشیم. ما همچنین از بحران جهانی که دولت آمریکا بعد از شکست در ایران و سقوط رژیم شاه با آن روبه روست و به مراتب عظیم‌تر و عمیق‌تر از بحران آمریکا بعد از شکست در ویتنام می‌باشد، آگاهی داریم. ما همچنین از مشکلاتی که بحران روابط فی‌مابین برای دولت آمریکا در کشورهای اسلامی به وجود آورده است، با خبریم ... اما حل همه اینها را تنها در دست و در اختیار دولت آمریکا می‌دانیم. اما چگونه می‌توان به تقلیل بحران خوش‌بین بود، در حالی که دولت آمریکا به توطئه‌های خود هنوز هم ادامه می‌دهد؟ تمامی اخبار و شواهد حاکی از آن است که دولت آمریکا دخالت نظامی جدیدی را در ایران تداوم می‌بیند. ما همین‌جا اعلام می‌کنیم که دولت آمریکا باید بداند که دخالت نظامی در ایران، سراسر منطقه خاورمیانه و دنیای اسلام را با یک انفجار عظیمی روبه‌رو خواهد کرد و ما مسئولیت و عواقب هر نوع ماجراجویی‌های نظامی را مستقیماً متوجه دولت آمریکا می‌دانیم.

دولت آمریکا می‌تواند با قبول مسئولیت مشارکت در عملکردهای رژیم شاه و خسارت‌های جانی و مالی وارده بر ملت ایران، اولین قدم را برای تقلیل خطرات و مشکلات بحران کنونی بردارد.

آقایان، شما می‌توانید در این راه به‌طور مثبت قدم بردارید و علی‌رغم تمامی گرفتاری‌هایتان بررسی خسارت‌های ناشی از عملکردهای گذشته دولت آمریکا و مطالبات حقّه ایران، بازگرداندن اموال شاه و بستگانش را در دستور کار فوری خود قرار بدهید و برای آن سریع‌ترین و بالاترین اولویت‌ها را قائل شوید. در این صورت است که راه‌حل بحران باز خواهد شد. والسلام علی من اتبع الهدی».

ترجمه انگلیسی نامه به مجلس نمایندگان آمریکا

The English Text of Parliament's Letter to the Congress of the United States of America

In the name of God
Speaker of the House of Representatives
Congress of the United States of America
Dear Mr. Speaker:

A letter dated July 2, 1980, signed by 185 members of the House of Representatives was received by the Islamic Consultative Majles (Parliament). We find it necessary to reply to the signers of the letter through you in the hope of clarifying the sad conditions that plague a large part of mankind.

Dear congressmen:

In your letter, you have spoken of the goals and aspirations of our two nations and hoped that we could reach a common ground of understanding.

We welcome your readiness to reach an understanding of the goals and aspirations of the Islamic revolution of Iran and wish to use the opportunity to present a portrayal of the United States, action in Iran, as well as a brief description of the realities of our revolution which have often been presented to you in a distorted manner.

We believe that the people of the United States neither fully understand the criminal activities of their government in Iran of any other part of the world nor have they had any other opportunity to comprehend the goals and aspirations of the Islamic revolution of Iran. Thus, we welcome this opportunity to convey the reality of our situation to you in the hope that it would be beneficial to the American people.

1- Let us begin with a look at the goals and aspirations of the government of the United States on the basis of its actions in Iran. We do not know the extent to which the American people are aware of the activities of their government and its officials in Iran, but we do know the vast differences between the goals and aspirations of the American people and the actualities of the United States involvement in Iranian affairs. Never the less, the judgment of our people in regard to the American goals and aspirations is logically based on the actual treatment of our society by the United States government.

During World War II and after, the United States government entered the Iranian arena to replace the previous colonialist powers as a new force to pursue its own imperialist designs which were inconsistent with the principles of right and justice and human rights that the United States had been advocating in the world for decades.

After the Second World War, our nation plagued by the interference of the occupying forces in our internal affairs like other oppressed nations of the world began its struggle for its freedom and independence, particularly against British colonialism. In pursuit of these objectives and aspiration, we confronted the foreign dominated governments, particularly the shah and his court which was the center of anti-Iranian and anti-Islamic plots and instruments of foreign powers.

In this battle between justice and injustice, not only did the United States government act against the interests of the Iranian people, but it became a conspiratorial axis in aiding the most corrupt and satanic political elements in our country. But your government by supporting Pahlavi court and controlling the army blatantly interfered in our internal affairs, just as Great Britain had done previously.

The culmination of American interference in the internal affairs of Iran occurred in August, 1953. By engineering the treacherous military coup of 1953, the United States government overthrew the legitimate and popular government of Dr. Mossadegh and facilitated the return of the criminal shah of Iran who had fled the country in fear of the public outrage directed against his oppressive monarchy. The blatant imposition of a hated regime on the Iranian people was not only against international law, but also a clear violation of the laws of the United States. As you know the constitution of the United States does not permit the American government or the CIA to interfere in the domestic affairs of other countries.

We see no need to present the proof of American involvement in the 1953 coup against the government of Dr. Mossadegh to you. You have all the necessary documents in your possession. Your congressional hearing, your presidential and state department records and the memoirs of the CIA directors prove the truth of our contention beyond all doubt. For example, you could refer to the memories of President Eisenhower and his CIA director Allen Dulles, as well as those of his secretary of states, John Foster Dulles. Kermit Roosevelt, the chief engineer of the coup, has summarized the operation in its total inhumanity in his book, the counter-coup. The publisher has

withdrawn this book from the bookstores, but we have an extra copy to send to you in case the publisher is not willing to provide one. Other individuals, who have made a contribution to public knowledge about the details of the United States government interferences in internal affairs of Iran, include Richard Helms, William Sullivan and General Schwarzkopf. We are sure you could expand the general awareness in this regards by opening up the congressional archives to the public. Let the American people know that it is the government of the united state that has repeatedly violated international law, not only in Iran, but in other countries such as Chile, the Dominican Republic, Guatemala, Brazil, Palestine, Egypt, etc... if you make such documents public, the American people will learn why we want the United States be exposed and its perpetrators punished.

By revealing the evidence of American interference in the domestic affairs of Iran and the devastating consequences of such, the American people might try to prevent the repetition of similar crimes against other oppressed people of the world. If the American people learn of the truth of their government's illegal activities in other parts of the world, they cannot be persuaded to feel so self-righteous in accusing other in violation human rights and international law. The people can be trusted to male fair judgments if they have access to all conclusive evidence.

The evidence to prove the American involvement in the 1953 coup is over whelming. However, our judgment of this involvement is not limited to the imposition of the Shah's regime on our nation. On the basis of the American involvement in the 1953 coup, we regard the government of the United States as an accomplice in the quarter century of crimes of the Shah against our people. These crimes and atrocities include: the killing of tens of thousands of Iranians, the imprisonment and torture of hundreds of thousands by the CIA trained Savak, recognizing capitulatory agreements, the distortion of the Iranian economy by creating dependency on foreign capitalism, the plundering of Iranian resources particularly oil, the destruction of Iranian agriculture, the attempt to subvert our youth by spreading drug addiction, the transformation of the Iranian armed forces into a dependent institution designed to perform the role of policing the region for the protection of imperialist interests and the suppression of freedom fighters in places such as Dhofar, Jordan, and Lebanon.

Thus, the responsibility and complicity of the United States in the crimes and atrocities of the Shah are not limited to President

Eisenhower's administration. During the entire period of the deposed shah's dictatorship, every American president supported his regime and interfered in Iran's internal affairs. Once again, we refer you to the documents and official records at your own disposal. As the evidence clearly shows, until the very last days of the Shah's regime the Carter administration was attempting to subvert the course of the Iranian revolution. The evidence found in the American embassy and in the center for American military advisors in Iran during the final days of the revolution before victory was part of a continual attempt on the behalf of the united States government to conspire against the will and aspirations of the Iranian people. After the victory of the Islamic revolution under the leadership of Imam Khomeini, the United States government was forced to accept defeat and thus claimed it will recognize the Iranian revolution and will respect the new government. Yet, a review of American action since the time of the revolution shows that the United States not only does not regret its previous policies but insists on continuing to aid the enemies of the Iranian people. After the revolutionary victory, the government of the United States reneged all of its legal commitment to Iran and on the basis of unjustified excuses, took steps to freeze Iranian economic assets in the United States' banks. It even refused to deliver certain commodities and products for which the full price was paid by Iran prior to the revolutionary take over. Furthermore, the American officials refused to provide official statements regarding Iranian accounts with the United States government, from which billions of dollars of Iranian funds were scandalously abused. We wonder why the congress of the United States does not investigate the questionable and scandalous financial transactions between the regime of the deposed Shah and military arms manufacturers in which American government officials were directly and extensively involved.

Since the revolutionary victory, clear evidence exists that the United States government, directly or indirectly, has been aiding the counter revolutionary elements in Iran. It is clear to us that the American government has participated in conspiratorial attempts against the Islamic Republic of Iran, the American government has refused to extradite general Razmi, who is accused of instigating the Rex cinema fire in Abadan in which more than six hundred people were burned to death.

In meeting between former secretary of State Cyrus Vance and former minister of foreign affairs Dr. Ibrahim Yazdi during the 34th

session of the general assembly of the United Nation in October 1979, secretary Vance promised to cooperate in the extradition of individuals accused of committing crimes comparable to those of Genera Razmi. Not only was this promise not fulfilled, but two weeks later, the deposed Shah himself was given asylum in the United States.

American officials had repeatedly promised not to allow the Shah enter the United States. However, these promises were ignored even though various officials of the Islamic Republic of Iran had forewarned American authorities of the intense and grave consequences to the Shah's admission to the United States. It was directly and clearly indicated to American officials that the shah's admission to the United States would be interpreted as an aggressive and provocative act against the Islamic Republic of Iran that would never go unanswered. Yet, the American officials chose to confront the Iranian people with their decision to give asylum to the Shah and thus proved that they had to regrets about their previous policies at all.

Neither for us nor for the American people should the deposed Shah's admission to the United States be interpreted as a case of offering medical care to patient in need. But rather it should be perceived as an act perpetrated by those who oppose the establishment of good relation between our two peoples. Following the Shah's admission to the United States, the American officials ignored our repeated requests for the extradition of the Shah which was implicitly agreed upon at the official level. In a note from the minister of foreign affairs of Iran to the States Department, the Iranian foreign minister held the United States responsible for the consequences of ignoring the requested for extradition.

The refusal of the United States to extradite the individuals accused of crimes, including the Shah, must be regarded as an abstraction of justice which is a violation of law under the constitution of the United States. Giving the Shah asylum was in fact a symbolic declaration of war against the Iranian People. Therefore, the logical and natural response of our people to this move was the occupation of the United States Embassy.

You take the position that the occupation of the embassy and the taking of hostages is a violation of international law. But for a moment, you should consider who has been the continual violator of international law. Why is it that the United States and other superpowers disregard international law wherever and whenever they chose without giving anyone the right to object? But if a people

choose to confront the aggressions of the superpowers, they are immediately accused of ignoring international law? Is the observance of international law a responsibility of only the oppressed nation? And are the superpowers exempt from such observance?

On what basis and according to which principle of international relation does the United States government violate our borders and land its airplanes, helicopters, and men on our soil (Tabas)? Are not these actions violation of international law? Is the harsh behavior of police towards the Muslim students of Iran in various (page 7) cities throughout the United States and the chaining and imprisonment of peaceful demonstrators an example of respect for human rights? Is the imposition of economic sanctions against Iran, including the refusal to sell food and medicine to our country, consistent with your definition of human rights?

These are some examples of American actions in Iran in the past thirty years. The Iranian people know the United States through these actions and judge the American goals and aspirations accordingly. It is on this basis that we condemn the American actions in Iran and maintain that any observer by examining the evidence objectively would come to the same conclusions. As long as such behavior is pursued by the American government, it is difficult to perceive how the United States could attempt to establish friendly relation with Iran.

II- Now let us turn our attention towards the goals and aspirations of the Islamic republic of Iran. Our people are hard-working, oppressed, plundered and for many years suffered under the dictatorial regime of the deposed Shah. Our country was plagued by imperialist domination for many years and our revolution. Our revolution was a populist revolution, perhaps the most populist revolution in history. Our revolution is Islamic, that is to say, it is influenced and inspired by Islamic thought and the universalistic world view of the Islamic philosophy of Tohid. The goal of our Islamic revolution was for the liberation of mankind. We rose up to call mankind back to integrity and charity, so that we could create a free and flourishing in our lives, so eliminate poverty and to strive to create exemplary society.

According to which criteria and on what basis should we be denied to pursue such goals? Why should the United States be so concerned about the social order we want to create? Why the United States is perturbed that in our creed politics are not separate from religion? If the American people have chosen a specific way of life for themselves, should they try imposing it on the rest of mankind?

Unfortunately, the American people were not give the opportunity to understand the Islamic revolution in Iran. The true mind of the American public. This master itself could be perceived as an international design against the Islamic Republic of Iran made possible for the following reasons:

1-The revolution of Iran is Islamic and Islam has been brutally distorted and misrepresented in the Western world. This can be documented by a cursory review of the mainstream social/political literature in the west on Islam. Today the people of the western world, including the Americans, judge the character of the Islamic revolution in Iran according to their distorted preconceived notions.

2-The western world has a particular historical experience which separate religion from politics. This model does not fit Islam. Under Islam, politics is the same as religion and religion is the same as politics. There is no room for secularism in Islam. Yet, the westerners have not sufficiently comprehended this dimension of Islamic thought and have, consequently, failed to judge the Islamic revolution of Iran in the proper manner. It is on the basis of the western experience that Karl Marx described religion as the opiate of the people. Such observation is totally alien to the letter as spirit of Islam. Both the western Marxists and non Marxists have failed to comprehend the Islamic revolution of Iran in its multi faceted dimensions.

3-Many of the circles in the western world have come to an understanding of both Islam and the Islamic revolution of Iran and it is precisely for this reason that their animosity towards the Islamic revolution of Iran is more intense than their animosity towards communism. The comprehension of the threat posed against their interests by our revolution. The ruling circles in America and the interest groups have suffered tremendous setbacks as result of the Islamic revolution in Iran. The flow of extensive profits they used to receive from their dealing with the shah has been severed and shall never be started again. These elements resist and conspire against the Iranian revolution. In the other hand, the Islamic revolution in Iran has inspired the oppressed people in the third world to resist foreign intervention and domination from the east and west. In the Arab Middle East, millions of people have been inspired to pursue their freedom and independence according to Islamic thought. This situation is not tolerable for those whose interests are threatened. Such elements aided by Zionists and militarists are engaged in the

systematic attempt to distort the true face of the Iranian revolution in the world, including the west.

The American mass media is heavily influenced by these power centers and interest groups. It is the mass media which presents the American people from knowing the realities of the Iranian situation. When the Shah was in power, the same mass media was constantly attempting to portray the Shah's criminal regime as a populist and progressive one. Today the same mass media is attempting to distort the character of our revolution. They commit grave injustice against our beloved Imam at the expense of disregarding all his compassion and spirituality. The pages of the American newspapers provide a good example of such efforts. It is the combination of the above factors that keep the American people in the dark about the true intentions and activities of their government. How can we reach a common ground of understanding between our two nations, when the ruling circles and the mass media in the United States are engaged in a systematic attempt to distort and misrepresent the Islamic revolution of Iran.

4- You have expressed deep concern over the deterioration of our relations arising from the hostage crisis. It is sad to say that you as representatives of American government have never had genuine relations with our nation but that your relations have been with the regime of the deposed Shah. These old relations have come to an end forever. Your government is justified in being disturbed about these developments. The tears shed by some American circles over the termination. The tears shed by some American circles over the termination of these old relations are in fact shed over the loss of their unjustified interests. Such relations have never been bearable by the Iranian people and Imam Khomeini summarized the feelings of our nation when he said: "oh God, let these relations be ended".

The severance of relations between the United States and the Islamic republic of Iran is not the direct result of the hostage crisis in itself, but rather the consequence of your actions against our nation for thirty years. The break of relations is not at all disturbing to us. And in our view, what should be of deep concern to you is the continued pursuance of such aggressive and unjust policies towards our nation. The deterioration of the relations between the United States and Iran should not be regarded as the breaking of relations between the Iranian and American peoples, we desire to have good relations with all nations of the world, including the American nation.

5-You have written in your letter that the resent situation has caused a crisis of world proportions. This crisis has been in existence for years and is not the result of our actions at all. Rather it is the product of an unjust system of international relations produced and perpetrated by the superpower by the superpowers for their own imperialistic purposes. The present world crisis is the product of the confrontation and competition between the aggressive superpowers of the east and the west. This confrontation is not over questions of justice and injustice, but over a conflict of interests and spheres of influence. The present crisis between our two nations is fundamentally caused by the stubborn refusal of the United States to recognize the right of the Iranian people to determine their own destiny. It seems to us that the government of the United States has assumed the right to continue its domination over Iran. It must be due to such doomed assumptions that the United States continues to interfere in our internal affairs. By adopting a rational attitude toward Iran and recognizing the revolutionary realities of our society, the United States can set aside its domineering attitude and begin to resolve the crisis.

6-In your letter, you mention the problems of hegemonism and expansionism. We would like to inform you that we are categorically opposed to any form of hegemonism and expansionism, the difference between us is that we oppose hegemonism and expansionism whether it is pursued by the United States in Iran or by the Soviet Union in Afghanistan or by the Zionists in occupied Palestine, etc.

The government of the United is only opposed to the kind of hegemonism and expansionism which is pursued by its competitors and even than when no secret agreement has been previously reached with the aggressor. You condemn the soviet invasion of Afghanistan but we have never heard nor read your condemnation of forty years of aggression against Palestine. The repeated air raids of the Zionist government of Israel against the defenseless people of southern Lebanon and the indiscriminate killing of thousands of men, women, and children have never been condemned by your government. You have never condemned the displacement of millions of Palestinians from their ancestral homes.

7-We are aware of how the hostage crisis has affected your politics and society at the present time. We understand the problem confronting the government of the United States and particularly your president in this election year. Also, we comprehend the world crisis brought about by the defeat of the Shah's regime, which in our view,

has had more far reaching effects that the defeat of the United States in Vietnam. Furthermore, we are informed of the difficulties created for the United States in other Islamic countries by the breakdown in United States Iranian relations. But in our view, the solution to all these problem lies in the hands of the American government. How can we be optimistic about the reduction of tension between us when your government continues both its covert and overt activities against us, our information shows that the United States government is once again preparing for military intervention in our country. We hereby warn that any military intervention in Iran by the United States will lead to a massive explosion of political and military forces in the Islamic world and we regard the military adventurism of the United States to be responsible for the consequences.

By acknowledging responsibility for aiding the actions of the deposed Shah, which involved immense material and human loss to the Iranian nation, the United States government can take the first step to reduce tension in our relations.

You can take a positive step in this direction. In spite of your numerous difficulties and responsibilities, we sincerely urge you to under taken an investigation of the damages inflicted upon the Iranian nation resulting from the previous actions of the United States government. We stress that you recognize the legitimate material claims of Iran and give their settlements your highest priority. In this manner, the door to end the crisis will open.

Tehran, august 13th, 1980

آیا این نامه توسط رئیس مجلس ارسال شد یا نه، روشن نیست. ظاهراً آقای هاشمی رفسنجانی آن را نفرستاده‌اند.

ارسال این نامه در آن شرایط از جهات عدیده می‌توانست مهم باشد؛ چرا که با توجه به نامه‌های قبلی اعضای کنگره و آمادگی برای اعزام یک هیئت به ایران، ارسال نامه می‌توانست مسئله گروگان‌ها را در شرایطی به مراتب مناسب‌تر و مفیدتر به حال ایران حل کند و مهم‌تر آنکه حل قضیه با کنگره آمریکا که قوه مقننه آمریکاست، به مراتب می‌توانست بهتر از حل آن با قوه مجریه آمریکا یعنی دولت باشد و قضیه را از محدود برنامه‌های تبلیغاتی کارتر خارج می‌ساخت، اما به هر حال این کار صورت نگرفت.

دومین نامه نمایندگان کنگره آمریکا به مجلس ایران

پیش از نهایی شدن و تصویب پاسخ نامه اول و ارسال آن، در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۸ (۶ اوت ۱۹۸۰) نامه دومی از سوی نمایندگان کنگره آمریکا خطاب به مجلس شورای اسلامی به شرح زیر دریافت شد.

His Excellency
Hojatoleslam Hashemi Rafsanjani
President of the Iranian Parliament
Islamic Consultative Assembly
Tehran

Dear Mr. President

We appreciated your having read to members of the Iranian Parliament the letter from U.S. and 185 of our fellow representatives of the American people in the congress of the United States. We have also read reports of your statement that this letter could be an appropriate point of departure for consideration by the Majlis of the release of the American hostages. The charge of the Embassy of Switzerland in Tehran has, as you requested, transmitted your views to us.

We view your remarks as an opportunity for further discussion. At present, our congress is in recess for a brief period. When we reconvene a few days from now, we will be able to consult with our colleagues on replying to the concerns you expressed and will suggest a procedure whereby together we might try to clarify the points at issue between our two countries.

Meanwhile, every effort is being made here in Washington to preserve an atmosphere conducive to resolving the problems between our peoples, including the release of the Iranian students in accordance with American law. In like manner, we urge that overly effort be made to bring the issue of the safe release of the American hostages before the Iranian Parliament at an early date.

We look forward to communicating with you again in a few days, and in the meantime we would welcome any thoughts you may have on how we might stimulate this exchange of views.

Sincerely,
Lee Hamilton
Benjamin Gilman
August 9, 1980

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۷۷

لحن این نامه، آشتی‌جویانه بود و می‌توانست با درایت دیپلماتیک به حل بحران به نفع ایران کمک کند، اما به این نامه نیز پاسخی داده نشد.

نامهٔ دسته‌جمعی دیپلمات‌های اروپایی مقیم تهران

در ۲۲ مردادماه ۱۳۵۹ نمایندگان نه کشور اروپایی مقیم تهران طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، نگرانی عمیق دولت‌های متبوع خود را از ادامهٔ گروگان‌گیری اظهار داشتند و خواستار آزادی آنها شدند. نامهٔ این نمایندگان، به شرح زیر بود:

«تهران ۲۲ مرداد ۱۳۵۹»

جناب حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی - تهران
عالی‌جناب

امضاکنندگان زیر، نمایندگان کشورهای نام‌برده در زیر می‌باشیم: استرالیا، اتریش، فنلاند، یونان، نیوزلند، نروژ، اسپانیا، سوئد و سوییس.

در اجرای دستورات دولت‌های متبوع خود جساراً حضور عالی اعلام می‌داریم که به‌عنوان نمایندگان کشورهایی که احترام به قوانین بین‌المللی و حل مسالمت‌آمیز مناقشات از نظر آنان حایز کمال اهمیت می‌باشد، به آن جناب خطاب می‌نماییم.

دولت‌های متبوع ما نگرانی عمیق خود را از ادامهٔ بازداشت گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران اظهار می‌دارند. آنها به حاکمیت و استقلال ایران و حق ملت ایران در تعیین آیندهٔ خود عمیقاً احترام می‌گذارند، ولی از همان لحظات اولیهٔ بحران بر این عقیده بوده‌اند که بازداشت گروگان‌ها نمایانگر نقض شدید قوانین بین‌المللی و موجب به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی می‌گردد.

امضاکنندگان زیر رزسای هیئت‌های سیاسی از مجلس شورای اسلامی مصرأ درخواست دارند که با درنظر گرفتن دلایل انسانی و حقوقی، نسبت به خاتمه دادن به ادامهٔ بازداشت گروگان‌ها بدون تأخیر بیشتر اقدام عاجل مبذول دارند. ما همچنین مصرأ درخواست داریم که گروگان‌ها بدون محاکمه آزاد گردند؛ زیرا محاکمهٔ گروگان‌ها خود به‌طور آشکار دلیل جدیدی بر نقض قوانین بین‌المللی خواهد بود. از فرصت استفاده نموده مراتب احترامات فائقه را نسبت به آن جناب تجدید می‌نماییم.

۲۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

جاویر اویارزوم، سفیر اسپانیا؛ ک. ج. بورهام، کاردار سفارت استرالیا؛ هانس سابادیچ، کاردار سفارت اتریش؛ اریکی موتینن، کاردار سفارت فنلاند؛ پایانوتیس ماکریس، کاردار سفارت یونان؛ گرام اماندسن، کاردار سفارت نیوزلند؛ توماس هاف، کاردار سفارت نروژ؛ اک جانسون، کاردار سفارت سوئد؛ مارکوس کایزر، کاردار سفارت سوئیس».

متن اصلی نامه سفرای خارجی در تهران به رئیس مجلس شورای اسلامی درباره
گروگان‌ها

His Excellency Hojat-ol-Eslam Rafsanjani
President of the Islamic Majlis
Tehran

Your Excellency,

We, the undersigned, present as Heads of Mission the following countries:

Australia,
ustria,Finland,Greece,NewZealand,Norway,Spain,Sweden,Switzerlan
d

Acting on instructions from our governments, we venture to address your excellency as representatives of a number of countries for whom the respect for international law and the peaceful solution of conflicts are of paramount importance.

Our government are deeply concerned by the continued detention of the hostages of the American Embassy in Tehran. They fully respect the sovereignty and independence of Iran and the right of the Iranian people to determine their own future, but from the first moment of the crisis have always held that the detention constitutes a grave violation of international law and endangers international peace and security.

The undersigned heads of mission urge the Islamic Majlis tacking into account both humanitarian and ??????reasons, should without further delay put an end to the detection of the American hostages. We furthermore urge that the hostages be frees without trials, as trial of the hostages would clear, constitute a new violation of international law.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۷۹

We take this opportunity to renew to you sir, the assurances of our highest consideration.

Javier Oyarzun, Ambassador of Spain
K. J. Boreham, Charge d'Affaires of Australia
....Charge d'Affaires of Austria
.....Charged' Affaires of Finland
PaneyotisMacris, Charge d' Affaires of Greece
CreameAmmundsen, Charge d' Affaires of New Zealand
Thomas Hauff, Charge d' Affaires of Norway
AkeJohnson, Charge d' Affaires of Sweden
Marcus Kaiser, Charge d' Affaires of Switzerland

نامه خانوادہ‌های گروگان‌ها

در مهرماه ۱۳۵۹ خانوادہ‌های ۵۲ گروگان آمریکایی طی نامہ‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، با اعتراف به اینکه با گروگان‌ها با کمال خوشی رفتار می‌شود، و نیز با اعتراف به بدرفتاری‌های گذشتہ دولت آمریکا نسبت به ملت ایران، خواستار آزادی گروگان‌ها شدند. متن این نامہ به شرح زیر است: (این نامہ توسط کاردارسفارت سوییس به مجلس ارسال شد).

«جناب آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای ایران

تهران - ایران

جناب آقای رئیس

ما فامیل‌های گروگان‌ها به شما به‌عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده مردم ایران این نامہ را می‌نویسیم. به ما گفته شده که شما از طرف رهبر عالی‌قدر ایران امام خمینی دستور دارید که راه‌حلی برای مشکل عزیزان ما آن پنجاه و دو گروگان آمریکایی پیدا کنید.

ما خصوصی و غیررسمی این نامہ را به شما می‌نویسیم؛ به‌عنوان پدر و مادر و بچه‌ها و بردارها و خواهران عزیزانمان که ماه‌های طولانی از آنها دور بوده‌ایم. درحالی‌که ما دعا می‌کنیم که با وجود اینکه اعتماد داریم که با روحیہ اسلامی با آنها کمال خوشی رفتار می‌شود، دوری آنها برای ما خیلی دشوار است. ما می‌دانیم که شما

۲۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایرانی‌ها با وابستگی‌های خانوادگی خیلی نزدیک و گرمی که دارید، نگرانی ما را درک می‌کنید. ما امیدواریم که این نامه بتواند احساسات فامیلی ما را به شما برساند. ما می‌دانیم که مردم ایران در گذشته بسیار سختی‌ها و بسیار بدرفتاری‌ها را تحمل کرده‌اند و ما هم در امید و اعتماد شما به اینکه حالا ملت شما و فامیل‌ها زندگی بهتری پیدا خواهند کرد، سهمیم هستیم.

ما به شما می‌نویسیم، برای اینکه متوجه هستیم که شما یکی از سرانی هستید که قادر به این هستید که زورگویی‌های گذشته را به ملت خود جبران خواهید کرد.

ما به شما می‌نویسیم، برای اینکه تصور می‌کنیم شاید به‌عنوان فامیل این گروگان‌ها بتوانیم راه‌حلی برای این جدایی بین ملت ایران و آمریکا پیدا کنیم. شاید ما پلی باشیم که از روی آن گروگان‌ها به منزل برگردند. فامیل‌های ما حاضرند و خود را آماده کرده‌اند که هرچه شما و همکارهای شما دستور می‌دهند، انجام دهیم. ما احساس می‌کنیم که مشکل ما بهتر در یک محیط انسانی و رودررو حل خواهد شد. خواهش می‌کنیم بدانید که قلباً و با فکر آماده و حاضر در هر مذاکره رودررو با شما می‌گویید شرکت می‌کنیم. ما خیلی متشکریم که کاغذ ما را پذیرفته و بی‌صبرانه منتظر جواب هستیم.

امضای ۵۲ خانواده گروگان‌ها».

نامه ژرژ هانسن، نماینده کنگره آمریکا به مجلس ایران

یکی از نامه‌هایی که برای مجلس فرستاده شده بود، از جانب ژرژ هانسن نماینده کنگره آمریکا بود. نام‌برده پیشنهاداتی جهت حل مسئله گروگان‌ها به مقامات آمریکایی داده بود که آنها را عیناً جهت اطلاع مقامات ایرانی ارسال می‌دارد. نظر به اهمیت پیشنهادات وی و مقایسه با آنچه که بالاخره انجام شد، عین نامه او را برای آقای هاشمی و پیشنهاداتش را در زیر می‌آورم.

«به تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰ - ۱۸ مهرماه ۱۳۵۹

به: جناب حجت الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۸۱

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که نامه پیوست امروز به وزیر امور خارجه آمریکا ارسال گردید.

با تقدیم احترامات - امضای ژرژ هانس، نماینده کنگره آمریکا

از: ژرژ هانس، نماینده کنگره آمریکا

به: آقای ادماند ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا

پیرو مذاکرات ۱۳ اکتبر و نامه مورخ ۷ اکتبر ۱۹۸۰ به شما، تماس‌های من با مقامات دولت ایران و منابع نزدیک به ایران و عراق و دیگر مناطق خاورمیانه، به من اطلاع داده‌اند بعضی مطالب موجود است که بایستی فوری اقدام گردد. اگر قرار باشد ما منافع خود را در خاورمیانه حفظ کنیم و امیدوار باشیم تا آزادی احترام‌آمیزی برای گروگان‌ها ایجاد نماییم:

۱- اعتقاد دارم که فوراً باید شدیداً اصرار نمایم که اردن، شوری و کره شمالی از مداخله و هرگونه شرکت در جنگ بین ایران و عراق خودداری کنند و این اختلاف بین دو کشور نام‌برده محدود گردد.

۲- کوشش‌های فوری انجام گردد تا اختلاف ایران و عراق به سازمان ملل متحد یا سازمان دیگری آورده شود تا ترتیب خاتمه جنگ داده شود و طرفین به مرزهای قبل از جنگ برگردند و به ادعاهای دو کشور برای یک حل نهایی رسیدگی شود.

۳- رئیس جمهور آمریکا باید فوراً و بدون هیچ شرایطی دستور آزادی دارایی‌های ایران که مسدود گردیده است را بدهد تا به ایران اجازه دهد در این زمان که با مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است از این منابع استفاده نماید و کشورشان را بر علیه تفکیک داخلی و یا خارجی که منطقه خاورمیانه را تهدید خواهد نمود، جلوگیری نمایند.

۴- با توسل به سریع‌ترین وسیله قانونی و قانون‌گذاری ممکن، به تمام ادعاهای خصوصی و دولتی آمریکایی در دادگاه‌ها بر علیه دارایی‌های ایران خاتمه داده شود تا ایران بتواند از تمام دارایی‌های خود که طبق دستور رئیس جمهور مسدود گردیده است، استفاده نماید. این عمل می‌تواند با حفظ منافع شاکیان توسط قانونی (قانون

۲۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بررسی ادعاهای ایران) که مشابه قانون بین‌المللی حل ادعاهای ۱۹۴۹ مربوط به خسارات وارده از جنگ جهانی دوم است انجام گیرد.

۵- دولت آمریکا بایستی از کنگره آمریکا تقاضا نماید تا با همکاری با دیگر سازمان‌های رسمی، یک کمیته مشترک ایجاد کند شاید تا درباره روابط ایران و آمریکا بررسی نماید؛ من جمله رسوایی قراردادهای مالی و رشوه و وام‌های بانکی نادرست و ادعاها بر علیه دارایی شاه سابق توسط جمهوری اسلامی ایران.

۶- با اقدام به چنین عملیاتی، ایالات متحده آمریکا بایستی به وسیله یک اعلامیه رسمی و روشن ابراز دارد که این کشور در امور داخله کشور دیگری مداخله نخواهد کرد و کوشش خواهد نمود تا حقوق کشورهای دیگر را حفظ نماید تا بدون فشار خارجی به امور خود پردازند.

آقای وزیر ما بایستی اقدام کنیم تا از یک وضعی که در آن کمونیسم برنده و مابقی جهان بازنده شود، جلوگیری کنیم. اتحاد شوروی چه مستقیماً و چه از طریق عواملش عمیقاً در طرف عراق مداخله می‌کند و در این زمان ما منتظر و تماشاچی می‌باشیم. گفته می‌شود که کره شمالی کمونیست، اکنون در طرفداری از ایران مداخله می‌کند و زمانی که من در ماه نوامبر گذشته در تهران بودم به من هشدار داده شد که کمونیسم از نوع چینی در دانشگاه آنجا نفوذ قوی دارد و این نفوذ نیز بین دانشجویان جنگجو که گروگان‌های آمریکا را در دست داشتند، محسوس است.

ما نباید اجازه دهیم که این جنگ ایران و عراق تبدیل به وضعی شود که چه شیر بیاید و چه خط، کمونیست‌ها برنده شوند.

اقدامی که من پیشنهاد نمودم برای حفظ تمامیت ایران و عراق است و نیز برای حفظ اصول استراتژی اقتصادی و حقوق بشری ایالات متحده و ملت‌ها و کشورهای جهان می‌باشد. این ابتکارات نیز شامل وسایل لازم برای باز کردن درها برای آزادی گروگان‌ها می‌باشد و تمام آنها را می‌توان با احترام و عدالت برای همه انجام داد.

شدیداً به شما توصیه می‌نمایم تا در این باره فوراً اقدام نمایید و این جانب نیز حاضر و آماده‌ام تا در این باره مذاکرات دقیق‌تری انجام دهیم.

با تقدیم احترامات - امضای ژرژ هانس، نماینده کنگره آمریکا».

به هر حال این نامه و پیشنهادات وی نیز بی پاسخ ماند.

نامه‌ای از مردم آمریکا

در یکی از بررسی‌هایی که انجام گرفت، نشان دادیم توطئه سفر شاه به آمریکا و پیامدهای آن، می‌توانست مورد بهره‌برداری حساب‌شده‌ای قرار گیرد و تضادهای درونی جامعه آمریکا را به نفع مستضعفان جهان تشدید نماید. در همان جا گفته شد که در طی جنگ ویتنام، عده زیادی از مردم آمریکا، رهبران سیاسی، دانشمندان، حقوقدانان و رهبران مذهبی به مخالفت شدید با شرکت آمریکا در جنگ ویتنام پرداختند.

پس از پایان جنگ ویتنام، این حرکت اجتماعی در آمریکا آمادگی داشت تا علیه عملکردهای تجاوزگرانه سیاست خارجی آمریکا در سایر نقاط جهان، موضع‌گیری نموده و هیئت حاکمه آمریکا را وادار به عقب‌نشینی و یا حداقل تعدیل سیاست خود بنماید. این جریان سیاسی مترقی در آمریکا، به دلایلی از جمله نفوذ یهودیان در آمریکا، نتوانست مسئله فلسطین را در دستور کار خود قرار بدهد.

آفریقای جنوبی، یکی از مسائلی بود که مورد بحث قرار گرفت، اما نتوانست افکار عمومی مردم آمریکا را جلب نماید. مسئله ایران و جنایات شاه و فعالیت‌های گسترده ایرانیان مقیم آمریکا و تنوع افکار و اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی دانشجویان که می‌توانست گروه‌های سیاسی آمریکایی با گرایش‌های متنوع را جلب نماید، باعث شد که حرکت مترقی آمریکا به تدریج موضع‌گیری فعالی در قبال اعمال جنایتکارانه شاه و حمایت بی‌دریغ هیئت حاکمه آمریکا داشته باشد. این موضع‌گیری‌ها با سفر شاه به آمریکا و مسئله گروگان‌گیری می‌توانست به نفع ملت ایران تشدید شود، که متأسفانه نشد.

برای نشان دادن این مسئله، به بررسی یک سند می‌پردازم. این سند که به امضای تعداد قابل توجهی از شخصیت‌ها و سازمان‌های مترقی آمریکا رسیده، در اکتبر ۱۹۸۰ توسط «کمیته فوق‌العاده صلح در خلیج فارس و آزادی گروگان‌های آمریکایی» منتشر شد است. متن سند به این شرح است:

«کمیته اضطراری برای صلح در خلیج فارس و آزادسازی گروگان‌های آمریکایی

به: ریاست جمهوری، کارتر

جنگ بین ایران و عراق تمام بشریت را تهدید می‌کند و هم‌اکنون نزدیک به یک سال است که گروگان‌های آمریکایی در اسارت به سر می‌برند.

ما (کمیته اضطراری برای صلح) معتقدیم که راهی اخلاقی، روشن و سریع وجود دارد که می‌تواند به صلح در خلیج فارس کمک نماید و سلامتی و بازگشت عاجل گروگان‌ها را ممکن سازد. ما معتقدیم که موفقیت این طرح به سرعت عمل شما به‌عنوان رئیس جمهور ایالت متحده آمریکا بستگی دارد.

در بازدید اخیر خود از سازمان ملل متحد، نخست‌وزیر رجایی، اظهار داشت که پارلمان ایران به‌زودی سرنوشت گروگان‌ها را دستور کار خود قرار خواهد داد. او همچنین به‌عملی از طرف ایالات متحده آمریکا اشاره کرد که اجرای آنها مردم ایران را به بی‌طرفی آمریکا مطمئن خواهد ساخت.

شما (رئیس جمهور کارتر) با قاطعیت عراق را به‌عنوان متجاوز شناخته‌اید. وزیر خارجه ماسکی، انقلاب ایران و مشروعیت جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناخته و قول داده است که آمریکا در ایران هرگز دخالت نخواهد کرد. هم‌اکنون شما باید در اجرای موارد زیر کوشا باشید که آنها اعمالی هستند درست و به‌حق:

۱- به‌طور مستقیم عراق را مطلع کنید که ایالات متحده او را متجاوز می‌شناسد و باید به دشمنی خود پایان دهد و نیروهای خود را از خاک ایران عقب بکشد. از سازمان ملل به‌طور رسمی تقاضا شود که در این مورد مصوبه مناسبی را به تصویب برساند. کوشش نمایید که طرفین درگیر راه حلی بر مبنای مذاکره و قوانین بین‌الملل جستجو کنند.

به تمام ملل جهان اطمینان دهید که ایالات متحده در مسائل داخلی دخالت نخواهد کرد. به خلیج فارس اطمینان دهید که ایالات متحده بی‌طرف است و هیچ کدام از طرفین درگیر در جنگ به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کمک نخواهد کرد.

الف - آواکس‌ها را از عربستان سعودی باز بخوانید. آنها در آنجا مورد احتیاج نبوده و نیست. وجود آنها تحریک‌کننده است. به‌علت حضور آواکس‌ها ایالات متحده از حالت بی‌طرفی خارج شده است.

ب- کشتی‌های نیروی دریایی را که در آب‌های خلیج فارس و اقیانوس هند مستقرند فرا بخوانید و از تمام [ناخوانا]^۱ بخواهید که آنها نیز چنین کنند. حضور کشتی‌های نیروی دریایی بیگانه در آن منطقه حساس و قابل انفجار، ریسک بروز حوادث اتفاقی و یا طرح‌ریزی شده‌ای را در بر دارد که می‌تواند باعث توسعه جنگ بشود. حضور چنین نیرویی، ایران را به یک دخالت بین‌المللی تهدید می‌کند. وجود این نیرو، همچنین موجب هیچ حرکت صلح‌آمیز و قانونی نمی‌باشد.

ج- با استفاده از اختیارات قانونی خود، از حمل مستقیم و غیرمستقیم اسلحه به اردن و یا هر دولت دیگر که بر طرفین درگیر اسلحه می‌دهد، جلوگیری نمایید. به اردن اطلاع دهید که پشتیبانی نظامی‌اش از عراق به طولانی شدن و گسترش جنگ کمک می‌کند و بخواهید که اردن بی‌طرفی خود را اعلام نماید. مدارک جمع‌آوری شده به وسیله وزارت خارجه که در ارتباط روابط ایالات متحده و ایران از زمان جنگ دوم می‌باشد، منتشر سازید. مردم ایران و آمریکا هر دو حق دارند که از حقیقت این تاریخ آگاه باشند. این حقیقت است که هر دو ملت را آزاد می‌سازد. اطمینان دهید که تحقیقات کامل راجع به این تاریخ انجام و منتشر خواهد گردید. این عمل اعترافی خواهد بود به اعمال غلط دولت ایالات متحده. این یک عمل شرافتمندانه است.

د- به تحریم اقتصادی ایران پایان دهید و وجوهات ایران را که به وسیله دولت ایالات متحده مسدود شده است، آزاد سازید. این اعمال از همان هنگام آغاز اشتباه بوده است. بحران گروگان‌گیری را طولانی کردند و به عراق جسارت دادند که به ایران حمله کند. تحریم اقتصادی و مسدود کردن وجوهات ایران، اصل بی‌طرفی را نقض می‌کند؛ زیرا با ناتوان کردن ایران به هنگام حمله عراق، ایالات متحده را در صف طرفداران عراق قرار می‌دهد.

۱- به مردم ایران و دولتشان اطمینان دهید که آنها می‌توانند کلیه دعاوی قانونی که بر علیه شاه سابق، فامیل او و دیگر رهبران رژیم او را دارند، تعقیب نمایند. ضمانت نمایید که کلیه راه و وسایل قانونی که در اختیار شهروندان ایالات متحده می‌باشد، در

۱. در متن اصلی نیز همین طور ناخواناست و علامت سؤال گذاشته‌اند.

۲۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اختیار آنها نیز خواهد بود تا بتوانند اموال و پول‌هایی را که قانوناً به آنان تعلق می‌گیرد، مسدود و تصاحب نمایند. هویت چنین اموالی که بر ایالات متحده معلوم است، اعلام و مسدود نماید تا پرونده‌های مناسب قضایی بتوانند وضع آنها را معلوم نمایند و فقط خرج منطقی برای هزینه زندگی فامیل شاه سابق یا دیگر افرادی که چنین مالی را در تصرف دارند، در نظر گرفته شود.

۲- سعی عاجل در مورد برقراری گفتگوهای دیپلماتیک و خصوصی بین تمام ملت‌ها و مردم علاقه‌مند برای دست یافتن به آشتی و صلح پایدار بنمایید.

این یک لحظه تاریخی است و زمان بسیار پراهمیت می‌باشد. ما (کمیته اضطراری برای صلح) از شما استدعا می‌کنیم که هم‌اکنون نسبت به هر یک از موضوعات فوق عمل نمایید که این کاری بسیار درست است. پس از انجام موارد فوق است که ایالات متحده آنچه را که به درستی می‌توانست برای صلح در خاورمیانه و بازگشت گروگان‌ها انجام دهد، انجام داده است.

کمیته اضطراری برای صلح در خلیج فارس و آزادسازی گروگان‌های آمریکایی

کمیته اضطراری برای صلح در خلیج فارس و آزادسازی گروگان‌های آمریکایی
آدرس: ساختمان ۸۵۳، خیابان برودوی، ایالت نیویورک، شهر نیویورک، کد پستی
۱۰۰۰۳

853 Broadway, Room 811, New York, N. Y. 10003

برای انتشار تا ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه ۲۱ اکتبر نگه داشته شود.

برای اطلاعات بیشتر، خواهشمند است با آقای آلن چارنی (Alen Charney) تلفن ۲۱۲-۴۷۷۴۶۲۷ و باب ماستر (Bob Master) تلفن ۲۱۲-۴۷۷۴۶۴۳ و جناب پال مایر (Rex. Paul Mayer) تلفن ۲۱۲-۹۶۴۶۷۳۰ و ۲۱۲-۶۷۵۲۱۴۲ تماس برقرار نمایید.

نیویورک - پس از تماس مستقیم با وزارت خارجه آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، گروهی از متشخصین فعال مخالف جنگ، امروز پیشنهاداتی را به منظور مقابله با بحران یک‌ساله گروگان‌گیری و پایان خشونت در خلیج فارس انتشار داده‌اند. این پیشنهادات در تقاضای عاجلانه این گروه از ریاست جمهوری کارتر منعکس است که

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۸۷

در کنفرانس مطبوعاتی سه‌شنبه ۲۱ اکتبر ساعت ۱۱ صبح در اتاق باس (Boss Room) در طبقه هشتم کلیسای مرکزی سازمان ملل واقع در شماره ۷۷۷ کاخ سازمان ملل در اختیار عموم قرار گرفت.

اطلاعیه این گروه که خود را «کمیته اضطراری برای صلح در خلیج فارس و آزادسازی گروگان‌ها آمریکایی» می‌نامند به وسیله دروتی هال (Dorothy Hall) مادر گروگان جو هال (Joe Hall)، لوزت گریوز (Luzette Graves) دختر جان گریوز، بونی گریوز (Bonnie graves) همسر گروگان و باربارا تیم (Barbara Timm) مادر گروگان کوین هرمنینگ (Kevin Hermening) تأیید گردیده است. متن کامل پیشنهادات در اطلاعیه ضمیمه آمده است.

امضاکنندگان اطلاعیه عبارتند از:

– دادستان کل سابق آمریکا، رمزی کلارک

Former Attorney General Ramsey Clark

– جناب ویلیام سولان کافین، از کلیسای ریورساید

Rev. William S. Coffin, Jr. of Riverside Church

– کاندیدای حزب شهروندان برای ریاست جمهوری، بری کوموز

Citizens Party Presidential candidate Berry Commoner

– جناب پال مایر از انجمن حرکت برای بقا

Rev. Paul Mayer of the Mobilization for Survival

– پدر دانیل برنیگ

Father Daniel Berrigan

– کشیش توماس گامبلتون از پکس مسیح

Bishop Thomas Gumbleton of Pax Christi

– دکتر بنجامین اسپوک

Dr. Benjamin Spock

– دکتر هلن کالدیکوت

Dr. Helen Caldicott

– دیرید دیلینجر

David Dellinger

– نویسنده کریس پالی

Author Grace Paley

۲۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

و عده دیگری از رهبران سیاسی، کلارک، کامونر، مایر و عده دیگری از امضاکنندگان در کنفرانس مطبوعاتی حضور بهم رساندند.

- ۱- کشیش ویلیام سلون کافین جونپور
- ۲- دادستان کل سابق آمریکا رمزی کلارک
- ۳- کشیش پال مایر از گروه موپلیزیشن فور سووایول (حرکت برای بقاء)
- ۴- دکتر بری کامونر از گروه کانیدای ریاست جمهوری از حزب شهروندان
- ۵- کشیش توماس گیومبلتون از گروه پاکس مسیح
- ۶- دکتر بنجامین اسپیک
- ۷- دیوید دیلیچر
- ۸- دکتر هلن کالدیکوت
- ۹- پرفسور نورمن فورد از دانشگاه کانزاس لارنس
۱۰. توماس ام رایکس، از دانشگاه جورج تاون
- ۱۱- کشیش روی دول وایت از یونایتد متدیست چرچ از منطقه نیوجرسی
- ۱۲- کمیته حل بحران آمریکا و ایران
- ۱۳- اتحاد برای درک ایران - آمریکا
- ۱۴- کلارنس دیلنجر، پرفسور سابق دانشگاه کانزاس
- ۱۵- مسیو ریل پال امداگر اجتماعی
- ۱۶- پرفسور تام رینی، اورگرین استیت کالج در واشنگتن
- ۱۷- ریک دونر، اتحاد برای درک ایران - آمریکا در کالیفرنیا
- ۱۸- جف مک کانل، اتحاد برای درک ایران - آمریکا در نیوانگلند
- ۱۹- پدر روحانی دارنل رویپر از اوهاما نیرسکا
- ۲۰- اتحاد برای درک ایران - آمریکا در کلیسای اوهاما
- ۲۱- جولیس گلن از اوهاما
- ۲۲- جوئن و جک داگن از اوهاما
- ۲۳- روجر کارول از اوهاما
- ۲۴- خواهر روحانی مولی مونز از ایووا

- ۲۵- دیانان ترنکسا، اتحاد برای درک ایران - آمریکا از جنوب شرقی
- ۲۶- جولین انسولد، عضو کمیته ملی دموکرات از ایالت واشنگتن
- ۲۷- کارن لهن رئیس اتحاد برای درک ایران - آمریکا
- ۲۸- سیدنی لنز، نویسنده، کاندیدای سناتوری از حزب شهروندان در ایلینور
- ۲۹- لنوکس هیندز از کنفرانس ملی وکلای سیاه پوست
- ۳۰- دکتر جیمز راسل، دانشگاه تگزاس در ال پاسو
- ۳۱- خواهر روحانی مری پیتر بروس
- ۳۲- هیود برنز، رئیس اورین لیگال کلینیک (کلینیک قانون شهری) سیتی کالج در نیویورک
- ۳۳- اتل تیلور، هماهنگ کننده ملی اعتصابات زنان برای صلح
- ۳۴- سیدنی پک، پرفسور دانشگاه کلارک
- ۳۵- مارتا مربیگر، عضو اعتصابات زنان برای صلح از نیویورک
- ۳۶- روت سیل من، گروه بین المللی زنان برای صلح و آزادی
- ۳۷- کابینی هوگارت از دابلیو، ای، اس، پی، ای، سی
- ۳۸- گریس پیلی، نویسنده از گروه مخالفین جنگ
- ۳۹- کی کمپ، گروه بین المللی زنان برای صلح و آزادی
- ۴۰- بری بی اندرسن، کمیته خدماتی دوستان آمریکا
- ۴۱- کشیش جارمز کیم بال، دانشگاه الهیات هاروارد
- ۴۲- پرفسور جاشوا کهن از دانشگاه ام آی تی
- ۴۳- روستی دانپورت، اتحاد برای درک ایران - آمریکا آتلانتیک میانه
- ۴۴- کشیش امرسون اس کولا، یونایتد متدیست چرچ از منطقه مینی سوتا
- ۴۵- کشیش جان ولش از دانشگاه پیرنیستون
- ۴۶- جیم هاگنون از گروه هارگم فایت بک
- ۴۷- لسلی ویتز، نماینده منطقه جنوب شرقی، کلرجی و لیتی کانسرن
- ۴۸- پدر روحانی پال واشنگتن، کلیسای ادوکت از فیالادرفیا
- ۴۹- کشیش والتر سولیوان از ریچموند ویرجینیا

۲۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۵۰- کشیش کارول دوزیر از منفیس تنسی

گروه مخالفان جنگ

Emergency committee

For peace in the Persian gulf and release of American hostages

An appeal to the president of the United States:

To President Carter:

War between Iran and Iraq threatens all humanity. American hostages have been held for nearly a year now.

We believe there is a clear, urgent and moral course of action that can help bring peace to the Persian Gulf and will secure the safe and prompt return of our hostages. We believe it requires immediate action by you as president of the United States.

On his recent visit to the United Nations, Prime Minister Mohammed Ali Rajai stated the Iranian Parliament will act soon on the fate of the hostages. He enumerated acts by the United States that would be seen by the Iranian people as assuring the neutrality of the United States.

You have courageously recognized Iraq as the aggressor. Secretary of state Muskie has recognized the fact of the Iranian revolution, the legitimacy of the Islamic republic of Iran and pledged the U. S. will not again intervene. We commend him for his statesmanship. These recognitions are an important prerogative.

Now you should do the following things because they are right:

Inform Iraq directly that the united States considers it the aggressor, that it should cease hostilities and withdraw from Iranian soil. Formally request the United Nations to pass appropriate resolutions to this effect. Urge the parties to the dispute to seek a resolution by negotiation or international law.

Assure all nations that the United States will not intervene in the internal affairs of any nation. Assure Persian Gulf nations that directly or indirectly.

Withdraw AWAC aircraft from Saudi Arabia. They were not and are not needed. They are provocative by their presence, the United States takes sides.

Withdraw U.S. Naval ships concentrated in the Persian Gulf and Indian Ocean. Urge all other nations to do the same. The mere presence of foreign naval vessels in so volatile an area risks an incident, real or contrived, that could widen war. They threaten Iran

with international intervention. They cannot carry out any peaceful or lawful mission.

Stop all arms shipment, direct or indirect, within your constitutional authority to Jordan, or any other nation supplying the combatants. Inform Jordan that its military support of Iraq threatens an extension of war and request it to proclaim its neutrality.

Lift all economic sanctions against Iran and release funds of Iran held by United States government action. These acts were wrong when initiated, prolonged the hostage crisis and emboldened Iraq to invade Iran. Now they violate the principle of neutrality by aligning the United States on the side of Iraq by debilitating Iran while Iraq invades it.

Release documents gathered by the U.S. Department of state which relate the history of United States relation with the government of Iran since World War II. Both the Iranian and American people are entitled to know the truth of this history. It is truth which will make both peoples free. Assure all that full investigation of the history will be made and revealed. This will acknowledge the wrongful acts of the United States government. It is the honorable thing to do.

Assure the Iranian people and government of their full right to pursue all legal claims they may have against the estate of the former Shah, his family and leaders in his regime. Guarantee that all judicial remedies available to United States citizens are available to them in the United States to seek, freeze and recover property and money justly due them. Identify and freeze any such property or funds known to the United States government until proper judicial determinations can be made subject only to a reasonable living expense for the family of the former Shah or others found in possession.

Seek the prompt establishment of full dialogue, diplomatic and private, between all concerned nations and peoples in the quest for reconciliation and permanent peace.

This is an historic moment. Time is of the essence. We implore you to act now on each of these issues because it is right. The United States will than have done what it properly can do to restore peace to the Persian Gulf and the return of our hostages.

EMERGENCY COMMITTEE
FOR PEACE IN THE PERSIAN GULF AND RELEASE OF
AMERICAN HOSTAGES

Emergency committee

For peace in the Persian gulf and release of American hostages

853 Broadway, Room811

New York, N.Y. 10003

Hold for release at 11am, Tuesday, October 21, 1980

For more information, please contact:

AlenCharney 212-4774627 , Bob Master 212-4774643

Rev. Paul Mayer- 212-9646730, 201-6752142

New york- following direct contacts with both the U.S. department of State and the Islamic republic of Iran, a group of prominent anti-war activists today release a set of proposals designed to break the year old hostage crisis and bring a swift end to hostilities in the Persian Gulf.

The proposals were contained in an appeal to President Carter made public at a press conference on Tuesday, October 21 at 11:00am in the Boss room on 8th floor of the U.N. Church Center, 777 U.N. Plaza.

The statement of the Persian Gulf and release of the American hostages, has been endorsed by Dorothy Hall, mother of hostage Joe Hall, Luzatte Graves, Daughter of John Graves and Bonnie Graves, the hostage's wife and BarbaraTimm, mother of hostage Kevin Hermening. Details of the committee's proposal are contained in the enclosed statement.

Signers of the statement include former attorney General Ramsey Clark, rev. William Sloane Coffin, Jr. of Riverside of the Mobilization for Survival, Father Daniel Berrigan, Bishop Thomas Gunbleton of Pax Christi, Dr. Benjamin Spock, Dr. Helen Calsicott, David Dellinger, author Grace Paley and a host of other political leaders. Clark, commoner, Mayer and many other signers attended the press conference.

Endorsers of the Emergency Committee Statement (in formation)

Rev. William Sloane Coffin, Jr.

Former U.S. Attorney General Ramsey Clark

Rev. Paul Mayer, Mobilization for Survival

Dr. Berry Commoner, Citizens Party Presidential candidate

Bishop Thomas Gumbleton, Pax Christi

Dr. Benjamin Spock

David Dellinger

Dr. Helen Caldicott

Professor Norman Forer, University of Kansas, Lawrence

Professor Thomas M. Ricks, Georgetown University

Bishop C. Dole White, United Methodist Church, N.J. area

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۹۳

Committee or American-Iranian Crisis Resolution
Coalition Dillingham, former professor University of Kansas
Muriel Paul, social worker
Professor Tom Rainey, Evergreen State College, Washington
Rick Doner, Coalition for U.S.-Iranian understanding (California)
Jeff McConnel, Coalition for U.S.-Iranian understanding (New
England)
Father Darrell Rupiper, Omaha, Nebraska
Coalition for U.S.-Iranian understanding (Omaha Chapter)
Joyce Glenn, Omaha
Joanne and Jack Duggen, Omaha
Roger Carroll, Omaha
Sister Mollie Munoz, C.H.M., Iowa
Diana Troncoso, Coalition for U.S.-Iranian understanding
(southwest)
Jolene Unsoeld, member democratic National committee
(Washington State)
Karen Lehman, coalition for U.S. Iranian understanding,
Chairperson
Sidney lens, Author, Senatorial Candidate of the Citizens Party in
Illinois
Lennox Hinds, National Conference of Black Lawyers
Dr. James Russell, University of Texas in El Paso
Sister Mary Peter Bruce, S.C.
Haywood Burns, dean of Urban legal Clinic, city college of New
York
Ethel Taylor, national coordinator of women strike for peace
Sidney peck, professor of Clark University
Martha baker, New York Woman Strike for peace
Ruth Sillman, woman's International League for Peace and
Freedom
Connie Hogarth, WESPAC
Grace Paley, Author, War resisters league
Key Camp, women's International League for Peace and Freedom
Mary B. Anderson, American Friends Service Committee
Rev. Charles Kimball, Harvard Divinity School
Professor Joshnacohen, Massachusetts Institute of Technology
Rusty Davenport, Coalition for U.S.-Iran understanding, Steering
Committee, Mid-Atlantic
Bishop Emerson S. Colaw, United Methodist Church, Minnesota
area

Rev. Johan Walsh, Princeton University
Jim Haughton, Harlem Fight Back
Leslie Withers, southeast Regional Representative, Clergy and
Laity Concerned
Father Paul Washington, church of the Advocate, Philadelphia,
Fellowship of Reconciliation
Bishop Walter Sullivan, R.C., Richmond, Va.
Bishop Carrol Dozier, R.C., Memphis, Tenn.
War Resisters league
(Organizations listed for identification purposes only)

نامه‌ای دیگر از مردم آمریکا

علاوه بر این پنجاه شخصیت، نامه‌ی بالا ۲۵۰ تن از مردم آمریکا از جمله عده‌ای از شخصیت‌های برجسته‌ی آمریکا و از میان آنها کسانی که سال‌ها با دولت آمریکا به خاطر دخالت‌های ناروایشان در امور داخلی سایر کشورها می‌جنگیدند، طی نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی، با اعتراف به گناه رهبران قبلی خودشان که از رژیم شاه حمایت می‌کرده‌اند، و نیز با تبریک موفقیت ملت ایران در شکست استبداد، آزادی گروگان‌ها را خواستار شدند. متن این نامه به شرح زیر است:

«خدمت اعضای پارلمان ایران - تهران - ایران

ما امضاکنندگان، تابع ایالات متحده‌ی آمریکا، درخواست بخشش شما برای آزادی فوری برادرها و خواهرهایمان که در کشورتان به گروگان گرفته شده‌اند می‌نماییم. بر حسب آنچه که عادلانه و منصفانه است، ما از شما التماس می‌کنیم که اجازه‌ی آزادی این مردان و زنان را بدهید تا آنها بتوانند به خانواده‌هایشان برگردند و علاقه‌بورزند و دوست داشته شوند.

ما گناه رهبران قبلی خود را که ناعاقلانه رژیم شاه معدوم را برپا نگه داشتند، تصدیق می‌کنیم. ما به شما در گسستن موفقیت آمیزتان از دیکتاتوری تبریک می‌گوییم. ما برای تلاش شما در تشکیل دولت مورد علاقه‌تان آرزوی موفقیت می‌نماییم. ما التماس می‌کنیم که شما از خشم خودتان دست برداشته و دخالت‌های گذشته‌مان در امور داخلی‌تان را ببخشید و مردم ما را آزاد کنید.

طرح جدید نمایندگان مجلس

در جلسه پنجاهم مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۷ جمعی از نمایندگان، چهارچوبی را جهت بررسی مسئله گروگان‌ها به مجلس پیشنهاد کردند که به شرح زیر است:

«ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

به اعتقاد ما امضاکنندگان ذیل، انتخاب اعضای کمیسیون ویژه برای رسیدگی به وضعیت گروگان‌ها پیش از روشن شدن چهار مسئله بسیار اساسی، ما را به نتیجه مطلوب نخواهد رساند. امیدواریم به ضرورت و حساسیت موضوع، مطالب ذیل را به بحث و بررسی بگذارید تا نظر مجلس در موارد فوق مشخص گردد.

موضع انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی ایران در مقابل آمریکا چگونه است؟
آیا گروگان‌گیری اساساً یک عمل انقلابی بوده است؟ این موضوع به رأی مجلس گذاشته شود.

آیا محاصره اقتصادی و محاصره نظامی و فشارهای سیاسی آمریکا و عمالش تنها نتیجه گروگان‌گیری است یا بنا به اقتضای ماهیت تجاوزکارانه آمریکا بخصوص در رابطه با انقلاب اسلامی ایران می باشد؟

آیا چنان‌که برخی معتقدند گروگان‌گیری، انقلاب ما را به انزوا کشانده است؟
این طرح به بحث گذاشته شد. نمایندگان مجلس (آقایان خزاعی، آقامحمدی، اسدالله بیات، علی‌اکبر ولایتی، علی‌اکبر پرورش و محمدمحمدی گرگانی) درباره این طرح سخنرانی‌های مبسوطی ایراد کردند. بعضی از آنها ضمن سخنرانی خود به دولت موقت نیز حمله کردند.

روزنامه اطلاعات، گزارش بلندی از جلسه ۲۷ شهریور مجلس درباره تعیین کمیسیون ویژه بررسی مسائل مربوط به گروگان‌گیری را تهیه و منتشر کرد. این گزارش به شرح زیر است.

پیشنهاد تشکیل کمیسیون ویژه مسئله گروگان‌ها در مجلس - روزنامه اطلاعات،

۲۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی که ساعت ۵۰:۹ دقیقه روز پنجشنبه با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، مسئله گروگان‌های جاسوس آمریکایی بار دیگر مفصل مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این جلسه، دکتر ابراهیم یزدی درباره ملاقات مهندس بازرگان با برژینسکی در الجزایر گفت: ما تمام جزئیات این مذاکره را به نظر ملت ایران رساندیم و حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای در همین زمینه اظهار داشت: تا آنجا که من به یاد دارم گزارش کتبی از ملاقات بازرگان با برژینسکی ندیده‌ام.

نخستین ناطق پیش از دستور، حسین موسوی جهان‌آبادی، نماینده مشهد بود که با اشاره به حملات نیروهای بعثی دولت عراق، به مرزهای کشور گفت: این جنگ به ایران تحمیل شده است؛ زیرا ما قصد جنگ با هیچ دولتی، مخصوصاً دولت همسایه خود نداریم و در صورت حمله نیروهای بعثی ناگزیر از دفاع هستیم. جنگ به عراق نیز تحمیل شده است؛ زیرا که صدام حسین از خود اعتباری ندارد و این آمریکاست که جنگ را بر او تحمیل کرده است و در حقیقت جنگ ما با عراق نیست، بلکه با آمریکا و با همه ابرقدرت‌های جهانی است. ناطق افزود: مردم مسلمان و مبارز خراسان، آمادگی یکپارچه خود را برای رفتن به غرب کشور و جنگ با دشمن اعلام می‌کنند و من یقین دارم که پیروزی نهایی در این جنگ با ماست. وی پیشنهاد کرد که روزنامه‌ها و رادیو - تلویزیون مردم را بی‌کم‌وکاست در جریان حقایق و وقایع جنگ قرار دهند و برای قدردانی و تشویق نظامیان و پاسدارانی که در صحنه‌های جنگ فداکاری و جانبازی می‌کنند، مزایایی قائل شوند و همچنین افرادی از ملت که آمادگی و استعداد رفتن به جبهه جنگ را دارند، انتخاب شوند و آموزش‌های چریکی فرا گیرند.

تظاهرات علیه آمریکا

دومین ناطق این جلسه، به وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد کرد که در اولین روز سال تحصیلی فرهنگیان و دانش‌آموزان تظاهراتی علیه آمریکا و عراق برپا کنند. وی همچنین توصیه کرد که همراه برادرانی که عاشقانه برای مبارزه با ضدانقلاب به کردستان می‌روند، از دفاتر جهاد سازندگی نیز برادرانی به آن منطقه اعزام شوند. ناطق

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۹۷

دیگر این جلسه سلمان زارچی نماینده سقز بود که لزوم رعایت ضوابط، و احکام اسلامی را در همه امور یادآور شد و گفت: یکی از آفات انقلاب این است که خدای نکرده مردم احساس کنند که ضوابط اسلامی رعایت نمی‌شود.

ناطق افزود: این درست نیست که هرکس درباره موضوعات دینی دخالت کرده و نظر بدهد و در نتیجه امنیت فکری مردم و مرز قوانین اسلامی را مختل سازد. باید مقررات و احکام اسلامی که از هر نظر جامع و کامل است دقیقاً رعایت و بررسی شود و پس از در جریان قرار دادن مردم به مرحله اجرا درآید.

رسیدگی به مسئله گروگان‌ها

پس از آن مجلس وارد دستور شد و مسئله گروگان‌ها مطرح گردید و بحث در کلیات آن آغاز شد.

قبل از بحث درباره کلیات، رئیس مجلس گفت: نامه‌ای به امضای بیست تن از نمایندگان تقدیم مجلس شده است که در آن پیشنهاد شده که پیش از انتخاب کمیسیون ویژه جهت بررسی مسئله گروگان‌ها، چهار نکته در نظر گرفته شود:

- ۱- مواضع انقلاب اسلامی ایران درباره آمریکا چگونه است؟
- ۲- آیا گروگان‌گیری اساساً یک عمل انقلابی است؟
- ۳- آیا محاصره سیاسی و اقتصادی دولت آمریکا به‌خاطر گروگان‌گیری بوده است و یا ماهیت تجاوزکارانه آن دولت است؟
- ۴- آیا همان‌طور که بعضی معتقدند، این گروگان‌گیری انقلاب اسلامی ما را به انزوا کشانده است؟

در بحث پیرامون کلیات مسئله گروگان‌گیری، موسوی جهان‌آبادی درباره این نامه تذکراتی داد و معتقد بود که عمل گروگان‌گیری بی‌شک یک اقدام انقلابی بوده و امام امت نیز انقلابی بودن آن را تأیید کرده‌اند.

خزائی گفت: بعضی‌ها بیم دارند که با محاکمه گروگان‌ها، آمریکا به ایران حمله کند و ایران را از بین ببرد، ولی آمریکا که بیست و پنج سال بر ایران حکومت می‌کرد چه می‌توانسته بکند که تا به حال انجام نداده است؛ بنابراین ترس حمله آمریکا به ایران بی‌مورد است. ناطق افزود: آمریکا می‌خواهد با بهره‌برداری‌های سیاسی خود از

۲۹۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروگان‌ها، انقلاب اسلامی ایران را بکوبد و اصولاً مسئله جان گروگان‌ها، برای دولت آمریکا حائز اهمیت نیست و ما نباید به آمریکا رشوه بدهیم. آقای محمدی گفت: انقلاب اسلامی ما ارزش‌های تازه‌ای به وجود آورده است و می‌خواهیم این ارزش‌ها را در جهان مستقر سازیم. ناطق گفت: ما در گروگان‌گیری حق داشته‌ایم و این اقدام به نفع ما بوده است؛ زیرا می‌خواهیم ببینیم که آمریکا چرا به حقوق ما تجاوز کرده و می‌کند؟ درباره اینکه گفته می‌شود گروگان‌گیری سبب انزوای انقلاب ما شده است، باید گفت: ممکن است سبب انزوا از طرف دولت‌های ابرقدرت شده باشد، ولی انقلاب ما در میان ملت‌ها و مستضعفین جهان پیروز شده است.

بودجه جنگی

ناطق افزود: اولین وظیفه کمیسیون ویژه مأمور بررسی وضع گروگان‌ها باید این باشد که با همکاری کمیسیون‌های بودجه و برنامه مجلس، بودجه جنگی ما را تصویب کند و سپس سازمان بسیج مستضعفین مشخص شود و رابطه آن با قوای انتظامی تعیین گردد و قبل از تشکیل کمیسیون، آمریکا نیز باید دخالت خود را رسماً در ایران محکوم سازد و مقدار دارایی‌های شاه را اعلام کند؛ سپس کمیسیون ویژه مشغول کار شود و پس از آن محاکمه گروگان‌ها آغاز شود.

در برابر آمریکا خواهیم ایستاد

آنگاه اسدالله بیات با اشاره به خدمات دانشجویان مسلمان پیرو خط امام گفت: ما در برابر آمریکا همان موضعی را در پیش گرفته‌ایم که مدت ۲۷ سال در مقابل ظلم و طاغوت گرفته بودیم و چون مکتب ما مکتب شهادت است، در برابر آمریکا ایستاده‌ایم و خواهیم ایستاد. ناطق پیشنهاد کرد: افرادی که برای کمیسیون ویژه انتخاب می‌شوند پیش از بررسی کامل مسئله و ارائه نظرات نهایی کمیسیون، حق مصاحبه با رسانه‌های گروهی را نداشته باشند.

یک نماینده ضمن بحث در کلیات گفت: اشغال لانه جاسوسی نشان می‌دهد در هیچ زمانی این سفارت از توطئه فارغ نبوده است و کسانی که درباره این قضیه اظهار نظر کرده‌اند، مسئولیتی نداشته‌اند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۲۹۹

ناطق گفت: کسانی باید به عضویت کمیسیون ویژه انتخاب شوند که اصولاً به اصالت تصرف لائنه جاسوسی اعتقاد داشته باشند و معتقد باشند که این اقدام یعنی تصرف لائنه جاسوسی، بزرگتر از انقلاب اول بوده و باعث صدور انقلاب اسلامی ما شده است.

اظهارات دکتر یزدی

در این موقع دکتر ابراهیم یزدی با استفاده از اخطار آیین‌نامه‌ای، به اظهارات یکی از نمایندگان که به ملاقات و مذاکرات با برژینسکی اشاره کرده بود، پاسخ داد و درباره ملاقاتش با برژینسکی در الجزیره گفت: ما تمام جزئیات این مذاکره را به نظر ملت ایران رساندیم و در این ملاقات، مهندس بازرگان با اشاره به جنایات آمریکا در ایران، خواستار گرفتن غرامت شد. ضمناً پس از بازگشت از مسافرت، در جلسه مشترک دولت و شورای انقلاب، گزارش تمام جزئیات این ملاقات به اعضای شورا داده شد و این به عهده وزیر امور خارجه نیست که تصمیم بگیرد با چه دولتی رابطه داشته باشد و یا نداشته باشد و در این مورد شورای انقلاب باید تصمیم می‌گرفت.

شورای انقلاب خبر نداشت

پس از سخنان دکتر یزدی، حجت‌الاسلام خامنه‌ای در رابطه با مسئله شورای انقلاب که در صحبت‌های دکتر یزدی آمده بود، توضیحاتی داد و گفت: من به‌عنوان عضو شورای انقلاب می‌گویم شورای انقلاب چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم به دولت وقت و وزیر امور خارجه نگفته بود که با آمریکا کجدار و مریز رفتار کند و شورای انقلاب خبری از ملاقات ایشان با برژینسکی نداشت و تا آنجا هم که به یاد دارم گزارش کتبی از ملاقات با برژینسکی را هم ندیده‌ام.

محمد یزدی و کروی نیز در ارتباط با اظهارات دکتر یزدی مطالبی بیان داشتند و مهندس بازرگان ضمن سخنانی اظهار داشت که این دولت موقت بود که برای نخستین بار پس از رفتن شاه مخلوع به آمریکا تقاضای استرداد او را کرد.

رئیس مجلس گفت: در باره این موضوع چون صحبت زیاد است ممکن است جلسه‌ای را صرفاً به آن اختصاص داد.

۳۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مهندس بازرگان نیز موافق بود و گفت: چون بارها اتهاماتی در این زمینه به ما زده شده است، بهتر است تمام مطالب گفته شود. شرافت به سخنان بازرگان اعتراض کرد و هادی غفاری در رابطه با ملاقات دکتر یزدی با برژینسکی گفت: آیا ایشان برای ارشاد برژینسکی با وی ملاقات کرده بود؟ در غیر این صورت، ملاقات با او باید با اذن مستقیم ولی باشد.

سخنان خلخالی

حجت‌الاسلام خلخالی با اشاره به سخنان مهندس بازرگان، گفت: مطالبه شاه مخلوع از سوی دولت موقت، پس از صدور حکم اعدام شاه مخلوع از طرف من که حاکم شرع بودم انجام شد. وی گفت: در این جلسه مسئله گروگان‌ها مطرح بود و نباید اجازه داد که جو مجلس با این اظهارات تغییر کند.

مقارن ساعت دوازده آقای محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر در جلسه علنی مجلس حضور یافت و در ساعت ۳۰:۲ رئیس مجلس اظهار داشت: همان‌طور که در ابتدای جلسه گفته شد، نامه‌ای به امضای عده‌ای از نمایندگان رسیده است که تقاضای تشکیل جلسه رسمی خصوصی کرده‌اند. ما این جلسه را که به علت امنیتی، خصوصی خواهد بود با حضور آقای نخست‌وزیر تشکیل می‌دهیم و وقتی که ضرورت امنیت آن برطرف شد، طبق قانون اساسی جریان مذاکرات این جلسه را که ضبط خواهد شد، در معرض افکار عمومی قرار خواهیم داد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۶/۲۹).

افزون بر این، روزنامه میزان نیز در تاریخ شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ گزارشی از جلسه پنجشنبه، ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ مجلس تهیه کرده است. این گزارش همه مباحث مطرح شده در مجلس در باره موضوعات مختلف را در بردارد که برای پرهیز از طولانی شدن مطلب، بخش مربوط به گروگان‌ها را در اینجا از نظر می‌گذرانیم.

گزارش روزنامه میزان از جلسه مجلس درباره بررسی وضع گروگان‌ها

در جلسه علنی چهار ساعته روز پنجشنبه مجلس شورا، شانزده تن از نمایندگان پیرامون مسائل مملکتی صحبت کردند. مهم‌ترین مسئله مورد بحث این جلسه مجلس، رسیدگی به وضع گروگان‌ها بود. به هنگام بحث درباره گروگان‌های جاسوس، جلسه

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۰۱

چندین بار متشنج شد و سرانجام مجلس در این جلسه نتوانست به انتخاب کمیسیون ویژه و اختیارات و تعداد اعضای آن پردازد.

از سوی ۱۷ تن از نمایندگان مجلس پیشنهادی در باره گروگان‌ها ارائه گردید. مجلس در پایان جلسه علنی، یک جلسه رسمی غیرعلنی نیز داشت. در این جلسه، فرماندهان نظامی و نخست‌وزیر نیز شرکت داشتند و مسائل امنیتی کشور مورد بحث قرار گرفت.

[پس از آنکه چند تن از نمایندگان درباره موضوعات مختلف کشور و حوزه انتخاباتی خویش سخن گفتند]، در این هنگام مجلس وارد دستور شد. هاشمی رفسنجانی رئیس جلسه گفت: مسائل کلی گروگان‌ها مطرح است. نمایندگان می‌توانند در نوبت‌هایی که گرفته‌اند مطالب را مطرح کنند و پس از کلیات، مسئله کمیسیون ویژه، تعداد اعضای آن و اختیارات این کمیسیون مطرح و تصمیم‌گیری خواهد شد.

تعیین چهارچوب

رئیس مجلس در این هنگام توضیح داد که دو نامه از سوی نمایندگان رسیده است. در یکی از نامه‌ها نمایندگان خواستار مشخص شدن اختیارات کمیسیون ویژه و در نامه دیگر ضمن طرح سؤال درخواست کردند که مجلس پیش از رسیدگی به وضع گروگان‌ها، موضع خود را مشخص کند. آنگاه رئیس مجلس [موضع مجلس را] در چهار مورد به این شرح قرائت کرد:

- ۱- موضع انقلاب اسلامی در مقابل آمریکا، ۲- آیا گروگان‌گیری اساساً عمل انقلابی بوده است؟ ۳- آیا محاصره اقتصادی و سیاسی آمریکا و عمالش تنها نتیجه گروگان‌گیری است؟ ۴- آیا چنان‌که بعضی معتقدند گروگان‌گیری، انقلاب ما را به انزوا کشیده است؟

اسامی درخواست‌کنندگان

آنگاه رئیس اسامی درخواست‌کنندگان طرح را به این شرح خواند: منوچهر متکی، خویینی‌ها، شاهچراغی، سازگارنژاد، آقامحمدی تبریزی، چراغزاده، پرورش، توکلی،

۳۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

دانش آشتیانی، نصیری لاری، معرفی‌زاده، شجاعیان، بشارتی، معصومی، خزاعی، حقانی، امین ناصری، منتظری، مهاجرانی و ملازاده.
رئیس آنگاه با قرائت توضیح رضا اصفهانی در مورد اصلاحات ارضی که در اجرای آن تخلف شده، پرداخت.

گروگان‌گیری بزرگ‌تر از انقلاب

مجلس در این هنگام تصویب کرد که قبل از بحث درباره گروگان‌ها، نمایندگان درباره پیشنهاد چهار ماده‌ای صحبت کنند.

اولین ناطق در این بحث، موسوی خراسانی بود. وی گفت: آیا عمل گروگان‌گیری انقلابی است؟ اصلاً قابل بحث نیست. امام فرمودند: انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول و عمل انقلابی بود که دولت آمریکا را به وحشت انداخت و باید از این عمل انقلابی بهره‌برداری انقلابی نمود. شک نیست که سفارتخانه نبود، جاسوسخانه بود. بر فرض بخواهیم با آمریکا مدارا کنیم، آمریکا با ما مدارا نخواهد کرد و آنچه‌ای که مقتضیات ایجاد می‌کند باید بهره‌برداری کرد. مطابق با دستورات امام ما می‌توانیم درباره گروگان‌ها رفتار کنیم.

تصمیم شدید؟

دومین نماینده‌ای که در چهارچوب تعیین‌شده درباره گروگان‌ها صحبت کرد، خزاعی بود. وی گفت: من عرایضی دارم به صورت کلی. واقعیت این است که تصرف لانه جاسوسی فریاد ملت ایران بود. حداقل ۲۵ سال است که آمریکا در ایران حکومت می‌کند. بنابراین، در بررسی وضعیت جاسوس‌ها باید در نظر داشته باشیم تمام مصائبی که ما در این چند سال چشیده‌ایم براساس نوع حکومت آمریکا بوده است. به خاطر داشته باشید بعضی‌ها می‌ترسند که از اینکه اگر ما تصمیم شدید راجع به گروگان‌ها بگیریم، آمریکا در آینده با ایران چه خواهد کرد. آمریکا چه می‌توانسته بکند که تا حالا نکرده! در دوران شاه مردم ما را به شدیدترین وضع به فلاکت کشانده. درست است که نامه‌هایی از کنگره و ملت آمریکا آمده و عذرخواهی کرده، ولی آمریکا بعد از پیروزی انقلاب با تمام قوا و نیرو بر علیه انقلاب ما کوشیده است. ما هر اقدامی که بکنیم

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۰۳

آمریکا تصمیمی بعد از آن نخواهد گرفت که قبل از آن نگرفته باشد. گروگان‌ها در ایران به‌عنوان یک الگوی دخالت آمریکا در سرنوشت مردم ایران مطرح است. اگر بخواهیم گروگان‌ها را محاکمه کنیم که جاسوس بودن آنها ثابت شود این یک تحصیل حاصل است؛ چرا که ما می‌دانیم که جاسوس بوده‌اند و جاسوسی می‌کرده‌اند. باید واقعیت آنها را روشن کنیم و آمریکا ارزشی برای جان پنجاه [تن] گروگان قائل نیست.

آمریکا می‌خواهد به وسیله این گروگان‌ها و بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی، انقلاب ایران را بکوبد و گروگان‌ها یک مطلوب سیاسی برای آمریکا است. آمریکا در حال حاضر در بحرانی‌ترین مرحله است؛ به دلیل اینکه کارتر و کندی این مهره‌های سرمایه‌داری، تمام تلاش خود را برای مبارزه انتخاباتی می‌کنند و آزادی گروگان‌ها برای آنها مسئله است. برای ملت ایران به هیچ عنوان کارتر و ریگان فرق نمی‌کند و اینجا است که گلوی آمریکا را باید بگیریم و بزرگ‌ترین ضربه را به او بزنیم؛ چرا؟ [چون] وقتی که این مسئله منتفی شده و مسئله انتخابات آمریکا برگزار شد، دیگر بهره‌برداری سیاسی برای آنها مطرح نخواهد بود و آنها استفاده‌های تبلیغاتی از آنها خواهند کرد. ما نباید به آمریکا رشوه بدهیم. اگر ما ۸/۵ میلیارد دلار پول ما در آمریکا بلوکه شده و [با] روزی دو میلیون دلار بهره که در این مدت ۶۰۰ میلیون دلار بهره آن می‌شود.

من یک پیشنهاد دارم. ایران باید هرچه زودتر یک دیوان عالی محاسبات تشکیل دهد و خساراتی را که به ایران وارد شده مشخص شود و در سراسر دنیا پخش شود. بعضی‌ها عنوان می‌کنند که اگر بخواهیم جاسوس‌ها را محاکمه کنیم، کسانی که جاسوس نبوده‌اند می‌گویند که من جاسوس نبودم و شما چرا مرا یک سال ننگه داشته‌اید و ادعای خسارت می‌کنند. باید گفت که ملت ایران براساس تفری که از آمریکا داشت اول آمریکاییان را به‌عنوان گروگان گرفت که بعداً نباید ادعای خسارت کند، بلکه بعد از جنایت آمریکا در گروگان بوده است و وضع جاسوس‌ها هم مشخص است. در این هنگام رئیس تذکر داد که این حرف‌ها نظر خود آقایان است و نه نظر مجلس.

۳۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروگان‌گیری است، نه جاسوس‌گیری

آقامحمدی، نماینده همدان ضمن سخنانی گفت: مجلسی را من در مجموع مجلس می‌دانم که تصمیم‌گیری‌هایش در جهت انقلاب اسلامی خواهد بود و هست. وی از هاشمی رفسنجانی تعریف کرد و گفت: ایشان را از سال ۱۳۵۰ می‌شناسم. ناطق‌آنگاه گفت: عمل ما گروگان‌گیری است. [خلخالی گفت: فرقی نمی‌کند]. در زمانی این کار را کردیم که آمریکا داشت شاه را پناه می‌داد و پناه داد. امام امت بیان کرده بود که آمریکا نباید این کار را بکند. آمریکا او را پناه داده و به حریم کشور ما تجاوز کرد. ما گفتیم تجاوز یک‌طرفه نمی‌شود. حالا که تجاوز کردی ما هم تجاوز می‌کنیم. این ارزش را ممکن است حقوق بین‌الملل نپسندد، ولی ارزش انقلابی ما است.

وی در قسمتی دیگر گفت: بنابراین، گروگان‌گیری حق مسلم ما است و حاضریم تا در هر کجا به بحث بنشینیم تا ببینیم که به چه حقی آمریکا ۲۵ سال تجاوز کرده و حالا که بیرونش کردیم، باز هم تجاوز می‌کند و در خارج هم بر علیه ما توطئه می‌کند. مسئله ما مسئله گروگان‌گیری است و فکر نمی‌کنم که مردم دنیا ما را محکوم کنند و برای اینکه حقمان را بگیریم به آمریکا تجاوز کردیم. قرآن به ما می‌گوید: هرکس به تو تجاوز کرد به همان اندازه تجاوز کن و حالا به اندازه‌ای که آمریکا تجاوز کرده، ما قصاص نکرده‌ایم.

پایگاه امام زمان

ناطق‌آنگاه گفت: آیا گرفتن گروگان‌ها به نفع ما بوده یا نه؟ آری، به نفع ما بوده. ما در دنیا انقلاب جدید با ارزش‌های جدید را داریم. ما اینجا را پایگاه قرار داده‌ایم که پایگاه حکومت جهانی امام عصر باشد و ما تجاوز را به هیچ عنوان به رسمیت نمی‌شناسیم. من می‌دانم که قطب‌زاده که به خارج می‌رود هیچ‌وقت پیش مردم محروم آنجا نرفتند، بلکه در کنفرانس شرکت می‌کنند. انتظار داشتید که دولت‌های تجاوزگر جهان ما را تأیید کنند و مرگشان را امضا کنند. از مردم پاکستان پرسید که بعد از عمل ما آنچنان جاسوسخانه آمریکا را آتش زدند و از مردم افغانستان پرسید که معنی مقابله تجاوز را به دنیا ثابت کرده‌اند. از جنوب لبنان پرسیم، از فعالیت‌های آزادی‌بخش سپاهان آمریکا

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۰۵

پرسید که آنها تأیید می‌کنند. آنها نوید است. جنگ ما با آمریکا از سال ۴۲ است. باید کار کنیم تا به ۵۷ برسد. ما این تلاش را که آغاز کرده‌ایم به ۵۷ خواهیم رساند. محاصره اقتصادی و نظامی و جریان‌های دیگر که اتفاق افتاده، آیا به علت گروگان‌گیری است یا از ماهیت آمریکا و ماهیت انقلاب اسلامی است؟ اگر تجاوز را از آمریکای امپریالیسم بگیریم، دیگر امپریالیسم نیست. اگر از آمریکای ابرقدرت، زورگویی را بگیریم، دیگر ابرقدرت نیست. شما انتظار داشتید کسی که همه چیز دارد ما بگوییم نه خیر، بگوید چشم آقا، چون شما گفته‌اید ما مقلد امام شما می‌شویم و قبول می‌کنیم؟ معلوم است که تجاوزگر تجاوز خواهد کرد، ولی گروگان‌گیری حسی که داشت این بود که به جای اینکه کلاه سرمان برود، حالی‌مان نشود بگوییم حالی‌مان شد.

کودتای ترکیه

ناطق اضافه کرد: فهمیدیم که مسئله غیر از این است. ما متوجه شدیم که دشمن آمده است تحت عنوان چپ و گروه‌های چپ اعلامیه پخش می‌کند. مدارس و دانشگاه‌ها را به تعطیلی بکشاند و کشور را به اغتشاش بکشاند و در دنیا ثابت کند که بگوید اسلام توانایی اداره مملکت را ندارد. ما نقش‌های آمریکا را رو کردیم و می‌کنیم. آیا ما به آن معنی نرسیده‌ایم که به ملت‌ها متکی باشیم نه به دولت‌ها؟ و برادران دانشجوی پیرو خط امام عملی را برای ما کردند که به نفع انقلاب بود. ترکیه چرا کودتا شد؟ عراق چرا با ما جنگید؟ چرا آمریکا در مقابل تجاوز روسیه صحبت نمی‌کند؟ چرا الان آب‌های خلیج فارس را ناوهای دشمن می‌بندد؟ برای اینکه معلوم است ما در برابر آنهایم. اینجا امام فرزند رسول‌الله و ملت، امت [تکبیر نمایندگان].

گروگان‌گیری در دنیا سبب انزوای ما شده، یا صدور انقلاب؟ ما می‌بینیم از طرف تمام قدرت‌های تجاوزگر، سبب انزوای ما شده؛ چون ما نشان دادیم هیچ‌کدام را به رسمیت نمی‌شناسیم و افتخار می‌کنیم، ولی از نظر ملت‌ها پیروز شدیم. برادری که از شبه جزیره عربستان آمده بود، می‌گفت: عکس امام را در عربستان سعودی ۱۵۰ تومان می‌فروشدند؛ تازه پیدا نمی‌شود.

۳۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

ما عملکردمان از گذشته غلط بوده که اتکا به ملت‌ها نداشتیم. دولت‌ها ما را از اول قبول نداشتند و هر وقت قبول کردند بدانید انقلاب به انحراف رفته؛ مگر اینکه همه آنها سرنگون شوند و دولت‌های منتخب مردم بر سر کار آیند که به نفع ماست.

اگر ما جهت انقلاب فراموشمان نشود، چهارچوب سیاست را مشخص کنیم، نهضت‌های آزادی‌بخش را شکل دهیم و حمایت کنیم، آن وقت با آمریکا می‌جنگیم. انقلاب ما به انزوا کشیده نشده، دولت‌ها از اول ما را قبول نداشتند، اما آیا محاصره اقتصادی به نفع ما بوده یا به ضرر ما؟ به نفع ما بوده. اگر قرار است قطع وابستگی کنیم و روی پای خود بایستیم ما باید اقتصاد جنگی داشته باشیم. آیا برای آسفالت خیابان‌های تهران این همه بودجه باید خرج کنیم یا این پول‌ها را می‌دادیم که صنایع اشتغالی یک انسان جنگی را فراهم کنیم. آب برای کشاورزی می‌دادیم تا گندم را که برای صحنه جنگ لازم داریم بدهیم. اشتباه کردیم حالا تصحیح می‌کنیم. لذا پیشنهاد می‌کنم کمیسیونی که قرار است تعیین شود اولین وظیفه‌اش این باشد که با کمیسیون امور بودجه و برنامه، بودجه جنگی و اضطراری ما را تعیین کنند. دوم وظایف سازمان بسیج مستضعفین را مشخص کنند. رابطه‌اش را با قوای نظامی دقیقاً مشخص کنند. بودجه را برای بیست میلیون مردم ایران در این سازمان مشخص کنند.

پیشنهاد‌های آقامحمدی

آنگاه محمدی پیشنهادات زیر را مطرح کرد

- ۱- اول آمریکا رسماً اعلام کند و دخالتش را در ایران محکوم کند.
- ۲- آمریکا که می‌گوید من شرایط شما را می‌پذیرم، شرایطی را که امام تعیین کرده بودند. بگویند شاه در آمریکا چقدر دارایی دارد، ایران چقدر دارایی دارد؛ رسماً اعلام کند و بعد کمیسیون کارش را شروع کند. بودجه نظامی را تعیین می‌کند. ارتش مستضعفین را بسیج می‌کنید و بعد شروع به کار می‌کند. وی افزود محاکمه، حق طبیعی ما است و اولین محاکمه مال آقای است که چندین بار ویتنام را بمباران کرد و از ما یک هیئت به ویتنام خواهد رفت و به مردم ویتنام خواهد گفت یکی از قاتلین شما را داریم و بحث خواهد کرد و آنها را دعوت خواهیم کرد. بعد یکی یکی نوبت محاکمه‌شان خواهد رسید. در محاکمه است که معلوم می‌شود بی‌گناه کی هست و

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۰۷

باگناه کی هست. کسی حق ندارد همین‌طوری بگوید کسی با گناه یا بی‌گناه است؛ چون ما قوه مقننه هستیم. قوه قضاییه طبق رساله تحریر به امام که جاسوس حکمش اعدام است، به آن عمل می‌کنیم.^۱ آمریکا یادش باشد، انقلاب شده و سال ۱۳۴۲ نیست. کاپیتولاسیون اولین جرقه انقلاب بود.

در جلسه روز پنجشنبه، اسدالله بیات نیز درباره گروگان‌ها صحبت کرد. بیات گفت: الان سرنوشت ما همان مسئله‌ای است که در قرآن ما آمده است. موضع ما با آمریکا رابطه مظلوم با ظالم است. ما دولت آمریکا را قاتل حربی می‌شناسیم و ما هیچ‌گونه آمادگی مذاکرات با آمریکا را نداریم؛ چون آمریکا را رسمی نمی‌دانیم. ما در مقابل آمریکا همان موضعی را می‌گیریم که در این ۲۷ سال در مقابل طاغوت گرفته‌ایم و این را ما در راهپیمایی‌ها گفته‌ایم. موضع ما همان موضعی است که مکتب ما روشن کرده است. ما در مقابل آمریکا با سرعت برخورد می‌کنیم. ما خواسته‌ای از آمریکا نداریم. ما حق خود را می‌خواهیم و حق گرفتنی است و ما می‌گیریم.

به خدا قسم آمریکا می‌خواهد سر ما را کلاه بگذارد. چهره آمریکا یعنی چهره دروغ. یکی از بزرگ‌ترین خدمت‌هایی که جوانان مسلمان پیرو خط امام کرده‌اند این است که موضع و در خط امام بودن خود را نشان داده‌اند. اینها با عملشان معنی خط امام و چهره منافقان را روشن کردند. خلاصه ما ملتی هستیم رنج کشیده و غارت شده. آمریکا نه قولش برای ما اعتبار دارد و نه عمل می‌کند؛ چون کارش غارتگری و جنایت است، و من می‌خواهم بگویم که ما به آمریکا تجاوز نکرده‌ایم؛ آنها چه بلاهایی سر دانشجویان ما در آمریکا آوردند. این است که ما در مقابل آمریکا ایستادگی می‌کنیم و به یاری پروردگار پیروزی از آن ماست، اگرچه کشته شویم و عرض می‌کنم که محاکمه باید در ایران باشد و از مقامات بین‌المللی هم دعوت می‌کنیم. همه اینها مطرح شود و در یک جلسه علنی به عرض ملت ایران برسد و یک پیشنهاد برای کمیسیون داریم. افرادی که در کمیسیون انتخاب می‌شوند حق مصاحبه با رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها را نداشته باشند.

۱. منظورش کتاب تحریر الوسیله، کتاب فقهی و رساله عملیه آیت الله خمینی به زبان عربی است.

گروه فرقان

من فکر می‌کنم که از برادران این خواهش را بشود کرد که بحث در جهتی باشد که در چهارچوب باشد تا کمیسیون ویژه در حقیقت جهت بگیرد و بدانند نظر کلی مجلس چیست.

ماهیت رژیم آمریکا طوری است که تجاوز درش نهفته است و می‌خواهد به دیگران تجاوز کند. علی‌رغم اینکه مردم می‌دانستند که آمریکا در پشت حکومت محمدرضا پنهان شده و گاهی اوقات پنهان نبود، با این حال بعد از انقلاب رفتار بسیار ملایم با آمریکا شد.

پس از هفت - هشت ماه که لانه جاسوسی اشغال شد، اسناد منتشر شده نشان داد که سفارتخانه از جاسوسی غافل نبوده؛ حتی می‌بینید گروه به ظاهر رادیکال مذهبی «فرقان»، دست آمریکا بود. از چپ‌ترین تا راست‌ترین راست‌ها دست آمریکا بود و ماهیت آمریکا است و نمی‌توانیم ساده‌لوحانه با قضیه برخورد کنیم. تماس‌هایی که هادی علیاری اشاره کردند مثل قضیه برژینسکی. البته معتقد نیستم که از روی سوءنیت بوده، اما نگرش ساده‌لوحانه به قضیه است؛ یعنی اگر قرار باشد انسان قضایا را با نگرش آگاهانه نگاه نکند و از عمق آن آگاه نباشد، این‌طور برخورد می‌کنند که در آن ایام شد.

با انقلاب مجددی که کردند انقلاب خودشان را از انحطاط نجات دادند، اما ما به اثرات گروگان‌گیری در عرف بین‌المللی اهمیت نمی‌دهیم. ما ملاک کارمان قضاوت دولت‌ها نیست، بلکه ملت‌ها است و بخصوص عملکرد ملت‌ها نشان داده که ما را تأیید کردند. در سطح بین‌الملل، برای اولین بار نشان دادیم به دور از فعل و انفعالات پشت پرده بین آمریکا و شوروی کارهایی انجام می‌گیرد و می‌شود در برابر آنها ایستاد و یک قوت قلبی به مستضعفین جهان می‌دهد. کسانی که با انقلاب موافق نبودند و با ما برخورد منافقانه را شروع کردند و پلاکاردهایی بزرگ بردند و گفتند سازش با آمریکا است و اینها گروه‌های منحرف هستند [همه‌مه نمایندگان]. (روزنامه میزان، شماره ۱۱، ۲۹ شهریور ۱۳۵۹، ص ۲).

انتخاب هیئت ویژه

مرحله بعدی کار مجلس، ورود در اصل قضیه، یعنی مأموریتی بود که در مورد گروگان‌ها به مجلس محول شده بود. مجلس چگونه باید این مسئله را حل کند؟ موضوع در کمیسیون امور خارجه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. ابتدا اصل قضایا و وضعیت کنونی کشور مورد بررسی قرار گرفت و هر یک از اعضای کمیسیون نظرات خود را دادند. از مجموعه نظریاتی که داده شد، روشن بود که دست اندرکاران مصمم هستند که به هر حال قضیه را تمام کنند و با صراحت می‌گفتند از گروگان‌گیری هر آنچه مورد نظرمان بود، به دست آورده‌ایم و نگاه داشتن آنها دیگر لزومی ندارد! حتی برخی از آنها گفتند نگاه داشتن گروگان‌ها خلاف شرع است! اما مسئله اساسی آن بود که این زنگوله را چه کسی به گردن گربه بیندازد! هیچ‌کس حاضر نبود خود را به این قضیه آلوده سازد! گاهی برخی حتی پیشنهاد کردند که باید با حفظ ظاهر آنها را آزاد ساخت! مثلاً پاپ وساطت کند! یا یک سازمان آزادی‌بخش بیاید میانجی‌گری کند. خلاصه ترتیبی بشود که شرافت و حیثیت ما محفوظ بماند و آنها هم آزاد شوند. بعضی اصرار داشتند که به کمیسیون امور خارجه اختیارات لازم برای این کار داده شود. می‌گفتند ترکیب کمیسیون هم ترکیب مناسبی است! اما با بررسی روش کار، اکثریت اعضای کمیسیون، زیر بار نرفتند و بالاخره نتیجه این شد که کمیسیون ویژه‌ای مرکب از هفت نفر برای این امر از طرف مجلس تعیین گردید.

اعضای انتخاب شده عبارت بودند از:

آقایان سید محمد موسوی خوینینی‌ها، شیخ محمد یزدی، علی اکبر پرورش، سید علی خامنه‌ای، سید محمد خامنه‌ای، محمد کاظم موسوی بجنوردی و علی اکبر ناطق نوری.

در جلسه پنجاه و چهارم مجلس شورای اسلامی در ۱۳۵۹/۷/۶ درباره چگونگی کار کمیسیون ویژه گفتگو شد. پس از مطالب بسیاری که از طرف نمایندگان اظهار شد، موارد زیر به تصویب مجلس رسید:

۱- هر تصمیمی که در کمیسیون گرفته می‌شود باید مجلس آن را تصویب کند.

۳۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲- کمیسیون موظف است که از مذاکراتشان صورت جلسه تنظیم بکند و اگر نمایندگان خواستند از مذاکرات کمیسیون اطلاع پیدا بکنند، بتوانند این صورت جلسه را ببینند.

۳- تمام جزئیات صورت مجلس ضبط و تهیه بشود.

۴- کمیسیون حق هیچ گونه مذاکره‌ای با آمریکا یا نمایندگان دولت آمریکا را ندارد. برای اطلاع از سخنان نمایندگان به مشروح مذاکرات مجلس رجوع شود.

در جلسه شصت و دوم مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۳۵۹/۸/۴ گزارش کمیسیون ویژه در دستور قرار گرفت. در این جلسه، خبرنگاران زیادی شرکت کرده بودند.

عده‌ای از نمایندگان با توجه به حمله موشکی عراق به شهر دزفول در شب گذشته (۵۹/۸/۳) خواستند که این طرح از دستور حذف بشود. عده دیگری از نمایندگان پیشنهاد تشکیل جلسه غیرعلنی رسمی را دادند که پس از بحث بر روی آن به تصویب مجلس رسید.

گزارش هیئت ویژه

مجلس شورای اسلامی بعد از مذاکرات مفصل، بالاخره گزارش کمیسیون ویژه را در ۵۹/۸/۱۱ تصویب کرد. این گزارش یک مقدمه دارد که در مجلس مورد بحث قرار نگرفت و جزء مصوبه مجلس محسوب نمی‌شود، اما چهار شرطی را که کمیسیون تنظیم کرده بود مورد تصویب قرار داد.

آقای موسوی خویینی‌ها قبل از قرائت گزارش کمیسیون، مقدمه‌ای را خواندند که چون مصوبه کمیسیون نبود و اظهارات شخصی خود ایشان تلقی شده بود، در اینجا نمی‌آورم، ولی متن سخنان ایشان در مشروح مذاکرات مجلس آمده است و می‌توان به آن رجوع کرد.

متن گزارش کمیسیون ویژه

بسم الله الرحمن الرحيم

کمیسیون ویژه بررسی مسئله جاسوسان آمریکایی بر اساس رهنمودهای امام پیشنهاد زیر را تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌نماید.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۱۱

از آنجا که دولت آمریکا در گذشته همواره در امور داخلی کشور ایران دخالت‌های گوناگون سیاسی و نظامی کرده است، لهذا باید تعهد و تضمین نماید که از این پس هیچ‌گونه دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران ننماید.

آزاد گذاشتن تمامی سرمایه‌های ما و در اختیار قرار دادن این سرمایه‌ها و کلیه اموال و دارایی‌های ایران که در آمریکا و یا مؤسسات متعلق به دولت یا اتباع آمریکا در سایر کشورهاست، به نحوی که دولت جمهوری اسلامی ایران بتواند به هر کیفیتی که بخواهد از آن استفاده کند و دستور ۲۳ آبان ۱۳۵۸ رئیس جمهور آمریکا و دستورات پس از آن مبنی بر انسداد دارایی‌های ایران کأن لم یکن اعلام گردد و بازگشت به شرایط عادی روز قبل از ۲۳ آبان در مورد کلیه روابط مالی فی‌مابین و رفع هر گونه اثرات ناشی از این دستور از قبیل تهاثرهای انجام شده و انجام کلیه اقدامات لازم حقوقی و اداری از طرف رئیس جمهوری آمریکا جهت ابطال و الغای احکام توقیف صادره از طرف دادرها و دادگاه‌های آمریکا و تضمین امنیت و تحرک و انتقال آزاد این دارایی‌ها در قبال هرگونه اقدام اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی و غیرآمریکایی در کشور آمریکا.

لغو و ابطال کلیه تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران و انجام کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم جهت لغو و ابطال تمامی دعاوی و ادعاهای دولت آمریکا و مؤسسات و شرکت‌های آمریکایی علیه ایران به هر صورت و به هر عنوان و انجام کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم جهت عدم طرح هر نوع دعوی حقوقی یا جزایی و مالی جدید از طرف اشخاص حقیقی و حقوقی رسمی و غیررسمی دولت آمریکا و یا مؤسسات و شرکت‌های آمریکایی و چنانچه هر گونه ادعایی علیه ایران و اتباع ایرانی در هر یک از دادگاه‌ها در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و تصرف مرکز توطئه آمریکا و دستگیرشدگان در آن مطرح شود و رأی به محکومیت ایران و یا اتباع ایرانی صادر شود، دولت آمریکا متعهد و ضامن است پاسخگوی آن باشد و متعهد و ضامن است که غرامت و خسارت ناشی از آن را بپردازد.

۳۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

باز پس دادن اموال شاه معدوم با به رسمیت شناختن و نافذ دانستن اقدام دولت ایران در اعمال حاکمیت خود مبنی بر مصادره اموال شاه معدوم و بستگان نزدیک وی که طبق قوانین ایران اموالشان متعلق به ملت ایران است و صدور حکم رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر شناسایی و توقیف این اموال و به عمل آوردن کلیه اقدامات اداری و حقوقی لازم برای انتقال کلیه این اموال و دارایی‌ها به ایران.

بر اساس این پیشنهاد، دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر انجام کلیه شرایط فوق توسط دولت آمریکا تمامی پنجاه و دو مجرم آمریکایی را آزاد خواهد کرد و در صورتی که انجام بعضی از شرایط فوق نیاز به زمان بیشتری داشته باشد، با قبول کلیه شرایط از طرف دولت آمریکا در برابر انجام هر شرط، تعدادی از مجرمین به تشخیص دولت جمهوری اسلامی ایران آزاد خواهد شد. دولت موظف است پیشنهاد مذکور را برای اعلام به دولت آمریکا و اجرای آن به دو زبان فارسی و انگلیسی تهیه کند که در موارد اختلاف، اصل، نسخه فارسی خواهد بود.

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است پیشنهاد فوق را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با توجه به استقلال اسلامی و سیاست کلی «نه شرقی نه غربی» به مرحله اجرا درآورد و در صورتی که دولت آمریکا به تمام یا بخشی از شرایط مذکور تسلیم نگردد، دستگاه قضایی حسب وظیفه مقرر خود به انجام وظایف و کیفر مجرمین خواهد پرداخت.

پس از بیانات آقای موسوی خویینی‌ها به‌عنوان رئیس کمیسیون ویژه، نمایندگان به ترتیب یک موافق و یک مخالف صحبت کردند.

موافقان عبارت بودند از: آقایان محلاتی، محمد منتظری، حمیدی، محمد علی هادی و بشارتی.

مخالفان نیز عبارت بودند از: آقایان مصطفی تبریزی، سازگارنژاد، حسن یوسفی، محمد خزاعی و امین ناصری.

پس از صحبت‌های مخالف و موافق، آقای موسوی خویینی‌ها توضیحاتی دادند. پس از توضیحات آقای موسوی خویینی‌ها، برای بخشی از مواد مطرح شده، پیشنهادهای از طرف نمایندگان مطرح شد. از جمله خط نهم ماده ۲ (شرایط عادی قبل

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۱۳

از ۲۳ آبان ماه ... مطرح شد که پیشنهاد حذف آن داده شد و آقایان احمد سلامتیان و دکتر یزدی، توضیحاتی به شرح زیر دادند، لکن به تصویب مجلس نرسید.

توضیحات دکتر یزدی

توضیح دادم که در مورد موضوعی که مطرح است مطالب پیچیده‌تر است. قرارداد خاصی مربوط به خریدهای دولت ایران در زمان شاه از طریق وزارت دفاع آمریکا امضا شده است. مستشاران نظامی آمریکایی آنچه را که صلاح می‌دانستند به معاونت تسلیحاتی وزارت دفاع ایران دستور خرید می‌دادند. از آنجا که به موجب قانون فروش سلاح‌های آمریکایی به خریداران خارجی، بهای این سلاح‌ها باید نقداً به آمریکا پرداخت شود، دولت ایران در یک حساب تنخواه‌گردان در وزارت دفاع آمریکا بهای برآورد شده تجهیزات سفارش شده را به این حساب واریز می‌کرد. بر طبق این قرار داد، از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۸ (زمان سقوط بختیار) ایران بیش از ۲۳ میلیارد دلار به این حساب واریز کرده بود.

در ادامه توضیحاتم اضافه کردم که در طی این ۱۱ سال هیچ صورت‌حسابی به دولت ایران داده نشد. یک هفته پس از سقوط بختیار - درست در همان روزی که جناب مهندس بازرگان حکم نخست‌وزیری می‌گرفتند - یک یادداشتی بختیار و آمریکایی‌ها امضا کردند که به موجب آن، تمام قراردادهای قبلی لغو می‌شود. این قرارداد که به‌عنوان تفاهمنامه امضا شد، می‌گویند در این حساب ۹ میلیارد دلار پول بوده؛ معلوم نیست چگونه سمبل کرده‌اند.

از سوی دیگر، علاوه بر آنکه پول کالاها را گرفته‌اند و تحویل نداده‌اند، جریمه هم از آن حساب برداشت کرده‌اند. سپس به سلاح‌های خریداری شده ایران از جمله آواکس‌ها و ناوشکن‌ها اشاره کردم. در ادامه گفتم که دعای اصلش باطل است. آنها دست را پیش گرفته‌اند تا پس نیفتند؛ همچنین به عدم اجرای قرارداد نصب تلفن‌ها اشاره کردم و گفتم ۶۰۰ میلیون دلار در این مورد پول گرفته‌اند، ولی ۳۰ هزار شماره تلفن نصب کرده‌اند که کار هم نمی‌کند؛ تازه شکایت هم کرده‌اند مقداری از پول ما را توقیف کرده‌اند.

۳۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

برگشت به ۱۷ شهریور

در این هنگام به موسوی خویینی‌ها اشاره کرده و گفتم: دعای ما و مطالبات ما چه می‌شود؟ وقتی شما در این متن می‌گویید هر جا حرف آمریکا آمده، حق آن است نام مؤسسات و شرکت‌ها و کمپانی‌های آمریکایی برده شود و وقتی صحبت از دعای مطالبات ایران می‌شود، می‌گویند سرمایه‌های ما. یعنی چه؟ باید این کلمات روشن شود. آنگاه به مسئله بانک‌ها اشاره و مشکلات و طلب آنها را تشریح کردم و خواستم که اینها روشن شود تا دست و پای دولت را نگیرد.

در این هنگام رئیس مجلس - که نمی‌دانم چرا نمی‌خواست من ادامه دهم - تذکر داد که در کلیات و اصول پیشنهادی صحبت کنم، ولی نمایندگان درخواست کردند که مطالبم را ادامه دهم. برخی از نمایندگان با صدای بلند می‌گفتند: مهم است. سپس به اعلام جرم‌های بعضی از کسان گروگان‌ها اشاره کردم که سی و شش میلیون دلار همسر یکی از گروگان‌ها اعلام جرم کرده است. و دلیل این همسر، دوری پدر از فرزند عنوان شده است.

تذکر موسوی خویینی‌ها

در این هنگام موسوی خویینی‌ها با اشاره به سخنان من گفت: در این مورد حق با آقای دکتر یزدی است.

پس از دفاع موسوی خویینی‌ها از سخنان من، رئیس مجلس از من خواست مطالب خود را به صورت یک پیشنهاد بنویسم. وقتی قرار شد نظرم را در قالب پیشنهاد بنویسم، من و آقای سلامتین ضمن پیشنهادی درخواست کردیم که در ماده ۲ اضافه شود که به جای ۲۳ آبان‌ماه - که در شرایط کمیسیون ویژه - ذکر شده است، روز ۱۷ شهریور گنجانده شود و در درخواست دولت ایران منعکس شود که به رأی گذاشته شد و رد شد (روزنامه میزان، ۱۳۵۹/۸/۱۲).

نمایندگان مجلس و گروگان‌ها

بررسی عملکرد مجلس درباره گروگان‌ها بدون مروری بر سخنان نمایندگان مجلس و ارزیابی این سخنان و جوی که بر مجلس حاکم بوده و مقایسه آنچه مجلس تصویب

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۱۵

کرد با آنچه در نهایت انجام شد و گروگان‌ها آزاد شدند، ناقص و نیمه‌تمام خواهد بود. از آنجا که مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در لوح فشرده تهیه شده است، علاقه‌مندان می‌توانند با استفاده از این لوح فشرده، کلیه مواضعی را که نمایندگان مجلس، چه در نطق‌های قبل از دستور و یا در مذاکرات مربوط به گروگان‌ها ابراز داشته‌اند، مطالعه کنند.

با تصویب گزارش هیئت ویژه و محول کردن حل مسئله به دولت، کار مجلس در مورد گروگان‌ها ظاهراً به پایان می‌رسد و از این پس، دولت است که باید نقش خود را در این قضیه ایفا نماید و کاری را که دست اندرکاران اصلی حاضر به اجرای آن نبودند به اجرا در آورد: یعنی آزادی گروگان‌ها.

بعد از این مرحله، تنها در یک مورد بود که دولت برای حل مسئله به مجلس مراجعه کرد و لایحه‌ای را به شرح زیر پیشنهاد داد که در ۱۳۵۹ / ۱۰ / ۲۴ به تصویب رسید.

قانون راجع به حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی دولت جمهوری اسلامی ایران با دولت آمریکا

ماده واحده: به دولت اجازه داده می‌شود که در مورد اختلافات مالی و حقوقی فی‌مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت آمریکا که ناشی از انقلاب اسلامی ایران و تصرف مرکز توطئه آمریکا نباشد با توجه به مفاد مصوبه مجلس شورای اسلامی از طریق داوری مرضی‌الطرفین اقدام و اختلافات مذکور را حل و فصل نماید. تبصره: در مورد اختلافات که رسیدگی در محاکم صالحه ایران در قرارداد مربوطه پیش‌بینی شده است، از شمول این ماده واحده مستثنی خواهد بود.

ابلاغ مصوبه مجلس به آقای مهندس بهزاد نبوی

بسمه تعالی

جناب آقای بهزاد نبوی

وزیر محترم مشاور در امور اجرایی

۳۱۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

عطف به نامه شماره ۱۴۰۲/ مورخ ۱۳۵۹/۸/۲۰ یک نسخه از مصوبه کمیسیون رسیدگی به مسئله گروگان‌ها که در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۵۹/۸/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، به پیوست ایفاد می‌گردد.
اداره کل قوانین - سید حسین ناظم‌زاده

حکم نخست‌وزیر به مهندس بهزاد نبوی

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی بدین وسیله متن تصویب‌نامه مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ هیئت وزیران درباره تفویض اختیار، امضا و مبادله بیانیه‌ها، اسناد، مدارک و مکاتبات مربوطه به شرایط آزادی ۵۲ آمریکایی گروگان نزد ملت ایران و اجرای مفاد توافقات حاصله، به آن برادر به پیوست ارسال و انتظار دارد که ضمن انجام مذاکرات لازم با دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر تصویب‌نامه هیئت وزیران را به موقع اجرا گذارید. ۱۳۵۹/۱۰/۲۹
نخست‌وزیر - محمدعلی رجایی

تصویب‌نامه هیئت دولت

بسم الله الرحمن الرحيم - تصویب‌نامه هیئت وزیران - دادگستری

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ در اجرای مصوبه مورخ ۱۳ آبان ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی متن بیانیه‌های دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر را تصویب نمود. همچنین به آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی، اختیار داده شد که بیانیه‌های فوق‌الذکر و کلاً اسناد و مدارک مربوطه را از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران، امضا و مبادله نمایند، و نیز مکاتبات لازم را انجام و مفاد توافقات حاصله را به مورد اجرا بگذارد.

نخست‌وزیر - محمد علی رجایی

چنان‌که ملاحظه می‌شود، مجلس با ظرافت از قبول مسئولیت اجرایی در آزادی گروگان‌ها خودداری و آن را به دولت واگذار کرد. تعبیر برخی از دست‌اندرکاران اصلی آن بود که هرکس و به هر نحوی گروگان‌ها را آزاد کند، بدنامی تاریخی به بار

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۱۷

خواهد آورد. اگر مجلس بدنام شود، فلج می‌شود و نمی‌توان آن را منحل کرد و مجلس دیگری آورد، اما اگر دولت این کار را انجام دهد و بدنامی به بار آورد، تغییر دولت کار آسانی است.

دولت چگونه مصوبه مجلس را اجرا کرد و گروگان‌ها چگونه آزاد شدند؟ آیا مصوبات مجلس بعد از آن همه جنجال و سخنرانی‌های پرهیجان بالاخره اجرا شد یا نه؟ آیا شاه و اموالش به ایران بازگشتند؟ آیا آمریکایی‌ها اظهار ندامت کردند؟ آیا ذخایر ارزی و سایر ثروت‌های ایران بازگشت داده شدند؟ این موضوعات و مسائل را در فصل بعدی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اقدامات دولت رجایی

توضیح: آنچه را در زیر می‌خوانید همه آنچه را که انجام شده، در بر نمی‌گیرد، بلکه آن چیزی است که من با تمام تلاش و کوشش خود توانسته‌ام جمع‌آوری کنم و در اینجا ارائه دهم.

قانون راجع به حل اختلاف دولت ایران و آمریکا در ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، اما دولت رجایی از آبان‌ماه فعالیت‌های خود را برای حل مسئله آغاز کرده بود.

در گام اول، یک هیئت ویژه زیر نظر بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی و عضویت آقایان احمد غریزی، دکتر گودرز افتخار جهرمی، پرویز ممقانی، علی آگاه، مسعود بامداد و محمد اختراعی تشکیل شد.

در گام دوم، این هیئت با سفیر دولت الجزایر در ایران جلسات متعددی در تاریخ‌های زیر برگزار کرد:

- صورت‌جلسه ۱۳۵۹/۸/۲۱ یادداشت دولت الجزایر مبنی بر پاسخ آمریکا.
- صورت‌جلسه ۱۳۵۹/۸/۲۵ مذاکرات هیئت ایرانی با هیئت الجزایری.
- صورت‌جلسه ۱۳۵۹/۸/۲۸ مذاکرات هیئت ایرانی با هیئت الجزایری.
- صورت‌جلسه ۱۳۵۹/۸/۲۹ مذاکرات هیئت ایرانی با هیئت الجزایری.
- صورت‌جلسه اول آذر ۱۳۵۹، ساعت ۷ صبح.

۳۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- صورت جلسه ۳ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۷ صبح.
- صورت جلسه ۱۲ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۱۱ صبح.
- صورت جلسه ۱۳ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۴ بعد از ظهر.
- صورت جلسه ۱۷ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۱۰ صبح.
- صورت جلسه ۱۹ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۴ بعد از ظهر.
- صورت جلسه ۲۷ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۱:۳۰ بعد از ظهر.
- صورت جلسه ۲۷ آذر ۱۳۵۹، ساعت ۶:۳۰ بعد از ظهر.
- صورت جلسه ۳ دی ۱۳۵۹، ساعت ۱۱:۳۰ صبح.
- صورت جلسه ۱۶ دی ۱۳۵۹.
- صورت جلسه ۱۷ دی ۱۳۵۹.
- صورت جلسه ۱۸ دی ۱۳۵۹، ساعت ۱۰ صبح.
- صورت جلسه ۲۰ دی ۱۳۵۹، ساعت ۱۱ صبح.

مذاکرات جلسه ۲۹ آبان ۱۳۵۹ میان هیئت ایرانی و الجزایری

بسم الله الرحمن الرحيم

در ساعت ۱ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۹ آبان ۱۳۵۹ جلسه‌ای در محل نخست‌وزیری به منظور ارائه یادداشت دولت جمهوری اسلامی ایران در پاسخ یادداشت آمریکا در رابطه با شرایط مصوبه مجلس شورای اسلامی به هیئت اعزامی دولت الجزایر تشکیل شد.

شرکت کنندگان عبارت بودند از:

از الجزایر: آقای رضا مالک، سفیر الجزایر در آمریکا؛ آقای عبدالکریم غرائب، سفیر الجزایر در ایران؛ آقای الصفیر مصطفایی، رئیس بانک مرکزی الجزایر؛ آقای محمد بوالحسین، مدیر کل اقتصادی وزارت خارجه الجزایر.

از ایران: آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرایی؛ آقای گودرز افتخار جهرمی، مشاور حقوقی؛ آقایان پرویز ممقانی و مسعود بامداد، نمایندگان بانک مرکزی ایران؛ آقای علی اصغر آگاه، نماینده وزارت امور خارجه ایران و آقای احمد عزیزی.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۱۹

- آقای نبوی ابتدا توضیح داد که متن تهیه شده در رابطه با پاسخ آمریکا نمی تواند به عنوان یک پاسخ تلقی شود، بلکه تنها سؤالاتی است برای روشن تر شدن موضع آمریکا. سپس متن تهیه شده در جلسه قبل - که مورد تصویب قرار گرفته و ضمیمه صورت جلسه مورخ ۱۳۵۹/۸/۲۵ می باشد - توسط آقای نبوی قرائت و توسط آقای دکتر افتخار برای هیئت الجزایری ترجمه شد. به دنبال قرائت این متن، تذکرات شفاهی در رابطه با پاسخ آمریکا (به شرح متن پیوست صورت جلسه ۱۳۵۹/۸/۲۸) توسط آقای نبوی به هیئت داده شد تا به اطلاع مقامات آمریکایی برسد.

با توجه به اینکه قرار بود مواردی از طریق دولت الجزایر استفاده شده و یا درخواست شود، آقای نبوی در رابطه با رسمیت پاسخ آمریکا سؤالی مطرح کرد و ضمن آن پرسیدند که آیا اوراق پاسخ آمریکا نسخه اصلی و همراه با مهر بوده است یا نه؟ - در پاسخ، آقای مالک اظهار داشت: این اوراق مهر و امضا نداشته و به همان ترتیب که به شما دادیم دریافت شده است، ولی آمریکا قول داده که در صورت درخواست، اسناد امضا شده را نزد دولت الجزایر بگذارد. وی اضافه کرد که ما این اوراق را طی یک یادداشت رسمی به شما دادیم و با توجه به اینکه این یادداشت رسمی است، این متن رسمیت پیدا می کند.

- سؤال شد که آیا آمریکا هم آنها را طی یادداشت به شما داده بود؟

- در پاسخ، آقای مالک اظهار داشت: بله، و این یادداشت خطاب به وزیر خارجه الجزایر بود.

- آقای نبوی آنگاه با طرح موارد زیر درخواست کرد که هرچه زودتر ترتیب دریافت آنها از دولت آمریکا داده شود:

- ۱- لیست دعاوی اقامه شده علیه ما در آمریکا.
- ۲- لیست سپرده های ما در بانک های آمریکایی در خارج و داخل آمریکا با احتساب بهره ها.
- ۳- لیست تهااترها بر روی سپرده ها در داخل و خارج آمریکا به تفکیک لیست اموال و دارایی های ایران.
- ۴- لیست احکام توقیف صادره در دادگاه های آمریکا.

۳۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایشان در دنبالهٔ مطلب بالا افزود که دلیل درخواست این بررسی، اختلاف موجود بین اقلام رسمی ما و اقلام ارائه‌شده از طرف مقامات آمریکایی و پیگیری علل آن است.

- آقای نبوی سپس مطالبی به‌عنوان توضیحات کلی به شرح زیر ارائه کردند:

در مورد قسمت دوم از موارد اختلاف در رابطه با بند ۳ شرایط مجلس شورای اسلامی، وقتی از طرف ما عنوان می‌شود که در مورد لغو دعاوی علیه ایران صحبتی نشده است. این بدین معنی نیست که ما از عدم توانایی آمریکا در پذیرش این شرط آگاهی نداریم. آنچه ما می‌خواهیم پاسخ روشن، مثبت یا منفی است. در صورتی که پاسخ منفی باشد در این صورت ما قادر خواهیم بود که راه حل مورد نظر خود را پیشنهاد کنیم؛ در عین حال که استقلال قوه قضاییه آنها هم محفوظ بماند. همین‌طور در مورد اموال شاه هم با دریافت پاسخ مشخص خواهیم توانست راه حل خود را ارائه نماییم. آخرین نکته‌ای که می‌خواهم توضیح بدهم این است که هرچه پاسخ آمریکا مبهم‌تر باشد سرعت پیشرفت کار کاهش پیدا می‌کند. این‌گونه پاسخ‌ها ممکن است برای کسی که بتواند یا بخواهد مفید باشد، ولی ما را که مجری مصوبهٔ مجلس هستیم متوقف و مردد می‌کند. احساس ما این است که آمریکا از پاسخ صریح طفره می‌رود. شاید این کار به دو دلیل انجام می‌شود: اول اینکه مایلند مسئله حل نشود و ادامه پیدا کند و دوم نگرانی آنها از عکس‌العمل نامساعد ماست. واقعیت این است که با دریافت پاسخ صریح، خیلی سریع‌تر می‌توانیم در این مورد اقدام کنیم. از شما می‌خواهم که همهٔ کوشش خود را برای دریافت پاسخ صریح از آنها به کار ببندید.

- آقای رضا مالک در این رابطه اظهار داشت: آنها تأکید کرده‌اند که می‌خواهیم هرچه سریع‌تر این موضوع را فیصله دهیم و برای این منظور، حاضریم حداکثر امتیازات را بدهیم، ولی در چهارچوب قانون اساسی.

- آقای نبوی پاسخ داد: ما نمی‌خواهیم که آنها تنها حرف‌های خوب بزنند. بهتر است حرف‌های خود را به نحوی عرضه کنند که جنبهٔ نفی یا اثبات آن به سادگی قابل درک باشد و وقتی جواب بدین‌گونه ارائه می‌شود، ما نمی‌توانیم نفی یا اثبات آن را تشخیص بدهیم. از آنجا که ما قدرت مانور نداریم، اگر به جای پاسخ مساعد حرف‌های خوب هم بزنند ما کاری نمی‌توانیم بکنیم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۲۱

- آقای عبدالکریم غرایب در این رابطه اظهار داشت: در مورد بطلان دعاوی، کارتر آنچه در اختیارش هست انجام می‌دهد، ولی قسمتی از کار بر عهده قوه قضائیه است که برای انجام آن هم سه راه حل پیشنهاد شده است.

- آقای نبوی پاسخ داد: در این رابطه، مجلس بر لغو و ابطال دعاوی تأکید کرده است و آنچه آمریکا پیشنهاد کرده، لغو و ابطال دعاوی نیست و سه راه حلی که ارائه شده فی الواقع ادامه دعواست.

از راه دیگر با دریافت پاسخ صریح، حتی اگر موردی به صورت منطقی رد شده بود ما می‌توانیم آن را به مجلس برگردانیم و ضمن گوشزد کردن غیرعملی بودن آن، تقاضای شور مجدد نماییم. از نظر ما مهم این است که آنها حرف آخر خود را بزنند.

- آقای مالک اظهار داشت: در مورد این دعاوی آنها شفاهاً گفتند که به علت استقلال قوه قضائیه و امر تفکیک [بین قوه مجریه و قضائیه آمریکا]، رئیس جمهور نمی‌تواند اقدامی نماید و سه راه حل هم به همین دلیل پیشنهاد شده است. به ما گفته‌اند که اگر آنها (ایران) پیشنهادی دارند می‌توانند ارائه بدهند.

- آقای نبوی تأکید کرد: این فعلاً پاسخ ما نیست و تنها تقاضای تشریح و توضیح است. موضع ما حل سریع مسئله است با توجه به شرایطی که مجلس تعیین کرده است و علت اینکه این‌طور دقیق به دنبال موضوع هستیم، این است که نمی‌توانیم از چهار چوب آن فراتر برویم.

در حدود ساعت ۲:۲۰ بعد از ظهر، جلسه پایان یافت و جلسه بعدی به ساعت ۱۰ صبح روز شنبه اول آذرماه ۱۳۵۹ موکول شد.

در این جلسه، نمایندگان دولت الجزایر پس از مطالعه یادداشت ایران، سؤالات احتمالی خود را مطرح خواهند کردند.

متن یادداشت دولت آمریکا

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا احترامات خود را به وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک خلق الجزیره تقدیم داشته و افتخار دارد که درخواست نماید موضع پیوست دولت ایالات متحده آمریکا را به دولت جمهوری اسلامی ایران در

۳۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

پاسخ به تصمیم متخذة مورخ دوم نوامبر ۱۹۸۰ توسط مجلس مشورتی اسلامی ایران ابلاغ نماید.

پیوست: وزارت امور خارجه - واشنگتن - به تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۸۰

موضع دولت ایالات متحده آمریکا

دولت ایالات متحده آمریکا تصمیم مورخ دوم نوامبر ۱۹۸۰ را که مجلس مشورتی اسلامی ایران اتخاذ نموده، دریافت و دقیقاً آن را مطالعه نموده است.

ایالات متحده اصل تصمیم متخذة بر مبنای پایان دادن به بحران را مورد قبول قرار داده و بدین وسیله یک سلسله امریه‌های ریاست جمهوری و اعلامیه‌هایی در پاسخ به تصمیم متخذة را اعلام می‌دارد. هر یک از امریه‌ها و اعلامیه‌های ریاست جمهوری باید به اطلاع عامه رسیده و پس از عزیمت ۵۲ نفر گروگان به سلامت از ایران تنفیذ خواهد گردید.

۱- ایالات متحده آمریکا حاضر است که یک نسخه از اعلامیه رسمی را که به امضا رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا رسیده و در آن ایالات متحده خط مشی خود را که عبارت از خودداری از دخالت کردن در امور داخلی ایران اعم از مستقیم و یا غیر مستقیم و سیاسی و یا نظامی باشد اعلام دارد و آن را به دولت الجزیره تسلیم نماید.

۲- الف- ایالات متحده حاضر است که یک نسخه از امریه‌ای را که به امضای ریاست جمهوری رسیده است، دایر بر آزاد کردن کلیه سرمایه و دارایی‌های ایران در حوزه قضایی ایالات متحده آمریکا - خواه در ایالات متحده آمریکا یا کشورهای دیگری باشد - به دولت الجزیره تسلیم نموده و طرفین به نحو مقتضی اقدام به ازسرگرفتن روابط عادی مالی به همان نحوی بنمایند که قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ وجود داشته است.

ب- امریه ریاست جمهوری که پیوست آن است، به فدرال رزرو بانک نیویورک دستور خواهد داد که کلیه سرمایه و دارایی‌ها و اموالی را که در دست بانک بوده که بالغ بر دو میلیارد و نیم دلار می‌شود در اختیار دولت ایران قرار دهد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۲۳

ج - امریه دیگر ریاست جمهوری - که پیوست می‌باشد - کلیه قیود و محدودیت‌های حقوقی ایالات متحده را از مبلغ اضافی دیگری که تقریباً بالغ بر سه میلیارد دلار بوده و به‌عنوان سپرده نزد بانک‌های ایالات متحده در خارج از ایالات متحده می‌باشد رفع می‌نماید.

د- برای آنکه بتوان ابطال کلیه قرارهای قضایی و توقیف‌های مربوط به سرمایه و دارایی ایران در حوزه قضایی ایالات متحده را به موقع اجرا گذاشت، ایالات متحده حاضر است یک نسخه از اعلامیه امضا شده از طرف ریاست جمهوری را دایر بر اینکه ایالات متحده تعهد می‌نماید که به دولت ایران در تصفیه جریان دعاوی که منتهی به ابطال قرارها و توقیف اموال هر چه زودتر امکان‌پذیر باشد، ملحق گردد به دولت الجزیره تسلیم نماید.

۳- الف- ایالات متحده حاضر است یک نسخه از امریه را که به امضای ریاست جمهوری رسیده است دایر بر ابطال کلیه مجازات‌های اقتصادی و مالی و کلیه ممنوعیت‌های حقوقی که از تاریخ توقیف گروگان‌ها علیه صادرات به ایران و واردات از ایران و معاملات با ایران وضع گردیده است، به دولت الجزیره تسلیم نماید. تا آنکه اجازه دهد بازرگانی بین دو کشور بر مبنای شرایطی که قبل از تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ برقرار بوده است، از سرگرفته شود.

ب- ایالات متحده حاضر است یک نسخه از امریه را که به امضای ریاست جمهوری رسیده است دایر بر اعلام تعهد ایالات متحده برای استرداد کلیه دعاوی جاری علیه ایران در دادگاه بین‌المللی دادگستری را به دولت جمهوری الجزیره تسلیم نموده و از تعقیب کردن هرگونه دعاوی دیگری برای خسارات مالی از لحاظ تصرف سفارت ایالات متحده و بازداشت گروگان‌ها در تهران خودداری نماید.

ج- علاوه بر این به‌طوری که در بند (د) ماده ۲ بالا بدان اشاره شده است، ایالات متحده حاضر است خود را متعهد سازد که به دولت ایران در جریان تصفیه کلیه دعاوی که منجر به فسخ و ابطال کلیه دعاوی که از طرف اتباع ایالات متحده آمریکا گردیده از جمله شرکت‌های آمریکایی و عمال و نمایندگان و شخصیت‌های حقوقی که توسط دولت ایالات متحده کنترل می‌شوند و علیه ایران اقامه شده است، ملحق گردد.

۳۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- الف- ایالات متحده حاضر است یک نسخه از امریه ریاست جمهوری را که به امضای ریاست جمهوری رسیده، دایر بر ممنوعیت از انتقال دادن هر یک از اموالی باشد که به شاه سابق تعلق داشته و یا آنکه از طرف او ناشی می‌شود به دولت الجزیره تسلیم نماید.

ب- امریه مزبور مستلزم جمع‌آوری کردن کلیه اطلاعاتی خواهد بود که در اختیار اتباع ایالات متحده و یا در سوابق مالی دولت ایالات متحده و تسلیم نمودن آنها به دولت ایران خواهد بود که ممکن است برای احراز هر یک از اموال شاه سابق در ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار گیرد.

ج- علاوه بر این، امریه مزبور به دادستان کل ایالات متحده آمریکا دستور خواهد داد که به کلیه دادگاه‌های شایسته ایالات متحده دستور دهد که موضع دولت ایالات متحده آمریکا از این قرار است که اولاً هیچ‌گونه دعاوی دولت ایران نسبت به اموال شاه سابق را نباید به منزله آن دانست که قانوناً باید ممتنع شناخته شود، خواه بر طبق اصول مصونیت حق حاکمیت با اصل رویه کشور و ثانیاً کلیه فرامین و احکام دولت ایران راجع به اموال مزبور را بتوان در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا بر طبق قوانین ایالات متحده به موقع اجرا گذاشت.

۵- الف- ایالات متحده عقیده دارد که پاسخ‌ها به تصمیم مجلس ایران، نمایانگر مرحله نهایی برای حل مسئله گروگان‌گیری می‌باشد. مرحله نهایی که بنا بر عقیده ایالات متحده باید در چند روز آینده اتخاذ گردد، آن است که باید ترتیبی از طریق ادارات محترم دولت الجزیره برای آزاد کردن کلیه گروگان‌ها همزمان با اقدامات مخصوصی اتخاذ گردد که از طرف ایالات متحده اتخاذ می‌گردد.

ب- برای عملی ساختن این مرحله نهایی ایالات متحده آمریکا نسخه‌های اعلامیه‌ها و امریه‌های ریاست جمهوری را که در بالا بدان اشاره شده است، به دولت الجزیره تسلیم خواهد نمود که پس از عزیمت به سلامت کلیه گروگان‌ها از ایران نافذ خواهد گردید.

پس از آنکه عزیمت سلامت مورد تأیید دولت الجزیره قرار گرفت، دولت ایالات متحده، امریه‌ها و اعلامیه‌های ریاست جمهوری را انتشار خواهد داد.

اعلامیه‌ها و امریه‌های ریاست جمهوری آمریکا

شماره ۱: عدم مداخله (اعلامیه ریاست جمهوری)

شماره ۲: دارایی‌های ایران:

امریه ریاست جمهوری برای آزاد کردن دارایی‌های ایران.

امریه ریاست جمهوری دایر بر دستور پراخت وجه توسط فدرال رزرو بانک.

امریه ریاست جمهوری دایر بر اجازه قرار دادن وجوه فدرال رزرو بانک در اختیار

مؤسسه مالی کشور ثالث.

امریه ریاست جمهوری دایر بر آزاد گزاردن سپرده‌های ایران در بانک‌های آمریکایی

ماوراء بحار.

اعلامیه ریاست جمهوری در مورد تصفیه دعاوی خسارات.

شماره ۳: ابطال مجازات‌ها و دعاوی ایالات متحده:

امریه ریاست جمهوری دایر بر ابطال ممنوعیت علیه تجارت با ایران.

اعلامیه ریاست جمهوری دایر بر عدم تعقیب دعاوی.

شماره ۴: دارایی‌های شاه:

امریه ریاست جمهوری اولاً برای متوقف ساختن دارایی‌های شاه و ثانیاً خواستار شدن

برای دادن گزارش و ثالثاً دستورات به دادستان کل.

کاخ سفید، واشنگتن: اعلامیه رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا - عدم مداخله

در ایران.

دولت ایالات متحده آمریکا بدین وسیله اعلام می‌دارد که خط‌مشی ایالات متحده

آمریکا بر این است که انقلاب ایران و آزادی در انتخاب خط‌مشی مردم ایران را بپذیرد

و دولت جمهوری اسلامی ایران را به نحوی که در حال حاضر تشکیل گردیده است،

قبول نماید و مستقیماً و یا غیرمستقیم و یا از لحاظ سیاسی و نظامی در امور داخلی

ایران مداخله ننماید.

اعلامیه خط‌مشی، موقعی انتشار خواهد یافت که دولت الجزیره نزد دولت ایالات

متحده گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و کلیه اتباع دیگر

ایالات متحده که به‌عنوان گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران

عزیمت نموده‌اند.

کاخ سفید واشنگتن - اعلامیه رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

موضوع: عدم تعقیب دعاوی که از بحران گروگان‌گیری ناشی می‌شود

پس از عزیمت به سلامت گروگان‌ها از ایران، دولت ایالات متحده آمریکا کلیه دعاوی را که در حال حاضر علیه دولت ایران در دادگاه بین‌المللی دادگستری جریان دارد، مسترد خواهد داشت. از آن به بعد دولت ایالات متحده آمریکا هیچ‌گونه ادعایی را که در اثر توقیف گروگان‌ها از تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ ناشی شده است و همچنین از بازداشت بعدی آنها یا خسارت مادی به اموال ایالات متحده در داخل سفارت آمریکا که از تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا این تاریخ اقامه شده است، به ایران ارائه نداشته و به نحو دیگری تعقیب نخواهد کرد؛ حتی از طرف اشخاصی که در مدت بعد از تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ به‌عنوان گروگان نگاه داشته شده‌اند.

این اعلامیه موقعی نافذ خواهد گردید که دولت الجزیره نزد دولت ایالات متحده آمریکا گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و کلیه اتباع ایالات متحده که در ایران به گروگان گرفته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده باشند.

اعلامیه رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا - برقرار ساختن برنامه دعاوی

دولت ایالات متحده آمریکا بدین وسیله اعلام می‌دارد که بلافاصله پس از آنکه ۵۲ نفر اتباع ایالات متحده آمریکا که در حال حاضر به‌عنوان گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند، دولت ایالات متحده آمریکا برای قرار ساختن هیئتی از لحاظ اقامه برنامه دعاوی ملحق خواهد گردید که بر طبق آن کلیه دعاوی ایالات متحده آمریکا علیه ایران به یکی از سه طریق زیر ابطال خواهد شد.

۱- دعاوی شخصی که ممکن است در اثر توافق بین فرد بستانکار و بدهکار مخصوص ابطال گردد.

۲- یک نوع یا انواع مختلف دعاوی ممکن است با موافقت بین دولت تصفیه شود.

۳- دعاوی را که از طریق یکی از دو طریق بالا ابطال نگردد، باید بر طبق رویه‌ای که برای داوری‌های بین‌المللی پذیرفته شده است، احاطه گردد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۲۷

این اعلامیه در موقعی تنفیذ خواهد گردید که دولت الجزیره نزد دولت ایالات متحده گواهی دهد که کلیه مستخدمین سفارت ایالات متحده در ایران و سایر اتباع ایالات متحده که به عنوان گروگان نگاه داشته شده‌اند، به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

امریه اجرایی ابطال ممنوعیت علیه معاملاتی که ایران در آن دخیل می‌باشد بنا بر اختیاراتی که به این‌جانب به سمت رئیس جمهور بر طبق قانون اساسی و قوانین ایالات متحده آمریکا تفویض گردیده است، از جمله ماده ۲۰۳ قانون اختیارات اقتصادی ضروری بین‌المللی (مجموعه قوانین، شماره ۵۰ ایالات متحده، به شماره ۱۷۰۲)، قانون کنترل صادرات اسلحه (مجموعه قوانین شماره ۲۲ ایالات متحده، به شماره ۲۷۵۱ و بعد)، قانون اداره امور صادرات مصوب سال ۱۹۷۹ (مجموعه قوانین شماره ۵۰ ایالات متحده، پیوست شماره ۲۴۰۱ و بعد)، ماده ۳۰۱ مبحث سوم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲، مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا، ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۳۰۱ قانون موارد اضطراری ملی (مجموعه قوانین شماره ۵۰ ایالات متحده آمریکا، به شماره ۱۶۳۱). نظر به استمرار تهدید غیر عادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و خط‌مشی خارجی و اقتصادی ایالات متحده که به استناد آن اعلامیه، این‌جانب در موارد اضطراری ملی در امریه اجرایی شماره ۱۲۲۱۱ که در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ انتشار یافته و برای شروع کردن رویه‌ای از لحاظ عادی شدن روابط بین ایالات متحده آمریکا و ایران بدین‌وسیله مقرر می‌دارد که از تاریخ تنفیذ این امریه.

۱-۱۰۱- امریه اجرایی شماره ۱۲۲۰۵، مورخ ۷ آوریل ۱۹۸۰ و امریه اجرایی شماره ۱۲۲۱۱، مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ و اعلامیه شماره ۴۷۰۲، مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۷۹ بدین‌وسیله ابطال می‌گردند.

۱-۱۰۲- این امریه در تاریخی تنفیذ خواهد گردید که دولت الجزیره نزد دولت ایالات متحده گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و کلیه اتباع دیگر ایالات متحده آمریکا که به عنوان گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

فرمان ریاست جمهوری آمریکا برای لغو موانع مربوط به معاملات با ایران

به موجب اختیاراتی که از طرف قانون اساسی و قوانین ایالات متحده و همچنین بخش ۲۰۳ قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (SC 1702 1150) و بخش ۳۰۱ مبحث ۳ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۳۰۱ قانون مربوط به اوضاع فوق‌العاده ملی (SC 163111 ۵۰) به من به‌عنوان رئیس جمهور تفویض شده است و با توجه به تهدید مستمر غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصادی ایالات متحده که بر آن اساس اعلامیه‌های وضع فوق‌العاده در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ اتخاذ کرده‌ام و به منظور عادی کردن روابط بین ایالات متحده و ایران دستور داده می‌شود که از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان:

۱-۱۰۱- فرمان ریاست جمهوری، شماره ۱۲۲۰۵ مورخ ۷ آوریل ۱۹۸۰ و فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ و اعلامیه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۷۹ طبق این دستورات لغو گردند.

۱-۱۰۲- این فرمان در زمانی که الجزایر به دولت ایالات متحده گواهی کند که تمام کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و سایر شهروندان آمریکا که به‌منزله گروگان گرفته شده‌اند، ایران را صحیح و سالم ترک کرده‌اند، به اجرا در خواهد آمد.

۱-۱۰۳- وزیر خزانه‌داری اجازه و اختیار دارد که تمام اختیارات تفویضی به رئیس جمهور طبق قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (SC 1701 1150) را به منظور اجرای هدف این قانون اعمال کند.

۱-۱۰۴- این فرمان به محضی که دو عمل زیر صورت گرفت، به اجرا در خواهد آمد:
الف- دریافت اطمینان از طرف دولت الجزایر که تمام پرسنل سفارت ایالات متحده در ایران و سایر شهروندان آمریکایی که به‌منزله گروگان در ایران گرفته شده‌اند، ایران را صحیح و سالم ترک کرده‌اند.

ب- توافق دولت ایران به یک راه حل بین‌المللی اختلافات (شامل حکمیت یک مرحله‌ای یک شخص ثالث برای تمام شکایاتی که با توافق طرفین حل نشده باشند) که

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۲۹

شامل بررسی و حل و فصل هرگونه شکایتی که قبلاً از طرف شهروندان و مؤسسات ایالات متحده در دادگاه‌های ایالات متحده علیه ایران و مأمورین و ارکان تحت صلاحیت آن و (در مورد سایر شکایات ناشی از گروگان‌گیری در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ و توقیف بعدی آنها یا خسارات وارده به اموال شهروندان آمریکایی در محوطه سفارت در تهران پس از ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا این تاریخ) شده است، باشد.

امریه اجرایی: اجازه برای انتقال دادن اموال ماوراء بحار دولت ایران

بنابر اختیارات اعطایی به اینجانب به‌عنوان رئیس جمهور بر طبق قانون اساسی و سایر قوانین ایالات متحده آمریکا از جمله ماده ۲۰۳ قانون اختیارات اقتصادی موارد اضطراری بین‌المللی (مجموعه قوانین شماره ۵۰ ایالات متحده به شماره ۱۷۰۲ و ماده ۳۰۱ مبحث سوم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۳۰۱ قانون موارد اضطراری ملی مجموعه قوانین شماره ۵۰ ایالات متحده آمریکا شماره ۱۶۳۱) و نظر به استمرار تهدید غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و خط‌مشی خارجی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا که برطبق آن اعلامیه اینجانب در مورد اضطراری ملی در امریه اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ انتشار یافته و امریه اجرایی شماره ۱۲۲۱۱ که در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ انتشار یافته بر آن بنا شده است و برای شروع رویه جهت عادی ساختن روابط بین ایالات متحده آمریکا و ایران بدین‌وسیله دستور داده می‌شود از تاریخ تنفیذ این امریه.

۱-۱۰۱- هر شعبه یا اداره مرکزی بانک ایالات متحده یا ادارات و شعب تابعه آن که اداره یا شعبه مزبور در خارج از قلمرو ایالات متحده آمریکا واقع است و در تاریخ تنفیذ این امریه اولاً وجوه یا اوراق بهاداری را که قانوناً یا از لحاظ انتفاع از حق به دولت ایران و یا نمایندگان آن و یا شخصیت‌هایی که تحت کنترل می‌باشند تعلق دارد در تصرف دارد یا ثانیاً ادامه دادن سپرده‌های ثبت‌شده در دفاتر خود که به حساب بستانکار یا از لحاظ انتفاع از حق به دولت مزبور یا نمایندگان و یا شخصیت حقوقی آن تعلق دارد اجازه داده می‌شود که وجوه نقد و یا اوراق بهادار و یا سپرده‌ها را به

۳۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

نحوی که بعد از تاریخ تنفیذ توسط دولت ایران و از طریق نمایندگان مجاز آن دستور داده شود نگاه داشته و یا اینکه اجازه انتقال آنها را بدهند.

۱-۱۰۲- به وزیر خزانه‌داری، نمایندگی و اجازه داده می‌شود که کلیه وظایفی را که به رئیس جمهور برطبق قانون اختیارات اختصاص موارد ضروری بین المللی تفویض گردیده است (قانون ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده شماره ۱۷۰۱ و بعد) منظور این امریه را به موقع اجرا بگذارد.

۱-۱۰۳- این دستور در موقعی تنفیذ خواهد گردید که دولت الجزایر نزد دولت ایالات متحده آمریکا گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران و کلیه اتباع دیگر ایالات متحده آمریکا که در ایران به‌عنوان گروگان نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

امریه اجرایی: اجازه برای انتقال قسمتی از اموال دولت ایران

بنابر اختیاراتی که به این‌جانب به‌عنوان رئیس جمهور بر طبق قانون اساسی و قوانین ایالات متحده آمریکا تفویض گردیده است، ازجمله ماده ۲۰۳ قانون اختیارات اقتصادی موارد ضروری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده به شماره ۱۷۰۲) و ماده ۳۰۱ مبحث سوم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و ماده ۳۰۱ قانون موارد اضطراری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به شماره ۱۶۳۱) و نظر به استمرار تهدید غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و اقتصاد و خط‌مشی خارجی ایالات متحده که بر طبق آن این‌جانب اعلامیه مورد اضطرار ملی و دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ انتشار یافته و امریه اجرایی ۱۲۲۱۱ را که در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ انتشار یافته بر آن بنا نموده‌ام و برای آنکه رویه عادی ساختن روابط موجود بین ایالات متحده آمریکا و ایران شروع شود بدین‌وسیله مقرر می‌دارد که از تاریخ تنفیذ این امریه.

۱-۱۰۱- کلیه سرمایه‌ها و دارایی دولت ایران و کارگزاران آن یا شخصیت‌های حقوقی که توسط آن کنترل می‌شود و تابع حوزه صلاحیت ایالات متحده آمریکا

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۳۱

می‌باشند و یا آنکه در تصرف اشخاصی است که تابع صلاحیت قضایی ایالات متحده می‌باشند، بدین وسیله آزاد شده؛ به نحوی که سرمایه و دارایی‌های مزبور مجاز می‌باشند که بنا به دستوری که بعد از تاریخ تنفیذ این امریه توسط دولت ایران و کارداران و یا شخصیت‌های حقوقی که تحت کنترل آن می‌باشند داده می‌شود، اجازه داده می‌شود که نگهداری شده و یا آنکه انتقال پیدا کنند.

۱-۲-۱۰-۱ به وزیر خزانهداری، نمایندگی و اجازه داده می‌شود که کلیه وظایفی را که بر طبق قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده، شماره ۱۷۰۱ و بعد) به رئیس جمهور تفویض گردیده است، برای انجام دادن منظور این امریه را به موقع اجرا بگذارد.

۱-۳-۱۰-۱ این امریه در موقعی تنفیذ خواهد گردید که دولت الجزایر نزد دولت ایالات متحده آمریکا گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران و سایر اتباع ایالات متحده آمریکا که در ایران به صورت گروگان نگاه داشته شده‌اند، به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

امریه اجرایی: محدودیت‌هایی درباره انتقال دادن اموال شاه سابق ایران

بنابر اختیاراتی که به این جانب به‌عنوان رئیس جمهور بر طبق قانون اساسی و قوانین ایالات متحده آمریکا تفویض گردیده است به انضمام ماده ۲۰۳ قانون اختیارات، اختصاص موارد اضطراری بین‌المللی شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده، به شماره ۱۷۰۲ و ماده ۳۰۱ مبحث سوم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به شماره ۱۶۳۱) و نظر به استمرار تهدید غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و اقتصاد و خط‌مشی خارجی ایالات متحده که این جانب اعلامیه مورد اضطراری ملی را در امریه شماره ۱۲۱۷۰ این جانب که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ انتشار یافته و امریه اخراجی ۱۲۲۱۱ را که در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ انتشار یافته بر مبنای آن بنا نموده‌ام و برای اینکه اسلوبی برای عادی ساختن روابط بین ایالات متحده آمریکا و ایران شروع شود، بدین وسیله دستور داده می‌شود که از تاریخ تنفیذ این امریه.

۳۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱-۱۰۱- به منظور حفظ حقوق متخاصمین در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا هرگونه مالی که در ایالات متحده آمریکا قرار گرفته که نسبت به آن ترکه محمدرضا پهلوی شاه سابق مستقیماً یا من غیرمستقیم کنترل دارد و یا اینکه نسبت به آن حقوقی دارد، بعد از تاریخ تنفیذ این امریه نباید به خارج از ایالات متحده انتقال یابد.

۱-۱۰۲- وزیر خزانه‌داری باید مقررات آیین‌نامه‌ای را وضع کند که از کلیه اشخاصی که تابع صلاحیت قضایی ایالات متحده آمریکا می‌باشند و کسانی که عملاً یا فرضاً اموالی از نوعی را که در بند ۱۰۱-۱ شرح داده شده در تصرف دارند و یا آنکه اطلاعی از لحاظ تصرف آن توسط اشخاص دیگری دارند، باید اموال مزبور یا اطلاعات مزبور را به وزیر خزانه‌داری بر طبق مقررات آیین‌نامه مزبور گزارش دهند.

۱-۱۰۳- به وزیر خزانه‌داری اجازه و دستور داده می‌شود که اولاً به کلیه عمال در داخل شعبه اجرایی دولت ایالات متحده آمریکا دستور دهد که کلیه دفاتر مالی رسمی و پرونده‌هایی را که برای احراز و اثبات هرگونه مالی از نوعی باشد که در بند ۱-۱۰۱ این امریه دستور داده شده است، به وزیر خزانه‌داری تسلیم نمایند. ثانیاً کلیه اطلاعاتی را که موجب احراز واقعیت گردیده و از دفاتر و پرونده‌های مزبور استخراج می‌شود به‌طور کامل و تاحدودی که برطبق قانون اجازه داده شده است، در دسترس دولت جمهوری اسلامی ایران و عمالی که از طرف آن تعیین می‌شود بگذارند.

۱-۱۰۴- دادستان کل ایالات متحده آمریکا نظریه خود را به رئیس جمهوری اعلام داشته است که هیچ‌گونه ادعایی به نمایندگی از طرف جمهوری اسلامی ایران را برای وصول اموال از نوعی که در بند ۱-۱۰۱ این امریه شرح داده شده است نباید قانوناً ممتنع دانست، خواه بر طبق اصول مصونیت از لحاظ حق حاکمیت و یا بر طبق اصول رویه دولت به دادستان کل اجازه و دستور داده می‌شود که بنابر درخواست شورایی که نمایندگی دولت جمهوری اسلامی ایران را دارد، به دادگاه یا دادگاه‌های صلاحیت‌دار شایسته، تذکراتی درباره‌ی علایقی بدهد که منعکس‌کننده این واقعیت باشد که موضع دولت ایالات متحده آمریکا از آن قرار بوده و اینکه موضع ایالات متحده آمریکا بر این قرار گرفته است که کلیه فرامین و احکام مربوط به دارایی شاه سابق توسط دادگاه‌های

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۳۳

مزبور تاحدودی به موقع اجرا گذارده شود که قوانین ایالات متحده آمریکا اجازه می‌دهد.

۱-۱۰۵- به وزیر خزانه‌داری اجازه و نمایندگی داده می‌شود که کلیه وظایفی را که به رئیس جمهور بر طبق قانون اختیارات اقتصادی موارد اضطراری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به شماره ۱۷۰۱ و بعد) تفویض گردیده است، به منظور این امریه به موقع اجرا گذارد.

۱-۱۰۶- این امریه موقعی تنفیذ خواهد گردید که دولت الجزایر در مقابل دولت ایالات متحده آمریکا گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و کلیه اتباع ایالات متحده که به عنوان گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

امریه اجرایی: اجازه به فدرال رزرو بانک نیویورک برای انتقال پاره‌ای از اموال دولت ایران

بنا بر اختیاراتی که به این‌جانب به‌عنوان رئیس جمهور به موجب قانون اساسی و قوانینی که ایالات متحده آمریکا تفویض گردیده است، از جمله ماده ۲۰۳ قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموع قوانین ایالات متحده، به شماره ۱۷۰۲) و ماده ۳۰۱ مبحث سوم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۳۰۱ قانون موارد اضطراری ملی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به شماره ۱۶۳۱) نظر به استمرار تهدید غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و خط‌مشی خارجی و اقتصادی ایالات متحده که بر طبق آن انتخاب اعلامیه مورد اضطراری در دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ را که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ انتشار یافته و دستور اجرایی شماره ۱۲۰۲۱۱ را که در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ انتشار یافته بنا نموده‌ام و برای شروع رویه‌ای جهت عادی ساختن روابط موجود بین ایالات متحده آمریکا و ایران بدین‌وسیله مقرر می‌دارد که از تاریخ تنفیذ این امریه.

۳۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱-۱۰۱- به فدرال رزرو بانک نیویورک بدین وسیله اجازه و دستور و اختیار داده می‌شود که کلیه وجوه نقد و اوراق بهادار و شمش‌های طلا و عواید حاصله از آنها را به نام دولت ایران یا عمال و یا نمایندگان و یا شخصیت حقوقی که تحت نظر آن دولت کنترل می‌شود و به هر نحوی که توسط بانک مرکزی ایران دستور داده می‌شود و به رسم امانت یا تحت کنترل آن می‌باشد، به دولت ایران انتقال داده و یا آنکه بنا به دستور آن، وجوه مزبور را نگهداری کنند.

۱-۱۰۲- به وزیر خزانهداری اجازه و نمایندگی داده می‌شود که کلیه وظایفی را که بر طبق قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به شماره ۱۷۰۱ و بعد) به رئیس جمهور تفویض گردیده است، به منظور این امر به موقع اجرا گذارد.

۱-۱۰۳- این امر به موقعی تنفیذ خواهد گردید که دولت الجزایر نزد دولت ایالات متحده آمریکا گواهی دهد که کلیه کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و کلیه اتباع دیگر ایالات متحده که به عنوان گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

امریه اجرایی: اجازه برای انتقال قسمتی از دارایی‌های دولت ایران به مؤسسات مالی کشور ثالث

بنابر اختیاراتی که به این‌جانب به‌عنوان رئیس جمهور برطبق قانون اساسی و سایر قوانین ایالات متحده آمریکا تفویض گردیده است، از جمله ماده ۲۰۳ قانون اختیارات اقتصادی موارد اضطراری بین‌المللی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده به شماره ۱۷۰۲) و ماده ۳۰۱ مبحث سوم مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و ماده ۳۰۱ قانون موارد اضطراری ملی (شماره ۵۰ مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا به شماره ۱۶۳۱) نظر به استمرار تهدید غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و خط‌مشی خارجی و اقتصادی ایالات متحده که اعلامیه مورد اضطراری ملی این‌جانب در امریه اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ را که در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ انتشار یافته و امریه اجرایی شماره ۱۲۲۱۱ را که در

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۳۵

تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ انتشار یافته بنا شده است و برای آنکه اسلوبی برای عادی ساختن روابط بین ایالات متحده آمریکا و ایران شروع شود، بدین وسیله دستور می‌دهد که از تاریخ تنفیذ این امریه.

۱-۱۰۱- در صورتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان جزئی از ترتیبات برای آزاد ساختن اتباع ایالات متحده که به‌عنوان گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند درخواست نماید که اموال ایران که در تصدی فدرال رزرو بانک نیویورک می‌باشد یا وجوه نقد هم ارزش آن به مؤسسه مالی کشور ثالثی انتقال یابد تا آنکه اطمینان حاصل شود که اموال مربوط در کنترل دولت جمهوری اسلامی ایران پس از خلاصی گروگان‌ها قرار داده می‌شود به وزیر خزانه‌داری به استناد آن اجازه داده می‌شود که قراردادی را با مؤسسه مالی کشور ثالث منعقد سازد که بر طبق آن دارایی‌ها یا وجوه نقد مزبور توسط مؤسسه مزبور دریافت و به دولت جمهوری اسلامی ایران موقعی به‌صورت آزاد پرداخت شود که دولت الجزیره نزد دولت ایالات متحده آمریکا گواهی دهد که کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و کلیه اتباع دیگر ایالات متحده آمریکا که به‌صورت گروگان در ایران نگاه داشته شده‌اند به سلامت از ایران عزیمت نموده‌اند.

پس از تکمیل قرارداد مزبور، وزیر خزانه‌داری به فدرال رزرو نیویورک دستور خواهد داد که طرف دیگر قرارداد مزبور گردیده و انتقالی را که در قرارداد پیش‌بینی شده است، انجام دهد.

۱-۱۰۲- به وزیر خزانه‌داری، نمایندگی و اجازه داده می‌شود وظایفی را که برطبق قانون اختیارات موارد اضطراری بین‌المللی به رئیس جمهور تفویض گردیده است (مجموعه قوانین شماره ۵۰ به شماره ۱۷۰۱ و بعد) به‌منظور این امریه به‌موقع به اجرا بگذارد.

۱-۱۰۳- این امریه پس از امضا به‌موقع به اجرا گذارده می‌شود.

مذاکرات جلسه یکم آذرماه ۱۳۵۹

موضوع جلسه: توضیح به هیئت الجزایری در رابطه با یادداشت ایران در جواب پاسخ آمریکا به مصوبه مجلس شورای اسلامی

۳۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

تاریخ جلسه: اول آذرماه ۱۳۵۹ ساعت ۱۰ صبح
هیئت ایرانی: آقایان بهزاد نبوی (با تأخیر)، علی اصغر آگاه، محمد اختراعی، مسعود بامداد، گودرز افتخار، احمد عزیزی.

هیئت الجزایری: آقایان رضا مالک، الصغیر المصطفایی، عبدالکریم غرایب، محمد بوالحسین.

محل جلسه: نخست‌وزیری

اهم مذاکرات:

- آقای مصطفایی در آغاز جلسه اظهار داشت: با توجه به اینکه هنوز آقای نبوی نیامده‌اند، سؤالی به صورت غیررسمی مطرح می‌کنم و آن این است که در رابطه با ابطال دعاوی علیه ایران، آیا دولت ایران تمایل به بطلان اصل دین دارد یا اینکه صرفاً مایل به تغییر روش کار است.

- در این رابطه آقای عزیزی توضیح داد که ما هرگونه پاسخ به این موضوع را به دریافت پاسخ مشخص آمریکا موکول می‌کنیم، ولی به عنوان یک اصل کلی اعلام می‌کنیم که خط‌مشی دولت جمهوری اسلامی ایران، همواره بر ادای دیون حقه و پرداخت حقوق مشروع مبتنی است و این یک اصل اسلامی است.

- در اینجا آقای آگاه یادآوری کرد که ما این موضوع را قبلاً در مطبوعات آمریکا هم اعلام کرده‌ایم.

- آقای رضا مالک اظهار داشت: به هر حال این موضوع باید روشن شود. شما اموالی مسدود شده در آمریکا دارید و مایلید که تمامی آن آزاد و منتقل شود. در یک سال گذشته شرکت‌های بسیاری که از ایران مطالباتی دارند، از ترس عدم وصول طلب خود، به منظور برداشت از موجودی‌های ایران در آمریکا طرح دعوا کرده‌اند. شما می‌توانید اعلام کنید پس گرفتن شکایات مانع پرداخت حق آنها نمی‌شود و این موضوع در مصوبه مجلس روشن نیست. مسئله این است که آیا ایران مایل است که انسداد برطرف شود و مراحل دادرسی ادامه پیدا کند؟ اگر دولت ایران محکوم شد آیا بدهی خود را پرداخت می‌کند؟

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۳۷

- عزیزی مجدداً تأکید کرد که اصل کلی همان است که گفته شد و هر گونه حق مشروع پرداخت خواهد شد. وقتی از بازگشت به شرایط قبل از ۱۴ نوامبر صحبت می‌شود منظور دقیقاً این است که گروکشی از اموال ما لغو می‌شود و ما خواهیم توانست مطابق شرایط قبل از ۱۴ نوامبر پیش برویم.

- آقای آگاه در این رابطه افزود: معنی شرایط عادی این است که به مفاد قرارداد عمل شود. آنچه در ماده ۳ به آن اشاره می‌شود عیناً کلمات مجلس است که موضع آمریکا به این عبارت مجلس بایستی اعلام شود، ولی اصل ماهوی همین است که ما آنچه را که در شرایط طبیعی و عادی، قابل پرداخت است، ادا خواهیم کرد.

- در اینجا آقای مالک با اشاره به ترجمه انگلیسی یادداشت ایران، اظهار داشت: در رابطه با بند C از ماده ۲ برای آزاد شدن اموال بایستی هر گونه ادعایی از آن برداشته شود. بند ۸ از ماده ۳ هم همین را می‌گوید. آیا این تکرار همان بند است یا نه؟

- در رابطه با این سؤال توضیح داده شد که روش ما در تهیه یادداشت این بوده که بندهند مصوبه مجلس را تجزیه و تحلیل و پاسخ آمریکا را هم به همین ترتیب تفکیک کنیم. هر جا که هیچ‌گونه پاسخ مستقیمی به پیشنهاد مجلس داده نشده است، یا پاسخ مبهم بوده و یا پیشنهاد جداگانه‌ای در قبال آن به عمل آمده است، ما تفاوت را در یادداشت خود، عبارت به عبارت منتقل کرده‌ایم. در ماده ۲ قسمتی هست که از تضمین تحرک و انتقال سرمایه‌های ایران گفتگو می‌کند و آمریکا اشاره‌ای به آن نکرده است. در ماده ۳ نیز بخشی وجود دارد که از ابطال تمامی دعاوی توسط اشخاص و مؤسسات علیه ایران صحبت می‌کند که در این رابطه نیز آمریکا حرفی نزده است. همان‌طور که آقای نبوی در جلسه قبل تأکید کردند از آنجا که دولت ایران تنها مجری منویات مجلس است، در درجه اول اصرار بر این است که آمریکا موضع مشخص خود را نسبت به این عبارت خاص در این شرط اعلام کند. بنا بر این، درخواست ما این است که آمریکا متن مجلس را جلوی خود بگذارد و راجع به آن مجدداً اعلام موضع نماید. ما به تداخل این دو توجه داریم، ولی فعلاً وارد بحث ماهوی نشده‌ایم.

- آقای مالک و آقای غرایب: روشن شد.

۳۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آنگاه آقای مالک سؤال کرد، در بند B از شرط سوم، منظور از اینکه شکایتی مطرح نشود، چیست؟

- در پاسخ آقای آگاه توضیح داد: این مطلب، شرطی است که مجلس تعیین کرده است. آنچه مورد نظر ماست واکنش آمریکا نسبت به آن است و این در رابطه با عوارض جدید است. عوارض ناشی از انقلاب، گروگان‌گیری و غیره. گرچه آمریکا گفته است که از طرف خود شکایتی مطرح نخواهد کرد. چنانچه آمریکا در این مورد واکنش نشان ندهد، در این مورد هیچ کاری به‌عنوان دولت ایران نمی‌توانیم انجام دهیم. در صورت نشان دادن هر گونه واکنش (مثلاً اینکه مفهوم نیست یا مبهم است) دولت در این صورت آن را به مجلس برده و با عرضه آن به‌عنوان پاسخ آمریکا، توضیح خواهد خواست.

- آقای مالک اظهار داشت: به هر حال مقصود باید برای ما که روی متن کار می‌کنیم روشن شود. وقتی ما خودمان متوجه نمی‌شویم چه چیزی را از آنها توضیح بخواهیم؟ آنچه به گروگان‌گیری مربوط است، روشن است. به این معنی که در این رابطه هیچ دعوایی بر علیه ایران اقامه نخواهد شد، اما آنچه مربوط به انقلاب اسلامی است، روشن نیست. اگر به فرض آمریکا این مطلب را پذیرفت و به دنبال آن، شما دست به ملی کردن شرکت‌های آمریکایی زدید، در این صورت آنها چگونه می‌توانند ادعای خسارت بکنند؟

- در این رابطه، عزیزی یادآوری کرد که تأکید ما بر دریافت پاسخ صریح و روشن است. به این معنی که چنانچه آمریکا در این رابطه تقاضای رفع ابهام نماید، ما آن را به مجلس خواهیم برد و این قانون‌گذار است که موضع و نظر خود را تشریح خواهد کرد.

- آقای عبدالکریم غرایب اظهار داشت: شما درباره روش کار خود صحبت کردید و ما متوجه شدیم که موضوع را چگونه باید دنبال کنیم. به هر حال قصد ما روشن شدن موضوع است. ما می‌بینیم که شما همواره به متن مجلس رجوع می‌کنید و این کار خوبی است. در حال حاضر ما فقط در رابطه با سه صفحه‌ای که به ما داده‌اید کار می‌کنیم؛ به هیچ وجه وارد اصل و موضوع نمی‌شویم. ما بند B در صفحه ۳ را اصلاً

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۳۹

نفهمیده‌ایم. شما توضیح بدهید. ما موظفیم از حقوق شما دفاع کنیم. بنابراین مایلیم بفهمیم که چه می‌خواهید.

- آقای آگاه در رابطه با این پرسش اظهار داشت: این سه صفحه بدون در نظر گرفتن متن مجلس گویا نیست و ارزشی ندارد و تنها موارد اختلاف را نشان می‌دهد. این مجلس است که باید در رابطه با مطلب فوق و احیاناً نکات دیگر توضیح بدهد. ما این توضیحات را پس از دریافت پاسخ صریح آمریکا خواهیم خواست و عیناً به شما منتقل خواهیم کرد.

آقای نبوی در این قسمت از گفتگو وارد جلسه شد.

- آقای مالک پس از اشاره به اهمیتی که دولت الجزایر برای وظیفه خود قائل است و همچنین با یادآوری نقش برداشت درست از مواضع ایران در انجام این وظیفه اظهار داشت: در حال حاضر توضیحات شفاهی به اندازه متنی که به ما داده‌اید برای ما ارزش دارد و همان‌گونه که در مورد پاسخ آمریکا عمل کردیم، وظیفه ماست که موضع شما را به خوبی درک کنیم و وقتی اینجا را ترک می‌کنیم، فکر روشنی از آن داشته باشیم. شما در جلسه گذشته گفتید که می‌خواهید آمریکا پاسخ روشن مثبت یا منفی در رابطه با مصوبه مجلس به شما بدهد. آیا این توضیح برای ماست یا برای آمریکا؟

- آقای نبوی پاسخ داد: مجلس چهار شرط دارد. ممکن است دولت آمریکا در بعضی موارد نظر مثبت و در بعضی موارد نظر منفی داشته باشد و یا پاره‌ای موارد مبهم به نظر برسد.

وقتی ما می‌گوییم که اگر پاسخ منفی باشد، ما بررسی می‌کنیم، مقصودمان این است که اگر پاسخ به تمام موارد منفی باشد، در این صورت راهی جز انجام وظایف قانونی و معرفی گروگان‌ها به دادگاه نداریم، ولی اگر پاسخ تنها در مواردی منفی باشد و یا تقاضای رفع ابهام باشد (و دلیل آن هم ذکر شده باشد) ما می‌توانیم موارد منفی را بررسی کنیم و اگر راه‌حلی به نظرمان رسید، ارائه بدهیم و چنانچه راهی نیز وجود نداشت به مجلس ارجاع کنیم و در مواردی که مبهم است، توضیح بدهیم. این چیزی بود که ما گفتیم.

۳۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آقای رضا مالک با اشاره به ترجمه انگلیسی یادداشت، یادآوری کرد در متن یا باید نوشته می‌شد «نمایندگان دولت الجزایر» و یا به‌طور کامل عبارت «جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر» قید می‌شد. نتیجتاً در متن انگلیسی باید Algerian People's Democratic Republic به‌کار برده شود.

ایشان به دنبال این یادآوری، خاطر نشان کردند که اصراری بر تعویض اصل متن و اصلاح این موضوع ندارند.

- نام‌برده آنگاه با اشاره به بند ۸ از ماده ۲ مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران، اظهار داشت: این‌طور که به نظر شما می‌رسد آمریکایی‌ها برای حذف موانع انتقال دارایی‌ها به ایران تصمیمی نداده‌اند، در پاسخ، آمریکا به سه نوع دارایی اشاره کرده است:

نوع اول ۲/۵ میلیارد موجود در فدرال رزرو نیویورک است. آمریکا در این رابطه اظهار داشته است که موانع برداشته شده و این موجودی‌ها به ایران منتقل خواهند شد. حتی پیشنهاد انتقال آن به کشور ثالث هم مطرح شده است. به نظر شما در این رابطه پاسخ آمریکا روشن است؟

- آقای نبوی اظهار داشت: در این مورد ابهامی نیست؛ تنها ممکن است در نحوه اجرا اشکال داشته باشیم (مثلاً آزادی گروگان‌ها پس از انتقال موجودی‌ها)، ولی در حال حاضر این امر مورد نظر ما نیست.

- آقای مالک آنگاه نظر ایران را در رابطه با نوع دوم دارایی‌ها یعنی سه میلیارد سپرده خارج از آمریکا سؤال کرد.

- آقای نبوی توضیح داد: در این موارد فقط از رفع موانع حقوقی صحبت شده و به انتقال آزاد اشاره نشده است.

- آقای مالک پرسید: به نظر شما تضمین بهتری می‌شود داد؟

- آقای نبوی پاسخ داد: اعلام انتقال در این مورد نشده است؛ درحالی‌که در مورد ۲/۵ میلیارد دلار از رفع موانع انتقال صحبت شده، ولی در مورد سه میلیارد دلار تنها از رفع موانع حقوقی صحبت شده است. باید روشن شود که آیا این پول در اختیار ما قرار می‌گیرد یا نه؟

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۴۱

- آقای مالک پس از تأیید روشن شدن موضوع، اظهار داشت: در رابطه با بند B از ماده ۲ آیا منظور این است که با بازگشت به شرایط قبل از گروگان‌گیری، وامی که دولت ایران گرفته است، مطابق همان شرایط ادامه پیدا خواهد کرد؟

در رابطه با این سؤال، آقای اختراعی توضیح داد: بله. مثلاً اگر قرار بوده ظرف هشت سال پرداخت شود، به همان‌گونه عمل خواهد شد و ما تنها اقساط معوقه را پرداخت خواهیم کرد و بقیه را مطابق شرایط قرارداد ادامه خواهیم داد. ما دیون آجل حال شده را نمی‌پذیریم. برای همه بانک‌ها، چه آمریکایی و چه اروپایی.

- آقای مالک با تأیید روشن شدن موضوع ادامه داد: در رابطه با بند C از ماده ۲، در مورد اینکه دولت آمریکا هیچ‌گونه تعهدی در مورد تحرک اموال بر عهده نمی‌گیرد، مقصود پولی است که مورد اعتراض دادگاه‌های آمریکاست. این مشتمل بر ۲/۲ میلیارد دلار موضوع شکایات است. در این مورد، مسئله حقوقی مطرح شده و شما درخواست رفع توقیف کرده‌اید. در این مورد، آمریکایی‌ها پاسخ داده‌اند که با توجه به قانون اساسی آمریکا نمی‌توانند جلوی این شکایات را بگیرند.

- آقای نبوی پاسخ داد: لازم است که ما در پاسخ رسمی آمریکا، موضع آنها را در این رابطه داشته باشیم. در ابتدای پاسخ کتبی دولت آمریکا آمده است که ما در اساس، چهار بند مصوبه را پذیرفته‌ایم؛ درحالی‌که در هیچ‌یک از قسمت‌ها مطلبی که دال بر نفی شرایط باشد، نیامده است. با یادآوری اینکه در متن کتبی به این موضوع با صراحت پاسخ داده نشده، در متن پیشنهادات جدیدی در رابطه با خواست مجلس عنوان گردیده است.

اشکالی که ایجاد می‌شود این است که چون ما در مقابل مجلس مسئول هستیم، ما نمی‌توانیم به مجلس بگوییم که این موضوع در توضیحات شفاهی رد شده است؛ بنابراین، با توجه به پذیرش اصولی این مطلب در مقدمه متن اصلی و رد شدن تلویحی آن در اصل متن، ما نیاز به پاسخ کتبی و روشن داریم که در مقابل بتوان راه‌حل مناسبی یافته و یا قابل ارجاع به مجلس باشد. آقای نبوی افزود برای اطلاع آقایان استنباط ما این است که با وجودی که آمریکا در این رابطه پاسخ صریح نداده است، راه‌هایی در

۳۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

این مورد وجود دارد و این را وکلای ما به ما اطلاع داده‌اند؛ مثلاً دولت آمریکا می‌تواند در این دعوای جانشین دولت ایران بشود.

- آقای مالک در رابطه با آزاد ساختن و انتقال دارایی‌ها اظهار داشت: آمریکایی‌ها به بعضی نکات پاسخ داده و به بعضی آن‌طور که شما خواسته‌اید پاسخ نداده‌اند؛ درحالی‌که شما مایل به لغو شکایات هستید، آنها در توضیحات شفاهی خود خاطر نشان ساخته‌اند که رئیس جمهور حق لغو این شکایات را ندارد. علت این است که آنها این‌طور جواب داده‌اند. آیا اکنون ما باید از دولت آمریکا بخواهیم که کتباً در این مورد اظهار نظر کند؟

- آقای نبوی پاسخ داد: بله، و علت آن هم این است که آنها در مقدمه متن گفته‌اند که در اساس مصوبه را پذیرفته‌اند و این باید در متن هم روشن باشد. این را (جانشینی) ما برای اطلاع خود شما گفتیم و آمریکایی‌ها باید خودشان راه‌حل پیدا کنند و دلیل اینکه ما توضیح را به صورت کتبی و در متن اصلی خواسته‌ایم این است که ما تصمیم‌گیرنده نیستیم و هر آنچه غیر از مصوبه باشد ما آن را به مجلس می‌بریم.

- آقای مالک پرسید: بسیار خوب، شما جانشینی را توصیه می‌کنید؟

- آقای نبوی پاسخ داد: ما تا زمانی که پاسخ صریح را دریافت می‌کنیم، می‌توانیم آن را با مجلس مطرح و روشن کنیم. به هر حال چون می‌خواهیم کار سرعت داشته باشد، بعضی مواردی را که حدس می‌زنیم که آمریکا می‌خواهد روی آن مانور کند، با مجلس در میان می‌گذاریم. شما این را با آمریکایی‌ها در میان نگذارید.

- آقای آگاه: این فقط برای اطلاع خود شماست. رئیس جمهور آمریکا که بر اساس لایحه Emergency Act 1977 یک کار غیرقانونی انجام داد و پول‌های ایران را مسدود کرد و این لایحه به وی اجازه این کار غیرقانونی را داد.

بر اساس همین لایحه، وی می‌تواند با جانشینی دولت آمریکا به جای ایران موافقت کند. این را به این منظور به شما می‌گوییم تا روشن شود که آنچه آمریکا می‌گوید صد درصد درست نیست.

- آقای مصطفایی پرسید: فرض کنیم رئیس جمهور آمریکا بتواند در مورد حذف موانع انتقال سپرده‌های ایرانی در بانک‌های آمریکایی در داخل آمریکا (۲/۲ میلیارد)

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۴۳

تصمیم بگیرد؛ با توجه به اینکه چنین تصمیمی فقط در داخل آمریکا می‌تواند عملی بشود، مسئله سپرده‌های ایرانی در خارج آمریکا باز مطرح خواهد بود. آیا در این مورد توافقی هست؟

- آقای نبوی پاسخ داد: نه؛ چون اگر آنها این وجوه را مسدود نکرده بودند، اقامه دعوا صورت نگرفته بود.

- آقای مالک در رابطه با بند A از ماده ۳ سؤال کرد: اگر منظور شما بطلان دعاوی است، این به قسمت C از بند ۲ مصوبه برمی‌گردد. از آنجا که شما در آن قسمت، آزادی تمام سپرده‌ها و دارایی‌ها را خواسته‌اید، نتیجه هر دو یکی است.

- آقای نبوی پاسخ داد: ما بندگان پاسخ را با مصوبه مجلس مقایسه و اختلافات را مشخص کرده‌ایم. اگر تشابهی بین بعضی قسمت‌ها وجود داشته باشد، دلیل آن این است که در مصوبه مجلس دو پیشنهاد مشابه آمده است، ولی با کمی دقت می‌بینیم که اختلافی بین این دو هست. در یکی، از تحرک و انتقال آزاد دارایی‌ها و در دومی از لغو و ابطال صحبت رفته است.

- آقای مالک پرسید: در هر دو موضوع شکایات مطرح است.

- آقای نبوی پاسخ داد: این دو موضوع مختلف است. یک دارایی ممکن است توقیف شده باشد و یکی توقیف نشده باشد. به عبارت دیگر، ممکن است یک دعوا منجر به توقیف نشده باشد و دعوی دیگر منجر به توقیف شده باشد. صرف ابطال یک دعوا و رفع توقیف، انتقال آزاد آن را تضمین نمی‌کند. در بند C از ماده ۲ تحرک و انتقال آزاد آمده و در بند A از ماده ۳ لغو و ابطال ذکر شده است. به هر حال، اگر هر دو را یکی تصور می‌کنید، اشکالی ندارد؛ چون ما از روی مصوبه مجلس بررسی کرده‌ایم و این تشابه از آن ناشی شده است.

- آقای مالک اظهار داشت: آنچه من از موضع شما می‌فهمم این است که تمام سپرده‌های شما آزاد شود و شکایاتی که از طرف شرکت‌ها شده است، ملغی شود.

شکایاتی که احتمالاً در آینده، خطر مسدود کردن اموال شما را، می‌تواند داشته باشد. شکایات شرکت‌ها در دادگاه‌ها مطرح است و شما تقاضای لغو آنها را دارید.

۳۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آقای نبوی پاسخ داد: هر دو ماده مجموعاً این را می‌خواهند بگویند.

- آقای مالک افزود: این دو مکمل هم هستند.

- آقای آگاه اظهار داشت: فرض کنیم ایران هیچ پولی در آمریکا ندارد و افراد و مؤسسات آمریکایی بر علیه ایران ایراد ادعا دارند. در این صورت ما می‌خواهیم این ادعاها لغو و ابطال شود.

- آقای مالک سؤال کرد: شرکت‌ها و مؤسسات برای شما کاری انجام داده و یا جنسی فروخته‌اند و با توجه به پولی که شما در آمریکا دارید، این مؤسسات تقاضای تأدیة مطالبات خود را کرده‌اند. شما از آمریکا می‌خواهید که این موانع را رفع کند تا شما بتوانید سپرده‌های خود را خارج کنید. به نظر شما این شرکت‌ها حق این کار را ندارند؟

- آقای نبوی پاسخ داد: مسئله این نیست که ما بخواهیم طلب آنها را نپردازیم؛ چون اکثر شکایت‌ها بعد از گروگان‌گیری به عمل آمده است. ما خواهان لغو و ابطال آنها هستیم. در این مورد، ما پول داشتیم، منتها به علت مسدود بودن نتوانستیم دیون خود را بپردازیم. دعوای مطروحه به دلیل عدم اجرای تعهدات ماست و ما می‌خواهیم این گونه دعوای باطل شود. ما دیون را پرداخت خواهیم کرد. ما به تعهد خود می‌خواستیم عمل کنیم و این دولت آمریکا بود، که مانع انجام تعهدات ما گردیده است. - آقای آگاه اضافه کرد: مضافاً ما می‌دانیم که بسیاری از دادگاه‌های آمریکا بر اساس قرارداد فی‌مابین برای رسیدگی واجد صلاحیت نیستند.

- آقای مالک سؤال کرد: بنابراین، ما می‌توانیم به آمریکایی‌ها بگوییم که شما دیون خود را می‌پردازید؟

- آقای نبوی پاسخ داد: در این مورد حتی می‌توانیم به حکمیت هم رضایت بدهیم. فرضاً دولت الجزایر را به عنوان حکم معین کنیم. این را برای خودتان می‌گوییم. آنچه ما می‌گوییم یک حرف زور و غیرمنطقی نیست. ما معتقدیم تمام این دعوای که الآن در دادگاه‌های آمریکا روی سپرده‌های ایران مطرح است، یا معلول اعمال دولت آمریکا است و یا ناشی از جو ایجاد شده در این کشور است؛ بنابراین، با لغو این دعوای ما به صورت دو دولتی که با هم مطالبات دارند عمل می‌کنیم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۴۵

- آقای مالک در مورد بند B از ماده ۳ توضیح خواست.

- آقای نبوی پاسخ داد- در بند ۳ مصوبه مجلس قسمتی وجود دارد که به موجب آن آمریکا نباید بعد از لغو و ابطال این دعاوی، مجدداً دعاوی را در رابطه با موارد ابطال شده مطرح سازد. این به این معنی نیست که طلبکار طلب خود را وصول نکند و مؤسسات آمریکایی بعداً هرگز نتوانند برای گرفتن طلب خود اقامه دعوا نمایند. در این رابطه مثالی می‌زنم: شرکتی در یک دادگاه شکایتی بر علیه ما برای دریافت طلب خود به مبلغ یک میلیون دلار عنوان کرده است. از آنجا که ما پول موجود داشتیم و تنها، در اثر مسدود بودن آنها نتوانسته‌اند به حق خود برسند، شکایتی که الآن مطرح است احتمالاً متضمن خسارت و جریمه دیرکرد نیز هست. خواست ما این است که دعاوی شرکت دوباره به همان ترتیب مطرح نشود؛ یعنی در واقع آمریکا یک حيله دپلماتیک به ما نزند. به این شکل که تعهداتی به ما بدهد، دعوای را لغو و ابطال کند و همین که گروگان‌ها آزاد شدند، بلافاصله تمامی دعاوی را مجدداً مطرح سازد. تنها تفاوت در آن موقع این است که ما دیگر پولی در دست آمریکا نخواهیم داشت، ولی بسیاری از مزاحمت‌ها می‌تواند به قوت خود باقی باشد. از این جهت ما این دعاوی را دوباره قبول نداریم و این را می‌شود از همان سه راهی که آمریکا خود به ما پیشنهاد کرده دنبال کنیم. به جای اینکه دوباره به همان دادگاه‌ها برگردد.

- آقای مالک اظهار داشت: این بند، چنان کلی است که هر نوع تفسیری از آن می‌شود کرد.

- آقای نبوی توضیح داد که تفسیر ما این است و تصور می‌کنیم نظر مجلس هم همین باشد، ولی اگر مبهم است آمریکا بخواهد تا ما سؤال کنیم. به هر صورت روح ممنوعیت طرح مجدد دعوا این است که می‌گوییم شرکت مورد مثال، بعد از حل مسئله گروگان‌ها می‌تواند بیاید و طلب خود را از ایران بگیرد و مجدداً در دادگاه آمریکا مطالبه خسارت دیرکرد، حق الوکاله و بسیاری اضافات دیگر بکند. نتیجتاً با وجود یک طلب پرداخت‌شده و در ادای دین که هیچ گونه تقصیری متوجه ما نبوده است، مجبور شویم که در یک دعاوی جدید درگیر شویم.

۳۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

در این قسمت با توجه به تذکر آقای مالک نسبت به استعمال کلمه "Event" در بند B از ماده ۳ متن انگلیسی قرار شد این کلمه به "Decision" تغییر پیدا کند.
- در این قسمت آقای الصغیر مصطفایی در رابطه با بند C از ماده ۳ توضیح خواست.

- آقای نبوی پاسخ داد: این بند بر اساس متن مصوبه مجلس است که می‌خوانم:
«چنانچه هر گونه ادعایی علیه ایران در هریک از دادگاه‌ها در رابطه با انقلاب اسلامی ایران و تصرف مرکز توطئه آمریکا و دستگیرشدگان در آن مطرح شود و رأی به محکومیت ایران و اتباع ایرانی صادر شود، دولت آمریکا متعهد و ضامن است که پاسخگوی آن باشد و متعهد و ضامن است که غرامت و خسارت ناشی از آن را بپردازد؛ یعنی نباید اجازه طرح آن در دادگاه داده شود و اگر آمریکا متعهد پاسخگویی به آن است، به‌عنوان مثال اگر شرکتی که فرضاً یک میلیون دلار مطالبات دارد، شکایتی مطرح کرد، دولت آمریکا است که متعهد پرداخت خسارت است. ما از دولت آمریکا نمی‌خواهیم که به ایران خسارت بپردازد.

- آقای مالک پرسید: در رابطه با بند C آیا شما فکر می‌کنید بعد از آزادی گروگان‌ها، خودشان و یا خانواده‌شان شکایتی مطرح کنند؟
- آقای نبوی: بله.

- آقای مالک: در این مورد جواب آمریکا روشن است.
- آقای نبوی اظهار داشت: در این مورد پاسخ آمریکا و خود گروگان‌ها اشاره کرده است.

- مالک: این یک مورد روشن است، موارد دیگر را بگویید.
- آقای نبوی پاسخ داد: در این زمینه، مثال دیگری نداریم، ولی در موارد بعدی اگر چیزی بود، مطرح خواهیم ساخت. این به این معنی نیست که مورد دیگری وجود ندارد، ولی الآن چیزی نداریم.

- آقای مالک سؤال کرد: اگر آمریکا توضیح بنخواهد؟
- آقای نبوی پاسخ داد: اگر توضیح خواستند، خواهیم داد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۴۷

- آقای مالک سؤال کرد: مثلاً ممکن است در اثر انقلاب اسلامی، شرکتی ملی شده باشد، آیا این شکایات رسیدگی نمی‌شود؟

- آقای نبوی در پاسخ اظهار داشت: برای ما مشخص نیست که آیا مجلس این را با همین ایده که از اعضای کمیسیون شنیده یا خودمان استنباط می‌کنیم تصویب کرده یا نه؟ این یکی از مواردی است که می‌توانیم از مجلس بپرسیم. علت اینکه نپرسیده‌ایم این است که منتظریم همه ابهامات بحث شود و همه را با هم به مجلس ببریم.

- آقای رضا مالک در رابطه با بند A از ماده ۳ سؤال کرد منظور از «بستگان نزدیک» چیست؟

- آقای نبوی پاسخ داد: ما دو نوع فامیلی داریم: سببی و نسبی. بر اساس عرف خودمان ما اینها را به سه دسته تقسیم می‌کنیم: مثلاً اولاد پدر و مادر نسبی، [بستگان] درجه یک هستند و همسرانشان، [بستگان] سببی درجه یک. خواهر و برادر نسبی درجه دو و عمو، نسبی درجه ۳ می‌باشد. بستگان نزدیک در عرف ما این سه دسته هستند (درجه یک و دو و سه). مع الوصف اگر آمریکا در اصول با ما موافقت کند - که در اینجا سکوت کرده است - ما لیست این بستگان نزدیک را هم خواهیم داد.

- آقای رضا مالک در رابطه با اموال شاه معدوم اظهار داشت: پیشنهاداتی در مورد مسدود کردن اموال شاه و جمع‌آوری اطلاعات لازم وجود دارد مبنی بر اینکه دولت آمریکا می‌تواند به دولت ایران در این رابطه کمک کند. این (پیشنهادات) را چگونه می‌بینید؟

- آقای نبوی پاسخ داد: ما اکنون در موضعی نیستیم که بتوانیم به دولت آمریکا پیشنهادی بدهیم. بیشتر کار ما در واقع در جهت روشن کردن پاسخ آمریکا بوده است.

مع‌هذا برای روشن شدن خود شما، دولتی که می‌تواند اموال دولتی را که بسیاری از آنها مصونیت هم داشته برای مدت یک سال توقیف کند، به راحتی خواهد توانست اموال یک یا چند فرد را هم توقیف نماید. مهم این است که بخواهد این کار را بکند.

- آقای مالک: شما می‌خواهید که اموال مسدود شود ...

- آقای نبوی: و بعد به ایران منتقل شود ...

۳۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آقای مالک: و می‌خواهید این را به آمریکایی‌ها بگوییم؟

- آقای نبوی: بله

- آقای مالک: اگر آمریکایی‌ها بگویند ما می‌توانیم اموال را توقیف کنیم، ولی

نمی‌توانیم آن را به شما بدهیم [در این صورت چه می‌گویید]؟

- آقای نبوی: این را در جواب کتبی نگفته‌اند. ما می‌خواهیم جواب روشن باشد.

- آقای مالک آنگاه پرسید: آیا مستندات در این رابطه دارید که انتقال اموال شاه را

عملی سازد؟

- آقای نبوی پاسخ داد: مثلاً دادگاه‌های ایران می‌توانند حکم دهند که اموال شاه و

بستگان وی مصادره شده است. آن وقت آمریکا بر این اساس می‌تواند این دارایی‌ها را

به ما منتقل کند.

- آقای مالک اظهار داشت: من بعید می‌دانم آمریکا بدون مراجعه به دادگاه بتواند

عملی انجام دهد و آیا موردی دارید که بشود به آن استناد کرد؟

- آقای آگاه در این رابطه توضیح داد: مورد لیتوینوف را داریم. وکلای ما در این

مورد به ما توضیح داده‌اند.

- آقای نبوی افزود: چگونه کشوری که می‌تواند ما را به رسمیت بشناسد، نمی‌تواند

احکام ما را در رابطه با یک جنایتکار به مرحله اجرا بگذارد و این کار احتیاج به احکام

مجدد دادگاه‌های آمریکا دارد؟ ... ما به دادگاه‌های آمریکا اجازه دخالت در این امر

نمی‌دهیم؛ چون جنایات شاه مربوط به این مملکت است و دادگاه آمریکا نمی‌تواند و

صلاحیت قضاوت در این رابطه را ندارد. این مثل این است که وقتی شاه زنده بود،

چنانچه ما درخواست بازگرداندن او را می‌کردیم، دادگاه‌های آمریکا بگویند که ما

هستیم که صلاحیت محاکمه او را داریم. همان‌گونه که در مورد محاکمه شاه، آنها

صلاحیت ندارند در مورد مصادره اموال او هم صلاحیت ندارند.

این توضیح برای شماسست و آن این است که قید تفکیک قوا در آمریکا یک بازی و

بهانه سیاسی است و اگر بخواهند فرقی بین رئیس قوه قضائیه، مقننه و مجریه نیست و

همه سر و ته یک کرباسند و به‌علاوه ما با امپریالیزم آمریکا طرف هستیم و امپریالیزم

هر سه قوه را در بر می‌گیرد. پیشنهاد ما را تنها کارتر نمی‌تواند جواب بدهد، بلکه باید

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۴۹

هر سه قوه نظر خود را بدهند؛ در حالی که کارتر خرج خود را از قوای دیگر جدا کرده و مسئولیت به گردن نگرفته است.

- آقای مالک در اینجا اظهار داشت: چیزی که مورد توجه شماست این است که پول شاه را بگیرید.

- آقای نبوی پاسخ داد: چنانچه این گروگان‌ها مورد توجه آمریکا هستند، قاعدتاً بایستی مورد توجه هر سه قوه باشند. به همین دلیل است که کنگره آمریکا تاکنون چندین نامه به مجلس ایران نوشته است.

- آقای مالک آنگاه گفت: ما این یادداشت را به فارسی و انگلیسی همراه با توضیحات شفاهی به آمریکا می‌دهیم. این‌طور فرض می‌کنیم که این یادداشت درخواست توضیح بیشتر از آمریکاست و بعد از رفتن ما در صورتی که مطبوعات بخواهند چیزی بدانند شما به آنها خواهید گفت که توضیحاتی در رابطه با پاسخ آمریکا خواسته شده است.

- آقای نبوی پاسخ داد: ما گفته‌ایم که در پاسخ آمریکا ابهاماتی بوده است که ما درباره آنها توضیح خواستیم.

- آقای مالک: البته پاسخ آمریکا سری خواهد ماند.

- آقای نبوی: بله.

- آقای مالک: به نظر شما نکات دیگری وجود ندارد؟

- آقای نبوی: نکات دیگری به نظر ما نرسیده است.

- آقای مالک: در مورد اولین شرط مجلس، آنچه شفاهاً گفتید ما عیناً منعکس خواهیم کرد.

نکته پنجم درباره نحوه کار است. آیا در این باره نظری دارید؟

- آقای نبوی پاسخ داد: ما ترجیح می‌دهیم راجع به روش اجرایی بعداً صحبت کنیم.

- آنگاه آقای عبدالکریم غرایب، ضمن عذرخواهی از اینکه جلسه برای اخذ توضیحات پنج ساعت به طول انجامیده است، اظهار داشت: امیدوارم راهی که در پیش گرفته‌ایم ما را به نتیجه نهایی برساند. می‌دانیم که گرفتاری‌هایی دارید و ما هم مسائل

۳۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

خود را داریم. من سؤالی را که قبل از رفتن به الجزایر از آقای نبوی کردم، یادآوری می‌کنم. دولت آمریکا از ما خواسته که از شما در رابطه با سلامتی گروگان‌ها سؤال کنیم؛ خانواده آنها هم همینطور. ما این سؤال را اخلاقاً از شما می‌کنیم.

- آقای نبوی پاسخ داد: از زحمات شما که برای درک بهتر موضع ما متحمل می‌شوید، متشکریم. ما می‌فهمیم که شما این کار را برای دفاع از حقوق ما انجام می‌دهید. ما عذرخواهی شما را بابت گرفتن وقت خودمان برای این کار نمی‌پذیریم. این کار ماست و این ما هستیم که بایستی عذرخواهی کنیم. در دنیای بزرگ فعلی، کسانی را که می‌توانیم به آنها اتکا کنیم، شما هستید؛ لذا ما این زحمات را بر دوش شما گذاشته‌ایم. در مورد سلامتی گروگان‌ها در حال حاضر می‌توانیم بگوییم که سلامت هستند. می‌دانید که آنها در اختیار دولت نبوده‌اند و ما در حال تحویل گرفتن آنها هستیم. همان‌طور که می‌دانید تحویل گرفتن آنها خیلی ساده نیست؛ چون ما نمی‌توانیم آنها را در زندان‌های رسمی نگه داریم؛ هم به دلیل شرایط مملکتی و هم به واسطه شرایط امنیتی.

دلیل دیگر اینکه آنها پراکنده هستند؛ لذا این انتقال - برای اینکه به بهترین شکل انجام گیرد - زمان می‌خواهد. به مجرد انتقال - احتمالاً طی بیست روز آینده - ما می‌توانیم ترتیبی بدهیم که نمایندگان دولت الجزایر و پزشکان، آنها را ملاقات کنند و گزارش آن را به آمریکا بدهند. این مسئله به لحاظ امنیتی برای ما مهم است؛ چون نمی‌خواهیم واقعه طبس تکرار شود و یا چیزی شبیه آنتبه به وجود آید، ولی از آنجا که برادران الجزایری را در این رابطه مثل خودمان می‌دانیم، از آنها خواهیم خواست که این کار را با تعهد و تضمین امنیتی انجام دهند. ولی به صلیب سرخ و هیئت‌های بین‌المللی اجازه بازدید نخواهیم داد؛ چون سابقه داریم که قبلاً از طریق همین‌ها با آمریکا ارتباط برقرار شده است.

جلسه در حدود ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر خاتمه یافت.

بهزاد نبوی، علی‌اصغر آگاه، احمد عزیزی، دکتر گودرز افتخار،

محمد اختراعی و مسعود بامداد

مذاکرات جلسه ۱۲ آذرماه ۱۳۵۹

بیانیه دولت الجزایر در رابطه با مسئله گروگانها

تاریخ جلسه: ۱۲ آذرماه ۱۳۵۹، ساعت ۱۱ صبح

محل جلسه: سفارت الجزایر

شرکت کنندگان از الجزایر: آقایان رضا مالک، سفیر الجزایر در واشنگتن؛ عبدالکریم غرایب، سفیر الجزایر در تهران؛ الصغیر مصطفایی، رئیس کل بانک مرکزی الجزایر؛ محمد بوالحسین، مدیر کل اقتصادی وزارت امور خارجه.

شرکت کنندگان از ایران: احمد عزیزی^۱

هیئت الجزایری ضمن تسلیم بیانیه دولت الجزایر در رابطه با آخرین پاسخ ایران در مورد مسئله گروگانها، از ترتیبات داده شده برای بازدید دو تن از اعضای هیئت از گروگانها - که روز پنجشنبه ۴ دی ماه انجام گرفت - اظهار رضایت و تشکر کرد و تأثیرات مثبت آن را در افکار عمومی مردم آمریکا بازگو کردند. قرار شد پس از یک بررسی مقدماتی در مورد پاسخ، صبح فردا طی جلسه دیگری با حضور آقای بهزاد نبوی توضیحات لازم ارائه و سؤالات اولیه به عمل آید.

مذاکرات جلسه ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹

تشریح بیانیه دولت الجزایر در رابطه با مسئله گروگانها

شرکت کنندگان الجزایری: آقایان رضا مالک، الصغیر مصطفایی، عبدالکریم غرایب و محمد بوالحسین.

هیئت ایرانی: آقایان بهزاد نبوی و احمد عزیزی

تاریخ جلسه: ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹، ساعت ۷ صبح

محل جلسه: نخست‌وزیری

- آقای رضا مالک در رابطه با جریان ارائه پاسخ ایران به آمریکا و پیامدهای آن اظهار داشت: انتشار پاسخ شما از طریق وسائل ارتباط جمعی، در محافل بین‌المللی سروصدای زیادی ایجاد کرد. در مورد نظریات و مواضعی که آمریکاییها به دنبال آن

۱. در این گزارش، از هیئت ایرانی، فقط از همین یک تن نام برده شده، ولی روشن است در این گفتگوها یک هیئت کامل حضور می‌یافت (ویراستار).

۳۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

اعلام کردند، ما با آنها مذاکره و نسبت به آن اعتراض کردیم. پاسخ آنها این بود که به دلیل علنی شدن پاسخ، ناچار به بیان این نظریات بوده‌اند. ما از خبرگزاری پارس در این مورد سؤال کردیم و متوجه شدیم که عکس‌العمل آمریکا به دنبال انتشار علنی پاسخ از طرف ایران صورت گرفته است.

اثر ملاقات آقای غرایب با گروگان‌ها، بسیار خوب و عامل مهمی در جریان کار بود. این بازدید یک برنامه عالی بود و تأیید نظریات ما را در مورد پاسخ شما امکان‌پذیر ساخت.

ما با کارتر درباره چهارچوب و اساس موضوع گفتگو کردیم. کارتر گفت: این موضوع، هسته اصلی مسائل آمریکا طی سال گذشته بوده است.

ما دو ساعت با کارتر مذاکره کردیم. ما موضع ایران را در این دیدار تشریح کردیم و تأکید کردیم که شما مایلید راه‌حلی برای این موضوع پیدا کنید، ولی این راه‌حل بایستی براساس شرایط شرافتمندانه جستجو شود. ما احساس کردیم که آنها کمی نگران هستند. چون دولت ریگان انتقاد از موضع دولت کارتر را آغاز کرده و به زیاده‌روی‌های این دولت اشاره می‌کند.

بعد از دیدار کارتر، ما با ماسکی، کریستوفر و کاتلر (مشاور حقوقی کارتر) نیز مذاکره کردیم. روی هم‌رفته به نظر می‌رسید که مایلند حداکثر اقدامات را برای حل مسئله انجام دهند و اذعان داشتند که در این مورد از حداکثر اختیارات مقرر در قانون اساسی استفاده خواهند کرد. مشکل برگرداندن دارایی‌های شاه در این دیدارها مورد بحث قرار گرفت. جلسات طولانی ما در روزهای ۲۷ تا ۳۰ دسامبر ادامه داشت و ماسکی در تمام جلسات حاضر بود.

در تاریخ ۳۱ دسامبر، واشنگتن را به قصد پاریس ترک کردیم. در پاریس با وزیر امور خارجه خودمان دیدار داشتیم. عصر ۳۱ دسامبر پاریس را به مقصد تهران ترک کردیم.

آمریکایی‌ها در پاسخ خود سعی کرده‌اند روش شما را دنبال کنند و روی این موضوع اصرار زیادی کردیم و به جای صدور اعلامیه‌های یک‌جانبه، پاسخ بر اساس خواست شما به صورت دوجانبه تنظیم شده است. درباره روش، ما روش پیشنهادشده

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۵۳

قبل را برعکس کردیم؛ بدین معنی که ابتدا دارایی‌ها در یک حساب مخصوص سپرده می‌شوند و گروگان‌ها بعداً آزاد می‌شوند. در مورد فرم تعهد، آنها یک تعهد بین‌المللی کرده‌اند.

آنها قبلاً پیشنهاد یک قرارداد بین ایران و آمریکا کرده بودند که ما یادآوری کردیم که شما آن را نمی‌پسندید. روش دیگر پیشنهادی آنها صدور بیانیه از طرف الجزایر بود که ایران و آمریکا جداگانه آن را تعهد می‌کنند، ولی قراردادی بین دو طرف نخواهد بود. این تنها فرم عملی است که ما فکر کردیم برای شما بهتر خواهد بود.

از آنجا که آخرین روزی که کارتر در رأس کار است ۱۶ ژانویه خواهد بود، آنها گفته‌اند باید همه چیز قبل از ۱۶ ژانویه انجام پذیرد. با توجه به این زمان، اگر بنا به انجام کار باشد، بایستی توافق تا پنجم ژانویه به عمل آید تا فرصت انجام باقی باشد. از آنجا که ابتدا باید توافق امضا شود تا پول‌ها به این حساب مخصوص واریز شود، این کار بایستی زودتر انجام پذیرد.

در رابطه با تضمین نقدی، آمریکایی‌ها می‌گویند خزانه‌داری آمریکا قدرت ندارد یک ضمانت نقدی در حسابی بگذارد و این کار به تصویب کنگره نیاز دارد که آن هم، حتی اگر شرایطش نیز مثبت باشد، مشکل خواهد بود.

در رابطه با سرمایه‌ها و سپرده‌های ایران، آنها معتقدند بهترین راه، یک‌کاسه کردن آنها در یک حساب مخصوص قبل از آزادی گروگان‌ها می‌باشد. برای تسریع در جمع‌آوری این وجوه دو مسئله بایستی حل شود: ۱- آزاد شدن دارایی‌های توقیف شده که لازمه‌اش این است که قرارداد حل و فصل ادعاها امضا شود تا در قبال لغو ادعاها در دادگاه‌ها راه‌حل منطقی موجود باشد. ۲- مسئله تهاثرها که لازمه آن این است که قبلاً توافق لازم با بانک‌ها به عمل آید.

در رابطه با حل و فصل دعاوی، آمریکایی‌ها پیشنهاد کرده‌اند که ایران حسابی افتتاح کند که دو میلیارد موجودی آن باشد. ما یادآوری کردیم که شما این را نخواهید پذیرفت و آنها به تقلیل آن به یک میلیارد رضایت دادند. ما از آنها خواستیم که درباره ارقام دارایی توضیح بدهند و آنها در پاسخ درباره اقلامی که قبل از آزادی گروگان‌ها می‌تواند تحویل شود، توضیحاتی داده‌اند.

۳۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

در رابطه با مسئله اموال شاه، آنها خاطر نشان ساخته‌اند که ضمانت نقدی برای حسن انجام تعهد امکان‌پذیر نیست. آنها پذیرفته‌اند که موارد اختلاف در مورد عدم انجام تعهدات در این رابطه به حکمیت ارجاع شود. آنها علی‌رغم اصرار ما تأکید دارند که ارجاع اختلاف در موارد منفی بودن رأی دادگاه‌های آمریکا به حکمیت، برای سیستم آنها غیرممکن است. به این ترتیب، آنها کوشش کرده‌اند به تمام نکات مورد نظر شما پاسخ بدهند، ولی علی‌رغم اصرار ما بنا بر ملاحظات حقوقی، نتوانسته‌اند همه چیز را در نظر بگیرند، ولی به نظر ما، آنها به کلیه مسائل اساسی پاسخ گفته‌اند.

- آقای نبوی سؤال کرد: ما در رابطه با بیانیه شما چند سؤال داشتیم که با این توضیحات برطرف شد. تنها توضیح دهید که آیا ریگان با این پاسخ موافقت کرده است یا نه؟

- در این باره آقای مالک توضیح داد که چنانچه قبل از ۱۶ ژانویه توافقی حاصل شود، طبیعی است که ریگان آن را اجرا خواهد کرد، ولی اگر تا ۱۶ ژانویه کاری صورت نپذیرد، کارتر تأکید کرده که نمی‌تواند تعهدی از جانب دولت بعدی بنماید و آنها مجبورند که تمام شرایط را پس گرفته و به دولت ریگان واگذار نمایند تا درباره شرایط تصمیم بگیرد.

- آقای مصطفایی افزود: همین‌طور درباره روش.

- آقای نبوی تأکید کرد: منظور این است که آیا ریگان این بار نیز مثل دفعه پیش

این پاسخ را پذیرفته است؟

- آقای مالک پاسخ مثبت داد.

- آقای نبوی پرسید: منظورتان این است که آنها با این نوع بیانیه موافقت دارند؟

- آقای مالک توضیح داد: اگر به توافقی برسیم، کارتر گفته که آنها با ریگان مشورت کرده‌اند، ولی تنها موضوعی که به‌طور قاطع می‌توانیم بگوییم این است که در صورت حصول توافق، ریگان آن را اجرا خواهد کرد و اگر توافقی تا ۱۶ ژانویه به دست نیاید، ضمانتی راجع به اجرای آن یا عدم تغییر روش نخواهد بود. به همین دلیل است که آنها در متن ذکر کرده‌اند در صورت حصول توافق، پول‌ها در یک حساب انتقالی جمع خواهد شد و اگر تا تاریخ فوق به توافق نرسیم این پول‌ها به آمریکا باز خواهد گشت.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۵۵

- آقای نبوی اظهار داشت: در رابطه با تعیین تاریخ، دو نکته مطرح است: ۱- ریگان براساس این توافق می‌خواهد موضوع را حل کند. ۲- ریگان مایل به حل موضوع نیست، که در این صورت بهتر است مسائل باوی در میان گذاشته شود تا با کارتر. چرا که در این صورت ضمانت اجرایی ندارد و ریگان آن را اجرا نخواهد کرد و چنانچه ریگان از این توافق راضی باشد این ضرب الاجل می‌تواند نوعی شانناژ و باج‌خواهی تلقی شود. اگر هر دو موافقت، چرا باید با گذشتن این زمان، روش تغییر پیدا کند؟

- آقای مالک پاسخ داد اگر توافق قبل از شانزدهم ژانویه حاصل شود، ریگان مجبور است آن را اجرا کند، ولی با مذاکراتی که در جریان است، اگر توافقی قبل از ۱۶ ژانویه حاصل نشود، او فقط در رابطه با پاسخ رسمی مسئولیت دارد، نه درباره روش.

- آقای غریب افزود معلوم نیست که اگر موضوع بماند او پیشنهادات بهتری داشته باشد. درباره این موضوع فشار از جانب بانک‌ها نیز وجود دارد که مایلند این پول‌ها را نگاه دارند و این بانک‌ها به دولت ریگان نزدیک‌تر هستند. امید این است که با این فرمول، کلیه دارایی‌های شما قبل از اینکه در اختیار ریگان قرار گیرد، به شما منتقل شود.

- آقای نبوی گفتند: ما بیانیه را دقیق‌تر مطالعه خواهیم کرد و مطمئناً زودتر از قبل آن را پاسخ خواهیم داد؛ چون مسئله مهمی وجود ندارد و اصلاحات زیادی نیست که انجام شود. به هر حال ما باید نکات معینی را بررسی کنیم.

- آقای مصطفایی اظهار داشت دو بیانیه مختلف وجود دارند که به موازات یکدیگر عمل می‌کنند. موضوع اصلی حل و فصل دعاوی است. لازم است درباره این دعاوی، به‌منظور رفع توقیف از اموال، توافق به‌عمل آید. مسئله دیگر، حذف تهااترهاست که لازمه آن توافق بین بانک مرکزی و بانک‌های وام‌دهنده است.

این مذاکرات، بین وکلای بانک مرکزی و بانک‌ها در جریان است که به آقای نواب سفیر ایران در بن اطلاع داده شده است و این موضوع در لغو تهااترها بسیار مهم است.

۳۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

آقای نبوی در پایان اظهار داشت که ما ظرف دو - سه روز آینده بررسی خود را کامل می‌کنیم و می‌دانیم که شما باید تا پنجم ژانویه پاسخی داشته باشید.

مذاکرات جلسه ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹

موضوع جلسه: دریافت پاسخ تکمیلی آمریکا به مصوبه مجلس شورای اسلامی در رابطه با گروگان‌ها از هیئت الجزایری
تاریخ جلسه: ۱۳ آذرماه ۱۳۵۹، ساعت ۴ بعد از ظهر
شرکت‌کنندگان: آقایان رضا مالک، الصغیر مصطفایی، عبدالکریم غرایب، محمد بوالحسین، بهزاد نبوی و احمد عزیزی.

محل جلسه: نخست‌وزیری

- آقای عبدالکریم غرایب، سفیر الجزایر در ایران، در آغاز جلسه به جریان تحویل یادداشت ایران به آمریکا و دریافت پاسخ مکمل اشاره کرد و ضمن آن اظهار داشت: روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۲۶ و ۲۷ نوامبر ۱۹۸۰ جلسات ما با آمریکایی‌ها ادامه داشت. ساعت ۳ بعد از ظهر پنجشنبه، مذاکرات خاتمه یافت و بلافاصله واشنگتن را ترک گفتیم. آقای مالک در آنجا باقی ماند. آمریکایی‌ها خیلی جدی روی یادداشت کار کردند. می‌توانیم بگوییم شب و روز، دو جلسه هم با رئیس جمهور داشتند. روز دوشنبه هیئت آنها به الجزیره آمدند با همان ترکیب قبلی. روز سه‌شنبه و چهارشنبه دو جلسه با آنها داشتیم. دیروز آنها الجزیره را هم ترک کردند و ما هم حوالی نیمه شب عازم تهران شدیم. ما اینجا هستیم که کار را سریع‌تر خاتمه دهیم. احساس کردیم آنها هم همین خواست را داشته‌اند. اسنادی که به ما تحویل داده‌اند، به زبان فرانسه و انگلیسی است. دقیقاً پاسخ شما را داده‌اند. پافشاری زیادی کردیم که آنچه خواسته‌اید پاسخ بدهند. بارها به آنها گفتیم که بعضی پیشنهادات، پاسخگوی درخواست‌ها نیستند و باید مطلقاً روشن باشند. به همین دلیل، در الجزیره هم تغییراتی دادند. در نتیجه، ما اسناد تازه‌ای داریم که توضیحات مورد نظر شما را در آنها گنجانده‌اند. در احکام هم تغییراتی داده شده است. ما حتی سعی کردیم آنها اصطلاحاتی را به کار ببرند که مورد نظر مجلس باشد. فکر می‌کنم در بسیاری موارد موفق بوده‌ایم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۵۷

آقای غریب آنگاه پس از اشاره کلی به محتوای پاسخ، اظهار داشت: ما پس از عزیمت هیئت نمایندگی آمریکا، جلسه‌ای با وزیر امور خارجه خودمان داشتیم. وی در ادامه افزود: حتی رئیس جمهور و وزیر خارجه ما، نسبت به استقبالی که شما از ما انجام دادید، خیلی حساس بودند و در جریان قرار داشتند. روی هم رفته ما فکر می‌کنیم در مرحله اول، مثبت عمل کرده‌ایم.

- آقای نبوی در پاسخ از زحمات هیئت تشکر کرد و افزود: این همان چیزی است که ما از برادران الجزایری خواسته‌ایم. ما پاسخ‌های دولت آمریکا را در اسرع وقت مطالعه می‌کنیم و سعی می‌کنیم خیلی زود پاسخ بدهیم و از اینکه بار دیگر برادرانمان را که در مملکت خودشان و خارج از مملکتشان مأموریت‌های مهمی دارند، درگیر کرده‌ایم عذرخواهی می‌کنیم و ان شاء الله که خیلی زود بتوانیم کار را به انجام برسانیم.

- آقای مالک پس از اشاره به اینکه الجزایر خود را مدافع ایران می‌داند و خود را به جای ایران می‌گذارد، اظهار داشت: ما مذاکرات بسیار جدی با آمریکایی‌ها داشتیم. مذاکرات وزیر امور خارجه ما با کریستوفر بسیار جدی بود و ما آنها را وادار کردیم که موضعشان را تغییر دهند. وی پس از توضیحات کلی روی نحوه ملاقات با آمریکایی‌ها افزود: آمریکایی‌ها مایلند سریعاً مسئله گروگان‌ها حل بشود و مایلند که در این مورد پیشنهادات سازنده بکنند. در گروه آمریکا - که تقریباً همان گروهی است که قبلاً هم به الجزیره آمده بودند - آقای کاتلر مشاور کاخ سفید هم بود. آقای ماسکی اظهار داشتند که از گروه ریگان هم نظر خواسته شود و با مسئولین کنگره نیز تبادل نظر شده است در مورد این پیشنهادات، نظر موافق ریگان نیز کسب شده است.

- آقای الصغیر مصطفایی در رابطه با محتوای اسناد، ضمن اشاره به سپرده‌های ایران در داخل آمریکا، اظهار داشت: ایران دیونی به شرکت‌ها دارد. برای مسئله این دیون، آمریکا پیشنهاد اقامه دعوی بین‌المللی داده است و با ابطال شکایات، به این ترتیب این شرکت‌ها حق دنبال کردن آن را در دادگاه‌ها ندارند؛ بعداً هم نخواهند داشت.

- آقای غریب در این رابطه افزود: در این زمینه ما به خودمان اجازه دادیم، به نام انقلاب اسلامی ایران اعلام کنیم که شما قبول دارید، اگر دیونی هست بپردازید که انقلاب اسلامی طور دیگری نمی‌تواند عمل کند.

۳۵۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آقای مالک در زمینه بازگرداندن اموال شاه معدوم، توضیح داد که اموال شاه، همان‌طور که خواسته شده بود، مسدود می‌شود. در این زمینه، قانون اساسی آمریکا به رئیس‌جمهور اجازه نمی‌هد، ولی تسهیلات لازم را ایجاد می‌کنند. به نظر آمریکایی‌ها بهتر است انتقال اموال شاه از طریق حکم دادگاه ایرانی صورت بگیرد تا با دستور رئیس‌جمهور آمریکا.

- آقای نبوی سؤال کرد: آیا حکم دادگاه ایرانی را می‌توانند اجرا کنند؟

- پاسخ داده شد: دیگر این جزئیات را توضیح نداده‌اند.

- آقای غرایب در رابطه با اطلاعاتی که در دیدار گذشته، شفاهاً از الجزایر خواسته شد بود که از آمریکا اخذ کرده و در اختیار ما قرار دهند، اظهار داشت: تأمین این اطلاعات، خیلی مشکل است. آنها نمی‌فهمند که دولت ایران چرا این اطلاعات را از آنها می‌خواهد! دولت ایران تمام اینها را در اختیار خود دارد. شما وکلایی دارید که فهرست همه شکایات را دارند. دولت آمریکا با وکلای ایرانی تماس گرفته است. در مورد سپرده‌ها: [آمریکایی‌ها] در این زمینه کمی بی‌اعتماد و مشکوکند. آنها از خودشان می‌پرسند چرا این اطلاعات درخواست شده است؟ در مورد اموال منقول و غیرمنقول، آمریکا لیست ندارد و این دولت ایران و شرکت‌های ایرانی هستند که باید فهرستی از این اموال داشته باشند. من هم واقعاً نفهمیدم شما اینها را برای چه می‌خواهید! ما خیلی پافشاری کردیم.

- آقای رضا مالک درباره نقش وکلای ایران اظهار داشت: آنها از ما درباره نقش وکلای ایران پرسیدند. آنها گفتند که با دو نفر از این وکلا تماس گرفته‌اند. در مذاکرات بین خودشان در بعضی مسائل موافق نبوده‌اند، ولی نتوانسته‌اند پیشنهادی بکنند که پیشرفته‌تر از پیشنهاد دولت آمریکا باشد. آمریکایی‌ها به ما اطلاع دادند که بسیاری از افراد با شرکت‌های آمریکایی تماس می‌گیرند و اینکه ما به نام دولت ایران آمده‌ایم تا صحبت‌هایی بکنیم و راه‌حل‌هایی بیابیم.

- آقای غرایب افزود: دیروز که در جلسه بودیم به ما خبر دادند سه ایرانی به‌عنوان نماینده می‌خواهند با آمریکایی‌ها تماس بگیرند. کاری که ما کردیم این بود که به پلیس اطلاع دادیم. با آنها در این زمینه خیلی جدی بودیم تا راهی برای خودشان پیدا

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۵۹

نکنند. گفتیم دولت ایران دولت الجزایر را به‌عنوان واسطه‌ای واحد در این زمینه انتخاب کرده و نخست‌وزیر ایران، برادر رجایی، روزی که این مأموریت را به ما تفویض کرد، به ما اعتماد کرد و این را همان روز به‌طور عام در مقابل افکار عمومی اعلام نمود.

- آقای نبوی در این رابطه توضیح داد: مطلقاً هیچ نوع ارتباطی از طرف دولت ایران، از هیچ طریق دیگری جز از طریق دولت الجزایر و شما با دولت آمریکا و هر دولت دیگر در رابطه با گروگان‌ها گرفته نشده و نخواهد شد. همچنین از طرف امام و دفتر امام هم می‌توانیم این تضمین را بدهم که چنین ارتباطی هرگز گرفته نشده و نخواهد شد و هر کس دیگری که بخواهد تماس بگیرد، مسلماً هیچ رسمیت و قانونیتی نخواهد داشت.

- آقای غرایب در دنباله مذاکرات، پس از اشاره به مذاکرات جلسه‌ای که پس از عزیمت آمریکایی‌ها با وزیر امور خارجه الجزایر داشته‌اند، اظهار داشت: ما در این جلسه، یک بار دیگر خودمان را به جای شما گذاشتیم و موضع آمریکا و فضای کلی را مورد بررسی قرار دادیم. شرایط حل مسئله به نفع انقلاب ایران و به نفع ملل دنیای اسلام است. این شرایط به‌طور کلی جمع شده‌اند. اکنون عامل زمان است که نقش مهم را بازی می‌کند. تصور ما این است که حال اگر شما معتقد باشید که آمریکایی‌ها به خواسته‌های شما پاسخ داده‌اند، دیگر نباید تأخیری صورت پذیرد و شما باید بتوانید خودتان را از این موضع خلاص سازید. شما فرصتی مناسب دارید و آن ۲۴ دسامبر، تولد عیسی مسیح است. با توجه به محتوای معنوی انقلاب ایران، شاید شما حاضر نباشید که اینها مراسم مذهبی خود را همانند سال‌های گذشته انجام دهند. این موضوع، خیلی مشکل است از نظر امنیتی و در مناطق مختلف. نکته دوم، افکار عمومی بین‌المللی است که از انقلاب ایران حمایت می‌کند، ولی توقیف گروگان‌ها در این روز را تأیید نخواهد کرد. ما نقش میانجی را بر عهده گرفتیم که به انقلاب ایران خدمت بکنیم و در فکر خدمت به ریگان یا کارتر نیستیم. وقتی ملل ضد امپریالیست، آزادی گروگان‌ها را به‌دست ریگان ببینند، این‌طور برداشت می‌کنند که این هدیه‌ای از سوی

۳۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

انقلاب ایران به ریگان بوده است. البته انقلاب ایران محکم و پابرجاست و این نمی‌تواند دلیل محکمی باشد.

آقای غرایب پس از اشاره به انتخابات آمریکا و اینکه گفته می‌شود شکست کارتر به دلیل عدم موفقیت او در حل مسئله گروگان‌ها بوده، افزود: ما فکر می‌کنیم حل این مسئله بایستی قبل از ۲۴ دسامبر صورت بگیرد و الا احتمال دارد که پیچیده و گندیده بشود؛ یعنی تازگی خود را از دست بدهد. شما در این موقعیت، خیلی راحت می‌توانید از این مسئله بیرون بیایید. شما می‌توانید این موضوع را رستی از طرف خودتان حساب کنید که این انعکاس مثبتی در صحنه بین‌المللی خواهد داشت. اگر مدتی بگذرد و موضوع حل نشود، اهمیت خود را از نظر روانی از دست خواهد داد که در این صورت از ما هم به‌عنوان واسطه، کاری ساخته نیست. ما به‌عنوان برادر و واقعاً خودمان را جای شما می‌گذاریم و نفع سیاسی ایران را در این امر طالب هستیم.

- آقای نبوی در این رابطه پاسخ داد: اولاً ما به‌محض اینکه یقین کنیم امریکا شرایط مجلس را پذیرفته و به‌محض اینکه اطمینان حاصل کنیم تضمین اطمینان‌بخشی در جهت اجرای آن داده است، حتی یک روز هم در مورد آزاد کردن گروگان‌ها تأخیر نخواهیم کرد و این کار را یک کار خلاف قانون می‌دانیم. همان‌طور که قبل از انتخاب ریگان ما سعی نکردیم یک کار غیرطبیعی بکنیم، الآن هم به‌طور طبیعی ولی با سرعت پیش می‌رویم و امیدواریم پاسخ‌ها با خواست‌های ملت ایران مطابقت کند و ما خیلی سریع این کار را انجام دهیم.

- آقای عزیزی سؤال کرد براساس گزارش خبرگزاری‌ها یکی از مقامات وزرات خارجه آمریکا اظهار کرده چنانچه مسئله گروگان‌ها تا روی کارآمدن ریگان حل نشود، احتمالاً نظر دولت ریگان با نظر دولت کارتر تفاوت خواهد کرد؛ آیا چنین اظهار نظری شده است؟

- آقای غرایب پاسخ داد: با آمدن گروه جدید، احتمالاً مسئله را بایستی از صفر شروع کنند و این زمان زیادی می‌خواهد.

- آقای نبوی در دنباله مطالب خود افزود: برادران، اطمینان داشته باشند که مسئله تغییر دولت آمریکا و آمدن ریگان نمی‌تواند تأثیر اساسی در کار ما داشته باشد؛ چون

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۶۱

احساس ما این است که دولت آمریکا چون امپریالیسم آمریکا قصدش این است که پیش از روی کار آمدن ریگان، مسئله گروگان‌ها را تمام کند و علت اینکه تصمیمات با مشورت با ریگان صورت می‌پذیرد همین است ... ما هم در واقع نظیر شما علاقه مندیم این موضوع سریعاً حل بشود. ما درگیر جنگ هستیم و تلف کردن وقت زیاد، برای این مسئله برای ما مفید نیست تا چه رسد برای شما که صرفاً از روی دوستی این کار را انجام می‌دهید. از این جهت، امیدواریم پاسخی که تهیه می‌کنیم رفت و برگشت مجدد شما را ایجاد نکند. پایان

بهباد نبوی - احمد عزیزی

مذاکرات جلسه ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹

موضوع جلسه: طرح چهارچوب کلی پاسخ ایران در رابطه با مسئله گروگان‌ها برای هیئت الجزایزی و درخواست توضیحات از آمریکا

تاریخ جلسه: ۱۹ آذر ماه ۵۹ - ساعت ۴ بعدازظهر

شرکت کنندگان: آقای رضا مالک، آقای عبدالکریم غرایب، آقای الصغیر مصطفایی،

آقای محمد بوالحسین از الجزایر

آقای علی اصغر آگاه، آقای دکتر گودرز افتخار، آقای احمد عزیزی

محل جلسه: نخست وزیری

پیوست: سه برگ

براساس مصوبه قبل، طرح کلی پاسخ ایران همراه با توضیحات لازم ارائه شد. همچنین موضوعاتی که قرار بود توسط هیئت از آمریکا سؤال شده و درخواست مشخص کردن موضوع و اطلاعات گردد، به شرح پیوست (ضمیمه شماره ۱ متن فارسی و ضمیمه شماره ۲ ترجمه انگلیسی) برای آنان قرائت گردید. تقاضا شد این متن هرچه زودتر به اطلاع آمریکا رسیده و درخواست پاسخ به عمل آید.

در جریان مذاکرات در مورد دعاوی مربوط به انقلاب اسلامی ایران (بند ۳ مصوبه مجلس) از آنجا که تعریف دقیق‌تری به دست آمد، قرار شد این تعریف به صورت معترضه به متن اضافه شود (به متن مراجعه شود). در این مورد با آقای نبوی نیز در

۳۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

خارج از جلسه تبادل نظر به عمل آمد و مورد توافق قرار گرفت. پس از ارائه متن تایب شده ترجمه انگلیسی به هیئت الجزایری (صبح روز ۱۳۵۹/۹/۲۵) با پیشنهاد هیئت مبنی بر حذف پاراگراف آخر در هر دو سؤال (توسط عزیزی) موافقت به عمل آمد (ضمیمه شماره ۳) این موضوع بعداً مورد تأیید آقای نبوی قرار گرفت.

- به دنبال طرح این مطالب، آقای مالک اظهار داشت: برای آمریکایی‌ها مشکل خواهد بود اگر بدون در دست داشتن یک تصویر کلی از پاسخ شما، راجع به مسائلی این چنین دقیق اظهار نظر کنند. مثلاً در مورد اموال شاه، آنچه خواسته‌اید اطلاعاتی است که باید در آینده پس از مسدود کردن اموال فراهم شود. این را بر اساس جنبه‌های عملی کار می‌گوییم.

- آقای مصطفایی افزود: پیش‌بینی ما این است که آمریکا پاسخ خواهد داد که لازم است قبل از ارائه اطلاعات، دارایی را مسدود بکنیم.

- آقای عزیزی در این رابطه پاسخ داد: ما خودمان را نزد ملتمان مسئول حس می‌کنیم. این یکی از شروط مهم مجلس است و ما بایستی بدانیم و مردم ما مایلند بدانند که در حال حاضر چه نوع اطلاعاتی در این رابطه موجود است. این بستگی به آمریکا دارد که چگونه بخواهد با این سؤال برخورد کند.

شاید این کشور بخواهد جمع‌آوری اطلاعات از سازمان‌های مختلفی را که می‌توانند در این رابطه کمک کنند، مثل سیا، اداره مالیات بر درآمد، وزارت خزانه‌داری و هر جای دیگر - در دستور کار خود قرار دهد.

- آقای آگاه در این رابطه خطاب به هیئت الجزایری افزود: این را برای اطلاع خودتان می‌گوییم، بعضی از شخصیت‌های آمریکایی کتباً به مجلس ما اطلاع داده‌اند که چنین لیستی وجود دارد. البته مجلس این لیست را ندارد، ولی می‌داند که در حال تهیه بوده است. مربوط به خیلی وقت پیش است. وقتی که امام شرایط را اعلام کردند.

- آقای مالک گفت: البته ما این سؤال را خواهیم کرد.

- آقای مصطفایی افزود: بدون اجرای موافقتنامه، ارائه این اطلاعات ممکن نیست.

- آقای آگاه اظهار داشت: جواب سریع آمریکا به ما کمک می‌کند که بلافاصله

بتوانیم پاسخ مناسب را بدهیم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۶۳

- آقای عزیزی افزود: ما در حال حاضر نمی‌توانیم تصمیم بگیریم؛ چون نمی‌دانیم نتیجه این جمع‌آوری اطلاعات چه خواهد بود.

- آقای مصطفایی در رابطه با بند ۳ مصوبه مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: مایلیم یادآوری کنم که در دیدار گذشته که ما در تهران داشتیم، گفته شد معنی این قسمت این است که دولت ایران حاضر نیست خسارت‌های ناشی از مسدود کردن حساب‌ها را پردازد. به یاد دارم که آقای نبوی خاطرنشان ساخت که ما بدهی‌هایی به بعضی شرکت‌های آمریکایی داشتیم و قصد تأدیه آنها را هم داشتیم، ولی به دلیل مسدود کردن حساب‌هایمان نتوانستیم آنها را پردازیم؛ در نتیجه این شرکت‌ها تقاضای غرامت کردند و ما نمی‌توانیم این خسارت را بپذیریم؛ به دلیل آنکه این تقصیر ناشی از مسدود کردن حساب‌های ماست.

ما همین را به آمریکایی‌ها گفتیم و پافشاری هم کردیم که آنها در این باره پاسخ روشنی بدهند. آمریکایی‌ها یک پیشنهاد داشتند بر این مبنا که این مسائل به حکمیت واگذار شود تا روشن شود که رابطه‌ای بین تقصیر ایران و مسدود کردن حساب‌ها وجود دارد یا نه؟ این پاسخ آمریکا بود، ولی نخواستند که آن را روی کاغذ بیاورند، ولی حالا ما با مفهوم دیگری از همان متن برخورد می‌کنیم.

- آقای آگاه اظهار داشت: کارتر خود با مسدود کردن دارایی‌های ایران یک کار غیرقانونی انجام داد. با توجه به این موضوع اصل این است که وقتی یک ادعای مشروع بر علیه ایران وجود دارد، باید حل و فصل شود و یا به حکمیت ارجاع داده شود.

- آقای مصطفائی: ما این مطلب را در جلسه قبل خوب دریافته بودیم و به آمریکایی هم گفتیم که مقصود شما آثار مسدود کردن سپرده‌هاست، ولی حالا احساس ما این است که شما این بار مفهوم خیلی وسیع‌تری را ارائه می‌دهید که ما باید این مفهوم را به آنها بدهیم.

- آقای مالک سؤال کرد: چنانچه بین طرفین توافقی حاصل نشد، چه کسی تصمیم خواهد گرفت که این ادعاها در رابطه با انقلاب اسلامی ایران هست یا نه؟ دولت ایران، یا حکمیت؟

۳۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آقای عزیزی در این رابطه پاسخ داد: مثل دعاوی دیگر، این دعاوی نیز به حکمیت ارجاع می‌شود. چنانچه رأی صادره این بود که خسارت مورد ادعا در اثر انقلاب اسلامی ایران و حرکت انقلابی مردم ایران حاصل نشده است در این مورد، رأی حکم مورد قبول طرفین، مطابق سایر دعاوی نافذ خواهد بود. به هرحال من می‌خواهم تأکید کنم که آمریکا باید اعلام کند که ایران در قبال ادعاهای خسارات و غرامات ناشی از انقلاب اسلامی و حرکت انقلابی مردم ایران، مسئولیتی ندارد.

- آقای مالک اظهار داشت: این یک مسئله بسیار حساس است. بار اول که ما معنی در رابطه با انقلاب اسلامی را پرسیدیم، برادر نبوی مثال شرکتی را زد که ایران یک میلیون دلار به آن بدهکار است و به دلیل مسدود کردن سپرده‌ها نتوانسته است پاسخگوی تعهد خود باشد، و تأکید کردند که ایران آمادگی برای پرداخت داشته، ولی به علت مسدودیت حساب نتوانسته این کار را انجام دهد. ما هم عیناً این مثال را برای آمریکایی‌ها ذکر کردیم تا منظور شما رار روشن کنیم.

- آقای عزیزی، پس از اشاره به اینکه حکمیت می‌تواند مرجع روشن‌کننده موارد اختلاف باشد، در این رابطه مثالی ارائه کرد و گفت: برادرم دکتر افتخار مثالی ارائه کردند که من برای شما ذکر می‌کنم. فرض کنیم مدیر یک شرکت تجارتي آمریکایی در تهران پس از انقلاب خانه خود را ترک کرده و از ایران فرار نموده و دزدی، اموال خانه او را به سرقت برده است. او حق شکایت و طرح دعوا در مورد این امر ندارد.

- آقای غرایب پرسید: این طبقه‌بندی، ملی کردن‌ها را هم شامل می‌شود؟

- آقای عزیزی پاسخ داد: ایران همیشه تأکید کرده که دیون مشروع خود را خواهد پرداخت. در رابطه با سهام شرکت‌ها باید گفت این سهام بر اساس قراردادی قانونی و روشن استوار است و جزء طبقه‌بندی قراردادهای مالی قرار می‌گیرد. هر قراردادی که بعد از انقلاب به وسیله دولت جمهوری اسلامی ایران تأیید شده باشد، به آن عمل خواهد شد.

- آقای آگاه افزود: ملی کردن یک بانک به عنوان مثال یک عمل انقلابی است، ولی قبل از ملی کردن، سرمایه‌گذاری یک بانک آمریکایی در ایران، مبتنی بر یک قرارداد

۳۶۵ □ مأموریت مجلس شورای اسلامی در ...

معین بوده است و وقتی آن قرارداد به وسیله دولت جمهوری اسلامی ایران تأیید می‌شود، چنانچه بین دو طرف اختلافی باشد، این دعوا یا در مسیر حل و فصل و یا حکمیت به جریان خواهد افتاد.

- سؤال شد شما می‌گویید ملی کردن بانک‌ها یک عمل انقلابی است، آیا این [موضوعی که اکنون در باره‌اش حرف می‌زنیم] موردی است که در رابطه با انقلاب قرار می‌گیرد؟

- آقای آگاه پاسخ داد: مثالی می‌زنیم. شخصی پول خود را وارد ایران می‌کند بر اساس یک موافقت معین. بعد از انقلاب، او ایران را ترک می‌کند. دولت ایران تا زمانی که این‌طور تشخیص می‌دهد که پول او به‌طور قانونی در ایران است، غرامت آن را خواهد داد و وقتی این مورد را به بانک‌ها تعمیم دهیم به همین ترتیب خواهد بود.

- آقای عبدالکریم غرایب اظهار داشت: در مورد ملی شدن‌ها ما هم ملی کردیم و حق افراد را هم دادیم، ولی مسئله در رابطه با انقلاب اسلامی معنای وسیعی دارد و آمریکایی‌ها نمی‌فهمند که شمول آن تا کجاست، تا آن را در پاسخ خود قید کنند. شما ما را بهتر روشن کنید.

- آقای غرایب اظهار داشت در رابطه با انقلاب اسلامی، احتمالاً موضوع برای شما بسیار ساده است، ولی برای آنها ساده نیست و شما باید آن را به نحوی فرموله کنید.

- آقای عزیزی مثال دیگری ارائه کرد و اظهار داشت: یک شرکت آمریکایی در تهران کار می‌کند و بعد از انقلاب از کشور گریخته است یا آنکه مردم آنها را بیرون کرده‌اند. ساختمان‌ها و ماشین‌آلاتی دارند که به وسیله مردم یا گرفته شد و یا صدمه دیده است. این شرکت حق ادعای خسارت از ما ندارد. از نظر ما تفاوتی بین تأسیسات سفارت و این شرکت نیست. شاید این شرکت ادعا کند که برای انجام قرارداد خود قراردادهای فرعی با شرکت‌های متفرقه داشته که بر اثر توقف کار، به دلیل انقلاب، مجبور به تأدیه خسارت به آنها شده است. ما تصور می‌کنیم در قبال چنین ادعاهایی مسئولیتی نداریم و آمریکا باید پاسخگویی آن باشد. تعریفی را که آقای دکتر افتخار کردند، ارائه می‌کنیم. این ممکن است به‌عنوان یک فرمول روشن‌کننده باشد. مقصود از ادعای خسارت و زیان در رابطه با انقلاب اسلامی، زیان‌هایی است که در رابطه با

۳۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

انقلاب اسلامی بوده و دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ نقشی در آن ندارد. به عنوان مثال، ملی کردن یک عمل سرزده از جانب دولت است و ما مسئولیت آن را قبول می‌کنیم، ولی برای سایر مواردی که دولت در بروز خسارات وارده، نقش مستقیمی نداشته است و متأثر از انقلاب اسلامی باشد، ما مسئول آن نیستیم.

- آقای آگاه افزود: مثل تسخیر سفارت که دولت مسئول آن نبود.

- آقای مصطفایی برای روشن شدن بیشتر مفهوم، اظهار داشت: من سعی می‌کنم این تعریف را در رابطه با دعاوی مربوط به انقلاب اسلامی فرموله کنم. منظور هرگونه خسارات و زیان‌های ناشی از حوادثی است که قبل و همراه انقلاب اسلامی رخ داده و از تصمیمات دولت ایران سرچشمه نگرفته است. آیا درست هست؟ پاسخ مثبت داده شد.

- از آقای مصطفایی خواسته شد که تعریف فوق را به فرانسه برای دکتر افتخار بازگو کنند تا ایشان یک بار دیگر آن را چک کنند.

- آقای مصطفایی در رابطه با دعاوی مربوطه به خسارات قبل از پیروزی انقلاب، سؤال کرد و اظهار داشت: تداوم دولت ممکن است شما را در قبال آنها مسئول کند.
- در پاسخ توضیح داده شد که خسارات و زیان‌های قبل از ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) به دولت جمهوری اسلامی ایران ارتباطی ندارد.

- از آقای مصطفایی خواسته شد تعریف بالا را یک بار دیگر با توجه به توضیحی که در مورد خسارات قبل از انقلاب داده شد، قرائت کنند و ایشان این تعریف را به این شرح ارائه کردند: «هرگونه خسارت یا زیان ناشی از حوادث بعد از ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ که از تصمیم دولت ایران سرچشمه نمی‌گیرد».

- در پایان جلسه، آقای مالک پس از اشاره به درخواست‌های قبلی برای اطلاعات از آمریکا و عدم تمایل آمریکا برای ارائه آنها، در رابطه با اموال شاه اظهار داشت: این امکان وجود دارد که آمریکا به چند دلیل، پاسخی به این درخواست ندهد. شاید پاسخ منفی هم نتواند بدهد، از ترس نتایج آن. دلایل عبارت از این است که: ۱- این اطلاعات، جزئی از قرارداد تلقی می‌شود. ۲- عدم تمایل آمریکا به ارائه اطلاعات و لیست و ۳- عدم وجود یک برداشت کلی از پاسخ شما توسط آمریکا.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۶۷

این امر ممکن است کار را مشکل‌تر کند و پرسید: آیا شما واقعاً این اطلاعات را لازم دارید و امکان دیگری وجود ندارد؟

- آقای عزیزی پاسخ داد: ما باید این اطلاعات را داشته باشیم. شما به آنها اطمینان بدهید که ما برای حل مسئله، گام‌های مثبتی برداشته‌ایم و جواب خود را آماده داریم. پاسخ ما آماده است و ما فقط می‌خواهیم رقم دارایی‌ها را در آن تکمیل کنیم.

- آقای دکتر افتخار گفتند: به هر حال شما سؤال را بکنید. ارائه پاسخ با آنهاست.

علی‌اصغر آگاه، دکتر گودرز افتخار، احمد عزیزی

دستور مذاکرات با هیئت الجزایری (پیرو مذاکرات جلسه ۱۳۵۹/۹/۱۹)

ضمیمه شماره ۱: صورت جلسه ۱۳۵۹/۹/۱۹

۱- روشن کردن تعهد آمریکا در مورد ادعاها و خسارات در رابطه با انقلاب اسلامی ایران

بر اساس ماده ۳ مصوبه مجلس شورای اسلامی «چنانچه هر گونه ادعایی علیه ایران و اتباع ایران در هر یک از دادگاه‌ها در رابطه با انقلاب اسلامی مطرح شود و رأی به محکومیت ایران و یا اتباع ایرانی صادر شود، دولت آمریکا متعهد و ضامن است پاسخگوی آن باشد و متعهد و ضامن است که غرامت و خسارت ناشی از آن را بپردازد». دولت آمریکا در پاسخ مکمل خود اشاره‌ای به این موضوع ننموده و تعهد خود را بیان نداشته است. مقصود از عبارت: «در رابطه با انقلاب اسلامی ایران» کلیه ادعاها یا هرگونه آسیب و خسارت وارد شده به افراد و مؤسسات آمریکایی است که ناشی از حرکت انقلابی مردم ایران در فاصله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تاکنون است و تصمیمات دولت جمهوری اسلامی ایران در آن دخیل نبوده است. این موارد، مورد تأیید آقای نبوی نیز قرار گرفت. آسیب‌ها و خسارات قبل از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به دولت جمهوری اسلامی ایران ارتباطی ندارد.

۲- درخواست اطلاعات مربوط به اموال شاه و بستگان نزدیک وی

نظر به اینکه اموال و دارایی‌های شاه سابق و بستگان نزدیک او به نفع ملت ایران مصادره و ضبط می‌شود، چون مقدار زیادی از این اموال در خارج از ایران به‌ویژه در

۳۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

آمریکا می‌باشد، لذا با توجه به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران اطلاع کاملی از میزان دارایی‌ها و اموال نام‌برندگان - که به یغما برده شده - ندارد، از دولت آمریکا خواسته شود به‌منظور تسریع در اجرای مصوبهٔ مجلس شورای اسلامی، هر چه زودتر کل مبلغ دارایی‌ها و اموال شاه و بستگان نزدیک وی را که لیست عناوین آنها قبلاً توسط هیئت الجزایری ارسال گردیده است، کل مبلغ در تاریخ قبل از ۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در حال حاضر را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

بدیهی است وصول پاسخ سریع آمریکا به امر بازگشت گروگان‌ها تا قبل از کریسمس و ژانویه کمک خواهد کرد. اضافه شود که: «تصمیمات دولت جمهوری اسلامی ایران در آن دخیل نبوده است» مورد تأیید آقای نبوی نیز قرار گرفت.

احمد عزیزی - ۱۳۵۹/۹/۱۹

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۶۹

ضمیمه شماره ۲ صورت جلسه عصر ۱۳۵۹/۹/۱۹

Clarifying the American commitment against claims pertaining the Islamic Revolution:

Based on item NO.3 resolution of the Islamic Assembly:

“If any claim is brought against Iran and Iranian citizens in any one of the courts, related to the Islamic Revolution.... And the decision is made against Iran and/or Iranian citizens, the U.S. government pledges and guarantees to respond; and pledges and guarantees to pay the compensation and the loss.” the U.S. government in its supplementary response has made no comment and has not stated its commitment.

By “related to the Islamic Revolution” it is meant all the claims related to any damage and loss upon U.S. persons and entities caused by re revolutionary movement of the Iranian people, and not by the decision of the Government of the Islamic Republic of Iran, between Feb.11, 1979 until present time. Evidently, damages and losses before Feb. 11, 1979 is not within the responsibility of the Government of the Islamic Republic of Iran.

Information related to the properties and assets of the Shah and his close relatives:

Because all the assets and properties of the deposed Shah and his close relatives have been confiscated and a great deal of such properties exist out of Iran, especially in the United States, considering the fact that the Government of the Islamic Republic of Iran does not have complete information regarding the amount of such assets and properties, therefore , in order to expedite the execution of the Islamic Consultative Assembly’s resolution, it is required that the U.S. government provide the Government of the Islamic Republic of Iran,

as soon as possible, with a list of total assets and properties of the deposed Shah and his close relatives according to the information existing, 1)before No.4, 1979 and, 2) at the present time. The list of close relatives of the Shah has been transmitted through the Algerian delegation.

Naturally, the receipt of a quick response by the U.S. will help the release of the hostages before Christmas and January.

۳۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

جواب رسمی ایالات متحده به تقاضای ایران درباره اطلاعات مربوط به اموال و دارایی‌های شاه مخلوع و اقوام نزدیک وی

«ایالات متحده خواسته دولت ایران برای به دست آوردن اطلاعات درباره ارزش کل اموال و دارایی‌های شاه سابق و اقوام نزدیک او در آمریکا را درک می‌نماید. متأسفانه ایالات متحده، اطلاعات تقاضاشده را چه درباره شاه سابق و چه درباره اقوام نزدیک وی ندارد.

با دریافت تقاضای ایران، ما مجدداً این موضوع را بررسی کرده‌ایم و تأیید نمودیم که اطلاعات مربوطه در دست نیست. طبق سیستم خودمان ما سابقه اموال و دارایی‌های تمام افراد را در کشور نگهداری نمی‌کنیم.

با توجه به عدم چنین اطلاعاتی و برای حفظ وضع ایران به‌عنوان شاکی، ما روش‌های مخصوص را برای دریافت اطلاعات لازمه و همچنین روش‌هایی برای مسدود نمودن چنین اموال و دارایی‌ها را پیشنهاد نمودیم. به‌طور مشخص، کلیه اشخاص و سازمان‌های تحت حکومت قانونی ایالات متحده را که دارای اطلاعاتی درباره هر نوع اموال شاه سابق و یا اقوام نزدیک وی باشند، ملزم خواهند شد تا به وزیر دارایی ایالات متحده گزارش دهند. چنین اطلاعاتی را می‌توان تا تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ و تا تاریخ کنونی درخواست کرد. هر اطلاعات مشخص‌کننده که توسط دولت ایالات متحده دریافت گردد، ملزم می‌گردد تا در دسترس ایران قرار گیرد. خود دارایی‌ها تا تعیین ادعاهای ایران مسدود می‌گردند».

در مذاکره تلفنی با آقای محمد بوالحسین، از سوی هیئت الجزایری بر اساس پیشنهاد ایشان، موافقت شد که پاراگراف‌های آخر هر دو بند حذف شود.

احمد عزیزی - ۲۰/۹/۱۳۵۹

مذاکرات جلسه ۲۷ آذر ۱۳۵۹

موضوع جلسه: تسلیم پاسخ نهایی ایران در رابطه با مسئله گروگان‌ها
شرکت کنندگان: آقایان رضا مالک، الصغیر مصطفایی، عبدالکریم غرایب، محمد بوالحسین و احمد عزیزی

تاریخ: ۲۷ آذر ۱۳۵۹ - ساعت ۳۰:۱ بعد از ظهر

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۷۱

محل جلسه: سفارت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر
خلاصه مذاکرات: پاسخ ایران همراه با توضیحات کلی ارائه گردید. تنها گفتگوهایی در کلیات و تشریح بیشتر پاسخ به عمل آمد. در مورد ادعای خسارت ناشی از عدم انجام تعهدات آمریکا در رابطه با بازگرداندن اموال شاه مخلوع به داوری بین‌المللی، آقای مصطفایی معتقد بود بهتر است بررسی کنید که آیا صلاح هست اصولاً به جای طرح دعوا در دادگاه‌های آمریکا، این دعاوی مستقیماً در داوری مورد قبول طرفین حل و فصل شود یا نه؟ با توجه به تقاضای هیئت برای دیدار آقای نبوی قبل از عزیمت از ایران، و درخواست آنها برای ملاقات با گروگان‌ها، قرار شد در یکی از ساعات بعد از ظهر امروز جلسه‌ای با حضور آقای نبوی تشکیل شود. جلسه حدود ساعت ۲ بعد از ظهر خاتمه یافت.

مذاکرات جلسه ۲۷ آذر ۱۳۵۹

ساعت ۳۰: ۶ بعد از ظهر

موضوع جلسه: اخذ توضیحات درباره پاسخ ایران در رابطه با مسئله گروگان‌ها
شرکت کنندگان: آقایان بهزاد نبوی، احمد عزیزی، رضا مالک، عبدالکریم غریب، محمد بوالحسین و الصغیر مصطفایی.

محل جلسه: نخست‌وزیری

- ابتدا آقای مالک ضمن اظهار اینکه، پاسخ شما را دریافت کرده و در حال آماده کردن آن برای ارسال به آمریکا هستیم، نسبت به بازدید از گروگان‌ها اظهار علاقه کرد. ایشان در مورد پاسخ ایران افزود که ما چند سؤال برای بهتر فهمیدن آن داریم که مایلیم شما به آنها پاسخ دهید.

- آقای نبوی پاسخ داد به محض اینکه ما آنها را در محلی مناسب مستقر کردیم، قطعاً ترتیب این کار را خواهیم داد. ما مجبوریم برای آنها محلی را آماده کنیم که در عین اینکه از نظر اقامت مناسب باشد، مسائل حفاظتی و امنیتی مشابه زندان نیز در آنجا ملحوظ گردد و این کمی زمان می‌خواهد. الآن آنها در موقعیت مناسبی نیستند. من تصور می‌کنم شما بتوانید ظرف سه روز آینده بخشی از آنها را ببینید. اگر بخواهید برای دیدن آنها مدت اقامتتان را تمدید کنید از نظر ما مانعی ندارد.

۳۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

- آقای غرایب پرسید ما مأمور صلیب سرخ نیستیم و این با شماست که تصمیم بگیرید که آیا این دیدار مفید هست یا نه. از نظر ما این مهم است و می‌تواند مؤثر باشد. اگر شما الآن برای نشان دادن همه گروگان‌ها آمادگی ندارید، ما می‌توانیم برویم و با آمادگی شما برگردیم.

- آقای نبوی پاسخ داد: نظر ما هم در مورد اهمیت موضوع مثل شماست. این فقط یک مسئله تکنیکی ساده است. اگر مایلید می‌توانید بمانید.

- آقای مالک تأکید کرد اگر بناست ما آنها را ببینیم، بهتر است همه را با هم ببینیم. وی آنگاه درباره انجام مراسم مذهبی گروگان‌ها سؤال کرد و پاسخ شنید که ترتیباتی برای این کار داده شده است.

- آقای مالک اظهار داشت: ما بعد از کریسمس که دیگران نیز گروگان‌ها را دیده‌اند و گزارش آن نیز منتشر شده است، علاقه‌ای به این دیدار نداریم. به دنبال سایر مذاکرات در این رابطه آقای مالک اظهار داشت: به هر حال همان‌طور که می‌گویید دیدار زودتر از چهارشنبه آینده امکان‌پذیر نیست و ما در این مورد تصمیم می‌گیریم و چنانچه لازم دانستیم، مجدداً باز خواهیم گشت. آقای مالک آنگاه درباره بند ب از ماده ۱ سؤال کرد و طی آن اظهار داشت: منظورتان از تضمین مورد قبول دولت الجزایر چیست؟

- آقای نبوی توضیح داد: مقصود ما در درجه اول ضمانت نقدی است، ولی قید «تضمین قابل قبول برای دولت الجزایر» چک، بیانیه و هر چیز دیگری است که مورد قبول شما باشد، و این بسته به شماست و روابط شما با آمریکا.

- آقای مصطفایی سؤال کرد: ظاهراً به این ترتیب بانک الجزایر درگیر می‌شود و من مقصود را که انعطاف بیشتر است، می‌فهمم، ولی بهتر است همه راه‌های قابل قبول به‌طور روشن ارائه شود.

- آقای نبوی پاسخ داد که آنچه از نظر ما قابل قبول است، پول نقد است و مایل نیستیم شما را درگیر کنیم.

- آقای عزیزی به این توضیح افزود که انتظار ما از نوع ضمانت مورد قبول بانک مرکزی، این است که قابل تبدیل به نقد باشد و آمریکا هم بایستی این موضوع را بداند

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۷۳

تا انتظار نداشته باشد که شما به گرفتن یک بیانیه اکتفا کنید و در این صورت آنها باید بدانند که در صورت عدم انجام تعهدات، شما متعهد به تأدیة خسارت از محل تضمین، به هر صورت که هست، خواهید بود.

- آقای مالک درباره داورى بین‌المللى، پرسید شما در پاسختان فقط گفته‌اید: «داورى مورد قبول طرفین»؛ آیا منظورتان محکمه بین‌المللى است؟
- آقای عزیزى پاسخ داد: محکمه‌ای مورد نظر ماست که یک عضو از ایران، یک عضو از آمریکا داشته و ریاست آن هم با یک داور الجزایرى باشد.
- آقای مصطفایى پرسید: شاید آنها با الجزایرى موافقت نکنند و بخواهند که بی طرف باشد.

پس از توضیحاتی پیرامون بخش‌های مختلف پاسخ، در مورد نحوه جریان دعاوى، درباره اموال شاه معدوم توضیح داده شد که ابتدا دادگاه ایران حکم می‌دهد. بعد از آن دادگاه‌های آمریکا موظفند که آن را به جریان انداخته و اجرا کنند و چنانچه این کار انجام نشود، ما در داورى بین‌المللى ادعای خسارت می‌کنیم که حکم با رأی به حقانیت ما میزان خسارت را تعیین می‌کند.

جلسه حدود ساعت ۷:۴۵ بعد از ظهر خاتمه یافت. قرار شد وسیله عزیمت هیئت در یکی از ساعات صبح فردا (جمعه) فراهم شود.

بهزاد نبوی - احمد عزیزى

مذاکرات جلسه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۹

موضوع جلسه: بررسی بیانیه دولت الجزایر در رابطه با حل و فصل دعاوى بین ایران و آمریکا

تاریخ جلسه: ۱۸ دی ۱۳۵۹، ساعت ۱۰ صبح

محل جلسه: نخست‌وزیرى

شرکت کنندگان: آقایان رضا مالک، الصغیر مصطفایى، عبدالکریم غرایب، محمد بوالحسین، بهزاد نبوی، احمد عزیزى.

اهم مذاکرات:

۳۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱- پاسخ آمریکا به درخواست‌های مطروحه در جلسه ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۹ از طرف هیئت به شرح پیوست ارائه شد.

۲- هیئت درخواست کرد اصلاحات تاپی زیر در بیانیه‌های ارائه‌شده انجام شود:

الف - متن انگلیسی، صفحه ۳، پاراگراف ۵: «تاریخ ۱۴ نوامبر درست است».

ب - متن انگلیسی، صفحه ۶، سطر ۴: «پاراگراف ۵ و ۶ درست است».

متن فرانسه نیز به همین ترتیب باید اصلاح شود.

۳- در رابطه با ماده ۷ از بند ۲ توضیح خواسته شد. آقای مصطفایی توضیح داد که مقصود از «دعوی که مستمراً در مالکیت ... بوده‌اند»، این است که این دعوی قبلاً در دادگاه‌ها مطرح شده و پس گرفته نشده باشند. به این معنی که اگر دعوی خاصی قبلاً به دادگاه ارائه نشده باشد، نمی‌تواند پس از تصویب قرارداد حل و فصل به داوری ارجاع شود. آقای مصطفایی اضافه کرد که اصل تعیین‌کننده در پذیرش این تعریف از جانب شما این است که شما خودتان چه تعداد دعوی اقامه‌نشده در دادگاه دارید و قصد دارید آن را به حکمیت ارجاع دهید؟ قرار شد در این رابطه بعداً تأیید به عمل آید.

۴- بر اساس مذاکرات جلسه کمیسیون داخلی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۷ در رابطه با ماده یک تأکید شد که:

الف - مهلت مقرر در صورت درخواست هر یک از طرفین برای سه ماه دیگر قابل افزایش باشد.

ب - توافق از طریق مذاکره بین دولتین حذف شود و تنها به توافق بین دو طرف مستقیم اکتفا گردد.

۵- در رابطه با لغو تهاورها و آزاد کردن سپرده‌های ما، خاطرنشان شد که ما مایلیم یا دستور برداشت اقساط عقب‌افتاده توسط بانک‌ها را بدهیم و یا یک میلیارد دلار از همان محل در بانک مرکزی کشور ثالث به‌عنوان تضمین پرداخت بگذاریم. آقای مصطفایی توضیح داد که اگر هدف تسهیل و تسریع در کار باشد، شاید بهترین راه این است که کسر اقساط عقب‌افتاده را به بانک مرکزی ثالث منتقل کنند، ولی با توجه به ملاحظات موجود و اختلافات احتمالی، ظاهراً بانک‌ها، با تأکید اینکه روابط در مورد دیون آتی باید به حال عادی برگردد، منظورشان این است که باید با بانک مرکزی وارد

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۷۵

مذاکره شد تا ترتیبات لازم را از این نظر داده و تضمین‌های کافی برای پرداخت دیون آتی داده شود. اگر بانک مرکزی به ما بگوید که میزان اقساط عقب‌افتاده و بهره‌ها چقدر است، شاید ما بتوانیم ترتیبی بدهیم که بانک‌ها آن را از کل موجودی کسر و بقیه را به بانک مرکزی ثالث بدهند، ولی اگر قراری بین بانک مرکزی و آن بانک‌ها نباشد تصور نمی‌کنم بانک‌ها بخواهند و بتوانند سپرده‌ها را آزاد کنند.

۶- بانک مرکزی اتریش به‌عنوان بانک نگه‌دارنده سپرده‌ها تا قبل از انتقال، پیشنهاد شد. هیئت اظهار داشت که این بانک ترتیبات نگهداری طلا را ندارد و اضافه شد که این حساب به نام بانک مرکزی الجزایر است و نام آن در بیانیه ذکر نمی‌شود تا موجب نگرانی ایران نشود.

در رابطه با بند ۴ ماده ۳ قرارداد حل و فصل، درخواست شد که در پایان اضافه شود «به جز موارد وارده به بندهای ۱۶ و ۱۷ بیانیه دولت الجزایر که تا پایان کار حکمیت قابل طرح خواهد بود». آقای مصطفایی اظهار داشت این موضوع روشن است، ولی به هر حال با آمریکا در میان گذاشته خواهد شد.

بهباد نبوی - احمد عزیزی

پیوست صورت جلسه ۱۸ دی ماه ۱۳۵۹

Following the transmission of your amendments on the declaration to the American side, we have the honor to inform you that the U.S. GOVERNMENT HAS SENT TO US THE FOLLOWING ANSWERS:

- I - THE U.S. GOVERNMENT IS PREPARED TO OMIT IN THE DECLARATION THE DREFERENCE TO THE DATE OF JANUARY 16 TH 1981.

- A) THE U.S. GOVERNMENT PROPOSES THE FOLLOWINGS AMENDMENT TO PARAGRAPHE 3 OF THE DECLARATION STARTINGS WITH THE WORDS "PROVIDED HOWEVER" AS AMENDED THE CLAUSE WOULD READ AS FOLLOWS: "PROVIDED, HOWEVER, THAT AT ANY TIME PRIOR TO THE MAKING OF SUCH CERTIFICATION BY THE GOVERNMENT OF ALGERIA, EACH OF THE TWO PARTIES, IRAN AND THE UNITED STATES, SHALL HAVE THE RIGHT ON SEVENTY-TWO HOURS NOTICE TO TERMINATE ITS COMMITMENTS UNDER THIS DECLARATION. IF SUCH CERTIFICATION IS GIVEN BY MADE BY THE GOVERNMENT OF ALGERIA WITHIN THE 72 HOUR PERIOD OF NOTICE, THE

ALGERIAN CENTRAL BANK WILL THERE – UPON INSTRUCT THE CENTRAL BANK TO TRANSFER SUCH MONIES AND ASSETS TO IRAN. IF THE 72 HOUR PERIOD OF NOTICE BY THE UNITED STATES EXPIRES WITHOUT SUCH A CERTIFICATION HAVING BEEN MADE, OR IF THE NOTICE OF TERMINATION IS DELIVERED BY IRAN, THE ALGERIAN CENTRAL BANK WILL THERE UPON INSTRUCT THE CENTRAL BANK TO RETURN ALL SUCH MONEY AND ASSETS TO THE UNITED STATES, AND THEREAFTER THE COMMITMENTS REFLECTED IN THIS DECLARATION SHALL BE OF NO FURTHER FORCE AND EFFECT."

B) THE WORDS "ON OR BEFORE JAN. 16, 1981" WOULD BE DELETED IN PARAGRAPH 4 OF THE DECLARATION.

II – AS REQUESTED THE U.S. IS PREPARED TO OMIT THE FOOTNOTES.

III. THE AMERICAN ANSWER ON THE QUESTION OF FUNDS TO BE DEPOSITED IN THE ESCROW ACCOUNT TO BE HELD ON THE NAME OF THE CENTRAL BANK OF ALGERIA WILL BE SENT TO US SHORTLY.

جواب رسمی آمریکا به سؤال راجع به ادعاهای آمریکا مربوط به انقلاب ایران

تاریخ: ۱۴ دسامبر ۱۹۸۰

«ایالات متحده قبلاً پیش‌نویس اعلامیه رئیس‌جمهوری را مبنی بر موافقت عدم مطرح نمودن در دادگاه‌ها دربارهٔ بعضی از ادعاها که در دو جملهٔ اول اعلامیه تشریح شده است (فهرست ۸ از دستورات و اعلامیه) را تقدیم داشته است. برای اینکه با نگرانی ایران که در سؤال اول از دو سؤال که در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۸۰ دریافت گردیده است، مواجه نگردیم، ایالات متحده اکنون موافقت نموده که جملهٔ دوم پیش‌نویس اعلامیه را به شرح زیر روشن نماید:

«به اضافه ایالات متحده موافقت می‌نماید که هر نوع ادعایی بر علیه ایران که ناشی از حوادث زیر باشد در دادگاه‌های ایالات متحده و یا در جای دیگر مطرح نگردد.

۱- تصرف گروگان‌ها در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹.

۲- نگهداری بعدی آنها.

۳- خسارت به اموال ایالات متحده یا به اموال اتباع آمریکایی در داخل محوطهٔ

سفارت آمریکا در تهران.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۷۷

۴- هر نوع تظاهرات خلقی مربوط به انقلاب اسلامی در ایران که بر علیه اموال ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده در ایران انجام گرفته و چنین عملیاتی، عمل دولت ایران نبوده است».

گزارش ملاقات ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

موضوع ملاقات: دریافت پاسخ آمریکا به استفسار ایران در مورد رقم پرداخت‌های نقدی

تاریخ ملاقات: ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ - ساعت ۱۱ صبح

ملاقات بین: آقای بوالحسین کاردار سفارت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر و احمد عزیزی

محل ملاقات: نخست‌وزیری

اهم مذاکرات: تلکس رسیده از آمریکا بود که متضمن توضیحات این کشور درباره میزان سپرده‌هایی است که قبل از آزادی گروگان‌ها در اختیار بانک مرکزی کشور ثالث قرار می‌گیرد. این تلکس به شرح پیوست تسلیم شد. آقای بوالحسین توضیح داد که دولت آمریکا، اصلاحیه‌های مورد درخواست ایران در قرارداد حل و فصل را به شرح زیر پرداخته است:

۱- دو اصلاحیه در ماده ۱.

۲- یک اصلاحیه در بند ۴ از ماده ۳

ایشان ضمناً یادآوری کرد که هیئت الجزایری منتظر نظریات ما درباره پاراگراف ۲ از ماده ۷ قرارداد فوق هستند. آقای بوالحسین در پایان افزود که آقای غرایب، سفیر الجزایر در تهران، تأکید دارند که نهایت تسریع در این کار به عمل آید؛ چون تصور ایشان این است که آمریکایی‌ها در حال وقت‌کشی هستند.

ضمیمه صورت جلسه ۱۳۵۹/۱۰/۲۰

RESPONSE OF THE UNITED STATES WITH RESPECT TO "UNFREEZING" IRANIAN ASSETS

1. THE UNITED STATES HAS GIVEN SERIOUS STUDY TO THE
IRANIAN PROPOSAL THAT THE FIFTY-TWO HOSTAGES WILL BE

RELEASED WHEN A NUMBER OF STEPS HAVE BEEN TAKEN. INCLUDING THE UNITED STATES RELEASE OF A SPECIFIED AMOUNT OF FROZEN IRANIAN ASSETS, TO BE DEPOSITED IN AN ACCOUNT IN THE NAME OF THE CENTRAL BANK OF ALGERIA. THIS MESSAGE IS LIMITED TO THE PROBLEM OF RELEASING THE ASSETS SO AS TO RESTORE THE FINANCIAL POSITION OF IRAN INsofar AS POSSIBLE TO THAT WHICH EXISTED PRIOR TO NOVEMBER 1979. TO THAT END THE UNITED STATES IS PREPARED TO TAKE THE FOLLOWING STEPS WITH RESPECT TO THE THREE PRINCIPAL CATEGORIES OF FROZEN ASSETS.

2. THE PRINCIPAL UNITED STATES GOVERNMENTAL FINANCIAL INSTITUTION THE FEDERAL RESERVE BANK OF NEW YORK, HAS CUSTODY OF FINANCIAL SECURITIES AND GOLD BULLION BELONGING TO IRAN.

THE OCTOBER 31, 1980, VALUE OF THE SECURITIES IS 1.36 BILLION DOLLARS, AND THE PHYSICAL VOLUME OF THE GOLD IS 11.632.9170779 OUNCES. ALTHOUGH THE MARKET VALUE OF GOLD FLUCTUATES, THE TOTAL VALUE OF THE ASSETS IN THE CUSTODY OF THE FEDERAL RESERVE BANK TODAY IS APPROXIMATELY 2.5 BILLION DOLLARS. BECAUSE THAT BANK IS A FEDERAL INSTITUTION, THE PRESIDENT IS IN A POSITION TO TRANSFER THE GOLD AND THE CASH EQUIVALENT OF THE SECURITIES INTO AN ESCROW ACCOUNT IN THE NAME OF THE CENTRAL BANK OF ALGERIA WITHIN A MATTER OF DAYS.

3. THE SECOND MAJOR CATEGORY OF FROZEN IRANIAN ASSETS CONSISTS OF BANK DEPOSITS IN THE CUSTODY OF OFFICES OF UNITED STATES BANKS OUTSIDE THE UNITED STATES:

(A) IN EARLY NOVEMBER 1979, THE TOTAL AMOUNT OF SUCH DEPOSITS WAS APPROXIMATELY 4.3 BILLION DOLLARS, AND THAT AMOUNT WAS FROZEN BY THE PRESIDENTIAL ORDER OF NOVEMBER 14, 1979. SUBSEQUENT TO THAT DATE, THE BANKS USED ("SET OFF") 1.3 BILLION DOLLARS OF THE DEPOSITS TO REPAY LOANS WHICH THEY HAD MADE TO IRAN. AS A RESULT OF THESE SET-OFFS, THE AMOUNT OF THE DEPOSITS RECORDED ON THE BOOKS OF THESE BANKS HAS NOW BEEN REDUCED TO APPROXIMATELY 3.0 BILLION DOLLARS.

(B) WE UNDERSTAND, HOWEVER, THAT IRAN IS WILLING TO RESTORE ITS LOANS TO GOOD STANDING THROUGH NEGOTIATIONS BETWEEN DULY AUTHORIZED REPRESENTATIVES OF THE BANK MARKAZI AND REPRESENTATIVES OF UNITED STATES BANKS. WE ALSO UNDERSTAND THAT, IF IRAN ENTERS INTO IMMEDIATE NEGOTIATIONS WITH THE UNITED STATES BANKS, THE LOANS COULD BE RESTORED TO GOOD STANDING WITHIN A MATTER

OF DAYS. ONCE THE LOANS WERE RESTORED TO GOOD STANDING, THE PREVIOUS SET-OFFS OF 1.3 BILLION DOLLARS WOULD BE NULLIFIED AND THE DEPOSITS RESTORED TO THEIR ORIGINAL AMOUNTS.

(C) RESTORING THE LOANS TO GOOD STANDING WOULD REQUIRE THE PAYMENT BY THE BANK MARKAZI OF VARIOUS AMOUNTS, INCLUDING PAYMENT OF PRINCIPAL AND INTEREST THAT HAVE COME DUE SINCE THE FREEZE ORDER. THE EXACT PAYMENTS DUE WOULD BE COMPUTED IN MEETINGS BETWEEN UNITED STATES BANKS AND BANK MARKAZI OFFICIALS. SUCH PAYMENTS COULD BE MADE IN ONE OF TWO WAYS. ON THE ONE HAND, THE BANK MARKAZI COULD AUTHORIZE THE UNITED STATES BANKS TO WITHDRAW THE NECESSARY PAYMENTS FROM THE EXISTING DEPOSITS. ON THE OTHER HAND, THE BANK MARKAZI COULD MAKE THE NECESSARY PAYMENTS FROM "NEW" FUNDS, WHICH WOULD ALLOW THE RELEASE OF THE DEPOSITS IN THEIR ORIGINAL AMOUNT OF 4.8 BILLION DOLLARS (THUS MAKING IT POSSIBLE TO REACH A TOTAL OF 7.3 BILLION DOLLARS). IT IS THE UNDERSTANDING OF THE UNITED STATES THAT IRAN MAY PREFER THE LATTER METHOD, AND IF THAT METHOD IS FOLLOWED, THE UNITED STATES WOULD BE PREPARED TO PLACE IN ESCROW 4.8 BILLION DOLLARS PLUS ACCRUED INTEREST. IF THE NECESSARY NEGOTIATIONS BETWEEN THE BANKS COULD BE COMPLETED QUICKLY, THE.....(NOT READABLE)

4. THE THREE PRINCIPAL CATEGORY OF FROZEN IRANIAN ASSETS CONSISTS OF MONIES ON DEPOSITS WITH UNITED STATES BANKS IN THE UNITED STATES.

(A) THE TOTAL AMOUNT OF SUCH DEPOSITS IS APPROXIMATELY 2.2 BILLION DOLLARS. AT THE PRESENT TIME THOSE FUNDS ARE SUBJECT TO TWO DIFFERENT KINDS OF LEGAL RESTRAINTS. FIRST, THE FUNDS ARE CURRENTLY FROZEN UNDER THE PRESIDENTIAL ORDER OF NOVEMBER 14, 1979. SECOND, THEY ARE ALSO IMMOBILIZED BY JUDICIAL ORDERS (ATTACHMENTS OR INJUNCTIONS) IN PROCEEDINGS BROUGHT BY CLAIMANTS IN A LARGE NUMBER OF UNITED STATES COURTS IN VARIOUS CITIES OF THE UNITED STATES.

(B) THE PRESIDENT IS PREPARED TO REVOKE HIS FREEZE ORDER OF NOVEMBER 1979 AND TO ORDER THE BANKS TO TRANSFER THE DEPOSITS INTO THE ESCROW ACCOUNT WHEN THE UNITED STATES AND IRAN AGREE TO THE CLAIMS SETTLEMENT AGREEMENT. IF THE PRESIDENT WERE TO ISSUE SUCH AN ORDER, THE BANKS WOULD FIND THEMSELVES CAUGHT BETWEEN THE PRESIDENTIAL ORDER TO TRANSFER THE ASSETS TO IRAN AND THE JUDICIAL ORDERS PROHIBITING

TRANSFER. IN THAT EVENT THE BANKS WOULD APPEAR BEFORE THE COURTS INVOLVED AND ASK FOR INSTRUCTIONS AS TO HOW TO PROCEED.

(C) THE UNITED STATES GOVERNMENT IS CONFIDENT THAT AFTER THE NECESSARY JUDICIAL HEARINGS, THE COURTS WOULD UPHOLD THE PRESIDENTIAL ORDER AND DIRECT THE BANKS TO TRANSFER THE FUNDS INTO ESCROW. AS A PRACTICAL MATTER, HOWEVER, SUCH A RESULT COULD BE ACHIEVED ONLY AFTER SEVERAL MONTHS OF JUDICIAL PROCEEDINGS. THE ISSUES ARE NOVEL, AND SOME COURTS MAY DELIBERATE FOR WEEKS BEFORE DECIDING, ULTIMATELY, THE ISSUE WILL HAVE TO BE RESOLVED ON APPEALS FROM THE LOWER COURTS TO THE UNITED STATES SUPREME COURT. IN SHORT, THERE IS NO WAY THAT THE PRESIDENT CAN BRING ABOUT THE TRANSFER OF 2.2 BILLION DOLLARS IN BANK DEPOSITS IN THE UNITED STATES UNTIL THE COMPLETION OF WHAT MAY BE SEVERAL MONTHS OF JUDICIAL PROCEEDINGS.

(D) IT SHOULD BE NOTED THAT, IN ORDER TO BRING ABOUT THE RELEASE OF THE 2.2 BILLION DOLLARS, IT IS ESSENTIAL THAT IRAN ACCEPT THE PROPOSED CLAIMS SETTLEMENT PROGRAM. THE UNITED STATES COURTS WILL NOT DISMISS THE LITIGATION PENDING BEFORE THEM AND RELEASE THE 2.2 BILLION DOLLARS UNTIL THEY ARE SATISFIED THAT AN ADEQUATE SUBSTITUTE CLAIMS PROGRAM HAS BEEN ESTABLISHED. HOWEVER, ONCE BOTH THE UNITED STATES AND IRAN HAVE ADHERED TO THE TWO DECLARATIONS, THE UNITED STATES WILL BE LEGALLY COMMITTED TO THE EVENTUAL RELEASE OF THE 2.2 BILLION DOLLARS; IRAN COULD CALL UPON THE ARBITRAL TRIBUNAL TO MAKE AN APPROPRIATE BINDING AWARD AGAINST THE UNITED STATES. (E) THE OBLIGATION OF IRAN TO PLACE 1 BILLION IN A SECURITY ACCOUNT TO SECURE PAYMENT OF CLAIMS UNDER THE CLAIMS SETTLEMENT AGREEMENT DOES NOT ARISE UNTIL THE 2.2 BILLION DOLLARS IS TRANSFERRED TO THE ESCROW ACCOUNT.

5. IN THE FACE OF THE FOREGOING PRACTICAL CONSIDERATIONS, THERE ARE TWO POSSIBLE ALTERNATIVES FOR THE RELEASE OF THE THREE CATEGORIES OF FROZEN ASSETS TOTALLING 9.9 BILLION DOLLARS. THE TWO ALTERNATIVES ARE DESCRIBED BELOW. BOTH ALTERNATIVES ARE BASED UPON THE ASSUMPTIONS THAT IRAN WILL PROMPTLY COMPLETE ITS NEGOTIATIONS WITH THE UNITED STATES BANKS OUTSIDE THE UNITED STATES TO RESTORE THEIR LOANS TO GOOD STANDING AND THAT THE LITIGATION

NEEDED TO RELEASE THE BANKD DEPOSITS IN THE UNITEDE STATES WILL TAKE UNTIL LATE SPRING.

ALTERNATIVE ONE – IF IRAN DECIDED TO RELEASE THE HOSTAGES AS SOON AS THE FIRST TWO CATEGORIES OF ASSETS WERE PLACED IN ESCROW, THE CENTRAL BANK WOULD RELEASE TO IRAN BEFORE JANUARY 20 THE SUM OF \$ 7.3 BILLION IF NEW MONEY HAD BEEN PUT UP TO RESTORE THE BANK LOANS TO GOOD STANDING AND THUS TO BRING THE BANK DEPOSITS OUTSIDE THE UNITEED STATES UP TO \$ 4.8 BILLION. IF IRAN CHOOSES TO RESTORE THE LOANS TO GOOD STANDING BY DRAWING UPON THOSE BANK DEPOSITES, \$ 7.3 FIGURE WOULD BE REDUCED ACCORDINGLY IN EITHER EVENT THE REMAINING \$ 2.2 BILLION IN BANK DEPOSITS WOULD BE RELEASED IN LATE SPRING, BUT IRAN WOULD THEN HAVE BEEN IN POSSESSION OF THE PREVIOUSLY RELEASED FUNDS FOR FOUR MONTHS, AND THE HOSTAGES WOULD HAVE BEEN FREE FOR THE SAME FOUR MONTHS. ANY AGREEMENT RESULTING IN THE RELEASE OF THE HOSTAGES BY JANUARY 20 WOULD BE BINDING UPON AND HONORED BY ANY ADMINISTRATION COMING INTO OFFICE AFTER THAT DATE. IF THE UNITED STATES FAILED TO OBTAIN A RELEASE OF THE U.S BANK DEPOSITS, IRAN COULD ENFORCE ITS RIGHTS IN BINDING THIRD PARTY ARBITRATION.

ALTERNATIVE TWO – IF IRAN INSISTS THAT THE RELEASE OF THE HOSTAGES AWAIT THE TRANSFERT OF A TOTAL OF \$ 9.5 BILLION INTO ESCROW, IT WILL NOT BE POSSIBLE FOR IRAN TO RECEIVE ANY OF ITS FROZEN ASSETS UNTIL THE \$ 2.2 BILLION ARE PLACED IN ESCROW IN THE LATE SPRING.

6. THE UNITED STATES IS PREPARED TO ADOPT ALTERNATIVE ONE IMMEDIATELY. THE OBSTACLE TO THE UNITED STATES' AGREEING TO ALTERNATIVE TWO IS THAT IT WOULD RESULT IN THE HOSTAGES REMAINING IN CAPTIVITY UNTIL SOMETIME IN THE NEXT ADMINISTRATION WHEN THE LITIGATION RELATING TO THE BANK DEPOSITS IN THE UNITED STATES WOULD BE TERMINATED.

7. AT THE SAME TIME THAT AGREEMENT IS REACHED AS TO THE PROCEDURE AND SCHEDULE TO BE FOLLOWED IN FREEING THE HOSTAGES AND TRANSFERRING THE UNFROZEN ASSETS TO IRAN, IT WILL ALSO BE NECESSARY FOR THE UNITED STATES TO KNOW THAT THE GOVERNMENT OF IRAN IS PREPARED TO ADHERE TO ALL OF THE PROVISIONS OF THE PROPOSED DECLARATION, AS AMENDED THROUGH THE LAST UNITED STATES MESSAGE, AND ALL OF THE PROVISIONS OF THE PROPOSED DECLARATION CONCERNING THE SETTELMENT OF

CLAIMS. (WE ARE SENDING A SEPARATE MESSAGE RELATING TO SUGGESTIONS MADE BY IRAN ON THE CLAIMS SETTLEMENT DECLARATION) WHEN THE GOVERNMENT OF IRAN HAS INFORMED THE GOVERNMENT OF ALGERIA OF ITS READINESS TO ADHERE TO THESE DECLARATIONS, THE UNITED STATES WILL RESPOND PROMPTLY TO THE GOVERNMENT OF ALGERIA. FIN DE CITATION – STOP – TRADUCTION FRANCAISE SUIT – STOP – ET FFIN///

فرمان ریاست جمهوری آمریکا

عدم پیگیری شکایات ناشی از گروگان‌ها و شکایات مربوط به تمام اعمالی که در سفارت ایالات متحده در ایران وارد شده است

به موجب اختیاراتی که از طرف قانون اساسی و قوانین ایالات متحده و همچنین بخش ۲۰۳ قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1109) و بخش ۳۰۱ مبحث ۳ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۳۰۱ قانون مربوط به اوضاع فوق‌العاده ملی، به من به‌عنوان رئیس جمهور تفویض شده است و با توجه به تهدید مستمر غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصادی ایالات متحده که بر آن اساس اعلامیه‌های وضع فوق‌العاده در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ اتخاذ کرده‌ام و به‌منظور عادی کردن روابط بین ایالات متحده و ایران، دستور داده می‌شود که از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان:

۱-۱۰۱- وزیر خزانه‌داری اجازه و دستور دارد که آیین‌نامه‌هایی تهیه خواهد کرد

که:

الف - تمام کسانی را که تحت حاکمیت قضایی ایالات متحده قرار دارند، از هرگونه شکایت ناشی از گروگان‌گیری در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ و توقیف بعدی آنها یا خسارات مادی وارد از تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا به این روز نسبت به اموال شهروندان ایالات متحده واقع در محوطه سفارت ایالات متحده در تهران، علیه دولت ایران در دادگاهی واقع در ایالات متحده یا هر جای دیگر منع کند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۸۳

ب - دستور قطع هر گونه پیگیری را که قبلاً بر اساس این شکایات صورت گرفته است، می‌دهد.

پ - اجرای تمام دستورات قضایی صادره در طی این پیگیری‌ها را ممنوع کند.

۱- ۱۰۲- وزیر دادگستری ایالات متحده اجازه و دستور داده که به محض تهیه آیین‌نامه‌ای طبق بخش ۱- ۱۰۱، هر گونه تصمیم لازم جهت ابلاغ وجود این فرمان به دادگاه‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی همچنین قطع پیگیری‌های ناشی از آن را اتخاذ کند.

۱- ۱۰۳- وزیر خزانه‌داری طبق این دستور اجازه و اختیار دارد که تمام اختیارات تفویضی به رئیس جمهور طبق قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1702) را به منظور اجرای هدف این قانون اعمال کند.

۱- ۱۰۴- این فرمان به محض اینکه دولت الجزایر به دولت ایالات متحده گواهی کند که تمام پرسنل سفارت ایالات متحده در ایران و همچنین سایر شهروندان ایالات متحده که به منزله گروگان در ایران گرفته شده‌اند، ایران را صحیح و سالم ترک کرده‌اند، به اجرا در خواهد آمد.

دستور پایان دادن به تمام منازعات مربوط به دارایی‌های ایران و انتقال دارایی‌هایی که در ایالات متحده قرار دارند

به موجب اختیاراتی که از طرف قانون اساسی و قوانین ایالات متحده و همچنین بخش ۲۰۳ قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1702) و بخش ۳۰۱ مبحث ۳ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۳۰۱ قانون مربوط به اوضاع فوق‌العاده ملی (5011 S C 1631) به من به‌عنوان رئیس جمهور تفویض شده است و با توجه به تهدید مستمر غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده که بر آن اساس اعلامیه‌های وضع فوق‌العاده ملی در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۱۷۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ اتخاذ کرده‌ام و به منظور عادی نمودن روابط بین ایالات متحده و ایران، دستور داده می‌شود که از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان:

۳۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۱۰۱-۱- وزیر خزانه‌داری اجازه و دستور دارد که آیین‌نامه‌ای به منظور:

الف - لغو تمام اجازه‌ها و گواهی‌های صادره از طرف وزارت خزانه‌داری در زمینه تعقیب قضایی و توقیف اموال دولت ایران و مأموران و ارکان تحت صلاحیت آن.
ب - منع شهروندان یا مؤسسات ایالات متحده در تعقیب هرگونه شکایتی که قبلاً از طرف آنها در دادگاه‌های واقع در ایالات متحده علیه دولت ایران و مأمورین یا ارکان تحت حاکمیت آن کرده‌اند.

پ - منع این شهروندان یا مؤسسات از اجرای هر گونه حکم قضایی یا دستور توقیف را که قبلاً در موقع تعقیب هر گونه شکایتی از این نوع شده است، صادر شده.
ت - دستور دادن به تمام شهروندان و مؤسسات ایالات متحده که پول و اوراق و سپرده یا اموال دولت ایران یا یکی از مأمورین یا ارکان آن را در دست خود دارند، پس از به اجرا درآمدن این دستورات، آن را طبق دستوراتی را که از دولت ایران دریافت می‌دارند در نزد خود نگه دارند یا منتقل نمایند.

۱-۱۰۲- وزیر دادگستری ایالات متحده اجازه و دستور داده که به محض صدور آیین‌نامه‌ای طبق بخش ۱-۱۰۱- هر گونه تصمیم لازم جهت ابلاغ به تمام دادگاه‌ها موجود این فرمان و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به آن و همچنین اعتراضات ناشی از آن را اتخاذ کند.

فرمان ریاست جمهوری برای اجازه انتقال بعضی از دارایی‌های دولت ایران به یک مؤسسه مالی یک کشور ثالث

به موجب اختیاراتی که از طرف قانون اساسی و قوانین ایالات متحده و همچنین بخش ۲۰۳ قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1702) و بخش ۳۰۱ مبحث ۳ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۳۰۱ قانون مربوط به اوضاع فوق‌العاده ملی (50 11 S C 1631) به من به‌عنوان رئیس جمهور تفویض شده است و با توجه به تهدید مستمر غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده که بر آن اساس اعلامیه‌های وضع فوق‌العاده ملی در فرمان

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۸۵

ریاست جمهوری ۱۲۱۷۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ اتخاذ کرده‌ام و به‌منظور عادی نمودن روابط بین ایالات متحده و ایران دستور داده می‌شود از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان:

۱- ۱۰۱- در صورتی که دولت جمهوری اسلامی ایران، در چهارچوب مصالحه‌ای جهت آزادی شهروندان آمریکا که به منزله گروگان در ایران نگهداری می‌شوند، درخواست کند که دارایی‌های ایران که در اختیار فدرال رزرو بانک نیویورک قرار دارند یا پول‌های با ارزش معادل، به یک مؤسسه مالی یک کشور ثالث منتقل شوند تا مطمئن شود که این پول‌ها تحت کنترل دولت جمهوری اسلامی ایران به‌محض آزادی گروگان‌ها قرار خواهند گرفت. وزیر خزانه‌داری اجازه خواهد داشت که قراردادی با یک مؤسسه مالی کشور ثالث منعقد نماید که به موجب مفاد آن، دارایی‌ها یا پول‌های مذکور از طرف آن مؤسسه دریافت خواهد شد و در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران در زمانی که دولت الجزایر به دولت ایالات متحده گواهی کند که تمام کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و سایر شهروندان آمریکایی که به منزله گروگان در ایران گرفته شده‌اند، ایران را صحیح و سالم ترک کرده‌اند، قرار خواهد گرفت. به‌محض عقد چنین قراردادی، وزیر خزانه‌داری به فدرال رزرو بانک نیویورک دستور خواهد داد که طرف این قرارداد در آید و انتقال مورد نظر در قرارداد را انجام دهد.

۱- ۱۰۲- وزیر خزانه‌داری اجازه و اختیار دارد که تمام اختیاراتی را که به‌موجب قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1702) به رئیس جمهور تفویض شده است، به‌منظور اجرای این فرمان اعمال کند.

۱- ۱۰۳- این دستور به‌محض امضا، قابل اجرا خواهد بود.

فرمان ریاست جمهوری آمریکا درباره انتقال اموال دولت ایران به خارج

به موجب اختیاراتی که از طرف قانون اساسی و قوانین ایالات متحده و همچنین بخش ۲۰۳ قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1702) و بخش ۳۰۱ مبحث ۳ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۳۰۱ قانون مربوط به اوضاع

۳۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

فوق‌العاده ملی (50 11 S C 1631) به من به‌عنوان رئیس جمهور تفویض شده است و با توجه به تهدید مستمر غیرعادی و فوق‌العاده نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده که بر آن اساس اعلامیه‌های وضع فوق‌العاده ملی در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۱۷۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ اتخاذ کرده‌ام و به‌منظور عادی نمودن روابط بین ایالات متحده و ایران دستور داده می‌شود که از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان:

۱- ۱۰۱- شعبات و دفاتر بانک ایالات متحده یا باجه‌های بانک یا شعبات یا دفاتر مذکور که در خارج از خاک ایالات متحده واقعند و در روز به اجرا درآمدن این فرمان، الف - پول یا اوراقی که دولت ایران یا ادارات آن به اشخاص حقوقی تحت کنترل آن مالک یا بهره‌آن پول یا اوراق باشند؛ یا ب - در حساب سپرده‌هایی در ستون بستانکار با بهره برای دولت ایران یا ادارات یا اشخاص حقوقی آن داشته باشند، اجازه و دستور دارند که این پول‌ها و اوراق سپرده‌ها را طبق دستورات واصله پس از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان، از دولت ایران نگه دارند یا منتقل سازند.

۱- ۱۰۲- شعبات یا دفاتر مذکور در بند ۱- ۱۰۱- که تصمیم تهاثری در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یا بعداً علیه این پول‌ها و اوراق و سپرده‌های ایران مذکور در بند فوق گرفته‌اند، باید طبق این دستور، آن تصمیمات تهاثری را باطل کنند و این پول‌ها و اوراق و سپرده‌ها را که طبق این تصمیمات تهاثری انجام شده‌اند، پس از به اجرا درآمدن این فرمان، طبق دستورات صادره از طرف دولت ایران عمل کنند، به‌محض اینکه این دولت: ۱- سرمایه منقضی مربوط به وام مذکور را همان‌طور که قرارداد وام در ابتدا حکم می‌کرده است پرداخت کند (پرداخت به تمام شرکت‌کنندگان در قراردادهای وام کنسرسیوم صورت خواهد گرفت) و ۲- وامی را که نسبت به آن تصمیمات تهاثری اتخاذ شده است، تأیید کند و اعلام دارد که درباره برقراری ارتباط بانکی که وام اعطا کرده است، وارد خواهد شد و پیش خود نگه دارد یا انتقال دهد.

۱- ۱۰۳- وزیر خزانه‌داری اجازه و اختیار دارد که تمام اختیارات تفویض به ریاست جمهوری طبق قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق‌العاده بین‌المللی (50 11 S C 1702) را به منظور اجرای این فرمان اعمال کند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۸۷

۱-۱۰۴- این فرمان در زمانی که دولت الجزایر به دولت ایالات متحده گواهی دهد که کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و سایر شهروندان آمریکایی که به منزله گروگان گرفته شده‌اند، ایران را صحیح و سالم ترک کرده‌اند، به اجرا در می‌آید.

فرمان ریاست جمهوری آمریکا دربارهٔ اجازه به فدرال رزرو بانک نیویورک برای انتقال بعضی اموال دولت ایران

به موجب اختیاراتی که از طرف قانون اساسی و قوانین ایالات متحده و همچنین بخش ۲۰۳ قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق العاده بین المللی (50 11 S C 1702) و بخش ۳۰۱ مبحث ۳ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۱۷۳۲ مبحث ۲۲ مجموعه قوانین ایالات متحده و بخش ۳۰۱ قانون مربوط به اوضاع فوق العاده ملی (5011 S C 1631) به من به‌عنوان رئیس جمهور تفویض شده است و با توجه به تهدید مستمر غیرعادی و فوق العاده نسبت به امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصاد ایالات متحده که بر آن اساس اعلامیه‌های وضع فوق العاده ملی در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۱۷۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در فرمان ریاست جمهوری ۱۲۲۱۱ مورخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ اتخاذ کرده‌ام و به منظور عادی نمودن روابط بین ایالات متحده و ایران دستور داده می‌شود که از تاریخ به اجرا درآمدن این فرمان:

۱-۱۰۱- فدرال رزرو بانک اختیار و اجازه و دستور دارد که تمام پول‌ها و اوراق و شمش‌ها و تمام درآمدهای حاصله از آن متعلق به دولت ایران به سازمان‌ها و ادارات یا اشخاص حقوقی تحت کنترل آن طبق دستورات بانک مرکزی ایران نگه دارد یا منتقل سازد.

۱-۱۰۲- وزیر خزانه‌داری اجازه و اختیار دارد که تمام اختیاراتی که به موجب قانون مربوط به اختیارات اقتصادی در صورت وضع فوق العاده بین المللی (50 11 S C 1702) به رئیس جمهور تفویض شده است به منظور اجرای این فرمان اعمال کند.

۱-۱۰۳- این فرمان در زمانی که دولت الجزایر به دولت ایالات متحده گواهی دهد که تمام کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و سایر شهروندان آمریکایی که به منزله گروگان گرفته شده‌اند، ایران را صحیح و سالم ترک کرده‌اند به اجرا در می‌آید.

فهرست اعلامیه‌ها و فرمان‌های ریاست جمهوری آمریکا

- ۱- فرمان عدم مداخله اعلامیه ریاست جمهوری
- ۲- دارایی‌های ایران
فرمان ریاست جمهوری مربوط به آزاد کردن تمام دارایی‌های ایران؛
فرمان ریاست جمهوری در مورد پرداخت توسط فدرال رزرو بانک؛
فرمان ریاست جمهوری در مورد سپردن پول‌های فدرال رزرو بانک در یک مؤسسه پولی یک کشور ثالث؛
فرمان ریاست جمهوری در مورد انتقال اموال ایران به خارج؛
فرمان ریاست جمهوری در مورد پایان بخشیدن به تمام منازعات مربوط به دارایی‌های ایران و انتقال دارایی‌های واقع در ایالات متحده.
- ۳- ابطال مجازات‌ها و شکایات ایالات متحده
فرمان ریاست جمهوری در مورد حذف ممانعت مربوط به مبادلات بازرگانی با ایران؛
اعلام ریاست جمهوری در مورد عدم تعقیب شکایات؛
فرمان ریاست جمهوری در مورد عدم تعقیب شکایات.
- ۴- دارایی‌های شاه
الف - فرمان ریاست جمهوری دربارهٔ مسدود نمودن دارایی‌های شاه؛
ب - فرمان درخواست ارسال گزارشات مالی مربوط به شاه و خاندان پهلوی؛
پ - دادن دستور به وزیر دادگستری.

اعلام رسمی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا مبنی بر عدم مداخله در ایران
دولت ایالات متحده آمریکا بدین وسیله اعلام می‌دارد که سیاست ایالات متحده این است و خواهد بود که انقلاب ایران و آزادی انتخاب ملت ایران را قبول دارد. دولت جمهوری اسلامی ایران را همان‌گونه که تأسیس شده است، قبول دارد و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سیاسی یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله ننماید.
این اعلام سیاست در زمانی منتشر خواهد شد که دولت الجزایر به دولت ایالات متحده گواهی کند تمام کارمندان سفارت ایالات متحده در ایران و همچنین سایر

شهروندان آمریکا که به‌عنوان گروگان در ایران نگهداری می‌شوند، صحیح و سالم ایران را ترک کرده‌اند.

توضیحات مربوط به پاسخ‌های ایالات متحده

دربارۀ پاسخ‌های ایالات متحده به ماده ۱ از بند الف و ماده ۱ از بند ب، استنباط این است که ایران وام‌هایی را که بانک‌های آمریکا (کنسرسیوم‌هایی شامل بانک‌های آمریکا) سپرده‌های ایران در خارج از ایالات متحده را در دست دارند و تصمیمات تهاثری نسبت به این سپرده‌ها انجام داده‌اند، قبول دارد و آمادۀ پرداخت آن می‌باشد. هر وامی که مورد تأیید دولت ایران قرار گیرد و طرفین در مورد عادی کردن روابط بانکی خود به مشاوره نشستند، دولت ایالات متحده هم به بانک ذی‌ربط آمریکا دستور خواهد داد که محاسبۀ تهاثری مربوط به آن را باطل کند و تمام سپرده‌های ایران را که در اختیار اوست، به ایران یا به شخصی که از طرف ایران تعیین می‌شود منتقل نماید.

۱- در مورد پاسخ آمریکا به ماده ۱ از بند ج استنباط می‌شود ایران آماده است که تمام دیون مشروع خود را به شهروندان و مؤسسات آمریکایی پرداخت کند و مایل است به دعاوی مربوط به آن پایان بخشد. ایالات متحده در چهارچوب بازگشت صحیح و سالم گروگان‌ها موافق است به تمام شکایات مطروحه در دادگاه‌های آمریکا که از طرف شهروندان یا مؤسسات آمریکایی علیه ایران و شرکت‌های دولتی آن شده است، پایان بخشد و توقیف دارایی‌ها و تمام احکام قضایی صادره از دادگاه‌های مزبور را باطل و ناوارد تلقی کند و در آینده، هر گونه شکایتی از طرف شهروندان یا مؤسسات آمریکایی را وقتی که ایران موافقت کند که آن شکایت (به غیر از دعاوی را که طبق ماده ۲ از بند ب پاسخ‌های ایالات متحده باید لغو و باطل شوند) را به یک راه‌حل بین‌المللی واگذار کند که منجر به بررسی و پرداخت آن دعوا گردد، منع کند. این راه‌حل بین‌المللی شامل حکمیت یک مرحله‌ای توسط یک شخص ثالث خواهد بود که برای هر موردی که با توافق طرفین حل نشود، صورت می‌گیرد. ایالات متحده می‌پذیرد که این حکمیت، با صلاحدید ایران، طبق مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی یا مرکز بین‌المللی حل اختلافات در مورد سرمایه‌گذاری بانک جهانی، یا طبق قوانین هر

۳۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

دادگاهی که ایران و آمریکا آن را بپذیرند، انجام گیرد. احکام و تصمیمات دادگاه حکمیت در دادگاه‌های هر کشور، طبق قوانین آن کشور اجرا خواهند شد. ایالات متحده حاضر است حل اختلافات را از طریق راه‌حل بین‌المللی مذکور در مورد مطالبات خاصی را که ایران علیه ایالات متحده عنوان می‌کند، مورد بررسی قرار دهد. در مورد پاسخ آمریکا به ماده ۲ از بند ب، ایالات متحده قبلاً تأیید کرده بود که حاضر است تمام شکایاتی را که علیه ایران در دیوان بین‌المللی لاهه شده، پس بگیرد و از تعقیب هرگونه شکایت و ضرر و زیان ناشی از خسارات وارده پس از تسخیر سفارت ایالات متحده و زندانی کردن گروگان‌ها در تهران صرف‌نظر کند. تعهد آمریکا شامل لغو و ابطال تمام شکایات گذشته و آینده از طرف شهروندان یا مؤسسات آمریکا در مورد اشغال سفارت و گروگان‌گیری نیز خواهد بود.

۲- درباره پاسخ آمریکا به ماده ۳ از بند ج طبق قوانین ایالات متحده، تنها رکن دولت آمریکا که بتواند قانوناً اموال یا دارایی‌های شاه سابق یا بستگان نزدیک او را به دولت ایران منتقل سازد، یک دادگاه آمریکایی است که شکایتی را که از طرف دولت ایران شده، دنبال کند. ایران عملاً چنین شکایتی را به یک دادگاه آمریکایی کرده است (جمهوری اسلامی ایران علیه محمدرضا پهلوی و فرح دیبا پهلوی، در دادگاه عالی ایالات نیویورک، به شماره ۲۲۰۱۳/۷۹) و این شکایت به ایران فرصت می‌دهد حق خود را برای انتقال اموال و دارایی‌های مورد بحث به ایران، به اثبات برساند. دولت ایالات متحده، همان‌طور که در موضع آمریکا تشریح شد و توسط هیئت الجزایری در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۰ تسلیم گردید، کوشش‌های دولت ایران را به‌منظور به دست آوردن و اجرای هر حکم قضایی، تسهیل خواهد کرد.

پاسخ‌های ایالات متحده

پاسخ دولت ایالات متحده به تصمیم مجلس شورای اسلامی ایران که توسط هیئت الجزایری در تاریخ ۱۲ نوامبر در تهران تسلیم شد، پاسخ مثبتی بود. ایالات متحده، با پذیرفتن این تصمیم به منزله مبنا جهت پایان دادن به بحران، آماده است تصمیماتی در چهارچوب نظام قانون اساسی خود به‌منظور اجرای هر یک از نکات تصمیم مجلس شورای اسلامی، به‌محض بازگشت صحیح و سالم ۵۲ گروگان اتخاذ کند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۹۱

در تاریخ ۲۶ و ۲۷ نوامبر ۱۹۸۰، هیئت الجزایری پیام ایران را که خواستار پاسخ برای هر یک از نه نکته در رابطه با پاسخ آمریکا بود، تسلیم کرد. پاسخ های ایالات متحده که بازگشت صحیح و سالم ۵۲ گروگان را که به منزله اصل تلقی می‌کند در زیر همراه توضیحاتی مکمل جهت تصریح خود پاسخ‌ها آمده است.

۱- تصمیم شماره ۲

اصل هدایت کننده پاسخ های مشروح زیر این است که ایالات متحده وضع مالی ایران را با تمام امکانات به وضع قبل از ماه نوامبر ۱۹۷۹ بازخواهد گرداند. الف - ایالات متحده دستور خواهد داد سپرده‌های ایران در بانک‌های آمریکایی واقع در خارج از آمریکا، به ایران منتقل شوند. طرق لازم در شرح شماره یک آمده است. ب- دولت ایالات متحده دستور خواهد داد پرداخت‌های تهاتری که قبلاً توسط بانک‌های آمریکایی در اروپا صورت گرفته است، باطل شوند. طرق آن هم در شرح شماره یک آمده است.

پ - ایالات متحده صریحاً تعهد می‌کند که تحرک و انتقال آزاد دارایی‌های ایران را تضمین کند. طرق آن هم در شرح شماره دو آمده است.

۲- تصمیم شماره ۳

الف - تمام شکایات مؤسسات و کمپانی‌های آمریکایی علیه ایران باطل خواهند شد. طرق لازم جهت انجام آن در شرح شماره ۲ آمده است. ب - ایالات متحده آماده است همه دعواها و شکایات گذشته و آینده شهروندان، مؤسسات ایالات متحده به علت اشغال سفارت یا گروگان‌گیری عیله ایران را باطل کند.

پ - تعهد مذکور در بند ب این نتیجه را خواهد داشت که ایران را از هر گونه خطر اتهامات یا ضرر ناشی از دعاوی مذکور خلاص می‌کند.

تصمیم شماره ۴

الف - ایالات متحده با به‌کار بردن یک نظام انسداد دارایی‌ها، از هر کسی می‌خواهد که اگر مالی یا دارایی از شاه سابق در اختیار دارد، آن را حفظ کند و نگه دارد.

۳۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ب - تمام تعهداتی را که ایالات متحده نسبت به اموال و دارایی‌های شاه سابق به گردن می‌گیرد، به اموال و دارایی‌های بستگان نزدیک او هم بسط می‌دهد.
پ - انتقال اموال و دارایی‌های شاه سابق و بستگان نزدیکش می‌تواند طبق شرح شماره ۴ انجام گیرد.

مذاکرات جلسه ۱۷ آذرماه ۱۳۵۹

موضوع: توضیح و تبادل نظر با هیئت الجزایری درباره بررسی پاسخ دوم آمریکا به شرایط مجلس شورای اسلامی برای آزادی گروگان‌ها
تاریخ: دوشنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۵۹، ساعت ۱۰ صبح
شرکت کنندگان: هیئت الجزایری، آقایان رضا مالک، آقای عبدالکریم غریب، آقای الصفیر مصطفایی، محمد بوالحسین
از ایران: احمد عزیزی

- توضیح داده شد که پاسخ دوم آمریکا طی دو روز گذشته، مورد بررسی قرار گرفته است و بدون توجه به مراحل و روش اجرایی کار که هنوز کاملاً بررسی نشده، کلاً به نظر می‌رسد این بار با مصوبه مجلس به نحو مثبت‌تری برخورد شده است. ضمناً اعلام شد که ما سؤال مهمی در این باره نداریم و لزومی به تشکیل جلسه مجددی در این باره نیست و از آنجا که بررسی روش اجرایی و تهیه پاسخ نهایی ما احتمالاً چند روزی به طول می‌انجامد، ضمن تشکر از زحمات و همکاری صمیمانه شما، چنانچه صلاح می‌دانید، می‌توانید تا دریافت پاسخ ما در تهران بمانید و یا به الجزایر عزیمت کنید. در این صورت ما خودمان متن را برای شما خواهیم آورد.
- آقای مالک در این باره پاسخ داد: چنانچه این مدت از یک هفته بیشتر نشود، ترجیح می‌دهند در ایران بمانند. از این همکاری تشکر گردید.

- به هیئت اظهار شد تنها نکته‌ای که ما مایلیم به اطلاع شما برسانیم، عنوان بستگان نزدیک شاه مخلوع از نظر عرف ایران است و این موضوع از آنجا که آمریکا در پاسخ خود قید کرده که این عناوین بر اساس قانون خزانه‌داری آمریکا تعیین می‌شود، بایستی به اطلاع این کشور رسانده شود. سپس این عناوین که بر اساس توضیح «کمیسیون ویژه بررسی مسئله گروگان‌ها» تعیین شده بود، به شرح زیر به هیئت ارائه شد:

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۹۳

همسر، خواهر، برادر، فرزند، فرزندان خواهر، برادر و فرزند، شوهر خواهر، شوهر دختر.

- آقای مصطفایی در جریان گفتگوها اظهار داشت: ما ضمن تماس‌ها تنها نکات اصلی را در نظر داشته‌ایم و شما در تهیه پاسخ، بایستی نکات دقیق و درجه دوم از نظر اهمیت را در نظر داشته باشید. مثلاً اینکه آمریکایی‌ها گفته‌اند اموال شاه را مسدود می‌کنند، ولی برای چه مدت؟

- آقای مالک در رابطه با شرایط آمریکا اظهار داشت که آمریکایی‌ها برای لغو دعاوی، یک حساب تضمینی در نظر دارند و بسته به نظر شماست که چگونه بخواهید با آن برخورد کنید؛ این موضوع به مراحل اجرایی بستگی دارد. رئیس جمهور با تصور وجود یک مکانیزم جانشین می‌تواند دعاوی را لغو کند.

- آقای مصطفایی در این رابطه خاطر نشان کرد: از آنجا که ایران هم ممکن است ادعاهایی داشته باشد، باید بررسی کند که آیا بازکردن چنین حسابی می‌تواند به نفع آن باشد و ایجاد تعادل کند یا نه؟

- نظر هیئت درباره اینکه بدون موافقت با بازکردن یک حساب ضمانتی، تقاضای لغو دعاوی را بکنیم استفسار شد.

- آقای مصطفایی پاسخ داد به نظر می‌رسد که این حساب مورد نظر آنهاست، ولی موضع آنها را نمی‌دانیم.

- آقای غرایب افزود: آمریکایی‌ها در این باره خیلی باز فکر می‌کنند و این بسته به شماست که چه پیشنهادی داشته باشید؛ مثلاً نوع دیگری از ضمانت را پیشنهاد بکنید.

- آقای مالک اظهار داشت: این، موضوع اصلی نیست. مسئله اصلی این است که آمریکا دعاوی را لغو می‌کند. این موضوع، صرفاً یک مسئله تکنیکی و مالی است. درباره این مسئله باید عملی فکر کرد.

- آقای مصطفایی اضافه کرد: شما می‌توانید این حساب را یک حساب سپرده به حساب آورید و یا در مقابل آن پیشنهادات دیگر بدهید.

- در رابطه با تهیه پاسخ ایران، آقای مالک اظهار داشت: بهتر است پیشنهادتان را قبل از اینکه به آمریکایی‌ها بدهیم یک بار با هم بررسی کنیم تا اگر نظری بود، مورد توجه قرار گیرد. ممکن است ما نظری داشته باشیم که به حل قضایا کمک کند.

۳۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

- در پایان دیدار آقای عبد الکریم غرایب یادآوری کرد: در دیدار گذشته، آقای نبوی ضمن تأیید سلامت گروگان‌ها قول داده‌اند که پس از اینکه آنها تحویل دولت داده شدند، اجازه بازدید از آنها به هیئت الجزایری داده خواهند شد.
- پاسخ داده شد که پس از تحویل و تحول، این کار مطمئناً انجام خواهد گرفت.

مذاکرات جلسه ۳ دی ماه ۱۳۵۹

تاریخ ملاقات: ۱۳۵۹/۱۰/۳، ساعت ۳۰:۱۱
ملاقات بین: آقای بوالحسین، کاردار سفارت الجزایر در تهران و احمد عزیزی
موضوع ملاقات: دیدار هیئت الجزایری از گروگان‌ها
محل ملاقات: نخست‌وزیری
آقای بوالحسین اظهار داشت: از مقامات الجزایری تلکس دریافت کرده‌اند و براساس آن مایلند بدانند آیا دیدار از همه گروگان‌ها امکان‌پذیر هست یا نه و اگر هست چه موقع؟
- به ایشان اطمینان داده شد این امکان برای برادران هیئت الجزایری در حال حاضر وجود دارد و به محض درخواست، ما ترتیب آن را خواهیم داد و ساعت آن را تعیین خواهیم کرد.

پاسخ دولت ایران به دولت آمریکا

«بسم الله الرحمن الرحيم
پاسخ دولت جمهوری اسلامی ایران به دولت آمریکا از طریق دولت جمهوری دمکراتیک مردم الجزایر در رابطه با مصوبه مجلس شورای اسلامی مبنی بر شرایط آزادی ۵۲ آمریکایی گروگان در نزد ملت ایران
در تاریخ یازدهم آبان‌ماه ۱۳۵۹ (۲ نوامبر ۱۹۸۰) مجلس شورای اسلامی ایران مصوبه خود را مبنی بر شرایط آزادی ۵۲ آمریکایی اعلام نمود. در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۵۹ (۳ نوامبر ۱۹۸۰) این مصوبه توسط دولت ایران، به فارسی و انگلیسی، به سفیر دولت الجزایر در واشنگتن تسلیم شد تا در اختیار دولت آمریکا قرار گیرد.
در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۹ (۱۲ نوامبر ۱۹۸۰) پاسخ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۸۰ آمریکا از طریق نمایندگان جمهوری دمکراتیک مردم الجزایر، طی یادداشت مورخ ۲۱ آبان ۱۳۵۹

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۹۵

(۱۲ نوامبر ۱۹۸۰) تسلیم دولت ایران گردید. از آنجا که در پاسخ دولت مزبور پاره‌ای از پیشنهادات مندرج در مصوبه مجلس شورای اسلامی مسکوت مانده و یا بدان با صراحت اشاره نگردیده بود، لذا طی جلسه مورخ اول آذر ۱۳۵۹ (۲۲ نوامبر ۱۹۸۰) در تهران با نمایندگان جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر، توسط آنان، از دولت آمریکا خواسته شد که هرچه زودتر پاسخ صریح خود را نسبت به موارد مذکور اعلام دارد. نمایندگان دولت الجزایر طی یادداشت مورخ ۱۳ آذرماه ۵۹ (۴ دسامبر ۱۹۸۰) پاسخ مکمل آمریکا را به دولت جمهوری اسلامی ایران در تهران تسلیم نمودند. پس از بررسی هر دو پاسخ و استماع توضیحات هیئت الجزایری، نتایج زیر حاصل گردید:

با وجود پذیرش اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی توسط دولت آمریکا، تعهدات پیشنهادی دولت مزبور، پاسخگوی کلیه موارد مورد نظر مجلس شورای اسلامی ایران نیست و در برخی موارد نیز، نیاز به اصلاحاتی در پاسخ‌ها و تغییراتی در روش‌های اجرایی دارد و تنها با این اصلاحات و تغییرات است که می‌تواند تعهدات مزبور به‌عنوان حداقل لازم، برای دولت جمهوری اسلامی ایران قابل قبول گردد.

اصلاحات، تغییرات، و روش‌های اجرایی مورد نظر دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

اصلاحات مربوط به پاسخ آمریکا به بند اول مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران: با توجه به اینکه به رسمیت شناخته شدن انقلاب و دولت جمهوری اسلامی ایران امری است حاصل شده و درخواست این شناسایی در مصوبه مجلس شورای اسلامی ایران نیز وجود ندارد و در عین حال در مصوبه مجلس در شرط عدم مداخله قید «از این پس» به کار برده شده است، لذا شناسایی انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران از بیانیه حذف و قید «عدم مداخله» «از این پس» به آن اضافه گردد. با توجه به این توضیحات، بیانیه دولت آمریکا، مبنی بر عدم مداخله در ایران، به شرح زیر اصلاح می‌شود:

عدم مداخله در ایران

دولت ایالات متحده آمریکا بدین وسیله تعهد می‌کند که از این پس در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، نظامی یا سیاسی، مداخله ننماید.

۳۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

علاوه بر اصلاحات فوق در بیانیه، لازم است که پاسخ کلی آمریکا نیز بر اساس اصلاحات مذکور، تصحیح گردد.

روش اجرایی بند دوم و سوم مصوبه مجلس شورای اسلامی

با توجه به اینکه دولت آمریکا اصول بند دوم و سوم مصوبه مجلس شورای اسلامی را پذیرفته است، روش‌های اجرایی زیر پیشنهاد می‌شود:

قسمت اول - اقدامات دولت آمریکا

دولت آمریکا ضمن انجام اقدامات حقوقی و اداری لازم برای اجرای کلیه مفاد بندهای دوم و سوم مصوبه مجلس شورای اسلامی، اقدامات زیر را به عمل خواهد آورد:

الف - بازپس دادن مبلغ ۹۵۰۶۹ میلیون دلار از دارایی‌های ایران به علاوه بهره‌های متعلقه با نرخ متداوله، و همچنین طلای متعلق به ایران موجود نزد فدرال رزرو بانک نیویورک و سپردن آنها به بانک مرکزی الجزایر قبل از آزادی ۵۲ آمریکایی گروگان ملت ایران. این دارایی‌ها به محض آزادی ۵۲ آمریکایی، توسط دولت الجزایر پس از کسر مبالغ مندرج در بندهای الف و ب از قسمت دوم در اختیار دولت ایران قرار خواهد گرفت.

ریز این دارایی‌های به شرح ذیل است:

۱- سپرده بانک مرکزی ایران نزد بانک‌های آمریکایی در لندن	۳۵۱۸ میلیون دلار
۲- سپرده بانک مرکزی ایران نزد بانک‌های آمریکایی در پاریس	۴۰۰ میلیون دلار
۳- سپرده بانک مرکزی ایران نزد بانک‌های آمریکایی در آمریکا	۱۶۷ میلیون دلار
۴- سپرده سایر بانک‌های ایران نزد بانک‌های آمریکایی	۳۰۰ میلیون دلار
۵- سپرده‌های شرکت ملی نفت ایران	۴۰۷ میلیون دلار
۶- وجوه مربوط به فروش نفت	۲۱۰۸ میلیون دلار
۷- اسناد خزانه بانک مرکزی ایران نزد فدرال رزرو بانک	۱۱۰۰ میلیون دلار
۸- سپرده بانک مرکزی ایران نزد فدرال رزرو بانک	۲۶۹ میلیون دلار
۹- تنخواه گردان وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران	۸۰۰ میلیون دلار
جمع کل:	۹۰۶۹ میلیون دلار
۱۰- طلای بانک مرکزی ایران نزد فدرال رزرو بانک	معادل ۱,۶۳۲,۸۲۷ اونس

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۹۷

ب - در مورد سایر دارایی‌ها و اموال ایران که در اختیار و یا در توقیف دولت، اتباع و مؤسسات آمریکایی در داخل و یا خارج آمریکا می‌باشد، دولت آمریکا ضمن دادن تعهد برای بازگرداندن کلیه آنها، تضمینی معادل ۴ میلیارد دلار به صورت نقد، یا هر نوع تضمین معتبر دیگر که مورد قبول بانک مرکزی الجزایر باشد، به عنوان تضمین حسن انجام تعهد نزد بانک مزبور می‌سپارد تا به محض آزادی ۵۲ آمریکایی، اموال و دارایی‌های فوق‌الذکر جهت انتقال به ایران در اختیار نمایندگان دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داده شود. با انتقال هر بخش از اموال و دارایی‌های مزبور، معادل ارزش آن از میزان تضمین سپرده شده در نزد بانک مرکزی الجزایر کسر می‌گردد.

ج - دولت آمریکا تعهد لازم مبنی بر پاسخگویی در قبال هر گونه ادعای خسارت ناشی از انقلاب اسلامی ایران به اتباع و مؤسسات و سازمان‌های دولتی آمریکا که منتج از تصمیمات دولت جمهوری اسلامی ایران نبوده و توضیح آن در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ (۱۰ دسامبر ۱۹۸۰) به شرح زیر تسلیم هیئت الجزایری گردیده است، خواهد داد: «مقصود از عبارت «در رابطه با انقلاب اسلامی ایران» کلیه ادعاهایی است که با هر گونه آسیب و خسارت وارد شده به افراد و مؤسسات آمریکایی ناشی از حرکت انقلابی مردم ایران در فاصله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۱ فوریه ۱۹۷۹) تاکنون ارتباط داشته و نتیجه تصمیمات دولت جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد».

د - به منظور مقابله و تطبیق صورت اموال و دارایی‌های موجود در قلمرو قضایی آمریکا، یا در اختیار دولت، اتباع و مؤسسات آمریکایی در خارج از آمریکا، نظر به اینکه عمال رژیم شاه مخلوع بسیاری از اسناد مربوط به اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا را پیش از سقوط رژیم مزبور نابود کرده‌اند، دولت ایالات متحده آمریکا ظرف مدت یک هفته از تاریخ دریافت این یادداشت، فهرست ریز اموال و دارایی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌ها و مؤسسات ایرانی را از طریق دولت الجزایر در اختیار دولت ایران قرار دهد.

ضمناً دولت آمریکا تعهد نماید که کلیه اموال و دارایی‌های ایران که احتمالاً در صورت‌های فعلی نبوده و در آینده معلوم گردد، بلافاصله در اختیار دولت جمهوری اسلامی قرار دهد.

قسمت دوم - اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران

همزمان با انجام کلیه اقدامات فوق توسط دولت آمریکا، دولت ایران تعهد می‌نماید که اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف - با توجه به اینکه کلیه اعلام‌های قصور قراردادهای وام و تبدیل به دین حال شدن آنها و تهاثرهای انجام شده توسط بانک‌های آمریکایی لغو ابطال خواهد شد، دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن تعهد پرداخت اقساط بدهی‌های واقعی ناشی از وام‌ها و اعتبارات متخذه در گذشته، بدین وسیله به دولت الجزایر اجازه و اختیار می‌دهد که از مبالغ فوق مبلغ یک میلیارد دلار بابت تضمین اقساط عقب‌افتاده وام‌های فوق‌الذکر نگهداری نموده و پس از بررسی هر یک از قراردادها ارقام توافق شده به بانک‌های آمریکایی پرداخت شود. پس از تأدیة دیون، مانده موجودی به ایران باز خواهد گشت.

ب - نظر به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران متعهد پرداخت دیون واقعی خود به افراد و یا مؤسسات آمریکایی می‌باشد، دولت ایران می‌پذیرد که دعاوی مطروحه شرکت‌ها و شهروندان آمریکایی علیه ایران و مطالبات و دعاوی اتباع و مؤسسات ایرانی علیه اتباع و مؤسسات آمریکایی، ابتدا از طریق توافق طرفین دعاوی، و در صورت عدم حصول توافق، از طریق داوری مورد قبول طرفین حل و فصل گردد. دولت جمهوری اسلامی ایران برای پرداخت دیون مزبور، از مبالغ فوق، تضمین نقدی اولیه‌ای معادل یک میلیارد دلار، و یا هر تضمین دیگری که مورد قبول بانک مرکزی الجزایر باشد، نزد دولت الجزایر خواهد سپرد. در جریان پرداخت این دیون، این تضمین به‌صورتی که هیچ‌گاه از مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار تنزل نکند، ترمیم خواهد گردید. بدیهی است که تضمین فوق شامل دعاوی مطروحه ناشی از عوارض اشغال سفارت سابق آمریکا، عوارض ناشی از گروگان‌گیری ملت ایران و عکس‌العمل‌های دولت آمریکا، و همچنین دعاوی ناشی از آثار انقلاب اسلامی ایران نخواهد بود.

روش اجرایی بند چهارم مصوبه مجلس شورای اسلامی

نظر به اینکه اموال و دارایی‌های شاه معدوم و بستگان نزدیک او مصادره و آن قسمت که مشخص شده به نفع ملت ایران ضبط گردیده، و چون مقدار زیادی از این اموال در

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۳۹۹

خارج از ایران به‌ویژه در آمریکا می‌باشد، لذا با توجه به اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر اطلاع کامل از میزان دارایی‌ها و اموال نام‌برداران که به یغما برده شده ندارد، در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۵۹ (۱۰ دسامبر ۱۹۸۰) توسط هیئت الجزایی از دولت آمریکا خواسته شد به‌منظور تسریع در اجرای مصوبه مجلس شورای اسلامی و حکم توقیف دادستان کل در مورد اموال مزبور، هر چه زودتر لیست کل مبلغ دارایی‌ها و اموال شاه معدوم و بستگان نزدیک وی را (لیست عناوین آنها قبلاً ارسال گردیده بود) بر اساس اطلاعات موجود در تاریخ‌های قبل از ۴ نوامبر ۱۹۷۹ و در حال حاضر در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهد؛ چون دولت آمریکا تاکنون هیچ‌گونه اطلاع مفیدی در این مورد در اختیار ایران قرار نداده است؛ لذا دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار است که دولت آمریکا ضمن انجام کلیه اقدامات پیشنهادشده در پاسخ‌های ارسالی خود، اقدامات زیر را نیز به عمل آورد:

الف - همان‌گونه که در خصوص جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و اموال مسدود شده ایران، دولت آمریکا ضمن تعیین مدت، اتباع و مؤسسات خود را در قبال پرداخت جریمه و حبس موظف نمود و از آنان خواست که اطلاعات مربوط را در اختیار خزانه‌داری آمریکا قرار دهند، در این مورد نیز دولت آمریکا، کلیه اقدامات حقوقی و اداری نسبت به تعیین ۳۰ روز مهلت و تعیین جریمه و حبس جهت جمع‌آوری اطلاعات مربوط به اموال و دارایی‌های مزبور را انجام داده و دستورالعمل‌های لازم را در این مورد صادر نماید.

ب - دولت آمریکا کلیه اموال و دارایی‌های شاه معدوم و بستگان نزدیک او را تا اخذ نتیجه نهایی در توقیف نگاه دارد.

ج - علاوه بر کلیه اقدامات فوق مبنی بر شناسایی اموال و دارایی‌های شاه مخلوع و بستگان نزدیک او، در حال حاضر در آمریکا، دولت آمریکا تمامی اموال و دارایی‌های شاه مخلوع و بستگان نزدیک او را در آمریکا در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۵۸ (۳ نوامبر ۱۹۷۹) را نیز شناسایی و ظرف مدت فوق‌الذکر به دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام نماید.

د - دادن اطلاعات پیرامون کیفیت، مبدا، مقصد، عاملین خروج اموال و دارایی‌هایی که توسط شاه معدوم و بستگانش احتمالاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا تاریخ

۴۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پذیرش این پاسخ، از محدوده قضایی آمریکا خارج گردیده است، از جانب دولت آمریکا تعهد شود.

هـ - دولت آمریکا، تضمین نقدی معادل ده میلیارد دلار و یا هر تضمین دیگر، مورد قبول دولت الجزایر که درصدی از اموال به یغما برده شده ملت ایران توسط شاه معدوم و بستگانش می‌باشد، به‌عنوان تضمین حسن انجام تعهد، به بانک مرکزی الجزایر بسپارد، تا چنانچه:

- ۱- دولت آمریکا از معرفی پاره‌ای از اموال و دارایی‌های شاه و بستگانش، به دولت ایران خودداری نموده و توسط دولت ایران کشف و اثبات شود،
- ۲- دولت آمریکا از صدور دستور توقیف تمامی اموال شاه و بستگانش خودداری کرده و یا بعداً حکم صادره را باطل نماید،
- ۳- دادگاه‌های آمریکا، از اجرای حکم توقیف دولت آمریکا و حکم انتقال تمامی اموال مزبور به دولت جمهوری اسلامی، که در دادگاه‌های ایران تأیید شده باشد، خودداری کنند،

دولت الجزایر معادل میزان خسارت ناشی از یک یا چند مورد از موارد فوق، از مبلغ تضمین‌شده، در اختیار دولت ایران قرار دهد. میزان خسارت به‌وسیله داور مورد قبول طرفین تعیین خواهد گردید. تضمین فوق به‌عنوان حسن انجام تعهدات است و با اعلام عدم وجود هر نوع مال و دارایی از طرف دولت ایران و همچنین با صدور فرمان و اجرای احکام دادگاه‌های ایران، از طرف دادگاه‌های آمریکا آزاد خواهد شد. حداکثر مدت مقرر برای اعلام عدم وجود اموال و دارایی‌ها و صدور احکام توقیف دادگاه‌های ایران، یک سال است و پس از رسیدگی به کلیه احکام توقیف و انتقال کلیه اموال به دولت جمهوری اسلامی ایران، ضمانت فوق آزاد خواهد شد.

پس از احراز کلیه شرایط مشروحه در این یادداشت، که با تأیید رسمی دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر امکان‌پذیر خواهد بود، ۵۲ آمریکایی گروگان ملت ایران، آزاد خواهند شد.

تذکر: این پاسخ به دو زبان فارسی و انگلیسی تهیه شده و ...».

بیانیه دولت الجزایر درباره حل و فصل اختلافات ایران و آمریکا

بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر درباره حل و فصل ادعاهای دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران

بر اساس اعلام پذیرش رسمی از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا، دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر اکنون اعلام می‌دارد که ایران و ایالات متحده به قرار زیر موافقت نموده‌اند:

ماده ۱- ایران و ایالات متحده ادعاهای مشروحه در ماده ۲ را از طریق توافق بین طرفین و یا توافق بین دولتین حل و فصل خواهند نمود. هر یک از ادعاهایی که ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قرارداد حل و فصل نشود، طبق شرایط این قرارداد، به حکمیت شخص ثالث ارجاع خواهد گردید.

ماده ۲- بدین وسیله یک دادگاه بین‌المللی حکمیت (دادگاه ادعاهای ایران و ایالات متحده) به منظور اتخاذ تصمیم درباره ادعاهای اتباع ایالات متحده بر علیه ایران و ادعاهای اتباع ایران بر علیه ایالات متحده و هر گونه ادعای متقابل ناشی از همان قرارداد، معامله یا اتفاق که موضوع ادعای آن تبعه باشد، تشکیل می‌گردد. در صورتی که این گونه ادعاها و ادعاهای متقابل در تاریخ این قرارداد حل و فصل نشده و ناشی از قروض، قراردادها، تصرفات و یا هر گونه ضوابط دیگر ناظر بر حق حاکمیت اموال باشد، به استثنای ادعاهای تشریح شده در بند ۲ اعلامیه مورخ ژانویه ۱۹۸۱ دولت الجزایر و ادعاهای ناشی از اقدامات ایالات متحده در قبال موارد مشروحه در آن بند. (۲) دادگاه همچنین درباره ادعاهای رسمی ایالات متحده و ایران بر علیه یکدیگر ناشی از ترتیبات پیمانی بین آنها برای خرید و فروش اجناس و خدمات، صلاحیت داوری خواهد داشت. (۳) - همان گونه که در بندهای ۱۶ و ۱۷ اعلامیه مورخ ژانویه ۱۹۸۱ دولت الجزایر ذکر گردیده، دادگاه صلاحیت داوری درباره هر گونه اختلاف مربوطه به تفسیر یا اجرای شریک از موارد آن اعلامیه را خواهد داشت.

ماده ۳- دادگاه شامل ۹ عضو و یا تعداد بیشتری با ضریب ۳ که ایران و ایالات متحده برای پیشبرد سریع کار آن را لازم بدانند خواهد بود. ظرف نود روز پس از تنفيذ این قرارداد، هر یک از دولتین نام‌برده یک سوم از اعضا را تعیین خواهد نمود. در

۴۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

ظرف سی روز پس از این انتخابات، اعضای انتخاب شده یک سوم باقی مانده را بر اساس توافق مشترک انتخاب و یکی از یک سوم باقیمانده را به عنوان رئیس دادگاه تعیین خواهند نمود. اتخاذ تصمیم درباره ادعاها توسط کلیه اعضا و یا توسط یک هیئت سه نفری از اعضای دادگاه که رئیس دادگاه تعیین می نماید، به عمل خواهد آمد. هر یک از هیئت های نام برده توسط رئیس دادگاه تشکیل خواهد گردید و شامل یک عضو تعیین شده به وسیله هر یک از سه ترتیب فوق الذکر خواهد بود. (۲) انتخاب اعضای دادگاه و اجرای امور دادگاه طبق قوانین حکمیت کمیسیون سازمان ملل متحد درباره قانون تجارت بین المللی (UNCITRAL) خواهد بود، مگر در مواردی که توسط طرفین و یا توسط دادگاه به منظور اطمینان از اجرای این قرارداد، اصلاح شده است. قوانین (UNCITRAL) کمیسیون سازمان ملل متحد درباره قانون تجارت بین المللی برای انتخاب اعضای دادگاه های سه نفری نیز به صورت MUTADIS MOTANDIS ناظر بر تعیین دادگاه خواهد بود. (۳) ادعاهای اتباع ایالات متحده و ایران در چهارچوب این قرارداد یا توسط خود مدعی و یا، در مورد ادعاهای کمتر از ۲۵۰,۰۰۰ دلار، توسط دولت آنها، به دادگاه ارجاع خواهد گردید. (۴) با گذشتن یک سال از تنفیذ این قرارداد و یا شش ماه پس از تاریخ انتخاب رئیس دادگاه (هر کدام که دیرتر باشد) هیچ ادعایی در دادگاه قابل طرح نخواهد بود.

ماده ۴-۱) تمام تصمیمات و احکام دادگاه، قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. (۲) با حل و فصل کلیه احکام حکمیت تحت این قرارداد همان گونه که در بند ۷ بیانیه مورخ ژانویه ۱۹۸۱ دولت الجزایر قید شده است، مراتب توسط رئیس دادگاه گواهی خواهد گردید. (۳) هر حکمی که دادگاه بر علیه هر یک از دولتین صادر نماید، بر علیه آن دولت در دادگاه های هر کشور طبق قوانین آن کشور قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۵ - دادگاه، اتخاذ تصمیم درباره تمام موارد را براساس احترام به قانون انجام خواهد داد و مقررات قانونی و اصولی از قانون تجارت و بین الملل را مورد استفاده قرار خواهد داد که دادگاه آن را قابل استفاده تشخیص دهد و موارد استفاده مربوطه در مبادلات بازرگانی، شرایط قرارداد و تغییر شرایط را مورد توجه قرار می دهد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۰۳

ماده ۱۶-۱) محل دادگاه در لاهه در کشور هلند و یا هر محل دیگری که ایران و ایالات متحده توافق کنند، خواهد بود. ۲) هر یک از دولتین نماینده‌ای در محل دادگاه تعیین خواهد نمود تا نمایندگی آن دولت را در دادگاه بر عهده داشته و ابلاغ‌ها یا هر نوع مکاتبات دیگر خطاب به آن دولت و یا اتباع و سازمان‌های آن دولت درباره امور تحت رسیدگی توسط دادگاه را دریافت نماید. ۳) مخارج دادگاه به طریق مساوی توسط دو دولت پرداخت خواهد گردید. ۴) هر گونه اتخاذ تصمیم درباره تفسیر و یا اجرای این قرارداد، به تقاضای ایران و یا ایالات متحده، توسط دادگاه به عمل خواهد آمد.

ماده ۷ - به منظور اجرای این قرارداد:

۱- اتباع، ایران و یا ایالات متحده بدین معنی است:

الف - یک شخص طبیعی که تبعه ایران و یا ایالت متحده می‌باشد.

ب - شرکت و یا شخص حقوقی دیگری که طبق قوانین ایران و یا ایالت متحده و یا هر یک از ایالات و نواحی آن، ناحیه کلمبیا و یا مشترک المنافع پرتوریکو تشکیل یافته باشد.

چنانچه به صورت جمع، اشخاص حقوقی که تبعه آن کشور هستند، مستقیم و یا غیرمستقیم در چنین شرکت و یا شخصیت حقوقی سهامی معادل ۵۰ درصد و یا بیشتر سرمایه آن را دارا باشند.

۲- «ادعاهای اتباع» ایران و یا ایالات متحده بر حسب مورد، عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ اقامه آن ادعا تا تاریخ اجرای این قرارداد مستمراً در مالکیت اتباع آن کشور بوده‌اند؛ شامل ادعاهایی که به طور غیرمستقیم از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علائق مالی، در مورد اشخاص حقوقی در مالکیت این اشخاص بوده‌اند، مشروط به اینکه منافع مالکیت چنین اتباعی، به طور جمعی، در زمان اقامه ادعا در حد لازم برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر بوده، و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در چهارچوب این موافقت حق اقامه دعوا نداشته باشد.

۴۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۳- «ایران» یعنی دولت ایران و هر نوع سازمان فرعی سیاسی ایران و هر نوع آژانس واسطه یا شخصیتی که به وسیله دولت ایران و یا سازمان‌های سیاسی فرعی آن کنترل می‌شود.

۴- «ایالات متحده» یعنی دولت ایالات متحده و یا هر نوع سازمان سیاسی فرعی ایالات متحده و هر نوع آژانس و واسطه شخصیتی که به وسیله دولت ایالات متحده و یا سازمان‌های سیاسی فرعی آن کنترل می‌شود.

ماده ۸ - این قرارداد هنگامی که دولت الجزایر از هر دو دولت ایران و ایالات متحده، اعلامیه الحاق به قرارداد را دریافت نماید لازم الاجرا خواهد بود.

«بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر

نظر به اینکه دولتین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر تقاضا نموده‌اند که به منظور یافتن راه قابل قبول طرفین برای حل بحران در روابطشان ناشی از دستگیری ۵۲ نفر اتباع آمریکا در ایران به عنوان واسطه عمل نماید، دولت الجزایر با دو دولت درباره تعهداتی که هر یک آماده است برای حل این بحران در چهارچوب چهار شرط ذکر شده در مصوبه مورخ ۱۱ آبان ۱۳۵۹ (۲ نوامبر ۱۹۸۰) مجلس شورای اسلامی ایران به عمل آورد، مشورت‌های گسترده‌ای انجام داده است. بر اساس اعلام پذیرش رسمی از جانب ایران و ایالات متحده، اینک دولت الجزایر اعلام می‌دارد که تعهدات متقابل زیر توسط دو دولت به عمل آمده است:

اصول کلی - تعهدات مشروحه در این بیانیه بر مبنای اصول کلی زیر است:

الف - در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر، ایالات متحده، حتی الامکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸ (۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) بازخواهد گرداند. در این چهارچوب، ایالات متحده خود را متعهد می‌سازد که تحرک و انتقال آزاد کلبه دارایی‌های ایران موجود در قلمرو قضایی خود را به شرحی که در بندهای ۴ تا ۹ خواهد آمد، تأمین نماید.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۰۵

ب - قصد هر دو طرف، در چهارچوب و پیرو شرایط دو بیانیه دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر این است که کلیه دعاوی بین هر دولت با اتباع دولت دیگر را لغو و موجبات حل و فصل و ابطال کلیه این دعاوی را از طریق یک داوری لازم‌الاجرا فراهم نمایند. از طریق ترتیبات مندرج در بیانیه مربوط به حل و فصل ادعاها، ایالات متحده موافقت می‌نماید که به تمام اقدامات حقوقی در دادگاه‌های ایالات متحده که متضمن ادعاهای اتباع و مؤسسات آمریکایی علیه ایران و مؤسسات دولتی آن است، خاتمه داده، کلیه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو، سایر دعاوی بر اساس چنین ادعاهایی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن به چنین ادعاهایی را، از طریق داوری لازم‌الاجرا فراهم نماید.

ماده ۱ - عدم مداخله در امور ایران: ۱- ایالات متحده آمریکا تعهد می‌نماید که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، سیاسی و یا نظامی، در امور داخلی ایران مداخله ننماید.

مواد ۲ و ۳ - ۱- استرداد دارایی‌های ایران و حل و فصل ادعاهای آمریکا. ۲- ایران و ایالات متحده (از این به بعد «طرفین» نامیده خواهند شد) بلافاصله یک بانک مرکزی (از این به بعد «بانک مرکزی» نامیده خواهد شد) قابل قبول طرفین را انتخاب خواهند نمود که طبق دستورات دولت الجزایر و بانک مرکزی الجزایر (بعد از این «بانک مرکزی الجزایر» نامیده خواهد شد) به عنوان حافظ حساب مشروط (escrow) و وجوه تضمینی که ذیلاً تشریح می‌شود، عمل خواهد نمود. طرفین بلافاصله ترتیبات لازم برای گشایش حساب‌های سپرده را طبق شرایط این بیانیه با بانک مرکزی خواهند داد. تمام وجوه سپرده‌شده در حساب مشروط در بانک مرکزی طبق این بیانیه در حسابی به نام بانک مرکزی الجزایر نگهداری خواهد گردید. ترتیبات خاصی برای اجرای تعهدات مطروحه در این بیانیه و بیانیه جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر مربوط به حل و فصل ادعاها به وسیله دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران (از این به بعد «بیانیه حل و فصل ادعاها» نامیده خواهد شد)، به طور جداگانه طی تعهدات خاص دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران، با توجه به بیانیه جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر پیش‌بینی شده است. ۳- ترتیبات

۴۰۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

سپرده‌گذاری متضمن این شرط خواهد بود که چنانچه دولت الجزایر نزد بانک مرکزی الجزایر گواهی خروج ایمن ۵۲ تبعه ایالات متحده را از ایران صادر نماید، بانک مرکزی الجزایر براساس آن به بانک مرکزی دستور خواهد داد، فوراً تمام وجوه و دیگر دارایی‌های موجود در حساب مشروط نزد بانک مرکزی را براساس این بیانیه منتقل نماید، مشروط بر اینکه در هر زمانی قبل از صدور این گواهی توسط دولت الجزایر هر یک از طرفین، ایران و ایالات متحده، حق خواهند داشت که با یک اختاریه ۷۲ ساعته، تعهدات خود را نسبت به این بیانیه فسخ نمایند.

اگر چنین اختاریه‌ای توسط ایالات متحده صادر شود و گواهی مذکور توسط دولت الجزایر در ظرف ۷۲ ساعت مهلت اختاریه، صادر گردد، بانک مرکزی الجزایر به بانک مرکزی دستور خواهد داد که نسبت به نقل و انتقال وجوه و دارایی‌های مورد بحث اقدام کند. اگر مهلت اختاریه ۷۲ ساعته از سوی ایالات متحده بدون صدور این گواهی تمام شود و یا اگر اختار به فسخ تعهدات از ناحیه ایران تسلیم گردد، در چنین موردی بانک مرکزی الجزایر به بانک مرکزی دستور خواهد داد کلیه وجوه و دارایی‌ها را به ایالات متحده برگشت دهد و از آن پس تعهدات مندرج در این بیانیه ملغی و بلااثر خواهند بود.

دارایی‌های نزد بانک فدرال رزرو: ۴- به محض انجام ترتیبات ضروری مربوط به حساب مشروط در بانک مرکزی، ایالات متحده تمام طلاهای متعلق به ایران نزد بانک فدرال رزرو نیویورک به انضمام کلیه دارایی‌های دیگر ایران (یا معادل نقدی آنها) نزد بانک فدرال رزرو را به بانک مرکزی انتقال خواهد داد که در حساب مشروط نزد بانک مرکزی نگهداری خواهد شد تا زمانی که انتقال و یا برگشت آنها طبق بند ۳ مذکور در فوق الزام‌آور گردد.

دارایی‌های نزد شعب خارجی بانک‌های آمریکایی: ۵ - به محض انجام ترتیبات ضروری مربوط به حساب مشروط نزد بانک مرکزی، ایالات متحده تمام سپرده‌ها و اوراق بهاداری را که در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ یا پس از آن در دفاتر شعب خارجی بانک‌های آمریکایی ثبت شده است، به همراه بهره متعلقه تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰، به بانک مرکزی، حساب بانک مرکزی الجزایر، منتقل خواهد کرد که نزد بانک مرکزی در

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۰۷

حساب بانک مرکزی الجزایر خواهد ماند، تا زمانی که برگشت یا انتقال آنها طبق بند ۳ مذکور در فوق الزام آور گردد.

۱۸۶

دارایی‌های نزد شعب بانک‌های آمریکایی در آمریکا: ۶) با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل و فصل ادعاهای منضم به آن توسط ایران و ایالات متحده و به دنبال پایان یافتن ترتیبات مربوط به گشایش حساب تضمینی بهره‌دار نزد بانک مرکزی که در بیانیه اخیر و بند هفت زیر مشخص شده است، و ترتیبات آن طی ۳۰ روز از تاریخ این بیانیه داده خواهد شد، ایالات متحده در ظرف شش ماه از آن تاریخ جهت انتقال تمام سپرده‌ها و اوراق بهادار ایران نزد مؤسسات بانکی در آمریکا به اضافه بهره متعلقه به بانک مرکزی عمل خواهد کرد، که به صورت حساب مشروط نزد بانک مرکزی باقی خواهند ماند تا زمانی که انتقال و یا برگشت آنها طبق بند ۳ بالا الزام آور گردد.

۷- به مجرد وصول وجوه مندرج در بند ۶ بالا توسط بانک مرکزی، بانک مرکزی الجزایر به بانک مرکزی دستور خواهد داد که: ۱- نیمی از مبالغ دریافتی را به ایران انتقال دهد و ۲- نیم دیگر را در یک حساب تضمینی بهره‌دار نزد بانک مرکزی بسپارد تا آنکه میزان موجودی حساب تضمینی به میزان یک میلیارد دلار برسد. پس از رسیدن به سطح یک میلیارد دلار، بانک مرکزی الجزایر دستور خواهد داد که تمام مبالغی که به موجب بند ۶ دریافت می‌شوند، به ایران منتقل گردند. کلیه موجودی حساب تضمینی صرفاً برای تضمین پرداخت و تأدیة ادعاهای علیه ایران طبق بیانیه حل و فصل ادعاها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. هر گاه بانک مرکزی به ایران اطلاع دهد که میزان موجودی حساب تضمینی از ۵۰۰ میلیون دلار تنزل کرده است، ایران فوراً با گذاشتن سپرده‌های جدید، موجودی حساب مذکور را به سطح ۵۰۰ میلیون دلار خواهد رساند و موجودی حساب مذکور در این سطح نگهداری خواهد تا زمانی که رئیس هیئت داور، هیئتی که طبق بیانیه حل و فصل ادعاها تشکیل گردیده است، برای بانک

۱. روشن نیست این عدد برای چیست، ولی در اصل سند به همین صورت آمده است. شاید شماره صفحه کتابی باشد که بیانیه از آن گرفته شده است.

۴۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مرکزی الجزایر گواهی کند که تمام احکام حکمیت علیه ایران طبق بیانیه حل و فصل اجرا شده است، که در آن صورت باقی مانده حساب تضمینی به ایران انتقال داده خواهد شد.

دارایی‌های دیگر در آمریکا و خارج از آمریکا

۸- با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل و فصل ادعاها منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده، و به دنبال پایان یافتن ترتیبات مربوط به گشایش حساب تضمینی که طی ۳۰ روز از تاریخ این بیانیه خاتمه خواهد پذیرفت، ایالات متحده علاوه بر دارایی‌هایی که در بندهای ۵ و ۶ بالا به آنها اشاره گردید، در مورد انتقال تمام اموال ایران (یعنی وجوه و اوراق بهادار) که در ایالات متحده و در خارج از کشور موجود است، به بانک مرکزی اقدام خواهد کرد، تا زمانی که انتقال و یا برگشت آنها طبق بند ۳ بالا الزام‌آور گردد.

۹- با پذیرش این بیانیه و بیانیه حل و فصل، ادعاهای منضم به آن، توسط ایران و ایالات متحده و با صدور گواهی مشروح در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده، براساس مفاد مقررات قانونی قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ این کشور، ترتیبات لازم برای انتقال تمام اموال ایران را که در ایالات متحده و در خارج موجود می‌باشد و در چهارچوب بندهای فوق‌الذکر قرار نمی‌گیرد، به ایران خواهد داد.

لغو تحریم‌های تجاری و ادعاها

۱۰- به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده تمام تحریم‌های تجاری را که از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) تاکنون علیه ایران اعمال گردیده‌اند لغو خواهد نمود.

۱۱- به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده فوراً تمام ادعاهایی را که در حال حاضر بر علیه ایران در دیوان دادگستری بین‌المللی مطرح است، پس خواهد گرفت و از آن به بعد نیز از اقامه دعوا در مورد هر گونه ادعای حال یا آینده توسط ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده علیه ایران ناشی از حوادث قبل از تاریخ این بیانیه، در رابطه با: الف - عمل دستگیری ۵۲ نفر اتباع ایالات

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۰۹

متحده در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹)، ب- توقیف دستگیرشدگان، ج- خسارات وارده به اموال ایالات متحده و یا اموال اتباع ایالات متحده در داخل محوطه سفارت آمریکا در تهران بعد از ۱۲ آبان ۱۳۵۸ (۳ نوامبر ۱۹۷۹) و د- صدمات وارده به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در نتیجه جنبش‌های مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است، جلوگیری خواهد نمود. ایالات متحده همچنین مانع از اقامه دعوا علیه ایران در دادگاه‌های آمریکا توسط اشخاص غیرآمریکایی درباره ادعاهای حال و آینده ناشی از حوادث ذکر شده در این بند خواهد گردید.

ماده ۴ - برگشت دارایی‌های خانواده شاه سابق

۱۲- به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ توسط دولت الجزایر، ایالات متحده اموال و دارایی‌های موجود در آمریکا را که تحت کنترل وراث شاه سابق و یا هر یک از بستگان نزدیک وی بود و به‌عنوان خواننده از جانب ایران، به‌منظور برگرداندن اموال و دارایی‌های متعلق به ایران در دادگاه‌های ایالات متحده بر علیه آنان طرح دعوی می‌شود، مسدود و انتقال آنها را ممنوع خواهد نمود. دستور انسداد اموال و دارایی‌های هر یک از خوانندگان و همچنین ماترک شاه سابق تا پایان جریان دادرسی به قوت خود باقی خواهد بود. تخلف از دستور انسداد مستوجب مجازات‌های کیفری و مدنی مقرر در قوانین ایالات متحده خواهد بود.

۱۳- به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ بالا توسط دولت الجزایر، ایالات متحده به تمام اشخاص مقیم در حوزه قضایی آمریکا دستور خواهد داد که ظرف ۳۰ روز کلیه اطلاعات موجود در نزد آنها، در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۵۸ (۳ نوامبر ۱۹۷۹) و نیز در تاریخ دستور، در رابطه با اموال و دارایی‌های مذکور در بند ۱۲ را به منظور ارسال به ایران به خزانه‌داری ایالات متحده گزارش دهند. تخلف از این مقرر مستوجب مجازات‌های کیفری، و مدنی مندرج در قوانین ایالات متحده خواهد بود.

۱۴- به محض صدور گواهی مذکور در بند ۳ فوق توسط دولت الجزایر، ایالت متحده به کلیه دادگاه‌های ذی‌ربط ایالات متحده اعلام خواهد کرد که در مورد دعوی

۴۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

مندرج در بند ۱۲، ادعای ایران نبایستی چه به استناد اصول مصونیت دولت مستقل یا به استناد قانون دکترین کشوری مردود تلقی گردد، و نیز اعلام خواهد کرد مصوبه‌ها و احکام ایران در ارتباط با چنین دارایی‌هایی بایستی طبق قوانین ایالات متحد، به وسیله دادگاه‌های آمریکا اجرا گردد.

۱۵- در مورد هر حکم صادره از دادگاه آمریکا مبنی بر انتقال هر گونه اموال و یا دارایی به ایران، ایالات متحده بدین وسیله اجرای حکم نهایی را در صورتی که اموال و یا دارایی‌ها در داخل ایالات متحده باشد، تضمین می‌نماید.

۱۶- درباره نحوه اجرای تعهداتی که مطابق بندهای ۱۲ تا ۱۵ به عهده ایالات متحده می‌باشد، چنانچه اختلافی بین طرفین بروز نماید، ایران می‌تواند اختلاف را به هیئت داوری که براساس بیانیه حل و فصل ادعاها و مطابق شرایط مقرر در آن تشکیل گردیده است و رأی آن لازم الاجرا خواهد بود، ارجاع نماید. چنانچه هیئت مزبور تشخیص دهد که در نتیجه قصور ایالات متحده در اجرای این تعهد، ایران متحمل خساراتی گردیده است، حکم مقتضی به نفع ایران صادر می‌کند که این حکم در دادگاه‌های هر کشوری و مطابق قوانین آن کشور، به وسیله ایران می‌تواند به موقع اجرا گذاشته شود.

۱۷- چنانچه اختلافات دیگری درباره تفسیر یا نحوه اجرای هر یک از مقررات این بیانیه بین طرفین بروز نماید، هر یک از طرفین می‌توانند اختلاف را به هیئت داوری که بر اساس بیانیه حل و فصل ادعاها و مطابق شرایط مقرر در آن تشکیل گردیده است و رأی آن لازم الاجرا خواهد بود، ارجاع نماید. تصمیمات هیئت مزبور درباره چنین اختلافاتی، مشتمل بر احکام پرداخت غرامت، خسارت حاصله از عدم اجرای این بیانیه و یا بیانیه حل و فصل ادعاها می‌تواند از سوی طرف ذی‌نفع در دادگاه‌های هر کشوری مطابق قوانین آن کشور به موقع اجرا گذارده شود.

بیست و نهم دی‌ماه ۱۳۵۹

بهزاد نبوی - وزیر مشاور در امور اجرایی

متن انگلیسی بیانیه الجزایر که توسط امریکا منتشر شده است:

DECLARATION OF THE GOVERNMENT OF THE DEMOCRATIC AND POPULAR REPUBLIC OF ALGERIA

The Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria, having been requested by the Governments of the Islamic Republic of Iran and the United States of America to serve as an intermediary in seeking a mutually acceptable resolution of the crisis in their relations arising out of the detention of the 52 United States nationals in Iran, has consulted extensively with the two governments as to the commitments which each is willing to make in order to resolve the crisis within the framework of the four points stated in the resolution of November 2, 1980, of the Islamic Consultative Assembly of Iran. On the basis of formal adherences received from Iran and the United States, the Government of Algeria now declares that the following interdependent commitments have been made by the two governments:

GENERAL PRINCIPLES: The undertakings reflected in this Declaration are based on the following general principles:

A- within the framework of and pursuant to the provisions of the two Declarations of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria, the United States will restore the financial position of Iran, in so far as possible, to that which existed prior to November 14, 1979. In this context, the United States commits itself to ensure the mobility and free transfer of all Iranian assets within its jurisdiction, as set forth in paragraphs 4-9.

B- it is the purpose of both parties, within the framework of and pursuant to the provisions of the two Declarations of the Government of the Democratic and Popular Republic of Algeria, to terminate all litigation as between the Government of each party and the nationals of the other, and to bring about the settlement and termination of all such claims through binding arbitration. Through the procedures provided in the Declaration, relating to the Claims Settlement Agreement, the United States agrees to terminate all legal proceedings in United States courts involving claims of United States persons and institutions against Iran and its state enterprises, to nullify all attachments and judgments obtained therein, to prohibit all further litigation based on such claims, and to bring about the termination of such claims through binding arbitration.

Point I: Non-intervention in Iranian Affairs the United States Pledges that it is and from now on will be the policy of the United States not to intervene, directly or indirectly, politically, in Iran's internal affairs. Points II and III: return of Iranian Assets and settlement of U.S. Claims.

Iran and the United States (hereinafter "the parties") will immediately select a mutually agreeable central bank (hereinafter "the Central Bank") to act, under the instruction of the Government of Algeria and the Central Bank of Algeria (hereinafter "the Algerian Central Bank") as depository of the escrow and security funds hereinafter prescribed and will promptly enter into depository arrangements with the central Bank in accordance with the terms of this declaration. All funds placed in escrow with the Central Bank. Certain procedures for implementing the obligations set forth in this Declaration and in the Declaration of the Democratic and Popular Republic of Algeria concerning the settlement of claims by the Government of the United States and the Government of the Islamic Republic of Iran (hereinafter "the claims settlement Agreement") are separately set forth in certain Undertakings of the Government of the United States of America and the Government of the Islamic Republic of Iran with respect to the Declaration of the Democratic and Popular Republic of Algeria.

the depository arrangements shall provide that, in the event that the Government of Algeria certifies to the Algerian Central Bank that the 52 U.S. Nationals have safely departed from Iran, the Algerian Central Bank will thereupon instruct the Central Bank to transfer immediately all monies or other assets in escrow with the Central Bank pursuant to this declaration by the Government of Algeria, each of the two parties, Iran and the United States, shall have the right on seventy-two hours notice to terminate its commitments under this declaration.

If such notice is given by the United States and the foregoing certification is made by the Government of Algeria within the seventy-two hour period of notice, the Algerian Central Bank will thereupon instruct the Central Bank to transfer such funds and assets. If the seventy-two hour period of notice by the United States expires without such a certification having ...

ASSETS IN THE FEDERAL RESERVE BANK

Commencing upon completion of the requisite escrow arrangements with the Central Bank, the United States will bring about the transfer to the Central Bank of all gold bullion which is owned by Iran and

which is in the custody of the Federal Reserve Bank of New York, together with all other Iranian assets (or the cash equivalent thereof) in the custody of the Federal Reserve Bank of New York, to be held by the Central Bank in escrow until such time as their transfer or return is required by paragraph 3 above.

ASSETS IN FOREIGN BRANCHES OF U.S. BANKS

5. Commencing upon the completion of the requisite escrow arrangements with the Central Bank, the United States will bring about the transfer to the Central Bank, to the account of the Algerian Central Bank, of all Iranian deposits and securities which on or after November 14, 1979, stood upon the books of overseas banking offices of U.S. Banks, together with interest thereon through December 31, 1980, to be held by the Central Bank, to the account of the Algerian Central Bank, in escrow until such time as their transfer or return is required in accordance with paragraph 3 of this Declaration.

ASSETS IN U.S. BRANCHES OF U.S. BANKS

6. Commencing with the adherence by Iran and the United States to this declaration and the claims settlement agreement attached hereto, and following the conclusion of arrangements with the Central Bank for the establishment of the interest-bearing security account specified in that agreement and paragraph 8 below, which arrangements will be concluded within 30 days from the date of this Declaration, the United States will act to bring about the transfer to the Central Bank, within six months from such date, of all Iranian deposits and securities in U.S. banking institutions in the United States, together with interest thereon, to be held by the Central Bank in escrow until such time as their transfer or return is required by paragraph 3.

7. As funds are received by the Central Bank pursuant to paragraph 5 above, the Algerian Central Bank shall direct the Central Bank to (1) transfer one-half of each such receipt to Iran and (2) place the other half in a special interest bearing security account in the Central Bank, until the balance in the security account in the Central Bank, until the balance in the security account has reached the level of \$1 billion. After the \$1 billion balance has been achieved, the Algerian Central Bank shall direct all funds received pursuant to paragraph 6 to be transferred to Iran. All funds in the security account are to be used for the sole purpose of securing the payment of, and paying, claims against Iran in accordance with the claims settlement agreement. Whenever the Central Bank shall thereafter notify Iran that the

balance in the security account has fallen below \$500 million, Iran shall promptly make new deposits sufficient to maintain a minimum balance of \$500 million in the account. The account shall be so maintained until the president of the Arbitral Tribunal established pursuant to the claims settlement agreement has certified to the Central Bank of Algeria that all arbitral awards against Iran have been satisfied in accordance with the claims settlement agreement, at which point any amount remaining in the security account shall be transferred to Iran.

OTHER ASSETS IN THE U.S. AND ABROAD

Commencing with the adherence of Iran and the United States to this declaration and the attached claims settlement agreement and the conclusion of arrangements for the establishment of the security account, which arrangements will be concluded within 30 days from the date of this Declaration, the United States will act to bring about the transfer to the central Bank of all Iranian financial assets (meaning funds or securities) which are located in the United States and abroad, apart from those assets referred to in paragraph 5 and 6 above, to be held by the Central Bank in escrow until their transfer or return is required by paragraph 3 above.

Commencing with the adherence by Iran and the United States to this declaration and the attached claims settlement agreement and the making by the Government of Algeria of the certification described in paragraph 3 above, the United States will arrange, subject to the provisions of U.S. law applicable prior to November 14, 1979, for the transfer to Iran of all Iranian properties which are located in the United States and abroad and which are not within the scope of the preceding paragraphs.

NULLIFICATION OF SANCTIONS AND CLAIMS

Upon the making by the Government of Algeria of the certification described in paragraph 3 above, the United States will revoke all trade sanctions which were directed against Iran in the period November 4, 1979, to date.

Upon the making by the Government of Algeria of the certification described in paragraph 3 above, the United States will promptly withdraw all claims now pending against Iran before the International Court of Justice and will thereafter bar and preclude the prosecution against Iran of any pending or future claim of the United States or a United States national arising out of events occurring before the date

of this declaration related to (A) the secure of the 52 United States nationals on November 4, 1979, (B) their subsequent detention, (c) injury to United States property or property of the United States nationals within the United States embassy compound in Tehran after November 3, 1979, and (D) injury to the United States nationals or their property as a result of popular movements in a course of the Islamic Revolution in Iran which were not an act of the Government of Iran. The United States will also bar and preclude the prosecution against Iran in the courts of the United States of any pending or future claim asserted by persons other than the United States nationals arising out of the events specified in the preceding sentence.

Point IV: Return of the Assets of the family of the former Shah.

Upon the making by the Government of Algeria of the certification described in Paragraph 3 above, the United States will freeze, and prohibit any transfer of, property and assets in the United States within the control of the estate of the former Shah or of any close relative of the former Shah served as a defendant in U.S. litigation brought by Iran to recover such property and assets as belonging to Iran. As to any such defendant, including the estate of the former Shah, the freeze order will remain in effect until such litigation is finally terminated. Violation of the freeze order shall be subject to the civil and criminal penalties prescribed by U.S. law.

Upon the making by the Government of Algeria of the certification described in paragraph 3 above, the United States will order all persons within U.S. jurisdiction to report to the U.S. Treasury within 30 days, for transmission to Iran, all information known to them, as of November 3, 1979, and as of the date of the order, with respect to the property and assets referred to in paragraph 12. Violation of the requirement will be subject to the civil and criminal penalties prescribed by U.S. law.

Upon the making by the Government of Algeria of the certification described in paragraph 3 above, the United States will make known, to all appropriate U.S. courts, that in any litigation of the kind described in paragraph 12 above the claims of Iran should not be considered legally barred either by sovereign immunity principles or by the act of state doctrine and that Iranian decrees and judgments relating to such assets should be enforced by such courts in accordance with United States law.

As to any Judgment of a U.S. court which calls for the transfer of any property or assets to Iran, the United States hereby guarantees the enforcement of the final judgment to the extent that the property or assets exist within the United States.

If any dispute arises between the parties as to whether the United States has fulfilled any obligation imposed upon it by paragraphs 12-15, inclusive, Iran may submit the dispute to binding arbitration by the tribunal established by, and in accordance with the provisions of, the claims settlement agreement. If the tribunal determines that Iran has suffered a loss as a result of a failure by the United States to fulfill such obligation, it shall make an appropriate award in favor of Iran which may be enforced by Iran in the courts of any nation in accordance with its laws.

SETTLEMENT OF DISPUTES

17. If any other dispute arises between the parties as to the interpretation or performance of any provision of this declaration, either party may submit the dispute to binding arbitration by the tribunal established by. And in accordance with the provisions of the claims settlement agreement. Any decision of the tribunal with respect to such dispute, including any award of damages to compensate for a loss resulting from a breach of this declaration or the claims settlement agreement, may be enforced by the prevailing party in the courts of any nation In accordance with its laws.

Initiated on January 19, 1981

By :Warren M. Christopher, deputy Secretary of State of the Government of the United States. By virtue of powers vested in him by his Government as deposited with the Government of Algeria.

آزادی گروگان‌ها: گزارش دولت

با امضای بیانیه‌های اول و دوم الجزایر و شش توافقنامه الحاقی، گروگان‌ها در ژانویه ۱۹۸۰ درست در هنگامی که کارتر کاخ سفید را ترک می‌کرد و ریگان وارد می‌شد، گروگان‌ها آزاد شدند. کارتر به ویسبادن آلمان رفت و خودش از گروگان‌ها استقبال کرد. او در سخنان خود به دستاورد بیانیه‌های الجزایر اشاره کرد و گفت: ما در برابر هر ساعتی که شما را در اسارت نگه داشتند، ایران را جریمه کرده‌ایم. تحلیل دو بیانیه و شش توافقنامه را در پایان این بخش ارائه می‌دهم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۱۷

بعد از آزادی گروگان‌ها، آقای محمدعلی رجایی در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، گزارشی درباره آزادی ۵۲ تن از اتباع آمریکایی گروگان ملت ایران، به شرح زیر ارائه داد:

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از آنکه مأموریت حل مسئله گروگان‌ها از طرف مجلس به دولت واگذار شد، یک گروهی را برای مذاکره و مبادله اسناد از طرف دولت مأمور کردیم که همان طور که نمایندگان محترم اطلاع دارند، ریاست این گروه را وزیر مشاور در امور اجرایی (آقای بهزاد نبوی) به عهده داشتند. در مجموع، مصوبات مجلس همیشه مورد نظر بوده. حتی آخرین تبصره‌ای که مجلس تصویب کرد با اینکه مقداری در اجرا با مذاکرات طولانی‌تری مواجه کرد، ولی به یاری خدا در آن مورد هم ما موفق شدیم که آن مصوبه را هم طبق نظر مجلس عمل کنیم. برای اینکه نمایندگان محترم در جریان بیشتر این مذاکرات قرار گیرند، من خلاصه‌ای را به صورت گزارش عرض می‌کنم و تمام بیانیه‌ها و آن نوشته‌هایی که در این رابطه رد و بدل شده است، تهیه شده است که تقدیم مجلس می‌شود تا اگر مجلس لازم دید تکثیر کند و نمایندگان محترم در جریان آن نامه‌هایی هم که رد و بدل شده است، قرار بگیرند.

در پی پیام حج سال گذشته امام امت، و رهنمودهای ایشان بر مبارزه بی‌امان با آمریکا، و همچنین به منظور عینیت بخشیدن به خشم و نفرت عمیق امت مسلمان نسبت به آمریکا و آخرین توطئه‌اش یعنی پناه دادن به شاه معدوم، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اقدام به اشغال جاسوسخانه آمریکا در تهران کردند. این عمل ابتکاری و در عین حال متهورانه، بازتاب‌های مختلفی در جامعه انقلابی ما ایجاد کرد. عده‌ای که برایشان زیر پا گذاشتن به اصطلاح قوانین بین‌المللی، آن هم در رابطه با ابرقدرت‌ها باورکردنی نبود، وحشت‌زده منتظر عکس العمل‌های تند و خشن آمریکا و احیاناً از دست رفتن ثمرات انقلاب بودند. گروهی نیز حیرت‌زده در انتظار پایان کار به سر می‌بردند. گروه سوم یعنی گروه‌های مخالف اسلام و انقلاب، از همان آغاز با تهمت و افتراهای گوناگون حرکت را محکوم کردند. در این میان عکس‌العمل امام امت شگفت‌انگیز و خلاف انتظار بود. امام در همان اولین لحظات اشغال جاسوسخانه، نه

۴۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

تنها اقدام انقلابی دانشجویان را تأیید کرد و آن را انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول خواندند، بلکه خود پیشاپیش این حرکت، رهبری آن را عهده‌دار شدند. امت قهرمان و انقلابی نیز در پی صحنه امام، یکپارچه اقدام انقلابی مزبور را تأیید کردند. در بادی امر، آمریکا با تصویری که از گذشته داشت و با امید نفوذ در انقلاب اسلامی ما، از در نرمش و سازش درآمده و هیئتی را برای مذاکره به ایران اعزام داشت. فرمان خشم‌آلود و رعدآسای امام که هر نوع مذاکره و سازشی را نفی می‌کرد، آنها را در آسمان میخکوب و وادار به بازگشت کرد؛ لذا آمریکا ناچار به برملا ساختن چهره واقعی و کریه خود در قبال انقلاب اسلامی از پس نقاب‌های منافقانه، گردید. دستور توقیف اموال و سپرده‌های ما که متأسفانه نه ماه پس از انقلاب هنوز در بانک‌ها و مؤسسات آمریکایی بود، صادر شد. خرید نفت تحریم و دستور محاصره اقتصادی ایران صادر گردید. ملت مسلمان ایران بر اساس رهنمودهای امامش با تمام این پیامدها مقابله کرده و با روزه به جنگ حصر اقتصادی رفت. آمریکا از روی یأس و ناامیدی به قطع رابطه با ما دست زد و امامان فرمود که: «ما رابطه با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم، الهی که به خطر بیفتد». شیطان بزرگ درمانده و حیران، دست به اقدامات عصبی و بی‌نتیجه‌ای زد که جز برملا شدن چهره کثیفش نتیجه‌ای به بار نیاورد. حمله مستقیم نظامی به طبرس، که حرکتی به مراتب مفتضحانه‌تر از حمله به خلیج خوک‌ها بود، تنها به یاری خدا با شکست و ناکامی روبرو شد «و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین». کودتای آمریکایی نوژه و بمب‌گذاری‌های مکرر حتی در نقاط پرجمعیت تهران هیچ یک به نتیجه نرسید و در آخرین مرحله، حمله نظامی صدام به دستور آمریکا آغاز گردید و هنوز نیز ادامه دارد.

پس از آنکه حرکت انقلابی دانشجویان ثمرات خود را به بار آورد، امام امت، در پیام حج امسال خویش، تصمیم‌گیری در این زمینه را به عهده مجلس شورای اسلامی گذاشتند و مجلس نیز در ۱۱ آبان‌ماه شرایط آزادی‌گروگان‌ها را اعلام و به دولت ابلاغ کرد و دولت نیز بر اساس مصوبه مزبور اقدام و به نتایج مناسب دست یافت. حال که با آزادی گروگان‌ها این مرحله از جنگ ما با آمریکا تغییر شکل می‌یابد، ارزیابی نتایج و ثمرات این حرکت انقلابی خصوصاً با توجه به تخطئه مخالفین، ضروری به نظر

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۱۹

می‌رسد. به اعتقاد ما، اشغال جاسوسخانه و گروگان‌گیری جاسوسان و مأموران آمریکایی در ایران نتایج مثبت خارجی فراوانی به همراه داشت. از نظر خارجی اشغال جاسوسخانه، به افسانه شکست‌ناپذیری آمریکا پایان داده و به مستضعفین جهان نشان داد که ابرقدرت‌ها، هر چند خشمگین و مصمم، در قبال ایمان و اراده مردم متحد «هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند». البته منظور این نیست که ابرقدرت‌ها و در رأس آنها آمریکا قادر به توطئه بر علیه مستضعفین و انقلاب آنان نبوده و نخواهند بود، بلکه غرض این است که این توطئه‌ها هرگز نخواهد توانست یک ملت به‌پاخاسته با ایمان را به زانو درآورده و وادار به تسلیم و سازش کند.

همچنین اشغال جاسوسخانه و برملا شدن فعالیت‌های درون آن، ماهیت به اصطلاح سفارتخانه‌های ابرقدرت‌ها را برای جهانیان روشن‌تر کرده و نشان داد که تحت پوشش مصونیت سیاسی، چه توطئه‌ها در داخل همین «سفارتخانه‌ها» بر علیه مخالفین ابرقدرت‌ها تدارک می‌شود. و بالاخره اشغال جاسوسخانه و دستگیری گروگان‌ها حداقل آمریکا را در اعمال جاسوسی خود در کشورهای مختلف جهان وادار به حزم و احتیاط بیشتری کرد. ثمرات داخلی اشغال جاسوسخانه، به مراتب پرارزش‌تر از نتایج خارجی آن است. این حرکت انقلابی، وحدت و یکپارچگی مردم ما را برگرد امام و خط امام دو چندان کرد. مقاومت آنها را در قبال شداید و حصر اقتصادی بالا برده، گرچه که از این روحیه مقاومت و حتی آمادگی برای روزه استفاده نشد. ماهیت واقعی آمریکا از نظر تمام مردم ما به خوبی شناخته شد. دیگر کمتر کسی است در ایران که نسبت به جنایات و توطئه‌های آمریکا در رابطه با انقلاب و مردم مسلمان ما بی‌اطلاع باشد.

اشغال جاسوسخانه به شعار «بعد از شاه نوبت آمریکاست» تحقق عینی بخشید. به راستی تا زمان اشغال جاسوسخانه هنوز نوبت آمریکا فرا نرسیده بود. برای بهبود روابط با آمریکا بر اساس سلیقه‌های غیرانقلابی و سیاست‌های محافظه‌کارانه سی سال قبل تلاش و مذاکره می‌شد. با جناح‌بندی ذهنی در داخل آمریکا یک جناح به اصطلاح مترقی در هیئت حاکمه آنها کشف و با آن روابط برقرار می‌گردید. اصولاً قصد این بود که روابط با آمریکا به شکل جدیدی گسترش یابد تا مبادا شوروی در ایران نفوذ کند؛

۴۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

چرا که نفوذ این ابرقدرت به دلیل مرز مشترکش با ما، از نظر صاحبان چنان تفکراتی خطرناک‌تر بود.

اشغال جاسوسخانه بر روی تمام این تحلیل‌ها و ارتباطات خط ابطال کشید و خط «نه شرقی - نه غربی» امام را طوعاً و یا کره‌اً بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکم کرد؛ سیاستی که در عین مبارزه بی‌امان با غرب جنایتکار، کوچک‌ترین امیدی به شرق تجاوزگر نداشته و در مقابله با سلطه‌طلبی شرق، دست نیاز به سوی غرب دراز نمی‌کند و بالاخره سیاست موازنه منفی حکومت‌های ملی‌گرای منطقه در گذشته‌ای نه چندان دور، جای خود را به سیاست خارجی مکتبی فوق‌الذکر داد. کنار آمدن با آمریکا و یا شوروی به شکلی که نه سیخ بسوزد و نه کباب، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از آن پس، دیگر محلی از اعراب نداشت.

افشای اسناد جاسوسخانه نیز کمک فراوانی به امت شهید پرور ما در شناخت چهره واقعی عناصر به‌ظاهر ملی، گروه‌های به‌ظاهر چپ و حتی به‌ظاهر ضدآمریکایی، و همچنین سلیقه‌های غیرانقلابی مایل به سازش با آمریکا کرد. سلیقه‌هایی که می‌رفت تا در صورت موفقیت، امام را برای جلب رضایت آمریکا از صحنه سیاست خارجی کنار زده و فعالیت دادگاه‌های انقلاب و غیره را متوقف کند. در این مورد یادآوری و تصحیح بعضی از حرکات افشاگری از طرف دانشجویان ضرورت دارد.

اشغال جاسوسخانه، سبب محاصره اقتصادی و انزوای ما گردید که به نظر ما یکی از ثمربخش‌ترین نتایج این حرکت انقلابی بوده است. به اعتقاد ما، دولت جمهوری اسلامی باید فردای پیروزی انقلاب، خود داوطلبانه روابط اقتصادی را با آمریکا قطع می‌کرد و به قول امام به استقبال این انزوای سازنده می‌رفت و عدو سبب این خیر شد. در اثر اشغال جاسوسخانه آمریکا از ادامه سیاست‌های منافقانه که تصور می‌کرد بالاخره امکان بازگشت به ایران را فراهم می‌کند، مأیوس شد و به ناچار به قطع روابط با ایران اقدام کرد و سپس برخلاف تمام قوانین بین‌المللی که خود برای آن سینه‌چاک می‌کرد، توطئه نظامی طبس را تدارک دید. حرکات مزبور نشانه این بود که دیگر آمریکا امکانی برای نفوذ خود به درون انقلاب از راه‌های منافقانه و توأم با نرمش و سازش نمی‌یابد. این ناامیدی و غضب، کار را به جایی کشانده که رؤسای جمهور

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۲۱

آمریکا کارتر و ریگان در مصاحبه‌های رسمی خود همه ملت ما را آدم‌ریا و بربر می‌نامند.

در حل ماجرا نیز ما موفق شدیم که آمریکا را وادار به تعهدات بین‌المللی در رابطه با عدم مداخله در امور داخلی ایران و بازپس دادن اموال شاه و بستگانش بنماییم. گرچه می‌دانیم که آمریکا به تعهد اولش از لحظه امضا و پیش از آن وفادار نمانده و از اموال شاه و بستگانش نیز احتمالاً چیزی به دست نمی‌آید. در مورد سپرده‌ها و دارایی‌های ایران نیز همین قدر که بتوانیم حق خود را از این جهان‌خوار گرفته و یا با تعهدات معتبر وی را وادار به دادن حقوقمان کنیم خود پیروزی بزرگی خواهد بود.

تعهد ایالات متحده

به دنبال اعلام آخرین پاسخ دولت جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۲ دی‌ماه ۱۳۵۹، نمایندگان دولت الجزایر به دنبال مذاکرات طولانی با دولت آمریکا، با پیش‌نویس دو بیانیه صادره از سوی دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر دربارهٔ ۱- اصول کلی برای اجرای مصوبهٔ مجلس شورای اسلامی در رابطه با ۵۲ گروهان ملت ایران، و ۲- حل و فصل ادعاهای فی‌مابین دو دولت، به ایران آمدند. اساس کار بر این بود که چنانچه دو دولت با مفاد این بیانیه موافقت کرده و این موافقت را رسماً اعلام و به آن ملحق شوند، اصول پذیرفته شده به‌عنوان یک تعهد بین‌المللی برای هر دو طرف لازم الاجرا گردد. رسیدن به یک توافق رسمی برای تشکیل یک هیئت داوری مورد قبول طرفین، از این جهت مقتضی بود که عملاً لغو دعاوی علیه ایران در دادگاه‌های آمریکا و فسخ احکام توقیف صادره برای اموال و دارایی‌های ایران در این کشور بدون پیش‌بینی چنین مکانیزمی امکان نداشت و دولت آمریکا ناگزیر بود با ارائهٔ این توافق به دادگاه‌ها، مدعیان را به قبول حکمیت و رسیدگی به دعاوی در خارج از دادگاه مجبور سازد و با جانشین ساختن حکمیت بین‌المللی، موجبات لغو دعاوی علیه ایران و احکام توقیف صادره را فراهم آورده در مراحل مذاکره دربارهٔ مفاد بیانیه‌ها، توافقنامهٔ دیگری به‌منظور روشن کردن تعهدات مالی متقابل و نحوهٔ نقل و انتقال سپرده‌ها تنظیم گردید که تعهدات دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحدهٔ آمریکا در رابطه با بیانیهٔ دولت جمهوری دموکراتیک مردم الجزایر خوانده شد. متن فارسی و انگلیسی این

۴۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

سه سند همراه با بیانیه‌های پذیرش رسمی آنها و سایر اسناد مربوط به نقل و انتقال سپرده‌ها و آزادی گروگان‌ها تقدیم مجلس شورای اسلامی ایران می‌گردد.

متن پاسخ‌های مورخ اول آذرماه ۱۳۵۹ و ۲۷ آذر ۱۳۵۹ دولت جمهوری اسلامی ایران و همچنین پاسخ‌های مورخ ۱۷ آبان ۱۳۵۹ و ۱۳ آذر ۱۳۵۹ ایالات، متحده آمریکا قبلاً برای اطلاع ریاست و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ارسال گردیده است. کلیه صورت مذاکرات با هیئت الجزایری تا تاریخ ۲۲ دی ۱۳۵۹ برای مجلس شورای اسلامی ارسال و از تاریخ فوق تا پایان مذاکرات متعاقباً ارسال خواهند گردید. براساس بیانیه دولت الجزایر و پذیرش آن از طرف دولت ایالات متحده آمریکا، این دولت نسبت به موارد زیر متعهد گردیده است:

۱- دولت آمریکا متعهد شده است که از طریق لغو احکام انسداد و تا حد امکان وضعیت مالی ایران را به صورت موجود قبل از ۲۳ آبان ۱۳۵۹ (تاریخ صدور دستور انسداد سرمایه‌های ایران را از طرف رئیس جمهور آمریکا) بازگرداند.

۲- دولت آمریکا متعهد شده است که از طریق اعمال ترتیبات پیش‌بینی شده در بیانیه مربوط به حل و فصل ادعاها و ارجاع دعاوی به حکمیت مرضی الطرفین، تمام اقدامات حقوقی در دادگاه‌های ایالات متحده که متضمن ادعاهای اتباع و مؤسسات آمریکایی علیه ایران و مؤسسات دولتی آن است خاتمه داده، کلیه احکام توقیف و احکام قضایی صادره را لغو و سایر دعاوی براساس چنین ادعاهایی را ممنوع و موجبات خاتمه دادن آنها را فراهم نماید.

۳- ایالات متحده آمریکا متعهد شده است که از این پس در امور داخلی ایران به هر صورت مداخله ننماید.

۴- ایالات متحده متعهد شده است که دارایی‌های ایران موجود در قلمرو قضایی ایالات متحده را به شرح زیر مسترد سازد:

الف - طلاهای متعلق به ایران و کلیه دارایی‌های ایران موجود نزد بانک فدرال رزرو نیویورک به انضمام بهره متعلقه.

ب - دارایی‌های نزد شعب خارجی بانک‌های آمریکایی با بهره متعلقه (از این محل، اقساط معوقه و اقساط آتی وام‌های دولت و مؤسسات کنترل‌شده به وسیله دولت بازپرداخت خواهد شد).

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۲۳

پ - دارایی‌های نزد شعب بانک‌های آمریکایی در آمریکا. این دارایی‌ها به دلیل وجود احکام توقیف دادگاه‌ها، حداکثر ظرف شش ماه آزاد خواهد شد که نیمی از وجوه آزاد شده - حداکثر تا یک میلیارد دلار - در یک حساب تضمینی بهره‌دار به نام بانک مرکزی دولت الجزایر نگهداری خواهد شد که صرفاً برای تضمین پرداخت و تأدیة ادعاهای علیه ایران طبق بیانیه حل و فصل ادعاها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

ت - دارایی‌های دیگر ایران شامل وجوه و اوراق بهادار و هر آنچه که در چهارچوب بندهای فوق قرار نمی‌گیرد.

۵- ایالات متحده، متعهد شده است که کلیه تحریم‌های تجاری علیه ایران را لغو نماید.

۶- ایالات متحده متعهد شده است که ادعاهای مطروحه در دادگاه بین‌المللی علیه ایران را پس بگیرد.

۷- ایالات متحده متعهد شده است که از اقامه دعوا توسط ایالات متحده و یا اتباع آن و یا اشخاص غیرآمریکایی در دادگاه‌های آمریکا در مورد هر گونه ادعای حال یا آینده علیه ایران در رابطه با موارد زیر جلوگیری نماید: الف - دستگیری و توقیف گروگان‌ها. ب - خسارات وارد به اموال ایالات متحده و یا اتباع ایالات متحده در داخل محوطه لانه جاسوسی. پ - صدمات وارد به اتباع ایالات متحده و یا اموال آنها در جریان انقلاب اسلامی ایران.

۸- ایالات متحده متعهد شده است که موجبات بازگشت دارایی‌های خانواده شاه معدوم را، که در آمریکا موجود باشد، به ایران از طرق زیر فراهم نماید:

الف - انسداد و ممنوعیت انتقال اموالی که در کنترل وراث شاه و یا هر یک از بستگان نزدیک وی بوده و به‌عنوان خوانده از جانب ایران، بر علیه آنان در دادگاه‌های ایالات متحده طرح دعوا می‌شود.

ب - جمع‌آوری اطلاعات از اشخاص مقیم در حوزه قضایی آمریکا در مورد اموال مزبور و تسلیم آنها به ایران و اعمال مجازات‌های کیفری و مدنی در صورت تخلف از این امر.

۴۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پ - اجرای مصوبه‌ها و احکام دادگاه‌های ایران در ارتباط با این دارایی‌ها به وسیله دادگاه‌های آمریکا.

ت - اجرای حکم نهایی دادگاه‌ها.

ث - ایالات متحده متعهد شده است که ضمن پذیرش رأی هیئت داورى در مورد هر گونه اختلاف و قصور در اجرای تعهدات فوق، خسارات وارده به ایران را جبران نماید.

همانگونه که مفاد تعهدات حاکی است، ابرقدرت آمریکا در مقابل خواست انقلابی ملت ایران به طرق زیر وادار به تسلیم شده است:

۱- ابرقدرت آمریکا، که همواره - به استناد افسانه عظمت و انسجام دروغین نظام سیاسی و اقتصادی خود - امضای هرگونه تعهد از این‌گونه را، آن هم نه در مقابل همپالکی‌های چپ‌اولگر خود، بلکه در برابر امت مستضعف و انقلابی ایران، خارج از ضوابط امپریالیستی و دون شأن خود تلقی می‌کرده است، مجبور شده که این تعهدات را در سطح جهانی انتشار داده و خود را به آنها پابند سازد. بی‌شک سرپیچی احتمالی از این تعهدات در آینده، رسوایی دیگری به پرونده سیاه این مستکبر خواهد افزود و مستضعفان جهان، چهره کریه این جهان‌خوار را کریه‌تر از همیشه مشاهده کرده و ایدئولوژی دروغ و تزویر را بیش از پیش خواهند شناخت.

۲- آمریکای سلطه‌گر مجبور شده است مصوبه مجلس شورای اسلامی را در رابطه با تعهد عدم مداخله بپذیرد و بدون اینکه یارای اعتراض به محتوای آن را که دال بر دخالت همیشگی این مستکبر در امور داخلی ایران است، داشته باشد، به دنیا اعلام کند که دیگر، به هر صورت ممکن، پا در حریم آزادی خلق انقلابی ایران نخواهد گذاشت. مستضعفان جهان با این پذیرش و تعهد، دریافتند که افسانه حقوق بشر ادعایی سرداران سیستم کفر جهانی جز فریبی بیش نیست.

۳- سیستم سرمایه‌داری آمریکا به خروج اموال و دارایی‌ها و طلاهای ایران از قلمرو مالی و اقتصادی خود رضایت داده است و این تعهدی است که متکثرین همواره از تن دادن به آن ابا داشته‌اند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۲۵

۴- ابرقدرت آمریکا، مجبور شده است که آثار و عواقب حرکت انقلابی خلق مسلمان ایران در جریان انقلاب اسلامی و حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را در تسخیر لانه جاسوسی و دستگیری ۵۲ نفر اتباع آمریکا بپذیرد و نسبت به آن تمکین نماید و صراحتاً حق هر گونه اعتراض و ادعای خسارت در این رابطه را از خود و اتباع خود سلب نماید.

۵- آمریکای جنایتکار، بازیگر اصلی عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی و سرسپردگان امپریالیسم غرب، علی‌رغم وحشت و نگرانی آشکار این عروسکان و علیرغم پیامدهای ناگواری که پشت پا زدن به تعهدات و پیمان‌های شیطانی بین آمریکا و نوکران آن خواهد داشت، مجبور شده است که مصوبه‌های قانونی و قضایی ایران را مبنی بر تعلق اموال شاه معدوم و بستگان وی به ملت ایران بپذیرد و اعلام کند که دادگاه‌های این کشور باید - بدون توجه به اصول و قوانین قضایی و حقوقی که می‌تواند مانع اجرای چنین مصوبه‌هایی باشد - درباره بازگشت اموال، حکم صادر کرده و خود متعهد اجرای آن گردیده است.

استرداد اموال و دارایی‌ها

اموال و دارایی‌های ایران به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱- سپرده‌های نزد بانک فدرال رزرو (شامل طلا و اوراق بهادار) به مبلغ ۲/۵ میلیارد دلار

۲- سپرده‌های نزد شعب اروپایی بانک‌های آمریکایی به مبلغ ۴/۸ میلیارد دلار

۳- دارایی‌های نزد شعب بانک‌های آمریکایی به مبلغ ۲/۲ میلیارد دلار

۴- دارایی‌های دیگر در آمریکا و خارج از آمریکا بین ۱ تا ۴ میلیارد دلار

براساس تعهدات دولت ایالات متحده، دو قلم ۱ و ۲ از دارایی‌های فوق به اضافه بهره متعلقه تقریباً معادل ۸ میلیارد دلار قبل از آزادی گروگان‌ها به حساب بانک مرکزی الجزایر واریز گردید. دارایی‌های نزد شعب بانک‌های آمریکایی در آمریکا پس از خاتمه جریان لغو دعاوی و احکام توقف و ارجاع آنها به حکمیت که تا اوایل تیرماه به‌طول می‌انجامد، به ایران بازخواهد گشت. دارایی‌های دیگر نیز پس از مقابله

۴۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

اطلاعات و ارائه اسناد و مدارک لازم به ایران مسترد خواهد گردید و هر گونه اختلاف فی مابین نیز با رأی داوری مرضی الطرفین لازم الاجرا خواهد بود.

از مبلغ ۸ میلیارد دلار واریز شده به حساب بانک مرکزی الجزایر، مبلغ ۳/۶ میلیارد دلار بابت اصل و بهره اقساط عقب افتاده بدهی های دولت ایران و مؤسسات کنترل شده به وسیله دولت بر اساس دلایلی که ذیلاً خواهد آمد، به بانک های آمریکایی مسترد گشته و مبلغ ۱/۴ میلیارد دلار نیز در حساب مخصوص به نام بانک مرکزی الجزایر به منظور پرداخت مبالغ مورد اختلاف در مورد سپرده ها و بهره متعلقه به سپرده های ایران در مؤسسات بانکی آمریکا مسدود گردیده است. این مبلغ پس از رسیدگی دقیق و رفع اختلافات به ایران یا ایالات متحده بازخواهد گشت. انتقال ارقام موجود در شعب اروپایی بانک های آمریکایی با یک مشکل عمده روبه رو بود و آن اینکه در زمان رژیم شاه معدوم، مبالغی از بانک ها و کمپانی های آمریکایی وام اخذ گردیده که به طور کامل پرداخت نشده و بدهی های حاصله همچنان پابرجا بود.

بانک ها و مؤسسات آمریکایی قبل از انتقال سپرده ها، جهت اطمینان از دریافت مطالبات خود، تقاضای تضمین داشتند و بدون این تضمین ها حاضر به آزاد ساختن سپرده ها نبودند. برای آزاد ساختن سپرده ها پیشنهاد های زیر مطرح بود:

پیشنهاد اول که توسط بانک های آمریکایی ارائه گردید مبنی بر این بود که یک حساب ثابت به منظور تضمین پرداخت اصل و بهره وام ها به مبلغ حدود ۲ میلیارد دلار که معادل اقساط دو سال آینده وام های مذکور است در یک بانک آمریکایی افتتاح گردد و موجودی حساب ایران در این بانک هیچ گاه از این مبلغ کمتر نباشد و بانک مرکزی ایران مصونیت خود را که ناظر به معافیت از توقیف اموال قبل از رسیدگی در دادگاه است و در کشورهای جهان قانوناً به رسمیت شناخته شده است از خود سلب نماید و بانک مرکزی به رأی محاکم انگلیس تمکین کند. دولت نیز می بایست چنین تضمین و تعهدی را بدهد. واضح است که این پیشنهاد آمریکا که چیزی شبیه به قراردادهای استعماری زمان قاجاریه بود، نمی توانست مورد قبول قرار گیرد و لذا رد شد. پیشنهاد دومی نیز وجود داشت و آن اینکه ایران دارایی های خود در بانک های آمریکایی مقیم اروپا را بیرون نکشیده و فقط شرایط را به حالت قبل از گروگان گیری

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۲۷

بازگرداند و روابط مالی و پولی عادی خود را ادامه دهد. بدین ترتیب آمریکا دیگر تضمین نخواست و موجودی پول ما در آنجا خود تضمین برای آمریکا خواهد بود. این پیشنهاد نیز دارای چندین اشکال بود: اولاً نگهداری دارایی‌ها در بانک‌های آمریکا یعنی ادامه روابط پولی و مالی گذشته با آن. ثانیاً تجربه به ما آموخته است که آمریکا به هیچ وجه تابع قوانین بین‌الملل نبوده و همان‌طور که قبلاً دارایی‌های ما را ضبط نمود، در آینده هم خیلی ساده می‌تواند براساس شکایت یک کمپانی و حکم توقیف دادگاه به ضبط اموال ما بپردازد. لذا این پیشنهاد نیز رد گردید.

پیشنهاد سومی که مورد توجه قرار گرفت و دارای مزایای متعددی نیز هست، بدین ترتیب بود که با استرداد اصل وام‌ها و بازپرداخت کلیه آنها به بانک‌ها و مؤسسات آمریکایی که طلبکار هستند با آنها تصفیه حساب نماییم. اولین نتیجه مثبت این اقدام این است که ایران خود را از زیر فشار وام‌های سنگینی که بر آن تحمیل گشته بود، خلاص می‌نماید. این وام‌ها که توسط آمریکایی‌ها پرداخت شده، معمولاً بر این اساس است که در مقابل پرداخت وام به‌خاطر پروژه توسط کمپانی‌های آمریکایی و خرید کالا از آنها، این وام‌ها پرداخت می‌گردید. در واقع پرداخت وام به‌خاطر گشایش بازار جدید در ایران جهت کالاهای آمریکایی بوده است. دومین نتیجه مثبت آنکه ایران دیگر مجبور نیست که بهره سنگین این‌گونه وام‌ها را که تا ۲۲/۵ درصد می‌رسد، پرداخت نماید. این نکته قابل ذکر است که از کل وام‌ها تنها مبلغی حدود ۹۲ میلیون دلار با نرخ بهره کم (حدود ۳ تا ۷ درصد) می‌باشد و بقیه نرخ بهره بالا دارند. و بالاخره سومین نتیجه آنکه این عمل خود آغازگر قطع ارتباط مالی و بانکی با امپریالیسم آمریکا خواهد بود. با توجه به این نکات مثبت بود که دولت جمهوری اسلامی ایران ترجیح داد به جای سپردن و دادن هر گونه تضمینی برای وام‌هایی که از آمریکا اخذ نموده است، اصل وام‌ها را پرداخت و به‌کلی قطع ارتباط مالی و بانکی با آمریکا نماید.

بررسی انتقادات

پس از تحلیل ثمرات اشغال جاسوسخانه و تشریح عملکرد دولت در زمینه اجرای مصوبه مجلس، در خاتمه بررسی نظریات منتقدین ضروری به نظر می‌رسد.

۴۲۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

منتقدین بر دو دسته‌اند: یک دسته، آنها [یی هستند] که نتایج حاصله از اقدامات دولت را مورد انتقاد قرار می‌دهند و دسته دوم آنها که اشغال جاسوسخانه و پیامدهای آن را محکوم کرده و طبعاً راه‌حل‌ها را نیز محکوم می‌کنند. در پاسخ دسته اول، عمدتاً باید به سه انتقاد پاسخ داد:

اول اینکه از دارایی‌های شاه چیزی به دست ما نرسیده است. در این زمینه دولت بارها اعلام کرده است که صورتی از اموال و دارایی‌های شاه معدوم و بستگانش در اختیار ندارد و تلاش‌های یک‌ساله بانک مرکزی نیز در این زمینه کوچک‌ترین نتیجه‌ای نداشته است؛ بنابراین، ما خواهان چیزی هستیم که نمی‌دانیم چیست و چقدر است! ضمناً تا یک ماه پیش تنها یک شکایت بر علیه اموال شاه و فرح و اشرف در دادگاه نیویورک داشتیم و دیگر هیچ اقدامی در زمینه سایر بستگان نشده بود و لذا دارایی‌های این عده می‌توانست آزادانه نقل و انتقال یابد. آیا منتقدین، راهی جز آنکه دولت رفته، برای بازگرداندن چنین اموالی سراغ داشته‌اند و اگر داشته‌اند چرا با دولت در عرض مدت یک سال گذشته مطرح نکرده‌اند؟

انتقاد دوم اینکه تعهد عدم مداخله در امور داخلی ما اولاً ناظر به اعتراف به دخالت در گذشته نبوده و ثانیاً ضمانت اجرایی ندارد. در این زمینه دولت مجری مصوبه مجلس بوده که در آن از آمریکا تعهد عدم مداخله در امور داخلی ایران خواسته شده است. توضیح این مسئله ضرورت دارد که آمریکا و هیچ کشور دیگر ولو به قیمت جان ۵۲ نفری که کوچک‌ترین ارزشی هم برای آنها قائل نیست، هرگز حاضر به اعتراف به جرم نبوده و نخواهد بود. آنها در گفتگوهای پنهانی از آمریکاییان و یا واسطه‌های آنها چنین تعهداتی شنیده بودند. اگر می‌خواستند آنها را به روی کاغذ و با امضای رئیس جمهور آمریکا به دست آورند، حتماً ناکام می‌شدند و اما در زمینه تضمین تعهد عدم مداخله، آیا چیزی جز ایمان و همبستگی امت مسلمان و ایستادگی آنها در قبال مداخلات آمریکا و ابرقدرت‌های دیگر می‌تواند وجود داشته باشد؟ به اعتقاد دولت جمهوری اسلامی، دو بند فوق‌الذکر از مصوبه مجلس شورای اسلامی بیش و پیش از آنکه ارزش اقتصادی و عملی داشته باشد، ارزش سیاسی دارد، و الا کیست که نداند دسترسی به اموال شاه و بستگانش پس از این همه سروصداها و

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۲۹

هوشیاری آنها کار ساده‌ای نیست و یا تضمین عدم مداخله آمریکا در ایران امری نشدنی است.

سومین انتقاد به عملکرد دولت این است که دارایی‌های ایران در آمریکا بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار بوده و دولت تنها موفق به بازگرداندن ۲/۷ میلیارد آن گردیده است. در پاسخ به این انتقاد باید بگوییم که اولاً مبلغ ۱۴ میلیارد دلار یک رقم تخمینی است. بانک مرکزی رقم سپرده‌های موجود در بانک‌های آمریکایی را چیزی نزدیک به یازده میلیارد دلار می‌داند و حال آنکه طرف مقابل رقمی نزدیک به ۹/۵ میلیارد را می‌پذیرد و بین بانک‌ها بیش از ۱/۵ میلیارد اختلاف حساب وجود دارد. در مورد دارایی‌های دیگر، بانک مرکزی رقمی حدود چهار میلیارد دلار را با تأکید بر اینکه آمار دقیق ندارد، ارائه می‌دهد و طرف مقابل چیزی بیش از یک میلیارد دلار را شناسایی کرده است که باز رقم دقیق نیست، ثانیاً مبلغ دریافت‌شده فوری دولت جمهوری اسلامی نزدیک به ۸ میلیارد دلار بوده که طبیعتاً از آن مبلغ وام‌های معوقه و آتی حال شده، باید پرداخت شود. ثالثاً آنچه که از این مبلغ فوراً به حساب بانک مرکزی ایران واریز شده مبلغ ۲/۸۸ میلیارد دلار است و ۱/۴۱۸ میلیارد دلار مورد اختلاف نیز در حساب دولت الجزایر است که اگر بانک مرکزی اسناد آن را ارائه دهد، می‌تواند مالک تمام آن گردد. از کل سپرده‌ها مبلغ ۲/۲ میلیارد هم حداکثر تا دهم تیرماه ۱۳۶۰ در اختیار بانک مرکزی قرار خواهد گرفت.

و اما در مورد دارایی‌هایی که میزان آن نامعلوم و همگی در توقیف دادگاه‌های آمریکا است، چنانچه قرار بود پس از بازگشت تمام آنها، به فرض موافقت آمریکا، گروگان‌ها آزاد می‌شدند، اصولاً نقض غرض شده بود؛ زیرا که انتقال برخی از اقلام کالاهای مزبور ممکن است چندین سال به درازا بکشد و چه بسا اگر گروگان‌ها محاکمه می‌شدند، محکومیت بسیاری از آنها کمتر از این مدت می‌شد.

در خاتمه این بحث، دولت جمهوری اسلامی دو تذکر را ضروری می‌داند: اول اینکه در هیچ شرایطی تعهداتی بیش از آنچه که این دولت از آمریکا گرفته، قابل وصول نبوده و نخواهد بود، مگر بر اساس عملکردهای سازشکارانه و یا در گفتگوهای خصوصی غیررسمی. آنچه که به دست آمده بالاترین تعهداتی است که می‌توان از

۴۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

آمریکا با توجه به قوانین آن کشور گرفت. تذکر دوم اینکه هیچ تعهد اضافی از آمریکا به خاطر وجود ۵۲ نفری که کوچک‌ترین ارزشی حتی برای جانشان قائل نبود نمی‌توان گرفت و اینکه تصور شود ما دیگر وسیله‌ای برای اعمال فشار به آمریکا نداریم، بی‌اساس است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که حتی اگر جاسوسخانه اشغال نمی‌شد، ما هرگز به گرفتن این مقدار از حقوق و دارایی‌ها، و تعهد مابقی آن از آمریکا نمی‌شدیم. حال انتقاد دسته دوم که مخالف اصل اشغال جاسوسخانه هستند را مطرح کرده و با وجود اینکه دفاع از اشغال جاسوسخانه و پاسخگویی به انتقادات مزبور قانوناً بر عهده دولت جمهوری اسلامی نیست، ولی شرعاً خود را مکلف می‌دانیم پاسخ‌های مقتضی به این دسته بدهیم. مخالفین سرسخت و قدیمی اشغال جاسوسخانه می‌گویند که این عمل «احساسات ضداسلامی و ضد ایرانی را در مقیاس جهانی» تهییج کرده، ما را دچار «تحریم اقتصادی، از دست رفتن باقی‌مانده ذخایر ارزی آزاد، و رکود و انحطاط رشد اقتصاد ملی» کرده و «زمینه‌های جنگ ایران و عراق» را فراهم کرده است. آنها با اشاره به افشاگری‌های دانشجویان می‌گویند «فرهنگ دروغ و تزویر» در جامعه پس از اشغال جاسوسخانه اشاعه یافته است. در اثر اشغال جاسوسخانه در جهان منزوی شده و در یک جمله با گروگان‌گیری، خود گروگان آمریکا شده‌ایم.

این دسته در حقیقت، ماهیت انقلاب اسلامی ما و حتی هر انقلاب دیگری را به درستی درک نکرده‌اند. اینها تمام تضییقاتی را که به امت ما وارد می‌شود، معلول گروگان‌گیری می‌دانند و حال آنکه با بررسی اجمالی حتی انقلابات غیراسلامی که سیاست‌های سازشکارانه را نیز تعقیب کرده‌اند، می‌توان پی برد که پیامد تمام آنها حصر اقتصادی و سیاسی، انزوا، و حتی حمله‌های مستقیم و غیرمستقیم نظامی است. حال تمام این قبیل نابسامانی‌ها را در رابطه با اشغال جاسوسخانه دانستن، اگر ناشی از غرض نباشد، از ناآگاهی سرچشمه می‌گیرد. ممکن است سؤال شود که اگر استدلال فوق درست است، پس چرا تمام این نوع تضییقات پس از اشغال جاسوسخانه صورت می‌گیرد. پاسخ بسیار روشن است: تا اشغال جاسوسخانه هنوز آمریکا به روی کار آمدن حکومتی به اصطلاح «آزادمنش» و «میان‌رو» در ایران دل بسته بود و لذا چهره منافقانه

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۳۱

خود را حفظ می‌کرد تا بتواند با چنان حکومتی بهترین روابط را برقرار سازد، ولی پس از اشغال جاسوسخانه و شکست سلیقه‌های غیرانقلابی در جامعه ما، این امید مبدل به یاس شده و هر چه جامعه ما به حاکمیت خط اصیل امام که نفی هر نوع سازشکاری و گرایش به غرب و شرق است نزدیک‌تر شد، تزییقات و توطئه‌ها نیز شدیدتر شد و بالاخره با شکل گرفتن سه قوه و ثبات آنها، تهاجم نظامی صدام آغاز گردید. به هر حال چنانچه این آقایان از بابت تزییقات مزبور و از دست رفتن "اقتصاد ملی" که همان صنایع مونتاز وابسته است، ناراحتند، باید به اصل انقلاب اسلامی انتقاد کنند، که اشغال جاسوسخانه تنها مرحله جدیدی در انقلاب مزبور بوده که به گفته امامان انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول است. والسلام.

نمایندگان: احسنت، احسنت. الله اکبر، الله اکبر، الله اکبر - خمینی رهبر - مرگ بر منافقین و صدام.

پرسش‌های اعضای کمیسیون امور خارجه از دولت درباره بیانیه الجزایر

پس از گزارش دولت به مجلس پیرامون بیانیه‌های الجزایر و آزادی گروگان‌ها، پرسش‌های بسیاری برای نمایندگان مجلس، از جمله اعضای کمیسیون امور خارجه پیش آمد که بحس عمده آن، تناقض اصولی میان مصوبه مجلس و عملکرد دولت بود. نماینده دولت (آقای بهزاد نبوی) در کمیسیون حاضر شد و توضیحاتی داد که خلاصه‌ای از آن به این قرار بود:

پس از ابلاغ مصوبه مجلس به دولت، سه برخورد احتمالی یا سه روش اجرایی پیش روی ما بود. استنباط ما از نظر مجلس و کمیسیون ویژه این بود که روحیه حاکم، آزادی گروگان‌ها به شرط تحقق خواسته‌های ایران است. این سه روش عبارت بودند از:

روش اول - حرکت در جهت ادامه بن‌بست و انسداد و تعویق حل مسئله بود؛ یعنی اگر می‌خواستیم، می‌توانستیم تعبیر و تفسیر شرایط آمریکا را، خلاف مصوبه مجلس تشخیص بدهیم و مذاکرات را قطع کنیم و سپس مسئله را دوباره یا به مجلس و یا به قوه قضائیه ارجاع دهیم.

۴۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

روش دوم این بود که مسئله را به هر قیمت حل کنیم، اما ما این را درست نمی‌دانستیم.

روش سوم: حل مسئله با توجه به روح کلی حاکم بر نگرش مجلس. دولت، روش سوم را انتخاب و عمل کرد؛ یعنی موضوع را مشروط به تحقق منافع ایران و خروج از بن بست کرد، اما در همین زمینه هم مشکلاتی به وجود آمد و در دسرهایی داشتیم؛ مثلاً شرط مجلس درباره بررسی دعوی در دادگاه‌های ایران. امکان پذیرش این وجود نداشت؛ به طوری که در چند روز آخر، ممکن بود که مذاکرات به کلی قطع شود.

نماینده دولت، روح حاکم بر مذاکرات و رابطه مصوبات مجلس با شرایط را چنین توصیف کرد: درباره دخالت آمریکا در ایران چیزی در دست نداشتیم که آن را ثابت کند. مقامات دولت آمریکا هیچ علاقه‌ای به حل مشکل گروگان‌ها نداشتند.

نماینده دولت، سپس سه مسئله عمده را مطرح کرد: پول‌ها و سپرده‌های ایران در آمریکا که توقیف شده‌اند؛ اموال و سرمایه‌های شاه در آمریکا و اموال و مستغلات دولت ایران در آمریکا. که درباره هیچ یک از این سه محور یا موضوع، ما آمارهای دقیقی نداشتیم. وزارتخانه‌های ما آنچنان به هم ریخته و نابسامان هستند که نمی‌توانند آمارهای مستند بدهند، خصوصاً که اموال ایران در آمریکا اعم از سپرده‌ها و مستغلات (اعم از اموال دولتی یا اموال شاه) بسیار متنوع و پراکنده هستند، اما در تحقق شرایط مصوب مجلس، یعنی آزادی گروگان‌ها بعد از آزادسازی اموال و انتقال آنها به ایران، این اولاً حداقل دو سال طول می‌کشید، ثانیاً امکان عملی آن هرگز میسر نبود. هیچ سند قابل اعتنایی از اموال شاه نداشتیم و نداریم. آنها هم ظاهراً ندارند. در مورد سپرده‌ها هم رقم قطعی وجود نداشت. ارقام گزارش شده هم با هم متفاوت و مختلف بود.

ارقام ارائه شده بانک مرکزی ایران با ارقام ارائه شده آمریکا کاملاً متفاوت بود. علاوه بر این، بانک مرکزی با دولت همکاری نکرده و نمی‌کند (در این زمان، آقای علی‌رضا نویری، از سوی آقای بنی‌صدر، رئیس جمهوری وقت، مدیرکل بانک مرکزی ایران بود). درحالی که تحقق شرایط مجلس بسیار بعید بود و تأمین آنها ممکن بود چندین

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۳۳

سال به طول انجامد، نگرش حاکم بر مصوبات مجلس این بود که مشکل هرچه زودتر حل شود.

ابتدا خواستیم آمریکا تضمین بدهد. مثلاً ۲۴ میلیارد دلار [به ایران تضمین بدهد]؛ می‌دانستیم [چنین چیزی] نمی‌شود، اما فکر کردیم شاید بشود. آمریکا با سرو صدا واکنش نشان داد. این تضمین ضروری بود؛ چرا که تعهد کارتر به تنهایی قابل قبول نبود.

از طرف دیگر ما تحت فشار بودیم؛ آقای مهندس بازرگان با رجایی صحبت کرد؛ دکتر سجایی پیش امام رفت و گریه کرد که اینها نمی‌خواهند مسئله را حل کنند. این فشارها روی ما اثر گذاشت و در نتیجه دست به عصا رفتیم. احمدآقا مرتب پیگیری می‌کرد و به ما تلفن می‌زد و می‌پرسید به کجا رسیده‌ایم.

در جریان مذاکرات نیز، با دو مشکل کلی روبه‌رو شدیم: اول حال کردن اموال و بدهی‌های ایران به بانک‌های آمریکا (این وام‌ها یا دولتی هستند، یا به بخش خصوصی پرداخت شده است). دوم استرداد اموال شاه. سوم هر نوع توافق یا قراردادی بایستی با تصویب مجلس و امضای رئیس جمهوری باشد. بالاخره آمریکا قبول کرد که ۹/۵ میلیارد دلار از سپرده‌های ایران را فوری به ما پس بدهد که شامل سه بخش است:

۱- سپرده‌های ما در بانک‌های آمریکایی در آمریکا، ۲/۲ میلیارد دلار و ۲- در شعب بانک‌های آمریکا در اروپا ۴/۸ میلیارد دلار و ۳- در بانک فدرال رزرو آمریکا حدود ۲/۵ میلیارد دلار و طلا.

در مورد وام‌های حال‌شده توسط بانک‌های آمریکایی، موعد پرداخت آنها رسیده بود. در مورد وام‌ها، اولاً در جمع دیون پرداخت شده و نشده، حدود ۱/۸ میلیارد دلار اختلاف در رقم وام‌ها بود. حداکثر بهره‌پرداختی به سپرده‌های ما حدود ۲۱٪ است. ثانیاً دیون اگر می‌ماند تا مدت سررسید آنها که هشت سال است، جمع پرداختی تا ۵۰ میلیارد می‌شد که در حال حاضر ۳ میلیارد دلار است.

مبلغ ۹/۵ میلیارد دلار پرداختی آمریکا به این ترتیب است: ۷/۸ میلیارد دلار واریز به بانک ملی الجزایر؛ ۳/۶ میلیارد دلار پرداخت دیون حال شده؛ یک میلیارد دلار به

۴۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

حساب تضمینی (بانک هلند) و ۲/۸۷ میلیارد دلار به حساب ایران. البته ارقام دقیق‌تر همان است که دولت در گزارش رسمی خود آورده است.

توضیحات آقای نبوی در مجموع کمیسیون را قانع نکرد، ولی به هر حال کاری بود که انجام شده بود و اعتراض هم اثر مثبت چندانی نداشت. به‌عنوان نمونه جمع ارقام گزارش شده در بالامی شود ۱۵/۲۷ میلیارد دلار، که با رقم ۹/۵ میلیارد دلار اختلاف فاحش دارد!! به‌علاوه آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر سبحانی کی برای آزادی گروگان‌ها به دولت فشار آوردند؟ و رویه و نگرش دولت هم این نبود که به نظرات آقای مهندس بازرگان و دوستانشان توجهی نکنند. سوم اینکه بهره بانکی ۴ میلیارد وام بانک‌های مانهاتان و شرکا به ایران ۴٪ بود و سود آن در ۸ سال ۵۰ میلیارد نمی‌شود. بهره بانکی ۴٪ این وام در حالی بود که در همان سال بهره‌های بانکی در آمریکا به حدود ۱۸٪ رسیده بودند و حال کردن وام‌ها به هیچ وجه به نفع ایران نبود.

در سال ۱۳۶۳ به مناسبت روز گروگان‌گیری طی هشت جلسه سخنرانی دو بیانیه الجزایر و شش قرارداد الحاقی آن را به تفصیل شرح داده‌ام.

نامه دکتر یزدی به آقای رجایی نخست‌وزیر - ۱۳۵۹/۱۱/۱۵

«جناب آقای محمدعلی رجایی - نخست‌وزیر

بعد از سلام. در گزارش دولت در مورد عملکرد و اجرای مصوبات مجلس درباره آزادی گروگان‌های جاسوس آمریکایی که در مجلس مطرح فرمودید، به پرداخت مبلغی حدود ۳/۶ میلیارد دلار وام اشاره فرمودید. در رابطه با این مسئله، متمنی است به مقامات مسئول دستور فرمایید اطلاعات زیر را جهت این‌جانب ارسال دارند:

۱- لیست کامل این بدهی‌ها، شامل اسامی بستانکاران (شخصیت‌های حقیقی و حقوقی) آمریکایی که پرداخت بدهی آنها مشمول مبلغ بالا می‌گردد، مقدار وام‌ها، سال دریافت هر یک و بهره هر کدام.

۲- تعیین و مشخص کردن بدهکاران و نوع وام. آیا وام مؤسسات آمریکایی به شرکت‌های خصوصی ایرانی، وام به مؤسسات وابسته به دولت و یا به دولت ایران بوده است؟ آیا مقررات قانونی برای دریافت وام‌های مزبور توسط دولت در رژیم گذشته رعایت شده‌اند و تعهدات ایران قانونی بود، و پرداخت وام‌ها لازم‌الاجرا می‌باشد یا خیر؟

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۳۵

۳- در صورتی که این وام‌ها به «دولت ایران» بوده است و یا دولت متعهد و متضمن پرداخت آنها بوده است و در صورتی که سپرده‌های ارزی مسدودشده ایران توسط رژیم آمریکا متعلق به بانک مرکزی ایران می‌باشند، آیا دولت ایران می‌تواند بدون کسب مجوز قانونی از مجلس، از سرمایه‌های بانک مرکزی برای پرداخت بدهی‌های قانونی خود استفاده نماید؟

پاسخ به این سؤالات برای روشن شدن مسایل ضروری است.
با تشکر از همکاری‌های جناب‌عالی. والسلام.

دکتر یزدی، نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی - ۱۳۵۹/۱۱/۱۵

نامه دکتر ابراهیم یزدی به رئیس بانک مرکزی درباره گروگان‌گیری و سپرده‌های ایران - ۱۳۵۹/۸/۵

جناب آقای علیرضا نوبری، مدیرکل بانک مرکزی ایران
منابع خارجی، میزان سپرده‌های ایران در بانک‌های آمریکایی را که به دستور دولت آمریکا توقیف شده‌اند، متفاوت ذکر کرده‌اند. متمنی است دستور فرمایید صورت کامل سپرده‌های ایران، اعم از طلا و یا سپرده ارزی در دست دولت آمریکا و یا بانک‌های آمریکایی (در داخل و خارج از آمریکا) و همچنین اوراق قرضه دولتی آمریکا و ... در اسرع وقت جهت این‌جانب ارسال دارند.

با تشکر - دکتر ابراهیم یزدی - ۱۳۵۹/۸/۵

پاسخ آقای نوبری به نامه دکتر یزدی

شماره: ۵/۲۴۳۷ تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۷

بسمه تعالی

برادر عزیز جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی

در پاسخ نامه شماره ۵۷، مورخ ۱۳۵۹/۸/۵ شما، به اطلاع می‌رساند طی نامه شماره ۲۴۱۰/هـ مورخ ۱۳۵۹/۸/۴ کلیه اطلاعات لازم در مورد انسداد دارایی‌های ایران از آغاز تاکنون به کمیسیون ویژه مسئله جاسوسان آمریکایی مجلس شورای اسلامی ایران مرقوم گردیده است. خواهشمند است با مراجعه به نامه مذکور، اطلاعات لازم را کسب

۴۳۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

و در صورت در اختیار داشتن هر گونه منابع خارجی در ارتباط با موضوع مزبور، آن را در اختیار این بانک قرار دهید.
با تقدیم سلام و دعا. لطفاً اگر اطلاعات دیگری می‌خواهید این‌جانب را مطلع سازید.

علیرضا نوبری

نامه مهندس عزت‌الله سحابی به هیئت رئیسه مجلس درباره بیانیه الجزایر

بسمه تعالی

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا.

هیئت محترم مجلس شورای اسلامی

به قرار مسموع، از طرف ایرانیان فراری که تابعیت آمریکا گرفته‌اند، نزدیک به یکصد و ده دعوا در دادگاه بین‌المللی داوری لاهه، علیه دولت جمهوری اسلامی ایران طرح شده است. جمع این دعاوی، به لحاظ اصل مبلغ مورد ادعا، حدود پنج میلیارد دلار است. دادگاه خود را برای ورود به ماهیت این دعاوی صالح دانسته و تاکنون روی دو یا سه فقره از دعاوی هم رأی علیه دولت ایران داده است. در میان این دعاوی نیز ارقام بزرگی نظیر پانصد و پنجاه میلیون دلار ادعای برادران نمازی و نیز یک میلیارد و پانصد میلیون دلار، مدعی ابراهیم گلشنی گلزار ؟؟؟؟؟؟ بهبودی ایرانی و تبع آمریکا و برادر وطن گلزار، رئیس معروف شرکت و دزد شرکت شهرک اکباتان به چشم می‌خورد، و با روندی که دادگاه تاکنون در پیش گرفته است بسیار محتمل است که رأی به حاکمیت گلشنی و نمازی هم بدهد.^۱

از طرف دیگر، دادگاه فوق به صلاحیت خود در مورد دعاوی شرکت‌های نفتی اُمکو و اُسکو رأی داده است. مبلغ مورد ادعای این دو شرکت نیز، با احتساب خسارت، عدم النفع، بهره دیرکرد و به حدود هشت میلیارد دلار می‌رسد. اوضاع و احوال و فضا و سابقه یک‌ساله دادگاه نشان می‌دهد که این دو مدعی نیز در دادگاه حاکم خواهند شد و علاوه بر غارت ۲۵ ساله منابع طبیعی مالی ما، این مبلغ هشت میلیارد دلاری را از کیسه این ملت خواهند کشید.

۱. در اصل سند، جملات به همین صورت آمده‌اند (ویراستار).

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۳۷

و خبرهای دیگری از قبیل رأی دادگاه به عدم صلاحیت در طرح دعاوی دولت‌های ایران و آمریکا علیه اتباع یکدیگر. این رأی صریحاً به نفع آمریکا و به ضرر ایران است؛ چرا که بیش از نود درصد دعاوی ایران علیه آمریکا مستقیماً مربوط و علیه شرکت‌ها و اشخاص حقیقی تابع آمریکا است که طی یک قرن قراردادها و روابط مالی و تجاری و خدماتی با ایران داشته‌اند.

همه این اخبار (...ناخوانا) امور در این به اصطلاح دادگاه داوری بین‌المللی را در ابهام و تاریکی قرار داده، بل، آینده‌ای وحشتناک و فاجعه‌آمیز از تعدی و تجاوز و غارت اموال عمومی ما را، با شکلی قانونی و با رضایت و امضای خودمان نوید می‌دهد.

آیا ملت رنج‌کشیده ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران مجبورند در این اوان عمر بنشینند و شاهد این آرا و غارت شدن منابع مالی و ثروتشان شده، به فراریان و طاغوتیان و دزدان بیت‌المال و نیز اتباع آمریکا باج بدهند؟

این احکام، صرف‌نظر از خسران مالی و مادی، موجب اعتبار یافتن ضد انقلاب در خارج از کشور و جسارت تجری بیشتر آنان و متقابلاً باعث ضربه حیثیتی به جمهوری اسلامی خواهد گردید.

اصولاً آیا اگر ملتی علیه اسارت‌ها و بندها و از جمله جریان مداوم غارت و مکیدن منابع ثروت و درآمدش به قیام و انقلاب دست زد و اموال خود را از چنگ دزدان به در آورد، باید تا ابد تاوان و خسارتی هم علاوه بر این اموال خود بپردازد و تا ابد بدهکار افراد و مؤسسات باقی بماند؟ کشورهای دیگری که انقلاب کردند آیا به همین ترتیب با دشمنان داخلی و خارجی‌شان تصفیه حساب نمودند؟ آیا اگر انقلابی مشروعیت تاریخی یافت و ملت‌ها و دولت‌های جهان آن را به رسمیت شناختند، باز هم، همچون دعوی بین متعاملین عادی؟؟؟؟، دشمنان داخلی و خارجی خود، آن هم با حکمیت و قضاوت نمایندگان و متحدین همان دشمنان به ؟؟؟؟؟؟ امور بنشینند و آیا در این جهان ستمگری‌ها و ستم پیشگی‌های استیلاطلبانه خود را در معرض چنین داوری‌ها قرار دادن و به امید عدالت و انصاف آنان در قضاوت‌هایشان نشستن ناشی از عقلی سلیم و وجدان انقلابی اسلامی و اراده جبران ستم‌ها و انتقام از متجاوزان می‌باشد؟

۴۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

«لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

اگر در جریان این دعاوی و دادرسی‌ها و امور مربوط بدان، سلسله بر این ؟؟؟؟؟، و حقوقدانان برجسته و صاحب تجربه در حقوق بین‌المللی و دارای وجدان ملی و تعهد انسانی و اخلاقی، ما را یاری داده یا به دفاع از حقوق ما و مقابله و منازعه با مدافعین دشمنان در کار بودند، ما را امیدی به احقاق حقوقمان باقی بماند، ولی متأسفانه از این بابت نیز به قرار مسموع، روزنه‌های امید بسته است و دست‌اندرکاران را، اگر نه جملگی، حداکثریتشان، نه صلاحیت و تجربه و لیاقتی در حرفه کارشناسی حقوق موجود است و نه تعهد و شور و حرارتی به مقابله و مقاومت و دفاع و احقاق حق. یک دستگاه عریض و طویل اداری، بر سبیل بوروکراسی اداری سنتی ایران، بی‌مسئولیت، بی‌دلسوزی و تعهد، این دعوی عظیم و دفاع در این داوری بی‌نظیر در تاریخ را عهده‌دار گردیده است. آیا مجلس محترم شورای اسلامی در این مهم، احساس مسئولیتی نمی‌نماید و آیا خود این دادگاه و هم مقدمات و فعالیت‌های مربوط بدان که در حقیقت جبهه جنگی در برابر دشمنان داخلی و اربابان خارجی، به وجهی دیگر و در ابعادی دیگر، می‌باشد، نباید اندکی که از دقت و توجه و نظارت و تحقیق نمایندگان محترم و نیز چاره‌جویی و اتخاذ سیاست‌های مدبرانه و در عین حال اسارت‌زدایانه ایشان را به خود جلب و جذب نماید؟

این جانب که نسبت به آینده و نتایج داوری این دادگاه شدیداً نگران و اعلام خطر می‌نمایم، از ترس بازتاب‌های خارجی و سوءاستفاده دشمنان خارجی و داخلی از طرح سؤال از دولت و نخست‌وزیر در جلسه علنی خودداری کرده آن را به مصلحت فعلی ندانستم؛ لذا بدان امید که طرح این سؤال در داخل نمایندگان و از کانال کمیسیون‌های مربوطه مجلس، حرکتی درخور و شایسته نمایندگان ملت را سبب شود و اقدامات لازم در جهت تحقیق از وضع، اعمال نظارت و راهنمایی دولت و نیز غور و بررسی و جستجوی راه‌های خروج از این بن‌بست داوری لاهه و یا اصلاح فضا و (؟؟ ناخوانا) آن را آغاز فرمایند؟ به ارسال این نامه در پیش هیئت محترم رئیسه و کمیسیون‌های مربوطه دست نمی‌زنم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۳۹

از آن هیئت و کمیسیون‌های محترم خارجه، اصل ۹۰ و قضایی تقاضامندم نسبت به این امر عظیم توجه و نظر شایسته نموده، در حدود وظایف قانونی خود و به دور از (؟؟ ناخوانا) و تصوّرات دیگر به‌طور جدی و فوری مسئله را مطرح و چاره کار را از همین حالا که تقریباً آغاز کار است تدبیر نمایند، ما همگی از سلیق و سوابق و دیدگاه‌ها که ممکن است نسبت به هم و خط و خطوط داخلی جنبش و انقلاب داشته باشیم، در دفاع از منافع و مصالح امت و کشورمان از دستاوردهای انقلاب و مصالح جمهوری اسلامی ایران مبعوث و مسئول و متعهد به ملت باشیم.

و مالنا أن لا نتوكل على الله و قد هدانا سُبُلنا و لَنصبرنَّ على ما آذيتمونا و على الله فليتوكل المتوكلين.

والسلام على من اتبع الهدى - عزت الله سبحانه

نقد و بررسی بیانیه‌های الجزایر و قراردادهای الحاقی

من طی مقالات مختلفی هر دو بیانیه الجزیره و شش قرارداد الحاقی آن را نقد کرده‌ام. می‌توان به آن مقالات مراجعه کرد. در اینجا تنها یادآور می‌شوم که در دوره دوم مجلس شورا، روزی به اتفاق مهندس عبدالعلی بازرگان برای دیدن آیت‌الله منتظری به قم رفته بودیم. هنگامی که از منزل ایشان بیرون آمدیم، جلوی در منزل، پاسدار [محافظ] آقای شیخ محمد یزدی به ما گفت که آقا می‌خواهند شما را ببینند. من به تصور اینکه می‌خواهند در تهران با ایشان دیدار داشته باشیم، جواب دادم هر روزی را معین کنند و خبر بدهند، ایشان را خواهیم دید. در این حال، آن پاسدار گفت: آقا الآن در منزل هستند و می‌گویند اگر ممکن است همین جا و هم اکنون خدمتشان برسیم. خانه آقای شیخ محمد یزدی درست روبه‌روی خانه و دفتر آقای منتظری بود. با آقای مهندس عبدالعلی بازرگان مشورتی کردیم و دعوت را پذیرفتیم. در این دیدار آقای یزدی با صمیمیت در خور توجه با ما برخورد کرد. در این زمان شیخ محمد یزدی نایب‌رئیس مجلس بود. او علت دعوت ما را مشورت درباره بیانیه‌های الجزایر ذکر کرد و گفت: همه ما قبول داریم که شما بیشترین اطلاعات و مطالعه را درباره این بیانیه‌ها دارید. ما هر قدر بیشتر مطالعه کردیم، متوجه شدیم که این بیانیه‌ها به ضرر ماست. ما می‌خواهیم راهی پیدا کنیم که خود را از شر آنها خلاص کنیم. شما بیا به ما کمک کن.

۴۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

برای او توضیح دادم که چون دولت بعد از انقلاب این اسناد را امضا کرده، انکار آنها به این سادگی نیست. ای کاش آن زمان که می‌خواستید این اسناد را امضا کنید، به‌رغم اختلافاتمان با ما مشورت می‌کردید. دولت ایران هیچ اهرم فشاری برای رهایی از تعهدات این بیانه‌ها ندارد. برای او توضیح دادم که اما چون دولت آمریکا در خلیج فارس هواپیمای مسافری ایران را زده است^۱، آن را ممکن است بتوان نقض ماده یک بیانه تلقی کرد و خواستار لغو تعهدات شد. در ماده یک بیانه، دولت آمریکا متعهد شده است که در امور داخلی ایران دخالت نکند. حمله به این هواپیما و سرنگونی آن را شاید بتوان بهانه‌ای برای لغو کل بیانه‌ها به‌کار برد. در همین دیدار از آقای یزدی درباره جنگ پرسیدم. ایشان توضیح داد که در جلسه‌ای خصوصی با فرماندهان جنگ، آنها گفته‌اند به زودی دست به عملیاتی خواهند زد که کار را یکسره این‌طرفی یا آن‌طرفی خواهند کرد. در پاسخ گفتم: معنای این‌طرفی شدن جنگ معلوم است، اما آن‌طرفی شدن جنگ یعنی چه؟

پاسخ بهزاد نبوی به انتقادات از بیانه‌های الجزایر

بعد از سلام در شماره ۴ (زمستان ۱۳۶۹) مجله «سیاست خارجی» مقاله‌ای تحت عنوان «دیوان داوری ایران - ایالات متحده» منتشر شده که طی آن با اشاره کوتاهی به سوابق تاریخی دخالت آمریکا در ایران و علل تصرف لانه جاسوسی، بیانه الجزایر و اجرای آن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. ضمناً با استفاده از فرصت، موضوع حکمیت یا داوری نیز مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و در این مورد تن در دادن به داوری مرضی‌الطرفین ترتیب رسیدگی دعاوی و همچنین محل دیوان مورد انتقاد قرار گرفته است.

متأسفانه بنده با وجود دریافت مجله مزبور، تا زمان انعکاس مطالب آن به‌طور کامل، در یکی از روزنامه‌های یومیه، فرصت مطالعه آن را نیافت، ولی پس از مطالعه، درج آن را به دلایلی که متعاقباً بیان خواهم داشت، به فال نیک گرفت، گرچه در بادی

۱. از این جمله می‌توان پی برد این دیدار در دوره سوم مجلس و دست کم پس از تیرماه ۱۳۶۷ رخ داده است؛ زیرا هواپیمای مسافری ایران در تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ به دست ناوآمریکایی سرنگون شد؛ نیز سومین دوره مجلس پس از انقلاب، از خرداد ۱۳۶۷ تا خرداد ۱۳۷۱ بود (ویراستار).

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۴۱

امر ممکن است این تلقی به وجود آید که درج چنین مطالبی در نشریه‌ای که صاحب امتیاز آن، وزیر محترم امور خارجه است، به منزله تأیید دیدگاه‌های مندرج، توسط دولت جمهوری اسلامی باشد. به نظر بنده، درج مقاله فوق‌الاشعار، پس از یک سکوت طولانی، فرصتی را به دست داده که بتوان با همکاری مسئولان محترم مجله «سیاست خارجی، آنچه را که سال‌ها به دلایل مختلف از دید عموم و خصوصاً محققان و صاحب‌نظران مکتوم مانده، مطرح و به بررسی عمیق‌تر بیانیه الجزایر پرداخت. این‌جانب به دلیل نقشی که در مذاکرات مربوط به حل و فصل مسئله گروگان‌ها داشته است، از این فرصت استفاده کرده، ابتدا مقدماتی را به نظر خوانندگان محترم رسانده؛ سپس به بررسی اجمالی نقد بیانیه، نقد ارجاع اختلافات به داوری و نقد بیانیه در اجرا - که در مقاله آمده است - پرداخت.

دیوان داوری ایران - ایالات متحده، نوشته بهزاد نبوی

الف - نکات کلی

۱- مذاکره درباره حل و فصل مسئله گروگان‌ها و تصویب و امضای بیانیه‌ای در این زمینه، توسط یک دولت قانونی، از اقدامات منحصر به فرد در سراسر جهان و در طول تاریخ بوده است و شاید جز دولت مردمی شهید رجایی که مورد تأیید امام (ره) نیز بود، هیچ مرجع دیگری یارای انجام آن را نداشت. شاید به همین دلیل بود که از زمان آغاز مذاکرات مربوط به آزادی گروگان‌ها تا لحظه امضای بیانیه الجزایر، هیچ شخصیت حقیقی یا حقوقی داوطلب انجام این امر خطیر و سرنوشت‌ساز نشده و حتی کوچک‌ترین کلامی در این زمینه بر زبان نراند (خصوصاً مخالفان بیانیه بعد از امضاء، از جمله بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت، برخی از اعضای دولت موقت و بعضی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که بعدها به صف مخالفان بیانیه پیوستند). بنده بارها و خصوصاً در گزارشی که به جلسه رسمی و غیرعلنی مجلس شورای اسلامی، پس از امضای بیانیه الجزایر تقدیم کردم، اوضاع و احوال کشور در طول دوره مذاکرات فشرده در مورد حل و فصل مسئله گروگان‌ها تا امضای بیانیه را به شرایط سیرک‌ها در زمانی که سیرک‌باز قصد وارد کردن سر خود به دهان باز شیر می‌کند و در آن لحظات، نفس همه در سینه حبس می‌شود، تشبیه کرده است.

۴۴۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲- این جانب به‌رغم همه‌جوسازی‌ها، حل و فصل مسئله‌گروگان‌ها و بیانیه‌الجزایر را یکی از افتخارات دولت شهید رجایی و حاکمی از فداکاری، شجاعت و عشق به انقلاب و رهبری دولت مزبور دانسته و ضمن اینکه نقش چندانی برای خود در این زمینه قائل نیست، همان نقش اندک را نیز از افتخارات زندگی سیاسی خویش می‌داند. لازم می‌داند به‌عنوان یک نکته در این بخش به نقل یک واقعه تاریخی بپردازد. شهید رجایی و بنده، پیش از تصویب شرایط مجلس شورای اسلامی برای آزادی گروگان‌ها، با آزادی گروگان‌ها بدون محاکمه - و لو صرفاً یک محاکمه سیاسی و حتی بدون دریافت ما به ازا برای آزادی آنها - مخالف بودیم. مع‌الوصف، وقتی خواست امام راحل و نظام جمهوری اسلامی را برای حل و فصل سریع موضوع، به شیوه پیشنهادی مجلس شورای اسلامی درک کردیم، با تمام توان در راه اجرای مصوبه مجلس تلاش کرده و حتی از آبروی دولت در این راه سرمایه‌گذاری کردیم؛ چرا که نیک می‌دانستیم که گروگان‌گیری جاسوسان آمریکایی یک عمل افتخارآمیز بود، ولی آزاد کردن آنها به هر شکل و تحت هر شرایطی، نه تنها نمی‌توانست برای اقدام‌کنندگان افتخاری به ارمغان آورد، بلکه منشأ اتهامات فراوان نیز خواهد شد و با علم به چنین پیامدی، دولت شهید رجایی و حقیر، به‌رغم میل باطنی خود، پای در این ورطه هولناک نهاده و می‌دانستیم که اگر ما داوطلب چنین کاری نشویم، ممکن است ماجرا به‌صورت لاینحل باقی مانده و حتی خطرات احتمالی بعدی، انقلاب و کشور را تهدید کند. امروز بنده به این نتیجه رسیده‌ام که اگر ماجرای گروگان‌گیری در زمان ریاست جمهوری کارتر حل نمی‌شد، هیچ بعید نبود که آمریکا همان برخوردی را که امروز با عراق می‌کند، در زمامداری ریگان با جمهوری اسلامی بکند. افکار عمومی غالب دولت‌ها در سطح بین‌المللی به پیروی از موضع ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ، برای انجام چنین اقداماتی به‌مراتب آماده‌تر از شرایط اقدام علیه عراق بود.

۳- متأسفانه در طول مذاکرات، تصویب و امضای بیانیه‌الجزایر، وضع اداری مملکت درهم‌ریخته و دسترسی به اطلاعات لازم و نیروی کارشناسی قوی میسر نبود. وزارتخانه‌های خارجه و دارایی که می‌بایست بزرگ‌ترین نقش را در مذاکرات ایفا کنند، به دلیل مخالفت بنی‌صدر با وزرای پیشنهادی شهید رجایی، فاقد وزیر بودند؛

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۴۳

گرچه مسئولان و کارشناسان هر دو وزارتخانه در حد توان، کمک‌های شایانی در این زمینه کردند. بانک مرکزی تحت سرپرستی علیرضا نوبری، تقریباً از کنترل دولت خارج بود و اگر همکاری فردی اعضای کاردان و فداکار آن نبود، اصولاً امکان ادامه مذاکرات فراهم نمی‌شد. از نظر وجود کارشناسان حقوق بین‌الملل، تیم کارشناسی فاقد امکانات کافی بود و به‌رغم همکاری توأم با فداکاری حقوقدانان جوان، به دلیل ضعف فوق‌الاشعار، بعضی از مسائل نظیر تابعیت مضاعف، کمتر مورد توجه تیم مذاکره‌کننده ایرانی قرار گرفت و بعدها به‌علت عدم امکان پیش‌بینی تمام مسائل، اسباب درد سر و خرده‌گیری‌های فراوان واقع می‌شد. به‌طور کلی تیم کارشناسی که در نخست‌وزیری، مذاکرات را پشتیبانی می‌کرد، از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد و این در حالی بود که طرف مقابل، فقط ده‌ها کارشناس به همراه وارن کریستوفر، معاون وزیر خارجه وقت آمریکا در طول مذاکرات در الجزایر مستقر کرده بود. با وجود این نابرابری واضح، آنچه به‌دست آمد، تنها در سایه لطف خداوند و فداکاری همان گروه‌های کوچک کارشناسی و به‌رغم کارشنکی‌های داخلی بود.

۴- پس از امضای بیانیه الجزایر، برخلاف ماه‌های مذاکرات و حتی لحظات قبل از امضای بیانیه که همه جناح‌ها سکوت اختیار کرده بودند - و اگر هم مطلبی مطرح کرده بودند، در جهت متهم کردن دولت به کارشنکی در حل و فصل سریع و فوری مسئله بود - با هوچی‌گری و سرو صدای فراوان، زبان به انتقاد از بیانیه گشوده و حتی تهمت خیانت به دولت زدند. متأسفانه، در رأس این عده، رئیس جمهور وقت، بنی صدر قرار داشت که علاوه بر طرح مسئله در مصاحبه‌ها و مقالات متعدد، رسماً و علناً علیه شهید رجایی و بنده اعلام جرمی تسلیم قوه قضائیه کرد. «روزنامه‌های انقلاب اسلامی» (ارگان بنی صدر) و «میزان» (ارگان نهضت آزادی) نیز طی ده‌ها شماره، به نقد و بررسی غیرمنصفانه بیانیه، همراه با هوچی‌گری‌های فراوان پرداخته و با کمک تمام طیف ضد انقلاب آن دوره، آنچنان جوهرپاشی کردند که اقدام افتخارآمیز دولت شهید رجایی، خیانتی جبران‌ناپذیر معرفی شده و کسی یارای دفاع از آن را نداشته باشد.

دولت شهید رجایی نیز چون یک طرف ماجرا رئیس جمهور قانونی بود، فداکارانه سکوت اختیار کرده و نمی‌توانست ماهیت برخوردهای فوق‌الذکر و برخوردکنندگان را

۴۴۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

برملا، کند. جوسازی و دروغ‌پردازی‌ها علیه دولت و سکوت مزبور که مصداق «سنگ را بسته و سگ را باز کرده‌اند» بود، کار را به جایی رساند که حتی در بین دوستان دولت شهید رجایی نیز شبهات جدی ایجاد شد. با توجه به چنان شرایطی، شهید رجایی و بنده به دیدار حضرت امام (ره) رفته و از ایشان درخواست کردیم که به دولت اجازه پاسخگویی به رئیس جمهور داده شود. ایشان مصالح نظام و ضرورت عدم درگیری دولت و رئیس جمهور را به ما گوشزد کرده و اجازه مقابله و پاسخگویی ندادند.

با توجه به دستور فوق‌الذکر، امکان روشنگری افکار عمومی تا سقوط بنی‌صدر، از دولت سلب شد و تنها به گزارش چهار ساعته در جلسه رسمی و غیرعلنی مجلس شورای اسلامی، پس از صدور بیانیه الجزایر که توسط این‌جانب به‌عنوان وزیر مشاور در امور اجرایی داده شد، اکتفا گردید. پس از فرار بنی‌صدر و مشخص‌تر شدن ماهیت مخالفان وقت بیانیه، و با توجه به اوضاع بحرانی جامعه و کشور، پاسخگویی به اتهامات و جوهرپاشی‌های بنی‌صدر و دارودسته‌اش ضروری و به‌جا تشخیص داده نمی‌شد.

از طرفی مسئولان و مردم نیز آن‌قدر مسئله با بنی‌صدر و هواداران وی داشتند که فرصت برخورد با موضوع کهنه‌شده گروگان‌ها و بیانیه برایشان وجود نداشت و به‌طور خلاصه با تغییر شرایط، مسئله بیانیه دیگر مسئله روز نبود که در مورد آن بحث و گفتگوی جدید آغاز شود.

متأسفانه، سال‌ها بعد، گروه‌های دیگری به دلایل مختلف و متفاوت، تقریباً همان انتقادات و مواضع مخالفان اولیه بیانیه را مطرح کردند و یک بار نیز گزارشی توسط یک کمیسیون ویژه مجلس شورای اسلامی در مورد بیانیه و پیامدهای آن به سبک و سیاق انتقادات قبلی تهیه شد که باز هم با کمال تأسف، نه گزارش مزبور و نه پاسخ‌های لازم به آن در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی قرائت نگردید و تنها نسخی از گزارش و پاسخ‌های آن بین پاره‌ای از خواص توزیع شد و اصل گزارش به قرار اطلاع، ضمیمه پرونده اعلام جرم بنی‌صدر از شهید رجایی و بنده گردید و به این ترتیب، دیگر هرگز فرصتی برای طرح علنی مسائل بیانیه یافت نشد. خوشبختانه درج

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۴۵

مقاله انتقادی فوق‌الذکر در مجله «سیاست خارجی» و به دنبال آن در دو نشریه روزانه، فرصت و فضای مناسب جهت طرح ناگفته‌ها و نانوشته‌ها در مورد مسائل مربوط به آزادی گروگان‌ها و بیانیه الجزایر و پیامدهای آن به دست داد.

لازم به توضیح است که طی سال‌های اخیر به کمک عده‌ای از دوستان و با حمایت دولت وقت، تلاش زیادی در جهت تدوین تاریخچه مربوط به مذاکرات انجام شده در جهت حل و فصل مسئله گروگان‌ها کرده و اسناد زیادی را در این مورد با مشقت فراوان گردآوری نموده که به جرئت می‌توان ادعا کرد که اگر این تلاش‌ها صورت نمی‌گرفت، بخش مهم از تاریخ کشور و انقلاب در محاق می‌ماند. در حال حاضر آمادگی وجود دارد که اسناد تاریخی مزبور از طریق آن مجله و یا طرق دیگر در اختیار محققان و صاحب‌نظران قرار گیرد.

۵- آیا مصوبه مجلس شورای اسلامی در مورد حل و فصل مسئله گروگان‌ها قانون بوده است؟ در جای جای مقاله منتشره در آن مجله محترم و همچنین در برخی گزارش‌های دیگر، از مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی نام برده شده و مفاد بیانیه الجزایر با شروط مندرج در مصوبه مذکور تطبیق داده شده و سپس به‌طور غیرمستقیم نتیجه‌گیری شده است که نتایج حاصل از بیانیه الجزایر با شرایط فوق‌الذکر مطابقت نداشته و یا در حد مطلوب نبوده است. البته این اقدام نویسنده مقاله مورد بحث، مسبوق به سابقه قبلی است. پس از امضا و شروع به اجرای بیانیه الجزایر، موضوع مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی و شروط مندرج در آن، از جمله مسائلی بوده که همواره مورد استناد قرار گرفته و مخصوصاً از طرف جناح‌های مخالف - که در هر دوره تفاوت کرده و اولین جناح بنی‌صدر و نهضت آزادی بوده است - درباره آن، تفاسیر گوناگون به‌عمل آمده است. در مقاله مزبور و نیز گزارش‌های دیگر، سعی بر این بوده است که مصوبه مزبور را به‌عنوان قانون تلقی کرده و با تأکید بر اینکه مصوبه حاوی احکام غیر قابل تغییر و لازم‌الاجرا و قطعی است، دولت شهید رجایی را متخلف از قانون مصوب مجلس معرفی کنند، ولی آیا واقعاً و از لحاظ حقوقی، مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۸/۱۱ مجلس شورای اسلامی قانون بوده است؟ در پاسخ به این سؤال و شبهه ایجادشده تذکر موارد زیر ضروری است:

۴۴۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

الف - در زیر بخشی از مذاکرات مجلس شورای اسلامی در هنگام تصویب شرایط به نقل از شصت و سومین جلسه علنی دوره اول مجلس شورای اسلامی، عیناً بازنویسی می‌شود:

اظهارات یکی از نمایندگان خطاب به رئیس مجلس:

«جناب عالی تصریح فرمودید که این (مصوبه مربوط به آزادی گروگان‌ها)، نه به شکل لایحه و نه به شکل طرح قانونی وارد مجلس شده است؛ بنابراین، اگر طرح می‌بود، طبعاً باید مشخص می‌شد که یک شوری است یا دو شوری است. مثلاً اگر طرح عادی بود، ما حالا در شور اول بودیم و بعد از رأی‌گیری امروز یا موافقتی که مجلس می‌کرد، بعد می‌رفت به کمیسیون؛ باز برای شور دوم و بعد از پنج روز دیگر می‌آمد؛ بنابراین، همان طور که آقای عسکراولادی می‌فرمایند، دقیقاً همین‌طور است و این، هیچ‌کدام از اینها نیست».

اظهارات رئیس مجلس در پاسخ یکی از نمایندگان:

«... این همان چیزی بود که آقای دکتر سامی خواندند و مربوط به این موضوع نیست و مربوط به لوایح است. در اینجا یک مسئله‌ای را امام به عهده مجلس گذاشته‌اند که خارج از همه معیارها داریم حل می‌کنیم ... و ضمناً هم پیداست آن دولتی که آنجا نشسته - اشاره به دولت شهید رجایی - و می‌خواهد این را اجرا بکند، یک دولتی است که ما رأی اعتماد به او داده‌ایم. این‌طور نیست که بخواهد منافع ایران را با یک لفظی فدای چیز دیگری بکند».

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که مجلس خود نیز به اینکه مصوبه مزبور نه «طرح قانونی» و نه «لایحه قانونی» بوده، مقرر است و غیر از دو مورد فوق، هیچ مصوبه‌ای تبدیل به قانون نمی‌شود.

ب - باید دید آیا از لحاظ ماهیت و شکل نیز مصوبه مورد بحث، ارزش حقوقی یک «قانون» را دارد؟ طبق اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعدی می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌شود. بدین ترتیب، مصوبات قوه مقننه پس از طی مراحل

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۴۷

مندرج در قانون اساسی باید به دولت ابلاغ شود و مفهوم مخالف آن این است که چنانچه مصوباتی از سوی قوه مقننه صادر شود که مراحل معینه در قانون اساسی را طی نکرده باشد، نمی‌تواند عنوان مصوبات لازم‌الاجرای قوه مقننه را پیدا کند. همچنین طبق اصل ۶۵ قانون اساسی، مصوبات لازم‌الاجرای قوه مقننه الزاماً نمی‌تواند از صورت طرح و یا لایحه خارج باشد. طبق اصل ۹۳ و ۹۴ قانون اساسی، تأیید شورای نگهبان نسبت به کلیه مصوبات مجلس جهت یافتن اعتبار قانونی، ضروری است. حال باید دید که مصوبه مورد بحث از لحاظ شکلی چگونه بوده است:

۱- درحالی‌که قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی به‌طور کلی ابتدا به‌صورت طرح و یا لایحه توسط نمایندگان مجلس و یا دولت به مجلس تقدیم می‌شود و مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرد، مصوبه مذکور صرفاً به‌صورت نظریه کمیسیون بررسی مسئله گروگان‌ها در مجلس مطرح بوده است.

۲- قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی، پس از تأیید شورای نگهبان یا طی مهلت قانونی با امضای ریاست مجلس شورای اسلامی به نهاد ریاست جمهوری اعلام و از طریق رئیس جمهور جهت اجرا به دولت ابلاغ می‌شود.

طبق ماده یک قانون مدنی، مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس جمهور ابلاغ و وی نیز ظرف پنج روز آن را امضا و به دولت ابلاغ می‌کند و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید.

بر اساس ماده ۳ قانون مدنی، انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به‌عمل آید. طبق سوابق موجود، مصوبه فوق‌الذکر هیچ‌یک از مراحل فوق را طی نکرده است و دولت صرفاً از طریق نامه شماره ۵۲۷۱۶ مورخ ۱۳۵۹/۹/۸ تقریباً یک ماه پس از تصویب مصوبه و شروع اقدامات دولت، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی رسماً در جریان مصوبه قرار گرفته است (پیوست شماره ۱) که بالطبع صرفاً یک نامه اداری بوده و اصولاً اداره قوانین، حق ابلاغ مصوبات مجلس آن هم به وزیر مشاور در امور اجرایی را نداشته است و نامه مزبور ابلاغ قانونی تلقی نمی‌شود.

۳- بالاخره آیا اصولاً گروگان‌گیری و آزادی گروگان‌هایی که توسط مردم نگهداری و کنترل می‌شوند، می‌توانست وظیفه قانونی هیچ دولتی به حساب آید و آیا اصولاً

۴۴۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

مجلس شورای اسلامی قانوناً می‌توانست دولت را ملزم به اجرای چنان مصوبه‌ای بکند؟ اگر چنین بود، چرا کمیسیون ویژه حل و فصل مسئله گروگان‌ها پیش از تصویب رهنمودهای مربوط به آزادی گروگان‌ها، وزیر مشاور در اجرایی را به‌عنوان نماینده دولت وقت دعوت و از وی سؤال می‌کند که آیا اگر مجلس شورای اسلامی موارد را در این زمینه تصویب کند، دولت آنها را اجرا خواهد کرد (سؤال رئیس کمیسیون از این‌جانب به‌عنوان وزیر مشاور در امور اجرایی در جلسه مذکور).

۴- با توجه به موارد فوق‌الذکر مصوبه مورخ ۱۳۵۹/۸/۱۱ صرفاً یک اعلان نظر، اعلام موضع و رهنمود مجلس شورای اسلامی به دولت بود، که خود مبتنی بر رهنمود امام (ره) به مجلس است که دولت می‌توانست و می‌بایست در چارچوب آن به تشخیص خود نسبت به انتخاب روش‌های مناسب اجرایی اقدام کند.

در خاتمه این مبحث، توجه خوانندگان علی‌الخصوص صاحب‌نظران، محققان و حقوقدانان را به این نکته جلب می‌نماید که چنانچه مصوبه ۱۳۵۹/۸/۱۱ مجلس حکم قانون لازم‌الاجرا را داشت، چگونه همان مجلس در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ لایحه مربوط به حل و فصل دعاوی را که از نظر شکلی در تعارض با شروط مجلس است، تصویب می‌کند؟ مذاکرات مفصل انجام شده در هنگام تصویب لایحه مزبور در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، اختلافات متعدد فی‌مابین مصوبه ۱۳۵۹/۸/۱۱ و عملیات اجرایی انجام‌شده توسط دولت را که صریحاً به اطلاع مجلس رسیده است، نشان می‌دهد و تصویب لایحه حل و فصل دعاوی توسط مجلس، نشانه‌ای از تأیید عملیات اجرایی - حداقل از نظر شکل - توسط مجلس بوده است. به‌رغم تمام توضیحات فوق‌الذکر، به شهادت کلیه سوابق موجود، دولت شهید رجایی نهایت کوشش خود را جهت منظور کردن جزء جزء نظرات و تصمیمات مجلس شورای اسلامی، یعنی مصوبه ۱۳۵۹/۸/۱۱، در بیانیه به کار برده است. مضافاً اینکه اصولاً اجرای موبه‌موی مصوبه در مواردی با اهداف کلی نظام و مجلس شورای اسلامی مغایر بود. از جمله اینکه در مصوبه آمده است که در صورت تحقق کامل شرایط ایران، گروگان‌ها آزاد شوند و اگر بخشی از شروط تحقق یافت، متناسب با شروط تحقق‌یافته، تعدادی از گروگان‌ها آزاد شوند. اگر قرار بود این بخش از مصوبه موبه‌مو اجرا شود، هنوز هم

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۴۹

تعدادی از گروهان‌های آمریکایی در ایران نگهداری می‌شدند و آیا این نقض غرض نبود؟ و آیا انجام این امر در اوضاع و احوالی که بر جامعه حکمفرما بود، می‌توانست مصالح کشور و نظر امام (ره) را تأیید کند؟

۶- نقش وزیر مشاور در امور اجرایی در جریان حل‌وفصل مسئله گروهان‌ها و بیانیه الجزایر: در چند جای مقاله از وزیر وقت مشاور در امور اجرایی به‌عنوان «مسئول وقت حل‌وفصل مسئله گروهان‌ها»، «وزیر وقت مشاور در امور اجرایی» و «مسئول امور گروهان‌ها» و «مسئول وقت کمیسیون امور گروهان‌ها» نام برده و به عمد یا به سهو تلاش شده که مسئولیت حل‌وفصل مسئله را یکسره به عهده وزیر مشاور در امور اجرایی کابینه شهید رجایی بگذارد. گرچه این‌جانب - همان‌طور که در بخش‌های قبلی نیز مطرح کرد - شرکت در مذاکرات مربوط به حل‌وفصل مسئله گروهان‌ها و داشتن نقش در این مورد یعنی یکی از بحران‌های پیچیده تاریخ انقلاب اسلامی را، یکی از افتخارات زندگی سیاسی و مبارزاتی خود دانسته و می‌داند، مع‌الوصف توضیح موارد زیر در جهت روشن شدن اذهان، خالی از فایده نیست:

واقعیت قضیه این است که پس از طرح مصوبه مجلس در جلسه هیئت وزیران، وزیر مشاور در امور اجرایی به‌عنوان نماینده دولت جهت انجام مذاکرات و اتخاذ روش‌های اجرایی برای حل‌وفصل مسئله گروهان‌ها و مسائل حقوقی و مالی بین ایران و آمریکا انتخاب شد. در کلیه مراحل مذاکرات مزبور، این‌جانب با داشتن سمت وزیر مشاور در امور اجرایی، صرفاً به‌عنوان نماینده دولت عمل کرده و این حقیقت در کلیه صورت مذاکرات هیئت وزیران به‌طور دقیق منعکس است. همچنین اشاره به این نکته ضروری است که کلیه مراجع عالی‌مملکتی از جمله دفتر حضرت امام، سران سه قوه، هیئت رئیسه و کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی، هیئت وزیران و ... علاوه بر اینکه به‌صورت مکتوب در جریان جزء مذاکرات و مواضع اتخاذ شده از سوی مذاکره‌کنندگان و نتایج حاصله قرار می‌گرفتند، طی چند ملاقات با حضرت امام (ره) و در جلسات سران سه قوه - که در آن زمان بدون حضور رئیس جمهور وقت و با شرکت شهدای گرانقدر، بهشتی و رجایی، حجت‌الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس و این‌جانب به‌طور منظم و هفتگی تشکیل می‌گردید -

۴۵۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیشرفت مذاکرات و مشکلات احتمالی مطرح و از ایشان رهنمودهای لازم دریافت می‌شد.

نهایتاً و پس از جمع‌بندی کلیه اقدامات و نتایج، شهید رجایی، نخست‌وزیر وقت، مصوبه ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ دولت را طی نامه شماره ۶۴۵۳۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ به این‌جانب، ابلاغ کرد و دستور داد بیانیه‌ها، اسناد، مدارک و مکاتبات مربوط به شرایط آزادی ۵۲ آمریکایی گروگان نزد ملت ایران ... را که به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران رسیده بود، امضا و مبادله کند (پیوست‌های شماره ۲ و ۳).

در خاتمه، این بحث می‌تواند به جرئت ادعا کند که زمانی که حقیر نمایندگی دولت را در این امر خطیر و حساس، آن هم با حداقل امکانات موجود در کشور به‌عهده گرفت، هیچ‌احدی داوطلب و حتی آمادگی پذیرش مسئولیت مذکور را نداشته و بسیاری افراد، حتی حاضر به همکاری و ارائه نظر مشورتی در این زمینه نبودند، «دیوانه پابره‌نه از آب گذشت».

ب - پاسخ‌ها به نقد بیانیه عمومی

در قسمت اول، پاره‌ای توضیحات، اطلاعات و اسناد عمومی در اختیار خوانندگان و صاحب‌نظران قرار گرفت. حال در اینجا توضیحاتی در مورد نقد بیانیه عمومی مقاله مندرج در آن مجله جهت آگاهی خوانندگان تقدیم می‌شود.

۱- نویسنده در خصوص نقد بیانیه عمومی با اشاره به پاراگراف «الف» بیانیه، آزاد گذاشتن تمام سرمایه‌های ایران را مورد بررسی قرار داده و اعلام کرده است: این شرط تا حدودی تحقق یافت. توضیح آنکه این بند از بیانیه با توجه به اطلاعات موجود، در زمان امضای بیانیه تحقق کامل یافت. حتی نحوه رفع اختلاف روی ارقام ۳ و ۴ نیز در بیانیه پیش‌بینی شده است. ماجرای ۳۰۰ میلیون دلار نیز ربطی به اصل پاراگراف فوق نداشته و ناشی از ضعف اطلاعات دولت و مملکت در هنگام مذاکرات و امضای بیانیه بوده است که البته، خوشبختانه بعدها تصحیح و رقم مزبور و بهره آن از حساب شماره ۳ دریافت و به حساب ایران واریز شد.

۲- در خصوص پاراگراف «ب» بیانیه (لغو ادعاهای آمریکا علیه ایران)، نویسنده ضمن نقل پاراگراف مزبور، انتقاد تکرار شده در واقع مضمون حال مدعیان آمریکایی

شده است را مجدداً تکرار کرده است. طرح انتقاد مذکور ناشی از عدم توجه به مذاکرات مربوط به حل و فصل دعاوی در مجلس شورای اسلامی و ماهیت اختلافات ایران و آمریکا است. واقعیت این است که یکی از شروط چهارگانه مجلس شورای اسلامی، لغو کلیه ادعاهای آمریکا علیه ایران بود و هیچ بحثی از دعاوی ایران علیه آمریکا مطرح نبود. دولت شهید رجایی در جهت تحقق شرط مزبور، با بیش از صدها شکایت اتباع آمریکایی علیه دولت ایران با خواسته‌ای معادل میلیاردها دلار در دادگاه‌های آمریکا مواجه بود. دولت آمریکا این شرط مجلس را پذیرفته و در عین حال، در جستجوی راهی برای طرح دعاوی غیرمرتبط با گروگان‌گیری و انقلاب اسلامی اتباع خود بود؛ چرا که امکان وادار کردن اتباع به پس گرفتن دعاوی از دادگاه‌های آمریکا، مگر در صورت طرح دعاوی مرجع دیگر وجود نداشت؛ بنابراین، در بادی امر، مسئله ارجاع به حکمیت، صرفاً به منظور ایجاد مرجع جایگزین برای طرح دعاوی اتباع آمریکایی مطرح بود که مقرر شد دعاوی خود را از دادگاه‌های آمریکا پس بگیرند؛ بنابراین، فلسفه اینکه داوری مشمول حال مدعیان آمریکایی شده است، همان‌طور که گفته شد کاملاً روشن است و نیازی به تحقیق و کشف نداشته است. ظاهراً نویسنده محترم مقاله و سایرین فراموش کرده‌اند که دعوا بر اثر آزاد کردن وجوه ایران از توقیف آمریکا و ارجاع شکایات اتباع آمریکایی علیه ایران بود، نه برعکس (پیش از امضای بیانیه)، در روز امضای بیانیه الجزایر، اگر اشتباه نکرده و حافظه یاری دهد، تنها یک دعوا، آن هم از طرف دولت ایران علیه دولت آمریکا مطرح بود. مع الوصف در پاراگراف مربوط در بیانیه، دعاوی دولت علیه دولت و دعاوی متقابل دولت نسبت به اتباع پیش‌بینی شده است که تقریباً دربرگیرنده کلیه دعاوی ما خواهد بود. آنچه مد نظر انتقادکنندگان و از جمله نویسنده مقاله است، احتمالاً این است که چرا دولت ایران و اتباع ایرانی حق طرح دعاوی مستقل علیه اتباع آمریکایی ندارند؟ و به‌طور ضمنی، القای شبهه می‌کنند که طرف دیگر از چنین حقی برخوردار است. درحالی‌که این مطلب از بی‌اطلاعی آنان در مورد تفاوت ساختار اقتصادی ایران و آمریکا ناشی می‌شود، وگرنه در بیانیه، گرچه اغلب حقوق یک طرفه‌ای به نفع ایران در نظر گرفته شده است، در این زمینه، هر دو طرف از حقوق یکسانی برخوردار

۴۵۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

هستند، لیکن با توجه به ساختار اقتصادی آمریکا تمام مدعیان، غیردولتی هستند؛ درحالی‌که کلیه سازمان‌های ایرانی طرف دعوا دولتی یا تحت کنترل دولت می‌باشند. منتقدان بیانیه، قطعاً آگاهی دارند که دولت و مؤسسات دولتی آمریکا هیچ حقی برای اقامه دعوا علیه اتباع ایران را ندارند و همچنین است در مورد ایران که حق طرح دعوا علیه اتباع آمریکایی را ندارند و اصولاً چنین عملی از نظر حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر نیست که دو دولت بیانیه‌ای را امضا کنند و اتباع خود را مجبور به حضور در یک داوری بین‌المللی نمایند. در خاتمه این قسمت، لازم به یاد آوری است که بسیاری از دعاوی مطروحه دولت ایران علیه اتباع آمریکا (۱۴۰۰ دعوا، ذکر شده در مقاله)، به‌عنوان دعاوی متقابل در داوری ثبت شده است، اما آیا قابل رسیدگی است؟

در مورد پاراگراف «ب»، نویسنده مقاله با اشاره به دعاوی که در صلاحیت دادگاه‌های ایران بود، به تخلف آمریکا از بیانیه و خارج نکردن دعاوی مزبور از دادگاه‌های آمریکا اشاره کرده [است]. به فرض صحت، اولاً ربطی به بیانیه ندارد و ثانیاً وجود دعاوی مزبور هیچ خاصیتی برای خواهان‌های آمریکایی (مدعیان) نخواهد داشت. به فرض صدور حکم محکومیت ایران در دادگاه‌های آمریکایی، مسئله در هیچ دادگاه بین‌المللی قابل طرح نخواهد بود؛ به دلیل تخلف از بیانیه. ضمناً باید اشاره کرد که آمریکا در عمل ده‌ها تخلف از بیانیه داشته که تماماً در دیوان به ثبت رسیده و در دست رسیدگی است.

۳- درمورد ماده ۱ بیانیه، یعنی ضمانت عدم دخالت آمریکا در امور داخلی ایران، نویسنده مقاله، ضمن نقل ماده مزبور، ادعا کرده است:

«ایالات متحده نه تنها هیچ تعهدی در عدم مداخله در امور داخلی نداده است، بلکه هیچ اعترافی، حتی به‌طور ضمنی و تلویحی هم به اینکه در گذشته این کار را نموده، نکرده است؛ بنابراین، به نظر ما برخلاف جنجال‌هایی که بعد از صدور بیانیه‌ها به راه انداخته‌اند، مبنی بر اینکه آمریکا به دخالت در امور داخلی ایران اعتراف کرده و متعهد به ترک فعل از این به بعد شده است، نه آن فعل مورد اعتراف واقع شده و نه این ترک فعل تعهد گردیده است.»

در پاسخ موارد زیر متذکر می‌شود:

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۵۳

اولاً، در ماده یک بیانیه، ایالات متحده آمریکا تعهد می‌کند که سیاست ایالات متحده این است و از این پس این خواهد بود که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی و یا نظامی در امور داخلی ایران مداخله ننماید. جمله مزبور قطعاً و در هر مرجعی تعهد به عدم مداخله در آینده است، ولی در مورد اعتراف به مداخله در گذشته، همان‌طور که شهید رجایی در گزارش رسمی خود به مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۶ و بنده در جلسه رسمی و غیرعلنی مجلس شورای اسلامی - که پس از صدور بیانیه الجزایر تشکیل شده بود - صریحاً اظهار داشته‌ایم، گرفتن چنین اعترافی از یک کشور - آن هم یک ابرقدرت - به صورت رسمی و در چارچوب یک سند بین‌المللی امکان‌پذیر نبوده و نیست، مگر قدرت‌های پیروز جنگ جهانی دوم از آلمان هیتلری یا متحدین جنگ خلیج فارس از عراق شکست‌خورده. اصولاً هدف مجلس شورای اسلامی نیز گرفتن تعهد مبنی بر عدم مداخله در آینده بوده، نه گرفتن اعتراف به گناه. نویسنده مقاله و دیگران که حتی از دور دستی بر آتش نداشته‌اند، طبیعی است که ندانند - که انشای همین جمله (جمله مذکور در ماده یک) به دنبال چه مذاکرات طولانی و چقدر مباحثه و مجادله امکان‌پذیر است، و الا اولین عبارت پیشنهادی آمریکا بسیار کم‌رنگ و در حد تعهد بر عدم مداخله در آینده همچون گذشته بود.

ثانیاً، برخلاف ادعای نویسنده مقاله که تنها با استناد به یک مصاحبه غیرمستند بنده با «روزنامه جمهوری اسلامی» دولت رجایی را متهم به بر پا کردن جنجال در این زمینه کرده است، موضع همیشگی دولت شهید رجایی در مورد ماده فوق همان است که شهید رجایی در جلسه مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی به شرح زیر بیان داشته است:

«در این زمینه، دولت مجری مصوبه مجلس بود که در آن از آمریکا تعهد عدم مداخله در امور داخلی ایران خواسته شده است. توضیح این مسئله ضرورت دارد که آمریکا و هیچ کشور دیگر ولو به قیمت جان ۵۲ نفری که کوچک‌ترین ارزشی هم برای آنها قائل نیست، هرگز حاضر به اعتراف به جرم نبوده و نخواهد بود. آنها (انتقادکنندگان) که در گفتگوهای پنهانی از آمریکاییان با واسطه‌های آنها چنین تعهداتی

۴۵۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

شنیده بودند، اگر می‌خواستند آنها را به روی کاغذ و با امضای رئیس جمهور آمریکا به دست آورند، حتماً نا کام می‌شدند».

به طوری که ملاحظه می‌شود اگر دولت شهید رجایی جنجالی هم کرده است در جهت عکس بوده و معلوم نیست که نویسنده مقاله که ان شاء الله محقق است، چرا قصد دارد در تمام موارد به طور مستقیم یا غیرمستقیم دولت مزبور را زیر سؤال ببرد (به جای تلاش برای کشف حقایق). در ضمن نقل جملات فوق از گزارش شهید رجایی از این جهت مفید است که نویسنده مقاله بداند که مطالب مطروحه وی اکتشافات جدیدی نبوده و هفت روز پس از امضای بیانیه الجزایر، شهید رجایی به آن پاسخ داده است.

۴- نویسنده مقاله با طرح ماده ۴، بند ۱۲ بیانیه در مورد بازپس دادن اموال شاه سابق اظهار داشته است: «در این مورد عملاً چیزی که نشان از اموال شاه سابق و بستگانش داشته باشد مسترد نشد. نه ما اطلاعاتی صحیح از این اموال داشتیم و نه طرف آمریکایی از حسن نیت لازم برخوردار بود تا جهت تحقق این مهم مساعدت کند. علاوه بر این، گذشت زمان دست شاه (در زمان حیات) و بستگانش را برای هر نقل و انتقال احتمالی - اعم از صوری و غیره - باز گذشته بود».

معلوم نیست مقصود نویسنده از طرح مطالب فوق انتقاد از این ماده بیانیه است و یا تکرار عرایض بنده که خود عیناً نقل کرده و یا تأیید آنهاست. به هر حال، بنده باز هم برای روشن شدن بیشتر اذهان، بخشی از گزارش مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۶ شهید رجایی به مجلس شورای اسلامی را در زیر نقل می‌کند:

«در این زمینه، دولت بارها اعلام کرده است که صورتی از اموال و دارایی‌های شاه معدوم و بستگانش را در اختیار ندارد و تلاش‌های یک‌ساله بانک مرکزی نیز در این زمینه کوچک‌ترین نتیجه‌ای نداشته است؛ بنابراین، ما خواهان چیزی هستیم که نمی‌دانیم چیست و چقدر است. ضمناً تا یک ماه پیش تنها یک شکایت علیه شاه و فرح و اشرف در دادگاه نیویورک داشتیم و دیگر هیچ اقدامی در مورد سایر بستگان نشده بود و لذا دارایی‌های این عده می‌توانست آزادانه نقل و انتقال یابد. آیا منتقدین راهی جز آنکه دولت رفته، برای بازگرداندن چنین اموالی سراغ داشته‌اند و اگر داشته‌اند، چرا با دولت در عرض مدت یک سال گذشته مطرح نکرده‌اند؟ ... به اعتقاد

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۵۵

دولت جمهوری اسلامی دو بند فوق‌الذکر از مصوبه مجلس شورای اسلامی (تعهد به عدم مداخله و بازپس دادن اموال شاه) بیش و پیش از آنکه ارزش اقتصادی و عملی داشته باشد، ارزش سیاسی دارد، و الا کیست که نداند دسترسی به اموال شاه و بستگانش پس از این همه سروصدا و هشیاری آنها کار ساده‌ای نیست و یا تضمین عدم مداخله آمریکا در ایران امری نشدنی است...».

در تکمیل پاسخ به انتقادات نویسنده مقاله و دیگران، در مورد بیانیه الجزایر، اطلاع از عین گزارش رسمی شهید رجایی به جلسه علنی مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی را به غایت ضروری دانسته و به (پیوست شماره ۴) تقدیم می‌شود و جملاتی از آن را نیز به‌عنوان حسن ختام این قسمت، در زیر برجسته می‌کند.

در هیچ شرایطی تعهداتی بیش از آنچه که این دولت از آمریکا گرفته، قابل وصول نبوده و نخواهد بود؛ مگر بر اساس عملکردهای سازشکارانه و یا در گفتگوهای خصوصی غیررسمی. آنچه به دست آمده، بالاترین تعهداتی است که می‌توان از آمریکا به‌خاطر وجود ۵۲ نفری که کوچک‌ترین ارزشی حتی برای جانشان قائل نبود، نمی‌توان گرفت و اینکه تصور شود ما دیگر وسیله‌ای برای اعمال فشار بر آمریکا نداریم، بی‌اساس است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که حتی اگر جاسوسخانه اشغال نمی‌شد، ما هرگز به گرفتن این مقدار از حقوق و دارایی‌ها و تعهد مابقی آن از آمریکا نمی‌شدیم. نه به قصد توجیه بیانیه‌ها که به بهترین وجهی از زبان شهید رجایی توجیه شده و مورد رضایت و قبول و تأیید کلیه مقامات ذی‌ربط وقت - به استثنای بنی‌صدر - قرار گرفته است، بلکه به‌منظور یادآوری شرایط و جوی که بیانیه مذاکره و امضا شد، اهرم‌های فشاری را که در اختیار آمریکا و ایران قرار داشت، در زیر به‌طور خلاصه به اطلاع می‌رساند:

- ۱- وجود مقادیر معتناهی از اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا و نیز میلیاردها دلار سپرده ایران نزد بانک‌های آمریکایی. اما آمریکا نمی‌توانست آنها را بلوکه کند.
- ۲- طرح هزاران دعوا از طرف شرکت‌های آمریکایی و تأمین و توقیف میلیاردها دلار اموال و سپرده‌های ایران توسط دادگاه‌های آمریکا.

۴۵۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

۳- حصر اقتصادی ایران و محرومیت ایران از دسترسی به بسیاری از بازارهای جهانی، حتی در خصوص نیازمندی‌های فوری و اضطراری.

۴- تحمیل جنگی تمام عیار به ایران و نیاز ایران به آزاد کردن اموال و سپرده‌های خود.

۵- شکست کارتر در انتخابات و روی کار آمدن قریب‌الوقوع ریگان که ایران را باج‌گیر و وحشی خوانده بود و مسلماً با این طرز فکر، حاضر به تنظیم بیانیه‌ای شبیه آنچه که تنظیم شد، نبود.

۶- برخورداری آمریکا از پیشرفته‌ترین امکانات حقوقی و فنی و تخصصی و اطلاعاتی.

۷- تحریک و تهییج افکار عمومی دنیا علیه انقلاب اسلامی ایران و قصد به انزوا کشیدن انقلاب و نیز آمادگی افکار عمومی مردم آمریکا جهت هر گونه اقدام دولت آمریکا علیه ایران.

در مقابل، اهرم‌های فشاری که در اختیار ایران قرار داشتند، عبارت بودند از: ۱- در اختیار داشتن ۵۲ نفر گروگان آمریکایی که از ارزش آن به تدریج کاسته شده بود و معلوم نبود که برای ریگان اصولاً ارزشی مگر به‌عنوان بهانه‌ای جهت قداره‌کشی، داشته باشند.

۸- انگیزه‌های شخصی کارتر به آزادی گروگان‌ها قبل از ترک کاخ سفید.

پ - انتقادات به حکمیت یا داوری

نویسنده مقاله در چند جا و پس از تعریف داوری به‌عنوان یکی از بهترین طرق حل و فصل صلح‌آمیز کشمکش‌های بین‌المللی و تأکید بر اینکه دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده «... یک مرجع حکمیت یا داوری است که ظاهراً تمام تعریف‌هایی که بر له داوری آورده شده است، در خود دارد...»، اشاره کرده است:

«امور دیوان بر مقررات پونستیرال استوار است. به عبارت دقیق‌تر، ساختار ترسیم‌شده برای اداره امور این دیوان داوری، همانا قوانین و مقررات کمیسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق تجارت بین‌الملل (پونستیرال) است...». پس از ذکر مقدمات فوق، ناگهان در مقام انتقاد از این داوری برآمده، می‌نویسد: «... آیا تن دادن به داوری و آن هم چنین داوری بر سبیل صواب بوده است یا خیر؛ و اصولاً چه آلت‌رناتیو یا آلت‌رناتیو‌هایی می‌توانست جایگزین آن شود». نویسنده، بالاخره نتیجه‌گیری کرده

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۵۷

است: «این دادرسی از نوعی است که با توجه به ساختار شکلی و ماهوی آن، بعید به نظر می‌رسد که بتواند بر اساس عدل و استوار باشد».

در نهایت پیشنهاد نویسنده مقاله چنین ارائه شده است: «چیزی که به نظر ما می‌توانست جای خود را به آلترناتیو‌هایی چون حل و فصل کلی و یک‌جا بدهد ارجاع به داوری، جای خود را به حل و فصل کلی و یک‌جا بدهد».

در پاسخ تذکر موارد زیر مفید خواهد بود:

اولاً، این نکته ضروری است که با توجه به مواضع جنایتکارانه و تجاوزات متعدد امپریالیسم آمریکا علیه منافع حقوق ملت ایران، خصوصاً از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا گروگان‌گیری، سیاست دولت شهید رجایی که مورد تأیید عموم مسئولان و مجلس نیز بود بر قطع کلیه روابط سیاسی و اقتصادی با آمریکا قرار داشت. حال باید دید کرد که این قطع روابط از چه طریق به شکل بهتر امکان‌پذیر بود و چگونه می‌بایست حرکت کرد که منافع و مصالح ملت ایران در نهایت محفوظ بماند؟ با توجه به مقدمه فوق به فرض پذیرش پیشنهاد مهم نویسنده در مورد حل و فصل کلی و یک‌جای مسائل فی‌مابین با آمریکا، آیا بدون مذاکرت مستقیم و با مذاکرات از طریق واسطه و همچنین بدون حفظ روابط با آمریکا چنین کاری میسر بود؟

ثانیاً چه کسی در آن زمان و حتی امروز، حاضر به چنین مصالحه‌ای که به هیچ وجه حتی مبانی آن معلوم و مشخص نبود، هست؟ چه مرجعی مجوز چنین مصالحه عظیمی را صادر کرده بود و یا می‌کرد؟

آیا در حالی که طرف ایرانی میزان دقیق اموال و دارایی‌های خود را در آمریکا و میزان بدهی‌ها به شاکیان آمریکایی را حتی با اختلافات، صددرصد نمی‌دانست، آیا در شرایطی که حتی یک ادعای طرف در مذاکرات با طرف آمریکایی آماده نبود؟ آیا در شرایطی که حتی مبلغ دقیق موجودی نقدی خود را در بانک‌های آمریکایی نمی‌دانستیم، و در شرایطی که آمریکا با پیشرفته‌ترین سیستم حقوقی، مالی، بانکی و اطلاعاتی، کلیه اطلاعات را مطمئناً در اختیار داشت، حل و فصل کلی و یک‌جای دعاوی با آمریکا غیرممکن و غیر عاقلانه نبود؟ آیا اگر چنین اقدامی در آن زمان صورت می‌گرفت، نویسنده مقاله و دیگران، امروز اقدام‌کنندگان را حداقل به «سازش و تسلیم

و دخل و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی» متهم نمی‌کردند؟! بالاخره، آیا اگر «حل و فصل، کلی و یک‌جا» صورت می‌گرفت و بعدها پی به اشتباه در محاسبات خود می‌بردیم و یا دعاوی جدیدی از طرف ما کشف می‌شد، «نظیر ۳۰۰ میلیون دلار پرداخت اضافی به «فدرال رزرو» آمریکا و یا ادعای ۱۲ میلیارد دلاری وزارت دفاع علیه دولت آمریکا که هیچ‌یک در زمان تصویب و امضای بیانیه وضع روشنی نداشتند»، به کدام مرجع باید مراجعه می‌کردیم؟ به نظر بنده، داوری مرضی‌الطرفین موجود، به‌رغم داشتن کاستی‌هایی که با توجه به قوانین بین‌المللی و قدرت حقوقی آمریکا اجتناب‌ناپذیرند (حدافل بسیاری از آنها)، بهترین مرجع برای ایران جهت دفاع در مقابل هزاران دعوای مطروحه و استیفای بخش کوچکی از حقوق تزییع‌شده خود از یک ابرقدرت زورگو و مزدور است و اگر چنین داوری وجود نداشت، امکان دفاع در قبال این ادعاها و نیز به دست آوردن همین حد اقل‌ها هم نبود. به‌طور کلی، صرف‌نظر از قانونی بودن اقدام دولت شهید رجایی در مورد ارجاع اختلافات مالی و حقوقی با آمریکا به داوری مرضی‌الطرفین، اقدام مزبور با توجه به موارد فوق‌الذکر، اصولی‌ترین و مناسب‌ترین روش حل و فصل اختلافات مالی و حقوقی ایران و آمریکا در چارچوب مصوبه مجلس شورای اسلامی، بدون توسل به راه‌حل‌های سازشکارانه بود.

ت - نتایج اجرای بیانیه الجزایر

به نظر بنده عملکرد بیانیه الجزایر و حل و فصل دعاوی ایران و آمریکا باید به‌طور مشروح توسط مسئولان ذی‌ربط در معرض افکار عمومی قرار گیرد «تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد».

متأسفانه به دلیل اینکه هنوز داوری مرضی‌الطرفین در جریان می‌باشد و ممکن است به مواضع ما لطمه خورده و نتوانیم در برخی از دعاوی به حداکثر حقوق خود برسیم، مسئولان نمی‌توانند بسیاری از دست‌آوردهای بیانیه و داوری را پیش از پایان کار داوری به اطلاع عموم برسانند و همین امر، فرصت به دست منتقدانی نظیر نویسنده مقاله داده است. از طرف دیگر، جماعتی نیز که کاری به بیانیه و داوری نداشته و به دنبال ایجاد محمل‌های قوی و مورد قبول برای برقراری رابطه با آمریکا هستند، دانسته یا ندانسته اموال و دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در آمریکا را آن‌چنان برای مقامات

مسئول کشور، بزرگ جلوه می‌دهند که ارزش برقراری رابطه با آمریکا را داشته باشد و این برخورد نیز به‌طور غیرمستقیم این نتیجه را می‌دهد که بیانیه داوری در عمل کاری انجام نداده و نفعی برای کشور نداشته است. بنده چنانچه بتواند به آمار و اطلاعات دقیق دسترسی پیدا کرده، اجازه انتشار آن را بیاید به شماره‌های بعد آن مجله مقاله‌ای درباره عملکرد بیانیه و داوری ارائه خواهد داد و این نتایج - با وجود تمام کار شکنی‌هایی که توسط برخی عناصر در مراحل مختلف در کار اجرای بیانیه الجزایر و روند صحیح و اصولی داوری داشتند - صحت عمل و حقانیت دولت شهید رجایی در حل و فصل مسئله گروگان‌ها را به ثبوت خواهد رساند. مع الوصف در انتهای همین مقاله نیز نکاتی را به اختصار به اطلاع می‌رساند. انتقادکنندگان به بیانیه الجزایر عموماً مورد زیر را محور قرار داده و می‌دهند:

۱- بیش از ده میلیارد دلار وجه نقد و طلا داشتیم که از آن مقدار پس از امضای بیانیه، تنها و فقط ۲/۸۷ میلیارد دلار به ایران بازگشت داده شده. این رقم به عمد یا به سهو فقط به وجوه بازپس داده شده در روز آزادی گروگان‌ها اشاره می‌کند. حال آنکه بر اساس اطلاعات غیرمستند بنده - به دلیل نداشتن مسئولیت در این زمینه - امروز تقریباً تمام وجوه فوق‌الذکر غیر از اقساط بدهی‌های ایران به بانک‌های آمریکایی - که به هر حال یکجا یا تدریجی می‌بایست تا امروز پرداخت می‌شد - مسترد شده و یا به حساب شماره ۲ (حساب دولت الجزایر که زیر کنترل داوری مرضی‌الطرفین می‌باشد) واریز شده است و به هیچ وجه سپرده بانکی و طلایی در اختیار آمریکا نیست. مبلغ واریز شده به حساب شماره ۲ نیز در سال ۱۳۵۹ یک میلیارد دلار بوده و مبالغی نیز که در مصالحه با برخی از شرکت‌های آمریکایی به دست آمده و بهره یک میلیارد دلار مزبور به حساب فوق واریز شده است (مبلغ واریزی از طریق مصالحه‌ها، شاید حدود ۲۰۰ میلیون دلار باشد).

۲- «اموال و دارایی‌های توقیف شده ایران در آمریکا به ایران مسترد نشده است». باز بنا بر اطلاعات غیرمؤثق بنده، قسمت اعظم اموال و دارایی‌های غیرنظامی شناخته شده ما به غیر از چند تا تابلوی نقاشی، فسیل و ... - که باز پس‌گیری آنها نیز مشکل اساسی

۴۶۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ندارد - طبق بیانیه ایران نداشته و ناشی از تخلف آمریکاست. آمریکا در بازپس دادن باقی مانده اموال نظامی ما نیز از بیانیه تخلف کرده و دلیل آن را نیز موضع خصمانه دو کشور نسبت به یکدیگر عنوان نموده است. و به قرار اطلاع، داوری نیز استدلال مزبور را نپذیرفته و به آمریکا تکلیف کرده که وجوه یا اموال نظامی توقیف شده را به ایران بپردازد که ظاهراً آمریکا هم اصل بازپرداخت وجوه مربوطه را پذیرفته است، ولی در مورد میزان آن هنوز اختلاف نظر وجود دارد. داوری و گفتگوهای جنبی در این مورد ادامه دارد. در اینجا لازم به ذکر است که گرچه بیانیه بر بازپس دادن کلیه اموال و دارایی‌های ایران تصریح کرده، ولی در جریان مذاکره در مورد بیانیه، بنده در جواب شایعات وسیعی که ایران متهم به ساخت و پاخت با آمریکایی‌ها و برقراری پل هوایی جهت تحویل اسلحه به ایران در قبال آزادی گروگان‌ها می‌کرد، ضمن تکذیب شایعه مزبور، اعلام کرد که ما به هیچ وجه نیاز به سلاح آمریکا نداشته و از چنان کشوری سلاح نخواهیم گرفت (نقل به مضمون) که البته این نظر دولت شهید رجایی بود که از زبان بنده بیان می‌شد. این توضیح از آن جهت است که دانسته شود دولت ایران حتی در زمان تصویب و امضای بیانیه الجزایر، کیسه‌ای برای سلاح آمریکایی نذوخته بود و می‌دانست تا انقلاب اسلامی برپاست آمریکا به ایران سلاح نخواهد داد؛ لذا در این زمینه آنچه اتفاق افتاده کاملاً قابل پیش‌بینی بوده و اگر غیر از این می‌بود، می‌بایست نسبت به ماهیت انقلاب اسلامی تردید کرده یا می‌کردیم. البته این بدان معنا نیست که دولت ایران تمام تلاش خود را در جهت دریافت اموال مزبور به کار نبرد. برای روشن شدن اذهان خوانندگان، خصوصاً صاحب‌نظران و محققان به استحضار می‌رساند که دولت لیبی پیش از روی کار آمدن سرهنگ قذافی شش فروند هواپیمای هرکولس باری (سی - ۱۳۰) از آمریکا خریداری کرده و در همان زمان، کلیه وجوه آن را پرداخته بود و تا آنجا که بنده اطلاع دارد هنوز که بیش از ۲۱ سال از این خرید می‌گذرد، آن دولت حتی موفق به دریافت یک هواپیما هم نشده است.

۳- می‌گویند: «از اموال و دارایی شاه و بستگانش هیچ چیز به دولت ایران تحویل نشده». بنده ضمن تأیید این مطلب اعلام می‌کند که در این مورد، بیانیه نقصی ندارد، بلکه مشکل این است که بر اساس اطلاعات این‌جانب تا این لحظه هیچ اطلاعی در

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۶۱

مورد اموال مزبور نداشته است تا بتوان از طرف مقابل درخواست حکم توقیف کرد. دولت آمریکا هم که متعهد به جمع‌آوری اطلاعات و ارائه آنها در زمینه اموال مذکور بوده، به لطایف الحیل طفره رفته است. البته اگر نویسنده مقاله و یا هر کس دیگری بتواند در این زمینه، اطلاعات دقیق و موثق در اختیار مسئولان ذی‌ربط قرار دهد، هیچ‌گونه مانع قانونی جهت مبادرت به اقدامات اجرایی وجود نخواهد داشت.

۴- انتقاد شده که پذیرش حساب تضمینی شماره ۲، جهت تضمین احکام دیوان داوری لاهه، سبب خواهد شد که ایران میلیاردها دلار وجوه خود را به حساب مزبور ریخته، از آن طریق به جیب سرمایه‌داران آمریکایی بریزد. حال ملاحظه کنید در عمل چه اتفاقی افتاده است. از بهمن ۱۳۵۹ تاکنون (حدود یازده سال) کل پرداخت ایران بابت دعاوی شرکت‌های آمریکایی ۱/۷۸۹/۵۵۸ میلیارد دلار بوده است (آمار چند ماه قبل). این در حالی است که کلیه دعاوی مهم خواهان‌های آمریکایی حل و فصل شده و مهم‌ترین دعاوی ایران در مورد پرونده‌هایی نظیر پرونده وزارت دفاع در دستورکار داوری است و به گفته آگاهان، مبالغ معتناهی قطعاً به نفع ایران حکم داده خواهد شد.

۵- یکی دیگر از انتقادات وارده به بیانیه، پرداخت صدها میلیون دلار به ایرانیان فراری به‌عنوان داشتن تابعیت مضاعف بابت دعاوی آنها بوده است. در این مورد باید اذعان کرد که به دلیل مشکلات کارشناسی در هنگام مذاکرات، تصور نمی‌رفت که امکان سوء برداشت از تعریف کلمه تبعه داشته باشد. به هر حال، باید دید در عمل و اجرا، به‌رغم جنجال‌های صورت‌گرفته، کار به کجا کشیده است. اولاً دیوان داوری مسئله تابعیت غالب و مؤثر را در قبال تابعیت مضاعف مطرح و تصویب کرده است و به این ترتیب، تقریباً همه ایرانیان فراری در جریان انقلاب اسلامی از طرح دعوا علیه ایران محروم شده‌اند، مگر خانواده‌هایی که از سال‌ها قبل از انقلاب تبعه آمریکا بوده‌اند و رئیس خانواده در جریان انقلاب فرار کرده است. ثانیاً، تعداد دعاوی مطرح شده در این زمینه ۱۲۲ مورد بوده که تا چند ماه قبل، ۳۱ مورد آن با ۱۵۲ میلیون دلار ادعا فقط با پرداخت کمتر از یک میلیون دلار مختومه شده است. بقیه پرونده‌ها نیز در دست رسیدگی است و استرداد دعاوی مطروحه از طرف چنین خواهان‌هایی همچنان ادامه دارد. به‌طوری که ملاحظه می‌شود، با پایان کار داوری، ایران نه تنها تمام وجوه، اموال

۴۶۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

و دارایی‌های خود را از آمریکا خارج و مطالبات و وجوه کالاهای ممنوع‌الصدور از آمریکا را نیز دریافت خواهد کرد، بلکه مبلغ دریافتی بابت دعاوی علیه آمریکا احتمالاً بیش از میزان پرداخت ما بابت ادعاهای خواهان‌های آمریکایی خواهد بود (ان‌شاءالله و با کوشش دولت و دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی). حق درخواست حکم توقیف برای اموال شناخته‌شده شاه و بستگانش در حوزه قضایی آمریکا، به‌طور دائمی برای ایران باقی خواهد ماند. تعهد آمریکا مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی ایران، و لو بر روی کاغذ نیز به قوت خود باقی خواهد ماند، که مجموعه دستاوردهای فوق را می‌توان پیروزی بزرگی برای یک کشور جهان‌سومی و افتخاری برای دولت شهید رجایی دانست. گذشته از نتایج فوق، اقدام دولت شهید رجایی در حل‌وفصل این معضل بزرگ، بسیار شجاعانه و فداکارانه بوده و نباید اجازه داد که پس از حل معما، لب‌گود نشسته و بدون اطلاع از جزئیات امور، فرصت‌طلبانه از این عمل انتقاد کرد. در خاتمه مقاله، توصیه می‌شود کسانی که قصد مطالعه و تحقیق در مورد علل و چگونگی حل‌وفصل مسئله گروگان‌ها و اختلافات مالی و حقوقی ایران و آمریکا را دارند، نسبت به مجموع حوادث و اتفاقات احاطه پیدا کرده و به کلیه مدارک و مستندات مربوط مراجعه کنند.

در غیر این صورت، جوسازی‌ها و هو و جنجال‌های سیاسی که پس از آزادی گروگان‌ها، به انگیزه‌های مختلف علیه بیانیه و دولت شهید رجایی صورت گرفت، بر کارهای تحقیقاتی و علمی نیز سایه خواهد افکند. در این مورد، مراجعه به صورت جلسات کمیسیون بررسی مسئله گروگان‌ها، صورت جلسات مذاکره با هیئت‌های الجزایری، مذاکرات و جلسات متعدد هیئت وزیران، صورت مذاکرات مجلس شورای اسلامی، آگاهی از مواضع امام (ره) و سران سه قوه در آن زمان، ضرورت تام دارد، که ان‌شاءالله همان‌طور که قبلاً عرض شد، بنده در صورت تصویب مقامات ذی‌ربط، به زودی به انتشار آن همت خواهد گماشت.

من الله التوفیق و علیه التکلان.

[پی‌نوشت‌های این مقاله]:

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۶۳

۱- در اینجا نقل یک ماجرای تاریخی ضروری است. طی مذاکرات مربوط به بیانیه، باهیئت الجزایری، از آنجا که تحقق کامل شروط چهارده گانه مجلس و سپس آزادی گروگان‌ها مستلزم سال‌ها مذاکره بود، دولت ایران در مرحله اول به طرف آمریکایی پیشنهاد کرد که به اندازه مجموعه ادعاهای ایران از آمریکا در خصوص اموال و دارایی‌های بلوکه شده کشور و شاه، مبلغی معادل ۲۴ میلیارد دلار در حساب بانک مرکزی الجزایر واریز کند و گروگان‌ها را فوراً تحویل بگیرد و طرفین پس از آزادی گروگان‌ها در مورد حل و فصل مسائل اقدام کنند. این پیشنهاد به طور رسمی و کتبی به طرف آمریکایی از طریق الجزایر ابلاغ شد. پیشنهاد مزبور، مورد مخالفت دولت آمریکا واقع شده و جوسازی‌های وسیعی توسط دولت مذکور علیه آن در وسایل ارتباط جمعی برپا و ادعا شد که دولت ایران بابت آزادی هر گروگان مبلغ فلان میلیون دلار باج می‌خواهد. در داخل کشور نیز یکی از اعضای دولت موقت در گفتگوی تلفنی با احمد عزیزی، دبیر وقت کمیسیون مربوطه در نخست‌وزیری، گفته بود: مگر اینها دیوانه هستند (منظور دولت شهید رجایی)، مگر می‌شود چنین پیشنهادی را به آمریکا قبولانند! (نقل به مضمون). همزمان با همین اظهارات، به طور تقریبی نیز یکی از سران دولت موقت که عضو شورای انقلاب نیز بوده، به دیدار امام (ره) می‌رود. امام (ره) دو بار در دو دیدار پیاپی با شهید رجایی و بنده، در همان روزها، دیدار مزبور را به شرح زیر نقل فرمودند: «... آقای دکتر سجایی به دیدار من آمد و در حالی که در همین کنار در ایستاده بود - اشاره به در ورودی اتاق - و اشک می‌ریخت، گفت: «اینها (منظور شهید رجایی) اعتقاد به حل مسئله گروگان‌ها ندارند و کارشکنی می‌کنند. تو را به خدا گروه دیگری را مأمور این کار بفرمایید ...» (نقل به مضمون). حضرت امام، پس از نقل اظهارات نام‌برده، از شهید رجایی و بنده خواستند با تمام توان و در کوتاه‌ترین زمان جهت حل مسئله اقدام کنیم. پس از دیدار نخست، بنده خدمت شهید رجایی عرض کردم: «مرا از مسئولیت مذاکرات معاف کنید؛ چرا که با توجه به موضع بنده در مورد مسئله (مخالفت با آزادی بدون محاکمه گروگان‌ها)، همیشه اتهاماتی نظیر اتهامات فوق می‌تواند مطرح شود. اگر کار مذاکرات به بن‌بست بکشد - چنانچه در زمان بیان همین مطالب چنین شده بود - خواهند گفت: دولت چون اعتقاد نداشته کارشکنی کرده است

۴۶۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

و حتی شاید امام هم این ادعا را را بپذیرد. لحن حضرت امام در هر دو ملاقات طوری بود که گویا می‌خواستند به ما تفهیم کنند که مبادا در حل مسئله اهمال و یا کارشکنی بشود. تعریف داستان ملاقات با دکتر سبحانی، آن هم دو بار و در دو ملاقات مؤید این برداشت است. اگر بخواهیم به هر قیمت که شده کار به بن‌بست نکشد، ممکن است ناچار به اتخاذ موضعی شویم که مطلوبمان نیست...». شهید رجایی با درخواست بنده به شدت مخالفت کرده و گفت: «اعتقاد به ولایت فقیه، عشق به نظام و فداکاری در راه جمهوری اسلامی، یعنی همین» (نقل به مضمون). نقل ماجرای تاریخی فوق از آن جهت بود که شرایط دولت و مواضع مخالفان بعدی بیانیه، پیش از امضای بیانیه الجزایر روشن شود. لازم به تذکر است که بنده مطالب فوق را در جلسه رسمی و غیرعلنی مجلس شورای اسلامی در اواخر سال ۱۳۵۹، یعنی در زمان حیات حضرت امام و شهید رجایی نقل کرده و در بایگانی مجلس شورای اسلامی موجود است؛ بنابراین، کسی نمی‌تواند در صحت آنها تردید و یا القای شبهه کند.

۲- متأسفانه تا چندی پیش اعلام جرم مزبور هنوز در قوه قضائیه مطرح بوده و آخرین بار در سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ بنده برای مشورت در مورد نحوه شروع بازپرسی در مورد پرونده مزبور به دادسرای عمومی تهران دعوت شد و به‌رغم اعلام آمادگی، به دلایلی که از آن بی اطلاع است بازپرسی نشد. در حال حاضر نیز از وضع پرونده فوق بی‌خبر است.

۳- شرح ملاقات فوق نیز در جلسه رسمی و غیرعلنی اواخر ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی، یعنی در زمان حیات امام و شهید رجایی، از پشت تریبون نقل و در بایگانی مجلس شورای اسلامی موجود است؛ فلذا از طرف هیچ فرد یا مرجعی قابل انکار نیست.

۴- پس از فرار بنی‌صدر، رئیس جمهور وقت، دیگر غیرعلنی ماندن مذاکرات جلسه مزبور وجهی نداشت. علت در خواست بنده برای جلسه غیرعلنی این بود که نمی‌خواست مطالبی را که ممکن است به تضعیف رئیس جمهور وقت منجر شود، علناً باز گو کند، ولی متأسفانه به رغم درخواست‌های مکرر حقیر - یعنی درخواست‌کننده جلسه غیرعلنی که تمام مدت را هم فقط خود صحبت کرده است - نه تنها مذاکرات

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۶۵

مزبور از طرف مجلس منتشر نشد، بلکه حتی در اختیار بنده هم به طور کامل قرار نگرفت. امید است مجلس محترم در این مورد اقدام لازم به عمل آورد.

۵- ان شاء الله صورت مذاکرات مزبور در صورت کسب مجوزهای لازم به زودی در اختیار آن مجله قرار خواهد گرفت.

۶- پس از امضای بیانیه الجزایر، بنی صدر و یارانش تلاش زیادی داشتند که برای تضعیف جناح مقابل خود اقدامات انجام شده را غیرقانونی و حتی خائنانه وانمود کند و چون بنی صدر در آن زمان رئیس جمهور قانونی کشور بود، جوسازی هایش بر افکار عمومی جامعه، که به رئیس جمهور اسلامی - نه شخص بنی صدر - اعتماد داشتند، مؤثر واقع می شد. از طرفی بنی صدر تلاش می کرد، حال که توانسته تا حدودی افکار عمومی را در جهت اهداف خویش آماده کند، دخالت حضرت امام نیز در مسئله آزادی گروگان ها - که او خیانت می نماید - کشف نماید و امام را نیز همراه پیروان راستینش آماج حملات و اتهامات ناجوانمردانه قرار دهد. شاهد این مدعا، مکالمات بین بنی صدر و شهدای گرانقدر، بهشتی و رجایی در جنب یکی از جلسات شورای عالی دفاع است. در جلسه مذکور، شهید بهشتی به بنی صدر متذکر می شود که حضرت امام در جریان مسئله حل و فصل آن بوده و آن را تأیید می کند. بنی صدر بلافاصله اعلام می کند: «پس چرا این را به مردم اعلام نمی کنید؟». وقتی این مکالمات توسط شهید رجایی نقل شد، به بنده توصیه نمود که از هیچ احدی و خصوصاً حضرت امام در این مبارزه نباید خرج کرد. بنده پاسخگویی به تمام اتهامات را برعهده گرفت. به همین دلیل هیچ یک از موارد فوق و حتی مصوبه دولت در مورد بیانیه الجزایر با مردم مطرح نشد و تا به حال نیز بنده در جایی مطرح نکرده است.

۷- به نقل از: یادداشت شهید رجایی در دفتر یادداشت روزانه.

۸- مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹، ص ۵۹۵.

۹- همان.

۱۰- همان.

۱۱- البته، ممکن بود دولت ایران در مذاکرات موضع غیرقابل انعطافی اتخاذ کرده و اعلام کند که مسئله فوق، مسئله آمریکاست و آنها خود باید راه حلی پیدا کنند و دولت

۴۶۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایران پاسخگوی هیچ ادعایی از سوی اتباع آمریکایی نیست. به دلایل زیر موضع گیری مزبور صحیح نبود: ۱- خلاف حق و منطقی بود که اگر ادعای منطقی و غیرمرتبط با گروگان‌گیری و حوادث انقلاب اسلامی از طرف یک خواهان و لو آمریکایی مطرح گردد و به آن توجه نشود. دولت آمریکا هیچ راه‌حلی نمی‌توانست داشته باشد. رئیس جمهور آمریکا بدون پیش‌بینی مکانیسمی جهت جایگزینی دادگاه‌های آمریکا، قادر به ختم دعاوی و فسخ احکام توقیف صادره نبود. اتخاذ چنین موضعی بدون تردید مذاکرات را به بن‌بست می‌کشاند و ادامه بحران گروگان‌ها به زمان ریاست جمهوری ریگان کشانده می‌شد که خواست هیچ مرجع و نهادی نبود. ۲- در صورت اتخاذ چنین موضعی، دولت ایران در آن زمان و در آینده از طرح دعاوی مشابه نسبت به آمریکا محروم می‌شد که معلوم نیست چندان به نفع ما تمام می‌شد (با توجه به دعاوی بزرگ ایران در داوری مرضی‌الطرفین که شاید بهترین مرجع رسیدگی باشد).

۱۲- نگاه کنید به: مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ که در آنجا صریحاً همین مطلب از طرف این‌جانب به اطلاع مجلس رسانده شده و فلسفه لایحه حل‌وفصل دعاوی هم همین نکته بوده و صریحاً در جلسه مطرح گردید.

۱۳- مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۴ زمستان ۱۳۶۹، ص ۵۹۸.

۱۴- بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی در ماده [؟] آمریکا می‌بایست تعهد می‌کرد که «از این پس» در امور داخلی ایران دخالت نکند. عبارت «از این پس» مفهوم پذیرش مداخله قبلی را داشت و آمریکا در مقابل این عبارت، عبارت «سیاست آمریکا بر این بوده و خواهد بود که در امور داخلی ...» را پیشنهاد کرد که با مخالفت طرف ایرانی روبه‌رو شد و بالاخره پس از مذاکره سخت و طولانی طرفین بر روی جمله فوق‌الذکر، توافق کردند که اولاً عدم مداخله در گذشته را تصریح نکرده و ناظر به زمان حال است و ثانیاً عبارت «از این پس» هم در آن وجود دارد.

۱۵- گزارش شهید رجایی به جلسه علنی مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی، صفحه ۳۱ (پیوست شماره ۴).

۱۶- مجله سیاست خارجی، سال ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹، ص ۵۹۸.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۶۷

۱۷- صفحه ۳۱ و ۳۲ گزارش شهید رجایی به مجلس شورای اسلامی (پیوست شماره ۴) متأسفانه به نظر می‌رسد نویسنده مقاله چون بنده را مسئول بیانیه الجزایر می‌داند تمام استنادات خود را به اظهارات این‌جانب [مستند] کرده است؛ حال آنکه اظهارات فوق‌الذکر شهید رجایی در گزارش رسمی به مراتب از مطالب طرح‌شده توسط این‌جانب در یک مصاحبه غیررسمی قابل استنادتر است؛ آن هم برای محقق که کار علمی و آکادمیک می‌کند.

۱۸- میزان امتیازی که انقلابیون مسلمان لبنان بابت گروگان‌گیری اتباع آمریکایی و اروپایی گرفته و یا خواهند گرفت، مؤید ادعای شهید رجایی است.

۱۹- گزارش شهید رجایی به جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در ۱۳۵۹/۱۱/۶، صفحه ۳۲ (پیوست شماره ۴).

۲۰- مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹؛ ص ۶۰۰.

۲۱- همان، ص ۶۰۱.

۲۲- همان.

۲۳- همان.

۲۴- همان.

۲۵- لازم به توضیح است که حتی سال‌ها بعد پیشنهاد حل و فصل کلی و یک‌جای اختلاف موجود در بیانیه و داوری که چارچوب آنها دقیقاً مشخص بود به دلیل نیاز به مذاکره مستقیم - در سطوح پایین‌تر از وزیر و در چارچوب ارتباطی که با آمریکا در داوری لاهه وجود دارد - مورد تأیید مسئولان عالی‌رتبه کشور قرار نگرفت.

۲۶- لازم به تذکر است که برای حل و فصل یک دعوی بسیار کوچک‌تر که تمام ابعاد آن مشخص بوده و بین یک شرکت ایرانی و رومانیایی مطرح بود (تراکتور سازی) خوانندگان و شاید نویسنده خود شاهد سؤالات متعدد از دو وزیر در مجلس شورای اسلامی و اعلام جرم عده‌ای از نمایندگان علیه این‌جانب وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بوجه وقت و تعدادی از همکاران بنده در سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت تراکتورسازی ایران بوده‌اند که پس از سال‌ها بازپرسی و رفت و آمد به دادسرای عمومی تهران، بالاخره حکم براءت به دلیل عدم وقوع بزه برای پرونده مزبور صادر شد.

۴۶۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲۷- لازم به توضیح است که با توجه به مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جریان بحث درباره لایحه دولت پیرامون ارجاع به داوری ملاحظه خواهد شد که حتی یک بار در طول مذاکرات بحث «حل و فصل کلی و یکجا» توسط هیچ یک از نمایندگان محترم مطرح نشد و در خارج از مجلس هم کسی چنین پیشنهادی را ارائه نداد.

۲۸- بارها در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها شرط رابطه با آمریکا آزاد شدن اموال و دارایی‌های ما ذکر شده است، حال آنکه عمده اموال و دارایی‌ها تا به حال وصول شده و عمده باقی مانده اموال نظامی است. تجربه کشورهای مختلف و انقلابات نشان می‌دهد که تا روابط دوستانه (در واقع وابستگی به آمریکا) نداشته باشیم، احتمالاً قابل دریافت نیست. گرچه باید تمام تلاش خود را برای استیفای این حقوق قانونی به کار گیریم که البته آمریکا حداقل در حرف اظهار می‌دارد که حاضر است وجوه مربوط به تسلیحات را پرداخت کند.

۲۹- شعار آن روز منافقان بر در و دیوار «رابطه محاکمه سعادت با آزادی گروگان‌ها» که هدف نشان دادن نوعی معامله با آمریکایی‌ها بود. طبیعی است که در چنان جو مسمومی تصریح بر تحویل سلاح‌های خریداری شده به ایران در بیانیه به جو مزبور دامن می‌زد و لذا دولت ترجیح داد که در این مورد تصریحی نشود. ضمن اینکه لفظ «اموال و دارایی‌ها» شمول عام دارد و در بیانیه آنها تصریح شده است.

۳۰- تعداد ۹۱ دعوای دیگر با رقم کل ۲/۹ میلیارد دلار خواسته (۹۰ مورد با ۱/۷ میلیارد دلار و یک خواسته با ۱/۱ میلیارد دلار) مطرح است.

نامه دکتر یزدی به رئیس مجلس در اعتراض به سخنان آقای بهزاد نبوی -

۱۳۶۰/۳/۵

چون سخن به این موضوع رسید لازم می‌دانم یادآوری کنم در روزی که مجلس به تقاضای آقای بهزاد نبوی، درباره بیانیه‌های الجزایر و آزادی گروگان‌ها جلسه غیرعلنی برگزار کرد، آقای نبوی در سخنانش مطالبی گفت که توهین و اتهام غیرمستقیم به من بود. من در آن جلسه، تذکر آیین‌نامه‌ای دادم و درخواست وقت برای پاسخگویی کردم

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۶۹

که رئیس مجلس، با آنکه اعتراض را وارد می‌دانست، پاسخگویی مرا به جلسه دیگری حواله داد و پس از آن نیز هیچ فرصتی در مجلس به من داده نشد تا به آن اتهامات پاسخ بگویم؛ از این رو، طی نامه‌ای به رئیس مجلس، به این موضوع اعتراض کردم.

«ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

همان‌طور که مسبقاً هستید سخنگوی دولت، آقای بهزاد نبوی در جلسه غیرعلنی و رسمی مجلس که به درخواست خود ایشان تشکیل شده بود، به جای توضیح درباره اجرای مصوبات مجلس در مورد آزادی گروگان‌ها به مسائل جانبی پرداخت و در ضمن به برخی از نمایندگان توهین و نسبت‌های ناروا داد؛ از جمله مطالبی را تلویحاً به این‌جانب نسبت دادند که درست نبود. این‌جانب در همان جلسه اعتراض کردم و به‌موجب ماده ۶۶ آیین‌نامه، درخواست وقت برای پاسخگویی را نمودم. جناب‌عالی هم موافقت فرمودید و آن را به جلسه بعد موکول ساختید. با وجودی که دو بار در این مورد به جناب‌عالی تذکر داده‌ام، متأسفانه اقدامی نفرموده‌اید. رئیس مجلس در اداره جلسات باید رعایت بی‌طرفی و عدالت را بنماید. طرز عمل جناب‌عالی اشخاص را وادار می‌کند که در جلسات بدون رعایت مقررات، حق خود را مطالبه کنند. من مجدداً حق خود را مطالبه و درخواست فرصت برای ادای توضیحات را دارم. با تشکر. یزدی - ۱۳۶۰/۳/۵».

تشکیل دیوان بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا

رادیو آمریکا، ساعت ۳۰:۲۰ روز ۱۳۶۰/۷/۲۸: روزنامه نیویورک تایمز در آستانه تشکیل دادگاه رسیدگی به دعاوی ایران و آمریکا در شماره امروز خود گزارشی منتشر ساخته که نکات برجسته آن را اینک به آگاهی شما می‌رسانیم.

دیوان بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا دست‌کم با دو هزار و پانصد عرض‌حال شرکت‌های آمریکایی علیه رژیم جمهوری اسلامی روبه‌روست که ارزش خسارات مورد ادعا به بیش از هزار میلیون دلار سر می‌زند. این بزرگ‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مراحل داوری و حکمیت در مورد اختلافات مالی میان دو کشور است که تاکنون جهان به یاد دارد. پیش از این برای حکمیت درباره دعاوی متفقین

۴۷۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

جنگ جهانی دوم علیه آلمان، یک دیوان بین‌المللی داوری به وجود آمد که با محکومیت آلمان به پرداخت غرامت به متفقین به کار خود پایان داد، اما به گفته قاضی سوئدی که ریاست دیوان بین‌المللی داوری را برای حکمیت میان ایران و آمریکا بر عهده دارد، پیچیدگی‌های داوری اخیر و تعداد دعاوی قانونی به مراتب سخت‌تر و بیشتر از وظایفی است که به دیوان داوری جنگ جهانی دوم محول شده بود. دیوان بین‌المللی داوی برای حکمیت میان ایران و آمریکا در اجرای موافقتنامه آزادی گروگان‌های آمریکایی به وجود آمده است که به موافقتنامه الجزایر شهرت دارد. به موجب این توافقنامه، معادل هزار میلیون دلار دارایی‌های ایران که قبلاً در آمریکا و تا زمان آزادی گروگان‌ها مسدود شده بود، به یک حساب سپرده تضمینی در بانک مرکزی هلند منتقل شده است تا پس از رسیدگی به دعاوی قانونی شرکت‌های آمریکایی علیه رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان غرامت به شرکت‌های آمریکایی پرداخت شود. رژیم اسلامی تعهد کرده است در صورتی که بر اساس رأی دیوان بین‌المللی داوری موجودی این حساب تضمینی برای پرداخت غرامت تکاپو نکند و یا میزان آن به سطحی کمتر از پانصد میلیون دلار کاهش یابد، مابه‌التفاوت را جبران کند. به نحوی که تا پایان کار دیوان حکمیت، همواره معادل هزار میلیون دلار در این حساب تضمینی وجود داشته باشد. دیوان بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا از نه عضو تشکیل می‌شود. سه وکیل برجسته دادگستری از نیویورک، ویرجینیا و لس آنجلس که در امور داوری بین‌المللی سابقه زیادی دارند، به‌عنوان اعضای هیئت نمایندگی آمریکا برگزیده شده‌اند. رژیم جمهوری اسلامی نیز آقایان محمود کاشانی فرزند ۳۸ ساله آیت الله کاشانی، سید حسین هدایت، دستیار حقوقی ۳۴ ساله وزارتخانه و شفیع شفیعی، قاضی ۴۵ ساله دادگستری را به‌عنوان اعضای هیات نمایندگی خود تعیین کرده است. سه عضو دیگر دیوان بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا، مرکب از دو قاضی برجسته سوئدی و یک قاضی فرانسوی است. رئیس دیوان بین‌المللی برای حکمیت میان ایران و آمریکا گفت این دیوان تنها به داوری شرکت‌ها و افرادی رسیدگی می‌کند که پیش از سر کار آمدن رژیم اسلامی، اموال آنها را مصادره کرده و یا از ادامه کارشان جلوگیری به‌عمل آورده است. به گفته

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۷۱

وی دعاوی بانک‌های آمریکایی در مورد وام‌هایی که قبلاً به ایران پرداخته‌اند و رژیم اسلامی از بازپرداخت آنها سر باز زده است، فعلاً در دیوان بین‌المللی داوری مطرح نخواهد شد. برای این منظور حساب جداگانه‌ای در بانک مرکزی انگلستان گشایش یافته است که معادل ۴۰۰ میلیون دلار از دارایی‌های ایران در آن نگهداری می‌شود و طبق موافقتنامه الجزایر، جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. به پیش‌بینی رئیس بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا، کار این دیوان دست‌کم دو سال طول خواهد کشید. با این حال به گفته وی پاره‌ای اختلافات حل نشده، ممکن است زمان داوری را طولانی‌تر سازد. رژیم اسلامی ایران درباره نحوه پرداخت هزینه‌های داوری و همچنین درباره میزان بهره و نزولی که باید در مدت نگهداری وجه تضمینی در حساب سپرده به این حساب تعلق گیرد، هنوز با مقام‌های آمریکایی به توافق نرسیده است.

نخستین مرحله کار دیوان بین‌المللی برای حکمیت درباره اختلاف‌های مالی ایران و آمریکا هفته گذشته آغاز شد

رادیو صدای آمریکا، ساعت ۳۰:۲۰ - ۱۳۶۰/۸/۳

به نقل از: نشریه ویژه ۲۱۹ خبرگزاری پارس ۱۳۶۰/۸/۳

نخستین مرحله کار دیوان بین‌المللی برای حکمیت درباره اختلاف‌های مالی ایران و آمریکا هفته گذشته با پذیرش دعاوی شرکت‌های آمریکایی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران آغاز شد. «روزنامه کریستین ساینس مانیتور» به نقل از خبرنگار خود در لاهه درباره نخستین روز پذیرش این دعوا، گزارشی منتشر ساخته است که نکات مهم آن را به آگاهی شما شنوندگان عزیز می‌رسانیم.

در نخستین روز گشایش دیوان بین‌المللی داوری برای حکمیت میان ایران و آمریکا، وکلای شرکت‌های آمریکایی که برای تسلیم مدارک و طرح شکایت علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران به لاهه سفر کرده‌اند، ناگزیر از تشکیل صف و گرفتن نمره شدند. تقریباً هر ساعت یک بار درهای بزرگ و چوبی دیوان بین‌المللی داوری باز می‌شد و منشی دیوان یکی از وکلا را به سالن پذیرش دعاوی راهنمایی می‌کرد. دیوان

۴۷۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

بین‌المللی داوری تا روز نوزدهم ژانویه سال ۱۹۸۲ یعنی تا حدود نود روز دیگر دعوی شرکت‌های آمریکایی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران را خواهد پذیرفت. پیش‌بینی می‌شود دست‌کم سه هزار پرونده و عرض‌حال تأمین خسارت علیه رژیم اسلامی به دیوان بین‌المللی داوری تقدیم گردد. این بزرگ‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مراحل داوری است درباره اختلافات مالی در سطح بین‌المللی. اگر آرای دیوان بین‌المللی داوری مبنی بر محکومیت ایران صادر گردد، رژیم جمهوری اسلامی باید میان سه تا چهار هزار میلیون دلار به شرکت‌های آمریکایی خسارت بپردازد. دعوی شرکت‌های آمریکایی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران متعدد و گوناگون است؛ مثلاً «شرکت زیراکس» خود را معادل ۸۴ میلیون دلار از رژیم اسلامی طلبکار می‌داند؛ زیرا اموال و تأسیسات این شرکت در ایران ملی شده است. یک شرکت دیگر به نام «سیدکو» بابت از دست دادن وسایل و تجهیزات ساختمانی و حفاری که در ایران داشته است، تقاضای ۱۷۵ میلیون دلار خسارت کرده است. شرکت «جنرال تلفن و الکترونیک» معروف به «جی ای تی» بابت بدهی‌های پرداخت نشده یکصد میلیون دلار خسارت خواسته است. علاوه بر شرکت‌های بزرگ، از سوی افراد نیز علیه رژیم اسلامی به دیوان بین‌المللی داوری شکایت شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان از عرض‌حالی یاد کرد که توسط یک وکیل ساکن میامی به نمایندگی از سوی یک آمریکایی ایرانی تبار تسلیم شده است و به خاطر مصادره املاکش توسط رژیم اسلامی ۵۲۵ میلیون دلار خسارت خواسته است. هنوز روشن نیست چند شرکت و چند نفر از اتباع آمریکا علیه رژیم اسلامی به دیوان بین‌المللی داوری شکایت خواهند کرد، اما یکی از اعضای این دیوان پیش‌بینی می‌کند که تعداد شکایات به مرز ۳۰۰۰ خواهد رسید. به گفته او در حدود ۲۲۰۰ شکایت مربوط به شرکت‌ها و افرادی خواهد بود که خسارت مورد ادعای آنها در هر مورد کمتر از ۲۵۰ هزار دلار است، اما مورد ادعای ۸۰۰ شکایت دیگر چندین میلیون و حتی چند صد میلیون دلار است.

تخلفات آمریکا از بیانیه‌ها

احمد عزیزی، مسئول دفتر هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر، موارد تخلف آمریکا از مفاد بیانیه الجزایر را اعلام کرد.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۷۳

احمد عزیزی در گفتگویی اعلام کرد: دولت آمریکا در اجرای مفاد بیانیه الجزایر در مواردی به نحو مطلوب عمل نکرده و در مواردی نیز تخلف کرده است. وی افزود: در حالی که دفتر هماهنگی و اجرای بیانیه الجزایر در نخست‌وزیری مشغول جمع‌آوری و طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به مطالبات وزارتخانه‌ها و موسسات ایرانی از دولت و اتباع آمریکا است و رسیدگی به دعاوی ایران علیه آمریکا توسط کمیته دعاوی مالی و حقوقی بین‌المللی در جریان است و به‌طور کلی بررسی و طبقه‌بندی دعاوی دولت و اتباع آمریکا علیه ایران مراحل نهایی خود را طی می‌کند و علی‌رغم اقداماتی که دولت آمریکا برای اجرای بیانیه به عمل آورده، از قبیل درخواست از دادگاه‌ها برای تعلیق دعاوی و لغو احکام توقیف برای اموال ایران و استرداد شکایت از دیوان لاهه، چنین به نظر می‌رسد که این دولت در مواردی به نحو مطلوب عمل نکرده و یا اینکه در اجرای مفاد بیانیه تخلف کرده است.

احمد عزیزی افزود: در رابطه با این موارد از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران خواسته شد که طی یادداشتی از طریق دولت الجزایر، اعتراض لازم را در این موارد به عمل آورده و مراتب را پیگیری کند. این موارد به شرح زیر است:

۱- براساس بیانیه دولت الجزایر ایالات متحده موظف است، ظرف شش ماه از تاریخ صدور بیانیه با فراهم کردن شرایط رفع توقیف از کلیه اموال و دارایی‌های ایران جهت انتقال کلیه این اموال و دارایی‌ها به ایران اقدام نماید. به نظر این دفتر، آمریکا در این زمینه، سرعت عمل و حسن نیت لازم را تاکنون نشان نداده است.

۲- علی‌رغم امضای بیانیه الجزایر، اتباع آمریکا در محاکم اروپایی و آمریکایی علیه ایران طرح دعوا نموده و یا دعاوی سابق خود را به نحو فعال پیگیری می‌کنند. دولت آمریکا می‌بایست هرچه سریع‌تر از این قبیل اقدامات جلوگیری کند.

۳- دولت آمریکا علی‌رغم تعهد صریح خود در بند ۱۳ بیانیه الجزایر مبنی بر جمع‌آوری و ارائه اطلاعات موجود نزد اشخاص مقیم در حوزه قضایی آمریکا، در رابطه با اموال شاه معدوم و خانواده وی به ایران کوتاهی کرده و آن را موکول به اقامه دعوا و ابلاغ قضایی از طرف ایران نموده است.

۴۷۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- دولت آمریکا علی‌رغم تعهد صریح خود در مفاد ماده ۲ و ۳ بیانیه الجزایر مبنی بر استرداد کلیه اموال و دارایی‌های ایران، به جای استرداد تجهیزات نظامی متعلق به ایران، پیشنهاد استرداد وجوه مربوطه را به ایران نموده است که این موضوع به هیچ وجه نمی‌تواند قابل پذیرش باشد. مؤسسات ایرانی در چهارچوب شرایط بیانیه الجزایر آمادگی مذاکره برای حل و فصل ادعاهای دو طرف را دارند.

احمد عزیزی، سپس گفت: همچنین از وزارت خارجه خواسته شده که ایران از طریق سفارت الجزایر به دولت آمریکا اعلام کند که: ۱- آمریکا باید فهرست ادعاهایی را که موضوع ادعا کمتر از ۲۵۰ هزار دلار است به انضمام خلاصه‌ای از مدارک و مستندات مربوطه، برای دولت ایران ارسال دارند. ۲- در مورد اقلام بیش از ۲۵۰ هزار دلار، مدعیان آمریکایی بایستی خلاصه دقیق و واقعی مطالبات و دلایل خود را به طرف‌های مستقیم ایرانی و کمیته دعاوی مالی و حقوقی بین‌المللی مستقر در بانک مرکزی ارسال دارند. ۳- داورهای ایرانی که در هیئت حاکمه بین‌المللی شرکت خواهند کرد، حداکثر ظرف سه روز آینده از طرف ایران تعیین خواهند شد. به‌منظور حل و فصل سریع‌تر موارد ادعاهای ایران علیه آمریکا و ادعاهای آمریکا علیه ایران، با افزایش تعداد داوران براساس شرایط بیانیه موافقت گردیده است. لازم به یادآوری است که دولت آمریکا هنوز داوران خود را انتخاب نکرده است (روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۱/۲۶).

اظهارنظرها پس از آزادی گروگان‌ها

تمام نقل قول‌ها از «روزنامه میزان» است:

دکتر ابوالحسن بنی‌صدر: «وقتی مسئول امر شدم (مسئول وزارت امور خارجه) پیشنهادی به شورای انقلاب از سوی یکی از سفرا رسید که آمریکا آماده است در ازای آزادی گروگان‌ها شاه را اخراج و اموال او را به دولت ایران بدهد» (روزنامه میزان، ۱۰ آذر ۱۳۵۸).

نیویورک تایمز (هنگام سفر نخست‌وزیر^۱ به نیویورک): «دولت آمریکا از کورت والداهیم دبیرکل سازمان ملل خواست تا موضع آمریکا را در قبال مسئله گروگان‌ها به

۱. محمدعلی رجایی.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۷۵

اطلاع دولت رجایی برساند. دولت آمریکا مقدماتاً به خواست خود برای ازسرگیری کار کمیسیون سازمان ملل در مورد ایران ادامه می‌دهد. ایالات متحده، والدهایم را مطلع کرده است که به‌عنوان قسمتی از یک موافقتنامه درباره آزادی گروگان‌ها، ایالات متحده حاضر است تحریم اقتصادی خود را علیه ایران لغو کند و بنابراین، ایران خواهد توانست دارایی‌های مسدود و درخواستی را پس بگیرد و مبلغ لازم برای وسایل یدکی آمریکایی را بپردازد».

دکتر ابراهیم یزدی: «نادان همان کاری را می‌کند که عاقل می‌کند منتها بعد از دادن خسارت زیاد» (روزنامه انقلاب اسلامی، ۲ بهمن ۱۳۵۹).

سید علی خامنه‌ای (نماز جمعه ۲۶ دی ۱۳۵۹): «آنچه ممکن بوده است مجلس شورای اسلامی و دولت جمهوری اسلامی در قضیه گروگان‌ها حسن نیت به خرج داده‌اند».

یونایتد پرس (واشنگتن، ۲۵ دی ۱۳۵۹): «آنچه که مقامات آمریکایی آن را نسبتاً امیدوارکننده دیده‌اند پخش یک سری برنامه رادیویی در ایران است که اعلام نموده ایران اکنون با به خاک مالیدن دماغ شیطان بزرگ، در بحران گروگان‌ها موفق شده است که آن‌طور که پیداست مردم ایران را برای پذیرش آزادی ۵۲ آمریکایی آماده می‌کند!».

روزنامه صبح آزادگان (۲۸ دی ۱۳۵۹): «حتی در صورت آزادی گروگان‌ها نیز باز نباید چپ‌روی‌های کودکانه ما را به شعارهای ضد و نقیض بکشاند که در رابطه با مسئله گروگان‌ها ایران انعطاف سازشکارانه‌ای به خرج داده است ... یک نگرش کلی کاملاً روشن می‌کند که علی‌رغم تمامی شیطنتهای آمریکا ... او مجبور شده است که ۱۴ ماه با دستگیری گروگان‌ها شکست را بپذیرد و این شکست مطمئناً تا ابد در تاریخ غرب مثبت خواهد ماند».

روزنامه جمهوری اسلامی (۳۰ دی ۱۳۵۹): «[اگر] به آثار و نتایج مسئله گروگان‌گیری بیندیشیم و بخصوص توجه کنیم که دو نیاز مبرم و اساسی انقلاب یعنی (طرد لیبرال‌ها از مصادر امور و بروز شور انقلابی مردم علیه آمریکا) فقط در صورتی

۴۷۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

در این حد که اکنون تأمین است، ممکن بود تأمین شود که گروگان‌ها در آن زمان آزاد نشوند و زمان لازم برای رسیدن به اهداف مهمی که از این عمل می‌شد به آن دست یافت، بگذارد».

اکبر هاشمی رفسنجانی (در مصاحبه هفتگی ۲۹ دی): «... ما همه راه‌ها را برای اینکه مسئله گروگان‌ها حل شود، باز کرده ایم؛ منتها اصرار ما این است که حقوق ملت ضایع نشود و اگر تا آن روز (آخرین روز حکومت کارتر) آمریکایی‌ها حق را بپذیرند، ممکن است گروگان‌ها آزاد شوند».

روزنامه انقلاب اسلامی (چهارشنبه ۱ بهمن ۵۹): «بانک‌های آمریکایی از این پیشنهاد آقای بهزاد نبوی (پرداخت وام‌های ایران یکجا به آمریکا) استقبال کرده‌اند؛ چرا که به طلب‌های خود می‌رسیدند که در ایران بعد از انقلاب، امیدی به دریافت آنها نداشتند».

بهزاد نبوی (۲۹ دی ۱۳۵۸): «من فکر می‌کنم صد در صد انتظارات ما برآورده شده و پیروزی سیاسی بزرگی به دست آورده‌ایم و به حقوق اقتصادی خودمان هم تا حد امکان رسیده‌ایم».

دکتر سید صادق طباطبایی: یکی از مهم‌ترین و روشن‌ترین اظهارنظرها درباره اشغال سفارت آمریکا، گروگان‌گیری، بیانیه الجزایر و آزادی گروگان‌ها از سوی آقای دکتر صادق طباطبایی، سخنگوی دولت موقت صورت گرفته است. او در سال ۱۳۹۱ طی گفتگویی طولانی با پایگاه اینترنتی «خبر آن‌لاین» برخی از زوایای این موضوع را شکافته است. برای تکمیل مباحث و استدلال‌های مطرح شده، متن کامل این گفتگو را در پیوست ۲ همین فصل آورده‌ام.

پیوست‌ها و یادداشت‌های فصل دوم

پیوست ۱- نامه سرگشاده دکتر حسن آیت به اعضای کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی

«... باز هم این دولت، ملی و قانونی بود!»

صبح یکشنبه، ۲۲ شهریور مجلس شورای اسلامی شاهد یکی از جلسات جنجالی و پرهیجان بود. در این جلسه که پاسخ تهیه شده توسط کمیسیون خارجه در خصوص نامه عده‌ای از نمایندگان کنگره آمریکا مطرح گردید، عده‌ای از نمایندگان بیدار و شجاع آنجا که بحث از سقوط حکومت ملی و قانونی دکتر مصدق شده بود دست به اعتراض زدند. در حقیقت کمیسیون خارجه مجلس نه تنها با آوردن این جمله در متن پاسخ، حقایق تاریخ را نادیده انگاشته بود، بلکه به بسیاری از واقعیات انقلاب اسلامی ما و اینکه امروز «ملی‌گرایی» به گفته امام امت «بر ضد اسلام و هدف‌های داخلی و خارجی این انقلاب است»، پشت پا زدند. چگونه ممکن است حکومت مصدق را با آن همه انحرافات کشنده و نهضت‌شکن، باز هم منبعث از نیروی ملت مسلمان دانست؛ در حالی که امام امت در همین سخنرانی اخیرشان که در حضور شورای عالی قضایی ایراد کردند، اشاره به سیلی‌هایی نمودند که مسلمانان و روحانیت از دکتر مصدق خورده‌اند.

آیا این تناقض نیست که از طرفی دکتر مصدق وابسته و منبعث از ملت مسلمان شناخته شود و از طرف دیگر سیلی زنده به اسلام و روحانیت باشد؟ ملت مسلمان و انقلابی ایران و آنها که حقیقتاً پوینده راه امام امت هستند، عمیقاً اعتقاد دارند که امام امت اشتباه نکرده است و دکتر مصدق با هزار بار شستشو در چشمه زمزم قابل تطهیر و تبرئه از گناهان بزرگی که مرتکب شده است، نیست!

اگر استعمار و عوامل مرموز او با قدرت شیطانی خود تاکنون حقایق وحشتناک توطئه‌ای را که به وسیله دکتر مصدق علیه نهضت ملی ایران رهبری شده است، با مهارت مخفی کرده‌اند و او را به صورت یک فرشته معصوم جلوه داده‌اند، ولی حقایق روز به روز روشن‌تر می‌شود و نور خدا را که می‌خواهند خاموش سازند بر قلب پویندگان راه امام و همان‌ها که خواهان شناخت حقیقت هستند، می‌تابد. من از این

۴۷۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

فرصت استفاده می‌کنم و گوشه‌هایی از این پرده ضخیم را - که استعمار بر تاریخ میهن ما کشیده است - بالا می‌زنم و توجه اهل نظر را به تعمق در آنچه بر این ملت محروم گذشته است، جلب می‌کنم.

امواج خروشان مبارزه مردم مسلمان میهن ما که از شهریور ۱۳۲۰ و به دنبال سقوط نظام استبداد رضاخانی آغاز گردید، با قتل «رزم آرا» آخرین مهره علنی نظام استعماری کهنه به اوج خود رسید. خروج رزم آرا از صحنه سیاست، آخرین امید مقاومت در برابر مبارزه ملت ما را با یأس مواجه ساخت و عوامل استعمار احساس کردند که در مقابل این امواج شکننده، قدرت تحمل ندارند و به همین جهت تاکتیک تهاجمی خود را به یک تاکتیک تدافعی تبدیل کردند. نفت ملی شد و ظاهراً این ملی شدن را به رسمیت شناختند، ولی باطناً دست از هدف‌های استعماری برنداشتند. با توطئه‌های دقیق، عوامل خویش را به درون نهضت وارد ساختند و آنها را به سطوح عالی ارتقا دادند. کار مملکت به جایی رسید که حزب ایران و دکتر شاهپور بختیار در قلب نهضت جای گرفت و در روزهایی که نهضت در اوج پیروزی بود و مردم در خیابان‌ها شعار می‌دادند و خشنود از پیروزی بودند، از رخنه دشمن به کانون نهضت بی‌خبر ماندند. در همین روزهاست که جنگ فرسایشی انگلیس و آمریکا علیه نیروهای اسلامی و آیت‌الله کاشانی و نه بر علیه شخص دکتر مصدق، بلکه با همکاری و همفکری کامل او آغاز می‌شود.

در همین رابطه اشاره به یک سند عجیب، ما را از ادای هرگونه توضیح بیشتری در این زمینه بی‌نیاز می‌سازد. این سند چیزی جز گزارش «لویی هندرسن» سفیر آمریکا در تهران به وزارت خارجه آمریکا نیست و در همان ایام یعنی در تاریخ فروردین سال ۱۳۳۱ (آوریل ۱۹۵۲) در روزنامه‌های فرانسوی «فیگارو» و «اکسیون» منتشر گردید و ترجمه آن در مجله «خواندنی‌ها» شماره ؟ تاریخ ؟ عیناً چاپ شده است. متن این گزارش چنین است:

۱. در متن اصلی نامه دکتر آیت، شماره و تاریخ مجله خواندنی‌ها نیامده، بلکه به جایش علامت سؤال گذاشته است (ویراستار).

«... در گزارش مفصلی که اخیراً لویی هندرسن، سفیر کبیر آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه آمریکا فرستاده، ضمن اظهار ناامیدی از وضع ایران، شخص دکتر مصدق را تجلیل کرد، و احساسات ضد کمونیستی و تمایل او را به همکاری با آمریکا ستوده است. هندرسن در این گزارش نوشته است: دکتر مصدق چه در مورد قبول شرایط بانک بین‌المللی برای حل مسئله نفت ایران و چه درباره قرارداد نظامی ایران و آمریکا حسن نیت به خرج داده و با نظرات آمریکایی‌ها روی موافق داشته است، ولی در این جریان فقط یک عامل مزاحم مداخله کرده و که مانع از حل قضیه به نفع آمریکا شده است. این عامل مزاحم که مانع از تسلیم ایران به نظرات بانک بین‌المللی ایران و ادامه همکاری بین ایران و آمریکا می‌باشد، «آیت‌الله کاشانی» است که به عقیده هندرسن، او برای منافع آمریکا و دول غربی در ایران عنصر خطرناک به شمار می‌آید. به عقیده سفیر آمریکا در تهران و مقامات وزارت امور خارجه آمریکا، دکتر مصدق، هم از نظر عقاید سیاسی و هم از لحاظ نفوذ و وجهه در میان افکار عمومی ایرانیان، مناسب‌ترین شخصیت برای نخست‌وزیری ایران است؛ چون او در جریان تمام ملاقات‌های خود با سفیر آمریکا و فرستادگان بانک بین‌المللی حسن نیت و علاقه خود را به حل کلیه مسائل موجود با آمریکایی‌ها ابراز داشته است، ولی همیشه هنگامی که مذاکرات فی‌مابین به نتیجه‌گیری نزدیک می‌شده، مداخله آیت‌الله کاشانی، نقشه‌های سفارت آمریکا را به هم زده و از حل قضیه نفت و یا تجدید قرارداد نظامی آمریکا با ایران جلوگیری کرده است...».

این گزارش طولانی که قسمتی از آن در اینجا نقل شد، میزان تفاهم مصدق و آمریکایی‌ها و میزان خشم آنها را از رهبری مذهبی نشان می‌دهد و در همین رابطه است که آمریکا تصمیم به خارج کردن آیت‌الله کاشانی از صحنه می‌گیرد و دکتر مصدق برای منحل کردن مجلس، دست به فراندوم می‌زند و وقتی روحانیت و بخصوص آیت‌الله کاشانی با صراحت اعلام می‌کند: «هموطنان و برادران عزیزم ضمن اطلاعیه قبلی از مفاسد و مضار فراندوم شرحی متذکر و همه مستحضر گردیده و توجه دارید که عمل به آنچه ضررهایی برای دیانت و ملت و مشروطیت و مملکت در بر دارد؛ با این حال، دوران خود را دوره انقراض دیانت و اسلام و استقلال مملکت و

۴۸۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

ملت قرار ندهید و طوق رقیّت و اسارت و بندگی را به گردن خود نگذارید. شرکت در فراندوم خانه‌برانداز که با نقشهٔ اجانب طرح‌ریزی شده، مبعوض حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و حرام است...»؛ دکتر مصدق طبق خواستهٔ غربی‌ها با حزب توده متحد می‌شود و همان حزب توده‌ای که مدت‌ها به مصدق دشنام می‌داد، آنچنان به سیاست مصدق پیوند می‌خورد که پس از چندی به‌عنوان تنها پشتیبان و پشتیبان سیاست‌های داخلی مصدق در می‌آید و همین حزب توده در مقام تأیید فراندوم برای تعطیل مجلس، با مصدق همصدا می‌شود و «روزنامهٔ به سوی آینده» ارگان این حزب می‌نویسد: «تنها دشمنان ملت هستند که با انحلال مجلس مخالفت می‌کنند».

و «روزنامهٔ شهباز» ورق‌پارهٔ دیگری از این حزب می‌نویسد: «ما به نام صدها هزار مبارز ضد امپریالیست، موافقت اصولی خود را با انجام فراندوم اعلام می‌داریم». معلوم نیست این صدها هزار مبارز ضد امپریالیست که برای درهم کوبیدن شخصیت آیت‌الله کاشانی با لویی هندرسن و تحت رهبری دکتر مصدق متحد و همراه شدند چگونه بود که بعد از کودتا و به قدرت رسیدن زاهدی، اثری از آنان باقی نماند و کمترین اقدام و مقاومتی در برابر حکومت او را روا ندانستند!

آری، این اتحاد شوم و وحدت نامقدس، مملکت را در آستانهٔ سقوط قرار داد و وقتی در شب ۲۷ مرداد، هندرسن با مصدق ملاقات می‌کند و به‌عنوان آخرین برگ کتاب توطئه، او را از حوادثی که روز بعد یعنی ۱۸ مرداد سال ۳۲ به نام کودتا باید اتفاق افتد، باخبر می‌سازد، کمترین اطلاعی از کم و کیف این توطئه را به ملت نمی‌دهد و این حقیقتی است که اسناد فراوانی دربارهٔ آن در دست می‌باشد و ما در اینجا به ذکر دو سند اکتفا می‌کنیم.

۱- «ژرارد ربلیه» مورخ فرانسوی در صفحهٔ ۲۴۱ کتاب خود تحت عنوان «صعود محمدرضا شاه» می‌گوید: «هندرسن در شب ۲۷ مرداد با مصدق در اتاق خواب او را ملاقات کرد و از او خواست که حزب توده را از جریان کودتایی که برای کنار گذاشتن مصدق ترتیب داده شده است، باخبر سازد».

آری، مصدق هم این دستور را اطاعت می‌کند و تا ساعت ۳ بعدازظهر روز ۲۸ مرداد که زاهدی قدرت را در دست می‌گیرد، کمترین اطلاعی به ملت ایران از

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۸۱

نقشه‌های آمریکا و انگلیس نمی‌دهد و این خیانت بزرگ را در حساس‌ترین لحظات تاریخ به ملت مسلمان ایران مرتکب می‌شود.

پر واضح بود که مصدق می‌خواست مأموریت خود را به آخر برساند و مملکت را در اختیار اربابان غربی خود قرار بدهد و در واقع تاکتیک تدافعی آنها را که پس از قتل رزم‌آرا در پیش گرفته بودند، به ثمر برساند.

دکتر مصدق که با پشتیبانی مردم و با تأیید آیت‌الله کاشانی روی کار آمده بود و در قیام درخشان ۳۰ تیر، صدها نفر از جوانان مسلمان میهن ما برای به قدرت رسیدن او جان خود را از دست داده بودند، همان راهی را در پیش گرفت که قوام السلطنه می‌خواست طی کند.

حسن ارسنجانی معاون قوام‌السلطنه در یادداشت‌های خود همه‌جا از کوشش قوام‌السلطنه برای انحلال مجلس صحبت می‌کند و فقط پیروزی قیام ۳۰ تیر مانع رسیدن او به این هدف شیطانی و ضد میهنی شد، ولی مصدق با آنکه انتخابات مجلس را خود او انجام داده و مکرراً اعتراف کرده بود که ۸۰ درصد نمایندگان این مجلس، نمایندگان واقعی مردم هستند، در مقام تضعیف مجلس برآمد و برخلاف قانون اساسی و با توسل به زور و فشار، به مدت یک سال اختیارات قانون‌گذاری را از مجلس در بهمن سال ۱۳۳۱ سلب نمود و علی‌رغم اینکه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان این مجلس طرفدار او بودند، درصدد انحلال مجلس برآمد. به همین دلایل بود که مرحوم آیت‌الله کاشانی احساس کرد که رفراندوم برای انحلال مجلس با نقشه‌ی اجانب طرح‌ریزی شده است و دیدیم که پیش‌بینی آیت‌الله کاشانی بالاخره درست از آب درآمد و انحلال این مجلس باعث اسارت ملت مسلمان ما گردید و استقلال این مملکت لگدمال عوامل آمریکا و انگلیس شد و اساساً انحلال مجلس برای صاف کردن راه دیکتاتوری بود، و إلا مصدق می‌توانست درحالی‌که اختیارات قانون‌گذاری را تا بهمن ماه سال ۱۳۳۲ به خود اختصاص داده بود، اگر واقعاً مجلس را مخل برنامه‌های خود می‌دانست، این مجلس را با استعفای ده نفر از نمایندگان از اکثریت ساقط کند و به شاه فرصت و مجال ندهد که به بهانه انحلال و نبودن مجلس، با یک نامه چند سطری، او را از نخست‌وزیری عزل و زاهدی را به این سمت منصوب نماید؛ ولی اینها

۴۸۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

همه نقشه‌آ جانبدار بود که با انحلال مجلس، سنگری را که می‌توانست در مقابل آنها مقاومت نماید درهم بکوبند و راه به قدرت رسیدن مجدد عوامل آمریکا و انگلیس را هموار نمایند. عجیب نیست اگر تمام این برنامه‌ها به موازات لجن‌مال کردن روحانیت و شخصیت‌باارزش مرحوم آیت‌الله کاشانی به مرحله اجرا درآمد.

دکتر مصدق در پاسخ نامه مستدل و تاریخی ۲۷ مرداد آیت‌الله کاشانی در دو سطر می‌گوید: «به پشتیبانی ملت مستظهرم»، ولی اگر او در این ادعا صداقت داشت، چرا کمترین خبری به ملت نداد و مردم را در بی‌خبری کامل و بلا تکلیفی محض قرار داد تا نقشه‌های سفیر کبیر آمریکا هندرسن به مرحله اجرا درآید؟ آیا این سکوت خائنه قابل توجیه است؟ اگر کودتای ۲۸ مرداد برای ملت ایران شوم و نکبت‌بار بوده است، چه کسی مسئول به ثمر رسیدن آن است؟ فراموش نشود که انتقاد از دکتر مصدق هرگز به معنی تأیید حکومت زاهدی نیست، بلکه اساساً ما معتقدیم که توافق پنهانی کامل بین این دو حکومت وجود داشته است. اگر غیر از این بود، سرلشکر دفتری جنایتکار نسبی^۱ برادرزاده دکتر مصدق در روز ۲۸ مرداد دو ابلاغ ریاست شهربانی را از مصدق و زاهدی چگونه دریافت می‌نمود؟

غرض از نوشتن این نامه آن بود که اعضای کمیسیون خارجه مجلس شورای اسلامی اگر تاکنون در جریان حقایق تاریخ نبوده‌اند به این واقعیات بدیهی توجه کنند و بدانند که هر گونه موضع‌گیری ناحق و ناروا که نسبت به جریانات ۲۸ مرداد بنمایند، در پرونده آنان ثبت خواهد شد و ملت مسلمان ایران نسبت به بی‌تقوایی‌ها و غرض‌ورزی‌ها اغماض نخواهد کرد. کمیسیون خارجه مجلس باید پاسخگوی [... دو سطر افتادگی مطلب در اصل سند] شکوهمند اسلامی مسئولیت دفاع از حقیقت و اصالت مکتب را دارید، اجازه می‌دهید که در آینده نیز کسانی بخواهند با همان دستاویزها یک بار دیگر مجلس شورای اسلامی را به ورطه انحلال بکشانند و خود را ملی و قانونی بدانند؟ اگر اعضای کمیسیون خارجه که این نامه را تنظیم کرده‌اند واقعاً تا این حد از حقایق تاریخ بی‌خبر هستند، یک بار دیگر متن نامه زیر را که سند افتخار

۱. این کلمه در اصل سند نیز طوری است که می‌توان آن را سنی، سمنی، سمتی و نسبی خواند (ویراستار).

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۸۳

روحانیت مجاهد و سند خفت و ننگ ملی‌گرایان وابسته به غرب است، مطالعه کنید و در هنگام مطالعه به ندای وجدان بیدار خود گوش فرا دهید.

«حضرت نخست‌وزیر معظم، جناب آقای دکتر مصدق - دام اقباله

عرض می‌شود، اگر چه امکاناتی برای عرایض نمانده، ولی صلاح دین و ملت برای این خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و علی‌رغم غرض‌ورزی‌ها و بوق و کرنای تبلیغات شما، خودتان بهتر از هر کس می‌دانید که هم و غم در نگهداری دولت جناب‌عالی است، که خودتان به بقای آن مایل نیستید.

از تجربیات روی کار آمدن قوام و لجبازی‌های اخیر، بر من مسلم است که می‌خواهید مانند سی‌ام تیر کذایی یک بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانانه بروید. حرف این جانب را در خصوص اصرارم در عدم اجرای رفراندوم نشنیدید و مرا لکه حیض کردید.

خانه‌ام را سنگباران و یاران و فرزندانم را زندانی فرمودید و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد، بستید، و حالا نه مجلسی است و نه تکیه‌گاهی برای این ملت گذاشته‌اید. زاهدی را که من با زحمت در مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگاه داشته بودم، با لطایف‌الحیل خارج کردید و حالا همان‌طور که واضح بوده درصدد به اصطلاح کودتا است. اگر نقشه شما نیست که مانند سی‌ام تیر عقب‌نشینی کنید و به ظاهر قهرمان زمان بمانید، و اگر حدس و نظر من صحیح نیست که همان‌طور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم و به هندرسن هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسی‌ها کمک کرد و حالا به‌صورت ملی و دنیاپسندی می‌خواهد به دست جناب‌عالی این ثروت ما را به چنگ آورد. و اگر واقعاً با دیپلماسی نمی‌خواهید کنار بروید، این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود، که من شما را با وجود همه بدی‌های خصوصی‌تان نسبت به خودم از وقوع حتمی یک کودتا به وسیله زاهدی که مطابق با نقشه خود شماست، آگاه کردم که فردا جای هیچ‌گونه عذر موجهی نباشد.

اگر به‌راستی در این فکر اشتباه می‌کنم با اظهار تمایل شما، سید مصطفی و ناصرخان قشقایی را برای مذاکره خدمت می‌فرستم. خدا به همه رحم بفرماید. ایام به کام باد.

سید ابوالقاسم کاشانی - ۲۷ مرداد ۱۳۳۲».

۴۸۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

پیوست ۲ - ناگفته‌های دکتر صادق طباطبایی درباره حواشی اشغال سفارت آمریکا، نقش رجایی و نبوی در شکست مذاکرات ایران با کارتر و تأثیر بیت آیت‌الله منتظری در عدم پیگیری وضعیت امام موسی صدر
منبع: پایگاه اینترنتی «خبر آن‌لاین»، ۱۶ آبان ۱۳۹۱

(<https://www.khabaronline.ir/news/256047>)

سرویس احزاب و شخصیت‌ها: نخستین گفتگوها درباره آزادی گروگان‌های آمریکایی پس از ماجرای ۱۳ آبان، در آلمان و توسط صادق طباطبایی صورت گرفت.

سید صادق روحانی - نسرین وزیری

پس از اشغال سفارت ایالات متحده آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، از چند کانال برای مذاکره با آمریکا اقدام شد. نخستین تلاش‌ها در این باره را سید صادق طباطبایی که در آن موقع سخنگوی دولت موقت بود، از طریق آلمان انجام داد: مذاکراتی که در تاریخ جمهوری اسلامی کمتر به آن اشاره شده و تنها رد پای آن را در بعضی خاطرات شفاهی یا مکتوب برخی از چهره‌های ایرانی و نیز خاطرات دیپلمات‌های آمریکایی طرف مذاکره می‌توان پیدا کرد. صادق طباطبایی که برادرزن مرحوم سید احمد خمینی هم هست، از افراد مورد وثوق بیت امام و نیز دولت موقت بود. او در گفتگوش با [پایگاه خبری] «خبر آن‌لاین» ضمن تشریح مذاکرات و توافقات خود با طرف آمریکایی در آلمان، انتقادات صریحی را به گروه مذاکره‌کننده‌ای وارد می‌کند که «بیانیه الجزایر» را امضا کرده‌اند.

او که پیش از آغاز جنگ تحمیلی، طی نامه‌ای ۲۵ صفحه‌ای موافقت کارتر را کسب کرده که متضمن پذیرش چهار شرط امام خمینی (ره) بود، همان زمان شکست مذاکرات الجزیره را پیش‌بینی کرده بود، اما به گفته وی، فضای انقلابی آن زمان هیچ اقدامی در مخالفت با حرکت دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا را برنمی‌تابید. او اگرچه از ذکر برخی اسامی پرهیز دارد، اما از دانشجویان تسخیرکننده نام می‌برد و به نقد مواضع سه دهه پیش آنها در «زمین زدن دولت موقت» می‌پردازد.

طباطبایی با خاطره‌ای از حضورش با دستمال گردن نزد امام (ره) و نظر ایشان درباره تراشیدن صورتش، گفتگو با ما را آغاز کرد و از اینکه کثیف و نامنظم بودن از

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۸۵

جلوه‌های انقلابی بودن شده است، انتقاد و چنین ظاهرسازی‌هایی را کار افراد چپ عنوان کرد و گفت: قبل از انقلاب و در اروپا آنها درس خواندن را عملی ضد انقلابی می‌خواندند و می‌گفتند تا زمانی که دولت کارگری سرکار نباشد، افراد درس‌خوانده در خدمت نظام سرمایه‌داری خواهند بود و این کمک به استثمارکنندگان است! آنها می‌گفتند الآن باید مبارزه کرد تا انقلاب شود و بعد از آن اگر فرصتی شد درس بخوانیم. وقتی انقلاب شد، این آقایان که درس نخوانده بودند، با تأکید بر اینکه «تعهد خیلی مهم است» می‌خواستند زیرآب اصل تخصص را بزنند! نتیجه آن را هم که می‌بینید. همین شلختگی‌های ظاهری این روزها به اسم انقلابی‌گری در ادامه همان تفکر است.

صادق طباطبایی علاوه بر آنکه با بیت امام نسبت فامیلی دارد، خواهرزاده «امام موسی صدر» رهبر شیعیان لبنان نیز هست. اگرچه بهانه ما برای این گفتگو ماجرای گروگان‌گیری سفارت آمریکا بود، اما از او درباره جریانات مخالف امام صدر در ایران نیز پرسیدیم.

مشروح این گفتگوی هجده هزار کلمه‌ای که در قالب ۵۶ پرسش و پاسخ پیش روی شماست را در ادامه بخوانید:

سفارت آمریکا دو بار اشغال شد. بار اول که این اتفاق افتاد، امام مخالف آن بودند؛ درست است؟

تا قبل از آنکه دانشجویان پیرو خط امام، سفارت آمریکا را اشغال کنند، دو بار این سفارتخانه اشغال شد: یک بار در دی‌ماه ۱۳۵۷ و قبل از انقلاب و بار دوم در ۲۴ بهمن یعنی دو روز بعد از پیروزی انقلاب بود.

خبرگزاری‌ها رویداد روز ۲۵/۱۱/۱۳۵۷ را چنین گزارش کردند: «در ساعت ۳۰:۱۰ صبح روز ۲۵ بهمن در همان زمانی که مهندس بازرگان وزیران و معاونین خود را به خبرنگاران معرفی می‌کرد، یک گروه از افراد مسلح به سفارت آمریکا در تهران حمله بردند. دو ساعت تیراندازی مدام ادامه داشت، تفنگداران دریایی آمریکا سنگر گرفته در داخل سفارت با شلیک گازهای اشک‌آور مانع از ورود مردم به داخل محوطه می‌شدند. چند تنی که خود را از نرده‌ها بالا کشیدند و به داخل انداخته بودند، از

۴۸۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

درهای دیگر رانده می‌شدند. در همان زمان سولیوان، سفیر آمریکا می‌کوشید تا از اعضای دولت موقت کسانی را پای تلفن بکشد که سرانجام موفق شد. دقایقی بعد سولیوان از اتاق خود بیرون آمد به تفنگداران دستور داد تیراندازی نکنند. در این زمان چریک‌ها وارد ساختمان شده بودند و از همه می‌خواستند که دست هایشان را روی سر بگذارند. همه افراد در سفارت تسلیم شدند، اما دقایقی بعد دکتر یزدی از سوی دولت وارد صحنه شد.

گزارش اشغال سفارت آمریکا به دفتر نخست‌وزیر در مدرسه رفاه و دفتر امام در مدرسه علوی می‌رسد؟

آقای دکتر یزدی به درخواست مهندس بازرگان با امام دیدار می‌کند. در آنجا متوجه می‌شود که امام نیز در جریان امر قرار گرفته‌اند. آقای دکتر یزدی اهداف احتمالی این اشغال و پیامدهای سیاسی آن را برای انقلاب اسلامی و دولت جدید مطرح کرده و توضیح می‌دهد حال که انقلاب پیروز شده است و در مرحله انتقال و تثبیت دستاوردها هستیم، نباید اجازه دهیم برخی از کارهای ظاهراً انقلابی و افراطی، دولت انقلاب اسلامی را با مشکلات و موانع ناخواسته روبه‌رو سازد. امام ضمن تأیید این دیدگاه از ایشان می‌خواهند که برود و به هر ترتیب ممکن غائله را ختم کند. به درخواست دکتر یزدی، امام به حاج مهدی عراقی دستور دادند که با آقای مهدوی کنی در کمیته مرکزی انقلاب تماس گرفته و از ایشان بخواهد از نیروهای داوطلب مسلح، از اعضای کمیته‌ها تعدادی در اختیار دکتر یزدی گذاشته شود تا در صورت لزوم از آنها برای رفع مشکل استفاده کند. سه گروه معرفی شدند. به آنها تأکید شد که می‌بایستی تحت امر دکتر یزدی باشند. آقای یزدی با این نیروها وارد سفارت شدند و می‌بینند آقای سرهنگ رحیمی از دژبانی مرکز نیز در آنجا حضور دارند. به دستور دکتر یزدی در همان آغاز، کلیه درهای ورودی و خروجی سفارت بسته می‌شود و سپس دستور شناسایی کلیه کسانی را می‌دهد که وارد محوطه سفارت شده‌اند. جالب توجه این بود که با شروع همین اولین قدم، مهاجمین به تدریج و به سرعت و بدون هیچ‌گونه مقاومتی محوطه را ترک کردند و از لابه‌لای میله‌ها و از بالای میله‌ها به بیرون گریختند. از همان لحظه ورود به محوطه و ارزیابی افراد مهاجم، یک حس ششمی به آقای یزدی می‌گفت که

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۸۷

مهاجمین اعضای هیچ‌یک از گروه‌های انقلابی داخلی نیستند، اما در آن لحظات حساس، مهم‌ترین مسئله دولت، بیرون راندن مهاجمین و اطمینان از سلامتی کارکنان سفارت بود. به خوبی می‌دانستیم که اولاً امنیت کارمندان سفارتخانه‌های خارجی در هر کشوری برعهده دولت میزبان است. ثانیاً، محوطه هر سفارتی به منزله سرزمین و خاک کشور مربوطه می‌باشد و ورود و تجاوز به آن، در واقع تجاوز به خاک آن کشور محسوب می‌شود. به همین علت، در اکثر سفارتخانه‌های خارجی در کشورهای مختلف، بر حسب مورد، عده‌ای نیروی مسلح آن کشور به پاسداری از آن سفارت می‌پردازند، اما در داخل سفارت مستقر می‌باشند.

با خروج تقریباً کلیه مهاجمین و ناپدید شدن آنان، به درخواست آقای یزدی، آقای سولیوان که با تعدادی از کارمندان در یکی از اتاق‌ها زندانی شده بود، به همراه ایشان به سالن مرکزی ساختمان سفارت رفته، سپس از مأمورین مسلح همراه خود می‌خواهد که به همراه یکی از کارمندان سفارت، به تمام اتاق‌ها و ساختمان‌های سفارت سر بزنند و تمام اعضای سفارت را به سالن مرکزی بیاورند. این کار مدتی به طول انجامید. کارمندان سفارت در اتاق‌های متعدد پناه گرفته بودند.

هنگامی که سولیوان در پاسخ پرسش نماینده دولت به وی اطمینان داد که تمام اعضای سفارت سالم و در سالن مرکزی حضور دارند، ضمن صحبت کوتاهی از جانب دولت ایران به خاطر مشکل به وجود آمده، پوزش می‌خواهد. این پوزش خواهی از نظر ما یک ضرورت دیپلماسی بود؛ زیرا که انقلاب پیروز شده بود و دولت انقلابی بر سر کار آمده است و این دولت بایستی نشان بدهد که قادر است در چهارچوب مقررات شناخته‌شده بین‌المللی مسئولیت‌های خود را در حفظ امنیت اتباع خارجی، خصوصاً دیپلمات‌ها انجام بدهد. آقای دکتر یزدی پس از پایان این مأموریت، بلافاصله برای دادن گزارش عملیات به امام به مدرسه علوی و سپس برای مهندس بازرگان به مدرسه رفاه می‌رود. هم آقای خمینی و هم آقای مهندس بازرگان اقدام انجام‌شده را تأیید و از وی تشکر کردند.

از سه گروه مسلحی که به همراه ایشان به سفارت آمده بودند، یک گروه برای حفظ امنیت سفارت در محوطه باقی ماند و دو گروه دیگر از سفارت خارج شدند.

۴۸۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

گروه محافظ علی الاصول می‌بایستی در بیرون از محوطه سفارت وظیفه حفاظتی خود را انجام بدهد، اما سولیوان با ابقای آنان در محوطه سفارت هم موافقت کرد. رهبر این گروه، کسی بود که بعدها به «ماشاءالله قصاب» معروف شد. متأسفانه استقرار این نیرو در داخل سفارت، موجب بروز مشکلات فراوانی شد. رفتار این فرد و گروهش با معیارهای اسلامی فاصله داشت. آنها با دریافت پول از مراجعین ایرانی، برای گرفتن ویزا از حضور خود سوء استفاده می‌کردند. بعضاً مشروبات الکلی نیز مصرف می‌کردند. رفتار آنها موجب شکایت مسئولان سفارت شد، اما آنها حاضر به ترک محوطه سفارت نبودند. در زمانی که آقای دکتر یزدی در وزارت امور خارجه بود و سولیوان هم از ایران رفته و ناس کاردار سفارت و عهده‌دار امور شده بود، با افزایش شکایت‌ها و رفتارهای غیر اسلامی، در نهایت با موافقت و دستور آیت‌الله مهدوی کنی، رئیس کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران، ماشاءالله قصاب و گروهش از سفارت بیرون کشیده شدند؛ سپس برای حفاظت از سفارت، که هنوز در معرض حمله بود، از نیروهای مسلح دژبان مرکزی، که زیر نظر سرتیپ رحیمی قرار داشت، استفاده شد و آن هم در بیرون از ساختمان سفارت. افراد مسلح این نیرو کاملاً منضبط بودند و مقررات را رعایت می‌کردند. علاوه بر این، مأمورین مسلح، بر طبق یک برنامه خاص مرتب جابه‌جا می‌شدند و هیچ گروهی برای مدت طولانی در این مأموریت باقی نمی‌ماندند.

در این حمله، خساراتی به سفارت آمریکا وارد شده بود که مقامات آمریکایی انتظار داشتند که ایران، در چهاچوب مقررات بین‌المللی نسبت به جبران این خسارت و همچنین اموال و اثاثیه اداره اطلاعات آمریکا که در اختیار کمیته انقلاب بود، اقدام نماید.

این ماجرا ظاهراً به پایان می‌رسد، اما تحقیقات وزارت امور خارجه‌مان برای روشن شدن مسئله به نتایج جالبی می‌رسد.

برای ما در دولت موقت روشن بود که حمله به سفارت آمریکا در تهران یک رویداد مستقل و بی ارتباط با برنامه‌های راهبردی برخورد با انقلاب اسلامی ایران و مقابله با نظام نمی‌توانست باشد. مطالعات انقلاب‌های گذشته در جهان به ما نشان

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۸۹

می‌داد که وقتی انقلابی پیروز می‌شود، قدرت‌های شکست‌خورده از انقلاب، از راه‌های گوناگون به مقابله با انقلاب ادامه می‌دهند تا آن را به زانو درآورند و یا در راستای منافع خود آن را مهار کنند. بعد از پیروزی انقلاب ایران، این پرسش برای ما مطرح بود که آمریکا، انگلیس و اسرائیل و نیز اتحاد جماهیر شوروی که طی ۲۵ سال، از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷، در ایران قدرت فائقه و همه‌کاره و فعال می‌باشد بوده‌اند، چه برنامه‌هایی را برای از پا در آوردن و یا مهار انقلاب ایران در دست اجرا دارند.

اسناد و مدارک فراوان حاکی از آن بود که این قدرت‌ها برای پیشگیری از بروز و پیروزی انقلاب، هر کار را می‌توانستند انجام دادند، اما موفق نشدند. بخشی از عدم موفقیت آنان به علت ناهماهنگی میان خود این دولت‌ها و بخشی نتیجه عملکرد فعالان جنبش انقلابی ایران و درایت و خردورزی رهبری انقلاب بود.

اما حال که انقلاب به پیروزی رسیده، نمی‌توان خوش‌خیال بود و خود را از شر دشمنان خارجی و عوامل داخلی‌شان مصون انگاشت.

در بین افرادی که آن روز در سفارت حضور داشتند خانمی بود به نام ماری الن شنايدر که نام او در زمره کارکنان و دیپلمات‌های سفارتخانه در وزارت خارجه ثبت نشده بود. این خانم چه کسی بود و آنجا چه می‌کرد؟

دو روز قبل از اشغال سفارت آمریکا - یعنی دقیقاً در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - مقارن با اعلامیه بی‌طرفی ارتش، گروهی به زندان قصر حمله برده و تحت عنوان آزادی زندانیان سیاسی، زندانیان و از جمله سه آمریکایی را آزاد می‌کنند. یکی از این سه نفر، خانم ماری الن شنايدر است؛ همان کسی که در اشغال سفارت در ۲۴ بهمن در میان حاضران حضور داشت و از کارکنان و دیپلمات‌های شاغل در سفارت به حساب نمی‌آمد.

از ماجرای حمله به زندان قصر در ۲۲ بهمن در روز پیروزی انقلاب خاطره‌ای دارید؟

نتیجه تحقیقات وزارت خارجه، حاکی از این بود که چند روز بعد از این ماجرا «روزنامه اطلاعات» به نقل از خیرگزاری فرانسه از دالاس (تگزاس - آمریکا) اولین گزارش از این رویداد را منتشر کرد.

۴۹۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

راس پرو، مدیر مؤسسه «الکترونیک دیتا سیستمز» آمریکا در یک مصاحبه اعلام کرد که برای بسیج و تحریک جمعیت، جهت حمله به زندان قصر - که دو نفر از کارمندان این مؤسسه در آنجا زندانی بودند - به عده‌ای کمک مالی کرده است. این مصاحبه با حضور دو آمریکایی آزادشده (لیگود و شیاپرون) در دالاس انجام شده است. او در این مصاحبه تأکید کرد که توانسته است به این وسیله روز ۱۱ فوریه یعنی روز سقوط دولت بختیار و قدرت گرفتن «آیت الله خمینی»، این دو نفر را آزاد کند. پرو به دنبال سخنان خود اضافه کرد: ایران برای آزادی این دو مهندس آمریکایی که از ۲۸ سپتامبر در زندان قصر بازداشت بودند، درخواست ۱۲ ملیون و ۷۵۰ هزار دلار وثیقه کرده بود.

پرو گفت: ما ترجیح دادیم این وثیقه را بپردازیم، اما تلاش ما به علت مختل شدن سیستم بانکی ایران به نتیجه نرسید. ما به این نتیجه رسیدیم که دولت آمریکا نمی‌تواند برای آزادی این دو نفر کاری انجام دهد؛ از این رو، با عده‌ای برای حمله به زندان قصر تماس گرفتیم. راس پرو تا پایان عملیات در ترکیه ماند. اجرای این عملیات را به یک واحد کماندویی ۱۵ نفره واگذار کرده بود که سیزده نفرشان از کارمندان ای دی اس بودند و رهبری آن را یک سرهنگ شصت ساله - که در جنگ ویتنام عده‌ای از سربازان آمریکایی را از یک اردوگاه نزدیک هانوی آزاد کرده بود - به عهده داشت. وی سپس با همکاری برخی از ایرانیانی که سابقه همکاری با آمریکایی‌ها را در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ داشتند، در همان روزهای پر آشوب انقلاب، تظاهراتی را در تهران به راه می‌اندازند و با شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، به زندان قصر حمله و آن را اشغال و سپس همه زندانیان از جمله آن دو نفر آمریکایی را آزاد می‌سازند.

علاوه بر این دو آمریکایی، یکی از کارمندان شرکت بل هلیکوپترسازی آمریکایی در ایران، به نام اشنایدر (Mary Ellen Schneider) نیز از سال ۱۳۵۶ زندانی شده بود. (برای اطلاع از جزئیات قرارداد ایران با این شرکت آمریکایی به پی‌نوشت ۱ این مصاحبه مراجعه کنید).

آنگاه این مجموعه، طرح حمله به سفارت آمریکا را به اجرا درمی‌آورند. به موجب اسناد موجود در اداره حقوقی وزارت امور خارجه، که در زمان دولت موقت بررسی شد، گردش کار و پرونده این افراد به قرار زیر است:

۱- متعاقب بازداشت نام‌بردگان، از طرف دادسرای دیوان کیفر به اتهام شرکت در کلاهبرداری و صدور قرار وثیقه جمعاً به مبلغ ۹۰ میلیون تومان (پرونده شعبه دادسرای دیوان کیفر) و متعاقب مذاکرات مقامات سفارت آمریکا با وزارت امور خارجه برای سپردن وجه الضمان به منظور آزادی متهمین از زندان، آقای چارلز ناس وزیر مختار سفارت آمریکا در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ (۷ فوریه ۱۹۷۹) طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه اطلاع داد که شرکت الکترونیک دیتا سیستمز مبلغ ۱۲۷۹۳۷۸۴ دلار به منظور تأمین وجه الضمان نزد دولت آمریکا به امانت سپرده است و دولت آمریکا متعهد می‌شود اگر متهمین آزاد شوند و اجازه خروج از ایران به آنها داده شود، کوشش نماید در مواقع لزوم متهمین در دادگاه‌های صالحه ایران حاضر شوند و اگر ظرف ۴۵ روز از تاریخ تقاضای کتبی مقامات ایرانی در دادگاه حاضر نشدند، دولت آمریکا تا مبلغ ۳۰ میلیون تومان در مورد آقای گیلورد، ۶۰ میلیون تومان در مورد آقای چیاپرون^۱ از محل وجه الضمان مذکور به دولت ایران بپردازد، مشروط بر اینکه عدم حضور متهمین در دادگاه ناشی از فوت یا بیماری یا اوضاع و احوال خارج از اراده آنها نباشد. طبق نامه وزیر مختار سفارت آمریکا، مبلغ وجه الضمان به مدت یک سال - ظاهراً از تاریخ آزادی متهمین - برای منظور فوق در اختیار دولت آمریکا خواهد بود.

۲- طبق نامه دادسرای دیوان کیفر و گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی، متهمین در تاریخ ۵۷/۱۱/۲۳ موفق به فرار از زندان قصر شده و چندی بعد از مرز ایران خارج می‌شوند. در تعقیب گزارشات، رئیس اداره چهارم سیاسی وزارت امور خارجه در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۵ با آقای چارلز ناس ملاقات نموده و موضوع فرار متهمین و تعهد دولت آمریکا در خصوص وجه الضمان را با وی در میان می‌گذارد. وزیر مختار آمریکا اظهار می‌دارد که سفارت در فرار نام‌بردگان دخالتی نداشته و موضوع تعهد نیز پس از فرار متهمین به صورت دیگر درآمده است.

۳- طبق اظهار بازپرس، مقامات آمریکایی چند روز قبل از فرار متهمین به بازپرسی مراجعه کرده و آمادگی خود را برای سپردن وجه الضمان اعلام داشته‌اند، لکن به علت بسته بودن بانک‌ها در آن روزها انجام این امر میسر نگردید.

1. Chiapparone.

۴۹۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

۴- با توجه به مراتب فوق و اینکه مقامات شرکت ای. دی. اس و دولت آمریکا علی‌الاصول قرار صادره از دادسرای دیوان کیفر را دایر بر لزوم سپردن وجه الضمان پذیرفته بودند، به نظر می‌رسد که فرار متهمین از زندان نمی‌تواند سالب تعهد کتبی سفارت آمریکا در این خصوص گردد؛ لذا با تسریع در رسیدگی به پرونده متهمین و مذاکره با مقامات سفارت آمریکا در تهران، ممکن است دولت آمریکا را به مسئولیتی که در این خصوص به عهده گرفته، متوجه ساخت و از آن برای تخفیف ادعای مبالغه‌آمیز شرکت مذکور علیه دولت جمهوری اسلامی و سازمان تأمین اجتماعی استفاده نمود.

۵ - از قرار اطلاع متهمین نه فقط در موقع انعقاد در اجرای قرارداد، مرتکب کلاهبرداری شده‌اند، بلکه مبالغ هنگفتی نیز به عناوین مختلف رشوه داده‌اند. با توجه به اینکه این عمل طبق قانون Foreign corrupt practices act of 1977 آمریکا نیز جرم محسوب شده و در آمریکا قابل مجازات است، لازم است در مذاکرات به این موضوع نیز اشاره شود و در ادعای متقابل در دادگاه آمریکایی، وکلای ایران اسناد و مدارک مربوط به اعمال خلاف مذکور را ارائه دهند.

نظر اداره حقوقی وزارت امور خارجه (مرحوم دکتر عزالدین کاظمی) در دولت موقت این بود که برای تبادل نظر و استفاده از ادله و مدارک لازم، در مذاکرات با مقامات سفارت آمریکا در تهران و دادگاه‌های ایران، جلسه‌ای با حضور بازپرس شعبه ۱۷ دیوان عالی کیفر و نمایندگان سازمان تأمین اجتماعی در وزارت امور خارجه تشکیل گردد. اما با استعفای دولت موقت، این پرونده نظیر سایر پرونده‌های مشابه مسکوت ماندند (گزارش رسانه‌های آمریکایی از این رویداد را در پی‌نوشت ۲ این مصاحبه بخوانید).

چرا امام با تسخیر سفارت در ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ مخالف بودند، اما تسخیر ۱۳ آبان سال بعد را تأیید کردند؟

بعد از انقلاب، ما کشوری بودیم که دارای دولت بود و تعهدات بین‌المللی داشت. دولت‌ها هم متضمن جان و مال اتباع خارجی هستند و دولت موظف به حفظ امنیت دیپلمات‌های خارجی مستقر در سفارتخانه‌ها است. اینکه روز دوم بعد از انقلاب بزینم

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۹۳

زیر همه عرف بین‌المللی، تصویر بدی از انقلاب ایران ارائه می‌داد؛ به همین دلیل هم امام خمینی (ره) با این مسئله مخالف بودند و تأکید داشتند که از این کار جلوگیری شود. فقط هم در مورد سفارت آمریکا چنین نظری نداشتند؛ موارد دیگری هم در آن زمان بود، اما امام تأکید داشتند که مطابق عرف بین‌الملل باید رفتار شود.

یادم هست زمانی که آقای [محمدعلی] رجایی نخست‌وزیر شد، نخست وزیر افغانستان به ایشان در تلگرافی تبریک گفتند. آقای رجایی هم با لحن تندی پاسخی به این مضمون داد که سعی کنید طرف مردمتان باشید و این قدر با شوروی ارتباط نداشته باشید و ایشان در پاسخ، آموزش انقلابی به طرف افغانی داده بود. امام ایشان را احضار کردند و گفتند این حرف‌ها چیست که زده‌اید؟ شما الآن مقام رسمی کشور هستید و باید در چارچوب عرف بین‌الملل حرکت کنید. حساب من طلبه با شما فرق می‌کند! امام این مسائل را رعایت می‌کردند.

پس چرا نسبت به تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ نظر مثبتی داشته و آن را انقلاب دوم خواندند؟

به امام اطلاع داده شد که به نظر می‌رسد سفارت آمریکا مقر جاسوسی است و در تمام آشوب‌های داخل کشور، بخصوص مسائل کردستان و نقاط مرزی، دست دارد. وقتی سفارتخانه‌ای در امور داخلی کشوری که در آن مهمان است، دخالت می‌کند یعنی خلاف عرف دیپلماتیک عمل کرده است؛ بنابراین، با اشغال آن و کشف عوامل آن می‌توان وارد عمل شد و این موضوع را اثبات کرد.

البته وقتی این حادثه اتفاق افتاد، امام اصلاً در جریان نبودند. لفظ «انقلاب دوم» را هم همان روز به کار نبردند. آقای موسوی خویینی‌ها نقل کرده‌اند که بچه‌های دانشجوی می‌روند خدمت ایشان و می‌گویند که می‌خواهند این کار را بکنند. ایشان هم موافقت می‌کنند و در مقابل درخواست دانشجویان که از او می‌خواهند این موضوع را با امام در میان بگذارند، می‌گویند که این کار را نمی‌کنند؛ چون قطعاً امام مخالفت می‌کند؛ از این رو به دانشجویان می‌گویند که شما بروید و این کار را بکنید، اگر امام مخالفت کرد، بیایید بیرون و اگر هم شرایط عوض شد و امام موافقت کرد که همان جا بمانید.

۴۹۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

وقتی که دانشجویان به سفارت می‌روند و به مدارکی دست می‌یابند که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها در امور داخلی ایران دخالت کرده و در ناامنی‌ها دست دارند، امام با این اقدام موافقت کرده و گفتند که خوب جایی را گرفتید؛ اسناد و مدارک را جمع‌آوری کنید.

پس از آن، برخی که مخالف تسخیر سفارت آمریکا بودند گفتند که بخشی از کار ویژه سفارت‌ها همین اقدامات اطلاعاتی و امنیتی است و اگر به سفارتخانه‌های دیگری هم مراجعه می‌شد، ممکن بود چنین مدارکی به دست بیاید.

بله، همین طور است. سفارتخانه‌های ما هم در تمام دنیا این کار را می‌کنند، اما آن موقع شرایط انقلاب و اضطراب‌های اولیه بود که نظام هنوز تثبیت نشده بود و همه جا پر از بحران و التهاب و تحریک بود. نظامی که هنوز جا نیفتاده بود، در معرض خطر بود و طبیعی است که حافظین آن حساس باشند. البته علی‌رغم همه اینها من معتقدم که ذهنیت سالمی برای امام ایجاد نکردند.

منظورتان چه کسانی هستند؟

فرقی نمی‌کند. ببینید وقتی ما چهارده معصوم را قبول داریم یعنی بقیه انسان‌ها جایز الخطا هستند. ممکن است شرایطی پیش بیاید و ذهنیتی ایجاد شود و تصمیمی اخذ شود که در آن مقطع درست به نظر برسد، اما بعدها مشخص شود که این تصمیم از جوانب دیگر درست نبوده است. به نظرم این هم از همان موارد است؛ بخصوص که تبعات بعدی آن و حوادثی که در طول این مدت اتفاق افتاد و رفتار دانشجویان در آن زمان، نشان می‌داد که این‌گونه نباید می‌شد.

شما که سخنگوی دولت موقت بودید، کی در جریان این موضوع قرار گرفتید و چرا دولت موقت علی‌رغم نظر مثبت امام با این تسخیر، استعفا کرد؟

دولت هم در همان لحظات اول در جریان این موضوع قرار گرفت. آقای بازرگان قبل از ۱۳ آبان ۵۸، سه بار استعفا داده بود. چند هفته قبل از این ماجرا، در جلسه مشترک دولت با شورای انقلاب، آقای بازرگان، شرایط کشور را تشریح کرد و در مقدمه سخنان خود خطاب به شهید بهشتی گفت که «اوضاع کشور خیلی بحرانی است و برای حل این مسئله پیشنهادی دارم. اگر اوضاع کشور را می‌دانید که دیگر طرح

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۹۵

موضوع نکنم و درباره پیشنهاد حرف بزنم، اگر هم نمی‌دانید که من شرایط را تشریح کنم». همه گفتند که اوضاع کشور را می‌دانیم و او پیشنهادش را مطرح کرد که دولت استعفا دهد و دولت شورای انقلاب تشکیل شود تا در یک کانال از سوی افرادی که کاملاً هماهنگ و قابل اعتماد هستند، تصمیم‌گیری شود. قرار شد این موضوع با امام در میان گذاشته شود تا در شرایط مقتضی این تصمیم اتخاذ و عملی شود، اما پس از آن بود که ماجرای تسخیر سفارت آمریکا رخ داد.

البته اظهارات افراد مختلف و دست‌اندرکاران ماجرای سفارت را که می‌شنویم، غالباً بی اساس است. مثلاً آقای میردامادی یا دیگرانی چون اصغرزاده می‌گفتند که برای پایین کشیدن دولت موقت این کار را کردیم! یا آقای محسن رضایی در گیلان در سخنرانی گفت که مدت‌ها قبل از ۱۳ آبان، عده‌ای نزد من آمدند و گفتند که شنیده‌ایم عوامل آمریکا در سطوح بالای مدیریت دولت رخنه کرده‌اند و ما برای نجات انقلاب و اینکه آن را از دست دولت دربیآوریم، مجبوریم دولت را به زیر بکشیم؛ بنابراین در نظر داریم چنین کاری را انجام دهیم.

مگر دولت به غیر از مصوبات شورای انقلاب کار دیگری می‌کرد؟ مگر غیر از این بود که دولت زیر نظر شورای انقلاب بود؟ دولت خودش سه بار استعفا داده بود و نیازی به به زیر کشیدن دولت نبود. از طرف دیگر، امام دولت را «دولت امام زمان» می‌دانست که اطاعت از آن واجب است. پس به زیر کشیدن دولت یعنی چه؟ کسانی که مدعی پیروی از خط امام بودند، می‌خواستند خلاف نظر امام عمل کنند؟ نمی‌شد اطلاعاتشان را به خود امام می‌دادند و عوامل نفوذی را معرفی می‌کردند؟ این عوامل کجا نفوذ کرده بودند؟ بعدها شناسایی شدند که چه کسانی بودند؟

اینها نشان دهنده این است که یک جریان عاطفی یا شیطنت دیگری پشت سر قضیه است که اهداف دیگری را تعقیب می‌کرده است. به نظرم پس از گذشت سی و اندی سال از آن ماجرا، باید به دنبال کشف این موضوعات رفت. اشغال سفارت، شوکی در دولت انقلابی ایجاد کرد که در آن صدای هر کس بلندتر بود و حرف‌هایش تندتر، غافله را می‌برد. در چنین شرایطی طبیعی است که گفتمان شخصی همچون مهندس بازرگان از پس برخی تندروی‌ها برنیاید و لامحاله به محاق برود.

۴۹۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

در تحلیل‌هایی که بعدها نوشته شد، آمده بود که اشغال سفارت با همین هدف بود که دولت موقت برود و در تصویب قانون اساسی، دخل و تصرف بیشتری شود و نیروهای انقلابی‌تری سر کار بیایند. نظرتان دربارهٔ چنین تحلیلی چیست؟ اینها همه حدس و گمان‌های بی اساس است که با آنها نمی‌توان کشور را اداره کرد. واقعیت این است که انقلاب یک پروسه برای رسیدن به هدف است. خود انقلاب که هدف نیست.

ممکن است شما بخواهید نظامی را سرنگون کنید. چون این نظام از طریق اصلاح و کار سیستماتیک قابل سرنگونی نبوده، با حرکت مردمی ساقط می‌شود. حالا می‌خواهید نظام جدیدی را مستقر کنید که استقرار آن، امنیت، آرامش و اعتدال می‌خواهد و دیگر نمی‌توان ضربتی جلو رفت. یک بیمارستان را می‌شود ضربتی خراب کرد، اما ضربتی که نمی‌توان آن را ساخت و سرپا کرد!

انقلاب ما به ثمر نشسته و مدتی هم از آن گذشته بود. اوضاع کشور هم دارد روی روال می‌افتد. الان این نگاه که دولت غیر انقلابی است، صحیح نیست. نکتهٔ جالبی را به شما بگویم. دولت آقای بازرگان که استعفا داد، همان وزرا باقی ماندند و امام هم اصرار کردند و دستور دادند که آقای بازرگان عضو شورای انقلاب شود و شورای انقلاب هم ایشان را سرپرست هیئت دولت کردند و باز هم جلسات آنها ادامه یافت! به جز یکی دو وزیر که عوض شدند، بقیهٔ وزرا به کارشان در دولت شورای انقلاب ادامه دادند. پس چیزی عوض نشد! پس چه چیزی انقلابی‌تر شد؟

قانون اساسی هم که پیش‌نویسش تهیه شده و قرار بود تصویب شود، هم روال دیگری یافت و در مسیر دیگری افتاد؛ بنابراین، این استدلال بی اساسی است که بگویند برای انقلابی‌تر شدن فضا، خواستند دولت را عوض کنند. مثلاً در چه زمینه‌ای انقلابی‌تر عمل شد که در دورهٔ بازرگان نمی‌شد؟

البته این حرف درست است که در فضای انقلابی، هر کسی بیشتر داد بزند، خواسته خود را پیش می‌برد، اما اینکه کشور را به جایی برسانیم که هر کسی بیشتر داد بزند، رگ گردن کلفت کرده و گردن کلفتی بیشتری بکند، حرفش بیشتر جا بیفتد، نشان می‌دهد که داریم از عقلانیت دور می‌شویم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۹۷

اما به تبع همین اتفاقات بود که طیف جبهه ملی و یاران بازرگان، دیگر نتوانستند به عرصه سیاسی بازگردند!

خوب، این به نفع کشور بود یا به ضررش؟ قطعاً به ضرر کشور بود.

برخی معتقدند هدف از تسخیر سفارت، مبارزه با امپریالیست نبوده، بلکه اهداف داخلی دیگری در میان بوده است؛ نظر شما چیست؟

بسیار خوب. باید ببینیم که هدفشان خیر و صلاح کشور بوده است یا نه؟ هدفشان چه بود؟ استرداد شاه و متعاقب آن که اموال ایران بلوکه شد، اینها خواستار رفع بلوکه شدن این اموال بودند.

خوب، اگر این کار را نمی‌کردند که اموال کشور بلوکه نمی‌شد که بعد آن را به‌عنوان درخواست مطرح کنند! آیا شاه را تحویل دادند؟ اموال بلوکه را چگونه؟ همه را پس دادند یا هر طور دلشان خواست حساب کردند؟ روالی هم که منجر به قرارداد الجزایر شد، روال درستی نبود و بیشترین اشتباهات در تنظیم آن صورت گرفت و بزرگ‌ترین کلاه بر سر مردم گذاشته شد. تمام کسانی که اینجا اموالشان مصادره شده بود، تابعیتشان را تغییر داده و به‌عنوان اتباع آمریکا، به دادگاه لاهه شکایت کرده و با حکم قاضی چند برابر پول آن را از حساب تنخواهی که توسط دولت الجزایر باز شده بود و از محل دارایی‌های بلوکه شده ایران پر می‌شد، دریافت می‌کردند.

شما در حالی به انتقاد از قرارداد الجزایر می‌پردازید که آقای صباح زنگنه، عضو کمیسیون دفاع مجلس اول در گفتگو با «خبر آنلاین» به شدت موافق آن بودند و از آن دفاع می‌کردند. نظرتان در این باره چیست؟

بله، ایشان حتی گفته بودند که مجلس کار کارشناسی بسیاری در این زمینه کرد؛ در حالی که مجلس اصلاً در جریان قرار نگرفت. برای همین هم اسمش را بیانیه گذاشتند، نه قرار داد؛ چون بر اساس قانون اساسی هر گونه قرارداد بین دولت‌ها باید به تصویب مجلس برسد. برای اینکه این موضوع را به مجلس نفرستند، اسمش را بیانیه گذاشتند. من اعتقاد دارم که هم ایشان و هم آقای شمس اردکانی منظورشان از بررسی دقیق مجلس، شرایط آزادی‌گروگان‌ها بوده است، نه بررسی مفاد قرارداد یا بیانیه الجزایر.

واقعا مجلس در جریان نبود؟

نه، اصلاً مجلس در جریان مفاد قرارداد نبود. نهایتاً دولت ایران از دولت الجزایر درخواست وساطت کرد و دولت الجزایر هم قبول کرد. مذاکرات در نخست‌وزیری بین مقامات ایرانی با مقامات الجزایری آغاز شد. مشروح این مذاکرات ضبط شده و موجود است. طرف ایرانی از سفیر الجزایر می‌پرسید ما چه بگوییم و چه نگوییم. سفیر الجزایر می‌گوید شما باید بگویید چه می‌خواهید. اینها می‌گویند که شما برادران مسلمان ما هستید. شما می‌دانید چه می‌خواهیم؛ خوب خودتان بروید و صحبت بکنید. اینها جالب است! اگر بخواهیم وارد جزئیات بشویم بحث طولانی می‌شود. به هر حال بعد از مذاکرات مفصل توافق‌هایی صورت می‌گیرد و یادداشت‌هایی رد و بدل می‌شود.

برای مذاکره یک هیئت چهار نفری الجزایری شامل رضا مالک، سفیر الجزایر در آمریکا، عبدالکریم غرایب سفیر الجزایر در ایران، مصطفایی، رئیس بانک مرکزی الجزایر، محمدحسین، مدیرکل اقتصادی وزارت خارجه الجزایر به ایران آمدند. از طرف ایران، آقایان بهزاد نبوی، گودرز افتخار جهرمی، پرویز ممقانی، مسعود بامداد، نمایندگان بانک مرکزی و نماینده وزارت امور خارجه ایران آقای احمد عزیزی در یک جلسه شرکت می‌کنند. در جلسات بعد هیئت الجزایری همان گروه پنج - شش نفری هستند، اما از ایران تنها کسی که در تمام مذاکرات همیشه به‌عنوان نماینده ایران حضور داشته آقای احمد عزیزی یا آقای بهزاد نبوی بوده است. در یک چنین امر به این مهمی و مذاکرات فنی قطعاً بایستی متخصصینی از بانک مرکزی و وزارت دارایی یا جاهای دیگر می‌بودند. حتی از نظر سیاسی هم این حرکت بسیار نپخته‌ای بود که کسی همه مسئولیت یک چنین کار بزرگی را به عهده بگیرد؛ ولو برای اینکه آبروی خودش را هم حفظ کند باید کسان دیگری را هم در مذاکرات دعوت می‌کرد. چرا آن هیئت اولیه در جلسات بعدی شرکت نکرد؟ معلوم نیست. تمام صورت‌جلسات به امضای این دو نفر است. در بعضی از صورت‌جلسات فقط یک نفر امضا کرده است.

در نهایت آقایان بهزاد نبوی و افتخار جهرمی و عده دیگری به الجزایر رفتند و این قرارداد را منعقد کردند. بیانیه الجزایر در ۲۹ دی امضا می‌شود. خود آقای نبوی هم بعدها گفت که این‌کاره نبوده و اصلاً حقوق بین‌الملل نخوانده بوده و حتی در یک

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۴۹۹

برنامه تلویزیونی در پاسخ به منتقدین با صراحت گفت: این قدر چرتکه نیندازید که چقدر دادیم، چی دادیم و چی گرفتیم!

به یاد دارم که رئیس جمهور وقت (ابوالحسن بنی‌صدر) علیه دولت آقای رجایی به دلیل امضای این قرارداد اعلام جرم کرد و مدعی شده بود که مصالح و منافع کشور را به باد دادند.

در مذاکراتی که میان آقایان بهزاد نبوی و افتخار جهرمی به‌عنوان نمایندگان دولت ایران و هیئت آمریکایی به سرپرستی وارن کریستوفر و با میانجی‌گری دولت الجزایر انجام شد، توافق‌هایی صورت گرفت که شامل دو مقدمه و شش قرارداد بود که در دو متن انگلیسی و فارسی تهیه شده بود. هر دو متن را نمایندگان ایران امضا کرده بودند، ولی متن فارسی به امضای نماینده آمریکا نمی‌رسد که البته علت آن را نمی‌دانم و نمی‌فهمم چرا طرف ایرانی متوجه این نقص نشده بود. همان زمان گفته می‌شد که این بیانی‌ها و قراردادهای مربوط به آن، اصولاً در ردیف بزرگ‌ترین قراردادهای بین‌المللی در زمینه حل و فصل مسائل و اختلافات مالی میان دو کشور در کل تاریخ دیپلماسی جهان است. ما در هیچ دورانی از تاریخ چنین قراردادهایی، چه از لحاظ حجم پولی مورد بحث و اختلاف و نیز از نظر تعداد دعاوی که طرفین علیه همدیگر داشته‌اند، نداشته‌ایم که میان دو کشور به امضا رسیده باشد. علاوه بر این، دو بیانیه الجزایر و شش قرارداد پیوست آنها، هم از نظر محتوا و لغاتی که در این قرارداد به کار رفته، در تاریخ اختلافات قضایی دنیا بی‌سابقه است.

همان زمان یکی از روزنامه‌ها مدعی شده بود در اختلافات میان کشورهای مختلف جهان بر سر مسائل فی‌مابین و دعاوی که داشته‌اند، قراردادهایی امضا شده است، اما نه در این حد و گستردگی. به‌عنوان نمونه، بعد از شکست مکزیک از آمریکایی‌ها در جنگ میان دو کشور، قراردادی بین آن دو امضا شد. از نظر حجم اختلافات و توافق‌ها به پای این قراردادهای الجزیره نمی‌رسد. علاوه بر این، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در این قرارداد علیه ایران به کار رفته، به هیچ وجه قابل مقایسه با قراردادهایی که آمریکا با مکزیک داشت - آن هم بعد از یک جنگ طولانی، که با شکست مکزیک تمام شد - قابل مقایسه نیست.

۵۰۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

شما اعتقاد دارید که آمریکایی‌ها از اینکه سفارتشان در تهران اشغال شده و تعدادی از کادر دیپلماسی‌شان به گروگان گرفته شده، استقبال کردند؟

ببینید قضیه دو وجه دارد: یکی دولت آقای کارتر است و خطر شکست وی در انتخابات پیش رو، و دیگری منافع جناحی از سرمایه‌داران آمریکایی به سرپرستی راکفلر و چیس منهتن بانک و افرادی نظیر نیکسون که از دوستان قدیمی شاه بودند. گروه اول بدون تردید از امر گروگان‌گیری متضرر شده و در نتیجه نمی‌توانستند موافق آن باشند، اما گروه دوم همان کسانی هستند که کارتر را تحت فشار قرار داده بودند که به شاه ویزای سفر به آمریکا را اعطا کند. اینها دقیقاً می‌دانستند که ایرانی‌ها از سفر شاه به آمریکا آن هم بعد از پیروزی انقلاب، خاطره‌خوشی ندارند. داستان فرار شاه در پی کودتای ۲۸ مرداد که مستقیم از شمال با هواپیمای اختصاصی به همراهی ملکه ثریا به عراق و سپس به رم رفت و چند روز بعد با موفقیت کودتای انگلیسی - آمریکایی و عوامل مستقیم سیا علیه دولت ملی دکتر مصدق به تهران بازگشت، هنوز در خاطره‌ها فعال است. مردم ایران دولت آمریکا را شریک در تمامی مصائبی می‌دانند که در پی این کودتا بر سرشان آمد.

از کجا با چنین اطمینانی می‌گویید که آمریکایی‌ها خطر راه دادن شاه را به آمریکا و عواقب احتمالی آن را می‌دانستند؟

عواقب احتمالی، نه خیر؛ عواقب قطعی آن را می‌دانستند. اولاً زمانی که اعلام شد یا حتی قبل از آن، وقتی احتمال داده شد که ممکن است شاه به آمریکا سفر کند، چند یادداشت رسمی از ناحیه وزارت خارجه ایران برای آمریکایی‌ها فرستاده شد و زمانی که اعلام شد دولت پرزیدنت کارتر با سفر استعلاجی شاه به آمریکا موافقت کرده است، دولت ایران رسماً به دولت آمریکا هشدار داد و عکس‌العمل خشمگینانه مردم ایران را در پی این سفر پیش‌بینی کرده بود. علاوه بر این، رسماً درخواست کرد ترتیبی دهند تا پزشکان مورد وثوق ایران معاینات طبی از شاه به عمل آورند. با مخالفت مقامات آمریکایی، مجدداً و از طریق دیپلماسی رسمی از آنان خواسته شد مدارک پزشکی شاه را برای اطمینان بخشی ایرانیان به دولت ایران نشان دهند. هیچ‌کدام را آنها [آمریکایی‌ها] نپذیرفتند. از طرف دیگر، سولیوان سفیر آمریکا در تهران نیز همین خطر

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۰۱

را بسیار جدی ارزیابی کرده و آن را به اطلاع مقامات وزارت خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا رسانده بود. خود من نیز در مقام معاون نخست‌وزیر، بروس لینگن کاردار سفارت آمریکا در تهران را از خطر احتمالی و شورش غیر قابل کنترل مردم انقلابی ایران و نیز دسیسه‌های قطعی گروه‌های چپ معاند و تحریکات مؤثر آنان برحذر داشتم. افزون بر همه اینها کتاب‌های زیادی در این مدت و در این مورد نوشته شده که همگی به این امر اذعان دارند که دولت آمریکا احتمال چنین خطری را جدی قلمداد کرده بود. حال قاعدتاً می‌پرسید چرا علی‌رغم این هشدارها و آگاهی‌ها، باز هم به این امر تن درمی‌دهند؟ پاسخ این سؤال را باید در خصلت «وطن‌ناشناسی» سرمایه‌داری جستجو کنید. برای سرمایه‌دارانی نظیر صاحبان چیس منهتن بانک و برادران سولیوان و مورگان‌ها، فقط و فقط حفظ سود و سرمایه اهمیت دارد و بس. کسانی که چهار میلیارد دلار وام به شاه داده‌اند و بازپرداخت آن را در پی پیروزی انقلاب با مشکلاتی مواجه می‌بینند و حتی برخی آن را غیر ممکن دانسته بودند، منافعشان ربطی با مصالح آقای کارتر ندارد که در عین حال رقیب انتخاباتی آنها نیز هست و شکست او ضامن پیروزی آنها در انتخابات پیش رو می‌باشد.

بیخشید؛ یعنی اعتقاد دارید این جریان و این افراد را باید عامل اشغال سفارت آمریکا در تهران دانست؟

هم نه و هم آری. نه، بدین معنا که من دانشجویان را مرتبط با این جریان نمی‌دانم و اعتقاد ندارم که اینها برای تأمین منافع آن سرمایه‌داران چندملیتی اقدام به چنین امری کرده‌اند. و آری از این جهت که گاه شما برای انجام امری افرادی را مأمور می‌کنید و فرماندهی آن را تا حصول به نتیجه در دست دارید. گاهی هم شرایطی را فراهم می‌کنید و یک سلسله عملیاتی را ساماندهی می‌کنید که عکس‌العمل طبیعی آن، انجام همان کاری است که منافع شما را به دنبال دارد. در روابط بین‌المللی و یا در فعالیت‌های سازمان‌هایی نظیر سیا، یک اصل یا شیوه‌ای وجود دارد که به آن می‌گویند تحریک کردن یا شانتاژ؛ یعنی نهادی یا دولتی می‌خواهد کاری انجام بدهد و به دشمن یا حریفش حمله کند، اما به‌طور عادی نمی‌تواند و دنبال بهانه می‌گردد؛ می‌آید طرف

۵۰۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

مربوطه را تحریک می‌کند تا او دست به کاری بزند که بهانه‌ای باشد برای آغاز تهاجم. در مسائل سیاسی، بخصوص در سطح بین‌المللی از این شیوه، در آشکال گوناگون، فراوان استفاده می‌شود. باید این را در زبان سیاست بین‌المللی فهمید. اگر نفهمیم سرمان کلاه می‌رود. کاری را انجام می‌دهیم که ظاهرش ضد آمریکا است، اما عمیقاً به نفع آمریکاست. از پیغمبر خدا نقل شده است که اگر می‌خواهید از شر قومی در امان باشید، زبان آنها را یاد بگیرید. در اینجا زبان به معنای ذهنیت و تفکراتشان و شیوه‌های زندگی‌شان است. اگر این را در نیابید، گول می‌خورید. در زبان روابط بین‌المللی این شیوه تحریک، بسیار رایج است. مثالی می‌زنم: شما می‌بینید که یک ژنرال آمریکایی در خاطرات خودش در روزنامه «واشنگتن پست» می‌نویسد که تاکتیک‌ها و شیوه‌هایی که ایرانی‌ها در جنگ با عراق به کار بردند در تاریخ بی‌سابقه است، بی‌نظیر است. اگر ایرانی‌ها یک حمله دیگر به صدام بکنند، صدام ساقط شده، تمام منافع ما در خاور میانه برهم خواهد خورد. اگر این ژنرال آمریکایی واقعاً این جور فکر می‌کند، چرا نمی‌رود در ستاد ارتششان یا در شورای امنیت ملی خودشان آن را بحث کند؟ چرا می‌آید در روزنامه مطرح می‌کند؟ او آن را در روزنامه بحث می‌کند تا در ایران منعکس شود و تصمیم‌گیرندگان جنگ در ایران بگویند خوب، ببینید آمریکا هم متزلزل شده است؛ ارزش و اثر تاکتیک‌های جنگی ما را دریافته است. اگر ما یک حمله دیگر بکنیم، صدام کارش تمام است؛ پس باید جنگ را ادامه بدهیم. چرا در مورد جنگ‌های دیگر آمریکایی‌ها این گونه سخاوتمندانه به تجلیل نیروهای متخاصم نمی‌پرداختند؟ این یکی از همان انواع شانناژ و تحریک است.

مثال دیگر می‌زنم: در زمان مرحوم رجایی، در مجلس می‌گفتند که ریگان گفته ما باید در ایران یک دولت میانه‌رو روی کار بیاوریم. بعد شروع می‌کردند به دولت موقتی‌ها فحش دادن، که شما مورد توجه آمریکا هستید؛ اما فراموش می‌کردند که اگر قرار باشد در ایران یک دولت میانه بر سر کار بیاید، از طریق مجلس باید بیاید؛ یعنی آمریکا چشم امیدش به مجلس است. ما که در مجلس اکثریتی نداریم. مخاطب این سخن، اکثریت نمایندگان افراطی و تند مجلس هستند. آمریکا با بیان این سخن می‌خواهد عناصر مشخصی را تحریک کند که در خط افراطی خود بمانند؛ زیرا این به نفع آنهاست.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۰۳

در مورد اشغال سفارت آمریکا در تهران هم همین طور است. یک گروه فشاری در آمریکا می‌خواسته این کار صورت بگیرد. کتاب‌های متعددی هم در آمریکا در این باره منتشر شده است که حاوی مدارک زیادی می‌باشند. البته بدون اینکه لازم باشد تمام این نوشته‌ها را تأیید نماییم، معتقدیم خواندن و مطالعه آنها در روشن شدن ذهن و درک مسائل خیلی مفید و مؤثرند.

این اسناد نشان می‌دهد که گروه راکفلر، کیسینجر و نیکسون، کارتر را برای دادن ویزا به شاه ایران تحت فشار قرار دادند؛ اما چرا؟

در زمان شاه گروهی از بانک‌ها در آمریکا، به محوریت بانک چیس منهن، چهار میلیارد دلار وام به ایران داده بود. با پیروزی انقلاب، وصول این وام در معرض خطر قرار گرفت. راکفلر، رئیس و صاحب بانک چیس منهن یک سندیکای بانکی، با شرکت چند بانک دیگر درست کرده بود که مشترکاً وامی را به مبلغ چهار بلیون دلار به ایران پرداختند. البته در زمانی که این وام را دادند فکر نمی‌کردند در ایران انقلاب می‌شود و ممکن است این چهار میلیارد از بین برود، بلکه فکر می‌کردند یک سفره مرتضی علی پهن است و آنها هم [می‌توانند] از آن بهره‌مند شوند و برای اینکه با هم دعواشان نشود و با هم رقابت نکنند، سندیکایی درست کردند از همه بانک‌ها، که نسبت به میزان سرمایه و قدرت و امکاناتشان از این سفره گسترده بهره‌ای بگیرند.

بعد از مدتی در ایران انقلاب شد. شوخی نیست که چهار میلیارد [دلار] یک‌دفعه از بین برود. کل اعتبار خانواده راکفلر به‌عنوان یکی از پنج گروه بزرگ سرمایه‌دار بانکی آمریکا در معرض خطر بود.

برادران سولیوان و مورگان‌ها از جمله همین پنج گروه هستند؛ باید کاری بکنند که این پول زنده شود. چه خطری این پول را تهدید می‌کرد و چرا؟ چرا فکر می‌کردند که ممکن است از بین برود؟

دولت جدید ایران می‌توانست از بازپرداخت این وام سر باز زند؛ حتی اگر این وام به دولت ایران داده شده بود و دولت زمان شاه مسئولیت پرداخت آن را پذیرفته بود، دولت ایران می‌توانست به استناد قاعده فورس ماژور از بازپرداخت آن سر باز زند (قاعده فورس ماژور را در پی نوشت ۳ مصاحبه بخوانید).

۵۰۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

سرمایه‌داری بی‌اعتنا به مصالح وطنی در آمریکا، می‌دید ملت ایران علیه شاه انقلاب کرد و آن نظام را سرنگون کرده است. تعهدات شاه برای دولت جدید الزام‌آور نیست؛ بنابراین، سندیکای بانک‌های آمریکا دستشان به هیچ کجا بند نبود و نمی‌توانستند این چهار میلیارد را پس بگیرند. در سایر کشورهایی هم که انقلاب صورت گرفته است، سرمایه‌گذاران خارجی با مشکل عدم بازیافت سرمایه‌های خود روبه‌رو بوده‌اند. سرمایه‌گذاران آمریکا در چین، چهل سال بعد از انقلاب چین، زمانی که نیکسون به چین رفت و روابط عادی برقرار شد، توانستند از هر یک دلاری که در چین داشتند تنها ۲۰ یا ۲۵ سنت پس بگیرند. در کوبا هنوز هم نتوانسته‌اند دیناری بازپس بگیرند. بانک‌های آمریکایی می‌دانستند که به هر دادگاهی بروند نمی‌توانند ایران را به پرداخت آن وام محکوم و مجبورکنند. چون از طریق روال عادی و دادگاه‌ها نمی‌توانستند، باید از طریق دیگری عمل کنند: یکی از آن کارها همین بود که شد. تمام تحلیل‌های حتی سفارت آمریکا در ایران حاکی از این بوده که اگر شاه را به آمریکا ببرند، به سفارت حمله می‌شود. بانکداران می‌گفتند چه بهتر. این فرصت خوبی برای آنها خواهد بود. بعضی‌ها ممکن است بگویند که با این کار احساسات و پرستیژ آمریکا در دنیا به خطر می‌افتد؛ اما همه می‌دانیم که سرمایه‌دارانی در چنین قد و قواره، نه دین دارند و نه وطن. شما می‌دانید که کمپانی‌های چندملیتی برای اینکه به دولت‌هایشان مالیات ندهند، در جاهای دیگر، در پاناما یا در لیشتن اشتاین و یا در لوگزامبورگ و سوییس ثبت شده‌اند. برای آنها مسئله مهم و عمده، گردش سرمایه و پولشان و سودشان است و برای زنده کردن سرمایه‌های خود دست به هر کاری می‌زنند.

این را هم متذکر شوم که این موضوع ادعای تنها من نیست. مدارک و مستندات زیادی و کتاب‌های متعددی در این مدت در این باره نوشته و منتشر شده‌اند که همه ابعاد مختلف این امر را نشان می‌دهند.

آنچه اینجا می‌توانم با تأکید بیان کنم این است که اگر دانشجویان ما حد اکثر بعد از اشغال سفارت، به گروگان‌گیری متوسل نمی‌شدند، و فقط به دنبال سرخ‌دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران می‌رفتند، شاید مسئله به اینجا کشیده نمی‌شد و اموال ایران بلوکه نمی‌گشت.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۰۵

البته دانشجویان پیرو خط امام استرداد شاه را نیز از جمله مطالبات خود قرار داده بودند.

بله؛ ولی کمی شناخت تاریخ و کمی هوشیاری سیاسی لازم بود تا بدانیم که آمریکا هرگز شاه را به ایران مسترد نمی‌کرد. آنها باید ملاحظه دیگر دوستانشان را در منطقه، نظیر شاه و شاهزادگان سعودی و دیگر سران دست‌نشانده خود در منطقه و در دیگر نقاط جهان را می‌کردند؛ وانگهی خود دانشجویان در گفتارهایشان سقوط یا به زیر کشیدن دولت را اهم اهداف خود دانسته و استرداد شاه را تازه پس از اشغال سفارت و آن هم شرط آزاد کردن گروگان‌ها ذکر کرده بودند.

این مطلب را هم اضافه کنم که در خلال سفر آقای دکتر یزدی، وزیر خارجه ایران به سازمان ملل متحد برای شرکت در سی و چهارمین اجلاس مجمع عمومی، وزیر امور خارجه آمریکا (سایروس ونس) در رأس هیئتی به دیدن آنها آمد. در طی مذاکرات، ونس تأکید کرد که دولت آمریکا انقلاب و دولت جدید را به رسمیت شناخته است. هیئت ایرانی در همین مذاکرات از آنها می‌خواهد کسانی را که در ایران مرتکب جنایت شده و تحت تعقیب هستند و به آمریکا فرار کرده‌اند را دولت آمریکا به ایران تحویل دهد. بعضی‌ها را هم، که در آتش زدن سینما رکس آبادان نقش داشتند نام می‌برند. مدارک این شخص در اداره محرمانه گذرنامه وجود داشت و معلوم بود در چه تاریخی و با چه نام و گذرنامه‌ای از ایران محرمانه خارج شده و در کجای کالیفرنیا زندگی می‌کند. البته لازم به یادآوری است که تا آن زمان قراردادی بین ایران و آمریکا برای استرداد مجرمین وجود نداشت.

نمایندگان آمریکا در این دیدار، اصل مطلب را رد نکردند، ولی گفتند این امر تابع مقررات ویژه‌ای است و باید با مقامات قضایی خودشان مذاکره کنند. دولت موقت، پیرو مذاکرات نیویورک از طریق وزارت خارجه و طی یادداشت‌های رسمی از نمایندگان دولت آمریکا خواست شاه و اموال خاندان سلطنتی را به ایران برگردانند. این اقدامات در جریان بود که ماجرای اشغال سفارت و مسئله گروگان‌گیری پیش آمد و قضیه شکل و حالتی دیگر به خود گرفت.

آقای دکتر، در برخی گزارشات آمده بود که اشغال سفارت آمریکا و به‌ویژه امر گروگان‌گیری، تأثیرات مخربی در جامعه آمریکا برجای گذاشته و افکار عمومی‌شان را حتی علیه روشنفکران خودشان گردانده است. نظرتان در این باره چیست؟ می‌دانید که جنگ ویتنام و نقش آمریکا در این جنگ، موجب تغییراتی در زمینه‌های اجتماعی در بین روشنفکران آمریکا و پیدایش جنبش ضد جنگ و اعتراض شدید مردم به دخالت آمریکا در ویتنام و در سایر کشورها شد.

در تاریخ آمریکا شاید سابقه نداشت که مردم، در یک راهپیمایی و گردهمایی بزرگ پانصد هزار نفری در شهر واشنگتن جمع بشوند و علیه جنگ ویتنام تظاهرات کنند. سابقه نداشت که دانشجویان آمریکایی آن‌قدر در این مبارزه سیاسی درگیر شوند که دولت، یعنی پلیس دولت مجبور شود وارد دانشگاه کنت بشود و دانشجویان کنت را به گلوله ببندد و شش - هفت نفر را بکشد. سابقه نداشت که جوانان آمریکایی به‌عنوان اعتراض به جنگ ویتنام، کارت آماده به خدمت سربازی خود را به‌طور علنی و گروهی در مجامع عمومی آتش بزنند. مجموعه اینها یک آگاهی جدید سیاسی را در مردم آمریکا به وجود آورد که از نظر تغییرات در مناسبات قدرت حایز اهمیت بسیار بود. این یعنی جامعه آمریکایی تجربه جدیدی از دخالت آمریکا در کشورهای دیگر پیدا می‌کند؛ یعنی جنبش علیه سیاست‌ها و عملکردهای دولت آمریکا وارد سرزمین خود آمریکا شده است. اگر مردم آمریکا از آنچه دولتشان در دنیا انجام می‌دهد، آگاهی پیدا بکنند علیه کارهای خلاف دولتشان می‌ایستند.

یکی از پیامدهای جنگ ویتنام و شکست مفتضحانه آمریکا در این جنگ، بروز پدیده اجتماعی - روانی معروف به سندرم ویتنام است. مردم آمریکا به داشتن غرور شناخته شده‌اند. شکست آمریکا در این جنگ به غرور جمعی مردم آمریکا آسیب وارد آورد.

جنبش ضد جنگ و سندروم ویتنام، در صورت ادامه، می‌توانست زمینه‌ساز تغییرات بسیار گسترده‌ای در سیاست خارجی دولت آمریکا بشود. در دهه اول و دوم قرن بیستم، سیاست خارجی آمریکا بر پایه انزواطلبی یا ایزولیشنیزم^۱ بود: سیاستی که می‌گفت به ما چه مربوط است که در دنیا چه می‌گذرد. جنگ جهانی دوم پایان عصر

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۰۷

این سیاست بود. جنگ ویتنام و پیامدهای آن موجب فشارها و بحث‌های جدیدی شد مبنی بر اینکه سیاست خارجی آمریکا باید برگردد به همان حالت عدم دخالت در امور داخلی کشورها؛ یعنی همان اصل انزوای طلبی. اگر مردم ویتنام می‌خواهند یک دولت کمونیستی داشته باشند به ما چه مربوط است؟ مردم ایران می‌خواهند یک حکومت اسلامی داشته باشند و دست دزد را از چهار انگشت یا از آرنج بزنند به ما چه مربوط است، ما چرا دخالت می‌کنیم؟ ما نباید دخالت کنیم. طرح این بحث‌ها و نظرها و اعمال فشار بر دولت آمریکا و محدود کردن دخالت‌هایش در کشورهای دیگر برای کشورهای دنیای سوم، که از دخالت‌های دولت آمریکا رنج می‌بردند یک حرکت مفید و امیدوارکننده‌ای بود.

گروگان‌گیری و ادامه آن تا ۴۴۴ روز، این وضعیت را به کلی برهم زد. آن دستاوردها را از بین برد و موجب روی کار آمدن دست‌راستی‌ترین دولت‌ها در آمریکا، شد: امری که آثار شوم آن را در همین خاورمیانه و شمال آفریقا و در مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم مشاهده می‌کنیم؛ روندی که تبعات آن را در ایجاد اجماع جهانی علیه حقوق اولیه کشورمان مشاهده می‌کنیم و آثار ویرانگر آن را بر اقتصاد ایران شاهد هستیم.

اخیراً آقایان شمس اردکانی از مذاکرات دیپلماتیک شما با آمریکا از طریق آلمان‌ها خبر داده بودند. اینجا آقای زنگنه هم معتقد بودند که مذاکرات شما مهم‌تر از مذاکرات آقای شمس با شخصی به نام آندری یانگ بود. در این باره کمی توضیح می‌دهید؟

بله. البته ماجرای مذاکرات من با مذاکرات آقای شمس متفاوت بود. ایشان مذاکراتشان با آمریکا برای برقراری روابط مجدد بود که گفته بود بهزاد نبوی شبانه رأی آقای رجایی را علی‌رغم نظر موافق آقای بهشتی زد؛ اما من برای حل مسئله گروگان‌ها از کانال آلمان با آمریکا وارد مذاکره شدم.

شما مستحضر هستید که امام مسئله حل مشکل گروگان‌ها را به مجلس واگذار کردند. پس از ماجرای گروگان‌گیری، مدتی طول کشید که مجلس تشکیل شود و بیشتر هم درگیر مسائل داخلی بود. من دیدم که زمان در حال گذر است و کشور

۵۰۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

همچنان درگیر بحران است و موضوع گروگان‌ها فراموش شده است. اواخر تابستان بود و به ذهنم رسید که باید کاری کرد. رفتم به دیدن احمدآقا [خمینی] و گفتم که شما گویا مشکل گروگان‌ها را فراموش کرده‌اید و اگرچه امام موضوع را به مجلس واگذار کرده‌اند، اما مجلس درگیر کارهای خودش است. احمدآقا گفت که واقعیت این است که ما بریده‌ایم. تو می‌گویی که چه کار کنیم؟ به او گفتم که باید ببینیم حداکثر و حداقل خواسته‌هایمان چیست؟ می‌توانیم بر اساس آن با آمریکایی‌ها مذاکره کنیم. اگر هم مجلس روزی بخواهد در این مورد ورود پیدا کند، باید شروطی بگذارد. پس چه بهتر که قبل از آن درباره این شروط، بررسی‌هایی صورت گیرد و احیاناً با آمریکا مذاکراتی شود که ببینیم این شروط را می‌پذیرد یا نه! وقتی شروط آزادی گروگان‌ها به توافق دو طرف منجر شد، می‌توان آن را در اختیار مجلس گذاشت تا آن را مطالعه و بررسی کند و بر اساس مصالح کشور به تصویب رساند.

ایشان پذیرفت. همان جا از او خواستم تا این موضوع را به اطلاع امام برسانیم. به همراه ایشان به دیدار امام رفتیم و من همین مسئله را مطرح کردم و پرسیدم حداقل خواسته ما در قبال آزادی گروگان‌ها چه باید باشد. بعد از گفتگوهای چند، امام چهار شرط را بدین ترتیب تعیین کردند:

- ۱- بازپس دادن اموال شاه و خانواده‌اش.
- ۲- لغو تمام ادعاهای آمریکا علیه ایران.
- ۳- تضمین آمریکا به عدم مداخله سیاسی و نظامی در ایران.
- ۴- آزاد کردن تمامی اموال و سرمایه‌های توقیف‌شده ایران.

پس از آن به دیدار آقای هاشمی، رئیس مجلس رفتم و موضوع را با ایشان نیز در میان گذاردم و نظر ایشان را نیز جویا شدم. همچنین دیداری با آقای بنی‌صدر رئیس جمهور داشتم و برنامه‌ام را به اطلاع ایشان نیز رساندم و یادآور شدم که موضوع باید تا حصول به نتیجه مخفی بماند؛ چون هم در ایران و هم در آمریکا گروه‌هایی هستند که مایل به حل مسئله نمی‌باشند و بدون تردید با انواع حیل به کارشکنی روی خواهند آورد. البته آقای بنی‌صدر دو سال پیش که من این مطلب را در گفتگویی با «روزنامه شرق» مطرح کرده بودم، منکر این خبردهی شده و اظهار داشته بود که دیدار من با

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۰۹

ایشان به نتیجه گفتگوهایم با مقامات آمریکایی مربوط می‌شده و ربطی به برنامه‌ای که در پیش داشته‌ام و قبل از دیدار با آنها نبوده است.

در ایران چه جریاناتی بودند که مخالف حل این مسئله بودند؟

پاسخ این سؤال را می‌توانید در اظهارات آقای دکتر شمس [اردکانی] و نیز آقای صباح زنگنه و نیز در مشروح مذاکرات مجلس بیابید. مخالفین ایرانی این ماجرا کسانی نبودند جز افراطی‌های راست و چپ؛ آنها که می‌خواستند ریگان سر کار بیاید؛ از جمله توده‌ای‌هایی که خواستار ادامه‌التهاب با آمریکا بودند؛ کسانی که هنوز نمی‌دانستند عراق مترصد حمله به ایران است؛ جریاناتی که نمی‌گذاشتند جلسات مجلس به حد نصاب برسد تا شرایط آزاد شدن گروگان‌ها به تصویب برسد. تا جایی که صدای آقای منتظری از بیرون مجلس درآمد و آقای خلخالی هم تصادفاً در مجلس سرو صدا کرد که چرا خرابکاری می‌کنید و نمی‌گذارید که کار پیش برود. همچنین علی‌رغم نظر موافق آقای هاشمی، رئیس مجلس، افرادی از جریاناتی که یک سر آن می‌توانست به حزب جمهوری اسلامی بخورد و سر دیگرش به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پیوند می‌خورد و نیز افرادی که در داخل و خارج مجلس تحت تأثیر تبلیغات و تحریکات توده‌ای‌ها قرار گرفته بودند و همچنین جریانات پرشور و احساساتی افراطی و افرادی که به تبلیغات و اظهارات دار و دسته مسعود رجوی اعتقاد داشتند. خلاصه مجموعه و ملغمه‌ای از عواملی که هر گونه خردورزی و آرامش و اعتدالی را در جامعه نمی‌پذیرفتند، مخالف حل این مسئله بودند. برخی هم بر اساس درک سیاسی‌شان معتقد بودند که بهتر است ریگان بیاید سر کار و اعلام شود که ما بودیم که کارتر را به ذلت و سقوط کشانیدیم. برای همین هم شعار «بعد از شاه کارتر باید برود» را سر می‌دادند.

برگردیم سر موضوع مذاکراتان از کانال آلمان‌ها. چرا از کانال کشور آلمان

وارد مذاکره شدید؟ آنجا دوستانی داشتید؟

بله، من بیست سال در آلمان زندگی کرده بودم. من آقای "گنشر" وزیر خارجه آلمان را از قبل از انقلاب می‌شناختم و با او دوست بودم. اغلب مقامات آلمانی را هم از طریق امام صدر می‌شناختم؛ چون من در اغلب دیدارهایشان با مقامات اروپایی یا

۵۱۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

به‌عنوان همراه و یا به‌عنوان مترجم در کنارشان بودم و این ارتباطات را هم به دلیل فعالیت‌های سیاسی‌ام حفظ می‌کردم. علاوه بر این بعضی از هم‌دوره‌های دانشگاهی‌ام به مقامات بالای حکومتی رسیده بودند.

پس از گفتگو با امام و آقایان هاشمی و بنی‌صدر چه کردید؟

من با سفیر آلمان در تهران تماس گرفتم و از او خواستم با آقای گنشر، وزیر امورخارجة آلمان تماس بگیرد و از طرف من از ایشان بخواهد که پیغام مرا به کاخ سفید رسانده و بگوید که من آماده‌ام تا با موافقت و حمایت مقامات تصمیم‌گیر در ایران در جلسه‌ای با نمایندگان پرزیدنت کارتر، شرایط ایران را برای آزادی گروگان‌ها مطرح کنم.

چند ساعت بعد دکتر ریتسل، سفیر آلمان در تهران به من خبر داد که پرزیدنت کارتر از این پیشنهاد خیلی استقبال کرده، اما یک نگرانی هم دارد. نگرانی او از این بود که در این مدت، افراد زیادی مراجعه کرده و ادعا کرده بودند که مسئله گروگان‌ها را حل می‌کنند. آمریکایی‌ها هم با آنها وارد مذاکره شده بودند، اما سر بزنگاه معلوم می‌شده که پشتشان خالی است و بدون اطلاع مقامات تصمیم‌گیر اصلی وارد میدان شده بودند. او به من گفت آمریکایی‌ها گفته‌اند از کجا اطمینان حاصل کنیم که شما پشتتان به عالی‌ترین مقامات تصمیم‌گیر در ایران گرم است؟

حرفشان معقول بود. برای همین نزد امام رفتم و گفتم که پس از گفتگو با شما، با آلمان‌ها تماس گرفتم و آقای کارتر پرسیده است که از کجا بدانم که من با اطلاع و حمایت شما برای مذاکره می‌روم و شما به نتایج مذاکرات صحنه می‌گذارید؟ ایشان پرسیدند که چگونه می‌خواهی اطمینان بدهی؟ من گفتم: شما چند روز دیگر یک دیدار عمومی دارید، اگر در آن دیدار، این چهار شرط خود برای آزادی گروگان‌ها را عنوان کرده و بگویید که اگر آمریکا این شروط را بپذیرد، مجلس مقدمات آزادی گروگان‌ها را فراهم می‌کند، من به آنها خبر می‌دهم که در سخنرانی چند روز بعد امام، شرایط آزادی گروگان‌ها اعلام خواهد شد. وقتی آنها در بیانات شما این شروط را شنیدند، این را بهترین نشانه بر اصالت مأموریت خواهند دانست. امام این مسئله را تأیید کردند.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۱۱

روز قبل از دیدار عمومی امام هم بار دیگر این موضوع را به ایشان یادآوری کردم. اتفاقاً «همیلتون جردن» سخنگوی کاخ سفید در خاطراتش در این باره نوشته است که «این پیام ما را خیلی دلگرم کرد و کارتر از این کار خیلی خوشحال بود. تا اینکه روز موعود فرا رسید و من به اتفاق پرزیدنت کارتر و با حضور مترجمین در اتاقی پای سخنرای آقای خمینی نشستیم تا درجا سخنان وی را بشنویم و برایمان ترجمه شود. امام سخنانش را با مسائل معنوی و اخلاق آغاز کرد که هیچ ربطی به موضوع گروگان‌ها نداشت. احساس کردیم که دوباره سرکارمان گذاشته‌اند و داشتیم افسرده می‌شدیم که یکباره شنیدیم که امام اظهار داشت «و اما درباره مسئله گروگان‌ها ...» همگی نگاهی به یکدیگر دوختیم. خیلی خوشحال شدیم و سپس شنیدیم که امام شروط چهارگانه ایران را گفت و افزود که اگر آمریکا این شروط را بپذیرد، مجلس مقدمات آزادی گروگان‌ها را فراهم می‌کند. کارتر با شنیدن این جملات، رو به وارن کریستوفر کرده و می‌گوید که تو خودت برو و با نماینده ایران وارد گفتگو و تعامل شو. پیداست که جای درستی آمده‌ایم».

گزارش جردن و نیز شرح خاطرات کریستوفر در مورد این دیدار و مذاکره هم جالب است. او نوشته است:

«وقتی به بُن^۱ رسیدم فکر می‌کردم با یک فرد ریشو و اورکت پوشیده و یا یک فرد روحانی روبه‌رو می‌شوم، اما با فردی مواجه شدم شبیه جنتلمن‌های فرانسوی با کت و شلوار ابریشمی و کراوات که با زبان انگلیسی با من خوش و بش کرد. من بر روی یک فرش ایرانی ایستاده بودم و با مردی مؤدب و خندان روبه‌رو شده بودم».

جلسه آن روز ما چند ساعتی طول کشید و ادامه جلسه به صبح روز بعد و توام با صبحانه موکول گردید که اتفاقاً با یک کت اسپرت رفته بودم که آقای کریستوفر به همین پوشش من اشاره کرده است. ما در دور اول درباره آن چهار شرط به علاوه دو موضوع دیگر که من به آنها افزوده بودم، مفصل گفتگو کردیم. در کلیت موضوع و نیز موادی که اضافه کرده بودم - از جمله تأمین نیازهای تسلیحاتی که ایران پول آن را در

۱. پایتخت وقت آلمان غربی.

۵۱۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

زمان شاده داده بود - به توافق رسیدیم. این جلسه سه - چهار ساعت طول کشید و قرار شد جلسه بعدی که به جزئیات خواهیم پرداخت، همان طور که گفتم صبح روز بعد و با صرف صبحانه باشد. هنگام خداحافظی من به کریستوفر گفتم که می‌خواهم یک موضوع خصوصی مربوط به خودم را با شما در میان بگذارم. او هم با انبساط خاطر استقبال کرد و گفت: حتماً حتماً. شاید با خود فکر می‌کرد که من از او ویزا یا کارت سبز یا مشابه آن می‌خواهم! اما من به او گفتم که «می‌خواهم بدانم که سازمان‌های اطلاعاتی شما درباره دایی من (امام صدر) چه اطلاعاتی دارند؟» کمی مکث کرد و گفت: «می‌ترسم اطلاعات ما بیش از اطلاعات شما نباشد». من از او خواستم تا این موضوع را از سازمان‌های اطلاعاتی‌شان بپرسد و به من خبر دهد. ایشان هم پذیرفت.

صبح روز بعد آقای گنشر، وزیر خارجه آلمان به هتل محل اقامت من آمد و به اتفاق به قصر وزارت خارجه برای ادامه گفتگو رفتیم. سر میز صبحانه، آقای کریستوفر کنار من نشست و بدون مقدمه به من گفت که ما درباره امام صدر و آنچه بر سرش آمده، خبر موثقی نداریم، اما با پازل‌چینی‌هایی که می‌کنیم به نتیجه خوبی نمی‌رسیم و سپس به تشریح موضوع پرداخت که من شرح آن را در گفتگوهای دیگر با رسانه‌ها آورده‌ام.

گفتگوهای مفصل این جلسه هم چهار - پنج ساعتی به طول انجامید و در نتیجه آن، چهار شرط ما با ملحقات آن پذیرفته شد. قرار شد آقای کریستوفر نتیجه مذاکرات را به پرزیدنت کارتر ارائه دهد و ایشان موافقت خود را با آنها کتباً نوشته و امضا کند و به من بدهد تا من با بازگشت به تهران به مقامات مربوطه برسانم. دو روز بعد در دوسلدورف در هتل محل اقامت من از طریق وزارت خارجه آلمان، آقای شلاگ اینوایت پاکتی به من داد که حاوی نامه ۲۵ صفحه‌ای پرزیدنت کارتر بود که ایشان در آن به پذیرفتن شرایط ما پرداخته و ضمناً ضرب الاجل زمانی را تعیین کرده بود که تا ماه اکتبر که آغاز برنامه‌های انتخاباتی آمریکاست، این مسئله تمام شود. طبیعی هم بود که چنین درخواستی بشود. ما هم می‌خواستیم این اتفاق هرچه سریع‌تر رخ دهد تا

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۱۳

امتیازاتی را که می‌خواستیم، بگیریم. کارتر هم که می‌خواست دوباره انتخاب شود، حاضر بود امتیازات مورد درخواست ما را بدهد.

فردای همان روز حدود ساعات نزدیک ظهر من عازم پرواز به تهران با هواپیمای اختصاصی فالکن بودم. یکی از معاونین وزارت خارجه آلمان هم مرا تا فرودگاه همراهی می‌کرد، اما خلبان من با کادر پروازی‌اش که رفته بود تا هواپیما را آماده پرواز کند، کارش طول کشید. نیم ساعت، سه ربع، یک ساعت ... از همراه پرسیدم که چرا ماجرا این قدر طول می‌کشد؟ او رفت و پرس‌وجویی کرد و گفت که برج پرواز مشغول هماهنگی برای انجام این پرواز است. باز هم یک ساعت طول کشید. من شخصاً با خلبان با بی‌سیم فرودگاه صحبت کردم که علت این تأخیر چیست و او هم پاسخ داد که از همه لحاظ آماده پرواز است، ولی برج مراقبت هنوز به او اجازه پرواز نمی‌دهد. من عصبانی شدم و گفتم: چه مسئله‌ای پیش آمده که مرا دو ساعت معطل کرده‌اید؟ معاون وزیر خارجه هم رفت و آمد و گفت: «من نمی‌خواستم ناراحتتان بکنم. می‌خواستم از خبری که شنیده بودم مطمئن شوم، متأسفانه فرودگاه مهرآباد بمباران شده و شما نمی‌توانید وارد آسمان ایران شوید».

جنگ آغاز شده بود و ما نمی‌توانستیم پرواز کنیم. برای همین به هتل برگشتیم. شش - هفت روزی طول کشید تا اینکه مرحوم شهید سرتیپ فکوری، وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی به من تلفن کرد و گفت که لحظه ورودم به آسمان ایران را اطلاع دهم تا او با جت‌های جنگی، هواپیمای مرا اسکورت کند و به فرودگاه مهرآباد بیایم. همین کار هم انجام شد.

من به محض ورود به ایران، لباس‌هایم را عوض کردم و به دیدن امام رفتم و گزارش کارم را دادم. نامه کارتر را هم نشان دادم که قرار شد آن را به آقای هاشمی در مجلس برسانم. من این پاکت را به آقای هاشمی رساندم و اگرچه انتظار می‌رفت که مجلس به سرعت به آن رسیدگی کند، اما مدام امروز و فردا می‌شد و دستور کار مجلس به محض ورود به موضوع گروگان‌ها با عدم نصاب لازم روبه‌رو می‌شد!

نمی‌شد امام خودشان مستقیماً به مجلس امر می‌کردند که این مسئله را پیگیری

کنند؟

۵۱۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

آخر هم این کار را کردند. کمیسیونی که در مجلس به این کار رسیدگی می‌کرد، زیر نظر آقای موسوی خویینی‌ها بود.

مگر رئیس کمیسیون سیاست خارجی آقای خاتمی نبودند؟

نه؛ اغلب اعضای کمیسیون سیاست خارجی مجلس حاضر نشدند بررسی این موضوع را گردن بگیرند؛ لذا یک کمیسیون ویژه تشکیل شد که به این موضوع سفارت و شرایط پیشنهادی امام برای آزادی گروگان‌ها رسیدگی کند که بعد صدای آقای منتظری و خلخالی و حتی خود امام درآمد و مجلس نهایتاً تصویب کرد.

من منتظر بودم که به من بگویند بروم و مقدمات اجرای کار را فراهم کنم. احمدآقا مرا خواست و من رفتم آنجا و گفتم که آقای رجایی تصمیم گرفته که از طریق الجزایر این مشکل را حل کند. من گفتم چرا الجزایر؟ کاری نیست که بخواهد الجزایر انجام بدهد.

توافق حاصل شده و شرط‌ها هم مشخص است و فقط کارهای فنی مانده که باید انجام بشود. ما که چلاق نیستیم و قرار نیست که معامله‌ای یا مذاکره‌ای خاص صورت بگیرد. این کارها همه انجام شده است. انجام کارهای فنی بعدی و فراهم کردن مقدمات بعدی که کار پیچیده‌ای نیست. احمدآقا گفت که بیا تو هم با این هیئت برو. گفتم که من با این هیئت نخواهم رفت و به شما هم می‌گویم که این موضوع شکل گرفته برای اینکه این مذاکرات به ثمر نرسد و به ثمر هم نخواهد رسید. گفت تو از کجا این را می‌گویی؟ گفتم ببینید به ثمر می‌رسد یا نه. من هم برای حفظ آبروی خودم به طرف‌های مورد مذاکره اطلاع می‌دهم که از این تاریخ دیگر مسئولیتی در این مورد ندارم. این حق قانونی دولت آقای رجایی است و تصمیم گرفته است که از این طریق این کار را فیصله دهد.

آقای شمس اردکانی در مصاحبه‌ای که با خبرآنلاین داشتند گفتند که این تلاش‌ها صورت گرفت تا اینکه به قضیه طبس رسیدیم و متوقف شد و بعد دوباره مذاکرات از جانب شما و از جانب ایشان ادامه پیدا کرد.

نه؛ اینها همه مدت‌ها بعد از ماجرای طبس است.

شما گفتید که آنها از شما یک نشانه‌ای خواستند برای اینکه یقین کنند که شما از جانب تصمیم‌گیران نظام جمهوری اسلامی حمایت می‌شوید. آقای شمس اردکانی هم می‌گوید که ما هم از آقای کارتر نشانه‌ای خواستیم برای اینکه ثابت شود دولت آمریکا در این توافق مُصِرّ هستند که آنها بحث متجاوز بودن دولت عراق در جنگ تحمیلی را مطرح کردند.

این موضوعات اصلاً ربطی به هم ندارد. این آقایان دو موضوع برقراری رابطه با آمریکا و موضوع شرایط آزادی گروگان‌ها را با هم قاطی کرده‌اند. آقای شمس بحث تجدید روابط با آمریکا را می‌گوید که قرار بود آقای رجایی به آمریکا برود و متن آن را هم در تهران آماده کرده بودند و طبق اظهارات آقای شمس، شب قبل از دیدار با نماینده آمریکا، آقایان بهزاد نبوی و افتخار جهرمی رأی ایشان را زده بودند. اینها این دو مسئله را با هم قاطی کرده‌اند. این مسئله‌ای که من می‌گویم مربوط به آزادی گروگان‌هاست و آن مسئله مورد نظر آنها موضوع تجدید روابط با آمریکاست.

وقتی مجلس چهار شرطی را که پرزیدنت کارتر قبول کرده بود تصویب کرد، ما همچنان در چهارچوب زمانی که کارتر تعیین کرده بود، قرار داشتیم؛ یعنی اگر همان روز که مجلس تصویب کرد به من اطلاع می‌دادند که برو و کار را تمام کن، سه - چهار روز بعد کار تمام می‌شد. وقتی تصمیم دیگری گرفته شد که من نمی‌دانم چه جریانی به آقای رجایی گفتند که از یک کانال دیگر باید این اتفاق بیفتد؟ خب این از حق و حقوق رئیس دولت است و او تصمیم خود را گرفته و البته به من هم دیگر ربطی ندارد. منتها من گفتم که در این کار یک انحراف و شیطنت می‌بینم و می‌دانم که به ثمر نخواهد رسید.

این انحراف و شیطنت از طرف چه کسی بود؟

نمی‌دانم. به هر حال همان‌طور که گفتم بعد از یک سلسله جلسات در تهران، قرار شد که آقای نبوی به الجزایر برود و تحت اشراف ایشان مسائل انجام بشود. آقای افتخار جهرمی هم همراه ایشان رفتند و اتفاقاً همان آقای کریستوفر آمدند و با ایشان صحبت کردند. در مورد آن بندهای بیانیه یا قرارداد هم خیلی می‌شود بحث کرد.

این ایده‌ای که مذاکرات را به عقب بیندازیم تا دولت آمریکا عوض شود را چه کسانی مطرح کردند؟

برخی کسانی که در روزنامه‌های خودشان از این امر حمایت می‌کردند، اعضای حزب توده بودند. گروه‌های چپ، مجاهدین خلق و مارکسیست‌ها بودند. حتی در طول ۴۴۴ روز ماجرای گروگان‌گیری، فراز و نشیب‌های زیادی پیش می‌آمد؛ مثلاً وقتی پیش آمد که با موافقت امام و تصویب شورای انقلاب قرار شد که گروگان‌ها تحویل شورای انقلاب شود. امام هم موافقت کردند و شورای انقلاب هم تصویب کرد. آقای قطب‌زاده، وزیر وقت امور خارجه، رفت که گروگان‌ها را تحویل بگیرد، اما آنها گفتند که ما همین طوری که تحویل نمی‌دهیم باید از قبل به ما اطلاع بدهید که ما مقدمات را آماده کنیم. پزشکی قانونی باید هرکدام از گروگان‌ها را معاینه و گواهی کند که ما داریم سالم تحویل شما می‌دهیم. آنها در حقیقت می‌خواستند مردم را جلوی سفارت جمع کنند تا مانع انجام این کار بشوند. عملاً هم نگذاشتند که این کار صورت بگیرد. بعداً خبردار شدیم که مسعود رجوی به دوستان در سفارت پیغام داده که قرار است دسایسی صورت بگیرد و گروگان‌ها را از چنگ شما دریاورند. من این حرف را از قول آقای محسن میردامادی نقل می‌کنم. دانشجویان مستقر در سفارت، گویی در آن دوره یک تافتهٔ جدابافته بودند و کاری به شورای انقلاب و دولت نداشتند و خودشان برای خودشان تصمیم می‌گرفتند. حتی خلاف نظر امام عمل می‌کردند و البته گاهی هم گزارشات محرمانه به امام می‌دادند که ما در دولت از آن خبردار نمی‌شدیم. مطلب دیگر هم این بود که سفارت را اشغال و کارمندان را گروگان گرفتند، اما چرا آنها را ۴۴۴ روز نگه داشتند؟ دانشجویان در خاطرات خود گفته‌اند ما می‌خواستیم یک قدرت‌نمایی کنیم و فکر می‌کردیم سفارت و گروگان‌ها را بیشتر از دو یا سه روز نگه نمی‌داریم و رهایشان می‌کنیم، اما وقتی استقبال شد ما نگاهشان داشتیم.

من در این لحظه و در این گفتگو نمی‌توانم حوادثی را که در طی این ۴۴۴ روز در این رابطه اتفاق افتاده، یک به یک و قدم به قدم بررسی کنم، اما وقتی حادثه اتفاق افتاد و نگهداری گروگان‌ها به طول انجامید، تحلیل ما این شد که یک خط دیگری در این

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۱۷

امر ذی نفع بوده و نقش داشته است. البته کتاب‌هایی که بعدها نوشته و منتشر شد تا حدودی زوایای دیگر این ماجرا را روشن کردند. البته این را هم تأکید کنم که نمی‌خواهم هر آنچه را که منتشر شده و توسط مقامات مختلف آمریکایی و غیرآمریکایی نگاشته شده، وحی مُنزَل بدانم، ولی در خیلی از موارد روشن‌گر برخی زاویه‌های این داستان می‌باشد.

آقای دکتر، گفته می‌شود که دولت موقتی‌ها به جای محاکمه گروگان‌ها، می‌گفتند باید سیاست خارجی آمریکا را به محاکمه کشید!

ببینید، مسئله محاکمه گروگان‌ها به دلیل اتهام آنها به دخالت در امور داخلی ایران، خارج از عرف دیپلماتیک بود، اما ما اعتقاد داشتیم که منطبق با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی می‌توانیم سیاست‌های اعمال شده توسط دولتمردان آمریکا علیه منافع ملی‌مان، به‌ویژه [سیاست‌های آمریکا] بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به محاکمه بکشانیم. به همین منظور، طرحی را وزارت خارجه تهیه کرده و به امام تحویل دادند که من به بخش‌هایی از آن اشاره می‌کنم.

آنها شاه را به آمریکا بردند، در حالی که می‌دانستند اگر شاه را ببرند در ایران واکنش چه خواهد بود. خوب ایران واکنش نشان داد. حالا آمریکا باید عکس‌العمل نشان بدهد. خوب با شاه چکار کند؟ این یک بازی مثل شطرنج است. او یک حرکت کرد، ما هم یک حرکت کردیم. خیلی خوب، حالا او چه کار می‌کند؟ یا باید شاه را در آمریکا بکشد و بگوید که مریض بود و زیر عمل جراحی مرد. یا باید از آمریکا ببرد. خوب کجا ببرد؟ یا باید به ایران تحویل دهد، که نمی‌تواند؛ در چارچوب روابط بین‌الملل کنونی جهان اصلاً امکان نداشت آمریکا چنین کاری را بکند و غیرممکن بود، ولی باید یک حرکتی انجام می‌داد. اینجا بود که ما باید سیاست خارجی آمریکا را به بهانه این گروگان‌ها به محاکمه بکشیم نه این گروگان‌ها را.

باید می‌اندیشیدیم ما از آمریکا چه چیزهایی را باید بخواهیم یا بطلبیم. آمریکا مسئول کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. این را هم ما ادعا نمی‌کنیم. در اسناد و مدارک معتبر ثبت شده است. رئیس‌جمهور آمریکا رفته به کنگره و گزارش داده و گفته ما در ایران این کار را کردیم. وزیر امور خارجه‌شان گزارش داده و در خاطراتش هم نوشته

۵۱۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

است که علیه دکتر مصدق در ایران کودتا کردند. جان فوستر دالاس رئیس وقت CIA در خاطراتش این را نوشته است. در آرشیو وزارت امور خارجه آمریکا، سنای آمریکا و مجلس نمایندگان آمریکا این اسناد موجود است. تمام این اسناد حکایت از این می‌کند که دولت آمریکا در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران دخالت کرده و شاه را که به دلیل ترس از ملت ایران فرار کرده بود، دوباره به ایران برگرداندند و یک حکومت سرکوب را بر ما تحمیل کردند. از مرداد سال ۱۳۳۲ تا بهمن سال ۱۳۵۷ هر جنایتی، هر آدم‌کشی، هر قتل و غارتی که در ایران صورت گرفته است آمریکایی‌ها مستقیم یا غیرمستقیم مسئول هستند. در گزارشات رسمی هست که مأمورین CIA و موساد، ساواک را و آکادمی بین‌المللی پلیس در واشنگتن، پلیس ما را آموزش داده‌اند. همزمان با این پیشنهاد ما، همسر یک گروگان آمریکایی رفته به دادگاه آمریکا شکایت کرده که بچه من به دلیل اینکه پدرش را در ایران گروگان گرفته‌اند ترسیده و ناراحت است و حالت وحشت به او دست داده است. از این بابت ایران باید ده میلیون دلار بابت این ترس و نگرانی بچه من به ما خسارت بدهد. باز هم می‌گویم ببینید ما بر اساس معیارهای خودمان چیزی نمی‌خواهیم. معیارهای خود آنها کافی است. ما علیه دولت آمریکا، که به دلیل کودتا و روی کار آوردن شاه و تعلیماتی که به مسئولان پلیس سیاسی ایران داده است، دادخواهی می‌کنیم.

در یک جلد احسن می‌گویم با همین معیارها برای ۲۵ سال از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ده‌ها هزار خانواده ایرانی زندانی داشته است. پدر، پسر، دختر، زن و مرد به زندان افتادند و شکنجه شدند؛ هزاران کودک به دلیل دوری از مادر یا پدر ناراحتی پیدا کرد. اگر بچه یک گروگان آمریکایی برای خاطر دو ماه دوری از پدرش ده میلیون دلار خسارت روانی دیده است، خوب حالا باید دید خسارت چند سال ناراحتی روانی و غیر روانی یک ایرانی در ظرف ۲۵ سال استبداد سلطنتی چقدر می‌شود؟

وزارت خارجه ما در آن پیشنهاد، تمام جزئیات را آورده بود. مثلاً گفته شده بود فرض کنید در یک تصادف رانندگی در آمریکا فردی یک دستش از بین می‌رود؛ راننده مقصر در این تصادف رانندگی، مثلاً فرض در یک شب‌نشینی و مهمانی بوده و سری به خمره زده و کله‌اش کمی گرم شده و هنگام رانندگی چراغ قرمز را ندیده و خیال

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۱۹

کرده سبز است؛ آمده زده ماشین شما را له کرده و دست شما را هم شکسته است. دادگاه بابت این دست شکسته شما چقدر غرامت تعیین می‌کند؟ شرکت‌های بیمه در آمریکا برای این نوع خسارت‌ها جدول دارند، یک دست، یک چشم و ... تمام این ضایعات و جراحات‌ها هر کدام چقدر قیمت دارد. بسیار خوب ما همین را ملاک قرار می‌دهیم. اینهایی که در زندان‌های ایران دستشان را، چشمشان را از دست داده‌اند و فلج شده‌اند، هر کدام چقدر غرامت یا به تعبیر ما دیه دارد؟ همان حساب و کتاب‌های آنها را هم قبول داریم. به خانم خانه‌دار آمریکایی که شوهرش را اینجا گروگان گرفته‌اند و ناراحت هست می‌گوییم ببین خانم، دولت شما طی ۲۵ سال این کارها را در کشور ما کرده است. ما حاضریم ده میلیون دلار ادعای شما را بدهیم به شرطی که تو هم از دولت آمریکا پرداخت خسارت به زن و بچه‌های ایرانی را مطالبه بکنی. این یعنی صحبت کردن به زبان دنیا.

نکته دوم اینکه آمریکایی‌ها حتی به مفاد قراردادهایی که در زمان شاه هم امضا کرده‌اند، عمل نکردند. یک نمونه آن را ذکر می‌کنم: یک شرکت آمریکایی با شرکت مخابرات ایران یک قراردادی بسته بود به مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار، که مثلاً ۹۰۰۰ شماره تلفن نصب کند. تا زمان انقلاب ۴۰۰ میلیون دلار گرفته بود، اما فقط ۳۰۰۰ شماره تلفن نصب کرده بود. حالا او از خدا می‌خواهد ما بگوییم قرارداد ملغا. همین کاری که بعداً بعضی از آقایان کردند. قرارداد ملغا [می‌شود] و جریمه لغو قرارداد را هم از ما می‌خواهد. گفتگوی ما با این شرکت این بود که به اندازه ۴۰۰ میلیون دلاری که گرفته‌ای، کالا تحویل ما بده. از طرف دیگر کالاهایی که فرستاده‌اید و در انبارهای مخابرات ایران موجود است و بازرسی شده است، کالاهایی است که شرکت فلان در شیکاگو روی آنها مارک زده است که قدیمی و از رده خارج شده هستند. اینها را فرستاده‌اند ایران. کالاهای دیگری هم ما داشتیم که پولش را داده‌ایم ولی نمی‌دهند. یک نمونه آن ۴۰۰ میلیون لوازم یدکی نظامی، که پول آن در زمان شاه داده شده است. آنها را برای ارسال به ایران بسته‌بندی کردند. در ایران انقلاب که شد نگهش داشته‌اند و نمی‌فرستند. دولت آمریکا باید آنها را به ایران تحویل بدهد. خوب اینها مطالبات حقوق حقه ماست که می‌توانیم در یک دادگاه مطرح سازیم.

۵۲۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

زمان جنگ ویتنام، «برتراند راسل» دادگاهی را علیه جانسون، رئیس جمهور وقت آمریکا، تشکیل داد. دادگاه بین‌المللی علیه دولت آمریکا و جانسون. همه ویتنامی‌هایی را که شکنجه شده بودند، دست‌شان یا سرشان شکسته بود، آوردند دادگاه و گواهی دادند که چگونه آنها را شکنجه داده بودند. یکی از چیزهایی که جامعه آمریکا را منقلب کرد و آن تظاهرات عظیم را علیه هیئت حاکمه به راه انداخت، مشاهده فیلم همین وقایع بود. در یکی از این صحنه‌ها قفسی را نشان دادند، که به آن قفس پلنگ می‌گفتند. در ویتنام برای نگهداری حیوانات، قفس‌هایی درست کرده بودند، اما در این قفس‌ها، که جای یک حیوان بود، زندانی را داخل آن می‌انداختند و زندانی مجبور بود در داخل آن قفس آن‌چنان چمباتمه بزند که جا بگیرد. در همان قفس به او غذا می‌دادند و در همان جا هم قضای حاجت می‌کرد. انتشار این مدارک، یک‌دفعه وجدان انسانی خیلی از مردم آمریکا را بیدار و منقلب کرد و علیه دولت خودشان دست به تظاهرات و شورش زدند.

خیلی خوب، راکفلر و دار و دسته‌اش به هر نیتی که بوده شاه را بردند و می‌دانستند که اگر ببرند ما هم عکس‌العملی نشان می‌دهیم. گروگان‌گیری شد. آنها هم گفتند بسیار خوب، چه بهتر از این.

حالا ما می‌آییم یک حرکت دیگر می‌کنیم: سیاست خارجی آمریکا را به محاکمه می‌کشیم و اینها را مطرح می‌کنیم و می‌گوییم اینها مطالبات و دعاوی حقوقی است که باید به ما پردازند. این می‌شد یک کار بسیار عظیم بین‌المللی، مثل دادگاه راسل. بعد از آنکه ما این پیشنهاد را مطرح کردیم و امام هم آن را تأیید کردند، در اردیبهشت یا اوایل خرداد سال ۱۳۵۹ کنفرانس بررسی جنایات شاه در ایران برگزار شد.

در آنجا هم پیشنهاد کردیم از درون این کنفرانس یک هیئت منصفه بین‌المللی، از میان همین‌هایی که شما قبولشان دارید و دعوتشان کرده‌اید انتخاب بشود و ما تمام اسناد و مدارکمان را به این هیئت ارائه دهیم. آمریکا هم بیاید و از خود دفاع کند. ما می‌توانستیم این کار را بکنیم. ما می‌توانستیم آن جنبش و جریان [را] که از جنگ ویتنام شروع شده بود با چنین محاکمه‌ای در سطح بین‌المللی تشدید کنیم. اگر

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۲۱

می‌کردیم قطعاً موجب فشار بر دولت آمریکا می‌شد، اما روند جریان‌ات به سوی دیگر کشیده شد که جای بحث آن اینجا و در این مقام نیست.

چرا نظر امام بعد از مواردی از این دست، از جمله مذاکرات شما با آمریکایی‌ها یا همین موضوع لزوم محاکمه آمریکا، تغییر می‌کرد؟ این تغییر موضع، در نتیجه گفتگو با برخی از چهره‌های سیاسی روز بود؟

نه؛ من این را قبول ندارم. اما در برخی کتب خاطرات همچون کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری که عباس سلیمی نمین هم نقدی بر آن نوشته و آن را در قالب کتاب مجزایی منتشر کرده است، از امام به‌عنوان چهره‌ای یاد می‌شود که افرادی همچون آقای هاشمی و یا سید احمدآقا نفوذ زیادی در نظرات ایشان داشتند و در مقاطعی موفق به تغییر نظر ایشان شده‌اند.

این یک خصلت طبیعی انسانی است، اما این جور نبود که امام خدای نکرده مذبذب باشد، ولی خوب این اتفاق می‌افتاد که یک موقع یک تصمیمی گرفته می‌شد و بعد مطالب جدیدی به ایشان گفته می‌شد و بر اساس آن مطلب جدید، نظر ایشان عوض می‌شد. حالا اینکه این مطالب چقدر درست بود یا نه، بحث دیگری است، اما همین را هم در همین حد بگویم که آن ذهنیتی را که برای ایشان می‌ساختند کارساز بود؛ ضمن اینکه امام برای نظرات آقای هاشمی و نیز سید احمدآقا ارزش زیادی قائل بودند.

شما پس از این وقایع دیگر این موضوع را پیگیری نکردید؟

نه و عملاً هم می‌بینید که به جایی نرسید؛ یعنی مثلاً بر سر اموال، بزرگ‌ترین حاتم بخشی‌ها را کردند. هر قراردادی که بین دو دولت برقرار می‌شود به دو زبان تنظیم می‌شود. در قراردادهای ایران یک نسخه به زبان فارسی و یک نسخه به زبان انگلیسی است و طرفین باید هر دو متن را امضا کنند. این در حالی است که طرف آمریکایی متن فارسی را امضا نکرد و اینها هم متوجه نشدند که آنها امضا نکرده‌اند!

مگر هیچ حقوق‌دانی در گروه مذاکره کننده نبود؟

چرا؛ آقای افتخار جهرمی حضور داشت. اما شاید به گفته آقای دکتر شمس اردکانی، نظر باطنی‌اش تحت تاثیر نظر آقای نبوی قرار می‌گرفت و یا محافظه‌کاری

۵۲۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

می‌کرد و یا جوی در کشور ایجاد شده بود و او نمی‌خواست در برابر آن جو قرار بگیرد؛ چرا که از روز بعد از گروگان‌گیری تمام فضای کشور ملتهب شده بود و همه دست‌جات و گروه‌های سیاسی از این اقدام حمایت کردند و فقط این دولت موقتی‌ها (پنجاه شصت تا آدم) بودند که تسلیم این شانتاژ نشدند. من روز پنجم یا ششم بود که به آقای موسوی خویینی‌ها گفتم که من به بقیه کارهایی که انجام شده کاری ندارم، ولی این عمل متهورانه دانشجویان کجایش متهورانه است؟ گفت: پیداست که تو هم مخالفی. گفتم که: یک عده دانشجو تحت حمایت نیروهای پلیس و نیروهای مسلح کشور وارد یک ساختمانی می‌شوند، تهور این موضوع کجاست؟ شما فکر می‌کنید که گروگان گرفته‌اید؟ در واقع شما ملت ایران را گروگان آمریکا کرده‌اید. الآن این آنها هستند که دارند تصمیم می‌گیرند. گفت: پس شما مخالفی. گفتم: جوجه را آخر پاییز می‌شمرند. معدود بودند کسانی که تسلیم آن جو متلاطم و ملتهب نشدند. روزنامه‌های آن دوران را ببینید؛ بیانیه‌های تمامی گروه‌های سیاسی را بخوانید. کسی را یارای ان‌قُلت گویی و مخالف‌خوانی به تصمیمات دانشجویان نبود. هر روز میتینگ‌ها و اجتماعات سیاسی و سخنرانی‌های افراد مختلف بود که در مقابل سفارت برگزار می‌شد. جلوی سفارت یک بساطی راه افتاده بود: از بساط آش رشته و باقلا پخته و سیب‌زمینی تنوری گرفته تا نماز جماعت و سخنرانی و قرائت بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های دانشجویان و تصمیمات حکومتی و ... و اخبار جدید و نتایج افشاگری‌ها و دستیابی به مدارک جدید در سفارت و غیره و غیره و

موضع بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور چه بود؟

آقای بنی‌صدر یک مدت کوتاهی وزیر امور خارجه شد. او یک بیانیه‌ای هم خطاب به آمریکایی‌ها داد و می‌خواست توجیه کند که چرا همچین اتفاقی در ایران افتاده است. در بیانیه‌اش آورده بود که اگر سفارتخانه‌ای در کشور شما فعالیت بکند و بعداً بفهمید که آن سفارتخانه به جای دیپلماسی در کشور شما، علیه منافع شما کار می‌کرده، برخورد شما با آن افراد شاغل در آن سفارتخانه چگونه می‌بود؟ و در آخر بیانیه‌اش هم آورده بود که من به شما اطمینان می‌دهم که وضعیت این گروگان‌ها خوب است و با آنها خوش‌رفتاری می‌شود و نگران نباشید.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۲۳

در آن دوره هر کسی یک جمله علیه دولت موقت می‌گفت، برایش امتیاز بود. البته بعدها بنی‌صدر مدعی شد که او با اشغال سفارت موافق بود، اما با گروگان‌گیری مخالف بوده است؛ اما از همین بیانیه‌اش در «روزنامه انقلاب اسلامی» و دیگر نوشته‌هایش در آن زمان چنین مطلبی استنباط نمی‌شد.

شما در مدتی که گروگان‌ها اسیر بودند، به سفارت می‌رفتید؟

نه؛ اصلاً نرفتم.

شما الان گفتید که قراردادی که شما در آلمان با آمریکایی‌ها تهیه کردید نظر ایران را تأمین می‌کرد. سؤالی که مطرح است این است که خروجی بیانیه الجزایر تا چه حد خواسته‌های ایران را تأمین می‌کرد و چقدر مفاد این بیانیه با مفاد قراردادی که شما تنظیم کرده بودید و پرزیدنت کارتر هم امضا کرده بود، همخوانی داشت؟

من فقط این قدر بگویم که هر چه را که ما خواسته بودیم آقای کارتر امضا کرده بود. آزاد کردن دارایی‌های ایران، شرط و شروط نداشت. هیچ‌گونه ادعایی از هیچ تبعه آمریکایی پذیرفته نمی‌شود، این را کارتر امضا کرده بود. حالا اینها آمدند و امضا کردند که یک دادگاهی در لاهه باشد و یک حساب تنخواهی نزد بانک مرکزی الجزایر باز شود و پانصد میلیون دلار هم در آن حساب واریز شود که پاسخ ادعاهای آمریکایی‌ها باشد. از آن طرف مدام اتباع آمریکایی بروند دادخواست بدهند به دادگاه و قضاتی هم که آنجا هستند، معلوم است که کدام طرفی هستند. چرا این را امضا کردند؟ مگر قرار نبود دخالتی نباشد، مگر قرار نبود آمریکایی‌ها ادعایی نداشته باشند؟ این پول [را] بعدها که گروگان‌گیری کردند بلوکه کردند. این معلول آن است. آن چیزی که ما خواسته بودیم، آن چهار شرط را، آقای کارتر پذیرفته بود و امضا کرده بود.

شما گفتید مجلس هم تصویب کرده بود؛ چرا امام با درخواست شهید رجایی

موافقت کردند؟

چرا موافقت نکنند؟ امام این مسائل را از خودشان دور کرده بودند.

ولی واگذار کرده بودند به مجلسی که تصویب کرده بود؟

۵۲۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

ایشان از کجا باید می‌دانستند که رفتار نمایندگان دولت ایران چگونه و تبعاتش چه خواهد بود؟

یعنی به خاطر اینکه تبعات این موضوع را نمی‌دانستند، واگذار کردند؟

نه؛ این امام نبود که موضوع مصوبه مجلس را به آقای رجایی و به دولت الجزایر واگذار کرد. ایشان مسئله بحث بر سر شرایط آزادی گروگان‌ها را به مجلس منتخب نمایندگان ملت واگذار کردند. به این ترتیب ایشان تصمیمات مربوط به کل مسئله را به مجلس سپرده‌اند. مجلس هم تصویب کرده و اجرای آن را به عهده دولت گذارد. دولت هم تصمیم گرفته که یک هیئتی را به ریاست آقای نبوی مسئول اجرای مصوبه کند و از دولت الجزایر هم خواست که به‌عنوان حافظ منافع ایران در آمریکا، در این مورد برای منافع ایران میانجی‌گری کند. امام هم نه در جریان جزئیات بود و نه می‌توانست باشد و حتی نباید از ایشان توقع داشت که پیش‌بینی کنند که دو ماه بعد، خروجی مذاکرات آقای نبوی چه می‌شود. در آن فضا هم کاملاً یک اعتماد و حسن نیتی نسبت به دولت انقلابی رجایی و یک سوء نیتی نسبت به دولت موقت حاکم بود. هر چه اعتراض و انتقاد هم می‌شد تنها از ناحیه دولت موقت بود.

اینکه فرمودید مجلس را از حد نصاب می‌انداختند، کار چه جریانی بود؟

چپ‌ها بودند، افراطیون مذهبی بودند، توده‌ای‌ها بودند، چپ ایدئولوژیک بود. تندروهای مسلمان خودمان مثل مجاهدین انقلاب اسلامی بودند.

چهره‌های شاخص آنها چه کسانی بودند؟

آقای نبوی بود، آقای عباس عبدی بود، آقای میردامادی بود، آقای اصغرزاده بود. الآن من همه را در یاد ندارم، ولی پیدا کردن نام این افراد کار سختی نیست.

اینها که نام بردید همه که نماینده نبودند؟

اینها افرادی برجسته از جریان حاکم بودند. روزنامه داشتند و نماینده‌هایشان نیز در مجلس بودند.

آقای دکتر، شما از یک دوره‌ای صحنه سیاسی کشور را ترک کردید؛ چرا؟

من هیچ‌گاه صحنه سیاسی را ترک نکرده‌ام. بله، از کار اجرایی کنار رفتم، ولی همان زمان هم با شورای عالی دفاع همکاری داشتم، اما در دولت نبودم؛ چرا که مسیر اجرایی را منطبق بر سلیقه و عقیده خود نمی‌دیدم.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۲۵

یعنی اگر اعضای دولت موقت دوباره به صحنه بازمی‌گشتند، شما هم برمی‌گشتید؟
اعضای دولت موقت به تنهایی کافی نیست. مشی اجرایی مهم است و اینکه چه
سیاستی اتخاذ می‌شود.

حضور امثال شما که در بیت امام هم تأثیرگذار بودید می‌توانست این مشی
اعتدالی را جایگزین کند.

ما تا آنجایی که می‌توانستیم تلاش کردیم، اما در مجلس اول نزدیک به ۷۰ درصد
نمایندگان، عضو حزب جمهوری اسلامی بودند. حزب جمهوری اسلامی هم درست
نقطه‌ی مقابل دولت موقت بود. از آن طرف هم بنی‌صدر رئیس جمهور شده بود و او هم
تا حدودی مقابل دولت آقای بازرگان بود.

حزب جمهوری اسلامی البته در آغاز ادعای زیادی نداشت، اما وقتی در مجلس
اکثریت را به دست آوردند، گفتند چرا از قدرت خودمان استفاده نکنیم؟ چرا در
انتخاب وزرا و نخست‌وزیر نقش نداشته باشیم؟ در انتخاب رئیس جمهور نمی‌توانیم
نقش داشته باشیم، اما در انتخاب نخست‌وزیر که می‌توانیم نقش داشته باشیم. از آن
طرف تمام نهادهای انقلاب دست اینها بود. جهاد سازندگی، سپاه، دادگاه‌های انقلاب،
بنیاد مستضعفان، شورای تبلیغات و ... همه اینها دست آنها بود. من اعتقاد دارم که امام
به همین دلیل فرمان انحلال حزب جمهوری اسلامی را دادند. یک روزی چشم باز
کردند و دیدند که کل امور کشور دست حزب جمهوری اسلامی است.

یادم هست امام به پاریس که آمدند - شاید خلال ماه اول بود - گفتند: مثل اینکه
اصل تفکیک قوا در این‌جا هم زیاد رعایت نمی‌شود. گفتم: چطور؟ گفتند: شما
می‌گویید که صدر اعظم را در آلمان مجلس فدرال تعیین می‌کند. گفتم: بله. گفتند:
خوب این حزبی که در مجلس اکثریت دارد صدر اعظم را تعیین می‌کند و او هم
وزرایش را از حزب خودش برمی‌گزیند و این یعنی که دو قوه در دست یک حزب
است. این کجایش تفکیک قواست؟ یعنی امام یک همچین نگاه ظریفی نسبت به نظام
دموکراسی غربی داشتند. آن وقت می‌بینند که در نظام جمهوری اسلامی قوه قضائیه در
دست آقای بهشتی است، آقای موسوی اردبیلی دادستان انقلابند، در تمام دادگاه‌های
انقلاب، آقایان هستند. اکثریت قریب به اتفاق دولت دست حزب جمهوری اسلامی

۵۲۶ □ شصت سال صبوری و شکوری

است، نخست وزیر دست این حزب است، جهاد سازندگی و تمام نهادهای انقلابی همه دست یک حزب است.

اما برخی معتقد بودند که حزب جمهوری اسلامی را چهار - پنج نفر اداره می‌کردند. این ادعا از نظر شما چقدر صحیح است؟

این حرف در عمل درست نبود. حزب، یک کمیته مرکزی داشت. بعد هم حزب که فراگیر شد از دست آنها در رفت. بعد از انتخابات ریاست جمهوری که حزب جمهوری اسلامی شکست خورد، آقای مظفر^۱ یک گفتگویی با آقای بهشتی دارد که آقای بهشتی می‌گوید علت مشکلات اساسی ما این بود که ما راه ورود به حزب را برای افراد و برای عضوگیری باز گذاشتیم و صلاحیت افرادی را که می‌آیند در حزب را جدی نگرفتیم. نتیجه این شد که از این لحاظ خیلی ضربه خوردیم.

به عقیده من یکی از چیزهایی که نظام مدیریتی کشور را تحت تاثیر قرار داد و توانستند عوامل بیگانه مستقیم یا غیر مستقیم در آن نفوذ کنند، سلول‌های حزب جمهوری اسلامی بود. به‌عنوان مثال حزب توده را در نظر بگیرید، سران این حزب به سران نظام که غالباً مدیران برجسته حزب جمهوری اسلامی بودند پیغام دادند که درست است که ما از مبنا با شما اختلاف عقیده داریم، اما این انقلاب اسلامی را بزرگترین انقلاب ضد امپریالیستی می‌دانیم و خودمان را موظف می‌دانیم که از این انقلاب حمایت کنیم و هر جا ببینیم که این انقلاب در معرض خطر است از آن دفاع خواهیم کرد و اگر اطلاعاتی به دست بیاوریم که کسانی می‌خواهند به این انقلاب ضربه بزنند به شما اطلاع خواهیم داد و به این نحو جلب اعتماد کردند، اما سازمان زیرزمینی حزب توده که سازمانی با تشکیلات قوی سازمانی و وابسته به حزب بود خرابکاری را شروع کردند. در سراسر کشور شایعه پراکنی می‌کردند که مثلاً فلان زن فلان فرماندار بی‌حجاب است، یا فلان استاندار عکس با شاه دارد و به این وسیله سعی کردند یک تصور غلطی در ذهن رهبران روحانی انقلاب از روشنفکران مذهبی و غیر روحانی به وجود بیاورند تا با طرد آنها خودشان جای اینها را بگیرند. و ببینید که

۱. منظور «محمدجواد مظفر» است که آن زمان عضو دبیرخانه شورای انقلاب بود.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۲۷

چقدر هم موفق بودند که فرمانده نیروی دریایی کشور (سرهنگ ناخدا افضلی) عضو کا.گ.ب است. در شورای عالی دفاع، در صدا و سیما، در مجلس شورای اسلامی؛ در دادگاه‌های انقلاب؛ در حزب جمهوری اسلامی همه جا افراد وابسته به این حزب حضور ریاکارانه و خرابکارانه دارند؛ حتی در ارتش و در ستاد فرماندهی آن. اینها همه غیر از جاسوسان نظامی و عوامل اطلاعاتی آمریکا در جنگ و درگیری با عوامل عراق بود و یا چشم‌های ناپاک آواکس عربستان در کشف اطلاعات و برنامه‌های نظامی ایران و خنثی کردن آن. مرحوم فکوری روزی به من می‌گفت ما برای اینکه بتوانیم یک گردان را برای مأموریتی اعزام کنیم که برود و عملیات ایزدایی انجام بدهد باید یک لشکر را به حرکت دریاوریم که چشم‌ها و ذهن‌های بیگانه و نامحرم به آن سمت معطوف بشود و ما بتوانیم این عملیات را انجام بدهیم. آقای ری شهری در جلد سوم خاطراتش نکات جالبی دارد. می‌گوید که حزب توده در بعضی جاها عناصر نفوذی می‌فرستادند و بعضی جاها هم ستاد داشتند. در صداوسیما، در حزب جمهوری اسلامی، در مجلس، در دادگاه‌های انقلاب، چند جا را ذکر می‌کند که این‌ها در آنجا ستاد جاسوسی داشتند.

وقتی برای ریاست جمهوری نامزد شدید آیا امام نظر مساعدی نسبت به بنی‌صدر داشتند؟

امام نظر موافق نداشتند. خود امام صراحتاً می‌گویند که به او رأی ندادند. ما نظر امام را کم و بیش می‌دانستیم. آقای بنی‌صدر یک برنامه تبلیغاتی مهمی دو هفته قبل از رأی‌گیری انجام داد. دو هفته قبل از انتخابات یک عکس با برادر امام آقای پسندیده چاپ کرد و زیر آن یک جمله‌ای گذاشت که همه فکر کردند این جمله از امام است. جهاد سازندگی و سپاه هم پوسترها و بیانیه‌های او را در سراسر کشور منتشر کرد. یکی از عوامل مهم توزیع گسترده پوسترهای انتخاباتی آقای بنی‌صدر، جهاد سازندگی بود. آقای طباطبایی، می‌خواهم بحث دیگری را از شما پرسم و آن مسئله امام موسی صدر است. شما مصاحبه‌ها و گفتگوهای زیادی در این باره انجام داده‌اید و شاید به نظر برسد که مطلب ناگفته‌ای در این ارتباط باقی نمانده باشد، اما بیشتر مسائل به این موضوع برمی‌گردد و به دولت قذافی و کمتر به این مسئله از منظر

داخلی توجه شده است. یک سؤالی که وجود دارد مربوط به بیت آقای منتظری است. مشکل چهره‌ای مانند محمد منتظری با امام موسی صدر چه بود؟

محمد منتظری دوست معمر قذافی بود و یک عده از دوستان اصفهانی او و نیز کسانی مانند آقای غرضی و سید مهدی هاشمی که با بیت آقای منتظری مربوط و مرتبط بودند، از قبل از انقلاب از دوستان قذافی بودند. متهم کردن قذافی و جلوگیری از نزدیک شدن او به ایران را ناشی از فعالیت‌های طرفداران آقای صدر می‌دانستند. وقتی آقای قذافی می‌خواست به ایران بیاید آقای جلود اول آمد و ما راهش ندادیم و هواپیمای او را برگرداندیم. من آن موقع وزارت کشور بودم. به من خبر دادند که یک هواپیما با ۱۵۰ دیپلمات عرب هستند که می‌خواهند وارد آسمان ایران شوند. من گفتم که مشخصاتشان را پرسید که کی هستند و از کجا آمده‌اند. نگفتند. آقای نخست‌وزیر رفته بود زنجان.

نخست‌وزیر که بود؟

آقای بازرگان. آقای دکتر یزدی هم در سفر بود؛ بنابر این، طبق قاعده در صورتی که اینها نبودند موضوع منتقل می‌شد به وزارت کشور. بعد از ظهر بود و وزیر هم نبود و من در دفترم بودم. با دفتر من در معاونت سیاسی تماس گرفتند. گفتم که به آسمان ایران راهشان ندهید و به نیرو هوایی هم اطلاع دادم که نگذارند اینها وارد ایران بشوند. من گفتم که این دیوانه‌بازی تنها می‌تواند توسط قذافی صورت بگیرد و آنها به اتکای محمد منتظری می‌خواستند این کار را انجام بدهند.

من همان موقع به دفتر امام زنگ زدم و به احمدآقا گفتم که همچین کاری شده است و من هم چنین دستوری داده‌ام. ممکن است یک چنین شیطنتی پشت این ماجرا باشد و شما در جریان باشید. دفعه بعد اینها رفتند و فرودگاه را اشغال کردند و آقای جلود را آوردند، ولی امام حاضر نشد او را بپذیرد. جلود چهل روز در خانه آقای منتظری بست نشست که امام بپذیرند که قذافی بیاید. امام گفتند: اول باید تکلیف آقای صدر مشخص بشود. آنها این موضوع را از چشم ماها می‌دیدند و فحش‌های زیادی به ما در روزنامه‌هایشان می‌دادند. اگر بیانیه‌های سید مهدی هاشمی و محمد منتظری را در روزنامه‌هایشان بخوانید یک کینه عجیبی به من داشتند و اصرار هم داشتند. کمترین

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۲۹

فحششان به من عامل امپریالیسم بود. همچنین مطرح کردند اصلاً دولت موقت به دستور آمریکایی‌ها موضوع آقای صدر را به لیبی مربوط کرده است؛ درحالی‌که امام صدر را اسرائیل ربوده است، ولی به درخواست اسرائیلی‌ها و فشار آمریکایی‌ها، دولت موقت مسئله لیبی را مطرح کرده‌اند که این دولت انقلابی را متهم و لکه‌دار کنند و نگذارند پیوند دو دولت انقلابی به نفع دولت انقلابی ایران تمام بشود. یعنی ما به درخواست آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها مسئله لیبی را مطرح کرده‌ایم.

البته برخی هم مسئله کمک‌های تسلیحاتی لیبی به ایران را عامل این موضوع مطرح می‌کنند.

دقت کنید؛ آقای صدر، شش ماه قبل از پیروزی انقلاب ربوده شد. جنگی در کار نبود که مسئله کمک تسلیحاتی لیبی مطرح شود. این حرف‌های بی‌اساس مربوط به بعد از این ماجراهاست. آن موقع هنوز انقلاب پیروز نشده بود و جنگی شروع نشده بود. بعداً که جنگ شروع شد و ماجرای پذیرفتن قذافی توسط امام پیش آمد، کار به این حرف‌ها کشیده شد. آقای منتظری می‌گفت که روابط را کدر و خدشه‌دار نکنیم؛ بنابراین، این حرف‌ها و احادیث به جیره‌خواران آقای قذافی در بیت آقای منتظری مربوط می‌شد. البته من به شخص آقای منتظری در این تهاجمات به من و امثال من کاری ندارم؛ گرچه ایشان هم با صراحت می‌گفتند که این درست نیست که ما در این شرایط، رابطه‌مان را با قذافی تیره کنیم و خود را از کمک‌های نظامی او محروم سازیم و در دنیا تنها بمانیم.

چند وقت پیش، ما گفتگویی با جلال‌الدین فارسی داشتیم. آقای فارسی در آن گفتگو به شدت، شخصیت امام موسی صدر را نقد کردند. میان این دو نفر چه اتفاقی افتاده بود؟

جلال فارسی فکر می‌کرد که مغز متفکر قرن بیستم است. از ایران هم فرار کرده بود و به لبنان آمده بود. در لبنان یک شخصیت بزرگی مانند امام موسی صدر بود و او با خودش فکر کرد که بهتر است از راه تخریب او خودش را بزرگ کند و شروع کرد علیه ایشان صحبت کردن و دروغ گفتن و ادعاهای خلاف طرح کردن و تحریک تعدادی انگشت‌شمار از جوانان بی‌خبر و کم تجربه ایرانی علیه امام صدر. به‌طور کلی

۵۳۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

باید گفت که آقای فارسی بد راهی را برای مطرح شدن خود انتخاب کرد. راه بی‌نتیجه بد اخلاقی و سوءظن و تخریب علیه شخصیتی همچون امام صدر را که مسیحیان به اندازه شیعیان به او دل باخته بودند و او را وجدان لبنان نامیده بودند؛ کسی که حوزه تأثیر سیاسی و عاطفی او از مرزهای لبنان به خارج کشیده شده و موفق می‌شده کسی مانند جمال عبدالناصر را با یاسر عرفات آشتی دهد.

آقای فارسی به یاسر عرفات نزدیک شده بود و به عبث می‌خواست رابطه امام صدر و یاسر عرفات را هم به هم بزند. خوب، موفق هم نمی‌شد. هر کسی هم که پیش او می‌رفت، او شروع می‌کرد به بدگویی از آقای صدر. این بدگویی‌ها را نسبت به نزدیکان امام موسی صدر هم تعمیم می‌داد. به‌عنوان مثال، چمران یکی از این چهره‌ها بود. مؤسسه‌ای امام صدر در جنوب لبنان تأسیس کرده بود که رئیس موقت آنجا شخصی به نام صالح حسینی از دوستان آقای فارسی بود. وقتی چمران به دعوت امام صدر به لبنان آمد، فارسی فهمید که صالح حسینی باید برود؛ بنابراین، علیه چمران هم وارد کار شد. با سازمان الفتح هم سعی می‌کرد روابط آنها با شیعیان و سازمان امل را مخدوش کند. این نوع شیطنت‌ها بیشتر معلول مشکلات شخصی خود او بود؛ در حالی که امل و فتح مسئله‌ای با هم نداشتند. آنها مدعی بودند که ما در خندق واحد علیه دشمن واحد در حال جنگ هستیم.

چه قدر امکان دارد که عواملی از داخل ایران باعث شده باشند که این اتفاق برای امام صدر بیفتد؟

یعنی در زمان شاه؟ مثلاً عوامل ساواک باعث رבוده شدن امام موسی صدر شده باشند؟

نه؛ منظور من عدم پیگیری این مسئله بعد از انقلاب است.

مسلم است که یک اراده‌ای در ایران بود. همین جریانات و دوستان آقای قذافی نفوذ داشتند. قذافی هم پول خرج می‌کرد.

چه قدر امکان دارد چهره‌هایی مثل همین آقای فارسی که قبل از انقلاب در لبنان و فلسطین در رفت و آمد بودند و با قذافی هم رابطه دوستی داشتند در عدم پیگیری وضعیت امام موسی صدر دخیل بوده باشند؟

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۳۱

من نمی‌خواهم آنها را تا این حد و اندازه به خبثت متهم کنم و بگویم که آنها در ربودن آقای صدر و تشویق قذافی به این کار نقش داشته‌اند، اما تا این حد را می‌توانم قبول کنم که آنها از ربوده شدن امام صدر بدشان نیامد، اما بیش از این نمی‌توانم ادعا کنم.

هیچ وقت در این سال‌ها از پیگیری وضعیت امام صدر ناامید نشدید؟

ببینید، دو تا مسئله است: یکی زنده بودن امام صدر است و یکی هم روشن شدن این مسئله که چه بر سر او آمده است. به فرض که آقای صدر در قید حیات نباشند، آیا نباید تکلیف این موضوع روشن بشود که توسط چه کسی و کجا و چگونه این اتفاق افتاده و یا خدای ناکرده جسد ایشان کجاست؟

هنوز امیدی به زنده بودن ایشان دارید؟

عمده تلاش‌ها برای روشن شدن این موضوع است، اما فرزندان ایشان صد درصد اعتقاد دارند که ایشان در قید حیاتند. اظهاراتی هم که می‌شود این امکان را نفی نمی‌کند. اظهاراتی که دال بر شهادت ایشان است، خیلی متناقض و غالباً دست دوم است؛ درحالی‌که اظهارات دال بر حیات ایشان، خیلی واضح‌تر است و نقل آن هم نقل دست اول است. نقل‌های مربوط به شهادت، دست دوم و دست سوم است. به اضافه این اصل فقهی که اگر شخصی تا یک تاریخی بوده است و بعد از آن نمی‌دانید که چه بر سرش آمده است و با عمر طبیعی هم می‌تواند هنوز در قید حیات باشد، نمی‌توانید امر به شهادت یا وفات بدهید.

پی‌نوشت‌ها

پی‌نوشت ۱- داستان از اینجا شروع می‌شد که یک شرکت بزرگ آمریکایی به نام الکترونیک دیتا سیستم^۱ قراردادی را با وزارت بهداشت ایران و سازمان تأمین اجتماعی برای تأسیس و بهره‌برداری یک سیستم ملی تهیه اطلاعات و آمار و ارقام بیمه درمانی و رفاه اجتماعی برای وزارت منعقد می‌سازد. این خدمات مشتمل بر پنج بخش بوده است: سیستم‌های اداری و ثبت تأمین اجتماعی، سیستم‌های اداری و مدیریت مالی

1. Electronic Data System: EDS.

۵۳۲ □ شصت سال صبوری و شکوری

صندوق تأمین اجتماعی، سیستم‌های سازمان بیمه درمانی، سیستم‌های بانک رفاه کارگران و بالاخره سیستم‌های کلی اداری. بعد از امضای قرارداد اولیه، خدمات کامپیوتری سازمان برنامه و بودجه و دفتر مخصوص فرح نیز به آن اضافه شد. این شرکت متعلق به یکی از سرمایه‌داران بزرگ تگزاس به نام راس پرو^۱ بود. راس پرو، همان کسی است که در انتخابات سال ۲۰۰۰ ریاست جمهوری آمریکا، به صورت منفرد نامزد شده بود. وی یکی از بزرگ‌ترین فروشندگان کامپیوترهای IBM در ۱۹۶۲ بود. او سپس ای. دی. اس را تأسیس کرد که ارزشش ۷۸٪ سهام این شرکت بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار، به خود او تعلق داشت. در ۱۹۸۴ راس پرو، شرکت خود را به جنرال موتورز فروخت، اما فعالیت این شرکت در ایران از مدار بازرگانی عادی خارج می‌شود و کارمندان آن دست به فعالیت‌هایی می‌زنند که در نهایت برای دو نفر از کارمندان این شرکت به نام‌های ویلیام گیلورد و پل شیپرون، پرونده جزایی تشکیل و بازداشت می‌شوند.

پی‌نوشت ۲- در گزارش مجله «آتلانتا جورنال» مورخه ۱۳۵۷/۱۲/۱ چنین آمده است: «در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ یک یورش رهبری‌شده توسط سرهنگ اسبق سیا و نیروهای ویژه «آرتور سیمونز» ملقب به «بول» (نزه گاو و از قهرمانان معروف کلاه‌سبزه‌ها) و چهارده آمریکایی دیگر، که سوابق وسیعی در جاسوسی داشتند، بر علیه زندان قصر تهران جهت آزاد ساختن دو آمریکایی به نام‌های ویلیام گیلورد و پل چیاپرونی، انجام گرفت». در این حمله همچنین یک آمریکایی دیگر به نام ماری الن اشنایدر ۴۲ ساله، ساکن باتیسدا، مریلند آزاد شد (واشنگتن پست، ۱۳۵۷/۱۱/۲۷).

اشنایدر در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان کارمند شرکت هلی‌کوپترسازی آمریکایی به ایران آمد و در ایامی که در زندان بود، برخلاف رسم معمول به مقامات سفارت آمریکا سفارش نمود تا از مطلع ساختن اقوام و یا دوستانش درباره زندانی شدنش پرهیز نمایند. شخصی که مخارج یورش به زندان و اجیر کردن آمریکایی‌ها را پرداخت نمود، یک میلیونر آمریکایی دست راستی به نام راس پرو بود که سابقه دخالت در عملیات سیا را داشت.

1. Ross Perot.

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۳۳

در مجله «کانتر اس پای» (Counter Spy)، روزنامه «نیویورک تایمز» در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۶ و «واشنگتن پست» نیز چنین آمده است: حمله به زندان قصر برای آزادی Chiapperoni و Gaylord و شخصی به نام Mary Ellan Schneider هم آمریکا و هم کانادایی‌ها بوده است. مجله ضد جاسوسی «کانتر اس پای» در گزارش خود می‌نویسد: «بدون موضع‌گیری درباره گناهکار بودن یا بی‌گناه بودن فارغ التحصیلان ایرانی دوره‌های کارگری و پلیسی وابسته به سیا، به علت محاکمه‌های مخفی و اعدام‌های فوری که در حال حاضر در ایران جریان دارد، اسامی ایرانیان شرکت‌کننده در این عملیات را چاپ نمی‌کند.

این دو روزنامه بعد از این گزارش خبری، پرسش‌های بی‌پاسخ زیر را مطرح کردند:

۱- دستور سولیوان به مارین‌ها (تفنگداران دریایی مستقر در سفارت) که با مهاجمین به سفارت آمریکا درگیر نشوند!

۲- حضور خانم ماری الن اشنایدر، که کارمند دولت آمریکا نبود، اما موقتاً در سفارت ساکن بود.

۳- حضور عکاس Thomas Karges. UPI که حمله‌کنندگان را همراهی می‌کرد.

۴- ادامه ارتباط تلفنی - رادیویی میان سفارت و پنتاگون؛ اگرچه مهاجمین تمام سیم‌ها را قطع کرده بودند. این ارتباط توسط دو نفر ایرانی ناشناس و شخصی به نام Charles Watters، ۵۴ ساله، توسط رادیو هام Ham یک شرکت مهندسی در اورلاندو/فلوریدا برقرار شده بود. خواهر این شخص و شوهرش بنابه دلایل نامعلومی، در تهران ساکن باقی مانده بودند. رادیو هام یک شبکه گسترده ارتباطات تلفنی در دنیا بود. این شخص در ارتباط با ایران از رادیو هام یک عرب اردنی به نام Naiel Malhas و شخص دیگری ۳۵ ساله به نام Lee Winde از مریلند و متخصص ارتباطات سیا به نام ریچارد پرایس (Richard Price) از پوتوماک، مریلند و دستگاه‌های شنود شوروی که مکالمات رادیو هام را ردیابی می‌کردند، اعلام کردند که حمله و اشغال سفارت در ۱۴ فوریه ۱۹۷۹ کار سیا و ساواک بوده است برای دادن بهانه به آمریکا و حمله مسلحانه به ایران.

۵۳۴ □ شصت سال صبوری و شکوری

راس پرو که ارتباط‌های نزدیکی با مقامات امنیتی [داشت] و خود از جناح محافظه‌کاران و اصولگرایان بسیار متعصب آمریکا بود، این عملیات را بدون هماهنگی قبلی با این مقامات انجام نداده بود. بنا بر گزارش روزنامه‌ها، راس پرو، قبل از انجام یورش، مطلب را به اطلاع کاخ سفید، وزارت امور خارجه کشور، پنتاگون و سیا، توسط دوستش دریاسالار بازنشسته توماس مورد که دوست شخصی استانز فیلد ترنر، رئیس سیا بود، رسانید. گلیورد و چیاپرون، هر دو کارمند شرکت EDS متعلق به راس پرو بودند. شرکتی که قرارداد چهل میلیون دلاری کامپیوتری با شاه و ساواک جهت جمع‌آوری، بایگانی و به جریان انداختن پرونده‌های دانشجویان ایرانی سرگرم تحصیل در خارج از کشور، به‌ویژه در آمریکا منعقد کرده بود. شاید به این علت بود که چنین یورش غیرقانونی جهت آزاد ساختن این دو فرد انجام پذیرفت. راس پرو به ایران سفر کرد و بر انجام این عملیات نظارت داشت.

روز بعد از این عملیات، هاوارد پیکر، رهبر اقلیت در سنای آمریکا، به بهانه و به تلافی حمله به سفارت آمریکا، درخواست اجرای عملیات به سبک انتبه و محاصره اقتصادی ایران را کرد.

واشنگتن پست (۱۳۵۷/۱۱/۲۷) در ادامه نوشت: «این حمله و اشغال سفارت، کار خود سیا و عوامل ساواک بود تا بهانه‌ای برای دخالت آشکار نظامی آمریکا در ایران را فراهم آورده باشند».

یک نویسنده آمریکایی، این داستان را به‌صورت کتابی، با عنوان: «بر بال‌های عقاب» منتشر کرده است.

رادیو و تلویزیون معروف آمریکایی به نام NBC بر اساس کتاب یادشده در بالا و با همکاری راس پرو، فیلمی از این ماجرا ساخت. در این کتاب، نویسنده مدعی شده است که دو نفر کارمندان ای. دی. اس بعد از انقلاب بازداشت شدند، که این نادرست است. یک استاد آمریکایی به نام جیمز بیل نیز در کتاب خود به این ماجرا پرداخته است.

کن فلت، نویسنده «بر بال‌های عقاب» آورده است که: «در دسامبر ۱۹۷۸ دو نفر از مدیران ای. دی. اس. در تهران به اتهام رشوه بازداشت شدند. وثیقه‌ای به مبلغ ۱۲/۷۵

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۳۵

میلیون دلار برای آزادی آنها تعیین شد. درحالی که وکلای شرکت سعی می‌کردند، این دو نفر را با وثیقه آزاد کنند، پرو تصمیم گرفت به هر قیمت آنها را آزاد کند؛ بنابراین، گروهی را به رهبری یک افسر بازنشسته ارتش استخدام کرد و به زندان قصر حمله و آنها را آزاد کردند. آنها بعد از آزادی از طریق کردستان به ترکیه فرار کردند.

پی‌نوشت ۳- در عرف روابط بین‌المللی - اعم از تجاری یا غیرتجاری - قاعده‌ای وجود دارد به نام قانون فورس ماژور. این قانون می‌گوید: اگر تاجری با یک شرکتی قرارداد خرید مثلاً پنج تن گندم را ببندد و فروشنده تعهد و امضا کند که کالای خریداری شده را مثلاً در تاریخ اول آذر در بندر خرمشهر تحویل بدهد. فروشنده روی روال عادی فاصله مبدأ و مقصد را حساب می‌کند و کالا را در زمانی بار کشتی می‌کند و می‌فرستد که در تاریخی که تعهد کرده به مقصد برسد؛ اما دریا طوفانی می‌شود و کشتی غرق می‌شود، زلزله می‌آید، آتش‌سوزی می‌شود، به‌طور ناگهانی بین دو کشور جنگ می‌شود و می‌زنند این کشتی را غرق می‌کنند؛ کارگران کارخانه اعتصاب می‌کنند و تولید متوقف می‌شود و ... در نتیجه فروشنده نمی‌تواند به تعهد خود در زمان معین عمل کند. آیا او باز هم مسئول است و باید خسارت بدهد؟ می‌گویند: نه؛ این فورس ماژور غیرقابل پیش‌بینی بوده است. فروشنده در حدود امکانات انسانی برای انجام تعهد خود عمل کرده است، اما او دیگر نمی‌توانسته زلزله یا طوفان یا جنگ را پیش‌بینی کند و یا کنترل کند؛ بنابراین، خریدار به هر دادگاهی که برود نمی‌تواند از بابت نقض تعهد از فروشنده غرامت بگیرد. این را می‌گویند قاعده فورس ماژور. در دو - سه دهه گذشته، یکی از موارد فورس ماژور که در روابط بین‌المللی مورد قبول واقع شده، مسئله انقلاب است. ملت ایران علیه شاه انقلاب کرد و آن نظام را سرنگون کرد. تعهدات شاه برای دولت جدید الزام‌آور نیست.

نمایه

- اسرائیل، ۱۹، ۲۰، ۶۴، ۶۶، ۹۰، ۹۶، ۱۱۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۲۲۳، ۲۳۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۵، ۴۸۹، ۵۲۹
- اشغال سفارت، ۳، ۵، ۶، ۹، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۹۷، ۱۲۰، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۴، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۹۶، ۱۹۵، ۳۹۸، ۳۹۱، ۳۹۰، ۲۵۹، ۲۰۹، ۴۷۶، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۲۳، ۵۳۳، ۵۳۴
- امپریالیزم، ۳۴۸
- امپریالیسم، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۴۳، ۷۷، ۸۱، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۶۰، ۳۰۵، ۳۶۱، ۴۵۷، ۵۲۹
- امپریالیست، ۵۵
- امریه اجرائی، ۱۲، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴
- امیرانتظام، عباس، ۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷
- انگلستان، ۲۰، ۱۱۰، ۱۱۴، ۲۰۲، ۴۷۱
- انگلیس، ۲۰، ۲۸، ۳۵، ۱۷۴، ۱۸۲، ۲۲۳، ۲۵۰، ۲۵۴، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۹
- بازرگان، مهندس مهدی، ۷، ۸، ۳۶، ۳۷، ۴۵، ۶۹، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۸۸، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۱۳، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۲۸، ۵۲۵
- بختیار، دکتر بختیار، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۹، ۳۱۳، ۴۷۸، ۴۹۰
- برژینسکی، ۳۶، ۴۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۳۴، ۱۸۳، ۱۹۴، ۲۴۶، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۸، ۳۰۰
- بنی‌صدر، دکتر ابوالحسن، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۹، ۲۰۱، ۴۳۲، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۵۵، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۷۴، ۴۹۹، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۲۷
- بهشتی، آیت الله دکتر بهشتی، ۲۴، ۳۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۷۱، ۱۸۰، ۲۰۱، ۴۴۹، ۴۶۵، ۴۹۴، ۵۰۷، ۵۲۶
- بیانیه‌های الجزایر، ۳، ۱۴، ۱۵۸، ۴۳۱، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۶۸
- بیانیه الجزایر، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۵۸، ۲۱۹، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۳۷

۲۷۹، ۳۰۷، ۴۳۱، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۳،
۵۱۱، ۵۰۸

خوینینی‌ها، موسوی خوینینی‌ها سید محمد،
۱۱، ۱۸، ۲۳، ۲۵، ۳۰، ۴۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۰،
۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸،
۲۵۰، ۲۵۱، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۱۴، ۴۹۳، ۵۱۴، ۵۲۲
دانشجویان پیرو خط امام، ۵، ۳۴، ۳۸، ۴۱،
۷۰، ۷۲، ۷۵، ۸۰، ۸۲، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۸۰، ۱۸۲،
۲۰۵، ۴۸۴، ۴۸۵، ۵۰۵

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ۱۷، ۳۳،
۳۴، ۳۵، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۹۸،
۱۶۶، ۱۷۲، ۱۸۱، ۲۲۵، ۲۹۸

دولت الجزایر، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹،
۳۲۱، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۹،
۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۸۳، ۳۸۵،
۳۸۷، ۴۰۱، ۴۵۹، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۲۴
دولت موقت، ۳۱، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۳، ۶۶،
۹۶، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۵۸، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۹۵،
۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۲۳، ۲۳۹، ۲۴۶، ۲۵۱،
۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۴۱، ۴۶۳، ۴۷۶، ۴۸۴،
۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶،
۵۰۵، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۹

رجایی، محمدعلی، ۱۲، ۱۴، ۱۱۱، ۲۳۹، ۲۸۴،
۳۰۰، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۵۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۱،
۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹،
۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۸،
۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶،
۴۶۷، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۸۴، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۲،
۵۰۷، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۲۳، ۵۲۴
رمزی کلارک، ۶۰، ۶۲، ۶۳، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴،
۱۱۷، ۲۸۷، ۲۸۸

۴۴۵، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۸،
۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۷۶، ۴۸۴،
۴۹۸، ۴۹۹، ۵۲۳

پهلوی، محمدرضا پهلوی، محمدرضا شاه،
۸۷، ۱۲۴، ۱۳۵، ۱۵۴، ۱۹۱، ۲۵۵، ۳۳۲، ۳۸۸
تسخیر سفارت، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۱۷۱، ۱۷۲،
۱۷۳، ۱۷۴، ۳۶۶، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۷،
تسخیر لانه جاسوسی، ۱۷۱، ۱۷۲
جبهه ملی، ۱۲۶، ۱۳۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۹، ۴۹۷،
جنبش مسلمانان مبارز، ۳۷، ۴۳، ۱۸۴، ۱۸۵
حزب جمهوری اسلامی، ۱۸۰، ۱۸۱، ۵۰۹،
۵۲۶، ۵۲۵

حزب جمهوری خواه، ۲۰
حزب دموکرات، ۲۰، ۲۲۰
حزب ملت ایران، ۱۷۹
حضرت امام، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۱۹۸، ۴۴۴، ۴۴۹،
۴۶۵، ۴۶۳

حوزه علمیه قم، ۴۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳
خامنه‌ای، آیت الله سید علی، ۷۵، ۷۸، ۱۱۰،
۲۰۱، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱،
۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۹، ۴۷۵
خبرگزاری پارس، ۲۵، ۷۶، ۹۱، ۹۵، ۹۷، ۱۰۰،
۱۵۵، ۱۸۷، ۳۵۲

خمینی آیت الله روح الله الموسوی الخمینی،
۸، ۱۷، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۲،
۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۶، ۸۴، ۹۷،
۹۹، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۴،
۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷،
۱۳۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۲،
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۰۳، ۲۱۹، ۲۲۰،
۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۳

۵۳۸ □ شصت سال صبوری و شکوری

- روابط دیپلماتیک، ۸، ۱۳۷، ۱۳۸، ۲۲۱
 روابط دیپلماسی، ۱۳۵، ۲۲۰
 روزنامه اطلاعات، ۲۴، ۳۱، ۳۵، ۴۳، ۶۰، ۶۵، ۷۰، ۹۱، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۰۶، ۲۹۵، ۳۰۰، ۴۸۹
 روزنامه انقلاب اسلامی، ۳۶، ۶۷، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۱۹۴، ۴۷۵، ۵۲۳
 روزنامه آفتاب امروز، ۳۶، ۱۲۱، ۱۹۵
 روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵، ۱۱۰، ۲۰۶، ۴۵۳، ۴۷۵
 روزنامه کیهان، ۲۶، ۲۸، ۴۰، ۶۵، ۸۷، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۸۶، ۱۹۴
 روزنامه میزان، ۱۰، ۱۱، ۲۰، ۲۱، ۱۹۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۳۰۰، ۳۰۸، ۳۱۴، ۴۷۴
 رهبر انقلاب، ۱۷، ۳۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۸۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۶۳
 ریاست جمهوری آمریکا، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۸۲، ۳۸۵، ۵۳۲
 ریگان، رونالد، ۲۰، ۱۷۵، ۱۹۶، ۲۲۰، ۲۴۳، ۳۰۳، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۴۴۲، ۴۵۶، ۴۶۶، ۵۰۲، ۵۰۹
 سازمان مجاهدین انقلاب، ۲۰، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۵۰۹
 سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۸۰
 سازمان ملل، ۶، ۱۹، ۴۸، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۹۸، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۳۰، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۹، ۱۷۹، ۱۸۹، ۲۵۸، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۷، ۴۰۲، ۴۵۶، ۴۷۴، ۵۰۵
 سپاه پاسداران، ۲۷، ۳۹، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۲۰۴، ۱۸۵
- سحابی، دکتر سحابی، ۱۴، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۳۲، ۲۰۱، ۲۲۴، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۶۳، ۴۶۴
 سفارت آمریکا، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۹، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۰، ۹۸، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۲، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۷۷، ۳۲۶، ۴۷۹، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴
 سفارتخانه، ۵، ۱۸، ۲۶، ۳۹، ۶۰، ۱۷۹، ۲۵۹، ۳۰۲، ۳۰۸، ۴۸۵، ۴۸۹، ۵۲۲
 سوئیت، ۲۳، ۲۸
 شاه مخلوع، ۹، ۱۳، ۴۴، ۷۵، ۷۶، ۸۷، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۲، ۳۹۷، ۳۹۹
 شخصیت، ۷، ۷۰، ۷۱، ۱۰۲، ۱۳۰، ۱۵۷، ۱۶۰، ۳۲۹، ۳۳۴، ۴۴۱، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۲، ۵۲۹
 شخصیت‌ها، ۶، ۴۳، ۵۹، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۷۹، ۲۸۳، ۴۸۴
 شریعتمداری، آیت الله، ۷، ۴۰، ۱۰۰، ۱۳۲
 شعار، ۲۱، ۲۵، ۳۳، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۸، ۱۸۲، ۲۳۹، ۴۱۹، ۴۶۸، ۴۷۸، ۴۹۰، ۵۰۹
 شعارها، ۱۸۴
 شورای انقلاب، ۱۷، ۴۲، ۵۹، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۵، ۷۸، ۸۰، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۴، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۸۰، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۳

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۳۹

۴۴۲، ۴۵۶، ۴۷۶، ۴۸۴، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۳	۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۹۹، ۴۶۳، ۴۷۴، ۴۹۴
۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۲۳	۴۹۵، ۴۹۶، ۵۱۶، ۵۲۶
کانون نویسندگان ایران، ۱۷۹	شهربانی، ۲۷، ۴۸۲
کمیته انقلاب، ۲۶، ۱۸۰، ۴۸۸	صادقی تهرانی، دکتر علی، ۲۳
کمیسیون امور خارجه مجلس، ۱۴۲، ۲۲۴	صهیونیسم، ۲۵، ۱۰۰، ۱۸۲، ۱۸۵، ۲۶۲
۲۳۵، ۲۵۳	طیس، ۸، ۹، ۱۸، ۱۱۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲
کمیسیون تحقیق، ۹، ۹۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴	۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱
۱۵۵، ۱۵۶	۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۶۰، ۳۵۰، ۴۱۸، ۴۲۰، ۵۱۴
کمیسیون ویژه، ۱۱، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱	عبدی، عباس، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۱۲۱، ۱۷۵
۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۴، ۴۳۱، ۵۱۴	۱۷۸، ۵۲۴
کنگره آمریکا، ۱۰، ۸۸، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹	فرهنگ، دکتر منصور، ۵۷، ۷۲، ۱۰۷، ۱۱۳
۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳	۱۹۷، ۲۵۶، ۴۳۰
۲۵۷، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۳۴۹، ۴۷۷	فلسطین، ۱۹، ۴۱، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۱۱۰، ۱۱۵
کودتا، ۸۸، ۹۲، ۹۴، ۹۷، ۱۱۱، ۱۲۵، ۱۲۸	۱۵۳، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۸۵، ۲۴۳، ۲۴۴
۱۲۹، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۴، ۲۳۵، ۲۴۷	۲۵۵، ۲۶۵، ۲۸۳، ۵۳۰
۲۵۱، ۳۰۵، ۴۸۰، ۵۰۰، ۵۱۸	قطب‌زاده، صادق، ۷۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷
کورت والدهایم، ۶۵، ۷۰، ۱۵۳، ۱۵۵، ۴۷۴	۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۵۳
گروگان‌گیری، ۳، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۷، ۱۸	۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۸، ۲۰۱، ۲۴۰
۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۳۰، ۳۶، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۵	۳۰۴، ۵۱۶
۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۸۲، ۹۱، ۱۱۳، ۱۳۸	قم، ۱۷، ۳۰، ۶۳، ۷۶، ۹۹، ۱۰۵، ۱۲۴، ۱۳۲
۱۴۱، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۷۰	۱۴۴، ۱۹۳، ۴۳۹
۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۹	کاخ سفید، ۱۲، ۲۳، ۶۰، ۱۰۴، ۳۲۵، ۳۲۶
۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳	۳۵۷، ۴۵۶، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۳۴
۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۶۳	کارتز، جیمی، ۶، ۸، ۱۹، ۲۰، ۲۳، ۲۸، ۲۹
۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۷، ۲۹۹	۳۵، ۴۳، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۰
۲۹۸، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹	۸۴، ۸۵، ۹۰، ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۷
۳۲۴، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۸۲	۱۳۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۵، ۱۶۹، ۱۷۰
۴۳۴، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۷، ۴۶۶، ۴۶۷	۱۷۵، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۲۰، ۲۲۱
۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۵، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶	۲۲۹، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۷
۵۰۷، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۳	۲۸۴، ۲۸۶، ۳۰۳، ۳۲۱، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲
گلدن پیر، ۲۸	۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۳، ۴۳۳

۵۴۰ □ شصت سال صبوری و شکوری

۲۳۷، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۹۵، ۲۹۷،
 ۳۰۰، ۳۱۶، ۳۴۵، ۳۵۱، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۱،
 ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۲، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۵، ۴۴۷،
 ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۴، ۴۷۵،
 ۴۷۶، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱
 موسوی اردبیلی، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۵۶، ۵۲۵
 مهلوی کنی، ۳۱، ۵۹، ۶۰، ۱۱۰، ۱۸۰، ۲۰۱،
 ۴۸۸، ۴۸۶
 میردامادی، محسن، ۳۶، ۴۲، ۴۹۵، ۵۱۶، ۵۲۴
 نبوی، بهزاد، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۳۶، ۱۳۶، ۱۸۰،
 ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱،
 ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳،
 ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰،
 ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹،
 ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۸،
 ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۶۸، ۴۶۹،
 ۴۷۶، ۴۸۴، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۵، ۵۲۱، ۵۲۴
 نخست‌وزیر، ۱۲، ۱۴، ۲۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰،
 ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۸۸، ۱۹۶، ۱۹۷،
 ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۸۴،
 ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۶، ۳۵۹، ۴۳۴، ۴۳۸، ۴۵۰،
 ۴۷۴، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۳، ۵۰۱، ۵۲۸
 نخست‌وزیری، ۲۷، ۱۳۰، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷،
 ۳۱۳، ۳۱۸، ۳۳۶، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۹۴، ۴۴۳،
 ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۹۸
 نقاشان، حمیدرضا، ۲۰
 نمایندگان ملت آمریکا، ۷، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۸۰
 نهضت آزادی، ۴۲، ۸۸، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۵،
 ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۷،
 ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۹۵، ۴۴۳، ۴۴۵

لانه جاسوسی، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۷۵، ۷۶، ۹۷، ۹۸،
 ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۴۵، ۱۵۷، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۱،
 ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۲۵،
 ۲۲۶، ۲۳۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۲، ۳۰۸، ۴۴۰
 لینگن، بروس، ۲۳، ۲۸، ۱۷۴، ۵۰۱
 مجلس شورای اسلامی، ۱۰، ۳۸، ۴۰، ۴۱، ۹۷،
 ۱۱۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۳،
 ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۳۷،
 ۲۳۸، ۲۵۳، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۹۴،
 ۲۹۶، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۳۵،
 ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۱۷، ۴۳۵،
 ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷،
 ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۲،
 ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۷۷،
 ۴۸۲، ۵۲۷
 محاکمه، ۷، ۴۴، ۶۹، ۸۱، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۱،
 ۹۴، ۹۵، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۳۸، ۱۸۴،
 ۱۸۷، ۲۰۷، ۲۲۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵،
 ۲۷۷، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۴۴۲، ۴۶۸، ۵۱۷، ۵۲۰
 محاکمه گروگان‌ها، ۷، ۸، ۹۰، ۹۱، ۹۴، ۹۵،
 ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۸۷، ۲۴۴، ۲۷۷،
 ۲۹۷، ۲۹۸، ۴۶۳، ۵۱۷
 مردم آمریکا، ۶، ۷، ۱۰، ۶۶، ۶۷، ۷۴، ۷۷، ۷۸،
 ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۱۰۶،
 ۱۳۰، ۱۵۰، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۴۲، ۲۴۹،
 ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳،
 ۲۸۳، ۲۹۴، ۳۵۱، ۴۵۶، ۵۰۶، ۵۲۰
 مستشاران آمریکایی، ۶، ۳۴، ۱۱۲
 مسئله گروگان‌ها، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۴۵، ۴۷،
 ۴۸، ۵۰، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۱۰۳،
 ۱۸۰، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷

مأموریت مجلس شورای اسلامی در ... □ ۵۴۱

نهضت آزادی ایران، ۸۸، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۲، ۱۵۸، ۱۷۹، ۱۹۵
نهضت مقاومت ملی، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۶۵، ۱۲۹
نیروهای انتظامی، ۵، ۲۴، ۱۳۶
وارن کریستوفر، ۶۰، ۴۴۳، ۴۹۹، ۵۱۱
هاشمی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،
۳۸، ۶۶، ۷۰، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۶۷، ۱۸۶، ۲۰۱،
۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۷۷،
۲۷۹، ۲۸۰، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۴۹، ۴۷۶،
۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۲۱، ۵۲۸
هیئت الجزایری، ۱۳، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۳۵، ۳۳۶،
۳۵۱، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۹۴، ۴۹۸
هیئت ایرانی، ۱۲، ۴۳، ۷۴، ۹۸، ۱۰۹، ۳۱۷،
۳۱۸، ۳۳۶، ۳۵۱، ۵۰۵
هیئت ویژه، ۱۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۲۴۶،
۳۰۹، ۳۱۵، ۳۱۷
یاسر عرفات، ۶، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۱۵۳، ۱۶۳،
۵۳۰